

نهج البلاغه به زبان آذری



مترجم: محمد میرزا محمد زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه نهج البلاغه به زبان آذری / محمد میرزا محمدزاده

دانش موسوی ، مشهد ۱۳۸۴

ISBN: 964-7848-64-1

۴۰۹ صفحه / ۴۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- مذهبی - نهج البلاغه ترجمه آذری

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۳۴۳۲۴ م

۸۳/۶۲

ترجمه نهج البلاغه به زبان آذری

مترجم: محمد میرزا محمدزاده

به سفارش جناب آقای نصرت ا... مختاری امیر مجدی

ناشر: دانش موسوی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپخانه: مهشید

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

قطع: وزیری

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک: 964-7848-64-1

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر مخصوص سرمایه گذار آقای نصرت ا... مختاری امیر مجدی محفوظ می باشد.

۰۹۱۵ ۱۱۳ ۱۱۳۲۲

تلفن پخش در سراسر کشور

۰۵۱۱ ۲۲۱۸۶۱۳۴



خداوند کریم را سپاسگذارم که با اطلاعی منتشره در ((نشریه شهر سامان
بازنشستگی کشوری)) با جناب آقای حاج محمد میرزا محمدزاده بازنشسته
فرهیخته آموزش و پرورش شهرستان شبستر مترجم نهج البلاغه به زبان
آذری آشنا شدم. حاصل این آشنایی انتشار کتاب حاضر است امید است
رحمات بیش از ۱۴ سال مترجم محترم مورد استفاده و رهنمون کلیه مسلمانان
آذری زبان در سراسر جهان خصوصا آذری زبانان در کشور اسلام دوست و
ادیب پرور، ایران عزیزمان باشد.

و تجلی بخش مجدد این پیام باشد که ایرانیان مسلمان در طول تاریخ متدین
و فرهنگ دوست بوده و ارادت خاص به مولا امیرالمومنین حضرت علی (ع)
داشته و دارند. و در دوران حکومت جمهوری اسلامی با هر زبان و هرگویش و
در هر گوشه از این خاک پاک هنرپرور که باشند همه یکدل و یک زبانند و
پیروان خاص اسلام ناب حضرت محمد ابن عبدالله (ص) می باشند.

مشهد مقدس

کانون بازنشستگان سازمان امور اقتصادی و دارائی خراسان رضوی

نصرت...مختاری امیرمجدی

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

۱۲	مقدمه.....	۱۲
۱۸	نهج البلاغه نین کولگه سینده.....	۱۸
۲۲	بو بۆلومده.....	۲۲

۴۱	۲۱	خطبه	۲۲	۱	خطبه
۴۱	۲۲	خطبه	۲۷	۲	خطبه
۴۲	۲۳	خطبه	۲۹	۳	خطبه
۴۴	۲۴	خطبه	۳۲	۴	خطبه
۴۴	۲۵	خطبه	۳۲	۵	خطبه
۴۵	۲۶	خطبه	۳۳	۶	خطبه
۴۶	۲۷	خطبه	۳۳	۷	خطبه
۴۸	۲۸	خطبه	۳۴	۸	خطبه
۴۹	۲۹	خطبه	۳۴	۹	خطبه
۵۰	۳۰	خطبه	۳۴	۱۰	خطبه
۵۱	۳۱	خطبه	۳۴	۱۱	خطبه
۵۱	۳۲	خطبه	۳۵	۱۲	خطبه
۵۳	۳۳	خطبه	۳۵	۱۳	خطبه
۵۳	۳۴	خطبه	۳۶	۱۴	خطبه
۵۵	۳۵	خطبه	۳۶	۱۵	خطبه
۵۵	۳۶	خطبه	۳۶	۱۶	خطبه
۵۶	۳۷	خطبه	۳۸	۱۷	خطبه
۵۶	۳۸	خطبه	۳۹	۱۸	خطبه
۵۶	۳۹	خطبه	۴۰	۱۹	خطبه
۵۷	۴۰	خطبه	۴۰	۲۰	خطبه

خطبه	۴۱	۵۸	خطبه	۶۶	۶۹
خطبه	۴۲	۵۸	خطبه	۶۷	۷۰
خطبه	۴۳	۵۹	خطبه	۶۸	۷۰
خطبه	۴۴	۵۹	خطبه	۶۹	۷۰
خطبه	۴۵	۶۰	خطبه	۷۰	۷۱
خطبه	۴۶	۶۰	خطبه	۷۱	۷۱
خطبه	۴۷	۶۰	خطبه	۷۲	۷۲
خطبه	۴۸	۶۱	خطبه	۷۳	۷۳
خطبه	۴۹	۶۱	خطبه	۷۴	۷۳
خطبه	۵۰	۶۲	خطبه	۷۵	۷۳
خطبه	۵۱	۶۲	خطبه	۷۶	۷۴
خطبه	۵۲	۶۲	خطبه	۷۷	۷۴
خطبه	۵۳	۶۳	خطبه	۷۸	۷۵
خطبه	۵۴	۶۴	خطبه	۷۹	۷۵
خطبه	۵۵	۶۴	خطبه	۸۰	۷۶
خطبه	۵۶	۶۴	خطبه	۸۱	۷۶
خطبه	۵۷	۶۵	خطبه	۸۲	۷۷
خطبه	۵۸	۶۵	خطبه	۸۳	۸۳
خطبه	۵۹	۶۶	خطبه	۸۴	۸۳
خطبه	۶۰	۶۶	خطبه	۸۵	۸۴
خطبه	۶۱	۶۶	خطبه	۸۶	۸۵
خطبه	۶۲	۶۶	خطبه	۸۷	۸۷
خطبه	۶۳	۶۷	خطبه	۸۸	۸۸
خطبه	۶۴	۶۸	خطبه	۸۹	۸۹
خطبه	۶۵	۶۸	خطبه	۹۰	۹۰

١٢٧	١١٦	خطبه	٩٨	٩١	خطبه
١٢٨	١١٧	خطبه	٩٩	٩٢	خطبه
١٢٨	١١٨	خطبه	١٠٠	٩٣	خطبه
١٢٩	١١٩	خطبه	١٠١	٩٤	خطبه
١٢٩	١٢٠	خطبه	١٠١	٩٥	خطبه
١٣١	١٢١	خطبه	١٠٢	٩٦	خطبه
١٣٢	١٢٢	خطبه	١٠٣	٩٧	خطبه
١٣٢	١٢٣	خطبه	١٠٤	٩٨	خطبه
١٣٣	١٢٤	خطبه	١٠٥	٩٩	خطبه
١٣٤	١٢٥	خطبه	١٠٦	١٠٠	خطبه
١٣٥	١٢٦	خطبه	١٠٦	١٠١	خطبه
١٣٦	١٢٧	خطبه	١٠٧	١٠٢	خطبه
١٣٧	١٢٨	خطبه	١٠٨	١٠٣	خطبه
١٣٨	١٢٩	خطبه	١٠٩	١٠٤	خطبه
١٣٩	١٣٠	خطبه	١١٠	١٠٥	خطبه
١٤٠	١٣١	خطبه	١١٢	١٠٦	خطبه
١٤١	١٣٢	خطبه	١١٣	١٠٧	خطبه
١٤٢	١٣٣	خطبه	١١٤	١٠٨	خطبه
١٤٣	١٣٤	خطبه	١١٨	١٠٩	خطبه
١٤٤	١٣٥	خطبه	١١٩	١١٠	خطبه
١٤٤	١٣٦	خطبه	١٢١	١١١	خطبه
١٤٤	١٣٧	خطبه	١٢٢	١١٢	خطبه
١٤٥	١٣٨	خطبه	١٢٣	١١٣	خطبه
١٤٦	١٣٩	خطبه	١٢٥	١١٤	خطبه
١٤٦	١٤٠	خطبه	١٢٧	١١٥	خطبه

۱۷۹	۱۶۶	خطبه	۱۴۷	۱۴۱	خطبه
۱۷۹	۱۶۷	خطبه	۱۴۸	۱۴۲	خطبه
۱۸۰	۱۶۸	خطبه	۱۴۸	۱۴۳	خطبه
۱۸۱	۱۶۹	خطبه	۱۴۹	۱۴۴	خطبه
۱۸۱	۱۷۰	خطبه	۱۵۰	۱۴۵	خطبه
۱۸۲	۱۷۱	خطبه	۱۵۱	۱۴۶	خطبه
۱۸۳	۱۷۲	خطبه	۱۵۲	۱۴۷	خطبه
۱۸۴	۱۷۳	خطبه	۱۵۴	۱۴۸	خطبه
۱۸۵	۱۷۴	خطبه	۱۵۴	۱۴۹	خطبه
۱۸۵	۱۷۵	خطبه	۱۵۵	۱۵۰	خطبه
۱۸۹	۱۷۶	خطبه	۱۵۶	۱۵۱	خطبه
۱۸۹	۱۷۷	خطبه	۱۵۸	۱۵۲	خطبه
۱۹۰	۱۷۸	خطبه	۱۶۱	۱۵۳	خطبه
۱۹۱	۱۷۹	خطبه	۱۶۲	۱۵۴	خطبه
۱۹۲	۱۸۰	خطبه	۱۶۳	۱۵۵	خطبه
۱۹۲	۱۸۱	خطبه	۱۶۵	۱۵۶	خطبه
۱۹۶	۱۸۲	خطبه	۱۶۶	۱۵۷	خطبه
۱۹۸	۱۸۳	خطبه	۱۶۷	۱۵۸	خطبه
۱۹۹	۱۸۴	خطبه	۱۶۷	۱۵۹	خطبه
۲۰۲	۱۸۵	خطبه	۱۷۱	۱۶۰	خطبه
۲۰۳	۱۸۶	خطبه	۱۷۲	۱۶۱	خطبه
۲۰۴	۱۸۷	خطبه	۱۷۳	۱۶۲	خطبه
۲۰۵	۱۸۸	خطبه	۱۷۴	۱۶۳	خطبه
۲۰۶	۱۸۹	خطبه	۱۷۵	۱۶۴	خطبه
۲۰۸	۱۹۰	خطبه	۱۷۸	۱۶۵	خطبه

٢٣٢	٢١٦	خطبه	٢١٠	١٩١	خطبه
٢٣٢	٢١٧	خطبه	٢١٠	١٩٢	خطبه
٢٣٣	٢١٨	خطبه	٢١٠	١٩٣	خطبه
٢٣٤	٢١٩	خطبه	٢١١	١٩٤	خطبه
٢٣٤	٢٢٠	خطبه	٢١١	١٩٥	خطبه
٢٣٥	٢٢١	خطبه	٢١٢	١٩٦	خطبه
٢٣٦	٢٢٢	خطبه	٢١٣	١٩٧	خطبه
٢٣٦	٢٢٣	خطبه	٢١٣	١٩٨	خطبه
٢٣٧	٢٢٤	خطبه	٢١٤	١٩٩	خطبه
٢٣٧	٢٢٥	خطبه	٢١٤	٢٠٠	خطبه
٢٣٨	٢٢٦	خطبه	٢١٥	٢٠١	خطبه
٢٣٨	٢٢٧	خطبه	٢١٧	٢٠٢	خطبه
٢٤١	٢٢٨	خطبه	٢١٨	٢٠٣	خطبه
٢٤٤	٢٢٩	خطبه	٢١٨	٢٠٤	خطبه
٢٤٥	٢٣٠	خطبه	٢١٩	٢٠٥	خطبه
٢٤٦	٢٣١	خطبه	٢٢٠	٢٠٦	خطبه
٢٤٧	٢٣٢	خطبه	٢٢٠	٢٠٧	خطبه
٢٤٨	٢٣٣	خطبه	٢٢٣	٢٠٨	خطبه
٢٥١	٢٣٤	خطبه	٢٢٤	٢٠٩	خطبه
٢٦٢	٢٣٥	خطبه	٢٢٤	٢١٠	خطبه
٢٦٣	٢٣٦	خطبه	٢٢٤	٢١١	خطبه
٢٦٣	٢٣٧	خطبه	٢٢٥	٢١٢	خطبه
٢٦٤	٢٣٨	خطبه	٢٢٨	٢١٣	خطبه
٢٦٤	٢٣٩	خطبه	٢٢٩	٢١٤	خطبه
				٢٣١	٢١٥	خطبه

نامہ لـ ۲۶۵

۲۸۰	۲۵	نامہ	۲۶۶	۱	نامہ
۲۸۲	۲۶	نامہ	۲۶۷	۲	نامہ
۲۸۲	۲۷	نامہ	۲۶۷	۳	نامہ
۲۸۴	۲۸	نامہ	۲۶۸	۴	نامہ
۲۸۸	۲۹	نامہ	۲۶۹	۵	نامہ
۲۸۸	۳۰	نامہ	۲۶۹	۶	نامہ
۲۸۹	۳۱	نامہ	۲۷۰	۷	نامہ
۲۹۹	۳۲	نامہ	۲۷۰	۸	نامہ
۳۰۰	۳۳	نامہ	۲۷۰	۹	نامہ
۳۰۰	۳۴	نامہ	۲۷۲	۱۰	نامہ
۳۰۱	۳۵	نامہ	۲۷۳	۱۱	نامہ
۳۰۱	۳۶	نامہ	۲۷۳	۱۲	نامہ
۳۰۲	۳۷	نامہ	۲۷۴	۱۳	نامہ
۳۰۳	۳۸	نامہ	۲۷۴	۱۴	نامہ
۳۰۳	۳۹	نامہ	۲۷۵	۱۵	نامہ
۳۰۴	۴۰	نامہ	۲۷۵	۱۶	نامہ
۳۰۴	۴۱	نامہ	۲۷۵	۱۷	نامہ
۳۰۶	۴۲	نامہ	۲۷۶	۱۸	نامہ
۳۰۶	۴۳	نامہ	۲۷۷	۱۹	نامہ
۳۰۷	۴۴	نامہ	۲۷۷	۲۰	نامہ
۳۰۷	۴۵	نامہ	۲۷۸	۲۱	نامہ
۳۱۰	۴۶	نامہ	۲۷۸	۲۲	نامہ
۳۱۱	۴۷	نامہ	۲۷۸	۲۳	نامہ
۳۱۲	۴۸	نامہ	۲۷۹	۲۴	نامہ

۳۳۶	۶۵	نامہ	۳۱۳	۴۹	نامہ
۳۳۷	۶۶	نامہ	۳۱۳	۵۰	نامہ
۳۳۷	۶۷	نامہ	۳۱۴	۵۱	نامہ
۳۳۸	۶۸	نامہ	۳۱۵	۵۲	نامہ
۳۳۹	۶۹	نامہ	۳۱۵	۵۳	نامہ
۳۴۰	۷۰	نامہ	۳۲۹	۵۴	نامہ
۳۴۱	۷۱	نامہ	۳۲۹	۵۵	نامہ
۳۴۱	۷۲	نامہ	۳۳۰	۵۶	نامہ
۳۴۲	۷۳	نامہ	۳۳۰	۵۷	نامہ
۳۴۲	۷۴	نامہ	۳۳۱	۵۸	نامہ
۳۴۳	۷۵	نامہ	۳۳۱	۵۹	نامہ
۳۴۳	۷۶	نامہ	۳۳۲	۶۰	نامہ
۳۴۳	۷۷	نامہ	۳۳۲	۶۱	نامہ
۳۴۴	۷۸	نامہ	۳۳۳	۶۲	نامہ
۳۴۴	۷۹	نامہ	۳۳۴	۶۳	نامہ
				۳۳۵	۶۴	نامہ

۳۴۵.....اوجونجی بۆلۈم

مقدمه

نکته روح فزا از دهن دوست بگو
نامه خوش خبر از عالم اسرار بیا
تا معطر کنم از لطف نسیم تو مشام
شمه‌ای از نقفات نفس یار بیا

حافظ

شکر بی‌پایان بر آن بی‌همتای بی‌مثال لم‌یلد و لم‌یولد که مرا توفیق داد تا در سایه توجهات خدا قدم در باغ عشقش نهاده دمی روح تشنه خویش را از چشمه‌های زلالش سیراب سازم سخن درباره کیست؟ درباره علی، آن دریای بی‌کران عدل و فتوت و اخلاص و عمل...

شاید گستاخی باشد در محضر بزرگان و علی‌شناسان خود را غواص این دریای ایمان و قداست بدانم. از که سخن می‌گویم؟ از شب‌زنده‌داری مخلص، از انسانی که مردانگی او رفتار و گفتارش اسوه و نشان‌ایمانش بود. اما من کجا و سخن از او کجا؟ زیرا غواصی در آن دریای عظمت و بزرگواری کار ناتوانی همچو من نیست که پشه‌ای ضعیف در جولانگاه عقاب چگونه عرض اندام کند؟ اما چرا مایوس باشم او ولی خداست او شاه مردان است و انسانی فوق زمان خود، و این بار کلام او زینت‌افزای زبان آذری است تا تشنه کامان مکتبش در همه جای ایران زمین و در سایه جمهوری اسلامی ایران، از آن بهره‌مند گردند.

در پایان این کمترین بنده خدا در ارائه این اثر از محبت‌ها و حمایت‌های بسیاری از سروران عزیز از جمله اساتید محترم آقای دکتر لک، معاونین محترم، مهندس پابخش، محمد صابر راثی، اساتید، کارمندان دانشگاه آزاد شبستر و نورچشم عزیزم سعیده، بهره‌مند بوده‌ام و بدین وسیله باتشکر و ارج نهادن به محبت‌هایشان، توفیق همه آنها را در راه اسلام و مکتب علوی از خدای بزرگ خواهانم و این کتاب را به مثابه گل سرخی تقدیم حضور همه علاقه‌مندان می‌نمایم تا سرای وجودشان به عطر معنویت و زیبایی آراسته گردد.

محمد میرزا محمدزاده

حمد اولسون او پروردگارہ کی اینسانلاری یوخدان یارادار. و دنیانین پرگاری اونون ارادہ سیلہ دولاتار ہر نہ ارادہ سیندہ اولسا همان اولاجاقدیر.

سالام او پیغمبرہ کی اونون سئومہ لی وجودی ہدایت چراغیدیر و اوندان سونرا مبارک سؤلہ سی کی دنیا ساحہ سینین سعادت ساحیلینہ یول نشان وئره نلر دیلر. سالام و صلوات اولسون او مبارک وجود لاراکی ہدایت گو یلرینین، پارلاق اولدوزلاری دیلار و ہیچ زامان دنیا اونلارسیز دگیل.

سالام اولسون مولی الموالی علی مرتضایہ کی ایسلامین پارلاق چراغلاریندان بیری و معرفت دریاسینین گوہری دیر. او، اللہین ولی سی و حضرت پیغمبرین وصی سی، خیر قالاسین آلان، ایگیت لر میدانیندا شجاعتلی پهلوان، فصاحت میدانیندا تاسیز سؤزیبلندیر. دنیا تا دنیا دیر اگر گوزہل سؤز سویلین لر اونون حاققیندا سؤز وئرسہ لر گئنه کفایت قہدر دانشا بیلہ یوب و اونون رتبہ و مقامینی و صفہ چکہ ییلمزلر. دنیانی سنون لر و عناد ائدہ نلر، چوخ زامان ایستہ میشدیلر اونون آدینی و یادینی اورتادان قالدیر سین لار. اما، اللہ سنون اینسانلار، ہر زامان اللہین حمایہ سیندہ دیلر. نئجہ اولایلر کی بیر قارابولوت، ابدی حالدا گونشین قاباغین آلسین؟ بو مولا علی دیر، پیغمبر باغینین چیچگی، حسنینین آتاسی.

حیف دیر او بویوران سؤزلر، دنیا دا یا ییلماسین. دین و سیاست عارف لری ہرئولکہدہ اولموش اولسالار، گر کدیر اونو ئوزلرینہ اؤرنہ ک قرار وئرسینلر. اگر گئجہ قوشی گونش پارلامادان آجیغی گلہ، قوی گلہ سین کی ایران ایسلام جمہوریتی علی نین یولونی بوراخمیہ جاقدر و ہر کیم او بویورانلارا حامی اولسا، باشندان و جانندان آرخاسیندا واردیر.

مندہ بواثری او مبارک نہج البلاغہ دن آذری دیلینہ کوء چوروب، حوء رمتلی باجی وقارداش لاریما کی اورہ کلری ایسلام اوچون تیتہ بیر، ہدیہ ائدیرہم. امید تافریدان دیر و اوندان یاردیم ایستیرہم. بوردا ہر جور یانلیش و چاشما اولسا، بویورساز، منت دار اولارام. بو اثرین نئجہ مختلف زامانلاردا یا ییلان و ترجمہ اولونان نہج البلاغہ لردن

فایدا لانی می شام. او اثر لرین حوء رمتلی زحمت چکن لریندن تشکر اندیره م.

قرآن مجید و اونون نئچه جور فارسجا، تورکجه ترجمه لری و هابئله نئچه جور فارسی، تورکی، عربی سوزلوگوو چوخلی یار و یولداشلاریم و استادلاریم، منه فایدالی اولوبلار هاموسوندان منت دارام. اگر بو کتابدان، حتی آز آداملار، درس گوتورسه لر، ینه من اجریمی آلمیشام.

الیزده اولان کتاب، بیر کتابین ترجمه سیدیرکی، مرحوم سیدرضی (۳۵۹ - ۴۰۶ هـ ق) حضرت علی علیه السلام بویوران سؤزلردن بیر دسته گل کیمی (امامت و ولایت گلستانیندن) تدارک گوروب، مؤسلمان قارداش لارین اختیاریندا قرار وئربیدیر.

بو کتاب، ئوزین و درین بیر دریادیرکی هر مسأله علم، ادب، اخلاق، دین، سیاست، جامعه لر علمی، حتی نظامی فن لر، هنر، حماسه لر، شجاعت لر، دنیا و آخرت اینسانی فضیلت لر، ایسته ییشلر، ایسلام و قرآن تفسیرلری، حکمت لی سؤزلر فایدالی شعر و مثل لر و آیری آیری علم لر و موضوع لاردان، اوندان تاپیلار. دنمک اولورکی مولا علی (علیه السلام) بیر یئرده و بیر زاماندا یاشاردی کی علم و تمدنن هله خبر یوخایدی اما ایسلام دینی دنیایه عرضه اولوناندان سونرا، رسالت حامی لری، خصوصاً حضرت علی (علیه السلام) ایسلاما آچیلیش وئریب مؤسلمانلاری و او زامانین عرب لرینی، مدنیت یولوندا نئچه یوزایل لیک قاباغاسالیدی. نه کی او حضرتین کلمه لری، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) دن آلینمیشدیر. تا دنیا وار دیر داها بیر بئله اینسانی وجوده گتیره بیلمز.

اونون ذاتی، نابعه لیگی، ساینلیقی، اولوساللیقی دیوشلرده، دانیشیق لاردا و حکومت ایشلرینده و آیری آیری یئرلرده ثابت اولوبدور. او بیر کیمسه دیرکی زهد و تقوا ایله عمر بویی مؤسلمانلارا بیرایشیق لی چراغ کیمی اولوب، اونلاری هدایت یولونا چکردی. بیر اؤنم لی ایسلامی حکومتی اجرا ائتمکده، خصوصاً عدالتده، اول سؤز اونوندور. اما عنادچی لار و دینی دنیایه ساتانلار هئچ زامان راحت اوتورمیوب، هوس لری شیطانین قورشاماسیله، اونلاری یولدان چکدی ان سونوندا او بویوک عارف و دین خادمی نی شهید ائتدیلر. نه کی او حضرت ایستیردی، حضرت محمدین (صلی الله علیه و آله) قورقوسی یئرینده قالسین.

بیت المال، دوزگون یولوندا ایشلن سین. اما اونون عدل ایله حکومت ائتمه سی، بیر پارالارینا خوش گلمه دی و عدالتی شهادتینه سبب اولدی.

حیف اولسون کی بیر بئله اینسانین یترینه معاویه لردک اوزی قارا آداملار حاکم اولدورلار. چون گیزلینده ایسلام اهلی دگیل دیلر، یا منافق ایدیلر یا مؤسلمانلارین حاقلی، باشچی سی اولماق، اونلارین ایشلری دگیلدی، خام خیاللاریندا ایسته دیلر ایسلام و قرآنی سئودیکلری کیمی اویونچاغا دونده رسینلر. اما نتیجه کی الله بویوروب و وعده وئریب، هم ایسلامی و هم قرآنی مغایات اولاجاقدیر. اگر عنادچیلار هر زاماندا، مولا علی یا امام حسن یا امام حسین کیمی اینسانلاری اورتادان قالدیرماق فیکرینده اولسالار، بونی ییلمه لی دیلرکی اونلارین صالح اولادی ایسلام بایداقین ابدیته دک اوجا ساخلییه جاق دیلار.

نهج البلاغه کتابین حکمتلی سؤزلری، هر زامان و هر مکاندا اوخونسا، آییق وجدانلاری سعادت یولونا گوسته رندیر. فاسد حکومت لر اگر بو امامین بویوردوقلارینی اجرا ائده لر، همان مدینه فاضله آدلیم شهره یول تاپارلار چونکی هم عاغیل و هم علم و ایمان، بو کتابدا پارلاق اولدوز کیمی، جهالت چولونده ایتن لری، دوز یولا چاغیریر.

نهج البلاغه کتابی، مولا علی نین بویوردوقلاری دیلارکی مبارک عمرونون باشا باشیندا بیر پارا مناسبت لره گوره دانیشیب دیر. چون او حضرت تائینمیش و بویوک بیر اینسان ایدی، یونا گوره او کلمه لر جاماعاتین دیلینده ایل لر بوی قالیب یا یازیچی لارین کتابلاریندا داغیتتی حالدا قالمیشدیر، «سیدرضی ره». زحمت چکیب اونلاری بیر یئره ییغماقیده بیر ابدی و پارلاق اثر ئوزوندن سونرا یاشییانلارا یادگار قویدی.

مین ایلدن آرتیق دیر بو اثر مؤسلمان ملت لر آراسیندا آدلیم بیر کتاب تائینیر. بو کتابدا ئیکی یوز اوتوز دو ققوز (۲۳۹) و یئتمیش دو ققوز (۷۹) و دورد یوز سکسان (۴۸۰) قیسا کلمه لی سؤزلر وار اما آیدیندیر بو سؤزلر و خطبه لر، او حضرتین تامام بویوردوقلاری اولایلمز، نیه کی دورد یوز ایل حدودوندا بو سؤزلر دارماداغینیق حالدا قالاندان سونرا مرحوم سیدرضی کیمی عالیم، اونلاری بیر یئره ییغمیشدیر نتیجه کی ئوزیده بویورور؛ آیری قایناقلاردا او حضرتین سؤزلریندن ده تاپیلار آنجاق کلمه لرین فصاحت و بلاغیتیندن

بللی دیر کی او حضرتدندیلر. نجه کی دوشونولور، نهج البلاغه کتابی او کلمه لیرین هاموسی اولا بیلمز. چونکی بو زامان فاصله سینده، اونلاردان بیر آزی اونودولار یا هاموقایناقلا رال جاتماز و بودا طبیعی امر دیر.

چون فصیح و بلیغ اولدوغو حالدا، دینی موضوع لار، تاریخی علت لر و شیعه لیرین حریمیندن دفاع ائتمک اوچون و او حضرتین حاقلی اولدوغو مسأله لیرین بیر پاراسی بو کتابدا واردیر، اعتبارینی نجه قات آرتیریر. حتی تاریخ یازیچی لارین و فصاحت عالیم لیرین اقرارینا گوره «قرآنین قارداشی». لقبی اونا یاراشیر.

بونلاردان علاوه چون مولا علی واسطه سیز حالدا پیغمبرین نظارتی آلتیندا تربیت گوروب و اول مؤسلمان دیرکی اونون پیغمبرلیگینه اقرار اندیب همده او حضرتین کوره کنی ساییلر و خلیفه و وصی سی دیر، شبهه سی یو خودورکی بویوران سؤزلرین قدری، ئوزیله بیرلیکده گون به گون آرتیرمالیدیر مؤسلمانلاردان علاوه، آیری دینده اولان آییق وجدانلی فیکیر آنده نلر و یازیچی لار، او حضرتین یولوندان و سؤزلریندن الهام آلیرلار و حاق اولدوغونا اقرار اندیرلر. مؤسلمان قارداش لاریمدان دیله گیم بودورکی اسلامی اثرلری دوزگون حالدا دنیا اهلینه تانیس ائتسینلر تا انحرافی فیکرلرکی زهرلی قلم لر ایله اسلامین ضدینه یاییلار، نطفه ده بوغولسونلار. انشاء الله.

اما حیف اولسون کی آذری دیلینده بو کتابین ترجمه سی یو خودور تا ترکی آذری بیلن باجی و قارداشلار اوندان فایدا آپار سینلار.

اودورکی الله منه یاردیم اولدی بو ترجمه نی یازماغا همت ائتدیم تا سیز حوء رمتملی باجی و قارداشلاریم سؤقه ت وئره م. هر جور نقص بو کوچورمه ده اولسا منیم عهده مده دیر تذکر وئرمگینی سیزلردن انتظار چکیره م. دئمه لی یم کی بو کتاب فقط محض ترجمه دیر. اونون ایچینده اولان مطلب لیرین انکشافینی آیری خبره عالیم لر اوچون لایق گوروره م چون منیم بضاعت علمی و توانیمدا دگیل و نهج البلاغه دنیا سینا تانیس اولماق بو راحتلیقدا اله گلمز.

بو تاریخه دک، چوخلی شکیل لرده، بو کتابین حاققیندا تفسیرلر یازیلیب و من نجه

سین آدآپارماغیله قضاوت و تحقیقی سیزلرین عهده سینہ قویورام و بونی دئمه‌لی‌یم کی بو کتابلار هره‌سی نوز یئرینده منه فایدالی اولوبلار مثلاً: علامه محمدتقی جعفری، مرحوم فیض‌الاسلام ابن ابی الحدیددن نهج‌البلاغه‌ده نقل اولونسانلار - احمد سپهر خراسانی - حسن عمادزاده - محمدعلی شرقی و ینی یازیچی لاردان جواد فاضل، شهید مفتاح، محمدتقی شریعتی، استاد مرتضی مطهری، رهبریمیز آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مرحوم سیدمحمدحسین طباطبائی، سیدجعفر شهیدی - امامی - آشتیانی - دشتی و هابثله آیری بویوک علم صاحب‌لری کی اسکی زامان لاردا واریمیشلار یا ایندی واردیلار (سایلاری چوخ اولدوغونا گوره و آدلارین گتیرمه‌مک اوچون عذریمی قبول ائدین) هره‌سی بیر باخیشدان حضرت علی‌نین دیری‌لیگین و نهج‌البلاغه‌سی‌نی آیدینلادیبلار.

الله‌دان ایستیره‌م سیز مؤمن باجی وقارداش لاری منله بیرلیکده مولا علی‌نین و اصیل مؤسلمانلارین یولون گئندن‌لردن قرار وئرسین و مؤسلمانلاری هر هاردا اولموش اولسالار ظالimler و دین‌سیزلرایله مبارزه لرینده گوجلند یرسین.

نہج البلاغہ نین کولگہ سیندہ

باغیشلییان مہربان تانرینین آدینا - حمددن سونرا شکر اوتانرییہ کی حمدی، نعمت لرینین قیمتی و ئوزبلا سینین پناہی و بہشت لرینہ چاتماغین وسیلہ سی قرار وئریب و احسان آرتیمینہ سبب اولدی.

سلام اولسون او رسولینہ کی رحمت پیغمبری دیر. اونجوللرین باشچیسی و امتین چیراغی، کرامت و بؤیوکلوک خمیرہ سیندن، سئچلمیش و قدیم بیر شرافتین نتیجہ سی، افتخارلی ثبات شجرہ سینین اکینی و باشچی لارین یئمیش لی و یاپراقلی آغاجینین اوجاقولون دور؛ سلام رسول اکرمین سلالہ سینہ کی قارائلیقلارین چیراغی و یارانمیش لارین گؤزہ تجی سی و فضیلت آورنہ ک لریدیلر.

تانری اونلارین هاموسینا سلام یوللور، او سلام کی، اونلارین فضیلت لر و ایش لرینین جزاسی و اصل و فرع لرینین بیرلیکدہ برابری اولسون تا او زامانسا دک کی گونش ایشیق وئریر و اولدوزلار پارلییر.

مندہ دیری لیگین اولیندہ و جوانلیغین تازا و طراوتلی چاغیندا بیر کتاب اماملارین (علیہ السلام) خصوصیات حاققیندا یازیب وییغماقا باشلادیم. بو کتاب گؤزل کلمہ لر گوهرینہ شامل ایدی؛ هامان نیتی کی اولدہ بیان ائتدیم، منی او کتابین تألیفینہ مجبور ائتدی اونسی مقدمہ قرار وئردیم. او زامان کی مؤمن لر آغاسی علی علیہ السلامین مخصوص صفات سیندن لارنیدان فارغ اولدوم، روزگارین مانع لری سبب اولدی کی کتابین قالانینی بیتیریمیم. ہر نہ کی او کتابدان ییغمیشدیم، نئچہ باب و بؤلوم دہ مرتب ائتدیم. اما او باب و بؤلوم لرین آخیریندہ بیر بؤلوم کی او بؤیوک حضرتین اویسود و حکمت لی مثل لرینہ، آرتیق شامل اولموش اول، بیر زاد ذکر اولونماشیدی. قارداشلار و یولداشلاردان بیر پاراسی ذکر اولونموش بؤلومون یازی لارینی خوشلاییب آفرین دئدیلر. تای سیز پاکیزہ سؤزلردن کی اوندایا زیلمیشدی، ئوز تعجب لرینی گوستردیلر و آیری یولداشلاریدا بو سبب لہ سویندیردیلر او زامان مندن ایستہ دیلر تا بیر کتابین یازماغینا باشلییام کی آغامیز

امیر المومنین (علیہ السلام) سؤزلرینین سئچیلیمیشی تامام فن لرده، فصاحت، بلاغت خطبه لره و کاغیذلارا شامل اولار.

اونلار بیلیردیلر کی بو کتاب، فصاحت و بلاغت و عرب دیلینین گوهرلریندن، دینی و دونیائی پارلاق حالتده اولاجاقدیر. بئله کی هنج سوءزده و بیر یرده تاپیلماز و هنج کتابدا یازیلمیوبدور. چون مولا امیر المومنین (علیہ السلام)، فصاحت و بلاغتن قایناری و دوغوم یثری دیر او بلاغت کی او حضرتدن آشکار اولموشدی، گیزلینده قالمیشدی. اونون قانونلاری، او جنانبدان آلینیب و اونون یولونی، هر خطیب و دانیشان گندیب و اونون سؤزوندن هر بلیغ واعظ، چوخلو یاردیم آلیبدیر. بونولا بئله، هنج کیم با جارمیوب فصاحتده اونا چاتسین. چون کی اونون کلامی علم الهی دن نمونه دیر. اوندایغمبر کلامینین قو خوسی وار.

منده دوستلار و قارداشلارین ایسته دیگینی قبول ائتدیم و بو کتابین یازماغینا باشلادیم او حالتده کی یقین واریمیدی اونون یازماغیندا چوخلو بؤیوک فایداوار و اونون آدی یاییلیب و آخرت و امه گی ذخیره اولاجاقدیر. اراده ائتدیم کی امیر المومنین علیه السلامین بؤیوک لوق و قدر و فضیلتینی بوردا بیان ائتدیم، او حضرتین چوخ یاخشیلیق و فضائلیندن علاوه او حضرت تک بیر کیمسه دیر کی سون درجه فصاحت و بلاغت یثیشیب و هامی قاباقکی لاردان دا یوخاریلاندی. او کسلردن کی فصاحت و بلاغت درجه سیندن آدلی سانلی دیلر، اما او حضرتین سؤزی بیرسونسوز دنیز دیر کی هنج سؤز صرافی و فضیلت ییغیناقی اونولا بیرلیک ائدیب و بیرسیرادا قویولماز.

او حضرت یثیشمکده و اوسایین اما ما افتخار ائتمه گیم ئیچون، فرزدق شاعرین شعری ایله دندیگی سؤزی، مثل دن اوتری رواییلدیم:

«ای جریر او زمان کی ییغیناقلار بیزی بیر یثره ییغدی، اونلار منیم بابا لاریمدی لار اونلار اتای منیم او چون نشان وئر». چون گوردوم او حضرتین سؤزی اوچ اصل و قطبده دیر؛ اول: خطبه لر، و بویروقلار ایکی: بؤیوک و کیچیک کاغیذلار. اوچ: حکمت لر و موعظه لر.

بونا گوره اللهین توفیقاتی ایله تصمیم توتدوم کی ازل ده خطبه لری، سونرا گؤزه ل

کاغیذلاری و آخیرده حیکمّت و آدابی آیریم بیر حالدا هره سینہ بیر باب قرار وئردیم و آغ و اراقلار آرتیردیم. اگر بیر سوءز هله لیکده اله گلمه ییب سوندا تاپیلسا، اوردا ذکر اولسون و اگر او حضرتدن بیر سؤز قاباغا گلہ کی او سؤزی دانیشیق آراسیندا یا بیر سوروشماغین جاوابیندا یا آیری بیر غرض ایله گتیریب، دئدیگیم منظوردان آیری دیر اونلار قاعده قرار وئردیم، او سؤزی بیر بابدا مناسب و یا اونا بنزهریشی چوخ ایدی یازدیم. اما اونلار کی امیرالمومنین سؤزلریندن اختیار اندیرم، چوخ بؤلوم لر گلیب کی مرتب دگیل و یاخشیی سؤزلر یازیلیب کی انتظامی یوخدور و منده نظریسم بودورکی پارلاق سؤز و نکته لری گتیرم نه کی اونلارین آراسیندا کی نظم و رابطه لری گؤزله ییم.

او حضرتین شاشغین لریندن کی تایی یوخدور، اودورکی، اونون سؤزلری، زهد و ترک دونیا، او بودلار و قیامتی یادا سالماق و پیس ایشلردن کنار اولماغی یادا سالیر. اگر بیر نفر او سؤزلرده فیکر و تأمل ائده و تصور ائتمیه کی او سؤزلر او حضرت کیمی بیر نفردن دیر، کی بؤیوک قدر و منزلت صاحبی دیر و حکومت و شاهلیقدا هامی قوللارینا احاطه سی وار، شک ائتمیه جاقدیرکی، بو سؤزی دیین بیر کیمسه دیر زاهید و پارسا و عبادتدن سوای بیرایشی یوخدور و یقین اندر بو سؤز بیر نفردن دیر کی ائوین بوجاغیندا جماعتدن اوزاق و تک لیقدا و یا بوکی بیر کهل ده دیر. ئوزوندن سوای آیری سس ائشیتیمیر. و ئوزوندن سوای بیر کیمسه گورمور. هئج زامان اینانا بیلمزکی بو سؤز بیر نفردن دیر کی ساواش زامانی دشمن دنیزینده قلینجی ایله پهلوان لاری و دلاورلری بوینون ووروب یثره توکور بیر حالدا کی زاهیدلردن بیریدیر. و صالح و پاک دیر کی اونا تایی تاپیلماز، بو، او حضرتین فضیلت لریندن دیر، یالنیز اونا اختصاصی وار و اونسی ضدلرین جمعی قرار وئریبیدیر. چوخ زامانلار اتفاق دوشردی کی من بیر باراقارداش یولداشلاریلہ، بوفضیلت لر حاققیندا دانیشاردیم، اونلاری تعجب ده گؤره ردیم. دوغروسى بوفضیلت لرده عبرت و فیکر یثری وار. اگر بو سئچیلیمیش سؤزلر ایچینده مردد و یانئچه دؤنومه بیر سؤز گلیب، بوردا منیم عذریم سببی بودورکی امامین سؤزلرینین روایت لرینده شدت له اختلاف وار. منده گاهی بیر سؤزی نجوره سی تاپدیم، او یله یازدیم. سونرا آیری بیر روایت

ایمہ چاتان حالدا قاباقداسی روایت ایله بیر دگیلدی اما چوخ مطلبی اولدوغونا گوره و یا ماراقلی اولدوغونا گوره اونودا گتیردیم. تکرار اولان سؤزلریله بیلہ دگیل بلکه علتی نسیاندير بونولا بئله ادعا یوخومدورکی امامین تامام سؤزلرینه احاطه وار بلکه بعید بیلیمیرم کی، تاپمادیغیم سؤزلر تاپدیغیمدان چوخ اولموش اولار.

اما وظیفهم بویاتگین سؤزلری تاپماقدان سوای بیر آیری زاد دگیل تانری دان ایستیرم کی منی بو یولدا هدايت ائتسین انشاءالله.

کتاب تامام اولاندان سونرا لازم گوردوم کی اونون آدینی «نہج البلاغہ» قویوم چون کی بو کتاب، بلاغت قاپوسینی اوخویانلار اوزونه آچیب و ایستک لرینه یاخینلدار.

بو کتاب هم استاد و هم شاگرد و هم هر زاهد و بلیغین احتیاجین، اورتادان قالدیریر. بو کتابین ایچینده، توحید، عدل و اللہین تنزیہی حاققینداسؤزلر وارکی اولوتانرینی جاماعاتابنزه ریشدن ایراق و سوسوزلاری دویورور. هر آلیزا شفا و اورتوکلری شبہه و شک لردن کنار ائدیر. اللہدان توفیق اوچون یاردیم و عصمت دیله گی واریمدیر کونسول و دیل خاطا سیندان اونائوزگتیریب و سؤزلرین چاشماسینین هدایتینی، قدم خاطاسیندان قاباق ایستہیب ینه اونا سیغینیرام. او منہ کفایت ائدن و یاخشی وکیل دیر.

بو بؤلومده

امیرالمؤمنین علیہ السلامین خطبہ لریندن و بویورمالاریندان و بیرپارا سؤزلریندن کی خطبہ منزله سینده و بیرپارا مناسبت لره گوره بویوروبدور، اختیار و نقل اولونور.

خطبہ ۱ - دن

(او حضرتین خطبہ لریندن دیرکی اوندا یثرین و گویون یارانماغیندان و آدامین خالق اولونماسیندان ذکر اولور) ستایش او تائریه مخصوص دورکی ستایش ائدن لر اونون مدحیندن عاجز دیلر و حساب گئدنلر اونون نعمت لرینین حسابین گنده ییلمزلر و چالیشانلار اونون نعمت لر حاققینی اداانده ییلمزلر. او بیر تائزیدیرکی او جا فیکر لی کیمسه لرده حقیقت ذاتینین درکیندن عاجز دیلر و علم و بیلگی دنیزین ئوزگونچی لری ده کمال و جودینی تانیماقدا، ال لری قیساسدیر. او بیرکس دیر کی سینیرلی نجه لیک اوندا یوخدور. نجه لیک لرینین کمالینی تعریف له مک اولماز و ذاتی اوچون بللی زامان یوخدور. اونا سون زامان معلوم اتمک اولماز. او یارانمیشلاری ئوز قدرتی ایله یاراتدی ویتل لری ئوز رحمتیله دولاندیریپ و هابئله یثرین تیره مه سینی ده، داغ داشلار وسیله سی ایله محکم لندیریپ باغلادی.

دینین اساسی، اونی تانیماقدیر و کمال معرفت، اونون ذاتینی تصدیق اتمکدیر. ذاتین کمال تصدیقی، اونون توحیدینه اقرار اتمکدیر. توحید و شهادتین کمالی ده اونون بیر اولدوغونا اخلاص نشان و ثرمکدیر. اخلاصین کمالی، اودورکی ذاتی نجه لیک لر اونا خیال اولونماسین. چون کی هر نجه لیک بونا شاهیددیر کی او، موصوفان غیری بیر زاد دگیل. هر بیر نجه لیک شاهیددیرکی موصوف نجه لیکدن آیریدیر و هر موصوف شهادت و ثریرکی اودا نجه لیکلردن آیریدیر. او آدم کی تائزینی اولان نجه لیکلر ایله بیان ائدیر، اونی بیر زادا یاووق بیلر و هر کیمسه اونی بیر زادا یاووق بیله، اونون ذاتیندا چوخلوق بیلیر. هرکس اونون ذاتیندا چوخلوقا قائلدیر، اونی بؤلوشدورور و هر کیم اونی تجزیه انده او

ناجاهل دیر و هر کس اونا جاهل اولا، اونا ساری اشاره ائدهر و هر کیم اونا اشاره ائده اونی محدود ائدیر و هر کیم اونی محدود بيله اونی ساییب و هر بیرکس که دئسه تانری هاردادیر؟ اودا تانرینی بیرزادین ضمیمنده قرار وئریدیر و هر کیم سورو شاکی او نیه اوسته قرار تاپیب؟ اودا بیرپارایئرلری، اونسوز بیلر. اما او هر زامان واریمیش و هنج زاد دان وجوده گلمیوبدور. او بیر وجود دورکی یوخ لوق سابقه سی اوند ا یوخدور. هر زادایله اولدوغی حالدا اولنار ایله بیر یئرده دگیل هر زاد دان آیری دیر اما نه او جورکی اونولا ئوزگه و آیری اولا.

ایش گوره ندیر اما نه او آنلایشا کی حرکت یا وسیله سی اولموش اولا. گوره ندیر، حتی او زامان کی بیر گوره ن زادین وجودی اولماسین. تک دیر، چون بیرکس یوخدورکی اونولا انس توتایا اونون اولمادیغیندان آلیزلانا. جاماعاتی ایجاد ائتدی. فیکر و تأمل ائتمیوب یاراتماغی باشلادی و بویاراتماقدا ئوزونه حرکت وئرمه دی و اراده سینه نگران چیلیق یول تاپمادی. دنیانی یاراتدی و هر یارانمیشین یارانماغینی مناسب زامانینا تاپشیردی. بو اختلافی موجودلارین آراسیندا اتفاق و بیرلیک ایجاد ائتدی. اما هر ه سینه بیرمخصوص غریزه وجوده، گتیردی و او غریزه لری اونلار ایله بیرلشدیردی.

اولوتانری، موجودلاری یاراتمادان قاباق، اونلارین تامام جزئیات و جوانینه آگاه ایدی و اونلارین سونون بیلیردی و گیزلین سرلرین ده، تانیردی. سونرا، اولوتانری گؤیلرین قاتلارینی آیریدی، میدان وئردی، آچیق یئر، آرالاریندا ایجاد ائتدی و اوند دالقالی سولارکی بیریرنین اوستونه داشیردیلا آخیدیردی. او سویی شدت لی یئل و بوغاناق اوستونده داشیردی. سونرا یئل اونلارین قایتارماق فرمانینی وئردی و ساخلاماقینا حؤکم ائتدی. بوش فضا، اونون آلتیندا قویدی سو، اونون اوستونده حرکت ده ایدی کی تانری بیر توفان شدت ایله اسدیردی. او، اوزاق یئردن باش توتوردی سونرا اوتوفانا امر ائتدی کی بیر بیرینه سیخیلمیش سولار و بؤیوک دالغالاری چالخالاسین و بودنیزین سویونی هر طرفه بوللادی. سونرا اوسولاری تولوخ کیمی قاتدی و هاما شدت ایله کی گؤیده اسیردی، سویون دالغالارینا دا هجوم چکدی. بو باشدان گوتوروب او باشا آتیردی، سویون ساکن لری

ترېشمه لر ايله قووشوردی. سولار بیریری اوسته ییخیلیر دیلار.

سولار داغ کیمی او جالیب دالغالاری کف لندیلر، کف لرده بوش فضا دا یوخاری آپاریلدی. اوندان ینددی گوی ایجاد ائتدی. اشاغا دا کی گوئی بیخو اولونموش دالغاکیمی و یوخاریداکی گویه برکینمیش بیر تاوان قرار وئردی کی اونلارین اورتاسیندا تاوان یوخیدی و قازیق دا چالینمیشدی تاوانا باغلانسین لار. سونرا اشاغا دا کی گوئی پارلییان اولدوزلار ايله بزه دی و اشیق وئره و نور سپن آیی دولاندیردی تا حرکت ائدن بیر مدار و صفحه ده دولانسینلار. سونرا اوجاگوی لرین اورتاسین آچدی و مختلف ملاتکه لر ايله دولدوردی، او ملاتکه لر دن کی بعضی لری سجده ائدیر ولی رکوع ائتمیر یا رکوع حالیندا دیلار و قیام ائتمیر لر یا بیر آلائی کی صفه دوروبلار و یئرلریندن چیخمیر لار. بیر پاراسی دا اللهین ذکرین دئمکدن یورولمورلار. او ايله ملاتکه لر کی گؤزلرینه یوخی و عاغلیر لرینه آزالماق یول تاپماز، سست اولما یوب غفلتده قالمازلار بیر آیری آلائی ملاتکه لر دنده، اللهین و حنین امانتدار لاری و اونولا پیغمبر لرین دیلماج لاری دیلار. و هروخت اونون فرماین یتیرمکدن اوتری گلیب گئتمکده دیلر.

بیر پاراسی دا اونون بنده لرین گؤزه تجی سی و بهشتین قراولسی دیلار. بیر پاراسی شدت تسلطدن آیاقلاری یثرین. آشاغا طبقه لرینده و بویونلاری گویون یوخاری بؤلوم لرینده و وجود لارینین ارکانی دا دنیا بولگه لریندن ائشیکده و چیگین لری تانری عرشینی و اونون پایالارینی، گؤزله مگه حاضر دیلار.

او ملاتکه لر تانری عرش نوزه رینده گؤزلری اشاغا تیکیلیب و قانادلارینی یوموبلار اونلار ايله آلچاق بولوکده کیلر آراسیندا عزت و قدرت اورتوسی فاصله سالیبدیر. اونلار هئج زامان رب العالمینی خیال گوجی ايله تصویره گتیرمیر لر و یسارنمیش نئجه لیکلری، اونا قائل دگیل لر. اونی بیر یثره محدود ییلمیوب گؤزیله اونا اشاره ائتمیر لر.

رب العالمین یثرین، برک، بوش، مناسب، شیرین، شور توپراقلاریندن ییغیب سوآرتیردی تا بیر خالص و حاضر پالچق اولدی. او قاریشمیش توپراقدان بیر شکیل ایجاد ائتدی کی اونون اعضا و جوارح و آلچاق اوجاسی واریدی. اونی قوروتدی تا آیریلما سین،

صاف و محکم ائتدی و مناسب زاماندا، اونا جان باغیشلادی تا بیر اینسان شکیلینه دوشدی و چالیشماق و عاغل قوه سی اوندا وجوده گلدی کی او عاغل ایله یارانمیشلاردا تصرف ائتسین. اونا عضولر باغیشلادی تا خدمتینده اولسونلار و وسیله لر عنایت بویوردی کی اونی حرکت گتیرسین. فیکر قوه سی باغیشلادی تا پیس ایله یاخشی نی ییلسین. دادماق، ائبله مک و بویالاری بیلیمک وسیله سین اونون اختیاریندا قویدی و بیر معجون قایردی. هر رنگدن و هر زاددان کی بیر بیرینه تای یا بیر بیرینین تای کشی دیلر او خلطلر کی بیر بیرینین ضدی: ایسی، سویوق، یاش، قوری و هابئله غصه و یاشن لیک ائدیله. سونرا تانری فریشته لردن امانتی نی ایسته دی. تانری بویوردی: آداما سجده ائدین! اونلارین هاموسی ابلیس دن سوای، سجده ائتدیلر! نه کی شئشه لیک اونی توتوموشدی و داش اوره ک لیک و بختی قارالیق اونا غالب ایدی. چون ئوزی اوددان یارانمیشدی، اونا افتخار ائتدی و آدام کی پالچیق دان ایدی اونی اسگیک بیلدی. تانری دا اونا وول وئردی تا غضب و خشمی اونون حالینا شامل و سیناماقی کامل اول. سونرا بویوردی: ای ابلیس سن قیامته دک وول ویریلنلردن سن.

اوندان سونرا تانری آدامی بیر گنجینه جاقلی و راحت یئرده ساکن ائدیب شیطانین و اونون دشمنانچیلیق لاریندان قورخوتدی. اما دشمنانی، اونی توغلادی چون کی اونا پاخیل لانیردی. بو خاطره کی قالارگی دونیادا یاخشیلار ایله بیر یئرده ایدی. ایشین سونی آدام اینانیش لارین الدن وئریب یقینی شکه دوندی اراده سی سست و سئوین مک لر قورخویا چوندی. سونرا پشیمان اولوب یقین اظهار ائتدی. تانری ده توبه یولون اونا اویره تدی و رحمت کلمه سینی تلقین وموشتلوق وئردی کی اونی بیرده بهشته گتیرسین. اوندان سونرا ایدی کی آدامی قایدالی دونیایه کی اکیلیب و دوغولماق یئریدیر، یوللادی. آدم اولادیندان پیغمبرلری سئجدی و اونلاردان وحی و رسالته ایلغار آلدی. او زامان کی یارانمیش لارین چوخی تانری نین عهد و پیمانین سیندیریب و اونون حاققینی داندیلار و اونون اوچون شریک قرار وئردیلر. شیطان لار دا اونلاری اللهین معرفتیندن چوندردیلر. بو علتله گوره، تانری ئوز پیغمبرلرینی اونلارین ایچینه بیر بیرینین دالیجا یوللوردی تا او ذاتی و

فطرى ايلغارىنى اونلاردان ايستەسىن و ياددان چىخان نەمت لرى اونلارېن يادىنا سالىسىن. تېلىغ يولى ايله دانشىب و گىزلىن عاغىل لارى چىخاردىب ايشە چكىسىن لر و اولو تانرىنىنى قدرت نشانە لرىنى اونلارا نشان وئرسىنلر.

أوجا گۆىلىرى باشلارى اوستە و سىرىلمىش يىرلىرى اشاغادا و گىچىنە جاققلارى، او زادلارى كى اونلارى دىرى ساخلار، او اجل لرى كى ئولدورەر و قوجالىق و آلزىلق لار و ھابىلە زامانىن دال با دال قايدالارىن بىلدىرسىن لر.

تانرى پىغمبەرلردن يائىنلىمىش كىتاب يا آيدىن دىلىل و دوزگون يوللاردان بىندە لرىنى پايسىز ائتمىيوسدور. بىر پارارسوللار كى ياردىملارى و تابع لرى آزاولدوغو زامان و دشمانلارېن چوخلوقى حالدا، ىنە ئوز وظيفە لرىندىن كنار قالمىيولار. بىر پارا پىغمبەرلردە وارىمىش لار كى قاباقدان، گلە جك پىغمبەرېن آدى اونلارا دىئلمىش يا قاباق كى پىغمبەر اونسى تانىتىدىرىب دىر.

بو ترتىب ايله حضرت پروردگار، رسول اكرمى (ﷺ) يوللادى تا ئوز وعدەسىن باشا وئرسىن و ھمدە پىغمبەرلىگى اونولا تامام ائتسىن. بو او حالدا ايدى كى پىغمبەرلردن ايلغار آلېنىمىشدى و علامت و نشانە لرى معلوم و دونيايە گلن زامانى دە حورمتلى و عزتلى ايدى. جاماعات او زامانلار داغىنىق و چوخلو بدعتلر و جورە بە جورە گندىشلردە ايدىلر. بىر پارا آداملاردان، تانرىنى ئوز يارانمىشىنا بىزە دىردىلر و بىر پاراسى اونون آدلارىندا دە يىشىكلىك ائدىردىلر و ملحد ايدىلر. يابىر آبرى تانرىيە اشارە ائدىردىلر...

تانرى او حضرتىن وسىلەسى ايله، او آداملارى آزىقلىقدان نجات وئردى و اونون دورومو كولگە سىندە قانمازلىقدان قورتالدى. سونرا حاق او ساين لىيە قىرب و رحمت مقامىنى باغىشلادى ھىچ كىمسە نىن عاغىلىنە گلەمىن مقامى اونا سئودى و اونون مىلىنى دونيادان ئوز طرفىنە چؤىردى. قادا و اينچىك لردن قورتالىب و حورمتلى حالدا قىبض روح ائدىب، ئوز طرفىنە چاغىردى. اللهمىن سلام و صلواتى اونا اولسون. اودا قاباق كى پىغمبەرلىكىمى ئوز امتى اوچون ايشىقلى يول و آيدىن بىر نشانە قويدى نئجە كى قاباقداكى پىغمبەر لردە ئوز امت لرىنە قويوشدولار.

او حضرت قرآن کریمی سیزین اختیار یزدا قویدی، واجب، مستحب حلال و حرام، ناسخ و منسوخ رخصت لر، عزیمت لر، خاص و عام، عیبرت لر، مثال لار و هابئله مطلق مقید محکم، بنزه ریش لر معلوم بویوروب و دولاشیق لاری آیدینلادیب دیر. اونداه واجب لری بیلمک امر اولوب و او زادلار که اونلاری بیلمه مک ایراد ائدر و او زادکی وجودی معلوم و ثابت اولوب و اونی قالدیرماق و نسخ ائتمک اولار و او زادی کی سنت ده واجب ایمیش و عمل ائتمه مک جایز دیر و او زادی کی بیر پارازامان واجب و بیر پارازامان واجب دگیل. او کتاب حرام ایش لر اوچون فرق قویوبدور. هر کیم آغیر گناه ایشلردن گوره، اونا عذاب و اود وعده سی و ثریبدر و هر کیم یونگول گناه ایشلردن گورسه اونا باغیشلانماق یولون وعده و ثریر. گؤزله یاخشی ایشلرین آزین دا قبول و چوخ انجام و ثرمه سین زور ایله ایسته میر.

تائری بیت الله الحرامین زیارتین سیزه واجب ائدیب و اونسی جاماعاتین قبله سی قرار وئردی، حجه گلن لر سوسوز لار کیمی اورا وارد اولارلار و کوگرچین لر کیمی گلماغا علاقه نشان وئرلر. تائری اوئوی آدم لار طرفیندن ئوزونسی و عظمتینی تصدیق ائتمک اوچون علامت و نشانه قرار وئردی و هر کیم او بنده لردن کی اونسی ائشیدیب و ایسته دیگینی اجابت ائتدی و فرمانینی تصدیق ائتدی، او کس لر پیغمبر لر یئرینده دوروب ئوزلرینی اولوتائری نین ملک لرینه کی اونسی طواف ائدیرلر تشبیه و بنزه دیرلر. بویولدا چوخلو منفعت اله گتیریرلر چالیشیرلار و بیر بیرلریندن قاباقلاشیرلار تا باغیشلانماق وعده گاهینا یتیشسین لر.

خطبه ۲- دن

(او حضرتین صفین ساواشیندان سونرابویوران خطبه لریندن دیر. بو خطبه ده آداملارین بعثت دن قاباق احوالاتینی و اهل بیت پیغمبر و آیری لارین ننجه لیکلری گلیبدر).
«اولوتائری به، سیزه نعمت لرین تامام ائتمک و عزتینین قاباغیندا ایریملی و بیزی گناهلاردان قوروماق اوچون ستایش ائدیرم. اوندان منی احتیاج زامانی یاردیم ائتمک دن

اوتری یاردیمچی لیک ایستیرم. چون هر کسه، او، یول نشان وئرسه، ایت مزو هر کیم اونا دشمانچیلیق ائده، قورتولوش یولی یوخدور. وارلی ائتمگی هرزادان آرتیق و هر خزانه دن اوستون دور. شهادت وئریم کی تانری دان سوای بیر معبود یوخدور، تک دیر و شریکی ده یوخدور. شهادت وئریم او سیناق اولونموش شهادت کی، اونا گوره اخلاص واریمیزدیر و ئوزوموزی اونولا، گناه لاردان ساخلیریق. او وسیله ایله قیامت قورخوسوندان تا دیری بیک، ایمانیمیزی ساخلیریق. چون کی شهادت کلمه سی ایمانا لازم و احسان الهی نی چاغیران واللهی سؤیندیره ن و شیطانی أوزاق ائدندیر».

شهادت وئریم کی محمد (ﷺ) اللهین بنده و رسولی دیر، اونی آدلی سانلی دین ایله یوللادی دوز نشانه لر یازیلی کتاب، پارلاق نور، یاییلان ایشیق، او فرمانیله کی حاققی باطلدن آیریر، شک لری کنارا وورور، و اینسانلاری آیدین دلیل لر ایله معجزه لرین بیلیندیریر. اونلاری قرآن آیه لری حؤکمی ایله آیلدیب قاباقکی امت لرین چکدیگی عذاب لاردان قورخودور.

پیغمبری او زامان یوللادی کی آدمالار چوخلو فتنه لره بولاشمیشدیلا، دینین ایپی قریلب یقین ایله ایمانین دستک لری تیره میش و اساس دین اختلافلی و اونون امرلری قاتماقاریشیق و اوندان قاجماق محال، هدایت اوچون بیر وسیله یوخ ایدی. یول نشان وئریمک اونودولونوب و یولی ایتیریمک چوخالمیشدیر. تانری یه دیز میرلانیب شیطانا یاردیم ایدیلر. ایمان ذلیل اولوب اونون دستک لری سینیق، اثر و نشانه لری چئوریلی، یول لاری خارابلانمیشدی. اونلارین گوجی ایله شیطانین حیله لری ایشه توتولوب، کافرلیق و آزقینلیق بایداغین قئوزاییب فیرتیناسالیدی. آدمالارین حاققی آباق آلتیندا قالیدی. هامی او فیرتینالارایچینده، حیران اولوب شاشمیشدیلا، دونیائین یاخشی یئرلرینده، پیس قونشولار آراسیندا ایدیلر. او یله کی یاتماقلاردی دا یوخو سیزلیق و گؤز سرمه سی اولموشدی. او یئرده یاشیر دیلارکی بیلن لرینین آغزی باغلی و ذلتده، قانمازلاردی دا، کرامت صاحبی ایدیلر.

پیغمبرین سالله سی، تانری طرفیندن گلن فرمان و سرین گؤزه تجی سیدیلر. او

حوه رمثلی وجودین علم لر خزینه سی حؤکم لرینین مرجعی و کتابلارینی ساخلییان، اونون دینی اوچون داغ کیمی دایقیدیلار. جناب پیغمبر اونلاریسن آرخاداشلیغیله آرخالاندی و بدن تیره مه سینین قاباغین آلدی.

بیر پارالاری آزغینلیق تومون اکیب شئشه لیک سوئيله سوواردیلار. زواللی لیق حاصلینی بیجدیلر، بونلارین هئچ بیرین آل پیغمبر ایله توتوشدورماق اولماز، او آداملارکی آل محمد دن فیض آپاریرلار، اونلار ایله بیرلیکده اولا بیلمزله. اونلار، ایسلامین اساسی و یقینین دستکلری دیلر.

حاق یولوندان ایسراق دوشن لر، دال قالانلار، گرهک اونلارا قوشولسونلار. ولایت حاققی نین نتیجه لیکلری، اونلار دا یتکونلانیبیدیر و وصیت و وارث اولماق اونلارا ثابت دیر. ایندی حاق ئوزگتدیگی یتره، ینه، فائیدیدیر.

خطبه ۳ - دن

شقشقیه خطبه سی آدینا شهرتی وار

آند اولسون تانرییه، ابی قحافه نین اوغلی خلافت کوینگین گئیدی او حالتده کی بیلیردی من خلافت اوچون دگیرمانین اورتالیقدکی محوری یترینده ایم علم و معرفت لر سنل کیمی مندن آخیر و علم و بیلگی فضا سیندا هئچ اوچان منه چاتا بیلمز.

سونرا خلافتی بوراخیب کنارا چکیلدیم و بو فیکره گئتیدیم کی آیا بوش ال ایله قیام اندیم یا کی قارانیلق و کورلیغا دؤزوم؟ چون قوجالاری یورور، گننج لری ئولوشگه دیر مومن لری ده زحمته سالیر تا اللهین لقاسینا چاتسینلار. بوردا دوزمه گی عاغیلدان بیلدیم. دؤزدوم او حالداکی گؤزلرینده توز توپراق و بوغازیندا سوموک قالانلار کیمی ایدیم و میراثمین غارتینی گؤروردوم تا اولده کی یولونی باشا و نردی و خلافتی ابن خطابیسه تاپشیردی.

«بوردا مولا علی (ع) اعشی شاعرین بیر بیت شعرینی مثال گتیریرکی دوشونجه سی

بئله دیر» :

دوئن سنوینیردیم اما بوگون نوز و نتولو و کدرلی یم.

شاشقین لیق بوردادیر کی او دیر یلیگینه، جاماعات دان ایستیردی کی اوندان ال گوتور سونلر، اما نولن زامان خلافتی عمره تاپشیردی. ینه شاشقین لیق بودورکی بوایکی سی خلافتی دوه نین امجگین بؤلن کیمی او زآرالاریندا بؤلدولر.

خلافتی قولای یترده قویدی او حالدا کی عمرایتی آغیزو آجی دیل ایدی. ائله کی اونولا دانیشماق زحمتلی ایدی. یانلیش لاری و عذر ایسته مک لری چوخ ایدی. او بیر دوه یه بنزیردی کی، اگر اونون نوختاسینی برک چکسه لر، دوه نین بورنی یرتیلار و اگر نوزهاواسینا بوراخسالار، گنذیب نولومه دوشه جکدیر.

آندواولسون تانریه جاماعات اونون زامانیندا گرفتار اولوب یانلیشادو شدولر و دوزیولدا قدم گوتورمیوب حاقدان اوزاقلاشدیلار. منده بو اوزون زاماندا، صبر اندیب غم غصه ایله یاشیردیم تا عمرده نوز یولونی گتندی و خلافت ایشینی بیرشورایه کی منی ده اونلاردان خیال اندیردی تاپشیردی.

ای تانری، سنه پناه گتیریم بو شورادن کی قورولدی و بئله مشورت اولوندی. نجور جاماعات منی ابوبکر ایله بیر توتوب و منیم حاققیمدا شک ائتدیلر؟ نا او یئره دک کی بوگون بو آداملار ایله بیر سیرادا قرار تاپمیشام. اما ینه ده قیسی ساغلیب سس بیر اولدوم. اونلارین بیرسی حسادت و کینه جهتیندن حاققی آياقلیب قولای یولا دوشدی. بیرسی ده عثمان ایله طایفا اولماق خاطرینه مندن اوز چؤیردی و هابئله او قالان ایکی نفرده کی آدین آپارماق یا خشی دگیل گری اوتوردولار.

ان سونوندا اونلارین او چونجی نفری او حالدا کی یئل لنمیشدی ایش اوسته گلدی، اودا قارین قوی دوه کیمی مال ییغماقدان و یتمکدن سوای بیرایش گورمه دی. طایفالاری اونولا بیرلشیب نجه کی آج دوه اوتلوغادوشر و اوتلاری تله سیک بیر، اللهین مالین بیرلیکده بودادیلار. ان سونوندا ائشدیگی ایپلر پانیق اولدی و رفتار و کرداری قتلینه باعث اولوب اوزی قویلی دوشدی.

اما جماعت کافتار بوینی توکی کیمی هر طرفدن اوستومه یوگور دولر او ایله کی

جاماعاتین چوخلوقوندان حسنین آیاقلاندىلار. پالتاریم ایکی طرفدن بیر تیلدی. منی قویون سورسی کیمی دوره له دیلر. انله کی بیعت لرینی قبول اتدیم و خلافته باشلادیم، بیر پارالاری بیعتیمی سیندیردیلار و بیر آزیدا بیعتیمدن چیخدیلار بعضی لری تانری اطاعتیندن کنار اولدولار. دئمک اولور کی مخالف لر اولوتانرین قرآنی نئ ائشیتیمویلر که بویورور: «بیر یوللوق دوشرگه نی او کس لره قرار وئردیم کی یئرئوزونده فیرتینا و فساد نیت لری یوخدور و یاخشی اجر، قۇرویانلارین دیر» (سوره ۲۸ آیه ۸۳).

بلی، آند اولسون الله کی بو آیه نی ائشیدیب و حفظ اندیلر. اما دنیا اونلارین گؤزلرینده بزه کلی دیر و بزه ک لری اونلاری توغلیبودور.

آیلین، آند اولسون او الله کی چرده گی یاردی و اینسانلاری یاراتدی، اگر او چوخلو جماعت ییغیشماسایدیلار و منه یاردیمچیلیق ائتمه سیدیلر کی حجت اونلارا تامام اولسون و بیلجی لر و عالم لرایله اللهین پیمانی اولما سیدی کی ظالمین توخلوقی و مظلومون آجلیغینا راضی اولماسونلار، منده خلافت دوه سینین نوختاسینی اوستونه آتاردیم و خلافتین آخیرینی اولده کی کاسه سیله سوواراردیم. سیز بو سؤزی دوشونوب سوزکی دنیا منیم گؤزومده بیر گئچی آسقی راغی سویوندان دا اسگیک دیر.

دئیب لرکی، بوردا بیر نفر عراقین کندلریندن، آياغافالخب، حضرت ه بیر کاغیذ وئردی، او بزرگوار او خویوب قورتارلدی. ابن عباس دئدی: ای امیرالمومنین کاش خطبه نین قالانی داواملاشدیرا ایدین. بویوردی: ای ابن عباس هیهات دوه نین شقشقه سی ایدی کی سسله نیب ینه اؤزئیرینه قایتیدی. ابن عباس دئدی: آند اولسون تانرییه من هئج سؤزدن بو اندازا کدرلنمه میشدیم کی اونون سوءزی قیریلدی و او حضرت اوره گینده اولان سؤزی باشا وئره بیلمه دی.

مرحوم سید رضی بویورور: حضرتین منظوری (کَرَاکِبِ الصَّغْبَةِ اِنْ اَشْنَقَ لَهَا خَرَمَ وَاِنْ اَسْلَسَ لَهَا تَقَحُّمًا) کی بو خطبه ده گلیب، اودور کی اگر مینجی دوه نین نوختاسین محکم توتا، و او حیوان سرکش اولا، ئوز بورنونی بیرتار و اگر بؤش توتا اونى شدت ايله اوزی قویلی سالیب و اختیاریندن چیخار.

خطبہ ۴ - دن

بو خطبہ فی طلحہ و زبیر ٹولندن سونرا بویوروب

او زامان کی یولسوز و بیلیمین ایدیز، بیزیم ہدایتیمیزدن یولاگلدیز. و بیزیم سبیمیزدن قارائلیق لاردان ایشیقا چیخدیز، کار اولسون او قولاق کی یول نشان وئرنین اویودون اثشیتمز. او قولاق کی سس اوئی کارائیدی، ملایم سسی نجور ائشیده بیلر؟ اما او آورہ کی اللہین قورخوسوندان چیرپینماق دادیر، آرخائین اولسون.

من هر زامان سیزین خیانت و بیوفا لیقیزین انتظاریندیم. و بونی دوشونمیشم کی توغلییان بزکالر، سیزی توغلیوبدور. تقوا گئیمی و دیندارلیق کوبنگی منی سیزین گؤزوزدن گیزلندی، منیده، باطنی صفا، سیزین حالیزا آییق ائتدی. او زامان کی یولی ایتیرمیشدیز و یول نشان وئرن یوخوزایدی، و آزقین لیق یوللاریندا ییغیشمیشدیز، او زامان سیزین ہدایتیزہ باشلادیم کی قویو قاز دیغیز حالدا سویا یتیشمیردیز. بوگون بیان صاحبی نین باغلی دیلینی سیزلردہ دئیچی ائتدیم.

اولماسین بیر نفر کی یولا گلمیہ. او زاماندان کی حاققی تاپمیشام و اوندا شک ائتمہ میشم. موسی (علیہ السلام) ٹوزوندن قورخموردی، اوندان قورخوردی کی اولمیہ بیر پاراقانمازلار غالب گلہر و ضلالت باشچی لاری ینہ اونا قاباقدان گلن لیک ائدہ لر. بوگون بیزحاق ایلہ باطل آراسیندا ییق. اما هرکس سویا آرخائین اولسا، سوساماز.

خطبہ ۵ - دن

جناب پیغمبر (ﷺ) وفات ائندن سونرا، عمی سی عباس و ابوسفیان بن حرب امام علیہ السلام بیعت اونہ ری وئردیلر، اما امام کی ابوسفیانین پیس نیتیندن خبری واریادی، بویوردی: ای اینسانلار، فیرتیناشپہ لرینی قورتولوش و رستگارلیق گمی سیلہ یاریب اوندان گنجین. مخالفت یولوندان کنارا چیخین تفاخر تاجینی کنارا آتین. هرکس قول قانادایله قیام ائتسہ، رستگار اولار ولی خیالی راحت دیر. اوکس کی تسلیم اولوب و بیربوجاغا

سيخىلىب دىر، بو ايش قوخوموش سو و بوغازدا قالان تىكە كىمى دىر. هر كىم يىمىشى زامانىندان تىز دىرسە، او آدم كىمى دىركى اۆزگە سىنين يىرىندە اكىن اكىيدىر. اگر دىللن سم، دىرلر خلافت و امارت دە تاماھى وار، اگر دىل لەنىب دانىشماشام، دىرلر كى ئولومدن قورخور. ھىھات بوقەدەر قورخولى و دال با دال حادثە لردن سونرا منىم بارەمدە بئله خيال اولونسون. يوخسا آند اولسون تانرىيە ابوطالب اوغلى عىلىن، اوشاقىن آنا دۇشونە اولدوغى علاقەدن چوخ ئولومە مىلى وار. اما منىم دىنمەمگىم اوندان خاطرە دىر كى پىر پاراعلم و اتفاق لاردان خبرىم وار. اگر سىز من بىلنى بىلسىز، پوزولماقدان درىن قويسى ايپى كىمى تىترىسىز.

خطبە ۶ - او حضرتىن كلامى (السلامة)

او زامان كى طلحە و زىر بىعتى سىندىردىلار، او جنابدان ايستەنىلدى كى اونلارى بوراخسىن و ساواشماسىن، بويوردى:

آند اولسون اللّٰه من ياتمىش كفتار كىمى دگىلم كى آغاچا چالماق ايله يوخلادىب سونرا توتسونلار. بلكە حاق يولوندا گئندن لرین ياردىمى ايله تا دىرىم يولدان چىخانلاريله ساواشاجام. آند اولسون تانرىيە پىغمبرىن وفاتىندان تا بوگونه دك من ئوز حاققىمدان الى بوش و يالقىز ايدىم.

خطبە ۷ - دن

اونلار ايشلىرىندە شىطانى ئوزلرنيە اورنە ك قرار وئردىلر. شىطان دا اونلارى ئوزنيە پاي پىرو تله قرار وئرىب سىنەلرنيە نفوذ اندىب اونلار ايله بىرلشدى. اونلار يىن گۆزلرى ايله گوروب و دىل لرى ايله دانىشىردى. سونرا اونلارى آزقىنلىق آتىنا مىندىردى و چوروك دانىشيق لارى اونلار يىن نظرىندە بزه دى. اونلار يىن ايشلرى او ايشە بىنزىردى كى شىطانىن ياردىم لىگى ايله شىطانىن باطل و قولاي سۆزلرىنى دىل لرىنە گتىرىردىلر.

خطبه ۸ - او حضرتین کلامی (علیهما السلام)

سؤزیرینه دوشنده زییرین حاققیندا، بیان ائتمیشدی. زیر خیال ائدیرکی ئوزده بیعت ائدیب و گیزلینده بیعت ائت میوبدور. هر حالدا او بیعتینه دیل وئریر. اماؤزه گلیرکی اؤرکدن بیعت ائتمیوبدور. بوناگوره یئری واردلیل گتیرسین، اگر دلیل گتیره بیلمهسه، اقرار ائدیگی بیعته گرهک وفالی اولسون.

خطبه ۹ - او حضرتین کلامی (علیهما السلام)

جمل محاربه سینده اولان یوللاشمازلاری دانلیر: بولوت کیمی سسله نیب ایلدیریم کیمی شاخدیلار. بونولا بئله قورخوب بوشالدىلار.

خطبه ۱۰ - دان

آیلین، شیطان ئوز یولداشلارینی مینیک سیز و یا آتلی، حاضر لیب دیر اما منیم باخیشیم منله بیر لیکده دیرو آیریلماز. حقیقتی ئوزومه مشته ائتمه میشم و حقیقت ده منه گیزلین دگیل. آند اولسون آلله اونلار اوچون بیر گؤلجوک دوزهلدیم کی هر کس اونادوشه، چیخایلمیه و ائشیگه چیخان دا، بیرده اوناقائیتیه.

خطبه ۱۱ - او حضرتین کلامی (علیهما السلام)

ئوزامان کی بایداقی جمل ساواشیندا اوغلی محمد حنفیه به وئردی بویوردی: «اگر داغلار یئریندن اویناسا، سن یئریندن ترپشمه، دیشلرین قیس، باشین آلله بورج وئر، آیاقین قازیق کیمی یئره محکم لندیر. گؤزون دشمان دویوشچوسونون آخیرلرینه تیک و گؤزون ثورت. بونی دوشون کی اوستون گلکم تانری طرفیندیر»

خطبه ۱۲ - او حضرتین کلامی

او زامان کی تانری جمل ساواشیندا، او حضرته غالب اولماغی نصیب ائتدی، بیر نفر یار دیم لریندن اوجنابا دئدی: گونلوم ایستیردی کی قارداشیم فلان کس ده بیزایله بو محاربسه ده حاضر اولایدی و گوره ایدی کی نئجه تانری سنی دشمانلارا غالب ائتدی. حضرت بویوردی: دئی گوروم قارداشین محبتی ده بیز ایله وار ایسدی؟ دئدی: بلی بویوردی: اودا ساواشدا بیزایله وارایدی و حتی اونلاری کی آتالارینین صلیبنده و آنالارینین رحمینده دیلر. زمانه بوتنزلیکده بوروندان قان آچیلان شکیلده اونلاری وجوده گتیریب و ایمان اونلار ایله گوجلنه جکدیر.

خطبه ۱۳ - او حضرتین کلامی

بصره و اونون اهالی سین دانلاماق

سبز بیر آروادین قوشونی و بیر حیوانین تابع لریندن ایدیز کی دوه آنقرآندا قنوزانیر دیز و دوه پی لنده قاچیر دیز. سیزین اخلاقیز قولای و قول و قراریز کوكسوزدور، دیله گیز ایکی اؤزلی لیک شهریزین سویبی شور و داد سیزدیر. سیزه قوشولان آدام ئوز گناهینین گروینده دیر. سیزین ایچیزدن چیخیب گئدن الله رحمتین درک ائدهر. سیزین مسجدیزی گمی سینه سی کیمی سودا گوروره م.

اولوتانری بو شهرین آلت اوستوندن عذاب یاغدی رار کی هر کیم اوردا اولسا، سودا بو غولار.

بیر روایتده: (آند اولسون تانرییه شهریزی سو باسار و مسجدیزین اوجایثرلری گمی یا دوه قوشی کیمی کی اؤزی قویلی دوشر، گورسه نر).

بیر روایتده: (مسجدیزی اؤزی قویلی دوشموش توپوقون سینه سی کیمی سودا گوروره م).

بیر آیری روایتده: سیزین اولکزه زین توپراقی اللّٰهین ائی لنمیش توپراقلارینداندیر. هر

یثردن سویا یاخین و گویدن ئوزاقسیز. پس لیک لرین اوند ا دوققوزی سیزین یثردہ دیر. هرکس اوردا اولسا گناھا باتار و هر کیم اور دان گندہ اللهین رحمتینہ شامل دیر. ائله بیل کی گورورہم شهریزی سوتوتوب، مسجدیزین اوجایثرلریندن سوای کی بیر قوشون سینہ سی کیمی ائشیکده دیر بیرزاد گؤرسنمیر.

خطبه ۱۴ - او حضرتین کلامی

قاباکی روایتہ بنزہ ریشی وار

یثریز سویا یاخین و گویدن اوزاق دیر. عاغل لاریز آز و دؤزوموز یثرینده ایشلنمز. سیزلر اوچو لارا یاخشی نشانہ و حملہ ائدنلرہ یاغلی تیکہ سیز.

خطبه ۱۵ - او حضرتین کلامی

(بو سؤزی او زامان بویوردی کی عثمان باغیشلیان حاقسیز باغیشلا مالاری بیت المال قایتاردی). آند اولسون تانریبه عثمان باغیشلیان حاقسیز باغیشلا مالاری هاردا تاپسام صاحبینہ قایتاراجاغام. حتی او باغیشلا مالار قادین حیثیلی اولسا، یاکنیز آینسا. چون کی عدالت آچیشلیق گتیرر. هر کیمہ عدالت آغیر گلسه، ظلمہ دؤزمکده، اونا آغیر گلہ جکدیر.

خطبه ۱۶ - دان

(بو خطبه نی او زامان کی مدینہ اہلی او جنابا بیعت ائتدیلر، بویوردی: بو خطبه ده اونلارین ایشلرینین، سونونی خبر وئریب اونلاری نچہ صینفہ بؤلور).

منیم ذمہم دئدیگیم سؤزلرین گروینده دیر. و هاموسینی ضمانت ائدیرہم. هر کیم گئچن لرین عمل و کردارلاریندان عیبرت آلا، تقواسی اونسی بو زواللی لیک لردن قورتولار. آیلین محنت و بلا پیغمبر زامانی کیمی سیزہ ساری اوز چئویریدیر. آند اولسون او کسه کی پیغمبری حاقدان یوللادی بیر بیریزہ قاریشیب چالخالانیب قازقانداکی زادلار

کیمی آلت اوست اولارسیز اسگیگ لریز اوجامقامداو بؤیوکلریز آلچاق مقاما قانیدا جاقلا. اونلارکی ایسلامدا سبقت آلیب لار و قدر و قیمت لری یوخ اولوب، قاباغا دوشنلر دالی ورولا جاقلا. آند اولسون تانرییه ایدا یالان دنمیرم من بو مقاما و بوگونه، خبر وئرلمیش لردنم.

آیلین گناهلار قودروموش آتلا کیمی دیلر کی گناهکار مینلرینی اودا آتارلار. تقوا و پرهیزکارلیق دینج دوه کیمی دیرکی نوختاسی مینلرین الینده دیر و صاحبینی بهشته ساری چکیر. تقوا و پرهیزکارلیق حاق یولی و گناهکارلیق باطل یولودور و بو یوللارین ئوزونه گوره صاحبی وار. اگر باطل چوخالسا، کی قدیم زامانلاردا چوخ باطل ایشلر گوره میشلر و اگر حاق آزدا اولموش اول، اومود یئری وار کی چوخالا. آزاراق زاد وارکی اگر الدن گنده بیر ده اله گلر.

رحمت لیک سیدرضی بویورور: بو سؤزلرکی فصاحتہ یاخیندیر، بیر پارا یاخشلیق لاری وار کی فصاحتده هنج کسین سؤزی اوناچاتماز. اوپله کی بیزیم تعجبمیزدن چوخ، شاشماق، ئوزی حیرتده قالیر. بونولا بئله دئدیگیمیز کیمی اوجنابین سؤزونده چوخلو فصاحت وار کی هنج دیل اونون تانیقینا گوجلو دگیل. و هنج اینسان مطلبلرینین درینلیگینه ال آپارایلیمز. دئدیگیم نجه لیکلری دوشونمز مگر او آدام کی بیر عمر بویولدا ایشلیب و اونون اساسینا اوسلودور. بوسؤزلری ده عالم آدام لاردان سوای بیر کیمسه باشادوشمز.

(بو خطبه نین بیر آذیرینده اینسانلاری اوج بوئلومه بؤلور).

بهشت و جهنم مشغول اولانین قاباقیندا دیر، حاق یولوندا چالیشان نجات تاپدی و آزچالیشانین اومود یئری وار. اما چالیشیمان، اودا، یانار. ساغ و سولدان گنتمک آرقین لیقدان دیر، اورتا یول دوزگوندورکی قرآن و پیغمبرین سستی او یولدادیلار و هامودا او یولا قانیدا جاقلا. هر کیم آیری ادعا ائسه هلاک اولور. هر کیم یالان دئسه، زیانین چکه جک و هر کیم قانمازلار یانیندا حاقدان دئسه بیس اولار.

هر کیم ئوز قدرینی بیلمه سه، جهالت اونا کفایت ائدهر. اما او کؤک کی تقوا و

پرهیزگاریق اوسته قرار تاپیب، یوخاچیخماز. تقوا اکینی سو سوز اولماز. گئدین، ائولریزده گیزلین اختلافلاریزی اصلاح ائدین کی توبه سیزه دایاقدیر. هئج کیم تانری دان سوای بیرکسه شاکیر اولماسین و ئوزوندن سوای بیرکیمسه نی دانلاماسین.

خطبه ۱۷ - او حضرتین کلامی

تانری یانیندا ایکی نفر هامودان چوخ دشمان دیلار: بیرری او آدام کی تانری اونسی نافرمانلیق علتینه گوره بوراخیدیر، چون او، دؤز یولدان چیخیب و ضلالتده اولان، یول ایتیرنلرین سؤزلرینه قولاق وئریدیر و او آداملارین فتنه لری اثرینده، فتنه لره سبب اولوبدور و دؤزگون یول گئندنلرین یولوندان کناردا دیر. و هر کیمسه کی ایندی یا گلّه جکده، اونون یولون گئندیرلر آزقین اولما قلارنین سببی دیر. بو آدام اؤزگه نین گناھین بونونا آلاں حالدا، ینه اؤز گناھلارینین گروینده دیر.

او آداملاردان بیریسیده: قانمازلیق لاری بونونا آلیب آیری قانمازلاریدا یولدان ائدیر و فیرتینا و فسادلارین قارائلیق لاریندا یاشیر، اصلاح زامانی کوردی. قانمادیغی حالدا عاوام اونسی بیلجی تانیرلار. سحردهن آخشامادک او زادلاری آرتیرماق آردیندادیر. آزی چوخوندان یاخشیدیر ائله کی او قوخوموش سوکیمی یاراماز سوءزلردن دولوب داشدی، جماعت ایچینده قضاوته اوتوروب، اؤزگه لرینه مشته اولان سؤزلره ده ئوزینی بیلجی تانیر، اگر بیرچنین مسأله قاباغاگلّه، جاوایندا اؤزوندن بیر پارایچی بوش آنلامسیز سؤزلر دئیر و دئدیگینه کی دؤز دئیپ یاخلافیمیش آرخابین دیر. اما، اورومجک کیمی ابش گوردوکده، حؤکم لرینده شبهه له نیر اگر دوزگون حؤکم ائتمیش اولسا، قورخور دئسینلر خاطاگئندیب و اگر ترسه حؤکم ائتمیش اولسا، انتظار ی وار دؤز اولا. قانماز و دوشونمه زاولدوغی حالدا، چوخلو یاھالیر. کوردی و کور دوه لره مینیر و چون بیر زاد بیلیمیر، جاوایدا وئره بیلیمیر.

قوری و فایدا سیز اوت علفلر کیمی روایت لری یئله وئیریر. آند اولسون تانرییه کی سؤزلرین جاوایندا و هم ایشینده چون لیاقتی یوخدور، و باجارا بیلیمیر، بونا گوره

فېكرىنە دە چاتمىركى داندېغى سۈزلىرى، آيرىسى بىلەر واينانمىركى خلاف دندىك لرىنە بىر آبرى دوشونن عاليم وار.

اگر بىر امرە بىلىك سىز اولدوغونى بىلسە، اوستون اورتىر، قويماز آچىلا. ظلمىلە حۇكم ائندىگى ايشلردە، حاقسىز توكولن قانلار، دىللىنب و حاق سىر اۈزگە لرە وئرىلسن مىرائلار اوجا سس اىلە تانرىيە نالە ائدەر. اوقانماز آداملارین الیندن كى جھالت لە ياشىرلار. تانرىيە شكایت ائدیرم. شاكىم او دستە آدام لاردان كى آزقېتلىقدا دىسلار. هئىچ ماتاە اونلارین يانیندا تانرى كىتابىندان اوجوز دگىل و اونى اولدوغى كىمى اوخومورلار. تحریفدن بۇل، اونلارین يانیندا بىر ماتاە تاپىلماز. اونلارین گۇزوندە معروفدان پس ومنكردن ياخشى زادىوخدور.

خطبە ۱۸ - او حضرتین كلامى

« قاضى لرین حۇكم لردە اختلافلى فتوالارىنى پىسلىب اونلارى دانلىر »

بىر زامان بىر مسأله طرح اولونور و قاضى ئۆز رآيى اىلە حۇكم وئرىر. سونرا هامان قضیه آبرى سىنین يانیندا طرح اولونور او حۇكمون ترسه سینه حۇكم وئرىر. سونرا بونلار اختلافلى حۇكم لراىلە، بىرلىكدە، قاضى القضاتین حضورینه كى اونلارى بو مقاما قوندارىب، يغىشىرلار. قاضى القضات دا هاموسىنین حۇكمون دوزگون بىلر. بىر حالداكى تا نرى لارى، كىتابلارى و پىغمبرلرى بىردىر. گورەسن تانرى حۇكم بويوروب كى بىر بىر لرینین ترسه سینه حۇكم وىرسىنلر؟ اونلاردا بو ايشە باش اوستە دئىبلر؟ يا نهى اولونوبلار اما اونلار گناه ایش گوروبلر؟

يا بوكى تانرى (العاىذ بالله)، ناقص دىن گوندرىب و او دىنى كماله چاتدىرماق اوچون بونلاردان ياردىمچىلىق اىستەيىب دىر؟ و يا تانرى كامل دىن گوندر دىگىندە، پىغمبر اونى يتىرمكدە دۇز ايشلە موبدرو؟

بىر حالدا كى او بويوروب: قرآندا هئىچ زادى ياددان چىخارتمايشىق. بىردە بويوروب: قرآندا هر زاد بيان اولوبدور. وآنلادىركى: قرآنین بىر پارا آيەلرى اوبىرىسى آيەلرىنى تصدىق

اندیر وهنچ اختلاف اوندایو خدور. بیرده بویورور: اگر بو قرآن غیرتسانری طرفیندن اولسا ایدی، اوندایو چوخلو اختلاف تاپیلاردی.

قرآن کریمین گۆرونوشی حیرتلنمه لی ایچی درین و سونسوزدور. اونون عجایی فانی اولمیوب و غرایبی بیتمز. جهالت ظلمتی اونسوز آرادان گنتمز.

خطبه ۱۹ - او حضرتین کلامی

او زامان کی حضرت (ﷺ) کوفه ده منبره گنتمیشدی و خطبه بویوروردی، قیس اوغلی اشعت اونادندی: ای امیرالمومنین، بو سؤز سنین نه ضرر یوه ن دیزهه کی خیریوه ن. حضرت گۆزلرین بره لدیب بویوردی: سن هاردان بیلرسن نه لرمنیم ضرریمه و نه لر خیریمه دیر؟ آللهین و قارقیش ائدن لرین قارقیشی سنه گل سین، ای جولاه، اوغلی جولاه و ای کافر اوغلی منافق. سن بیر یول کافر اولان زامان و بیر یولدا مؤسلمان اولاندان سونرا اسیر اولموسان، مال و مقام سنی بو اسارتدن قورتسولا بیلمه دی!! هر کس قبیله سین شمشیره ساری آپارا و اونلاری ئولومه وئره، بونا لیاقتی وارکی، تانیشلارا وونی دشمان بیلیب و اؤزگه لر اونی امین بیلمه سینلر.

(مرحوم سیدرضی بویورور: امامین بو سؤزی کی: کفر سنی بیر یول اسیر ائدی و اسلام بیر آیری یول... بودورکی: اشعت بیر یول کافر اولان زامان و بیر آیری یول مؤسلمان اولاندان سونرا اسیر اولموشدی) و او حضرتین اشعتی دانلاماقدان منظوری کی بویوردی: او آدام ئوز ائللین شمشیر طرفینه آپاریر...، اشاره دیر اشعت ایله خالدین یمامه ده کی جریانلارینا کی اشعت اوشهرده، ئوز طایفا تابعین توغلادی و خالد ده اونلارا ال تاپدی. بو جریاندان سونرا دیرکی اونا «عرف النار» دئیردیلر. بو سؤز اونلارین یانیندا مکراندن آداما دئیلر.

خطبه ۲۰ - دن

اگر سیزلر ئولن لرین گۆردوگوننی یقینی گۆزوز ایله گۆر سه ایدیز سیزلایب دوء زوملی

اولمیه راق قورخاردیز، یا ائشیدیب اطاعت اندردیز. اما ئولن لر گورن زاد، سیزین گؤزوزدن غایبیدیر. آزقالیرکی پرده لر گوتورولسون. اگر گورن گؤزوز اولسا، سیزه گؤز وئریلر. ائشیدن قولاق یارادیلار، اگر ائشیده سیز. هدایت یولی آچیقیدیر اگر هدایتی قبول ائده سیز. دوغروسی سیزه دئیرم کی: عبرت لر سیزه آشکارا اولوب و نهی اولونان زاد لاردان نهی اولوندوز. اللهین ملائکه لریندن سونرا، هئج کیم، مگر بشر، تبلیغ عهده داری اولایلمز.

خطبه ۲۱ - دن

امریزین قورتولوشی گؤزوزون قاباغیندا و ئولوم ایله قیامت، دالدا دیلار. یوکی، یونگول اندین تاکروانا تئز چاتاسیز. قاباقدان گئدنلر، دالدا گلن لرین انتظاریندا دیلار. (مرحوم سیدرضی بویورور: بو کلام، تانری کلامی و رسول اللهین کلامیندن سونرا، هانسی کلام ایله توتولوشا، اونا ترجیهی وار واوندان قاباقدیر. اما اوکی حضرت بویورب (تحققوا، تلحقوا)، بوقیسسالیقدا آنلاملی سؤز ائشیدیلمیوبدور. بو کلمه گؤزهل حکیمتلی ودرین آنلاملیدیر! ائله گؤزهل حکیمتلی و درین آنلاملیدیرکی علم و حکمت آختارانلاری سیراب ائدیر. بو کلمه نین عظمت و شرافت و جوهرینی ئوزخصائص کتایمدا سویله میشم).

خطبه ۲۲ - دن

آییلین شیطان ئوز حزبینی قالخیزیب و دیوشچی لرینی ییغیدیر تا ظلمینه ئوز یئرینه گلسین و باطل اصلینه قایتسین. آند اولسون تانرییه کی بو منکری منه نسبت وئرمکده منیله ئوز آرالاریندا عدالت له دانیشمادیلار. اونلار ترک ائدن حاققی و توکدییگی قانی، ایستیرلر... اگر من اونلار ایله بو ایشده شریک اولسائییم، اونلاریندا بوایشده اللری وارییدی و اگر منسیز بو ایشی گوردولر، مجازات اونلاریندیر نه منیم. اونلارین بؤیوک دلیل لری ئوز زییانلارینا تامامدیر...

اونلار او دؤشدن سود آختاریرلارکی چوخداندی قورویوبدور. او بدعتی دیریلدیرلرکی

چوخ زاماندير آرادان گنديدير... ای اومودی ئوزولموش منی چاغيران، چاغيران کيملردی؟ و نه اوچون اجابت اولور؟ من تانرين حجتينه و اونون علمينه بونلارين حاققیندا راضيم.

اگر اونلار سرکش اولسالار، ایتی شمشیرکی اونلار را کفایت ائديب و حاققا یارديم دير، اونلارا حواله ائده رم. تعجب بوردادیرکی، اونلار منه پیغام وئریبلر، نیزه وورماق اوچون اونلارا ساری گندیم ولی شمشیر چکماقدا، صبر ائديب دایانماغیم اولسون! آنالاری ماتم لرینده اگلش سین، هنج زامان من ساواشا تهديد اولماز دیم و شمشیر ضربتیدن قورخمازدیم، من تانرين وجودينه آرخائين ام و ئوز دینیمده شکیم یوخدور.

خطبه ۲۳ - دن

اولوتانرين امری ياغيش دامجی لاری کیمی گویدن یثره نازل اولور و هر کسه آز یاجوخ، بهره يتيشير. بوناگوره اگر بيرنفر سيزلردن ائولاددا، مالدا، سايين ليقدابيرينده اوستونلوک گورسه، گره کمز فیرتیناو فسادہ سبب اولا. چون کی مؤسلمان آدام او زامانا دک کی آلچاق ایش گؤرمیوب تا دلیلره دوشه واسگیک اولا، و آلچاق نئجه لیک آدام لار، اونا آباق گوتورمیهلر، بیر اودوزان قماربازا بنزرکی، انتظار ی وار هامان اول اویوندا، آپارسین و بیر غنیمت اله گتیرسین کی اونون ضررلرینی کفایت ائتسین. هابئله بیر مؤسلمان کی الی مکتدن بوشدادیر، و خیانتدن کنار گزیر، تانريدان ايکی یاخشی زادین بیرینی ایستیر:

یا اولوتانرين چاغيريشين اجابت ائده کی اونون یانیندا اولان دونیا نعمتلریندن یاخشیدیر و یا بؤل روزی و اهل و ائولاد و مکت صاحبی اولا، بیر حالداکی دینی و آیری یاراشیق لاری حفظ اولونوبدور.

حقیقت ده، مال و ائولاد دونیا ماتاهی و یاخشی صالح ایشلر آخرت ماتاهی دیلر. گاه اولورکی، پروردگار هر ايکی سین بیر پاراسینا وئیر. اما تانری بویوران خطرلردن نفسیزی کنار ائدین. و قورخماغیز عذر و بهانیه باغلی اولماسین. عبادت ائدین اما بو ایشده تظاهر

وربادان ایراق گزین. چون کی هر کس بیر ایشی اللهدان سوای آیری لارینا انجام وئره، اللهدا اونون اجرینی اونلارا حواله ائدهر.

اللهدان شهیدلر درجه سی، سعادتی دیریلیگی، پیغمبرلر یولداشلیغی نی آیرام. ای جماعت؛ اینسان هر قهدهر جاه و جلالی آرتیق اولسادا، ئوز یاخین وتانیش لارینا محتاجدیر. چون یاخین وتانیشلارهای دان یاخشی اونون چتین لرینی آرادان آپارارلار. گرگینلرده و خوشاگلمیین ایشلرده اونا هامودان یوموشاقدیلار.

هر کسه گؤزهل ادلی سانلی اولماغی، تانری باغیشلاسا، او مال و مکتدن کی ئوزگه لره ارث قویاجاق یاخشی دیر.

(بو خطبه نین آیری بولومی بئله دیر): آییلین سیزلردن هئچ کس گره کمز ائل و قبیله سیندن ئوز چئویرسین. اگر اونلاری یوخسول حالیندا گورسه، گره کدیر اونلارا او مالدان کی وئرمه مکدن چوخالماز و وئرمک ایله آزالماز، احسان اتسین.

هر کیم ئوز طایفاسیندان ال گوتوره، او طایفادان بیرنفر، دال اوتورور، اما هامان حالدا نئچه نفرین الین ئوزوندن قیسالیدیر. هر کیم بوردا آلچاق کونول و یوموشاق اولوب یولداشلیق ائده، دوستلوقلاری داوام تاپار.

مرحوم سیدرضی بویورور: «غفیره» بو خطبه ده چوخلوق آنلامیندا دیر نئجه کی چوخ جماعته «جم غفیر و جماء غفیر» دیرلر. بیر روایتده «الغفیره» یئرینه «عفو» دئیلیب «عفو» یاخشی زادا دیرلر نئجه کی «اکلت عفو الطعام» یعنی یاخشی طعام یندیم. حضرت نه گؤزه ل بویوروبدور: «و من یقبض یده عن عشرته...» یعنی هر کس یاخشیلیقی و یولداشلیقی ائل و قبیله سیندن اسیرگییه، دئمک اولورکی بیز نفر یاردیم اونلاردان آزالیب، اما اگر اونلارا ایشی دوشه، و ایستیه کی اونا یاردیم لیق اتسینلر، اونلاردا اونا یاردیم لیق ائتمکدن مضایقه ائدهرلر و سؤزونه سؤز وئرمزلر... بونا گوره چوخ اللرین یاردیم لیگیندن و چوخ قدم لرین یولداشلیغیندان پایییز اولار.

خطبه ۲۴ - دن

آند اولسون جانیم، حاق یولونون دشمان لاری ایله و هابئله یولدان چیخان و ضلالتده اولانلاریله، ساواشدا قیسا گلمهرم. ای اللهین بنده لری: پرهیزکار اولون و اونون عذابیندن، رحمتینه ساری گئدین، او آیدین یولدان کی قاباغیزا قویولوب، گئدین و سیزه تکلیف اولونان ایشلره قیام اندین. علی، سیزه ضامن دیر اگر بوگون یتیشمه سز و اوغورلی اولماساز، گله جکده اونا نایل اولایلمیه جک سیز.

خطبه ۲۵ - دن

دال با دال خبرلر اوجنا به یتیشردی کی: معاویه نین یولداشلاری و دویوشچیلری شهرلره ال تاپیلار. عباس اوغلی عبیداللهی و نمران اوغلی سعیدی کی اوجنابین طرفیندن یمن حاکیمی و والیسی ایدیلر، ابی ارطاة اوغلی بسر، اونلارا غالب گلندن سونرا، کوفه ده او حضرتین یانینا گلدیلر. او حضرت بیر حالدا کی اؤز اصحابینن جهاددا لیرلیک و اونون دوشونجه لرینده مخالفت لریندن تنگه گلمیشدی منبره گئدیب بئله بویوردی: بئله اولسا کوفه حکومتیندن سوای منیم الیمده بیرزاد قالماز. ای کوفه! اگر سندن سوای بیرزادیم اولماسا و سنده بوغاناقلی اولاسان، پس تانری سنی ئوزی قارا ائتسین... بوردا شاعرین دئدیگینه تمثیل ائتدی:

«لعمرو اییک الخیر یا عمرو اننی علی وضر من ذالاناء قلیل»

کی بئله دوشوندورور: (ای عمرو آند اولسون آتان گؤزه ل روحنا کی منه بوقابدان یالاماسی قالیدیر).

سونرا بویوردی: منه خبر یتیشیب کی «بسر» یمنه وارد اولوبدور. آند اولسون تانریه فیکر اندیرم کی بو تزلیکده سیزه مسلط اولوب سیزین حاقلی اولماغیله داغیتی لیق اثرینده و اونلارین حاقسیز اولدوغی حالدا بیرلیک اثرینده حکومت صاحبی اولاجکلر. چون کی سیز حاق یولوندا رهبریزدن اطاعت ائتمیر سیز و اونلار باطل یولدا رهبر لریندن اطاعت ائدیرلر.

اونلار اونون امانتینی گؤزلورلر اما سیز خیانت ائدیرسیز. اونلار شهر لرینده اصلاحه و سیز شهرلریزده فساده مشغول سوز. اگر سیزلردن بیریزه بیراودون کاسا تاپشیرام، قورخورام کی اونون قولپینی اوغورلیا.

ای منیم تائیریم، من بونلاردان بئزیک میشم و بونلاردامندن اوسانیبلار، بونلارین عوضینه منه یاخشیلارین مرحمت ائت و منیم یثریمه بیر شرارتلی آدام اونلارا نصیب ائت. ای منیم تائیریم: اونلارین آورده کلرین، دوز سودا اریین کیمی اریت. آییلن: آنداولسون تائیریه، نقهده رخوش اولاردی کی سیزین یثریزده «فراس بن غنم» اتولادیندان مین نفر منیله اولیدی. سونرا بو شعری اوخودی:

«هنا لك لو دعوت اتاك منهم فوارس مثل ارمیه الحمیم».

اگر اونلاری یاردیم لیگه چاغیراسان، یای بولوتلاری کیمی سته ساری گلرلر». سونرا او حضرت مئبردن اندی.

مرحوم سیدرضی بویورور: ارمیه «رمی کلمه سینین جمعی و بولوت آنلامیندادیر. و حمیم دن منظور، بوردا یای بولوتی دیر. چون یای بولوتلاری یاغیش سیزدیلا. یونگول اولوب ینگین حرکت ائده رلر اما او بولوت کی یاغیشی وار، و قیشدا گلر، آرام گئدر. بوردا شاعر بئله او جماعتین غیرتین تعریف لیب کی: اگر اونلاری یاردیم لیگه چاغیرالار اونلار تئز قبول ائدیب و یاردیم لیگه حاضر اولارلار. شاعرین دئدیگی، بو سؤزه اشاره دیر.

خطبه ۲۶ - دان

تائری حضرت محمدی (ﷺ) او حالدا کی دونیا اهلینه عذابدان قورخوئره و هابئله نازل اولدوقلارینا آرخائین ایدی نبوته یوللادی.

سیز ای عربلر، او زامان هامیدان پیس، دینین امتی ایدیز. پیس و داشلی یئرلرده کی اونون آغیلی ایلانلاری واریادی، یاشیردیز. ائی لنمیش قارا سولاردان ایچیردیز و قولای یشمه لی لردن یاشیردیز. بیریریزین قانیزی توکوب، ائل لیگی

پاراچالیردیز. اورتازدابؤت لرواریدی و گناهلاردان قاچمیردیز.

(بیر پارچا بو خطبه دن بئله دیر): او زامان باخوب گوردوم کی اهل بیتیم دن سوای بیر کمکیم یوخدور. راضی اولمادیم کی اونلار ئولسون لر توپراقلی گؤزلریمی یومدوم. سوموک بوغازیندا قالانلار کیمی، ایدییم. نفسیمین توتولماغینا و علقم دن آجی زادلارا دؤزدوم.

(ینه بیر پارا بو خطبه دن بئله دیر): او معاویه اوچون، شرط سیز و قیمت سیز بیعت ائتمه دی. بو ایشده، ساتانین الی برکت تاپماز. و آلا نین قول و قراری اونون رسوای لیقینا سبب اولار. سیزده محاربه اوچون حاضر لاشین و اونون وسیله لرینی ییغین. چون کی محاربه نین اودی گورلانیب آلووی قالخیر. دؤزوملی اولون کی دوزمک، اوستونلوگی سیزه ساری چاغیریر.

خطبه ۲۷ - دن

اما جهاد: بهشتین قاپولاریندان بیریدیر، کی تانری یالنیز ایستکلی لری اوچون آچیدیسر. جهاد تقوا پالتاری، آللهین محکم و آرخاین قالخاندیر. هر کیم اونو ترک ائده، آلله اونا ذلت گئیمی و بلا رداسی گئیندیریب ذلیل اولار. و چون آلله ئوز رحمتین اوندان کسیدیر، عاغل سیز لقا توتولار. و چون جهادین حاققینی یثرینه یترمه دی، ذلیل اولوب و انصافدان قالار. آییلین؛ من سیزی گنجه، گوندوز، آیدین گیزلین حالدا، بو ائل ایله ساواشا چاغیردیم و دندیم: اونلار ساواشا گلمه میشدن قاباق، سیز اونلارین چارپیشماسینا گئدین. آند اولسون الله: هنج طایفانین ائوینده، ساواش اولموب مگر بوکی، اونه مدن دوشوب و سینیب لار. اما سیز لر جهاد وظیفه سین بیریریزین بوینونا آتدیز. بیر بیریزی آلچاق لاندیردیز تا واریوخوز چاپلیب، ئولکه ز الیزدن گئتدی. بو، سفیان ابن عوف بنی غامدلی قارداش دیرکی ئوز دویوشچیلرله «انبار» شهرینه گوردی و حسان ابن حسان بکرینی ئولسدوروب، سیزین آتلی لاریزی او شهردن ئوزاقلاندیردی.

منه خبریتیشیب کی اونلاردان بیرکیشی، بیرمؤسلمان آروادین و بیر ذمی کافر قادینین ائوینه گیریب خه ل خال، قولباغ، بویونباغ و سیلقالارینی سویوندوروبلار و او قادین

گوچی چاتمیان حالدا اوجا سس ایله آغلیوب و یاردیم ایستیرمیش. اما دشمانلار چوخلو غنیمت لر ایله قانیدییلار او حالداکی هنج بیرنین قانی توکولمیوب و یارانما میشدیلار. اگر بیر مؤسلمان بو ئوز وئرمه نی ائشیدیپ غصه سیندن هلاک اولسا، اونسی دانلاماق یئری یوخدور کی هنج، بلکه ئولمک اونایاراشیر. عجب! عجب! آند اولسون پروردگاره، اونلارین قولای ایشلریله بیرلشمه لری، و سیزین حاق ایشلرده آیریلیغیز، کونولی ئولدوروب غصه نی آرتیر. ئوزی قارا اولاسیز، کونلوز غصه لنسین! او زامان کی سیزلره اوخ آتیردیلار و مالیزی چاپیردیلار، نیه سیز چاپمیردیز؟ ایندی سیز ایله ساواشیرلار سیز نیه ساواش میرسیز؟ اونلار تانرییه معصیت اندیرلر سیزلرده راضی اولورسوز. او زامان کی یای ایدی، سیزه دئدیم: اونلارین ساواشینا گندین، دئدیز: ایندی هاوا ایستی دیر... قیشدا دئدیم گندین، دئدیز بوگونلر هاوا شاختادی وول ایستیریک تا سویوق چکیلین... سیزلر کی بو ایستی سویوق بهانه لرینی گتیریرسیز، آند اولسون تانرییه کی قلینج قاباغیندان قاچاجاق سیز.

ای نامردلر کی سیزلرده کیشی لیک اثری یوخدور... ای اونلاری کی عاغل لاریز اوشاق عاغیلی کیمی دیر... ای تازه گلین لر، کاش سیزی گورمیه ایدیم و سیزلری تانی میه ایدیم...!! آند اولسون تانرییه سیزلر ایله تانیش اولماغین، یثکونو، پشیمانچلیق و غصه لنمک دیر. آله سیزی ئولدورسون کی منیم کونلومی بولاندیردیز و سینه می خشم ایله دولدوردوز. هر نفسیمده منه غصه یاراندیز. سؤزومی اعتناسیزلیک ایله خارابلا دیز. اوقه ده ر ائتدیز کی قریشی لرده دئدیلر ابی طالبین اوغلی قوچاق لیغی اولسادا ساواشماغا باجاریغی یوخدور، آله دده لرینه رحمت ائتسین، گوره سن، اونلارین هانسی منیم کیمی دینده داواملی و ساواشلاردا چالیشان ایدی لار؟ هله ایگیرمی یاشیم یوخیدی کی ساواشا حاضرلاشدیم ایندی آتمیش ایلدن چوخ یاشیم وار... اما اوآدامین کی سؤزون ائشیتیمیرلر، دوشونجه یه دالماق، ایش وئرمز.

خطبه ۲۸ - دن

دونیاسیزه دالین چئوریب آیریلماقی بیلندیریر. آخیرتده، یاخینلیدیدر. آییلین: بوگون اویره‌نمگه حاضرا لاشماق، صاباح قوشوشماگونی و بهشت بو قوشوشمانین امه‌گی و جهنم اودی دالدا قالانلاریندیر. آیا بیر نفر یوخدورکی ئولومی یتیمه‌میشدن قاباق، ئوز قورتولوشونافیکر ائتسین؟ آییلین: سیز اومود و آرزو زامانیندا یاشیرسیز، کی اونون دالیسی ئولماقدیر. هر کس اومود ایله آرزو گونلرینده، اجلی چاتماقدان قاباق، بیر ایش گورسه، عملی اونا فایدالی اولار و ئولوم اونازیان وئرمز. اما هر کس ئولومدن قاباق یاخشیش ایش گورمه سه، ایشی یاشدیر وئولمک اونون زیانینا تامام اولار.

آییلین، نجه‌کی قورخاندانانریه یاخشیش ایش گورورسوز، بئله بیر زاماندا اوجور اندین. آییلین، من بهشت کیمی نعمت گورمه‌میشم، کی اونو ایستین لر غفلت یوخی سینده اولسونلار و اود عذابی کیمی ده بیلیم کی اوندان قاچانلار، بئله یاتسینلار. آییلین، هر کیم حاقدان خیر آپارماسا، باطلین زینانی اونو توتاجاقدیر و هر کیم دوز یولا هدایت تاپماسا، باطل یول اونو فنایه چه‌کر.

آییلین، سیز بوردان یول توشه‌سی گوتورمه‌گه و کوچماغامور اولموسوز. سیزین حاققیزدا، ایکی قورخمالی زاددان قورخورام: بیر نفیسزین قولی اولماق، بیریسیده ئوزین آرزو لاریز دیر. اودورکی، دونیادان زومار گوتورون تا صاباح قیامت اولاندا، ئوزوزی اونولا ساخلییاسیز.

مرحوم سیدرضی بویورور: اگر بیر کلمه اولموش اولای کی اینسانلاری زهد طرفینه چکه، و اونلاری مجبور ائده کی یاخشیش ایشلر گورسونلر تا آخیرتده ایشه گل سین، یالئیز بو کلامدورکی اینسانی چوخ علاقه و آرزو لاریندان و پیس عمل لردن کناراندهر و آییلماق آلولارینی آوره‌گینده ایشیق‌لاندرار. ماراقلی سوءزلردن بیر یودورکی، بویورور: بوگون حاضر لاشماق گونی صاباح قوشوشما و اونون امک لیگی بهشت. دالداقالانین جزاسی اود دور.

بو سؤزدیل و آنلامدا بویوک اولدوغی زامان، دوزگون مثال و بنزه تمه لری و ماراقلی

سر و اینجہ آنلاملاری وار کی بویوروب: سبقت ائدن لره بهشت و دالداقالماغین جزاسی جهنم دیر. بوردا، آنلاملارین اختلافین بیان ائتمک اوچون، سبقه کلمه سین بهشته و الغایه کلمه سین - اودا - تعبیر اندیدیر و بویورمیوب والسبقه النار نئجه کی بویوروبدور السبقه الجنة. چون کی استباق و قاباقلاماق لفظی، ایسته ملی بیر امر اوچوندور کی بهشتین نئجه لیکه دیر.

بو آنلام اود حاققیندا (کی اوندان تانرییه پناه آیاریرام) یوخدور. بوناگوره جائز دگیلمیش کی بویورسون: و السبقه النار؛ بلکه بویوروبدور، والغایه النار، چون کی غایت، او امره نایل اولانلارا گاهدان، سنوینمک گتیرمز و گاهدان سنویندیره. بوناگوره بولفظدن هر ایکه آنلاما تعبیر ائتمگین صلاحیتی وار.

غایت کلمه سی بوردا، میصیر و مأل کلمه سی کیمیدیر کی اولو تانری بویوروب: قل تمتعوا فان مصیرکم الی النار «دئی یاراماز ایشلردن لذت آپارین، چون ایشیزین سونی اودیله اولاجاقدیر...» (سوره ۱۴ آیه ۳۰) خوش دگیل بوردا فان سبقتکم الی النار دئیلین. بوسؤزی دوشون کی اونون ایچه ریزی ماراقلی و درینلیگی چوخدور.

او حضرتین چوخ سؤزلری وار کی بئله دیر. بیرپاریازی لاردا، روایت لرین بیرینده، (سبقه) ضمه لی (س ایله) گلیبیدیر و سبقه عربلر آراسیندا، قوشوشماداونریلن باغیشا دیرلر. و سبقه کلمه سی ضمه یا فتحه لی اولدوغی حالدا، آنلامدا بیر بیرینه یاخیندیر. چون (سبق) ضمه لی (سین) ایله پیس ایشین جزاسی دگیل بلکه گؤزه ل ایشین امه گی دیر.

خطبه ۲۹ - دان

ای او آدمالار کی بدنلریز بیرلیکده و آرزو لاریز آیری آیریدیلا سؤزلریز، سه رت داشلاری پاتلادیر. اما عمل لریز دشمان لاری تاماهاگتیریر، ییغینا جاقلاردا، ائله وئله دئیرسین، اما دویوش زامانی اولاندا، دئیر سیزکی: «ای ساواش بیزدن کنار اول!!» هر کس سیزی چاغیرسا، اونا یاردیمچیلیق ائتمیرسین. سیزلرده زحمت چکه نین آورده گی راحاتلیق تاپمادی.

دشمان ايله ساواش اوچون، عذر و بهانه‌لر آزقینلیق و بیر بورجی اولان آدام کیمیدیرکی، بورجینی یوبالدار. قورخان ذلیل آدام، ظلم و زور دئمک‌لردن مانع اولایلمز. حاق اله گلمز مگر: چالیشماقیله. نوز ائویزدن سوای هانسی آیوی گؤزلورسوز؟ مندن سونرا، هانسی امام و امیرایله جهادا گنده جک سیز؟

آند اولسون تانرییه اصلی توغلانان او کیمسه دیرکی، سیزین سؤزوزه توغلانار. او اوستونلوک کی سیزلر ايله اله گلر. اثر سیز بیز اوستونلوک دور. اوغلبه کی اثری اولمییان اوخ، اونا یتیشر. هر کیم سیزین یاردیم لیگیزایله اوخ آتا، ائله بیل کی پیکانی اولمییان اوخ آتیدیر.

آند اولسون تانرییه گنجه‌نی سحر ائتدیم او حالداکی دانیشماغیزی اینسانمیوب، یولداشلیغیزا کونول وئرمه‌دیم. من دشمانی سیزین یاردیم لیگیز اولماغیله، قورخی وئرمیرم. نه حالدا سیز؟ در دیزین درمانی ندیر؟ نه ايله توختارسیز؟ دشمان لاردا سیزین کیمی بیر کیشی لردیلر. آیا بیلمه مزلیک ايله دانشیرسیز؟ دانیشیغیزا اعتقادیز یوخدور؟ و آیا گناهلاردان کنارگزمگده، غفلت اندیرسیز؟ ینه باطل ایشلره میلیر وار؟

خطبه ۳۰ - او حضرتین کلامیندن

عثمانین ئولدورولمه‌سی حاققیندا

اگر اونون ئولومونه فرمان وئرسه‌ایدیم، کی اونون قاتل لریندن اولاردیم. و اگر ئولدورولماغینین قاباغین آلسا‌ایدیم کی اونون کمک‌لریندن ساییلاردیم. اما بونی بیلیرم کی اونا یاردیم اولانلار، دییه بیلمز لر من اونا یاردیم اولمیانان یاخشیام و هر کیم اونا یاردیم اولمادی اودا دییه بیلمز بیزدن یاخشیلاری اونا یاردیم اولدی. ایندی من اونون ئولوم علتینی سیزلره سویلورم. عثمان، خلیفه چی لیگی، نوزی اوچون اختیارینا آلدی او ایشده، زور دئیپ ئوزباشینالیق ائتدی. بو استبداد ائتمکده، چوخ پیس ایش گوردی. اما سیزلر کی اونون الیندن زارا گلدیز، چوخ پیس ایش گوردوز کی دؤزوملی اولمادیز. بو ایشده استبداد ائدیپ ئوز باشینا اولانین و هابئله دؤزوملی اولمییانلارین حاققیندا اللاهین ثابت بیر حؤکمی وار.

خطبہ ۳۱ - او حضرتین کلامی

(جمل ساواشیندان قاباق، کی عباس اوغلی عبداللہی، زیرین یانینا یوللادی تا بیرده اونوی حضرتین اطاعتینہ قایتارسین، بویورموشدی).

- طلحه ایله گوروشمه، چون اونوی بیراوکوزکیمی کی بورنوز لارینسی بوروب و ایتی لندیرب، گوررسن. او هؤلکن دوهیه مینر و دیبرکی آرام دیر. اما زیر ایله گوروش، و اونا دئی کی: دائین اوغلی دئیر: حجازدا منی تانیدین اما عراقدا داندین!! نه اولدی کی گئچه جکدن ئوز چنور دین؟

مرحوم سیدرضی بویورور: «بوسؤزکی بویوروب» فمacedا مابدا، «اول دفعه لیکده او حضرتدن ائشیدیلیب».

خطبہ ۳۲ - دن

زمانه اهلیندن شکایت ائدیر

ای جماعت بیزلیر زمانه ده یاشیریک کی، اونون اهلی آزقین و شکرائتمین دیلر. یاخشی آدام بوزامان پیس بولونور. ظالم، ظلم و قاباریشینا، آرتیرار. بیلدیکلریمزدن فایدا گوره بیللمه ریک، بیلیمین لری سوروشماریق و بؤیوک بلانین گلمه سیندن قورخماریق تا بیزه باش وئرسین. بو زاماندا جماعت دورد صینف دیلر:

اونلاردان بیر پاراسی خاراب ایشلردن چیخماز، بو خاطره کی عاجز دیر. یا شمشیرلری کسمیر یا کی، مال و منالی آزدیر.

اونلارین بیر پاراسی دا: کلینجلاری ایله. شرارتین نشان وئیرر و ئوزدویوشچولرین و پیاده لرین چاغیریب و ئوزینی فساد اوچون حاضر لیدیر. دینین دونیا مالی اوچون ساتیر یا بیر پارانی ئوزی اوچون بیغیر تا منبره قالحسین. نه قهدهر پیس آلیش وئیش دیر کی اینسان دونیانی ئوز نفسین قیمتینه گوره و آلهلین یانیندا اولان نعمت لری دنیا خاطرینه ساتا!!

اونلاردان بیرده او آدام دیرکی: دونیانی، آخرت ایشلری سایه سینده آختاریر و آخرتی بودونیانین عملی ایله ایستیین دگیل، بلکه ئوزینی و قارلی و بوموشاق نشان وئیرر، قدم

لرینی یثره یاواش قویوب. گئندنده اتکلرینی ییغیناقلی ائدیر. آداملار اونندان آرخائین اولماق اوچون ئوزین بزه ک لیر. و آله پرده سینی گناهلارینین وسیله سی قرار وئیر. بیر ده او آدام دیرکی: اسگیک و عاجز دیر و گوج سوزلیکدن او مقاما الی چاتمیارکن قناعت آدینین آلتیندا زاهیدلر پالتاریله ئوزین بزه ک لندیریر بیر حالدا کی عومور بویی زاهید دگیل. قالانلار اونلار دیلار کی: قیامتین یادی اونلارین گؤزلریندن قان باش آخدیریر. لذتلی حاق خاطری اوچون کنارا قویوبلار. سینیق حالدا ساکیت دیلر. بیر پارالاری، دوغرو دان چاغریش حالیندا دیلار. بیر آزاریدا غصه لی و آغلار دیلار. تقیه و گیزلین قالماقلار، اونلاری ایتگین نشان وئیر. ائله بیل کی ذلتلی حالدا شور دنیزین ایچینده آغزی باغلی و آوره کلری یارالیدیر.

چوخ اویود وئریب امامغلوب اولماقدان غصه لیب اونم دن دوشوب و ئولدورولمکدن آزالیلار.

او دونیا کی گئندیشی بوجوره دیر، یئری وار سیزین نظریزده سلم آعاجینین قریق یاپراقیندان و قئیچی قیراتا سیندان اسگیک اولسون. اوتن بابالاریزین حالیندان عبیرت آلین، بو آلقاق دونیائی اوندان قابق کی گلن لر سیزین حالیزدان عبیره گلین لر، بوراخین کی چوخ یامان دیر. چون کی سیزدن قباقدکی ایستکلی لرینه وفا ائتمه دی.

مرحوم سیدرضی بویورور: «بیردوشونمیین آدام بو خطبه نی معاویه یه یاپیشمدیریب اما شکی یوخدورکی بو خطبه امیرالمؤمنین علیه السلامین کلامی دیر. نجور قیزیل ایله توپراق و شیرین سوایله شورسو بئرلیکده اولایلر؟ بو سؤزون شاهیدی آیتق و بصیرت لی و بیلجی اویره دن»، عمر بن بحر جا حظ دیر «کی بو خطبه نی» البیان و التبیین «کتابیندا بیان ائدیپ و معاویه یه نسبت وئرن آدامین آدین دا اوندان گتیریبیدیر. و اونندان سونرا بئله بویوروب کی: بو خطبه مولا علی (ع) کلامینه بنزه ریشی وار و او حضرتین یولیه آداملاری نچه صنفه بؤلماقدا و اونلارین حالیندان خبر وئرمکده، مغلوب اولماق، ذلت، تقیه، قورخی وئرمگه لیاقتی واردیر. سونرا بویورور: «معاویه هانسی یئرده و هانسی کلامینده زاهیدلرین یولون گئدیپ و یا آله بنده لرینین یولی ایله رفتار ائدیدی؟»

خطبه ۳۳ - دن

عباس اوغلی عبدالله دئدی: «ذی قارده» امیرالمومنین حضورینه گتتدیم، گوردوم کی باشماقینین یریتقین تیکیر، منه بویوردی:

- بو باشماقین ده یه ری نئچه دیر؟

دئدیم: ده یه ر سیز دیر!!

بویوردی: والله بو باشماق منیم یانیمدا، سیزه حکومت ائتمکدن چوخ یاخشی دیر، یوخسا بیر حاققی ثابت ائتمک و باطلی ایشدن سالماقدان اوتری دایانمیشام «سونرا ائشیگه چیخیب، جاماعاتا خطاب بویوردی:

اولو تانری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلمی یوللادی، اوندا عربلردن بیر نفر اوخویان یوخودی و پیغمبرلیک ادعاسیندا دگیلدی. بوناگوره او حضرت اونلارا یول نشان وئریب راحت لیق مقامینا چاتدیردی و زاواللی لیقدان قورتالدی. نیزه لرینی دوزگونله دیب بؤیوک ویتیرییه ن داشلارینادا دوروم باغیشلادی.

آیلین! آند اولسون تانرییه من قوشونون دالیندا اونلاری قاباغا گئتمه گه یول گوستردیم تا دشمانلار دال چئویریپ قاجدیلار.

من عاجز دگیلدیم و قورخی خاطریمدن گئچمیردی، ایندی ده یولوم هامان زامان کیمیدیر! باطلی یاریرام تا حاق اونون یانیندان چیخسین.

من قریش ایله نه ایشیم وار؟ آند اولسون تانرییه او زامان کی کافر ایدیلر اونلار ایله ساواشدیم و ایندی ده کی توغلانیب لار، اونلار ایله ساواشیرام. من دونن اونلار ایله یولداش ایدیم بوگون ینه ده یولدا شام!!

خطبه ۳۴ - دن

سیزه وای اولسون، آورده گیم سیزلردن سیخیلیب، نگرانام، دانلاماغیزدان اینجیدیم. دئین گوروم. آخیرتین قورتولماز دیریلیک یرینه، دونیانین هله لیک دیریلیگینه کونول وئرمیسیز؟

آیا عزیزلیک و بویوکلوک یثرینه، آلقاق لیغا راضی اولموسوز؟

او زامان کی سیزلری دشمانلاریزایله جهادا چاغیریرام، گؤزلریزی دولاندریرسیز. ائله بیل کی ئولوم قورخوسی و زحمتی، سیزلری هوشدن آپاریب و سیزلر ایله دئیپ دانیشماق یولونی باغلییدیر. منیم جاوااییمدا قالموسوز دییه سن کی عاغیلز باشیزدان چیخیدیر. دهلی اولوب، دوشونمورسوز. من هئچ زامان سیزلردن آرخائین دگیلم. چون کی دویوشچی دگیلسیز تا کونولر سیزه ساری اولسون. نه ده کی گوجلای یولداش سیزکی سیزلره احتیاج اولسون. سیزلر او یییه سیز دوهلره بنزیر سیزکی، بیر طرفدن ییغیشاندا، او بیر طرفدن داغیلیر.

آند اولسون تانرییه کی سیزلر دشمانین ساواشیندا چوخ پیس وسیله سیز.

سیزلره فیریلداق گلیرلر، اما سیزلریرسؤز دئمیرسیز، شهرلریزی آلیرلار، اما سیز دینمیرسیز، دشمان یاتمیر، اما سیزی غفلت یوخوسی توتوبدور.

آند اولسون تانرییه اگر ساواش قیزیشا ئولوم اودی و آلاوی قنوزانا، سیزلر باش بدنن ایریلان کیمی ابوطالب اوغلونون دوره سیندن آیریلایلاق سیز.

آند اولسون تانرییه هر کس دشمانی ئوز جانینا سالا، تا اتین یتیب سوموگون سیندیرسین، دریسین سویسون، اونون غیرتسیزلیگی و عاجزلیگی چوخ و اوره گی کیچیک وقورخاقدیر.

آند اولسون تانرییه، من دشمان فرصت و جرأت تاپمامیشدان قاباق مشرفی قلینج لاری اونا ائله ووراجگم کی، باشین سوموکلری، آتیلین و قول قیچی قیریلین. اوندان سونرا آللهین ایسته دیگی هر نه اولسا، اولسون.

ای جماعت منیم سیزلرین بونوزدا حاققیم وار و سیزین ده منیم بونومسدا حاققیز وار. اما سیزین حاققیز کی منیم بونومدادیر، سیزلره اویودوئرمک و تامام حاق و حقو قیزی سیزه یتیرمک و بیلگی اویره تمکدیرکی، دوشونه جکلی اولاسیز.

اما منیم حاققیم کی سیزین بونوزدادیر، بیعتیمده قالماق، اخلاص، گیزلین و آچیق لاردا یولداشلیق و سیزلری چاغیرندا منی قبول ائتمک، امر ائندنده اطاعت ائتمک دیر.

خطبہ ۳۵ - دن

بو خطبہ نی حکمیت قضیہ سیندن سونرا بویور و بدور

ستایش تانریہ مخصوص دور. هر قہدہر زمانہ چتین لیک و آغیر ایشلر قاباغا گتیر سہدہ ینہ یئری وار. شہادت وئریرہم کی آللہ بیر دیر و اونون شریکی یوخدور و آیری تانری اوندان سوای اولماز. شہادت وئریرہم کی محمد (ﷺ) اونون بندہ سی و پیغمبری دیر. سونرا: سئویم لی، بیلن، تجربہ لی گوستریش وئرہنین امریندن کنار اولماغین نتیجہ سی، حسرت غصہ و پشمانچیلیق دیر. من امر و فرمانیمی بو حکمیت دہ سیزلرہ یتیردیم...

«ای کاش قصیرین سؤزی اطاعت اولونیدی»

«هر کیم سؤز ائشیتہ سہ پشمان اولار»

اما سیزلر سؤزوملہ یوللاشماز جفاکارلار کیمی پیمان سیندیران اولوب عناد ائتدیز. تا مہربان ایستکلی او یود وئرہندہ، سیزلرہ او یود وئرہمکدہ، شک لئیب دایاندی «و ضن الزند بقدحہ» «چاخماق اودون اسیر گہ دی» من لہ سیزین مثالی، ہوازن قارداشین مثالیندادیر کی دندی:

من «منعرج اللوی» دہ امریمی سیزہ یتیردیم، گوستریشیمی قبول ائتمہ دیز، صاباح چشتہ زامانی بللی اولدی.

خطبہ ۳۶ - دان

بو خطبہ دہ، او حضرت نہروان اہلینی قورخودور و یانالماق لارینی دئیر. من سیزہ قورخی وئریرہم کی بو چای و شیریق و گہدیک آراسیندا ییخیلیب قالاسیز. او حالدا کی تانریزین یانیندا دلیل و حجت یوخوزدور. دنیا سیزی ہلاک ائدہر و الہی قضا و قہدہر سیزلری تورا سالار.

من سیزلری حکمیتدن نہی ائتدیم اما سیزلر ایلغار سیندیران یوللاشماز لار کیمی قبول ائتمہ دیز. مندہ چارہ سیزلیکدن سیزلرین ہوای نفسی ایلہ، رفتار ائتدیم. سیزلر عاگیلسیز، فیکرسیز و آنلامازلاردان سیز. اما من ایستہ میردیم سیزلر اوچون بیر اولاجاق ئوز وئرہ.

خطبہ ۳۷ - او حضرتین کلامی

بو کلام خطبہ حوٰکمیندہ دیر.

او زامان کی مؤسلمانلار ضعیف و گوجسوز ایدیلر و باشلاری یاخالاریندا ایدی، دیللندیم. اونلار دایاناندا آلله مددی ایله یولادوشدوم، اونلارین شاشمیش و حیرتلی اولدوغی زامان، سه سیم آز و عملده، قاباقدا ایدیم فضیلت لره ال تاپدیم. او داغلار کیمی کی طوفانلار قاباغیندا دایانار، دایاندیم. هئج کس منده عیب تاپا یلمیردی. ذلیل منیم یانیمدا عزیز و مظلوم لارین حاققینی ظالیملردن آلان زامان، ظالیملر یانیمدا، ذلیل دیلر. آللهین قضا سینه راضی و امرینین قاباغیندا تسلیم ام. آیا فیکر ائدیر سن کی من رسول الله (ﷺ) یالان دئیم؟ آند اولسون تانرییه من هامان کسم کی، بیعتده هامودان اولم. اما اول آدام اولمیه جاغام کی اونو تکذیب ائتسین.

ئوز ایشیمده فیکر ائتدیم، گوردوم کی: حضرت محمدین (ﷺ) فرمانینی قبول ائتمک منه واجب دیر، هامان پیمانلارایله رفتار ائتدیم.

خطبہ ۳۸ - دن

شبهه اوناگوره شبهه آدلائیب کی حاققا بنزیر. اودورکی آلله دوستلارینین، شبهه ده یول ایشیقلیغی ایمان و یقین، و اونلارین یولی هدایت یولیدیر. اما دشمانلاریننی شبهه زامانی چاغیران ضلالت و آزقینلیق و اونلارایول نشان و ثرن کورلوق و ئوزونی ایتیرمکدیر. اودورکی هر کس ئولومدن قورخا، قورخماقیله قورتولوشی ممکن دگیل. هابئله هر کیم دیری قالماغی آختارا، اوایستک، اونون قالماغینا سبب اولمیه جاقدریر.

خطبہ ۳۹ - دان

او آداملار الینده قالمیشام کی سؤز دیننده ائشیتیمیرلر و چاغیراندا جاواب وئرمیرلر... ای آتاسیزلار تانرییه یاردیمچیلیق اوچون نهیه گؤزله ییجی سیز؟ مگر دین یوخوزدورکی سیزی

یغسین؟ یا غیرتیز یوخدورکی سیزی حرکتہ گتیرسین؟ اورتازدا دایانیب یاردیم ایستیرم، سؤزومہ باخماییب فرمانیمدن اطاعت ائتمیرسیر. پیس اولاجاقلار ئوز وئرندہ، سیزلرلہ انتقام آلماق اولماز و یولداش لیغیزلا مقصودہ چاتماق اولماز. سیزلری قارداشلاریزین کؤمکینہ چاغیردیم آغری سی اولان دوه کیمی نالہ اندیب بئلی یارالی حیوان کیمی یاواشلاندیز. سیزلردن بیر آزی یانیمہ گلدی، اونلاردا گوجسوز و بیر نفری زور ایلہ ئولومہ یوللییان کیمی نگران ایدیلر.

مرحوم سیدرضی بویورور: «متذائب» نگران لیق آنلامینادیر. تذائب الریح» (یعنی نگران یئل لری اسدی) کلمہ سیندن آلینیب دیر. اوناگورہ قوردا ذئب دئیلیرکی، رفتاریندا نگران دیر.

خطبہ ۴۰ - او حضرتین کلامی

او حضرت ائله کی خوارجدن «لا حؤکم الا للہ» کلمہ سین ائشیتدی، بویوردی: بو کلمہ، حاق سؤزدور اما اوندان باطل ارادہ اولور. دوزدور آللہ حؤکموندن سوای بیرحؤکم یوخدور. اما خوارج دئیرلر: امیر و باشچی اولماق تانرییہ مخصوص دور. بیر حالداکی جاماعات اوچون، ایستریس ایستریاخشی، بیر حاکیم یئری وار تا مؤمن آدام اونون حکومتی آلتیندا عبادت و اطاعتیندہ و کافر دہ ئوز بهرہ سین آپارسین.

تانری اونون حکومتی زامانیندا هر کیمین بهرہ سین وئره و اونون الی ایلہ وئرگی لر یغیشار، دشمان لا ساواش اولونار، یوللار آرخیین له شر، گوجسوزلرین حاققی، گوجلی ظالیملردن آلتینار تا یاخشی اینسانلار، ظالیملر الیندن راحتلیقدا یاشاسینلار.

مرحوم سیدرضی بویورور: او زامان کی حضرت خوارجین سؤزلرین ائشیتدی کی دئیردیلر: حؤکم یالنیز آللهین کی دیر «بویوردی: منده سیزین حاققیزدا، اللهین حؤکمونہ گوءزلہ ییجی یم» و بیردہ بویوردی: دوزگون مؤسلمان عدالتلی امیرین زامانیندا تانری بویوران ایشلرہ مشغول دور. اما زیان کار آدام پیس امیرین زامانیندا اوندان فایدالانار تا او زمانہ دک کی، یاشایشی باشا چاتیب ئولسون.

خطبه ۴۱ - دن

ایلغارا وفا ائتمک، دوزگون لیک ایله بیردیر. منده ایلغارا وفا ائتمکدن یاخشی بیرقالخان تانیمیرام. هرکیم بیلسه کی قاییتماغی نجور اولاجاق، حیلہ ائتمز. بیز بیر زاماندا یاشیریق کی، آداملارین چوخلاری حیلہ ائتمگی چئو یک لیک بیلرلر و دوشونمیین لرده، اونلاری چئو یک تانیرلار... بو حیلہ اندن لر فیریلداقلاریندان نه فایدا آپاریرلار؟ آله اونلاری اولدورسون. چوخلاری وار کی فیریلداق ائتمگی بیلرلر اما آلههین امر و نهی اونلارا ماشات اندیر. حیلہ نی گوروب و بیلدیکلری و قدرتلری اولدوغی حالدا، ئوزلرین ساخلیوب حیلہ نی ایشلتمز لر. اما گناهدان قورخمیانلار، بوردا فرصتی غنیمت بیلیب حیلہ اندیرلر.

خطبه ۴۲ - دن

ای جماعت! سیزین حاققیزدا: ایکی قورخمالی زاددان قورخورام: هوای نفسدن و ئوزین آرزی لاردان. هوای نفسه قوللوق ائتمک اینسانی حاق یولوندان قویار و ئوزین آرزی لار آخرتی یاددان چیخاردار. آییلین! دنیا اینساندان تنزلیک جه ئوز چئویره، قابین دیبینه قالان سو قهدهری، اوندان قالمیوبدور.

آییلین آخرت یاخیندیر. دنیا و آخرتین ائولادی وار؛ سیز چالیشین کی، آخرت ائولادی اولوب. دنیا ائولادی اولمیه سیز. چون کی قیامت گونی هر ائولاد آناسینا چاتا جاقدیر. بوگون ایش و عمل گونیدیر. حساب یوخدور اما صاباح قیامتده حساب وار، داها عمل ایشه گلمز.

مرحوم سیدرضی بویورور: حذاء، قاجیش و تله سیک آنلامیندا، بیر پارا اونی جزاء بیلیب، خیر و برکت سیزلیک معناسیندا ایشله دیلر.

خطبه ۴۳ - او حضرتین کلامی

او زامان کی عبدالله اوغلی جریر بجلینی، معاویه دن بیعت آلماق اوچون، شاما گوندردی؛ او حضرتین صحابه لری ائله کی بیلدیلر معاویه سؤز ائشیدن دگیل، دئدیله: صلاح بئله دیرکی، ساواش اوچون حاضر اولاق. او حضرت بویوردی: منیم معاویه ایله ساواش اوچون حاضر لئمه گیم، او حالداکی جریر اونلارین یانیندا دیر، اگر یاخشیلیق اراده ائتمیش اولسالار قاپونی اونلارین ئوزونه باغلا ییب و یاخشیلیق لارینین قباغینی آلماق دیر. اما من جریر اوچون زامان قرار وئرمیشم کی اوندان چوخ دایانماسین. مگر بوکی، توغلانا یا کی اطاعتیمدن چیخا. منده سیزلرین ساواشا حاضر لشمایغیزدان آجیغیم گلیمیر. اما منیم اراده م گئچینماقدیر، سیزلرده گئچنین.

من نئجه یوللار بواشین حاققیندا، فیکر ائتمیشم و گیزلین و آشکارا و نی آلت اوست ائتمیشم ساواشدان سوای بیر چاره بیلیمیرم. دها بوردا یا ساواش یا کی کافر اولوب رسول اکرمین بویوردوقلاریندان کنار اولماقدان سوای، یول قالمیوبدور چون کی قباقجا بیر نفر امته حکومت ائدیردی کی اونون ایشلری حادثه لر یاراتدی و آداملار آراسیندا، دئینتی قئوزائب اونا مایل اولمییارق پیس عذاییله او نی کنار قویدولار.

خطبه ۴۴ - او حضرتین کلامی

او زامان کی مصقله، هبیره شیبانی نین اوغلی، بنی ناجیه اسیرلرینی حضرت علی نین والی سیندن آلیب آزادایله دی، و حضرت اونلارین قیمتینی اونندان ایسته دی؛ اودا خیانت اندیب معاویه نین یانینا قاچدی، بئله بویوردی:

«تائری مصقله نین ئوزونی قارا اتتسین، بؤیوک آداملار کیمی ایش گوردی و قول آداملار کیمی قاچدی. او نی تعریف ائندن لرین تعریفی قورتالما میشدان، اونلاری ساکت لندیردی. هله ستایشگرلر سؤزی باشاچاتما میشدی کی، سؤزلرینی یاددان چیخاردیب او نی دانلادیلار اگر قالسا ایدی و گئتمه سه ایدی، امکانی قهدهر اونندان آلاردیم و مالینین چوخالما غینی گؤزلردیم».

خطبه ۴۵ - دن

او اللهه حمد اولسون کی هنج کیم اونون رحمتیندن اومودسوز دگیل و اونون نعمتی قورتالماز.

دولیا بیر ائو دیرکی، فنا اولماق و یوخلوق اونا و اهلینه یازیلیبدر. او. ایستکلی لرینین چوخ گؤزه لیدیر. تله سیک ایستکلی سینین طرفینه گلیر. محبتین اونون اؤره گینده، یئرلشدیریر. بونا گوره، اوردان یاخشی نه سنه لردن گوتوروب، کوچون و کفایتیزدن آرتیق ایسته میوب و نیازدان آرتیق آرامیون.

خطبه ۴۶ - او حضرتین کلامی

شاماساری یولا دوشنده، بویورموشدی

الاهی سفرین زحمتیندن، و قایدان زامان اهل عیالی و مالی پس حالدا گورمگین غصه سیندن سنه پناه آپاریرام.

الاهی سن سفرده بیزه یولداش، و ائوده اهل و عیالیمین گؤزه تجی سی سن. هنج کیم سن کیمی اولا بیلمز. چون هر کس خلیفه م اولسا، یولداشیم دگیل و یولداشیم اولسا، خلیفه م دگیل.

مرحوم سیدرضی بویورور: بوسؤزون باشلانیشی، جناب پیغمبردن (ﷺ) روایت اولوب و مولا علی (علیه السلام) اونوی «ولا یجمعهما غیرک» کلمه سیندن سونرا، گؤزه ل کلام و بلیغ سؤزلر ایله بیتیریبدر.

خطبه ۴۷ - او حضرتین کلامی

ای کوفه! سنی بئله گورورم کی عکاظ گوءن لری کیمی چکیلیب، باسیریق لارباشیوان گلر. حادثه لر اثرینده اؤزیله رسن. من بیلیرم کی هنج ظالیم سنه ظلم ائتمز مگر بوکی؛ الله اونوی بلایه سالار و یا بیر نفر ئولدوره نی، اونا مسلط ائدر.

خطبہ ۴۸ - دن

حمد اولسون او آللہ کی ہر زامان گنجہ اولوب، قاراپرده سی سالیئار. حمد او وجودہ یاراشار کی، هامی گۆزل ننجہ لیکلر اوندادیر. نعمت باغیشلا ماقی، توکنمز. هنج زاد اونون فضیلت و کرامتی ایله برابرلیک ائده بیلمز.

دویوشچیلریمین جلودار لارینی قاباقدان یوللادیم و اونلارا تاپشیردیم کی فرات کناریندا، دورسونلار تا فرمانیم اونلارا یتیشسین؛ و بئله مصلحت گوردوم کی: بوسودان گنجیب بیر پارانی سیزلرین طرفینہ، کی دجلہ کناریندا اگلشیب لر اونلاری سلاخلاندیریپ و دشمان لاریزین طرفینہ گتیرہم و سیزلرہ یاردیم قرار وئرم.

مرحوم سیدرضی بویورور: بوردا او حضرتین «ملطاط» لفظیندن ایستہ گی، فرات کناریندا بیر یئر دیر کی بویورموشدی دویوشچولرین جلودارلاری اوردا دایانسینلار. دنیز کناری «ملطاط» آدلانار. بو لفظ اصلینده صاف و دوزن گاہ یئر آنلامیندا دیر. حضرتین «نظم» کلمہ سیندن ایستہ گی، فرات سویو دور. وبو تعبیرده، ماراقلی سوءزلردن بیریدیر.

خطبہ ۴۹ - دان

حمد اولسون او تانریہ کی، گیزلین لری بیلر و گۆرونوش ده بللی اولان نشانہلر اونون وجودینہ دلالت ائدہر. اونی دونیا گۆزلری ایله گۆرمک محال دیر. هر کیمین گۆزی گۆرمہ سه ده اونی داناییلمز و هر کس اوره کدن اونی تانیسا، ینہ اونون ذاتین تانیماز. اوجا مقام لیکدا هامیدان اوجادیر. هنج زاد اونون مقامینا چاتا بیلمز. یاخین لیکدا هنج زاد اوندان یاخین دگیل. بونا گوره اوجا مقاملیق، اونی یارانمیشلاریندان ئوزاقلاندیرمیوب و جاماعاتا یاخین لیقی دا، اونی بیر کیمسه ایله، بیرلشدیرمیوبدور.

عاغیل لرہ اصل ذاتینی تانیتدیریمین حالدا، ینہ ده تانیماق امکسانیدان اونلاری محروم ائتمیوبدور. او بیر وجود دورکی نشانہ لری، وجودینی بللی لندیریر. اونی دانانلار. اوره کدن اقرارینا مجبور اولورلار. اولوتانری جاماعاتا بنزتمہ دن ودانیلماقدان پاکدیر.

خطبه ۵۰ - دن

فیرتینا و فسادلارین باشلانیشی، نفس هوسینین آردینجا گتتمک دندی. او حؤکم لریکی شرعین ترسه سینه وئریلیر، آلله کتابی او حؤکم لرایله قاجدیر. جماعتین بیر پاراسی، دینین ترسه سینه اولان ایشلر طرفینه گئدیپ، آیری لرینی ده او ایش لره چاغیریلار. اگر باطل حاق ایله قاریشما سایدی؛ حاق یولی اونون ایستکلی لرینه ئورتولی اولما زیدی، و اگر حاق باطل آراسیندا گیزلنمه سه ایدی دشمانلار باجارا ییلمزدیلر اونو پیسله سینلر. اما چون بیر آز حاق بیر آز باطل چولقاشیب و قاریشیب لار، اودورکی شیطان دوستلارینا و ستون اولار. یالنیز او آداملارکی آلله لطفی اونلارین حالینا شاملدی نجات تاپارلار.

خطبه ۵۱ - دن

معاویه نین اصحابی سیزلرایله ساواشماق ایستیرلر. سیزلرده یا ذلتی قبول اندیب شجاعت و شرافتیزی الدن وئرن، یاکی قلینج لریزی قانیله دویورون تا سودان دویاسوز. اگر شکست تاپاسیز، دیریلیگیزده ئولوم دور. او زامان کی دشمانا ال تاپاسیز، ئولموش حالدا دیریلیک سیزیندیر. آییلین کی معاویه بیر پارا یولدان چیخمیش قانمازی ساواشا گتیریب دیر و سؤزون دوزونی، اونلاردان گیزله دیدیر. اونلاردا بوغازلارینی ئولوم اوخلارینین هدفی قرار وئریلر.

خطبه ۵۲ - دن

آییلین دنیا فنا اولماقدادیر. گندمگین بللی اندیب، یاخشی لیق لاری قالمیوب دور. چوخ تئز ئوز چئویریب اهلینی فنایه چکیر. قونشولاری ئولومه ساری ایتیلر. شیرینلیک لری آجیلاشدی. دورولوق لاری بولاندی. مقله اودومی قهدهر یا بیر آز مشگین دیبینده قالان سوقهدهری بو دونیادان، بیر آرجاسی

قالیدیر. او قہدەر آز سو اندازا سی کی اگر سوسوزلار ایچہلر، عطش لری قویماز.
 بونا گورہ ای آللهین بندہ لری، بو دونیادان داشینماغا؛ کی اهلینہ ٹولوم و ایتمک مقدر
 اولوبدور، حاضر لاشین. آرزى لار، سیزہ اوستون گلہ سین لر.

نظریزہ یاشاماق، ٹوزین گلہ سین. آند اولسون آللهہ اگر بالاسی ٹولموش دوه کیمی،
 نالہ ائدہ سیز، یا گؤیہرچین کیمی نالہ یہ گلہ سیز، یا بیر راہب کیمی آلله یولوندا مال و
 ائولادیزدان گنچہ سیز، تا یازیلیمیش گناہلاریز باغیشلان سین، بونلارین قاباغیندا، هاموسی،
 سیزلردن انتظاریم اولان اجر یا عذابدان کی اولاجاق، و من اوندان قورخورام، آزدیر.

آند اولسون آللهہ اگر حاق ماراقیندان اورهک لریز، اریبہ و گؤزلریزدن قان آخا، و تا
 دونیا وار دیری قالاسیز، ینہدہ بو ایشلر وچالیشمالار، تانری نعمت لرینین خصوصاً ایمان
 نعمتینین قاباغیندا بیرزاد دگیل و اونولا بیراولا بیلمز.

قوربان بایرامی و قوربانلیق حیوانینین نئجہ لیگی حاققیندا بویوروب.
 قوربانلیق حیوانینین نئجہ لیک لریندن بودورکی قولاغی کامل و گؤزی مانسیز اولسون
 اگر قولاق و گؤزی مانسیز اولا، قوربانلیق دوزگوندور. اگرچہ بورنوزی سینق اولموش اولا
 یاکی قوربانگاھا گئندہ آخسیا. مرحوم سیدرضی بویورور: (مَنَسْک) بوردا قوربانلیق
 کسینلن یثر آنلامیندا دیر.

خطبہ ۵۳ - دن

ان سونوندا جماعت سوسوز دوهلر کیمی کی نوختاسی آچیلیب بوراخیلیدیر و
 سواپچمہدن اوتری بیریرلرینی سیخیب و تنہ وورا وورا قاچارلار، دورہمہ یغیشدیلار. بئلہ
 خیال اتتدیم کی ایستیرلر منی و یا منیم یانیمدا بیر عدہسی بیر آیری لرین ٹولدورسونلر. من
 بوایشین گیزلین و آچیغین دوشوندوم: او قہدہرکی منی یوخودان قویدی. داوام گتیرہ بیلمہ
 دیم مگر کی اونلاریلہ ساواشام یا حضرت محمد (ﷺ) گتیرہنی دانام. اونا گورہ ساواش
 علاجینی، الہی عذابدان و دونیا ٹولمکلریندن راحت گوردوم.

خطبه ۵۴ - او حضرتین کلامی

اما بوکی دئیر سیز ساواشدا بیر بئله یوبانماغیم ئولوم قورخوسوندان دیر، آند اولسون
آلله کی من ئولوم طرفینه گئدهم یا ئولوم منه ساری گله، قورخمورام. اما سؤزلریز بو
بارده کی، من شام اهلی باره سینده شکیم وار. آند اولسون آلله ساواشانی بیرگون
یوباتمادیم مگر بوکی ایستیرم اونلاردان بیر پاراسی بیزلره قوشولوب هدایت تاپسینلار.
گؤزلری ایله ایشیغیمی گوروب، طرفیمه گلین لر. بو ایش منیم اوچون اونلاری آزقینلیقدان
ئولدورمکدن یاخشی دیر. حتی اونلار گناه لاریله قائیدارلار.

خطبه ۵۵ - او حضرتین کلامی

بیز رسول خدا (ﷺ) ایله وارایدیق (ایسلام یولوندا) آتالاریمیزی، ائولادیمیزی قارداشلار و
عمی لریمیزی ده ئولدوردوک. بئله ساواش، بیزیم ایمان و دؤز یولدا تسلیم اولماغیمیزی
آرتیراردی. آغری لارا دؤزمک بیزی دشمان لا جهاد دا چالیشماغیمیزی چالیشقان ائده ردی.
گاهدان بیر نفر بیزدن دشمانیله بیر قوچاق کیمی چیریشاردیق تاکیم کیمسه ئولوم جامینی
ایچدیر سین.

بیر زامان بیز دشمانا ال تاپاردیق. بیر زاماندا دشمان بسیزه غالب اولاردی. چون الله،
بیزیم دوزگون لیگیمیزی گوردی، دشمانیمیزی، ذلیل ائدی، بیزلره اوستونلوک باغیشلادی تا
ایسلام یتیرینده قرار تاپیب ویاییلدی. آند اولسون جانیم، اگر بیزلرده، سیزلر کیمی اولسا ایدیق،
دینین پایاسی قرار تاپماییب و ایمان کؤکی گویه رمزایدی. آند اولسون تانرییه کی، قان
ساغیب پشیمان اولاجاق سیز.

خطبه ۵۶ - او حضرتین کلامی

بیلین کی مندن سونرا، سیزلره بیر نفر بوغازی گن، قارنی ینکه آدام مسلط اولاجاقدیر.
هر نه تاپسا بییر، تاپمادیغین ایستر. اونی ئولدورون. اما اونی ئولدورمیه جاقسیز. بونا گوره

آییلین او سیزلری منه یامان دئمه گه و ئوز چئویرمه گه مجبور ائدهر. اگر سیزلری مجبور ائسه، منه یامان دئین؛ چون منیم مقامیم آرتیرماقا و سیزلرین قورتولوش تاپماقینا سبب دیر. اما مندن ئوز چئویرمیون چون کی من، ایسلام فطرتینده دوغولموشام و ایمان گتیرمکده و هجرت ائتمکده، هامودان قاباقدایام.

خطبه ۵۷ - او حضرتین کلامی

سیزی بوغونتی توتسون، بیر نفر خبر گتیرن قالماسین. دئیرسیزکی من تانرییه ایمانیم اولاندان سونرا و هابئله رسول اکرمله (ﷺ) جهادا گئندن سونرا، ینده ئوزنفسیمین، کافرلیگینه شهادت وئریم؟! بئله اولساکی، اوندا یولدان چیخمیش لاردانام. گئتدیگیز پیس یوللاردان، بابالاریزین یولوناقائیدین. آییلین؛ مندن سونرا پیس گونه قالب ایتی قلینج و استبدادا گرفتار اولاجاقسیز. ظالimler واریزی آلیب ئوز آرالاریندا بو ایشی، رسم، قویاجاقلار.

مرحوم سیدرضی بویورور:

«وَلَا بَقِي مِنْكُمْ آبرٌ...» أَوْجُ جُورِهِ دُئِيلِب.

بیری آبر؛ کی خرما آغاجین آریدانا دییرلر.

ایکینجی اثر؛ کی سؤز یا حدیث روایت ائدن آداما دییرلر و بو منیم نظریمه دوزگونلدور.

نتجه کی او حضرت بویوروب: «سیزلردن بیر نفر سؤزوئرن قالماسین».

او چونجی: آبئیر، دئیلیب کی «وائب یا آتیلان» اوندان عبارتدیر و هلاک اولموش

آنلامیندا ایشلنپ دیر.

خطبه ۵۸ - او حضرت بویوردی

«او زامان کی حضرت (ﷺ) ایسته دی خوارج ایله ساواشسین، دئدیلرکی: «خوارج، نهروان

کورپوسوندن گئچدیله» بویوردی: «اونلارین ئولوم یئری نههرین قیراغیندا دیر. آنسد اولسون

آللہ اوئلاردان حتی اون نفری قالماز و سیزلردن ده اون نفر ئولمیه جاقدیر. مرحوم سیدرضی بویورور: بو فصاحتلی سؤز، دوری سودان، (هر قهدهر چوخ اولموش اولسادا) کنایه دیر. بوندان قایاق (خطبه ۴۸ ده) بو سؤزه تائی، اشاره ائتدیک.

خطبه ۵۹- او حضرت بویوردی

ائله کی خوارج ئولدولر، اماما یتیردیلر کی خوارجین هاموسی ئولدولر، بئله بویوردی: بئله دگیل، آند اولسون آللہ، اونلار آتالار بئلینده و آنالار رحمینده بیر نطفه دیلر کی هر زامان اونلاردان بیر آشکار اولسا قسیریلار، تا بوکی سونلاری یول کسن و اوغری اولارلار.

خطبه ۶۰- او حضرت بویوردی

مندن سونرا خوارج لرایله ساواش ائتمین. چون او آدام کی حاق آختار ماقدا خاطاگنده، او آدام کیمی دگیل کی، باطل دالینجا گندیب و اونی تاپیدیر. مرحوم سیدرضی بویورور: امامین بوسؤزدن ایستگی، معاویه واونون ایزله ییجی لری دیلر.

خطبه ۶۱- او حضرت بویوردی

او زامان کی او حضرتی ئولدورمه گه قورخی وئردیلر بویوردی

تائری منه بیر محکم قالخان قرار وئربیدیر، هانسی زامان کی عمریم تامام اولسا، باشیمدان چکیلر و منی ئولومه تاپشیرار. او زاماندا اوخ خاطاگنتمز و یارالار شفا تاپماز.

خطبه ۶۲- او حضرت بویوردی

آیلین، دنیا بیر منزل دیر کی اوردا تقوالی لردن سوای بیر آیرسی ساغلیم قالماز و هنج کیم دنیا زادلاریندان نجات تاپماز. بو زامان، اینسانلار، آخرت سیناقی اوچون دنیادا

گرفتار اولوبلار.

هر زادی دونیادا دونیادان اوتری اله گتیرسه لر، الدن گئدر. اما اوندان حسایینی ایسترلر. هر زادی دونیادا غیر دنیا اوچون توپلاسالار، اونلارا قالار و بؤتو چاغلار اونلاریناندر. بونا گوره دنیا، عاغیللی لر یانیندا، کولگه نین قایتماغی کیمدیرکی یایلماق هامان یغیشیر، نایستییه سن چوخ گوره سن، آزالیر.

خطبه ۶۳ - دن

ای اللهین بنده لری تقوالی اولون ئولومدن قاباق، یاخشی کردارلار ایله اجلی قاباقلیون. الدن گئدن زادلار ایله قالیجی زادلارا، تدارک گورون و حاضر لاشین کی سیزلری کؤچدورمگه تله سیرلر. ئولومه حاضر لاشین کی، کولگه سی، باشیز اوستونده دیر. او آداملاردان اولون کی چاغیران زامان، آییلیب، بیلرلرکی دنیا قالمالی یئر دگیل. بونا گوره دونیانی آخیرت ایله دئیشدیلر. چون، تانری سیزی علت سیز یاراتمیوب، بوش بوشونادا بوراخمیوبدور. سیزلرین بهشت یا جهنم له، ئولمک قهده ری فاصله یوخوزدور. او دیریلیک کی هر لحظه سی اوندان آزالیر و ئولوم اونسی آرادان آپاریر، قیسسا اولماق حاقلی دیر. اوغایب کی گنجه و گوندوز گلدیکجه اونسی قوغالیر، قایتماغا، لیاقتی وار. هر کیمسه کی سعادت و آغ گونلولوک یا شقاوت وقارا گونلولوک لرایله یولداشدی، یئری وارکی یاخشی توشه ئوزی ایله گوتورسون. بونا گوره دونیادا، دونیادان توشه گوتورون تا صاباح ئوزیزی نجات وئره سیز.

بنده گره کدیر تانری عذابیندان کنارا ولسون و ئوزینی دانلاییب توبه ائتسین. هوسلرینه غالب اولسون. چون ئولوم اوندان گیزلیندی آرزی لاری اونسی توغلیسور و شیطان اونولا یولداشدی و گناه لاری اونا به زیر تا، مین سین. اونسی توبه ائتمه گه اومودلی اندیر تا او زمانادک کی، ئولوم اونسی توتا، یوبالدیر. اما بیردن پیره ئولوم اونسی توتور بیر حالدا کی غافلدی... وای و حسرت او غافل آداما اولسون کی بئله عمری اونا حجت دیر و دیریلیگی اونسی قارا گونلوگه چکیر.

الله‌دان ایستریک کی بیزی و سیزلری او آدام لاردان قرار وئرسین کی هئچ نعمت اونسی یاغی و سرکش ائتمز. و هئچ هدف اونسی تانری اطاعتیندن قویماز ئولندن سونراپئشمانچیلیق و غصه‌سی یو خودور.

خطبه ۶۴ - دن

حمد و آلفیشلاماق او تانریه یاراشارکی، نئجه لیکلرینین هئچ بیر، او بیریسیندن قاباغا گئچمز آخیر اولمامیش، اول دیر. گیزلین اولمامیش، بللی دیر. اوندان سوای هر نه «واحد» آدالانسا، آزدیر. هر حوءرمتلی اوندان سوای ذلیل و هر زوربا اوندان سوای عاجز دیر. هر مالک اوندان سوای، قوللوقچی و هرییلن اوندان سوای اویره‌نن و هر زوربا اوندان سوای گاه زورلی و گاه عاجز دیر.

اوندان سوای هر ائشیده‌ن، اوجاسسلرین درکیندن عاجز و آلچاق سسلری ده ائشیتمز. هر گوره‌ن اوندان سوای، بللی اولمییان بویالار و گؤرسنمین زادلاری گوره ییلمز. هر گورونن اوندان سوای گیزلین و هر گیزلین، اوندان سوای بللی دیر. ئوز یارانمیش لارینی، نه سلطنتی اوچون یارادیب، نه ده زامان حادثه لرینین قورخوسوندان، نه آیری رقیب ایله قاباقلاشماق اوچون، نه ده شریک و رقیب لرینین گؤزونه گتیرمک اوچون، یارادیب دیر. بلکه هامی اونون یارانمیش لاری و اونون اسگیگ قولی دیر. هئچ زادا حلول ائتمیوب کی دئسن لر، اوندادیر. و هئچ زاددان آیریلیمیوب کی دییه لر ایراقدادیر.

یارانمیشلاری یاراتماق اونسی یورمیوب و یورقون دگیل. هر نه وار فرمان و تقدیرینده شک لئمیوب دور، بلکه اونون علم و فرمانی، محکم و داواملی و ایشی آرخائین و بیرکیمسه دیر کی هامی، بلا زامانی اونا اومود باغلار و نعمت زامانی اوندان چکینر.

خطبه ۶۵ - او حضرتین کلامی

ای مؤسلمانلار؛ آلتداکی گئیم لریزی، تانری قورخوسی، اوسته کی گئیم لریزی، دوعوزوم

قرار وئرين. ديشلريزي قيسين؛ چون بوایش، قلینجلاری باشلاردان نوزاقلاندیراندیر. ساواش گئیمینی کامل لندیرین قلینج لریزی ایشلتمه میشدن قاباق، قنیندا اوینادین. دشمانا خشم له چپ باخین. ساغ و سولدان شمشیر و ورون و قلینجین کسگین طرفین ایشله دین. قاباغا یوگورماغیله قلینجی دشمانا ساری یتیرین، و بیلین کی سیزلر، آله یولوندا و پیغمبرین عمی سی اوغلی رکابینداسیز. دال با دال یوگورون. قساقماقدان اوتانین کی گله جاقدا ائولادیز اوچون خجالت یئری و سیزلره جهنم اودی و قیامت حسابی وار. سوینین کی «جهاددا» روحیز بدنیزدن چیخار، ئولمک اوچون، راحت ئولوم طرفینه گئدین. او بؤیوک قارالتیسی اولان جماعته و قنوزانمیش بایداقلارا یوگورون، اونلارین ایچینده چیریشین کی، شیطان اورداگیزلنبدیر. بیر الی ایله یوگورور و بیر آیاقیله قاچیر. سیزلرده نیت ائدین تا حاق عمودی سیزلره بللی اولسون. سیزلر اونلاردان اوستون سوز چون، آله سیزلریندیر، بوناگوره حاق امگیزی آزالدیب یا یتهرسیز ائتمز.

خطبه ۶۶ - او حضرتین کلامی

پیغمبر (ﷺ) وفات ائندندن سونرا، «سقیفه بنی ساعده نین» ریانین او حضرتیه سوراق وئردیلر. امام (ع) سوروشدی کی: انصار نه دئدیلر؟
جاواب وئردیلر: انصار دئدیلر کی بیزدن بیر نفر و سیزلردن ده بیر نفر خلیفه اولسون.
امام بویوردی: «یه اونلارا بو دلیل ایله دانیشمادیز کی اللهین رسولی (ﷺ) بئله وصیت ائدیب، اونلارین یاخشیلارینا یاخشیلیق ائدین و پیس لرینی ده باغیشلین...»
دئدیلر: بو سؤز اونلا را نجه دلیل اولابیلر؟
بویوردی: اگر باشچیلیق اونلارین اولسایدی کی تاپشیرماغا احتیاج اولمازدی...
ینه بویوردی: قریش نه دئدیلر؟
جاواب وئردیلر: حجت و دلیل گتیردیلر کی بیز رسالت شجره سیندن ایک.
حضرت بویوردی: «شجریه احتجاج ائت دیلر اما یشیشینی ضایع ائتدیلر»

خطبه ۶۷ - او حضرتین کلامی

میصیر ولایتینین فرمانینی ابوبکرین اوغلی محمد وئرندهن سونرا، و او زامان کی او جناب ئولدورولدی، بویوردی: من ایستیردیم میصیر حکومتینی عتبه نین اوغلی هاشمه وئیریم. اگر اونی او ولایته گوندرسه ایدیم، میدانی اونلارا وئرمزدی، و من بوردا عتبه نین اوغلی هاشمی تعریف له مدن، ابوبکرین اوغلی محمدی دانلاماق نظیریم دگیل. چون او منیم دوستوم و اوغول لوغوم دور.

خطبه ۶۸ - او حضرتین کلامی

من نه قه ده ر، تازا یوکه گلن و چیگینی ازیلمیش دوه لر تک یا ال توتمین یسیرتیق پالتار کیمی کی بیر طرفدن بوزنده او بیری طرفدن آچیلر، سیزلر ایله گنجینیم؟
شام دویوشچیزی سیزلره ساری گلنده: قاپولاریزی باغلیب کرتن کره کیمی یوالاریزاگیریب یا کافتارکیمی گیزله نیرسیز... آند اولسون آلهه سیز هر کیمه آرخا دایاق اولساز، ذلیل دیر. و هر کیم سیزلرایله دشمانا اوخ آتا، ائله بیل کی پیکانی اولمیسان اوخی دشمانا ساری آتیر.

آند اولسون آلهه کی ائولرده چوخ و بایداق آلتیندا آرسیز. من بیلیرم کی سیزلری نه لر اصلاحه گتیره ر؟ و بو کوک لریزی نه لر دوزه لدر؟ اما بو خاطره کی خاراب اولارام، اوجوره اصلاحی جایز بیلیرم.

آله سیزی ئوزی قارا ائتسین اتانری سیزلرین فایدالاریزی یوخاچیخارتسین، چون باطل لره تانیش اولدوغوزکیمی، حاققا تانیش دگیلسیز. باطله تانیش اولان حالدا، اونی اصلاح ائتمیرسیز. حاققی بیلدیگیز حالدا، اونی آیاقلیرسیز

خطبه ۶۹ - او حضرت بویوردی

اوتورموشدوم کی گوزلریمه یوخی گلدی. رسول خدانی رؤیاده گوردوم. دندیم: ای

آللەين رسولى؛ سەين امتىندن چوخلو قاجلىق و دشمانلىق گوردوم. بويوردى: اونلارا قارقىش اتت. دئديم: تانرى اونلارين يثرينە منه اونلاردان ياخشى آداملار و منىم يثريمە، اونلارا، مەندەن پەس آدام نەسىب اتتىن.

مرحوم سیدرۇسى بويورور: او حضرتين الأود لفظيندن فيكىرى قاجلىق و اللدد كلمە سەندە دە دشمان لىق آنلامىنى ارادە آندىپ دىر. بو كلمە فصاحتلى سۆزلر دندىر.

خطبه ۷۰ - او حضرتين كلامى

...و اما اى عراقين اهلى، سىزلر او بويلو قادىن لار كىمى سىزكى، حمل زامانىندان سونرا، اوشاق سالار و ارى ئولر و چوخ زامان دول قالار. ئوزاق تانىش لارى اونون مىراثىن آپارارلار.

آيىلىن، مەن ئوز كۈنلۈم ايله سىزە سارى گلەمە دىم. بلكە چارە سىز لىكدەن ايدى... مەن خەبەر يىتىشىپ كى دئىرسىز: على يالان دانىشىر...

آللە سىزلرى ئولدورسون، مەن كىمە يالان سويليرەم؟ اللەه؟ مەن كى اونا اول ايمان كىتىرلر دىم! يا اونون پىغمبىرىنە؟ كى اولجە مەن اونى دۈزگۈن سانمىشام! آنداولسون اللەه، بئله دگىل كى دئىرسىز. اما سۆزۈم دۈزگۈندۈر. او زامان، سىزلر يۈخ ايدىز و اگر اولسائىدىز، سۆز ائشيتمگە لياقتىز يۈخ ايدى...

آناز وايا قالسىن، دوشونە جگىز اولسا، امە ك سىز ئورگە دىرەم. تئز زاماندا سۆزلرىمىن دۈزلىگىنى بىلرسىز.

خطبه ۷۱ - دن

الەى، اى يثرلرى كنىش لندىرە ن و اى گۆىلرى ساخلىيان، اى آورە كللىرى آخ گۈنلى و قاراگۈنلى فطرتىندە يارادان؛ حۈەرمتلى سلام و صلواتى و آرتىق بركتلىرى اۋزبەندەن محمد خاتمە (ﷺ) يوللا. هامان پىغمبەر كى اۋتن پىغمبەرلرىن، رسالت لرىنە سۈن قویان، و باغلى

لاری آچاندیر. او حاققی حاق لانشان وئردی. قشقریق و باطل لرین قاباغین آلدی. آز قین لبق لاری یوخ ائتدی. نجه کی وار گوجی ایله رسالت آغیرلیقینا دؤزدی. و تانری بویروقی اثرینده، اوجالاندی. سنین رضایتیندن اوتری، دایانمیوب تلسدی. قورخمیوب بیر آدیما دال اوتورمادی. و حیین ساخلاما قینا چالیشدی و عهد و پیمانین ساخلادی. بویرو قون اجراسینا به رکیدی. حاققین آلیشقان آلووینی یاندیردی. ائیری یولدا گئندلرین یوللارینی ایشیقلا ندیردی. بو وسیله ایله یولدان چیخمیش اؤره کلر، یولا گلدیلر.

او حضرت حاق نشانه لرینی، اوجالاندیردی. شرعین حؤکم لرینی ایشه سالدی. بونا گوره او، امین، دوزگون و الهی علمینین، صداقتلی خزینه داری دیر، قیامت گونوده سنین طرفیندن شاهید، حاقدان سئچیلیب، و جاماعات اوچون رسولیندیر.

الاهی نوز رحمت و احسانین سایه سینده، اونا گئیش یئر آچ. و نوز فضل و کرامتیندن اونا یاخشی جزا وئر. ای منیم تانریم اونون بناسینی گئچمیش لریندن اوجا مقامدا قرار وئر و مقامین نوز یانیندا حوءرمتلی ساخلا و نورینی کماله چاتدیر. رسالت امه گینی شهادتین (شفاعتین) قبول ائتمک و دئدیک لرینین قبول ائتمک قرار وئر... چون اونون دانیشیق لاری دوری ایدی. و حاققی باطلدن آیراردی...

ای الله، بیزلری پیغمبر ایله او یئرده قرار وئرکی، یاخشی نعمت لی و نوزولمز ایستک لری گؤزهل، و آرزو لاری یئرینه یئت، راحت چیلیقی چوخ، و سوؤقت لری کریمانه دیر.

خطبه ۷۲ - او حضرتین کلامی

(حه کم اوغلی مروان، جمل ساواشیندا، اسیر اولموشدی. امام حسن و امام حسینی (علیه السلام)، امیر المؤمنین یانیندا شفیع ائتدی. او ایکی حضرتلر، عرض ائت دیلرکی: ای امیر المؤمنین مروان سنه بیعت اندیر. حضرت علی (علیه السلام) اونو بوراخدی و بئله بویوردی.)

مگر مروان عثمان قتلیندن سونرا منه بیعت ائتمدی؟ من اونون بیعتینه محتاج دگیلم. چون کی اونون منه ال وئرمگی، یهودی ال وئرمگی کیمیدیر. اگر الی ایله بیعت ائتسه،

دالیسی ایله بیعتی سیندیرار.

آیلین، او، آز زامان، یعنی بیرایت، برونونی دلی یاللیان زامان قه‌دهر حکومت ائدر، او دورد قوچی آتاسیدیر. همین تئز لیکده؛ امت اونون و اتولادینین الیندن قانلی گونه قالا جاقلار.

خطبه ۷۳ - او حضرتین کلامی

...او زامان کی جاماعات عثماننا بیعت ائتمک او چون اراده ائتدیلر، بویوردی: سیزیلر سیزکی من خلافته هر کسدن لیاقتلی‌یم. آند اولسون الله، خلافتی تا او زامانادک کی مؤسلمانلارین ایشلری نوز قراریندا اولو و مندن سوای بیر نفره ظلم اولمیا: نوز گه سینه بورا خیرام.

بو ایش اجر و ساوابدان اوتریدیر و دونیا مالینا و اونون به‌زک‌لرینه علاقه نشان وئرمه‌مک دندیر، سیزلر اونا چوخ مایل سیز.

خطبه ۷۴ - او حضرتین کلامی

...او زامان ائشیتدی بنی‌امیه اونی عثمانین ئولدورولمه‌سینده شریک بیلیرلر، بویوردی: مگر بنی‌امیه منیم احوالیمی بیلدیگی حالدا مندن عیب توتمادی؟ مگر ایسلامدا سابقه‌م، اولو اولو، او قانمازلاری تهمتدن قویدی؟ اولو تانرینین گوستریشلی منیم دانشیغیمدان یتگین دیر. من یولداز چیخمیش‌لارا دلیل گتیره‌رم و شک ائدن لر ایله دشمن لبق ائده‌رم. حاققا مشته اولان ایشلر تانری کتابینا عرضه اولونور. بنده لره، اوره‌ک لرینده اولان نیت‌لره گوره جزا وئریله جک‌دیر.

خطبه ۷۵ - دن

...الله او کیشی‌یه رحمت ائتسین کی حکیمانه سؤزانشیدنده قبول ائدر و دوزگون یولا

چاغیراندا گئدر. ال رهبر اتگینه و وروب نجات تاپار و آله بورویانی قۇرویاری، گناهدان قورخوب خالص عمل لردن چیخار، ئوزونه یاراشان ذخیره اولونموش عمل لری قازانار و قاباغی آیینمیش ایشلرلردن ایراق گزه؛ اوخی چاتینا وورار و دونیازوماری یثرینه، آخرت ماتاهلارینی بیغار. ئوزهوسلریندن ایراق دولانماقیله آرزی لارینی یالان بیلر. دؤزمگی ئوزونه قورتولوش مینیگی سانیب و تقوا و قوءرولاماغی ئولمه گنین توشه سی قرار وئره ر. ایشیق یولدان گندیب و اوندان ئوزاق لانماز. بو نچه گون فرصتی غنیمت بیلیب الدن وئرمز و ئولومدن قاباق ئوزونی حاضرلیب و یاخشی ایش لریندن او دنیا زوماری گوتوره ر.

خطبه ۷۶ - او حضرتین کلامی

...عاص اوغلی سعید، او حضرتی بیت المال حاققیندن، اسیرگهییب، بیر آزاراق سئوکه ت و کاغید اونا یوللادی و بئله یازدی کی: من عثماندان سوای، بیر نفره بوقه ده رسئوکه ت یوللامامیشام. حضرت او کاغیدی اوخویاندان سونرا، بئله بویوردی: «امیه ائولادی، پیغمبر (ﷺ) میرائیندان، چوخ آز مقدار منه وئریلر. آند اولسون آلله؛ اگر دیری قالسام اونلاری توپراغا بولانمیش آت آشغال ات کیمی ائشیکه توکه جاغام».

مرحوم سید رضی بویورور: بیر روایتده «الترابالوذمه» و بوکلمه «الوذام التربه» کلمه سینین ترسه سیدیر. و لیفوقوننی. «دن منظور بودورکی بیت المالدان - دوه نین فواقی کیمی» (دوه نین سودین ساغاندان سونرا بیراز بالاسینا قالان اندازا) منه آزوئریرلر. (وذام و ذمه نین جمعی و یثره توکولن آت آشغال اتدن عبارتدیر).

خطبه ۷۷ - او حضرتین دؤعا کلمه لریندن

«او کلمه لردن کی حضرت اونلاریله دؤعا ائدیب و دؤعا ائتمگی جماعته ئورگه دیر»: ایلاهی، منی مندن آرتیق بیلدیگین گناهاردان باغیشلا. اگر بیرده قایدسام، سنده رحمتین قایتار. ایلاهی، هر نه کی وعده وئرمیشدیم و گورمه میشدیم، منه باغیشلا.

ای الله، هر نه دیلده دئیره م اما اوره کیم آیری جور دی، رحمتینده قرار وئر. پروردگارا، اشاره ایله باخماقلاری، فایداسیز سؤزلری، هوسلری و دیل توپوق لارینی، منه باغیشلا.

خطبه ۷۸ - او حضرتین کلامی

...او زامان کی خوارجین ساواشینا گئدیردی، (بیری او حضرتنه عرض انتدی ای مؤمنلرین امیری، اگر بو زامان ساواشا حرکت ائتن، قورخورام کی غالب اولمیوب و مطلبیوهن چاتمیه سن، من بو خبری، نجوم علمیندن بیلیمشم). حضرت بویوردی: آیا خیال اندیرسن، بیر سآت نشان وئیرسن کی هر کیم اوندا سفره گئدسه بلا و پس لیک اوندان ئوزاقلانار؟ و او سآتدان کی هر کیم اوندا سفره ائتسه ضرر و زیان گلر، منی اوندان کنار اندیرسن؟

هر کیم سنین بو سؤزلرین اینانسا قرآنی، یالان بیلر و ایسته دیکی زادلاری اله گتیرمکدن اوتری و پس لری دفع ائتمکدن اوتری، ئوزین تائریه محتاج بیلیمیری. سنین دانشدیغین نتیجه سی اودورکی: هر کیم سنین فرمانیندا اولسا، یثری وار سنه شوکر ائتسین و اللهه شوکر ائتمه سین، چون کی فکر اندیرسن، آداملاری ایسته دیگین ساآندا قازانچ لارینا ساری آپاریب و ضررلرینین قاباغین آلیرسان.

سونرا امام (علیه السلام) اوزون جماعته ساری چئویریب بنله بویوردی: «ای جماعت، نجوم علمین ئورگنمکدن کنار اولون، مگر او اندازا کی سیزلری دنیز و قورولوقدا هدایت ائده ر. چون نجوم علمی، سیزی کاهن لیگه چاغیریر و منجم کاهن لرکیمی و کاهن ساحرکیمی و ساحر کافرکیمیدیر. کافرده اود اهلیدیر. (اودورکی) الله آدی نین یاردیم لیگی ایله، سفره گئدین».

خطبه ۷۹ - دان او حضرتین کلامی

...ای جماعت قادین لارین، ایمان، ارث، عقلدن بهره لری آزدیر. اما ایمانلارینین

آزلیقی، ناماز و اوروجون «قاعده» زامانی اولماقایدیر. اما عاغیلدان اسکیک لیک علتی، ایکی قادین بیر کیشی عوضینده شهادتیدیر. و ارثین ناقص لیگی او دورکی ارثلری کیشی ارثینین یاریسیدیر. پیس قادین لاردان قاجین یاخشیلاریندان دا کنارگزین، یاخشی ایشلرده اونلاردان اطاعت ائتمین تا پیس ایشلرده سیزدن قوللوق تاماه لاری اولماسین.

خطبه ۸۰ - او حضرتین کلامی

...جماعت، پیس ایشدن ساکینماق، آرزی لارین قیسسالینی، آلهین نعمت لرینه شوکر ائتمک و گناهلاردان. ایراق اولماقایدیر. اگر بونلارا الیز چاتماسا، حارام ایشلر دوءزوملو اولماغیزا اوستون گلمه سین. بیرده نعمت لرین شوکرینی یاددان چیخارتمیون چون تانری آیدین دلیل لر و آشکار کتابلارایله، سیزلره بهانه یتری قویموبدور.

خطبه ۸۱ - او حضرتین کلامی

دونیانی سنه نجور تانیتدیریم؟ کی اولی زحمت و چتین لیک و آخیری فنادیر. اونون حالال لاریندا حساب وئریمک و حارام لاریندا عذاب چکماق وار. هر کیم دنیسا دا وارلی اولسا، گه رگین لیغادوچار اولار. باخسا، دنیا اونون گؤزلرینی آچار. و هر کیم اونون یاراشیقلا رینا باخسا، بیلجی لیک گؤزلری توتولار.

مرحوم سیدرضی بویورور: من ابصر بها بصرته: هر کیم (دنیایه) عیبرت له باخسا، دنیا اونون (گوءرو جو لوک) گؤزلرینی آچار. کلمه سینده هر کیم دقت ائده، اوندان بؤیوک و ماراقلی آنلام دوشونر کی سونی یوخدور. خصوصاً «من ابصر الیه اعمته» هر کیم دنیایه و اونون یاراشیقلا رینا، باخسا، دنیا اونون گوءروج گؤزلرینی کورائدر، جمله سینی توتوشدورار، آیدین حالدا اونلارین اوخشامالیق لارینی بیلر.

خطبہ ۸۲ - دن

بوخطبہ غرا یعنی اوجا و پارلیان خطبہ آدیله تانینیب و ماراقلی خطبہ لردندیر

حمد اولسون او آللہ کی ئوز قدرتیلہ ہر زاددان یوخاری، و فضیلت و احسانی ہر زاددان یاخیندیر۔ ہر نعمت و فایدانی باغیشلیان، و ہر بلا و زحمتی آرادان گوتورن دیر۔ اونون نعمت و بؤللی احسانینا گورہ اوندان شاکرم و ایمانیم وار۔ چون، اولوش لارین اولیدیر، اوندان گوستریش ایستیرم چون کی، چوخ یاخین و یؤل نشان وئرن دیر۔ اوندان یاردیم چیلیگ ایستیرم، چون کی قدرتلی دیر۔ توکلیم وار چون کی یاردیم لیکدہ منیم بسیم دیر۔ و شہادت وئیرہم کی محمد (ﷺ) اونون بندہ سی و رسولیدیر۔ اونی یوللایب کی فرمانینی یئرینہ یتیرسین و اینسانلارا حجت و دلیل لر ایلہ، پیس ایشلر حاققیندا قورخی وئرسین۔

ای آللہین بندہ لری، سیزلری تقوایہ و اوآللہ دان قورخماغاک، آییلماقدان اوتری مثل لر ووروب تاپشیریرام او تانریہ کی، اجل لریزی، بیلیندیریب و اینسانلیق پالتارل اریزی گئیندیریب و گئچہ جگیزی گئیش لندیریدیر و حساییلہ ایشلریزہ احاطہ سی وار۔ و عمل لریزین جزاسینی قاباغیزدا قویوب و چوخلو نعمت لر باغیشلیوبدور۔

دلیل لری ایلہ سیزلرہ قورخو وئریب ساییزی دا بیلر۔ عمریزی، سیناماق اوچون بو عیبرتخانہدہ معلوم اندیدیر۔ امتحان اولور سوز و حسابلاریزا یتیشمک وار۔

دونیانین سویی بولانمیش اما خوشا گلندیر۔ اما، سیناق زامانی، ہلاک ائدر، توغلیانندیر اما داوامی یوخدور۔ ایتن ایشیق و یوخ اولان کولگہدیر۔ آرخاسیز و خراب اولان دایاقدیر۔ اوندان کنار گزیب کونول وئرمین۔ ہر او کیمسہ لر کسی اونا آرخاین اولدولار، بیر آت کیمی غافلدن آیاقلارین گوہہ قالخیزیب مینہنہ تپیک وورار و اونی گرفتار اندیب اوخلاریلہ ئولدورہر۔

ئولوم اپینی اونون بوغازینا سالیب، دار و قورخولی یاتاجاق یئرہ کی اوردا، ہمیشہ لیک دنیا ایشلری نین جزاسینی گورہ جک، چہ کر۔ و ہابئلہ دیر دونیانین ایشلری، او آدم لارایلہ کی گلن زاماندا، دنیاہ گلہ جاقلار و قاباقدان گئندلرین یئریندہ اوتوراجاقلار۔

ئولوم، زاواللی ائتمکدن دورماز. قالانلاردا، گناه ائتمکدن ال چکیب قایتمازلار. بوجور، دالبادال، سورو کیمی گنچمیش لردن تقلید ائده رلر تا عمرلری فنادا باشا چاتسین. ائله کی ایشلر بیتدی، و زامان باشا چاتدی و قیامت یاخینلاشدی، تانری اونلاری قویلاق لاردان، قوشلار و یسیرتینجی حیوانلارین یواسیندان و ساواش میدانلاریندان. ائشیکه سالار. اونلارداچوخ یتگین تانرینن امرینه گوره اونون طرفینه، ئوز گتیررلر. سوسوق و سس سیز صف چه کرلر.

اللهین اونلارا احاطه سی اولار، چاغیرجی سسینی هامویا یتیره. آلچاقلیق گنیمی اگینلرینده، توغلاماق قاپولاری باغلی، آرزى لار کسيلمیش، اؤره کلر غصه لی و ساکت و سسلر بوغازلاردان یاواش چیخیر، آغیزلار ترايله دولو، قورخی چوخ، و بیراوجا سس کی اونلاری عدالت قاپوسونا و خیر و شرلری آیرماق و جزا و امه کلیک وئرمکدن اوتری چاغیریر، اونلاری تیترمیه سالار. او بنده لرکی اونون قدرت الی ایله یارانیب و اختیارسیز بسله نیب و ئولوبلر، و مزارلاردا اوفاق اولوبلار، ایندی یالقوز حالت ایله قالخیب ئوز جزا و حسابلارینا گوره آیریلارلار.

بو نچه گونی، وول وئریلبلر تا آزقین لیقدان، قورتولسونلار، قورتولوش یولی و وقت اونلارا وئریلب کی، تانری رضاسین اله گتیرسینلر و قارانیق و شبهه لر اونلاردان کنار قویولوب تا، آرخاین لوق ایله قیامت قوشوشماسیندا ئوزفیکرلری ایله حاضرلاشیب و بو ماجالدا چالیش سینلار.

ای عجب بویتگین و دوزگون مثل لردن و توخدادان اویود لاردان بو شرط له کی: پاک اؤره کلره و ائشیدن قولاقلارا و دوزگون و پاک عاگیل لارا یتشه.

تقوالی اولون، او کیمسه لر کیمی کی، ائشیدیب عمل ائتدی، گناهی اولاندا بوینونا آلدی. قورخوب یاخشى ایشلر گورنده (عذابدان) کنار اولدی، چالیشدی، قیامته اینانیب گئدیشینی دوزگون ائتدی. اویود وئرنده قبول ائتدی. اونى قورخوتدولار، قورخدی، قاباغین آلدیلار. اوراق گزدی الله فرمانین ائشیدیب قایتدی. توبه ائتدی و فرمانیدا اولدی. دؤز یولی اونا نشان وئردیلر، گوردی اوردا چالیشیب حاق آختاران اولدی. گناهلاردان

قاچدی و رستگار اولدی. آخرت گونی اوچون زومار گوتوروب اورانی آباد ائتدی. یول زومارینی گنتمه گه و نیاز و سیخیتی زامانینا، حاضراییب و ئوزونه آرخا قرار وئردی و ابدی یئرینه قاباقدان زومار گوندهردی.

ای آللهین بندهلری، تقوالی اولون او ایسته ک دن اوتری کی اونون اوچون یارانمیسیز. نهایت قورخولی زاد دان کی سیزلری قورخودار، قورخون، تا سیزلر وعده وئریلن زاد اوچون لایق اولاسیزکی اونون وعده سی دوز و قیامتی قورخولیدیر.

تانری سیزلره ایکی قولاق یارادیب تا لازم اولان زادلاری ساخلا سین. گؤزلری یارادیب تا قارانلیق لاردا گورسونلر. هر عضو اوچون بیر آیری عضولر یاراتدی و او عضولری بیربیرلری ایله یاراشدیردی تا بدنلر ئوز ترکیب لری ایله فایدالی اولسونلار و اوره کلر کی، تدبیرلری ایله روزی لرینی آختاریرلار، بیر حالداکی اونون قورتالمییان نعمت لریندن چوخلی فایدا آپاریرلار. اونون منت لرینین علت لری، سیزلره بللی دیر. و هابئله وسینلر یارادیب کی آلیزلیقلار مانع دیر و ساغلام لیق نعمتیندن فایدا آپاریرسیز. عمریزین زامانی سیزلردن گیزلیدی، و گنچمیش لردن عبیرت اثری سیزلره قویوبدور و هابئله او لذت و فایدالار کی دونیادان آپاریبیلار، و نعمت لری کی ئولومدن قاباق اونلاردان فایدالی اولموشدولار اما آرزیلارینا چاتمامیشدان ئولوم اونلاری تاپدی.

اونلار ساغلام اولان زامان، توشه آرتیرمادیلار و اول فرصته، عبیرت آلمادیلار. آیاوا اینسان کی جوانلیغین اولینده دیر، قوجالیق دان سوای بیر هدف گؤزلور؟ و آبا او آدم کی ساغلامدیر، جوربه جور آلیز لاردان سوای بیر زاد انتظار ی وار؟ و یا او آدم کی هله ساغ دیر، فنالیق دان سوای بیر آیری گؤزله مه سی وار؟

او حالدا کی آیری لیق و ئوزا قاقا کوچماق، یاخیندیر، تیره مک و نگرانچیلیق، آغری، مصیبت، برکه دوشمک، غصه نین چوخلو غوندان، اوتقونماق و یاردیم ایسته مک، برک اولماقلار اویان بویانا گؤز تیکمه لر، قول لار اهل و ائولاد، یولداش، عیالی، چاغیرماق، ئولومون قاباغین آلابیلرلر؟ آیا اونلارین اولاشماقلاری، فایدالی دیر؟ او حالدا کی مزارلیغا گرو وئریلیب و دارقویلا قدا قالیدیر. سانجان قورداقلار دریسین بیر تارلار. برک اولماقلار

اونون لطافتین چورودوب آرادان آپارار. و ایتی بوغاناقلار اونون اثرلرینی یوخ ائده رلر. زامان اونون اثرلرینی چورودر، او طراوتلی جسملرین حالی ده ییشیلر. سوموکلر قدرت لریندن سونرا چوروک اولارلار. جانلار آغیر یوکلرین آلتینداقلار. او حالدا گیزلین سرلره یقین ائده رلر. اما، نه یاخشی عمل لرینه، بیر یاخشی عمل آرتیرار و نه ده توبه لرینین اثری اولار.

آیا سیز او اینسانلارین ائولادی دگیل سیزکی اونلارین قدم لرینین یثرینه قدم قویورسوز؟ هامان یولسدان گئدیر سیزکی، اونلار گئدیلمر؟ او دورکی اوره کلر داشا دونوبلر و فایدالانماق و یولاگلمکدن غافل دیلر و آیری حاقسیز یولدا گئدیرلر... بئله بللی دیرکی هنج کیم اونلار ایله دگیل و اونلارین رستگار اولماغی دنیانی توتماقدادیر. ایندی بیلین کی سیزین یولوز، صراط کورپوسوندن دیر، کی آیاق اوندان سوروشر و اینسان اوندان قورخار.

ای آللهین بنده لری قورخون، او بیلجی لر کیمی کی قیامت فیکری اونون اوره گین مشغول اندیب و آلله قورخوسی، جسمین آریق لادیب و گنجه عبادت لری آز یوخونی دا گؤزلریندن آلیبدیر. اولوتانرینین رحمتینه اومود باغلاماقدیرکی، او نوزین و سیجاق گونلرین سوسوزلیغینا دؤزور. دنیایه علاقه سیز لیکدیر کی اونسی نفسانی ایستک لردن ساخلیر و تانری ذکر دیلینده دیر. او تانری قورخوسینی قیامت عمل لرینین امانیندا اولماقدان اوتری، قاباغا سالیب و حق یولوندان سوای آیری دئیب دانیشماقلاری کنار قویوب، دوزگون و ایشیق یولا آل تاپماقدان اوتری کی یوللارین ایستکلی سیدیر، حرکت اندیب و آلدانماق کی رستگار لیغا مانع دیر، اونسی بنده لیکدن قویموبدور.

یاهالدان ایشلر او ناگیزلین دگیل. بهشت و راحت یثرده یاشاماق اونسی سویندیریر. او سوینیرکی، دنیا ائویندن یاخشی گئچیب و آخرت زومارینی قاباقدان یوللوبدور و قیامتین قورخوسوندان دنیادا تله سیدیر. چون، دنیادا اونا ول وئریلمر اودا آللهین رضاسیندان اوتری، شانلیدیر. بوگوندن صاباحینی گؤزلور و عذابدان قاجیر. قاباقدکی دورومو ئولومدن قباق دوشونور. او دورکی بهشت، باغیشلاماق اوچون و جهنم عذابلار اوچون کفایت

اندر. قرآن کافرله دلیل گتیرب و اونلار کافرله بسدیر.

سیزلری تقوایه وصیت اندیرم او آللهین تقواسینا کی، قورخی وئرمک ایله عذر یولونسی باغلیوب و آیدین دلیل لر ایله، حجتی نی سیزله تامام اندیدیر. و سیزلری اودشماندان کی اوره ک لریزه گیزله نر و قولاقلاریزا اوخویوب، یولدان قویار و فساده چه کر، وعده وئره، آرزو لریزی حرکتیه گتیره و گناه ایشلری گوزوز ده گوزهل بللی لندیرر، بویوک گناهلاری کیچیک ییلندیره و هابثله یاواش یاواش سیزلری دالینا سالیب گرو ساخلار، قورخی وئیرم.

نوزاماندرکی هر نه دئسه دانار. راحت ییلندیرن ایشلری بویوک لندیره. آرخاین اتدیگی زادلاردان قورخودار.

مگر بو هامان اینسان دگیل رحمین قارانیغیندا و پرده لرین ایچینده نطفه سی باغلائیب علقه اولاندان سونرا، اوشاق، سودامر، و بالغ اولوبدور؟ تانری، اونا گوزلین فیکر، دانشان دیل، گورن گوز وئریدیر تا عبیرت ایله دوشونسون و گناهلاردان کنار اولسون. ایندی ده کماله چاتماقیله ششه لنه رک، قنوزانیب قاجیر. سیخیتیلی حالدا ئوز هوسلرینی هوای نفسیندن چکیر و دونیاین حسابا گلمیین نیاز و لذت لری اوچون سیخیتیه دوشور و دوشونمور کی مصیبتیه قالاچاقدیر. تقیه و تواضعی یوخسدور، فیرتیناو چوروک ایشلرده یاشاییر. بیر حالداکی قابقیندا الله نعمت لریندن فایدا آپارمیوب واجبلرینی یئرینه گتیرمه میشدن، دونیادان گئدیر. او دوره کی هوسلرینین سونوندا و سئوینجکی حالدا، ئولوم غصه سی اونی توتور، چتین آغری لار، چئشید لی حالدا آلیزلار کی اونلارین شدت زامانی گنجه لرده دیر. گنجه نی سحره و سحری آخشاما دک آییق قالیر، بیر حالداکی آرخا قارداشی و مهربان آتاسی یانیندا دیلار، و آغلارقالان قادینی، و آناسی، دوشلرینه چالیرلار. اما او جان وئرن حالدا، چوخ غصه لی، آغری لی، گنتمگین چتین لیگینه گرفتاردیر.

ان سونوندا، کفنله چولقاشدیریب، اونی اومودسوزلوق ایله او حالداکی اختیار سیزدیر؛ مزاره ساری، تابوت تخته لری اوسته سالیرلار. ائله ییل کی یورقون دوه سفردن آریق و آلیزلی قانیدیدیر. یولداشلاری، خدمتچی لری، قارداشلاری دوره سینیه گلیب چیگین لری

اوسته اونی غربت ائوی طرفینه کی داها اونی هئچ کیم گوره بيلمیه جکدیر، آپاریرلار. ائله کی آپارانلار قایتیدیلار، اونی قویلاقدا اوتور دالار. سوروشماق و سیناماقدان دوشمک قورخوسوندان یاواش دانیشار. اوردا بؤیوک بلا، جهنمین ایستی سوی و اودی، و جهنم آلوینین گورولداسیدیر. اوردا عذاب چکمک قورتالماز. دینجلمک یوخدور. کی عذابلاریندان آزادلا. و بیر قدرت تاپولماز کی اونون عذاب اولونماق قاباغین آلسین. ئولوم ده یوخدور کی اونی قورتالسین. یوخو دا یوخدور کی غصه سیندن بیر آز گوتورسون. بوجور ئولوم و عذابلارین اورتاسیندا توتولوبدور. بو عذابلاردان تانرییه پناه آپاریریق.

هاردادیلار آللهین او بنده لری کی دیرلیکده نعمت ایچینده ایدیلر، ئورگندیلر، دوشوندولر و اخت و ثریلدی، اما اونلار اویسون اویونچاقدا ماجال لاری الدن و ثردیلر... ساغلام اولان زامان یاددان چیخارتدیلار. اونلار اوزین زامان وول و ثریلیب احسان اولوندی. آغیر عذابلاردان قورخی و ثریلدی و بؤیوک نعمت لره وعده و ثریلیب و فسادا چکن گناه لاردان و هابئله او پیسلیک لردن کی آللهی آجیق لاندیرار، کنار اولوندی.

ای گوره ن گؤزلر و ای ائشیدن قولاقلار، ساغلام قایتماغایولوز وار یا یوخ... هارا دونمیسیز؟ هانسی طرفه گئدیرسیز؟ و نه اوچون غره لنیرسیز؟... بو دونیادان سیزلرین پای، بدنیزین انی و بوی قهده ر یئر، و بیر توپراغا باتمیش ئوزدور. اونا گوره بو فرصته تا اجل ایپی بوغازیزا دوشمیوب و روح بدنیزده راحت دیر، و یغیناق چوخ، زامانیز بول، توبه قاپوسیدا آچقدیر، ئولن زامان سرت لیکده قالمامیشدان و انتظار چکدیگیز غائب گلمه میشدن، و دار یا تاقدا قالمامیشدان و آللهین قدرتی سیزی گرفتار ائتمه میشدن قاباق، وقتی بوش بوشونا الدن و ثرمیون.

مرحوم سید رضی بویورور: خبرلرده وار، ائله کی امام (علیه السلام) بو خطبه نی بیان ائتدیلر، بدنلر تیره ییب، گؤزلر آغلار و کونولر قورخویا دوشدولر. جاماعاتین بیر پاراسی بو خطبه یه «غرا» دیرلر.

خطبه ۸۳ - او حضرتین کلامی

عجب او نابغه‌نین اوغلوندان کی، شام اهلینه یالان ساتیر و دییر من شوخی اهلیم و جماعتی شوخی ایله باشلارین قاتیرام. او، دوز دانشمیر و گناهکار دیر. آییلین کی یالان دئمک سؤزلرین پیسی دیر، دییر اما تکذیب ائدیر، وعده وئریر، سونراسی خلاف ائدیر، اوندان جاواب ایستینده، اسیرگه بیر اما نوزی ایسته‌دیگینه اصرار ائدیر. یادلاردان کنار گزیر، ساواش میدانیندا حاضر اولاندا، چوخ دانشیر و قورشالیر. اما بوهای سالماق او زمانادک دیرکی، ال قلینجا آپاریلمیوبدور. اما او زامان کی قلینج لار قینندن چیخدی و ساواش باشلانندی، بؤیوک حیلہ‌سی او دورکی، بدنین اوتانمالی یئرلرینی جاماعاتا نشان وئرسین.

بیلین آند اولسون تانرییه، ئولومی یادا سالماق، منی شوخی ائتمکدن ساخلیر. اما آخرتی یاددان چیخارتماق، اونی حاق دانشماقدان کنار قویور. او معاویه اوچون بیعت ائتمه دی مگر بو خاطره‌کی، دینی دونیایه ساتیب اوندان بیر آز امک آلسین.

خطبه ۸۴ - دن

شهادت وئریرم کی، الله‌دان سوای بیر معبود یوخدور، او تک و شریکسیز دیر. ازل بیر وجود دورکی اوندان قاباق بیر زاد یوخ ایمیش و آخری ده تاپیلماز. اونون نئجه لیکلری خیال‌لارا گلمز. و عاغل لار اونون نجور اولدوغونی دوشونه بیلمز. تجزیه و تبعیض اونا یول تاپماز و گؤزلره اوره کلراونا احاطه ائده بیلمز. (بو خطبه دن بیر آزی بئله دیر): ای آلله‌نین بنده‌لری، فایدالی دانشیق لاردان، اویسودلاری قبول ائدین. پارلاق و آیدین علامتلردن و هر جور قورخی و ثرن لردن کی (قرآن و حدیث لرده) گلیبدیر، عبرت آلین و هر جور اویود و یادا سالماق لاردان فایدا آپارین. او جور فیکر ائدین کی، ئولوم دیرناق لارینی جانیزا ایلیشدیریب و ایستکلر سیزلردن آیریلیدیر. چتین و رسوای ائدن ایشلر و گنتملی یثره گنتمک، باشلانیدیر. هاما گون کی، هر کیمین یانیندا بیر شاهد، ایشلرینه شهادت وئریر.

خطبہ نین بوراسی بهشتی سویلور: بهشتین درجہ و مرتبہ لری وارکی، بیربیریندن آرتیق دیر. و دوشرگه لری وارکی، بیربیرلریندن اوستون دیر. راحتچیلیق و خوشلوقلاری تامام اولماز. اوردا اوتوران کوچمیوب و ائشیگه چیخمیه جکدیر. اورانیسن ساکین لری همیشه لیک قوجالمیوب و برکه دوشمیه جکلر.

خطبہ ۸۵ - دن

الله، سرلری بیلیر و ایچریلردن ده خبری وار. اونون هر زادا احاطه سی وار و هر زادا غالب و اونلارا گوجلیدیر. او آدام لاردان کی عمل اهلی دیر، وول وئرلین زامان و اجلدن قاباق و هابئله بوغاز و نفس یوللاری توتولما میشدان قاباق و نوز راحتچیلیق و داوام لاری اوچون گره کدیر چالیشینلار.

گره کدیر بو دونیادان کوچورولسون، و گنتدیک لری یثره، توشه گوتورولسون. سیزی الله، آلهی نظرده توتون. او زادکی کتاییندا اونون گوزله مه سینه امر اولونوب و نوز حاققیندان سیزلرین یانیزدا امانت دیر، مغایات اولون چون تانری سیزلری قولای یاراتمییوب و نوزباشینا بوراخمیه جاقدیر. او سیزلرین ایش لریزی بللی ائدیب و او، کردارلاری بیلن دیر.

کتاب و دلیل گونده ریب دیر. پیغمبرینی سیزلرین آرازدا بیر زامان ساخلیوب تا دین و کتایینی سیزه و پیغمبره نوزی ایسته دیگی کیمی کامل لندیر سین. او دینی کی نوزی ایستیری و اونلاری کی ایسته میر. پس ایشلرین ائدیب و ائتمه ماقلارینی او حضرتین دیلیجه، سیزلره بیان ائدیب. بهانه و عذر یثری قویومیان حالدا حجتی تامام ائتدی. وعده نی وئرپ و سرت عذاب لاردان قورخوتدی اودورکی عمریزین قالانی نی تاپین. دوزوم و دایانماغیز اولسون، چون کی قالان عمریز، گنچمیشلره گوره کی غفلته گنچیب چوخ آزدیر. نفس لر یزه چوخ ماجال ویرمیون کی سیزلری ظالیم لر یولونا چه کر. چوخدا یونگول توتمون کی، بو یونگول توتماق سیزی گناهاساری آپارار.

ای آلهین بنده لری، هر کیم کی هامودان چوخ نوزونه او بود وئرسه، آلهه یانیندا هامودان سؤزه باخاندیر. و هر کیم نوز نفسینی توغلاسا، آلهه گناه ائدیب و ضررلی دیر. او

آدام سنوینرکی دینی ساغلام قالیدیر و او آدام بختیار دیرکی اویود وئرن لردن سؤز ائشیده. زاوللی او آدام دیرکی ایستک لری اونی توغلیار.

بیلین کی، بیر آرزیا وئوزین نشان وئرمک شرک ساییلار. هوسباز آدام لارینان اوتورماق ایمانی یاددان چیخاردیب، شیطانی ئوزونه ساری چه کر. یالان سویله مکدن قاجین کی ایماندان کنار بیرایشدیر. دؤزدانیشان، عذابدان قورتولار، اما یالانچی ذلت و فنا اوچورومی قیراغیندا دیر. بیریریزه پاخیل اولمیون کی، اود، اودونی ییین کیمی، حسد ده ایمانی، ییه. بیریریزه دشمان اولمیون کی خیر و برکتین آزالماغینا سبیدیر. بیلین کی ئوزین آرزولار، عاغیلی یاهاالدار و تانری ذکرینی یاددان چیخارتماغا سبب اولار. اودورکی آرزو لاری یالانچی بیلین چون کی توغلیاندیلار. و آرزو صاحبی، توغلانییدیر.

خطبه ۸۶ - دان تانرینین بیلگی لری

ای آللهین بنده لری، آللهین ایستکلی بنده سی اوکی مسه دیرکی، اونسی نفسینه غالب اولماقدا یاردیمچلیق ائدییدیر. او بنده کی قورخونی ئوزونه شعار قرار وئرییدیر و اونون اوست گنیملری ده، تانری قورخوسیدیر، اونا گوره هدایت چیراغی قلیینده یانیر. قوناقلیق پستاین گله جک گونلرینه حاضرائدیر. ئوزاقی یاخین و چتینی ده راحتلا دیر. او فیکرائندی تاگوژی آچیق اولدی آللهی یا دا سالیب یاخشی ایشلرینی آرتیردی. ایچمه لی باش بولاقدان، کی اونا ال تاپماق، اونون اوچون راحت اولموشدی، ایچیب، دویدی. اول ایچیمده دویدی. دوز یولدا قدم گوتوردی. هوسلری باشدان آتدی و بیر غصه دن سوای تامام غصه لردن بوشالیدی. کورلار و هوسبازلار حالتیندن چیخدی. هدایت قاپوسی و اسگیکی لیک و آرقین لیت قفلی اولدی. دوز یولی و علامت لرینی تانیب و (شهوتلرین) بورولغانلی دالقالاریندان گئچیب محکم و اراخیین لی حالقلاردان یایشیدی.

اونون آللهه اینانماغی گونشین ایشیقی کیمیدیر. ئوزنفسینی تانری اختیاریندا قویوب، اوجوره کی حتی بؤیوک ایشلرده هر نه فرمان اونون طرفیندن وئریلسه، گوره ر و هر فرعی ئوز اصلینه قایتارار. او قارانیلقلارین چیراغی، یاهاالدان ایشلرین یول تاپانی، دویونلرین

آچانی، چتین لیکلری قیراغاتان و گنیش چؤللرین آزان لارینا یول نشان وئرندير. دئییب دوشوندوره (حاقسيز) دئگی لردن ایراق اولار تا ساغلام قالسین. آلهه اوچون ایشلرینی تمیزاندر. تانری ده، اونى ئوزى اوچون قبول اندر چون کی اونون دینینین معدنى و یرنین بینوره لریندن دیر.

او نفسینی عدالتله بیرلشدیریبدير. اونون عدالتیندن اول پایابودورکی، هوسلری ئوزوندن کناره آتیب حاق دانیشیر و حاققیله ایشلیر. هئچ خیرایش یوخدورکی، اونون اوچون آیاغا قالخماسین و هئچ یاخشی گمان یرى یوخدورکی اوندان اوترى قئوزانماسین. او اختیارینی، قرآنا تاپشیریب و قرآندا اونون رهبریدیر. هر یئرده نازل اولسا، یوکون اوردا سالار. هر یئرده اوتورسا، اوردا اتوراق اندر.

اما بیر آیری بنده کی ئوزین بیلجی تانیتدیریر، بیر حالداکی بیلن دگیل. او قانمازلاردان. قانمازلیغی و یول ایتیرن لردن یول ایتیرمگی ئورگه نیب و چوخ توغلاماقیله یالان سؤزلردن تله قوروب و اینسانلارین یولی اوسته آچیبدير. او قرآنی ئوز فیکری ایله ئولچور و حاق، یولونی، کونلی ایسته دیگی کیمی گئدیر. و آداملاری بؤیوک خطرلردن آرخایین اندیر و بؤیوک گناهلاری اونلارین گؤزلرینده راحت نشان وئیریر. دئیرکی: شبهه لی ایشلردن گورمه رهم اما ئوزى اونلارین ایچینده بلشیر. گؤرونوشی اینسانا بنزیز، اما کونولده حیواندیر. هدایت یولونی تانیمیر، تا او یولدان گئتسین. هابئله کورلوق و آزقینلیق یولونا دا تانیس دگیل تا اوندان ایراق گزسین. بو علتله گوره، او بیر نولیدیرکی، دیری لرین ایچینده یاشیر.

هارا گئدیرسیز؟ سیزلری نجور یولدان چکیرلر؟ حاق بایداقلاری قئوزانیب و اونون نشانه لری گورونور، هدایت چیراغلاری، یرلرینه قونداریلیب، داها سیز هارا گئدیرسیز؟ ینسه شاممیسیز؟ حال بوکی پیغمبر ائولادی ایچیزده دیلر، اونلار حاقدان رهبر، دین بایداکی و دوزگون دانیشانیدیلار. اونلاری هامان یرلرده کی قرآنی ساخلارسیز، ساخلایین. سوسوزلار کیمی کی سوگورنده قاچارلار، اونلارین طرفینه هجوم گتیرین.

ای جماعت، بو حدیثی جناب پیغمبردن (ﷺ) ائشیدین کی: «هر کیم بیزلردن ئولسه ده

حقیقتده ئولمییوب و چورومیوبدور» بونا گوره تانیمادیغیز مطلبدن دانیشمایین. چون کی حاققین چوخی، اودورکی دانیرسیز و او آدامین کی. سیزلرین اونا حجت و دلیل یوخوزدور، عذرینی قبول ائدین... منده هامان او آدام.

آیا من سیزلرین ایچیزده قرآنا عمل ائتمه دیم؟ و آیا سیزلرین ایچیزده «آل محمد» یادگار قویمادیم؟ ایمان بایداقین و نشانه سین آرازا نصب ائتمدیم؟ سیزلره حلال و حارامین اندازاسین دوشوندورمه دیم؟ عدالتدن سیزلره سلامت گئیمی گیدیرمه دیم؟ یاخشی لبق لاری دیلده وایشلریمله سیزلره نشان وئرمه دیم؟ بونا گوره خیالیزی ئوزادین حاققینداکی اونون ذاتینی جسمانی گؤز، گوره ییلمز، و فیکریز اوردا سیخیشمیر، ایشه سالمین.

(بو خطبه دن بیر آزی): بیرپارا بئله خیال ائتدیلرکی، دنیا «بنی امیه» الینده دیر و فایدا سین اونلارا یتیریر و اونون دوری سویوندان اونلارا فایدا چاتیر و قلینج لاری، بو امتین باشیندان کنار اولمییه جاقدیر. بو خیال لاری، فیکر اندن یانلیشاگئندیر بلکه اونلارین بهره لری بو دونیادان، او سو قه ده ر دیرکی، آغیزا دولدوروب داداندان سونرا ائشیکه توکرلر.

خطبه ۸۷ - دن

و اما سونرا... تانری دونیانین بوینی یوغونلارینی ازمه دی مگر، اونلارا راحتچیلیق وولی وئرندن سونرا. و هئج امتین سینیق سوموگون یتیرمه دی، مگر او زامان کی زحمته دوشوب و او زحمتلره دؤزدولر.

او زحمت و چتین لیکلرده چوخلو عیبرت لر وارایدی. اما نه هر کیمین ئوره گی وار خوش ائدن و نه هر کیمین قولاغی وار ائشیدن و نه هر گؤزگوره ن دیر.

چوخ تعجب لیدیر. و نئجه تعجب ائتمه ییم کی بو، جبور به جور فرقه لر ئوز حجت لرینده اختلاف لاری وار. نه پیغمبر یولی گئدیرلر و نه ده اونون وصی سینیه اقتدا ائدیرلر. نه غیبه ایمان لاری وار و نه ده عیب لردن کنار گزیرلر. شبهه لی ایشلردن گورورلر و شهوت لر ایچینده سیر ائدیرلر. یاخشی ایشلر اونلارین نظرینده هامان ایشدیرکی اونی یاخشی بیلیرلر. و پیس ایش اودورکی اونلار پیس تائیرلار. چتین لیک لرده ئوزلرینه پناه

گتیر بر لر. ئورتولی مسألہ لردہ ئوز رأی لرینہ ارخاین دیلر. ائله بیل کی ہرہ سی ئوزیئریندہ ئوز نفسینہ رھبردیر و محکم و ارخاین ایلرہ کی ئوزی دوشونور ال تاپیدیر.

خطبہ ۸۸ - دن

الله، پیغمبری او زامان رسالتہ سنچدی کی، قاباکی پیغمبر لرین زامانیندان چوخ زامان گنچمیشدی و امت لرین ہدایت یولوندا، قارانیقدا قالماقلاری یوبانمیشدی. فتنہ لر دونیانین باشاباشین توتوب، ایشلر قات قاریشیق، ساواش اودی آلیشیب، ایشیق لر گیزلنمیش و حیلہ لر ظاہر اولموشدولار. یاشایشین یاپراقلاری سارالیب، یشیمی فایداسیز و سویی باتیب و چکیلیمیش ایدی.

ہدایت چیراغینین علامتلی ایتیب و فنالیق بایداکی قنوزانمیشدی. دونیا پیس باخیش ایلہ اہلینہ باخیب و تورشات میش قاش قاباغین نشان وئیردی. یشیمی فیرتینا، یشمک لری موردار، آلتداکی گنیمی قورخی و ائشیکدہ قلینج وارایدی.

ای آللهین بندہ لری، عبرت آلین آتا بابالاریزی، قارداشلاریزی یادا سالین کی ایندی، ئوزایشلرینین گرویندہ دیلر و اونلاردان حساب آلینار.

آند اولسون ئوز جانیم، او زاماندان بویانا، ائله چوخ زامان گنچمیوبیدور و سیزلردہ اونلارین صلہ بندہ اولان زاماندان ئوزاق دگیل سیز. آللهہ آند اولسون، حضرت، پیغمبر (ﷺ) سیزلرین گنچمیش لریزہ هامان سؤزلری دئدی کی بوگون من او سؤزلری سیزلرہ دئیرم. سیزین قولاقلاریزدا، اونلارین قولاقلاریندان دال دگیل. هامان گوژ و آورہ کلرکی او زامان اونلا را وئریلمیشدی، بو زامان سیزلرہ دہ وئریلیبدیر.

آند اولسون آللهہ، اونلاردان سونرا، سیزلر بیرزادا گوڑہن و بیلجی اولمادیز کی اونلار بیلیمیش اولسونلار. بیر زادا سنچیلیمہ دیزکی، اونلار ئوزاددان محروم اولموش اولسونلار.

سیزلرہ بیرلا گلیبدیر کی اونون نوحتاسی حرکت ائدیر و اسبابلاری گوجسوزدور. اودورکی زمانہ نین گناہ کارلاری، اولدوغی نعمت لرایلہ، سیزلری توغلاماسین چونکی او

حالت بیر کولگه کیمیدیر کی معلوم اولونموش زامانادک قالا جاقدیر.

خطبه ۸۹ - دان

او تانریه آند اولسون کی گورونمه دیگی حالدا تانییدیر. فیکرسیز یاراداندیر. او تانری کی قالیجی دیر و قالا جاقدیر. او زامان کی گویلرده برج لر، منزل لر و بؤیوک قاپولی اورتولر یوخیدی و نه قارانیق گئجه لر، نه آرام دنیز، نه گنیش یوللی داغلار، نه اءیری بورو ق یوللار نه ده سر یلمیش یش و نه ده قدرتلی یارانمیش واریدی. اونولا بئله ینه تانری واریدی.

او دونیا یارانمیشلارینین یارادانی و اونلارین وارثی دیر. او تانری کی یارانمیشلارین روزی وئره نی دیر. گون، آی، اونون امری رضاسیندا دولانسیرلار. هر تازانی اسکی و هر ئوزاقی یاخین ائدیرلر. یارانمیشلارین روزی لرینی بوءلموب، و اونلارین ایشلرینی و اثرلرینی ساییر. نفس لرین سایبی، گؤزلرین خیانتی اوره کده کی گیزلین لر و اونلارین یشلرینی آنالار رحیمینده و دوغولاندان سونرا تا آخیره دک بیلیر. او بیر آله دیرکی، رحمتی گنیش اولدوغی حالدا، عذابی دشمانلارا چتیندیر و عذابی چتین اولدوغی حالدا، اونون رحمتی دوستلارین چولقالبیدیر. هر کیم ایسته سه اونولا بیرلیک ائتسین، اونا مسلط دیر. هر کیم اونولا یوللاشمازاولسا، هلاک ائدر. و هر کیم اوندان ئوزاق گزسه، ذلیل ائدر و هر کیم اونا دشمان اولسا، اونا اوستون گلر. هر کیم اوناتوکل ائتسه، بسیدیر. هر کیم اوندان بیر زادی ایسته سه، باغیشلار. هر کیم اونا بورج وئرسه، بورجون ادا ائدر. هابئله هر کیم اوندان ممنون اولسا، امه ک وئره جکدیر. ای آلهین بنده لری، ئوزحسابیزا قیامتده یتیشمه میشدن قاباق، ئوزوز یتیشین. بوغازیز توتولمامیشدان قاباق، راحت نفس چکین. سیزلری زور ایله آپارمامیشدان قاباق، ئوزوز فرمان آپارین. بیلین کی هر کیم ئوزونه نصیحت وئرمه سه، اونا بیر آیری مانع اولان و او بود وئرن یوخدور.

خطبه ۹۰ - دان تانرینین نئجه لیکی

(بو خطبه «اشباح» خطبه سی آدیله، تانیر و حضرتین پارلاق خطبه لریندن دیر). «صدقه نین اوغلی مسعده» امام صادق علیه السلامدان نقل اندیر کی امیرالمؤمنین (علیه السلام) کوفه شهرینین منبرینده بو دلیله گوره بویوردی کی بیر نفر او امامدان ایسته دی تانرینی اوچور تانیتدیرسین کی ائله بیل اینسان اونی گؤزلری ایله گورور، تا اونون معرفتی آرتیرسین. امام علیه السلام اونون بو سؤزوندن آجیقلا نیب، سونرا ایسته دی کی هامی، جماعت نامازینا ییغیشین لار. جاماعات مسجدده ییغیشدی لار، اوقه ده رکی مسجد جماعت ایله دولدی. سونرا او جناب آجیقلی و رنگی عوض اولموش حالدا منبره گئدی ب تانرییه شوکر و پیغمبر و ائولادینه صلوات گوندره ندن سونرا بنله بویوردی:

شوکر اولسون او تانرییه کی احسان ائتمه مک و امساک اونون وارینی آرتیرماز و الی آجیقلیق و باغیشلاماق، اونی واردان سالماز. الله دان سوای هر باغیشلیان آدامین واری، آزالار. اوندان سوای، هر کیم احسان ائتمه سه مذمت لئر. او چوخلو نعمت لئر و منفعت لئر، باغیشلیان دیر و یارانمیش لار اوندان روزی آپاراندیلار. تانری اونلارین روزیلرینه ضامن دیر و روزی لرینی بللی اندیدیر. آیدین یول یولا جاغی نوز ایستکلی لرینه نشان وئریدیر. ایستیین زادلاردا، اونون باغیشلادیقی ایستنه میش لردن آرتیق دگیل. تانری او اول دیرکی اونندان قاباق یوخدور. بیر آخیر دیرکی اونا آیری آخیر خیال ائتمک اولماز. گؤزلرین ایشیقی اونا چاتمقدان و دوشونمک دن مانع دیر. و اجازه وئرمیرکی گؤزلرین گيله لری اونسی گوروب و درک ائتسین لئر.

چون زامان اونون اوچون دولانماز، بونا گوره اونون حالیدا ده ئیشیلیمز. او بیر بئرده دگیل کی دولانماق اونا ال وئرسین. اگر داغلاردا کی معدنلری یا دوداغی آچیق صدف لرکی دنیز لردن چیخار، خالص گوموش و قیزیل، داغیلیمیش در و جواهر لرین هاموسین باغیشلاسا، اونون الی آچیق لیگینه ذره جه اثر قویماز. نعمت لرینین، گنیش لیگینه اثری یوخدور. نعمت لری تامام اولماز. نعمت لری اوقه ده ر آرتیق دیرکی اینسانلار هراندازا دا ایسته سه لر، ینه تامام اولماز، چون او بیر سخاوتلی دیرکی آدام لارین ایسته دیگی اونون

مکتتین آزا ائتمز و ایستین لرین ده دیره نملگی اونی پاخیل ائتمز.

ای سؤز صاحبی دقتله قرآنا باخ، هر، نه اونون نئجه لیکلریندن سنه نشان وئریر قرآنین یول نشان وئرن ایشیقله، ایشیق لیغا چیخ و او نئجه لیک لردن کی شیطان سنی اونلارین ئورگنماغینا مجبور اندیب و آللهین کتاییندا اونلارین بیللمگی سنه واجب دگیل، و پیغمبر (ﷺ) و اماملار (علیهم السلام) یولیه اونلاردان آرتیق اثر یوخدور، اونلارین بیللمک لرینی تانرییه تاپشیر. چون تانرینین نهایت حاققی سنه بوندان عبارتدیر. بونی بیلم کی علم لری ئور گنمکده دیشیلیمز و دئوریلیمز او آداملاردیلار کی تانری اونلاری پرده دکی وگیزلین علم لرین ئورگنماغینا و تفسیرینه محتاج ائتمیوبدور و بوعلملرین بیللمه مک اعتراف لارینی مدح اندیب و او ایشلرده کی اونون تفسیرین امر ائتمیوبدور فیکیر ائتمه مگین ده ییشیلیمگی و دئوریلیمگی آدلانیبدیر. بونا گوره سنده بو اندازیه قانع اول و قرآنا باخ. اولو تانرینین عظمتینی ئوزعاغیلین له ئولچمه کی هلاک اولارسان. او بیر قدرتلی تانری دیر کی اگر تامام فیکیر و خیال و عاغل لارایسته سه لراونون نهایت قدرتینی بیلسین لرواگر بیر فیکیرلر کی شیطان یولی و هوسلره بولاشمیوب ایسته سه لر اونون نئجه لیکلرین ونجور اولدوغونی دوشونوب و نهایتینه ال تاپارلار و اگر عاغل لار ایشه دوشه اونولا بئله ذاتی نئجه لیکلرین حقیقتینی تاپا بیلیمز لر و تانری او خیاللاری قایتارار بیر حالدا کی فنا اولماق و غیب عالمترینین قارائلیق لارینی گزیبلر و نجات تاپماق اوچون اخلاصیله اونا ساری ئوز گتیریلر. ائله کی بو یولدان اومود سوز اولوب دال اوتوردولار قبول ائدر لر کی اونون ذات معرفتینی دوشونمک اولماز و اونون بویوک لیگی و جلالتی عاغل صاحبیری فیکیرینه یتیشمز. او یارانمیشلاری یاراتدی و بو یارتماقدا مثال یا بیر زاددان یا (العیاذ بالله) ئوزوندن قاباقکی یاراداندان گوتورگه گوتورمه دی. قدرت و یارتماق نشانه لریندن او قه در گورونور کی هاموسی (الله) وجودینین نشانه لری دیلر و بیز لری اختیار سیز حالدا اونو تانماغا چاغیریر لار. اونون اثر و نشانه لری یاراتدیقی زاد لار دا گورونور اولدو غونا نشانه دیلر. اگر دیلسیز اولموش اولسالار ینه ده اونون وجودینه آیدین دلیل دیلر. شاهد توتورام هر او آدام کی سنی یاراتد یغین یارانمیشا بنزه ده کسی اونون اعضاسیندا سنین

قدرت و حکمتلریندن وار اوره کدن سنی تانیمیوب و بو نا یقین اتمیوبدور کی سنه تئای بیر زاد یوخدور. دئمک اولور او بوتچو لرین قیامتده بوتلر دن بئزیکمه لرینی بیلیمیر کی دنیر لر آند اولسون الله کی بیزلر آیدین آزقین لیقدا ایدیک و سیز لر ی تانری ایلہ بیریگه بیلیر دیک. هر کیم سنی یارانمیش لر ایلہ بیرگه بیلیر دی یالان دانیشیردی. یعنی او زامان کی سنی بوتلره بنزه دیب و خیال لاریندا سنی یارانمیشلار کیمی نشان وئریر دیلر ویا سنی خیال لاریندا جسملر کیمی پای پای اندیر دیلر و یئتر سیز عاغل و اویرنج ایلہ جور به جور قدرتی اولان یارانمیش لارا بنزه دیر دیلر. شهادت وئریر م هر کیم سنی یارانمیش لارا تئای بیلہ سندن اءوز چئویریدیر و سندن اءوز چئویره ن سینماز و آیدین دلیل لره گوره کافر دیر. شهادت وئریر هم کی هامان تانری سان کی عاغل لاردا سنه اول و آخیر و حالت یوخدور تا اءوزه ل بیر نئجه لیک صاحبی اولموش اولاسان. نه عاغل لاردا ونه آلچاق فیکیرلرده بیر یئرده ن آیری یئره گئدرسین یا اونلارین تصرفینه گلیب و سینیرلی اولانسان. یاراتدیق لارینین قاب و اولوشونی بیلندیریب و اونلارا تدبیر ائتدی. یوموشاقلیق و نظم ایلہ هرزادی یولونا سالدی. هئج بیر ی اندازادان چیخمیوب اءوز چئویر مه دیلر. نجور اءوز چئویرمک اولارکی ها موسی بیر فیکیر و اراده نین امرینده دیلر. او بیر تانری دیر کی یارانمیشلاری هئج کیمسه نین یاردیمی ایلہ فیکیر سیز و اءورنک سیز و روز گار لاردان تجربوه گوتور مه میش و سیناقسیز یاراتدی. اونا بوماراقلی یاراتماقدا بیر نفر شریک و تئای یوخوموش. سونرا امری ئوزه رینده یاراتماقی کامل اولدی. هامی اونون ایسته دیگین قبول اندیب امرینده اولدولار. هئج یارانمیش یوخ ایدی کی امرینی اطاعت ائتمه سین یا یوباتسین. او یارانمیش لاری دوزگون یاراتدی و هره سینین یول و ایشین بللی ائتدی. قدرتی ایلہ ضد لری بیر بیر ی ایلہ باریشدیریب بیر یئره بیغدی و یاپیشدیر دی تا آیریلما سینلار. یاراتدیق لارینی ئولچو و لوء یون نئجه لیک و اورتا گورہ لیک لره بوءلدی و اونلاری ئوز حکمتی ایلہ ایسته دیگی کیمی یاراتدی. گوء یون گنیش یوللارینی بسیر زادا آسلیب یا دایاق اولما میش حالدا نظاما سالدی و اونلارین آرابوشلارینی دولدور دی اونلارا مخصوص شکیلده ایلگی لیک وئر دی. او مامور لارکی یوخاری و اشاغا گئدیب و

بنده لرین کر دار لارینی یازیر لار چتین ایشلرینی راحت اندیر لر. او زامان کی گوی توستی و بوغ ایدی و ذره لر آیری آیری ایدیلر فرمان وئردی کی بیر بیر لرینه یاپیشسین لار. او رحمتین باغلی قاپو لارینی باغلاناندان سونرا آجدی. اونلارین یولی اوسته پارلاق اولدوز لاردان قوروقچی قویدی. قدرت الی ایله اونلاری هاوادا اویناقدان ساخلادی. فرمان وئردی تاثیر لرینده دایانیب اونون امری و اراده سینه تسلیم اولسونلار. گونشی ایشیغانلیق نشانه سی قرار وئردی و آبی گنجه لرین قارائلیقینی آزالتماق اوچون یاراتدی او ایکی سینی اوز یوللارینا سالدی و گئدن یوللارینی اونلارا بللی ائتدی تاگنجه و گوندوزون تفاوتی اولسون. و گلیب گتتمک لری ایله ایل و آیلارین حسابلاری بللی اولوب سایا گلسین.

سونرا گویلری آسلی حالدا ساخلادی. گیزلین ایشیقسیز و ایشیقلی اولدوز و آیلار ایله اوئی بزه دی. اوخ آتان اولدوز لار ایله اوغورلوقجا قولا وئره ن شیطانلاری اوخلادی. بیر یئرده دایانان و دولانان دوشوب قئوزانان اولدوزلاری و سعد ونحس اولدوقلارینی اراده سی آلتینا آلدی... پاک تانری گویلری یاراداندان سونرا ملائکه لری یاراتدی. ملائکه لر اونون ماراقلی یارانمیش لارینداندیلار. بونلارا گویلرین اورتاسیندا یئر وئردی کی آلقیشلاماق سس لری تانرینین ساینلی در گاهیندا آسلانجالار دالیندا اوجالیدیر او آسلانجالار دالیندا تیره مگه سالان و قولاقلاری کار ائدن سسلر و ها بئله ایشیقلار وار کی گوزلری قاماشدیریب گور مکدن قویور. تانری اونلاری جور به جور شکیل لره قانادلی یاراتدی کی اونون بویهوک لیگینه ذکر دئیر لر. اونلار هئچ زامان تانرینین یاراتدیقلاری یارانمیش لاردا اولان دوروملاری ئوز لرینه یور میوبلار. اونلار تانری یارادان یارانمیشلارین یارانماقیندا ادعا لاری یوخدور بلکه اونلار حوءرمتلی قول دولارکی تانری بویروقوندا گندیپ اوندان قاباغاگنچمیر لر. تانری اونلاری وحی مقامیندا ئوزونه امین قرار وئریب و امر و نهی لرینی پیغمبرلره یتیر مکده مامور ائدییدیر. اونلار شک و شوبه دن ایراقدیلار و تانری رضا سیندان کناراچیخمازلار. تانری اونلارا یاردیم اولدی اطاعت و آلچاق کونول لیگی اونلارین اوره گینه سالدی. شوکور و عبادت لرینه یوللار آجدی. آیدین

علامت‌لری ئوز بیر لیگی اوچون قرار وئردی. گناه‌لارین آغیر لیقی اونلاری اومودسوز ائتمیوب و گنج‌ه گوندوزون گلیب گند مگی حال‌لارینی دگیش‌میوبدور. ایمان و اینانما‌لاریندا شک و شبهه یه دوش‌میوبلر. یقین‌لری خیاله دونمیوب آرا‌لاریندا کینه و دشمن‌چیلیق اودی آلیش‌میوبدور. حیرت و شاشماق یوخ‌لاریدیر کی اولو تانرینین آنلا‌یشین اوره کلریندن سیلسین. اولو تانرینین مقامی اوره ک لرینده یئر له شیب و شیطان توغلاماسی اونلارا یول تاپ‌میوبدور تا فیکیر لرینده اثر قویسون. بیر دسته او قرشته لردن یاغیشلا دولی اولان بولوت‌لارین و اوجا داغلارو قاراتلیق یول‌لار ایچینده ایش‌لرینده دیلر. اونلاردان بیر بوئلوموده آددیم‌لاری یئر آلتیندا و بدن‌لری آغ بایداقلار کیمی هاوادا اسیرلر. اورتا‌لاریندا پاک و ترپیش سیز هاوا اونلاری ساخ‌لیوبدور. عبادته چالیشماق اونلاری آیری ایش‌لریندن قویوب و دینین حقیقت‌لری اون‌لاریله حاققین اورتاسیندا ایلگی لیک وجوده گتیریدیر. بو اینانما‌لار اونلاری آیری طرفه ئوز گتیرمکدن ساخ‌لیوبدور. معرفت شیرین لیگین ادب جامیندان ایچیلر. تانری قورخوسی اوره کلرینده یئر ائدیب اطاعت و عبادتین چوخ‌لوقوندان بئل لری بوکولوب و اونا چوخ مایل اولماقلاری ینه سیزیلتی لارینی آز ائتمیوبدور. مقام‌لارینین اوجا اولدوقی بنده لیک ایپنی بویون‌لاریندان گوتور میوب شئشه لیک‌لرینه سبب اولمیوبدور. بو عبادت‌لر سبب دگیل کی یاخشی ایش‌لرینی بویوک بیلیم عبادت ایش‌لرینده لیر اولسونلار. اونلارین ایستکلری تانرییه آزالمیوب تا اونون درگاهیندان اومود لارینی کسینلر. ئوزون چاغریشلار اونلارین دیل لرینی یور میوب و آیری ایش‌لرده باش‌لارینی قاتمیبودورکی تانری عبادتیندن قالسینلار. آرخا با آرخا دیلار و راحت‌چیلیق آرمیوبلار تا اولمیه کی تانری نین فرمانیندا قیسسا گله لر. چالیشماقلاریندا غفلت و یاددان چیخارتماق یوخ‌دور. شهوت و هوای نفس لر اونلارین همت لرینی اوخلامیوبدور. ینه اونلار تانرییه ساری ئوز چئویریلر اما اونون نهایت عبادت و بنده لیک مقامینا یول تاپ‌میوبلار. اطاعت‌لری اوره کلرینده کی علاقه دندیر. اونون دایانا‌جاغی رحمتینه اومود و عذابیندن قورخماقدیر هئچ زامان اونلاردان آیریلماز. قورخی و عذابدان چکینماق اونلارین اوره کلریندن کنار اولمیوبدور تا چالیشماقدان ال‌چکیب‌سست اولسونلار. تاما‌ه‌لار

اونلاری توغلامیوب تا دنیا چالیشماقلاری اونلاری آخرت چالیشماقلاریندان قویسون. اونلار اطاعت و ایشلرینی بویوک سانمیوبلار و اگر بویوک سانمیش اولسائییدیلر اومودلاری و قورخونی اونلاردان گوتوره ر دی. شیطان اونلاردا اثر قویمیوب تانری لارینین حاققیندا اختلاف ائتمیوبلر. آیری یسلیک و دشمانچیلیق اونلاری بیرى بیرندن آیر میوب آجیق و پاخیل اولماق اونلاردا یوخدور. شک لر اونلاری گروپ گروپ یا همت وایشه گیریشه لر اونلاری داغیناقلی ائتمیوبدور. فریشته لر ایمانلاریندا به رک دوروبلار لیر اولماق و سست لشمک و شک لر اونلاری ایمانلاریندان آیر میوبدور. گوءیلرده حتی بیر ده ری اوءلچوسی قه ده ر یئر یوخدور کی او فریشته لردن سجده حالیندا یا تانری اطاعتینده چالیشان اولماسینلار اونلار تانری اطاعتینین چوخلوقی اثرینده یقین و اینانج لارین چوخالیدیر لار و تانرینین عزت و جلالی اونلارین اوره ک لرینده آرتیریر.

(او حضرتدن دیر یئرین نئجه لیکلری و اونون سو اوستونده قرار تاپماقی). اولو تانری یثری چیر پینان سو اوستونده یاراتدی. دالغا لارین اوستونی قرار سیز ائتدی. اونلار دا بیر بیر لريله توخوناندا ارکک له دیشی حیوانلار کیمی حوءوشنه لئیب و کوءپوک لنیر دیلر. سونرا بو سولار یئرین آغیر دایانماق اثرینده حوءوشنه دن دوشوب آلچاقلیق ائتدیلر. چون یئر سولار ایچینده سریلدی دالغالارین آلت اوست اولونماسی دایانندی. او زامان کی یئر سو اوستونده دیغیر لاندی سولار سینیب چوخلو های کویدن سونرا جیلو لانمیش حیوان کیمی اطاعته گلدی. یئر او دالغالی سویون ایچینده اونى کووه رلیکدن سالیب و گرگین لیگی نین قاباغین آلدی. سو اونه مدن دوشوب باغلانیب دایاندى و یئرین دوره سینه ییغیشدی. حوءوشنه دن دوشندن سونرا اوجا داغلاری آرخاسینا آلدی. تانری بولاقلاری اونون گوءز لریندن آخیدردی و گئیش چوللره آخیدردی. یئرین تیستره مه لرینی اوجاو بویوک داغ داشلاريله برکیتدی. داغلارین کوءکی یئر باتماقیله ترپشه دن دوشدی. اولو تانری یئر ایله گویون اورتاسین گئیش لندیردی و هاوانی اوردن نفس چکمک اوچون و یئر اهلینه لازم اولان زادلاری حاضر لادی. بیتگی سیز و سوسوز یئرلری ئوز باشینا بوراخمادی بلکه اراده ائتدی کی ئوله ن یئر لری دیریلدیب اوتلاری اوندن گویه ر تسین. سوايله

دولواولان و پارلیان آغ بولوتلاری بیر یتره بیغیب دولاندیر دی و یاغماق اوچون حاضر لادی. شمشکله کنا لاریندا شاخدی اما یاغان بولوتلارین آغار ماسی آزالمیه راق دالبسا دال چوخالدیلار. اونلارین یاغیش لاری آغیرلیقدان یتره یاخین اولوب و بیر بیرینین دالبجا گلن ینلر او بولوتلاری ساغدیلا. بولوتلارین دوءشوندن سولار یتره توکولوب بیتگی سیز یترلر ده و داغلار دوشونده بیتگی ایجاد ائتدیله. یتر چائیر و چیمنلی اولدغونا سنوینیب گوزله ل چپچک لرینه گووه نیر. تانری او اوتلاری اینسان و حیوانلارین زوماری قرار وئردی. چوخورچوخور دره لر یاراتدی. دنیا یوللارین آجدی تا هاراکلی ایسته سه لر اونون نیشانه لرله گنیش یوللارا قدم قویسونلار.

(حضرت آدمین اختیار اولونماسی) ائله کی اولو تانری یتر لری آجدیردی اینسانین یارناماسینا امری جاری اولدی. حضرت آدمی سئچدی و اونو یارنامیش لارین بیرینجیسی و یوخاری درورملوسی قرار وئریب و اونو جتنده ساکن ائتدی و بوللی زومار لار اونا وئرندن سونرا بیر پاراسینین یتمگین یاساقلاندیردی و اویره تدی کی بو ایشی گورماق تانری فرمانیندان کنار اولماقدیر و اونون اوچون زیانی واردیر و مقامینی آلچاقلاندیرار. آنجاق(آدم) قاداغان اولونموش بویروقدا حرکت ائتدی تا الله بویوران ایش گورولسون.

(آدم) توبه ائلدن سونرا جنت دن دنیایه انیجی اولدی تا اونون نسلی ایله دنیانی آباد ائتسین و بنده لر اوچون بوءلگه و یول گوسته رن اولسون. ئوزامان کی روحینی قبض ائتدی ینه ده اینسانلاری بوراخمیوب اوءز الله لیق و بیلگی لیگی اوچون پیغمبرلر وسیله سی ایله گوستریش و حجت لرین تاءکید ائتدی و ئوزیله اینسانلار آراسیندا یوز ایل لر بویسی حجت لرین پیغمبر لر دیلینده جاری اندیب و پیمان آلدی تا پیغمبریمیز حضرت محمد (ﷺ) ده حجتینی با شا یتیردی تا بو قورخی وئر مک لر ایله بیر کیمسه ده بهانه یئری قالماسین. زومار لاری پایلیب آز و چوخ اولماقلارینی آلین یازیسی قه ده ر عدالتله بولدی تا اینسانلارین وارلی لاری شوکور بابیتندن و یوخسول لاری دوءز مگیله سیناقا چکسین. سونرا زوماری بوءل اولانلاری فاغیر و ساغلام اولانلاری بیر دن بیر باتقی لارا توققوشدوردی.

چوخ شنلیک لری کدره و بوغاز توتان غم لره چئویردی. یاشاماقین زامانین بللی
لندیریپ بیر پارایاشایشی نوزون و بیر پاراسین قیسسا بیر آزین قاباق و یا دالدا ساخلادی.
ئولوم سبب لرینی حاضر لادی و اونی نوزون یاشایش لارین ایپین چکن و قیسسا دویونلی
یاشایشلارین ایپینی قیران قرار وئردی. اولوتانری اینسانلارین گیزلین لریندن و اونلارین
یاواش سوءز لریندن اوره کلرینده خیال لارینسدان ایستک لریندن گووز آلتی گیزلین
باخمالاریندان اوره ک لرینده گیزلین اولانلارو گوروشمین آسلاقلار آلتیندا اولانلار و او
سوءز لر کی قولاقلار یاواش گللیر و او یووالار کی یای و قیش دیریلیک سوره نلراونا
پناه آپارار لار و او قادینلارین ناله سس لرین کی بالالاریندان آیری دوشوبلر خبری وار و
بیلیر. او یاواش گوتورلن اددیملاردان و ینمیش لرین چولغانمیش و قاییق لارین ایچینده
بوءیومه سی و جاناوار لارین ماغار لاردا دره و داغلاردا اولان یئرلرین و میغ میغالارین
آغاجلار دریمی آلتیندا گیزله نن یئر لری و یاپراقلار و بوداقلارین یاپیشان یئر لری و
بالالیق لاردا اولان قانیله قاریشیق نطفه لر کی صلب لردن چیخیب ویا هاواداکی بولوتلارین
ییغیناق یئرلری و بولوت لاردان یاغان یاغیش دامجی لارین و اءسه ن بوغاناقلی یئل
ایچینده اولانلار کی یثره سیلیر سئل ایله فنا اولانلاری و بوءجک لرین یثره باتماقی و
قومسال لاردا یثریمک لری اوچانلارین یووالاری اوجاداغلار باشیندا و اوخویان قوشلارین
قارانلیق یووالاردا اوخوماقلاری و صدف لر اورتاسیندا اولانلار کی دنیز دالغالاری اونلاری
بجه ریب و گئجه قارانلیقی و گوندوز ایشیقی اثر قویان زادلاری و هر نه لر کی قارانلیق یا
ایشیق آسلاقلارین دالیندا دیلار هر اددیمین نیشانه سی و هر یثریشین یاواش سسی و هر
سوءزون دانیشیلماسی و هر دوداقین تر پنمه سی و هر جانی اولانین یثری و هر ذره نین آغیر
لیقی هر سس و نفسین یاواش سسی کی اراده و نظمی وار و یثر اوستونده یثمیش و یاپراق
کی آغاجدان آیریلار و او یثردن کی نطفه لر صلب لردن دبه ریلیب بالالیق لاردا بیر له شرلر
و یا قان اوندان لخته له نیب و اءت پارچاسی کیمیدیر و اونندان اینسان هیکللی یارانار
هاموسوندان خبری واردیر. بو ایشلرده اونا هئج جور چتین لیک و دورار سیزلیق یوخدور.
بلکه بیلگیسی هر یثره ایلشیب و احاطه سی وار. اونون عدالتی هاموسین توتوب و اوءز

فضل و کرامتی ایله اونلاری چیخارلی مقامینا قیسیا گلماقدا ینه باغیشلیب دیر.
(دوءعا)

ائی اولو تائری سن گوزه ل تعریفله چوخ یارارلی سان. ائی اولوتائری اگر آرزی ایستیریک هامی آرزی لاردان آرتیق سان. اگر سنه اومود باغلیریق علت بودور کی اومود لاردان لاپ اوستون سن. ائی منیم تائیریم سن منه باجاریق وئر میسن کی اونولا بیر آیریسین گوروب و ستایش ائتمه ره م و اونولا شک و اومود سوزلوق قاپولارینا ئوز چئویر مه ره م سن منه او باجاریقی وئر میسن کی آداملارین و آیری یارانمیش لارین ستایشیدن. اوعزومی ساخلییام. هر ستایش ائدن ستایش اولونموشدان اجرت ایستر منده سنه اومود باغلامیشام کی رحمت و باغیشلاماق خزینه لرینه ساری منه یول نیشان وئره ن اولاسان ائی منیم تائیریم بورا اوینسانین یثردیر کی سنی تاسیز تائیر او بیر لیکده کی سنه ئوزه ل دیر و بو شوکور لره سندن آیری بیر کیمسه حاقلی دگیل. منیم نیاز الیم سنه ساری دیر باغیشلاماق و یاخشی لیقیندان سوای بیرزاداونی یئرینه گتیره بیلمز. ائی منیم تائیریم بو مقامدا بیزدن راضی اوعل و اللریمیزی اوعز طرفیندن سوای بیر آیری قاپویا محتاج ائتمه. چون سنسن کی هر زادا قدرت و باجاریق واریندیر.

خطبه ۹۱ - دن کلام

او سوءزله دندیر کی عثمان ئولندن سونرا جاماعات اونولا بیعت ائدنده بویوروبدور. منی بوراخین و آیریسین چاغیرین. چون بیز بیر ایشه باشلیریق کی نئچه رنگی و حالتی وار و اوره کلر اونون اوستونده دایانمیر وعاغیل لار دا قبول ائتمیر. حقیقت لری قارا بولوتلاری توتوب و دوز گون یول ده یشیلیب دیر. آییلین اگر چاغیر دیغیزی قبول ائده م ئوزوم بیلن کیمی رفتار ائدیب و دانلیانلارین سوءزونه قولاق وئر مه جگم اما اگر مندن اعل گوتور سز سیزلرین بیری کیمی یم شاید سیزلرین سوءزوزه چوخ قولاق آسام. و سنچدیگیزین سوءزونه سیز لر دن چوخ مطیع اولام اگر بو حالدا سیزلره قوی گوتورچو اولام امیر اولماقدان چوخ یاخشیدیر.

خطبه ۹۲ - دن

تائریه حمد و شوکور دن سونرا ای جماعت من فیر تینا و فسادلارین گوز لرین کور
 ائتدیم مندن سوای بیر کیمسه نین جراثی یوخیدی تا بو یاییلان و کورلانماقلاری آرادان
 آپارسین. بونا گوره منی الدن وئر مه میشدن هر نه ایسته سز سوروشون. آند اولسون اونا
 کی منیم جانیم اونون قدرتی الینده دیر ایندی دن قیامته دک اگر مندن یوزلرنفری یول
 گوسته رن دسته لردن ویا یوز لر نفری یولدان چیخاردان دسته لردن سوروشساز ویا ئو لن
 لریندن خبر وئر رم. اگر منی تاپا بیلمه سز و قاباغیزا چتین و پیس ایشلر دن چیخا
 سوروشانلارین چوخی اوتانوب جاوابدان قالا جاقلار. بو بلا وقادالار او زاماندر کی
 اورتازدا ووروشما باشلانیب برکیه ردونیا سیزلره او جور داریشلیق اولار کی بللی گونلریز
 ئوزانار. تائری سیز لرین قالان و یاخشی لارین ایشینی راست گتیر سین. فیر تینا لار باش
 وئر نده حاقلار یانلیشا دوشر و آرادان گندن زامان آییلدار. ائله کی فیرتینا باش وئردی
 بللی اولماز اما آرادان گئندیدر کی تائینار. فیر تینالار بورولان یئل کیمی بیر پارا شهر لره
 دوشوب و بیر پارا شهر لر دن گئچیب گئدر. آییلین منیم نظریمه بنی امیه قورخولی
 فیرتینالار داندیلار. او بیر کورو قارانیق فیرتینا دیر کی حوکومتی هر یانی توتارو اونون
 بلاسی یاخشیلارادا نازل اولار. هر کیم بوردا کور اولا بلا اونا توخونماز. آند اولسون تائریه
 مندن سونرا بنی امیه سیزلراوچون چوخ پیس امیر لردن اولا جاقلار. او قوجا و کووه ر دوه
 کیمی هم دیشلر وهم تپیک ورار و ساغماغا قویماز هر واخت سیز لره اوستوندولر. سیز
 لردن بیر نفر ساخلاماز لار مگر او آدام کی اونلارا فایدالی دیر یازیبان وورماز اونلار هر
 واخت بویروق سوروب بلالاری اولار. ترپه نیش لری آغا ایله قول یا تابع ایله متبوع
 کیمیدیر اونلارین فیر تینا و فساد لاری چوخ پیس و جاهلیت زامانی کیمیدیر. اوفیر تینالار
 دا قور تولوش و دوز یولون گوستریش نیشانه سی یوخدور. بیز اهل بیت او فیر تینا
 گناهلاریندان نجات تاپاریق. او زاماندا دها بیز لر چاغریش ائنده بیلمه ریک. ان سونوندا
 تائری اوفیرتینالاری بیر نفرین اعلی ایله درینی اتدن آسیران کیمی سیزلردن کنا رائدر و
 اونلاری ذلته چکیب زور ایله داغیدار. بلا جامین اونلارا ایچدییره ر. قلینج یاراسی و قو

رخی دان سوای اونلارا بیر زادی باغیشلاماز. او زاماندر کی قریش طایفاسی ایستر دنیادا هر نه وار الدن وئر سین اما منی بیرده تاپسین حتی دوه نین باشینی کسن زامان قه در اولموش اولا حاضر دیلر او زادی منه وئر سینلر کی بو گون اونی آیرام.

خطبه ۹۳ - دن (تائینین نئجه لیک لری)

تائری هر زاددان اوستوندور. اوجا همت لی لر ده اونی دوشونه بیلیمب آییق لارین چئوئیک لریده اونا چاتایلیمز لر او بیر اول دیر کی آخیری یوخدور تا قور تالسین و آخیر دگیل کی باشا چاتسین.

تائری پیغمبر لر ی یاخشی امانت ائوینده امانت قویدی و یاخشی یئرده ساخلادی. اونلاری یاخشی بئل لردن یاخشی رحیم لره کوچدوردی. هر زامان کی اونلاردان بیری دونیادان گئدیر دی بیر آیرسی تائینین دینینی یایماقا قئوزانیر دی تا بو بویوک مقام تائری طرفیندن حضرت محمده (ﷺ) یتیشدی. او حضرتی گوزه ل معدن لردن یاراتدی و اونون وجودینی حئورمتلی یئر ده اکدی و پاک سلاله دن کی پیغمبر روحلارینی اونندان ظاهر اندیب یاراتدی. اوشرافتلی وجودین سلاله سی یاخشی سوء لاله لردن و کوء کلردن و اءوز وجودی یارانمیشلارین شرافتلی سی دیر. تائری حرمینده شرافت مکائیندا بوء یویوبدور او سلاله نین ئوزون بوداق لاری و یتیش لری وار کی هر کیمسه نین الی اونا چاتماز اودور کی او حضرت قورویانلارین آقاسی و هدایت آختارانلارین چیراغی و پارلاق اولدوز لارین شاخاندیر کی ایشیقی هر یانا سپیلیر. اونون یولی دایانماق و یول گوستر مکدیر. سوء زی حق و باطلی آیران حوء کم و بویروقی دوز گونلوک دور. او زامان کی او حضرت پیغمبر لیگه سئچیلدی چوخدان ایدی کی بیر نفر پیغمبر لیگه گلمه میشدی و آداملار حق یولوندان ایراق دوشموشدولر و قاباق پیغمبر لرین امت لر ی غفلت و آزیقن لیکدا ایدیلر. تائری سیز لره رحمت ائتسین. آیدین یول و نشانه لره ایلگی لی اولون. یول آیدیندیر و گورونور کی سیز لری امن وامان ائوینه چاغیریر. سیز لر بیر ائوده سیز کی

تانری رضاسین اونداه راحت اله گتیره بیلر سیز. بیر یرده سیز کی عمل دفتر لری هله ده آچیقدير. بدنلر ساغلام دیل لر دانیشان دیلار توبه و قایتماق یولی آچیق و عمل لر قبول اولار.

خطبه ۹۴ - دن

(پیغمبرین وصفینده ص)

اونی بیر زاماندا یوللادی کی اینسان لار یوللارین ایتیریپ و شاشمیش دیلار فیرتینا و کونول ایسته ییشینده باتمیش ایدیلار. کونول ایستک لری اونلاری یولدان چیخاردیب و قانماز لیلقلار اونلاری یونگول و دوشونمین ائتمیش ایدی. حال لاری قاریشمیش ایشلرینده نگرانلیق و دوشونمه مز لیگه دوشموشدولر. بو زامان پیغمبر (ﷺ) اونلارین یول گوستریشلرینده چالیشدی و دوز گون یولدا گئتمگه و ییلمگه تر په نیش ویاخشی اویود لارا چاغیر دی.

خطبه ۹۵ - دن

پیغمبر (ﷺ) واونون سلاله سی

حمد وشوکور اوتانریه کی اولدیر و اوندان قاباق بیرسی یوخیمیش و بیر آخر دیر کی اوندان سونرا بیرسی اولا بیلمز بیر ظاهر دیر کی اوندان آیدین بیر زاد اولماز و بیر باطن دیر کی اوندان گیزلین تاپیلماز. اونون اوتور دوغی یر هامو دان یاخشی و بو یومک یثری هامودان اونم لی دیر. او بو یوک لوک معدنلرینده و ساغلیق بطن لرینده بو یودی. یاخشی آداملارین اویره گی اونا مایل اولوب وگووز لر اونا تیکیلدی. اونون وجودی برکتیندن تانری اوهرک لرده اولان کینه اودون سوندوروب سئوگی لیک وجوده گتیر دی. سلاله سیندن بیر پارالارین بیر آیریلاریندان ایراقلاندیردی. مومنلرین ذلتلری عزت و بو یوک لیگه و کافر لرین بو یوک لیک لری ذلته دوندی. اونون بو یوقی بیان ائتمک سس سیز اولماقی دیلی دیر.

خطبه ۹۶ - دان

او حضرتین کلامی (ظالم لری و دوء یوشچی لرینی دانلیر). تانری ظالم لره وول وئرسه ده ینه اونلاری اویاتماقدان ائل گوتور مز. ایشین اورتاسیندا اویئرده کی قویماز حتی توبورجک یثره دوشه اونلارین بوسقوسوندا دیر. آییلین آند اولسون اونا کی منیم جانیم اونون الینده دیر بو طایفا سیز لره اوستون گله جک لره اما نه اونا گؤره کی حاق اوچون سیز لر دن چیخارلی دیلار بلکه اونا گؤره کی باطله ائل تاپماقدان اوتری اونلارین امیر لری تله سیر. اونلار چالیشیر لار اما سیز لر حاق منیله اولدوقدا ینه یوبانیر سیز. اوامت لر امیر لرینین قور خوسی و ظلمی آلتیندا یاشیر لار اما من اوعز امت لریمین ظلمیندن قور خورام. سیز لری جهادا و دوشمانلا ساواشدان اوتری چاغیر دیم گئتمه دیز. یادیزا سالدیم ائشیمه دیز. گیزلین و آشکارا چاغیردیم قبول ائتمه دیز اویود وئردیم سوءزومه باخمادیز. مگر سیز حاضر اولان حالدا غایب سیز؟ آیا ره شبر و قول اولدوغوز حالدا اسیر توتولانلار و خواجه لر کیمی سیز؟ سیزلره حیکم دین سویلورم اما هولکو سوز. یاخشی اویود وئیرم ایراق گزیر سیز. سیز لری چوروکلرین جهادینا علاقه لندیریرم اما سوءزوم آخیره چاتمامیشدان سباء ائلی کیمی داغیلیب و اوتور اقلاریزا قانیدیر سیز. بیرری بیریزی توغلور سوز. هر سحر سیزی حاضر له دیگیم حالدا آخشام چاغی بئلی بوکوک و ایکی قات قانیدیر سیز. سیز لری حاضر لیین یور غون دوشدی. و حاضر اولونان ایشی چتین بیلدی. ای بدنلری حاضر و عاگیل لاری گیزله نن و فیکیر لری قاتما قاریشیق اولانلار بیلین کی اونلارین امیر لری مبتلی دیر و سیزین امیریز تائیردان اطاعت ائدیر اما سیز لر اونون امرینده دگیلسیز. شام امیری تانری فرمانیندا دگیل اما اونلار اونون اطاعتینده دیلر آند اولسون تانریه کونلوم ایستیر کی معاویه سیزین حاققیز دا منله آل وئری اولسون و من آلتون تانیانلار کیمی قیزیل وئریب درهم آلیم حاضیرام اون نفر سیز لر دن آلسین و بیر نفر دوء یوشچی لریندن منه وئر سین. ای کوفه لیلر سیز لردن اوچ ایکی لی زاددان کدر لی یم: قولاغیز وار کار سیز. دیلیز وار لال سیز. گوءزوز وار کور سوز. ساواش زامانی کیشی کیمی دایانمیر سیز. بلا وچتین لیک لرده موءمن قار داشلار سیز لره آرخایین دگیل لر. الیز

توپراغا بولانسن ای جماعت! سیز لر دوه لر کیمی بیر یاندان ییغیلاندا بیر آیری طرفدن داغیلیر سیز. آند اولسون تائریه اگر ساواش باشلانا و اودی هر یانی بورویه ابوطالب اوغلونون یانیندان قادینلار قارینداکی اوشاق آیریلان کیمی آیریلایا جاقسیز. من تائیریمدان دلیل و نیشانه لر واریمدیر و پیغمبرین (ﷺ) یولوندا آییق ساییق گنديره م. پیغمبرین ۱۰ هل ائو لادینا یاخین اولون و اونلارین یولوندا آیریلیمون. اونلارین دالیندا گنديره کی سیز لری دوز گون یولدا قیراغا چکمز لر و ئولوم و اسگیک لیگه ساری آپار ماز لار. اگر اونلار اوتوردولار سیز ده اوتورون و اگر آیاغا دور دولار سیز ده قئوزانین اما اونلار دان قاباغا گنچمین کی یولدا چخیب اوءزونو ایتیر میش لردن اولار سیز. دالدا قالمیون کی اوءلوب زاوللی اولار سیز. من پیغمبرین صحابه لرینی گور موشم اما بیریزی اونلار کیمی گورمورم اونلار سحر لر توکلری داغیلیمیش و گنجه لر آییق و سجديه مشغول ایدیلر. هر دن بیر آلین لارین و یاخود اوءز لرین توپراغا داییر دیلار و قیامت قور خوسوندان آلاو کیمی تیتیر دیلر. اونلارین آلین لاری ئوزون سجده لر اثرینده گنچگی دیزی کیمی کومجک باغلامیشدی.

اوزامان کی تائری ذکری دئیلیردی عذاب قور خوسوندان وتوبه اومودوندان گوز لریندن یاش توکولوردی. یاخالارین ایسلادیب یئل اسدیره ن آغاچ کیمی تیتیر دیلر.

خطبه ۹۷ - دن

امیه ائولادینین ظلم لری

آند اولسون تائریه اونلار ائله ظلمه باشلا سینلار کی هنج حارامدان گنچمه ییب هر زادی حلال ییلسین لر حتی بیر ائو یا چادداق اولماز کی اونلارین ظلمی اوردا اولماسین و چوروک و پیس ایشلری جماعتی ائو لریندن قاچاق سالار. جماعت ایکسی بوءلومده اولار. بیر آزی دین لری اوچون و بیر آزی دونیالاری اوچون آغلیار لار. ایش او اندازا دو لاشیق اولار کی سیز لر اونلارا یار دیم ائتمکده چیخیش یولوز اولماز. قوللوقلاریندا فرمان آپاریب دالدا اونلارین پیس لریندن دانیشار سیز. ایش اوچور اولار کی هر کیم تائری ئوزه

رینده تسلیم اولسا چوخ چتین لیک لره دوشر اگر تانری سیز لره ساغلام لیق پالتاری گئیندیره شوکور ائدین و اگر بیر چتینلیگه دوشدوز دوءزه ن لردن اولون. چون قورتولوش قورویانلارین کیدیر.

خطبه - ۹۸ دن دوینا آرادان گئندن دیر

تانرینین وئر دیگی نعمت لرینه شوکور ائدیریک و ایشلریمیزده اوندان یاردیم ایستیریک. دین و اینانج ساغلیقینی او جوهره کی بدن ساغلاملیقین اراریق اوندان ایستیریک. ای تانرینین بنده لری تاپشیریرام کی بو دونیانی بوراخین چونکی آخیر دا سیز لری کونلوز اولماسادا آتاجاقدیر. کونلوز ایستیر کی گه نج قالاسیز اما او سیز لری قوجالدیب یوراجاقدیر. سیز ایله دنیا او یول گئندن لره بنزیر سیز کی یولا قدم قویماق هامان آخیره چاتیر و دوشه رگه نی قصد ائتمک هامان اونا یتیشیر. یول گئنده نین اومودی وار کی میندیگین نه قه ده ر گئنده بیلسه سور سون تا اوتراقا چاتسین. او آدام کی اونون دیریلیگی بیر گوندور و هنج زامان اونی بوراخیمه جاقدر بیر ایستین وار کی اونی یشگین و تله سیک قوغالیر تا دونیادان گئندسین. بونا گوره دونیانی عزت و یاراشیقلا رینا کونول وئر مین و اونا گووه ن میون و بزه ک لرینه توغلانیب سئوینمیون و ها بنله اونون چتین لیک لریندن سیزیلدا میون چون اونلار بو تنز لیکده تامام اولاجاقدیر و هر قه ده ر نوزون زامان اولسادا سونا چاتاجاقدیر. هر دیری آرادان گئندیر. آیا گنچمیش لردن عبیرت اثری قالمیوب کی سیز لرین قاباغین آلسین؟ آیا بالالاریزین ئولومی اگر عاغل ایشله دیب و فیکیر ائنده سیز سیزلره او یود یشری دگیل؟ آیا گور مه دیز کی گنچمیش لریز قاییتما دیلار؟ و اونلارین یشرینده اوتورانلار قالمیه جاقلار؟ آیا دنیا اهلینی نجه جور حالت لرده گور مه دیز کی گنجه نی سحره و سحری آخشاما یتیریر لر؟ بیرسی ئولنده اونا آغلیر لار و بیر آیریسینین اوره گین اله گتیریر لر. بیرى خسته دوشوب توتقوندور و آیرىسى اونون یولو خماغینا گئدیر بیرى جان وئریر بیرى دنیا آختاریر اما ئولمک اونون دالیندادیر. بیر آیرىسى یادیر

قاماقدادیر اما تانری اوندان سوراقسیز دگیل. آییلین پیس ایشلر دادلی لیق لاری بیر یئرینه وورار و آرزی لاری قیرار. اونون واجب حاققینی یئرینه یتیر مک اوچون و نعمت لر و یاخشی لیقلارینین شوکورینی سایماق اوچون تانریدان یاردیم ایستیون.

خطبه - ۹۹ دان

شهادت خبری - امام زامان (عج) گلمه سی

حمد او آلهله یاراشارکی، فضل و احسانی یارانمیشلار آراسیندا یاییلیب و هامونی نوز احسانیندن دویوروبدور. اونا هامی ایشلرینده حمد ائده ریک و حاققلارینی یئرینه یتیرمکده اوندان یاردیم ایستیریک. شهادت وئیریم کی اوندان سوای بیر تانری یوخدور و محمد (ﷺ) اونون بنده و رسولی دیر. اونو یولیوبدور تا امرلرینی ئوزه گتیره و اونون ذکرینده اولار. او رسالتی دوزگون لیک ایله یتیریب و ارشاد ائدن حالدا دونیادان گئتدی، و بیزیم اورتامیزدا حاق بایدا قین قوردی. هر کیم او بایداقدان قاباقدا گنده دیندن چیخیب و هر کیم اونا قاجلیق ائدیپ، آردیندا اولماسا هلاک اولور. و هر کیم اونا یولداشلیق ائتسه حاققا نایل اولار.

او بایدا قی ساخلییان، دوعزوملو اولما قیله دانیشیب فیکرایله ایشلر. ائله کی بیر ایشی باشلادی چالیشقان اولار. حیف اولسون او زاماندا ن کی، سیزلر اونو بارما قیله اشاره ائدیپ امیرلیگه قبول ائتدیز. ئولوم اونو قاپسار و اوسوبله دونیادان گئدر. اوندان سونرا، بیر زامان، انتظار چه کرسیز تا، اولوتانری، بیر نفری آشکار ائده و سیزلری داغیلماقدان نجات وئره. اونا گوره حضوردا کی اماما، کی دونیا یه میلی یوخدور تاماهیز اولماسین. و امام زاماندا ن کی غایب دیر، اومودوزی کسمین. چون امکانی وار، بیر آیاغی سوروششده بیر آیاغی یئرینده اولار، و بیرگون اولارکی هر ایکی آیاغیله دوروب محکم اولار.

آییلین آل محمد (ﷺ) مثلی او اولدوزلارین مثلی دیرکی، هر زامان بیر اولدوز باتسا، ینه بیر آیری الدوز چیخار. بوجوره تانری نعمت لری سیزلرده کامل اولوب دیلک لر یزه ال تاپارسیز.

خطبه ۱۰۰ - دن

او حضرتین سونراکی گونلر

ستایش او تائریه کی هر اولدن اول و هر آخیردن آخیره دیر. اول اولدوغونا سبب بیر آیری اول یوخ و آخیر اولدوغونا گوره، اونا نهایت منظور اولایلمز. شهادت وئریم کی اوندان سوای، بیر تائری یوخدور. ائله بیر شهادت کی گیزلین و آشکاردا دیل و کونول، او شهادتده ال بیردیلر.

ای جماعت، منله دشمن چیلیق، سیزلری گناها سالماسین. فرمان آپارماماغیز، سیزلری حیرتده قویماسین. مندن بیر سؤزائشیدنده، بیر بیریزه گؤز وورمسون. آندا ولسون اوناکی چرده گی یثرده گویه ردیب و اینسانی یاراتدی، سیزلره خبر وئریره م امی پیغمبردن (ﷺ) کی یالان سویله میب وقانماز ائشیدنلردن دگیلدی.

بئله گوروره م کی یولدان چیخمیش بیر آدام، شام اهلینه حیوانلار قیشقیران کیمی قیشقیریر. باید اقلارین کوفه کناریندا اوجالدير، آغزین آچاندا جوشوب آياقلارين يثره برک وورار. و آزعین ليق اثرینده آدام لاری سانجیب ساواش باشلانا. جاماعات گوندوز توتقون و گئجه لر عذابلی دیلار. او زامانکی اکین لرین، بیچین زامانی چاتدی و بوداقلاری ئوزاندی، شقشقه لری سسله نر شمشیری پارلار، بو حالدا فیرتینا بایداقلاری، قئوزانیب و قارانلیق گئجه لر شپه لی دنیز کیمی حمله ائدر. بونلاردان علاوه، شدتلی بوغاناق لار کوفه شه رینی داغیدار. بوغاناق اسن دهن سونرا، جماعت بیر بیر لرینین جانینا دوشرلر. آیاق اوسته کیلری قیریب اوافق انده رلر.

خطبه ۱۰۱ - دن

غییدن خبرلر

اوگون بیر گوندور کی اولوتائری، اینسانلاری حساب و جزا اوچون بیر یثره ییغار. اونلار او حالداکی، تهر، آغیزلارینین قیراغیندان، سوزور، آلچاق کونوللی حالدا و آیاق اوسته

دایانارلار. یثرین تیره مه سی، اونلاری ترپه دیر. اونلارین یاخشی و سئوینن لری او آدم دیرکی، آیاغین سینماز یثره قویوب و راحتچیلیقی اوچون، گنیش یثرده قرار تاپار. (بو خطبه نین بیر آزی بئله دیر): قارانیق گنجه لر کیمی فتنه لر اوزه چیخارلار. هئج کیم اونلارین قاباغینا چیخمیه جکدیر. و هئج بایدا ق اونی اشاغا سالا بیلمز. بوفتنه لر مهار اولونموش دوه لر کیمی سیزلره ساری گلرلر. فتنه چیلر، اونلار دیلارکی، اینجیتمک لری سویقونچولوق لاریندان چو خودور. بیر پارالاری، اونلار دیلارکی، بوینی یوغونلار، اونلاری آلچاق بیلیرلر و یثرئوزونده ده یه لرلی بللی دگیل. اما، گویلده آدلی سانلی دیلار. بونلار آله رضاسی اوچون او فیرتیناچیلار ایله، جهاد ائنده لرلر. بوزامان دیرکی. ای بصره: و ای اولسون سنه او دویوشچودن: کی تانرینین آجیق لاق ائیرینده تاپیلارلار. اونلارین سس یاتوزی اولماز، و بوتنزلیکده سنده اوتورانلار - قیرقین لی ئولومه دوچار اولوب آجلیق دان رنگ لری دونه ر.

خطبه ۱۰۲ - دن

وفاسیز دونیادان - عبیرت گوتورون

دونیایه زاهدلر کیمی باخین. آند اولسون تانریه، بو تنزلیکده دنیا، ساکن لرینی ئوزوندن قوغاچاق و ارخاین یونگول لوک ائندلری غصه لندیره جکدیر. گنچمیش لر بیرده قاییمیه جکدیلر و گله جکده هله بللی دگیل تا گؤز یولوندا اولار. خوش اولماقلار، غصه لره قاریشیق دیر. قولی زوربالارین گوجی آزالیب ئوز قوجالیغا قویار. گؤزه ل لیکلر سیزلری قوغالاماسین چون کی اوندان سیزلره چوخ آز فایدا وار. تانری او آداماکی فیکر ائنده و عبیره گلیب، آییلا، رحمت ائتسین. دونیانین قالانی فنادر و آخیرتدن اوتری اولانلار همیشه لیک قالاندیلار. سایا گلن تامام اولار و انتظاریندا اولدوغوز بو تنزلیکده گله جکدیر.

آییق او آدام دیرکی، ئوز قدرینی بیلر. و قانمازلیقا هامان بو کفایت دیرکی، قانماز اینسان ئوز قدرینی بیلمز. تانریه دشمن، او آدام دیرکی، تانری اونی ئوز اختیارینا اوتوربدور و او آدم دا دؤز یولدان چیخیب، ئوز باشینا قدم گوتورور. اگر اونی دنیایه ساری چاغیرسا

لار، گئدر و اگر آخیره ساری چاغیرسالار، دال اوتورار... او ائله ییل کی، گوردویسو ایشلری واجب بیلر اما دال اوتوردوغی ایشلری ئوزونه وظیفه بیلیر.

بیر زامان اولارکی، آدی سانی اولمیین مؤمن لردن سوای، هنج کیم بوفته لردن قورتولماز. اگر حاضر اولسالار تانیمازلار و اگر غایب اولموش اولسالار هنج کیم اونلاری آراشماز. اونلار قارائلیق گنجه لرده آییق قالانلارین، ایشیقلی هدایت چیراغلاری دیلار. اونلار فساد آختارمیوب، فیرتینا دیجا گزمیرلر، عیب لری آختارمیوب آنلاماز و قولای دانشان دگیل لر. تانری رحمت قاپولارین، بونلارین ئوزونه آچار و اونلارین چتین لیکلرینی آرادان آپارار.

ای جماعت: بیر زامان اولارکی، ایسلام اوزی قویلی اولان قاب کیمی، هر نه یی وار، جالانیب ترسه اولار. ای اینسانلار: تانری سیزله پناه و ثریب و وعده سی وارکی حاققیزدا ظلم اولماسین. اما سیناق اولمادیغیز دا امان و ئرمیوبدور. تانری بویورور:

«ان فی ذالک لایات و ان کنا لمبتلین» «سوره ۲۳ آیه ۳۰»

یعنی: «طوفان نوح ده» نشانه لر وار و بیز امتحان ائده ریک.

مرحوم سیدرضی بویورور: «او حضرتین کل و مومن نومه» دن منظوری، او ایتگین دیر کی شر و فساد ی آز اولار. (مساییح، مسیاح) کلمه سینین جمعی دیر و او بیر آداما دئیلرکی، اینسانلار آراسیندا شر و چوروک لوگی باشلار و «المذایع، مذیاع» کلمه سینین جمعی دیر و او بیر آدامدیرکی، آنلاماز اما چوخ دانیشان دیر.

خطبه ۱۰۳ - دن

بصره ده جمل ساواشینا گئندنه بویورموشدی

... تانری حضرت محمدی (ﷺ) پیغمبرلیگه گوتوردی بیر زامانداکی عرب لردن هنج کیم حاق کتابینی اوخوموردی. و وحی و پیغمبرلیک ادعاسی مقامیندا دگیلیدی، او حضرت کمک لری ایله بیرلیکده مخالف لر ایله ساواشیب، اونلاری ئوزیترلرینه هدایت ائدیردی و

جهالتدن قورتولماق اوچون چالیشیردی تا اولماسین کی، نولوم و آزقینلیق اونلاری یاخالاسین. او حضرت، یوللاری اوسته چیخیب، یولی ایتیره نلری عاجز دوه لر کیمی منزله یتیریدی، مگر اونلارکی، اونلاردا اومود یولی یوخدور.

او حضرت قورتولوش یولونی اونلارا نشان وئردی و یتیرلرینده اوتوتدوردی و بو سبب له اونلارین ایشلری یولونا دوشوب و نیزه لری دوزه لدی. آند اولسون آلله ه من بو ایسلام دوپوشچی لرینن قاباغیندا ایدیم و کافر لر عسگرینی قوغالیردیم تا هاموسی سیناندان سونرا، اعتقادلاریندان دوه نوب، ایسلاما ساری گلدیلر. بویولدا گوجسوز و عاجز اولمییوب قورخمادیم، بوشالوب یا خیانت ائتمه دیم. آند اولسون تانریه، باطلی یاریب حاققی اونون ایچیندن چکهره م.

مرحوم سیدرضی بویورور: بو خطبه سؤزلرین، قاباقدکی خطبه لرده دئیشدیم. یالنیز بوردا بیر آز تفاوت لی اولدوغونا گوره بیرده بیان ائتدیم.

خطبه ۱۰۴ - دن

بنی امیه نین گونی باتمالیدیر - یول بئله دیر

... او زامان تانری حضرت محمدی (ﷺ) رسالته گوتوردی کی، اونلارا شاهید و ناظر اولسون. یاخشی سورا ق وئریب یا قورخوتسون. او، اوشاقلیق زامانی یارانمیشلارین یاخشیی و قوجالیق زامانی اونلارین کرامتلی سی و سچیلیمیش لریندن ایدی. اونون اخلاقی هامی پاک لاردان پاک و سخاوت یاغیشی هامیدان آرتیق ایدی. سیزلر، او زامان دونیانین شیرین لیگیندن فایدا لاندیز و اونون دؤشوندن امیدزکی، نوختاسی باغلانیب و جهازلاری برکینمیشدی. حاراملاری، تیکانسیز سدر آغاجی کیمی و حالال لاری اوندان ئوزاقلانمیش ایدی.

آند اولسون آلله ه: دونیانی شودیگیز کیمی تاپدیز، یت سیزلر اوچون بوش و ییه سیزدیر. الیز آچیق دیر. رهبرلریزین الی باغلی و قلینج لاریز اونلارا اوستونلوگی وار و اونلارین قلینج لاری قنینده دیر. آییلین: هر قانین ییه سی و هر حاققین ایستیه نی وار. بیزلرین انتقام

الانی، او حؤکم ائدهن کیمی دیرکی ئوزونه حؤکم ائدیر. و بیزلرین حاقمیزی آراشان او تانری دیرکی هر کیمی ایسته سه، اونی توتماقدان عاجز دگیل و هر کیم قاجساینه اونون الینده دیر.

ای بنی امیه! تانریه آندایچیره م کی بوتنزلیکده حکومت الیزدن چیخیب، آیری لارین و دشمانلارین الینده اولاجاقدیر.

آییلین: آچیق گؤز لر، او گؤزلردیلرکی یاخشیلیق دا ایشله نر، ائشیدن قولاق لار اونلاردیلارکی اویودلاری ائشیده رلر.

ای جماعت: کونول چیراغین یاخشی ایشلرایله ایشیق لاندیرین. سویی دوری بولاق لاردان گوتورن. ای اللهین بنده لرئوز جهالتیزه ارخایین اولمون و کونول فرمانیندان سؤز ائشیتمین. چون کی هر کیم بئله منزله گیرسه، او آداما بنزهرکی، سوقیراغیندا اولان دیبی بوش یترده، کی آزقالیر توکولسون، اوتوروبدور. ئولومی دالینا میندیریپ دولاندیریر. آرخا با آرخا چالیشیر تایا پیشمیان لاری، یاپیشدیرا و یاخین اولمیان لاری یاخین لا دا. اودورکی الله دان قورخوب او آدام یانیندا کی در دیزه درمان ائده بیلمز و اعتقادیزی سیندیرار شکایت آپارمین: چون او ئوزمیلینه سیزی اعتقادان سالار. امام (علیه السلام) تانری امریندن سوای بیر آیری امره مأمور دگیل. یعنی اویودلا تانری امرینی یتیرمک، اینسانلارین گؤستریشی یولوندا چالیشماق، سنت رسول اکرمی (صلی الله علیه و آله) دیریمک و حدود الاهی نی مستحقق نین حاققیندا جاری ائتمک و حاققلاری، اهلینه یتیرمکدیر. بونا گوره، ریشه سی قوروما میشدان و ئوزوزه مشغول اولما میشدان قابق، بیلگی اؤرگنمه یه چالیشین و جاماعاتی پیس ایشلردن قایتاریب و ئوزوزده اوایشلردن چیخمیون چون سیزلر مأمور سوز، آیری لاریندان قابق، ئوزوزی قایتاراسیز.

خطبه ۱۰۵ - دن

ایسلام - پیغمبرین (صلی الله علیه و آله) مدحی - صحابه لرینی دانلیر

...ستایش او تانریه یار ایشارکی، ایسلام شریعتینی مؤسلمانلارا آشکار ائدیپ و او

یولدا گئندلره یولی راحتلادی. بینوره لرینی محکم لندیردی تا بیرنفر اونا گوج سالایلمه سین. هابئله هر کیم اونون آردیندا اولسا، اونا امان قرار وئردی. و هر کیم اونا باش ایه ن اولسا، باریشیق و صفا وجوده گتیردی و هر کیم اونون وسیله سی ایله دانیشدی، اونى دفاع وسیله سی ائتدی. اونا دشمن اولانلارین قباغیندا مدافع لره شاهد قرار وئردی. ایشیق لیک آختارانلارا ایشیق لیک وسیله سی، اونون حاققیندا فیکر ائندن لره دوشونمک و عاغیل وسیله سی بیلندیردی. هر کیم حاق یولونی آختارسا، اونا نشانه و اونى آراشانلارا گۆز آیدینلیق و سۆزلرینی ائشیدنلره ده، عیبرت و آیلماق یولی و اونا اقرار ائندن لره قورتولوش و توکل صاحب لرینه ارخاین لیک و ایشلرینی اونا تاپشیرانلارا راحت لیک و دؤزوم صاحب لرینه حایل دیر. بو دلیل لره گوره، ایسلام یولی آیدین و گۆروکملى بیر یول دور.

ایسلام چیراغی اوجا، یولی پارلاق و چیراغلاری ایشیق و اوجا دادیر. قوشوشمالار ساحه سینده قباقدان گئدن، سونى اوجا و قوشوشما آتارینی ییغیشدیراندیر. بو قوشوشمانین هدیه سی ائله گۆزله و باهالیدیر کی هامى اونا کونول وئره ن دیلر و آت چاپدیرانلاری، شرافت صاحبی دیلر. بو قوشوشمادا حاققی و دوزگون ایشلری تصدیق ائتمک، و اونون سونى ثولوم دور. دونیا اویره نمک میدانی و قیامت بو قوشوشما اوجون ییغیناجاق یئری و اونون سوقه تی بهشت دیر.

(او حضرت دندیر پیغمبر (ﷺ) ذکرینده): هدایت چیراغین یاندیردی کی، ایستین لر اوندان فایدالان سین لار. پارلاق انشانه نی ایتگین لیک چولونده قرار وئردی تا، یولدا قالان ایتمه سین. بارایلاهی؛ او سنین امانتدارین و قیامت گونی شاهدیندیر او حقیقتده بیر نعمت، هدیه و رحمتدیر کی سنین طرفیندن گلیدیر. الاهی ئوز عدالتیندن اونا بهره یتیر ئوز فضل و کرامتیندن چوخلو خیر و ساییز نعمت لر باغیشلا. الاهی اونون قورقی سین اوجالاندیر. نعمت سفره سین حوءرمتلی و منزلین ئوزدرگاهیندا ساینلی ائت. اونى اولو و بؤیوک مقاما چاتدیریب هامیدن آرتیق ائت و ییزلری اونون یاردیم لرله، بیر یئرده قرار وئر. تا خجالت چکمییوب رسواى و پشیمان، یولدان چیخمیشش، آزقین و آزدیران و توغلانمیش لاردان اولمییاق.

مرحوم سیدرضى بویورور: بو بۇلوم بوندان قاباقتى خطبەلەرىن بىرىندە سويلندى. اما ايكى اختلافلى رويات اولدوغونا گۈرە بىردە بوردا گتيرديم.
اصحابينا خطاب بويوروب:

...تائرى لطفيندن، بىر ماقاما چاتمىسىزكى، كنىزلردە حۇرمىتىزى ساخلىرلار و قونشولارىزا محبت اندىرلر. بىر پارا آداملاركى سىز اونلاردان آرتىق دگىل سىز و اونلار اوچون ھىچ حكومت حاققىز يوخدور، سىزلردن قورخورلار. و سىزدن فرمان آپارىرلار بىر حالداكى حكومتىزدن قورخولارى يوخدور و اونلار حاكىم دگىل سىز. بونولابىلە تائرى قورقولارى سىنير. اما سىز خشم ائتمىرسىز. بابالارىزىن قورقولارىنى پوزماغا حاضراولمىيوب، اوتانچ بىلىرسىز، تائرى فرمانلارى سىزلرە و سىزلردن جاماعاتا و جاماعاتدان ينە سىزە قائىدىر...
سونرامقامىزى ظالمىلرە تاپشىردىز و ايشلىرىزى اونلارىن الينە وئرىب فرمان آپاردىز. بوبىر حالدا دىركى، اونلار شەھوتلردە اۋزورلر. آندا ولسون آللهه. اگر سىزلرى اۋلدوزلار آلتىندا داغيدالار، ينە آلله سىزلرى اونلارىن پىس گونلىرىندە بىر يثرده يىغا جاقدىر.

خطبە ۱۰۶ - او حضرتين كلامى

صفين ساواشىندان قاچانلار

...قاچىب صفلردن كنار اولدوغوزى، گوردوم. يارامازلار و شام عربلىرى، سىزلرى دال ووردولار. سىز عربلىرىن باشچىلارى و شرافت صاحبلرى ايدىز. بورنون قاباقتا اولدوغى كىمى قاباقتا و دوهىن دونقاسى كىمى اوجادا ايدىز. او زامان كى گوردوم اونلار سىزلرى قوغالىر، سىزلردە اونلارى قوغالىب سىغىناقلارىندا تالان ائتدىز و نىجه كى اونلار سىزلرى داغىتمىشدىلار، سىزدە قلىنچ لرايله اونلارى ئولدوروب، زاوللى ائتدىز. اوخ و نىزه چاللىب، اولدە كىلرى آخىردە كىلرە مىندىرىب، سوسوز دوه كىمى سودان كنار ائتدىز، اوندان اۋرە گىمىن يارالارى توختار.

خطبه ۱۰۷ - دن

امام زمان (علیه السلام)

شوکر او تانریه یاراشارکی، یاراتدیقلاری علت لرایله جاماعاتا بللی اولور و دلیل لرایله اونلارین اؤره ک لرینده اؤزه چیخار. او، فیکر ائتمه میشدن، یارانمیشلاری یاراتدی. چون فیکر ائتمک او کیمسه لره یاراشارکی، روح و باطنی دوشونمه لری اولار، بیر حالدا کی اولوتانری او چون بئله زاد یوخدور. اونون علمی گورونمین، سرلره آییق و هامیدان بالاجا فیکرلره و سرلره احاطه سی وار.

تانری رسول اکرمی پیغمبرلر آغاجیندان، ایشیقلا بولاغیندان، یوخاری مقامدان، بطحانین دؤشوندن، قارائلیقدا، یانار چیراغلار ایچیندن و حیکممت بولاقلارینین گؤزوندن، پیغمبرلیگه گوتوردی.

او بیر طیب دیرکی، طبابتی ایله بیرلیکده دولانیر، مرهم لرین حاضرلیب و داغ ایله (چرک یئرلری) داغلاماق او چون اسبابلارینی قیزار دیدیر تا لازم یئرلرده ایشلتسین. یارا یئرلره، گورمین اؤرکلره و ائشیت مین بولاقلار و لال دیل لره و لازم اولان یئرلره و ایتگین دوشن غفلت خسته لرینه توخداقلارین یتیریر. او خسته لرکی حیکممت و عرفان نوریندن فایدا لانمیوب و علم و عرفان چاخماقیله اودیاندیرمیوبلار. اونلار بونا گوره چؤل حیوانلاری و داشلاری کیمی دیلر.

آییق و بصیرت اهلینه گیزلین لر گوروکملی و یا هالانلار حاق یولی بللی اولور. قیامت گونی پرده دن چیخیب. و اونون علامت لری فراست صاحب لرینه بللی دیر. ندن دیرکی سیزلری روحسوز بدن، و بدنسیر روحلار گورورم؟ سیزلره نه اولوبدورکی دوشونمین عابد، منفعت سیز تاجر، یوخی لین آییق، غایب لر کیمی حاضر، و کار کیمی ائشیدن، و لال کیمی دانیشان اولموسوز؟

یولسوزلوق باید اقای یتیرنده قورولوب، قول بوداقلاری هر یئره سه پیلیدیر، او سیزلری نوز نولچی سیله نولچور وئوز الی ایله داغیدیر. بونلارین باشچی لاری، ایسلامدان چیخیب، و ایتگین لیک یولوندا دوروبلار. او زاماندا سیزلردن تیلیف کیمی و یا قاین قیراغیندا قالان

یئگی کیمی کی بیر آزی قالار. سیزلری گؤن کیمی تاپدارلار و خرمن کیمی دویهرلر. مؤمنلری، قوش دهنی سئچن کیمی اورتازدان سئچرلر. بویول، سیزلری هاراآپارار؟ نه زامانادک قارائلیق لاردا حیران قالاچاقسیز؟ یالان سؤزلرایله سیزی توغلیورلار هاردان فیکر لریزه گئچیب و سیزلری آلدادیرلار؟

هر گله جگین بیر یازسی وار، و هر غایب اولانین بیر ئوزه چیخماقی اولار. او دورکی ایلاهی باشچی دان سؤزائشیدین و اونا کونول وئرن. سیزلری چاغیراندا، آییلین چون او، سیزلرایله دوزگوندور. او فیکرلرین، بیر یشده ییغیب و حقیقتلری، پاخاللارین اورتاسین آچان کیمی سیزلره آچیر. قایغی آیسیریب شیره سین چکن کیمی امرلری بیلندیریر. او زاماندرکی آزقینلیق ئوزونه یشرسالیر و دوشونمه مزلیک اؤسته چیخیر. قالخیشلار چوخالیب، حاققاساری چاغیرانلار، آزالار. زامان بیرتینجی حیوان کیمی یوگوره ر و باطل، بیرزامان ساکت اولاندان سونرا، سسلهئیر. آداملار چوروک و پیس ایش اوچون بیرله شیب دیندن ئوزاق اولارلار. یالان سؤزائیرنده بیرلشیپ، دؤز سؤز اثرینده دشمان اولارلار. او زاماندرکی، اتولاد خشم سببی و یاغیش، ایستی اولماق علتی اولار. پیس آداملار چوخالیب، یاخشیلار آزالار. او زامانین آداملاری قوردلارکیمی، شاهلاری بیرتینجی، اورتاحاللی آداملار اونلار اوچون یشمک، یشری، یوخسول لار ئولی کیمیدیلر. دوزگونلوک آرادان گئدیب، یالان چوخالار. دیلده یولداش، اوره کده دشمان اولارلار. چوروک و پیس ایشلر نسب علتی اولوب عصمت و تمیزلیک تعجب سببی اولار. ایسلام دینین ترسه پالتارکیمی گیهرلر.

خطبه ۱۰۸ - دن

اللهین نئجه لیکلری - فرشته لر - حشر و نشر...

...هر نه وار اونون قاباقیندا آلقاقلانیر. هر زاد اونولا آیا ق اؤسته دیر. هر یوخسولی وارلی اندر و هر ذیلی عزیزلندیره. او هر ضعیفه گوج و هر ظلم گورهنین پناهدیر. هر دانیشیلان سؤزی، انشیدر. دینمه سده، ینه سرلرین بیلر. دیری اولسا، روزی آپارار و

نولسه ده، اونا ساری گنדר.

گۆزلر سنی گورمیوبلر تا خبر وئرسینلر. سن، خبر وئرن یارانمیشلاردان قاباق واریدین. اینسانلاری، تکلیک قورخوسوندان یاراتمامیسان، منفعت دن اوتری ده یارانلمیوبلار. هئچ کیم سنین ایسته دیگیندن قاباغا گئچمز. توتמוש اولسان، الیندن قاجایلمز. گناهکارلارین گناهی، سنی مقامیندان اسگیگ ائتمز و اطاعتچیلرین اطاعتی، سنی مقاما چاتدیرماز. سندن راضی اولمیان، امرلرین قایتارایلمز. فرمانیندان چیخانلار، ینه سنه نیازلاری وار. هر سر سنه آیدین و هر گیزلین سنین یانیندا آشکاردیر. سن همیشه لیک وارسان و نهایت یوخوندور. او نهایت کی امریندن قاجماق اولماز. هر زاد سنه قائیدار. بوناگوره سنین عذابیندن قاجیش یثری یوخدور مگر کی رحمتین اولا.

هر زادین اختیاری سنین الینده دیر و هر اینسان سنه قائیدار. الهی: سن هر عیب و یتته ر سیزلیکدن ایراق سان. بیزیم یانیمیزدا یارانمیشلارین بؤیوک و آیری قدرتلی لرین، آلچاقدیلار. سنین ملکوتیندن گورونلر نه قهدهر قورخمالی دیلار و نه اندازابیزیم گوردوک لریمیز، گورمه دیگیمیزلرین قاباغیندا، آز دیلار. دونیادا سندن چوخلو و بول نعمت لریتیشیب، اما بونلار آخیرت نعمت لرینین قاباغیندا نه اندازاکیچیک دیرلار.

بیر پارافرشته لرین گویلرده یثرله شدیردین. اونلاری یثریندن یوخاریدا قرار وئردین. اونلار، سنه یارانمیشلاردان آرتیق بیلجی دیلر و هامودان آرتیق، سندن قورخورلار و هامودان آرتیق سنه یاخین دیلار. اونلار بئل لردن گلیمیوب و رحیم لرده قرار تاپمیوب و اسگیگ بیر سوداندا یارانمیوبلار: زمانه اونلاری بیریرلریندن آیریمیوبدور. هاما حالداکی سنین یانیندا مقام و مرتبه لری وار، ایستک لری سنده خلاصه اولور، سنین اوچون چوخلو اطاعت صاحبی دیلر و فرمانیندن غفلت ائتمیوبلر. اگر گیزلنمیش حقیقتین اونلارا بللی اولا، اوندان عمل لرین آزیلیب، ئوزلرین دانلارلار. و بونی دوشونلرکی سنه یارارلی بیر قوللوق ائتمیوبلر.

الهی سنی هر عیب دن پاک و کناردا بیلیرم. سن ئوزین یارادان و پرستش اولونان سان. گۆزه ل حالدا یارانمیش لارین اوچون، یاخشی نعمت لریندن بهشتی اونلارا باغیشلادین.

اوردا آچیق سفره لر، کی ایچمه لی، یه مه لی دیلر و هابئله جفت لر، خدمتچی لر، تیکیتی لر، سولار، اکین لر، ینیشلر وار.

سونرا بیر نفر رسول یوللادین کی، اونلاری او یانا چاغیرسین کی سن ایسترسن. اما او چاغریلان لار، قبول ائتمیب و علاقه نشان وئرمه دیلر. بیر مردار طرفینه گئتدیلر و اونسی ینمکدن رسوای اولدولار. او مورداری ایسته مکده بیرلشدیلر. هر کیم بیر زادا عاشق اولار، کور اولار. و آورگی خسته لیب عییلی گوزایله باخار. ائشیدمین قولاق ایله ائشیدر. چون کی کونول ایستکلری عاغیلینی آزدیریب دیر و دنیا آورگینی ئولدوروب، ئوزونه علاقه لندیریب دیر. بونا گوره او دنیایه و او آداماکی دنیادان بیرزاداونون الینده دیر، قول اولوبدور. او، دنیا دولانان طرفه دولانیر. هر طرفه دونسه، او طرفه دونر. قورخی وئرنندن قورخمیبوب، سؤز قبول ائتمز. بیر حالداکی، گورور اونلار گرفتار اولوب و گرفتار اولانلار، قانیدماق یولی باغلیدیر.

نجور فیکریزه گلیمین باشیزا گلدی؟ دنیانی کی امن بیلردیز، نجه سیزدن آیریلدی؟ و وعده وئرلن آخرته وارد اولدوز؟

باشلارینا گلن بلا تعریفه گلمز. جان وئرمگین چتین لیگی و الدن گئدن لرین ئوزونتوسی اونلاری توتدی. ال آیاقلاری سست اولوب رنگلری دییشیلدی، سونرا ئولوم هجوم چکیب، اونلار ایله دیللری آراسیندا، آیریلیق سالدی. اینسان ائولادی آراسیندا گوزلری ایله گورور. قولاق ایله ائشیدیر، عاغل و هوشی ئوزیئرینده دیر. او بئله فیکرده دیرکی، عمرینی نجور هئج ائدیب دیر؟ دنیاسین هانسی یولدا باشا آپاریب دیر؟ ییغیدیگی مالا فیکر ائدیرکی نجه اونسی ییغماقدا، حالال و حارام و شبهه لی لردن دونمه دیگینده، ایندی اونلارین گناهلاری ایله یولداشدیر. هاموسی اوندان آیریلیب وارثله قالار. وارثلر او مالدان فایدالانوب خوشلارلار. او مالین راحتچیلیقی ئوزگه لره و آغیرلیقی اونون بئلینده دیر. اودا بو ماللارین گروینده دیر. ئولوم حالیندا گوردوگی عوالمه گوره پشیمانچیلیق دان الین دیشلیر. بوردادورکی دنیا دا علاقه لی اولدوقلاریندان ئوزچئویریب آرزو ائدیرکی ای کاش منه حسد ائدن لر بو ماللاری ییغمیش اولانیدیلر.

ئولوم اونا ساری گلر، قولقلاری، دیلی کیمی، ایشدن دوشر. ائولادی آراسیندا، بیر حالدا قالار کی نه دانیشا بیلر، نه ده انشیدر. گۆزلرله اونسلا باخار. آغیزلارینین ترپنمه سبین گوره. اما ائشیده بیلمز. ئولومون اثرلری اونا یاپیشیب، گۆزلری ده قولقلاری کیمی ایشدن دوشر. ان سونوندا روح بدنندن آیریلار. بو حالدا بئیر موردار کیمی آراقدا دوشر و ائولادی دا اونون یانیندا اوتورماقدان قورخوب، ئوزاقلالارلار. آغلیانلار یاردیمچیلیق ائده بیلمه ییب چاغیرانلار جاواب وئره بیلمز. سونرا اونی یئر آلتیندا ابدی منزله آپاریب عمل لری الینه تاپشیرارلار و اونی گورمکدن گۆزأورتلر. بئله لیک ایله بو حالت ئوزانار و تقدیر اولونموش امر، باشاچاتار. یارانمیشلارین آخیری اولده کیلره قووشوب، آللهین اراده ائتدیگی امر ظاهر اولار.

ینی یارانش اوچون گویلی حرکتیه گتیریب، پاتلادار. یئری آلت اوست اندیب سیلکه لر. داغلاری یئرلریندن گوتوروب سوغورار. آللهین جلال و عظمتی قورخوسوندان و داغلار بیر بیرلرینه قوغوشاندان سونرا داغیلیب، توپراقیله بیرله شرلر. هرکیم کی یئر آلتیندا اولموش اولسا، ائشیکه آتار. اسکی لری یئنی لندیره ر، داغیلانلاری ییغار. اونلاری گیزلین ایش لریندن سوروشماق اوچون، آیریپ ایکی بؤلوم اندر.

بیر پارالارینا نعمت وئریب بیر آیری لاریندان انتقام آلا ر. دوزگون بنده لری ئوز رحمتی آلتیندا ساخلیب همیشه لیک یئرده اوتوردار، او یئرده کی هئچ زامان اونندان کوچماق یا حالی دولانماسی یوخدور. قورخی اونلار گلمز، خسته اولمیوب چتینلیک اونلار ائوز وئرمز، قاباقدار، سفرلری یوخدور تامجبور حالدا بیر یئردن آیری یئره گئتسین لر.

اما گناه صاحبی اوچون پیس یئر وئریلر. اونلار اوردا اللری بوخوولی، بویون لاری اللرینه، ائله باغلانیرکی، آلینلاری آیاقلارینا تیکیلیر. گئیملری، قترانلی و اود پارالاری ایله چولقاشیب، او عذابداکی اونون ایستی سی چوخ یاندران و بئیر یئرده دیلرکی قاپوسی باغلیدیر. بیر اود ایچینه دیلرکی گورولتوسی و آلووین قئوزانماسی قورخولیدیر. اونلار هئچ زامان اونندان ائشیکه چیخیمیه چکلر. اورائین اسیرلریندن اوده مک قبول اولونماز. بوخوولاری قیریلیب، سونسوز زامانا دک اوردادیلار. اونلار زامان قرار وئریلمیب تا باشا

چاتسین.

او (حضرت)، دونیائی، اسگیب بیلیم، کیچیک ساییردی و بیلردی کی، تانری اوندان دونیا علاقہ و اختیارینی ئوزاقلاندیریب، دونیائی آیری لرینہ گنیش لندیریبدیر. بونا خاطر او جناب دونیادان اعراض اندیردی و اونی خاطرلہ مک ایستہ میردی. بئله سئویردی کی، اونون بزه گین روحی ایلہ گورمیوب، گنیم لرینی یا اوندا دایانماقی ایستہ مه سین. او آللهین حؤکملرین یتیردی و اونلاری عذابدان قورخی وئردی، بهشتہ چاغیریپ اوددان کنارا چکیلماقلارین ایستہ دی.

بیز رسالت آغاجیندانایق، بیراندلن ایک کی، رسالت و تانری بویوردوقلاری اوردا نازل اولوب. فرشته لرین گلیب گندمک مکانیدیر. علم کانی و حکمتلر بولاغیدیر. بیزلری ایستین لر و یاردیمچی لاریمیز، رحمت ایچینده و ایستہ مین لر دشمانلاریمیز، تانری غضبینین انتظاریندا دیلار.

خطبہ ۱۰۹ - دان ایسلام - قرآن

کونول لرین یازی

...اولوتانریه یاخین اولماقدان اوتری یاخشی وسیله لردن پیری، اونا و پیغمبر لرینہ ایمان گتیرمک و بیرده اونون یولوندا جهاد ائتمک دیر. کی ایسلامین باش اوجالیغینا سبیدیر. و اخلاص کلمه سی کی، اینسانین فطرتینده دیر و ناماز قیلماق، کی ایسلامین نشانه سی، و زکات کی، آللهین پای و واجب بیر فریضه سیدیر. اوروج توتماق کی تانری عذابینین قباغیندا بیر قالخان کیمی دیر. تانری ائوینین گوروشی کی یوخسوللوغی آپاریب گناہلاری یووار. صلہ رحم کی مالین آرتیمی و عمرین ئوزین لوغونا سبیدیر. و گیزلین صدقه لر کی خاطالار کفارہ سی و آشکار صدقه لر کی پیس ئولومدن، قورتالاندیر. یاخشیلیق کی اینسانی ائل آچماقلاردان و ضلالتہ سالان سینقین لیق لاردان ساخلار.

آللہین ذکرینہ چوخلو چالیشین کی تانری ذکر، ذکر لرین گؤزہ لیدیر. پرهیزکارلارا وئرلن وعدہ لره علاقہ لی اولون کی او وعدہ لر، دوزگون وعدہ لردندیلر. و هابئله پیغمبریزین

یولونا گندین کی یوللارین یاخشی سیدیر. سنتینده اولون کی هامودان یاخشی یولدور.
قرآن ثورگه نین کی سۆزلرین یاخشی سیدیر. اونا فیکراندین کی کونول لر یازیدیر. اونون
ایشیقیندان شفا آختارین کی خسته کونول لره شفادیر. اونی گۆزهل اوخویون کی فایدالی
دئگی لردندیر. هر بیلجی کی بیلگی سینین ترسه سینه ایشلییه، اوقانمازا بنزهر کی،
اوزباشینا بوراخیلیب و قانما مازلیقدان آیلماز بلکه اونا، عذاب دلیل لری عاوام لاردان
آرتیق دیر. حسرت و غصه سی آرتیملی و تانری ئوزه رینده چوخلو دانلار.

خطبه ۱۱۰ - دان

بئلنچی دونیایه بئل باغلاما

...اما سونرا، سیزلری، دونیادان ئوزاق گزماغا چاغیریرام. چون کی ئوزده دادلی ویشنی
دیر. اما ایستک لره چولقانیب، آز، و آرادان گئتملی لرله، کونول لری ئوزونه ساری چکیر.
آرزی لار صاحب لرینی توغلاماق اوچون بزه نیب دیر. اونون سئوینچ لری، قالجی دگیل لر.
اونون ئوزونتولریندن راحت اولماق اولماز. چون، توغلیوب زیان وئرن و حالی
دولانوب، ایتگین اولاندیر. هامونی یئیب ئولدورندیر. او زامان دیرکی دنیا چیلاری
سئویندیرر. داهایه دنیا، بوندان آرتیق اولایلمز. «بیز گؤیدن سوویاغیش یاغ دیریریق. او نولا
هر جور بیتگی بیتر، صاباح چاغی هاموسی قورویوب توکولورلر. بئل اونلاری داغیدار.
اللهین هر زادا کامل قدرتی وار» (الکھف آیه ۴۵).

هئچ کیشی دنیا مالیندان سئوینمه ییب، مگر کی، دالدان غصه ئوز وئره. دنیا
سئوینچ لری اونا ئوزگتیرمه میشدن، اونون پیسلیکلرینه قالار. بوللوق یاغیشی دنیادا اونی
ایسلامتیب، بلا بولوتلاری دالبادال اونا یاغار. سحرچاغی اونا یاردیم اولسادا، آخشام
چاغی اونی دانار. بیر طرفی شیرین دادلی اولسادا یته بیر طرفی ئود آجی و، وبالی دیر. هئچ
کیم اونون خوشلوقوندان آرزی سینا چاتماز مگر کی، زحمت لرینه دوچار اولایلمز. بئر گنجیه
اونون قانادی آلتیندا ارخاین لیق ایله قالمامیشدان سحر چاغی، قورخولی قانادی اوسته قرار
تاپار. دنیا و هر نه اوندایلا توغلیان و فنادیر.

تقوادران سوای آیری توشه لر، فایدا سیز دیلار. هر کیم لازم اولان اندازا دونیادان گوتوره، خیالی راحت دیر و هر کیم آرتیق آختارسا، نوزونی فنایه چکیر. تاپدیقلاری دا الیندن گئیده جک دیلر. چوخ آداملار واردیلارکی دونیایه ارجایین اولدوقلاری حالدا، دنیا اولنلاری یئره وورار. چوخلو حشمت صاحب لری ان سونوندا آلچاق لیغا چه کر. چوخ شهرت صاحب لری وارکی، دنیا اولنلاری ذلیل اندر. دونیانین حکومت و بویوک لیگی داوامسیز، یاشاماغی قارانیق، دادلی سی دادسیز، شیرین لری آجی، یتگی لری آغیلی، وسیله اپیلری چوروک و قریقدیر. دیری لری نولومه ساری و ساغلام اولانلاری خسته لیک طرفینه گئیدر لر. حکومتی الدن گندن عزیزی، ذلیل، وارلیسی یوخسول، و اونا قونشو اولانلار سویولارلار.

مگر سیز لر گئچمیش لر یزین یئرینده اوتورما موسوز؟ اولنلارین کی عمر لری سیزلردن نوزین، اثر لری قالیجی، آرزو لاری نوزین، سایلاری آرتیق، عسگر لری چوخ ایدیلر. اولنلار دونیانی ایسته دیلر اما بیر ذره ده دونیادان دنیا زوماری یا مرکب گوتورمییوب، کوچوب گتتدی لر. مگر سیز لره ایلغار و ثریبلر کی، دنیا بوزییانلارین، تاوانین وئره جک دیر؟ و یا اولنلارین الیندن توتاجاق؟ یا اولنلار یاخشی یولداش اولاجاقدیر؟ بلکه بئله دگیل، اولنلارین دیرلیک اساسلارینی، چتین لیک و یازیق لیق لارایله ذلیل اندیب وئوزلرین توپراقدا ازیب و زمانه نین آیاقی آلتیندا، تاپدید دیر. یاردیمچیلیق ائتمگی بوایمیش کی زمانه نین چتین لیک لرینی اولنلار نازل اندیدیر.

بونا گوره گوردوزکی دنیا، اهلینه و اوندا دایانا نوزین تورشادیب نوزگه لیک اندیری. بوایش، او زامان دیرکی داها همیشه لیک اوندان کوچورلر. آیا دنیا چیلارین آجلیقدان سوای، بیر توشه و قبر دارلیغیندان سوای یثریا ایشیق، باپشیمانچیلیقدان سوای بیر زاد اللرینه چاندی؟ آیا بئله بیر دونیانی قبول اندیرسیز؟ بو دنیا دا او آداملار کی بوردا قورخما زباش ایدیلر، چوخ پیس بیر مکان دیر. بونا گوره بیلین و بیلیرسیز، کی ان سونوندا، دونیادان کؤچه جکسیز. او آداملاردان کی دئیر دیلر بیزدن گوجللی سی یوخدور، عیبرت آلین، اولنلاری تخته آتامیندیریب قویلاقلار طرفینه آپاردیلار. اولنلار آت مینن دئمزلر، اولنلار قویلاقدان قوناق دگیل لر. اولنلارین قونشولاری، یترین توپراقلاری و کفن لر، چوروک

سوموکلرین توپراقلاری دیلار. اونلار ائله بیر قونشودولارکی هر کیم اونلاری چاغیرسا، جاواب وئرمزله. و ظلملرین قاباغین، آلابیلمزله. نوحه و یالوارماغا اعتنالاری یوخدور اگر یاغیش اونلارا یاغمیش اولسا، سئوینمه ییب، باهالیقدان نایمید اولمازلار. اونلار بیر یئرده اولدوقلاری و قونشو اولدوقلاری حالدا، ینه یالقوز دیلار بیر بیرلرینه یاخین اولدوقلاری حالدا بیر بیرلرینین گوروشونه گئتمزله. یاخین دیلار اما ایله بیل کی بیربیرلریندن ایراقدیلار. دؤزوملی دیلر، آجیقلی دگیلر، اونلارین غصه لریندن بیرکیمسه کدرلنمز. اونلارین یاردیم لیگینه بیرکیمسه نبین اومودی یوخدور. اونلار یئر آلتینی یئراوستینه و دار ائوی گنیش ائودن اونم لی بیلر لر. تانیشلار (یئرینه غربت ولایتی وایشیق یئرینه قارائلیقی گوتوردولر. توپراغا قایتند یلار، نئجه کی اوندان لوت آیریلمشدیلار. عمل لر و کردارلاری ایله دونیادان آخیرت و همیشه لیک ائولرینه کوچدولر هاماں جورکی تانری بویوروب).

...اونی اولکی خیلقتینه چئویره ریک و بو گره کلی ایشی و وعده میزی یقین انجام وئره جاووق. (انبیاء - ۱۰۲)

خطبه ۱۱۱ - دن

عزرائیل

...آیا اونی بیرائوه گیرنده گوروب یا دوشونر سیز؟ آیا اونی جان آلاندا، گوره رسیز؟ اوشاقین روحینی آناقارنیندا آلماغی گوره رسیز؟ آیا آنا پیکریندن داخل اولار یا کی او روح اولوتانرینین اجازه سی ایله اونون طرفینه گئدر یا کی ملک الموت روح ایله بیرلیکده آنا قارنیندادیر؟ او آدم کی ئوزی تک بیر یارانمیشین علامت لرین دوشونه بیلمیر، نجور یارادانین ذاتینی بیان ائده بیلر؟

خطبه ۱۱۲ - دن

آخیرت

...سیزلری دونیایه باغلی اولماقدان ساکیندیریرام. چون دونیسا بیرمنزل کیمی دیرکی، هر زمان گره کدیر اوندان کوچورولسون. اؤرا، قالمالی یشردگیل. توغلامالی زادلار ایله بزه نیب توغلیور. اؤرا بیر ائودیرکی صاحبی یانیندا، ده یه ری یوخدور. اودروکی حالالین، حارام ایله و خیرین شرّ ایله و دیری لیگین ئولوم ایله و شیرین لیگین آجی ایله قاتیبدیر. بونا گوره تانری اونى دوستلارینا ایسته میب اما دشمنلارینا وئر مکده اسیرگه مییو بدور. یاخشیلیق لاری آز و پیس لیکلری آرتیق دیر. ییغیتی لاری داغیلان، واری الدن گئدن و آبادلیقلاری ویران اولاندیر.

او اوتراق کی سینیق و کوکدن خارابدیر. نه خیر وار او یا شایشداکی، یولون باشا چاتماسی کیمی، سونا چاتار؟ اللهین واجب ائتدیگی زادلاری ایسته یین. و بویولدا، اوندان یاردیم آلین. ئولومون چاغیر ماسینی قولاق لاریزا آلین. دوغروسی، زاهدلر اگر اؤزده گولموش اولسالار، اؤره کلری آغلیر. اگر سئوینمیش اولسالار، غصه لری چوخدور. اونلار، هر قه ده رده تانری باغیشلادیقی باره ده پاخیل لانسالار، ینه ئوزنفسلرینه خشم توتارلار. ئولومی یادا سالماقی، یاددان چیخارتمین. یالانچی آرزى لار قلبیزی توتوب و دونیایه آخیرتدن چوخ میلزوار. سونى اولمیان دنیا سیزلری، همیشه لیک آخیرتدن چوخ ئوزینه ساری چکیبدیر.

سیز الله دینی ئوزه رینده، بیر بیریزله قارداش سیز. ناپاک باطنلر و پیس فیکرلر آیریلیغیزا سببدیر. بو علته گوره بیر بیریزه یاردیم دگیل سیز. و بیر بیریزی دانلامورسوز. بیر بیریزه باغیشلاماق و حجت یوخوز دور. سیزه نه گلیب کی دونیادان بیر آرتا پماق هامان سئوینیر سیز؟ اما آخیرتدن قالماق یا اونون الیزدن گئدیمگینه کدرلنمیر سیز؟ الله کی بیر آز دونیانی الدن وئردیز، نگران اولوب الله ئولوشگورسوز کی اثرلری اؤزوزده بللی اولور. الله دوشونور سوزکی دنیا، همیشه لیک یشردیر یا اوندا اولانلار سیزه قالاجاق لار. هئچ بیریز قارداشیزین عیبین بیلن حالدا، دنمیر سیز. اولماسون کی اوداسیزین عیبیزی اؤزوزده دئسین.

حقیقتدہ دونیانی توتماقدا و آخرتی الدن وئرمکده، بیربیریزیلہ یولداش اولموسوز. دینیز. دلیز، و عملیز او آداما بنزہرکی ایشین قورتالماق هامان نوزمولاسینین رضایتینی الہ گ تیریر.

خطبہ ۱۱۳ - دن

تقوا - عیبرت سبب لری

حمد و شوکر او تانریہ اولسون کی حمدی نعمت لره و نعمت لری شوکر ایلہ بیربیرینہ یاپشدیردی. نعمت لرینہ گورہ اونی حمد اندیریک، نئجه کی اونی بلالرینہ گورہ شوکر انده ریک. و اوندان ایستیریک، بیزی یاغی نفس لرین مبارزه سینده کی اونون بویوردوقلارینا یاغی لیک اندیر و نهی اولونموشلاریندا یگین لشیر یاردیم لیگ ائتسین. او گناه لاردان کی اونون علمی احاطه سینده دیر و او گناهلاردان کی کتابیندا یازیلیب و او علم ایلہ کی هر یثره یول تاپار. و او کتاب کی هنج زاد اوندان قلمدن دوشموب، باغیشلانماقیمیزی ایستیریک. اونا ایمان گتیریریک. او آدامین ایمانی کیمی کی گیزلین لری دوشونور. واخت وئرلن زادا آییق دیر. او ایمان کی، اخلاق ایلہ شرک لری و اینانماقلاری و هر جورہ شکی آرادان آپاریر. و شهادت وئریرم کی واحد اللہدان سوای بیر تانری یوخدور و شهادت وئریرم که حضرت محمد (ﷺ) اونون بنده سی و پیغمبری دیر. بو ایکی شهادت دئمک عملی اوجالدار. او شهادتی کی هر ئولچوده یونگول اولماز و هر ئولچودن گوتورولسه، آغیرلاشماز.

ای اللہین بنده لری، سیزی تقوایه وصیت اندیرم کی هم یول زوماریدیر و هم دالدا لانماق یثریدیر. او زومار کی سیزلری منزله یتیرہر و اودالدا لانماق یثری کی اونی خطر دن قورتالار. اونا ساری چاغیران، چاغیرانلارین و اونی گوزلین، گوزلین لرین یاخشی سیدیر. بونا گورہ چاغیران ائشیتدی و اونی دوشونن، دوز یولا گلدی.

ای اللہین بنده لری: تانری قورخوسی، تانری دوستلارین حارام ایشلردن ساخلیب و اؤرکلرینده قورخی یارادار. ائله قورخی کی، گنجه زامانی آییق و ایستی گونلرده، آج

قالارلار. زحمتلی ایشلری راحتچیلیق یثرینده و سوسوزلوقی سواپچمک یثرینده قبول اندیرلر. نولومی یاخین بیلیب یاخشی ایش گورماق اوچون چالیشیرلار. اونلار آرزی لاری یالان بیلیب، عمرین بیتمه سینی دوشونورلر. آییق اولون کی دنیا فانی اولماق و زحمت و حال لارین دگیشیللمه سی و عیبرت کانیدیر. فنا علت لریندن بیرى بودور کی اوخی کمانا قویوب و اوخلاری خطاگنتمز و یسارالاری توختاماز. دیری لری نولومه و ساغلام لاری خسته لیک اوخونا گرفتار اندیب نجات تاپانلاریدا ثولدوره. او بیر آجدیرکی هنج زامان دویماز. و بیر سوسوز دورکی عطشی قویماز. اونون زحمت لریندن بیرى بودورکی، کیشی ییغدیق لارینی یتمز و بیر عمارت تیکدیرکی اونداتورماز، سونراسی مالمسیز وائوسیز، تائری یانینا گندر.

ایشلرین ترسه دوشمه سیندن بیرى بودورکی، رحم ائله دیگی آداملارا حسرت ائده رلر. و حسرت ائله دیگی آداملارا رحم ائده رلر. بو ایش او نعمت لرین خاطرینه دیرکی، الدن گندیب وچتین لیک لر خاطرینه دیرکی غفلتدن نازل اولور.

و عیبرت سبب لریندن بیرى بودورکی اینسان او زامان کی ایستیر آرزی سینا چاتسین، اجلی یتیشر و اومودی کسیر. نه آرزی سینا یتیشیر و نه آرزی ائتدیگی زادلار قالار. سبحان الله سئوینمگی نه اندازا آز دیراندیر. و سواپچمگی نه اندازا سوسوزلوق گتیره. کولگه سی تنز آرادان گندر، گله جگی رد گلمیب و گنجه جگی بیرده قائیتماز. سبحان الله دنیائین نه اندازا دیری لری ثولی لره یاخینلاشیلار و نه اندازا ثولی لر دیری لردن نوزاقدیلار؟

هنج زاد شردن پس دگیل مگر اونون عذابى و هنج زاد یاخشی لیقدان گؤزه ل دگیل مگر ساوابى. دنیا داهر زادین ائشیدمگی گورمگیندن بؤوکدور اما، آخیرتین هر زادی گورمگی، ائشیتمگیندن یاخشی دیر. بونا گوره ائشیتمک و گیزلیندن خبر توتماق سیزلری گورمکدن یتته رلی ائدر. بونی ده بیلین، اگر دنیا داهان آزالدیب آخیره آرئسلا، آخیرتدن آزالدیب دنیا یاه آرئیلماقدان یاخشی دیر. چوخ آزا اولماق لار وارکی خیری وار و چوخ آرئیلار وارکی زیان گتیره. او زادی کی اونا مأمور اولموسوز، قاباغی چوخ آچیق دیر اوندان کی، اونون قاباغی آییندیر. سیزلره حلال اولانلار، حرام اولانلاردان چوخ دور.

بوناگوره آزی، بوللوقلار خاطرینه بوراخین. روزی لریز واجبلر بابتیندن سیزلره ضمانت اولوبدور. بئله لیکده گره کمز سیزلره ضمانت اولونان یئشده، چوخ چالیشاسیز اودورکی، عمل ائدین و بیردن بیره ئولومدن قورخون. چون الدن گنده نه، اومود یئری وار اما عمرین بیرده قائیتماغینا اومود یئری یوخدور. اگر بو دونیادا آزالیب، آخیرتده چوخالماقا اومود یئری اولسا، یاشایشین گنچمیشینه قائیتماق اومودی، یوخدور. اومود گله جک اوچوندور. اومودسوز اولماق گنچمیش لره باغلیدیر. بوناگوره تائیردان قورخون و اونون پرهیزکارلیق حاققینی یئرینه یئرین و مؤسلمانچیلیقدا ئولون (آل عمران - ۱۲).

خطبه ۱۱۴ - دن

یاغیش ایسته مک

...الهی داغلاریمیز قورو لوقدان جیریلیب، کؤشن لریمیزی توز آلدی. حیوانلاریمیز سوسوزدولار. یئرلرینده آرادان گئدیملر. آنالارین، بالالار مصیبتینده اولان ناله لری کیمی، ناله ائدیملر. اونلار سو و یئم دالینجا گزمکدن، یورولوبلار. الهی ناله ائدن لرین ناله سینه و آرزو صاحب لرین شوقینه رحم ائت. الهی، حیوانلارین یوللاردا شاشمیش اولدوغونا و اونلارین یاتاچاق یئرلرینده ناله لرینه رحم ائت.

الهی، او زامان ائشیکه چیخدیق کی، یوخلوق و قوراقلیق ایلی آلیزلی دوه کیمی بیزلره ئوزگتیریب دیر. یاغیشی اولان بولوتلار، بیزه دال چئویریملر، بوناگوره، غصه لی لرین اومودی و یالوارانلارین آرزو لرینی یئرینه یئریرسن. بو زامان اینسانلارین اومودلاری کسیلیب، بولوتلار یاغمور، اوت ییین لر تلف اولوبلار، سندن ایستیریک کی: بیزلری پیس ایش لریمیزین گناهینا توتمیه سن. رحمتین بیزه چئویریملر، یاغیشلی بولوتلار، سولی و گویه ره تئی لی یاز، ایری گیله لی یاغیشی کی قورویان لاری، گویه رتسین و آرادان گئدنلری دیریتسن، بیزه نازل ائت. الهی، سندن سو ایستیریک، دیریلدیب دیوران، کامل، برکتلی، ایچمه لی، گویه رده ن سو، کی اغاجلار یشمیش وئریب تازه لنه، بیزلره نازل ائت تاگو ج سوزبنده لرین گوجلنه و ئولن یئرلرین دیریه.

الهی، سندن سو ایستیریکی کی اوجالیقار اوتا دولسون و آلچاقلاردا، سولار یثریسین. هریانیمیز برکته چاتسین. یتیمیش لریمیز بؤل اولسون. حیوانلاریمیز حالا گلکسین لر. و بیزدن اوزاق یثرلرده کیلرده یتیمشین تا دویسونلار. بوللی نعمت لریندن، محتاج بنده لریوه و کؤی حیوانلاراکی چؤللرده بوراخمیسان باغیشلا. بیزه او یاغیشی گوندرکی، یئری ایسلادیب دالبادال آخسین. او یاغیشلاردان کی بیریرینه چیریپنشین، نه او یتکه بولوتلاردان کی شاققیلیدیب یاغیشی اولماسین. و نه کیچیک بولوت یا آزیباغیشلاردان کی سرین اولا. بیزه او یاغیشدان بوللاکی، اونلار باهالیقدان، بوللوغا چیخسین لار و اونون برکتیندن راحتلیق تاپسینلار، چون کی: «سن بنده لره اومودسوزلوقدان سونرا یاغیش گونده ریب، رحمته یتیرسن و ایشلری به یه نیلمیش باشچی سان»

مرحوم سیدرضی بویورور: بو خطبه ده دوشونولمز سوءزلرین ایضاحی وار: «انصاحت جبالنا» یعنی داغلار قوریلوق اثرینده جیریلدی نجه کی دیرلر انصاح الثوب» یعنی پالتار جیریلدی و هابئله «انصاح النبت و صاح و صوح» اوتون قوریین زامانینا دیرلر بو نجه کلمه بیر آنلامدا دیلار و او حضرتین بویوردوغی: و هامت دوابنا یعنی حیوانلاریمیز سوسوزدولار. بو کلمه هیام، یعنی سوسوزلوق ریشه سیندن دیر و حدابیرالسنین» جمله سینده حدابیر حدبار (ین) جمعی دیر و او بیردوه دیر کی چوخ ایش و یول گتتمگین اثرینده آریقلیدیر. و امام (علیه السلام) قوری و سوسوزلوق ایلینی او جور ده ویسه بنزه دیدیر. عرب شاعری «ذوالرمه» دئیر:

حدابیر ما تنفک الا مناخه علی الخف او ترمی بها بلدا قفرا.

ئوزولموش دوه لر بیریرلریندن آیریلمازلار مگر یاتاجاق یثرلرینده. یا کی اونلاری سوسوزو اوت اولمیان یثرلره آپارالار» و او حضرتین بویوردوغی: «و لا قزع ربابها» یعنی داغیلیمیش کیچیک بولوتلاردان اولماسون» و لا شقان ذهابها» شقان سویوق یئل دیر و ذهاب» آز یاغیشدیر. او حضرت «و ذات» کلمه سینین انشیده نین بیلدیگینه گوره، جمله دن سالیب دیر.

خطبه ۱۱۵ - دن

پیغمبرین مدحینده (ﷺ)

...اولو تانری، او حضرتی یوللادی تا اینسانلاری حاققاساری چاغیرسین. و اینسانلارین ایشلرینه، شاهید اولسون. اودا، تانری حؤکملرینی فوری یتیردی. و تانری یولوندا دشمانلار ایلہ، عذرسیز و جرأتله جهاد ائتدی. او، قۇرویانشلارین آقاسی و هدايت اولونانلارین گؤز آیدین لیغینا سبیدیر.

بو خطبه دندیر: اگر سیزلر منیم کیمی گیزلین لردن خبریز اولسا ایدی، ائولردن ائشیگه چیخیب چؤلده ئوز ایش لریزه آغلاردیز. و بالاسی ئولموش قادین لار کیمی، داش باشیزا چالیب، واریزی ئوز باشینا بوراخاردیز. سیزلردن هر کیم، اوجور ئوزینه مشغول دورکی آیری سیندان خبری اولماز. اما سیزلره وئریلن اویودی اونودب: حذر ائتمه‌لی‌لره ارخایین اولدوز. عاغیل و فیکریز ایتگین اولوب، ایشلرده داغیلدیز. ایستیره‌م کی تانری من ایلہ سیزلرین اورتاسیندا آیریلیق سالیب و منی سیزلردن یاخشیزی ایلہ سالسین. آند اولسون تانرییه اونلار دوزگون فیکرلی، صبرلی، حاق دانیشان ایدیلر. ظلم ائتمز دیلر. اونلار دوزگون یولاگندیب و آیدین یولدا چالیشدیلار. بوناگوره همیشه‌لیک آخیرتده، یاخشیی و کرامتلی دیریلیگه ال تاپدیلار.

آییلین، آند اولسون آلله بنی ثقیفدن بیر نفر سیزه ال تاپاجاقدیرکی، تکبرلی و هوسلیدیر. هر نه واریزی ییب یاغیزی اریدهر. ای «اباوذحه» باجاردیغین ایشی گؤر.

مرحوم سید رضی بویورور: بورداوذحه دن منظور «خفاء» دیر و بو فرمایش حجاجین گلماغینا اشاره دیر و اونولا «وذحه» نین بیر ماجراسی وارکی نقل ائتمک یثری بوردا دگیل.

خطبه ۱۱۶ - دان او حضرتین کلامی

صحابه‌لرینه خطاب

...هئچ زامان مالیزی، مال وئره نین یولوندا باغیشلامیر سیز و جانیزی جان وئره نین حاققیندا خطر ه سالمور سوز. اللهین دینی سببینه، جماعت ایچینده حوء رمتلی سیز. اما تانرییه، قول لاری یانیندا حوء رمت قویمور سوز. گنچمیش لرین منزل لرینده اوتورماقدان ویاخین یولداش و قارداشلاردان، آیریلماقدان عبیرت آلین.

خطبه ۱۱۷ - او حضرتین کلامی

صحابه لرین مدحی

...سیز لر حاققا یاردیم، دینده قارداش، چه تین گونده، قالخان و صحابه لرین خاص، سر صاحب لری و یاردیم لاری سیز. سیز لردن ارخاین اولماق اثرینده، حاقدان دونن لری یولا چکه ره. و سیز لرین یاردیمی اثرینده حاققاباش ایسه ن لره اومودوم وار. منه شک سیز و دوزگون او یودلار ایله یاردیم اولون. آند اولسون تانرییه من بو جماعته هامودان لیاقتلی یم.

خطبه ۱۱۸ - او حضرتین کلامی

نهر وان شیخ لری - حاققدان قاچانلار

...او حضرت جماعتی یغیب جهادا چاغیر یردی. او جماعت اوزون زامان ساکت اولوب دینمه دیلر. امام (علیه السلام) بویوردی: سیزه نه اولوبدور؟ نیه لال اولمور سوز؟ اونلارین بیر آزی دئدیله: ای امیرالمومنین اگر سن گئدسن، بیزده سن ایله گله ریک.

امام بویوردی: سیزه نه اولوبدور کی دوز یولا گلیمیر سیز و حاق یولوندا قدم قویمور سوز؟ آیا بئله بیر زاماندا یئری وار کی منده گنده؟ ایندی گره ک سیز لردن قوچاق بیر کیشی کی اونا راضی و ارخاین اولموش اولام، میدانا گئده، بئله بیر زاماندا، منه یاراشماز کی قوشونی، بیت المال، مالیات ییغماقی و مؤسلمانلار آراسیندا قضاوتی و اونلارین حاققین بوشلایوب بیر قوشون ایله چیخیب و بیر آیری قوشون آردیندا گنده. بو ایش بوش جعبه ده اوخا بنزه ر اما من دگیرمانین اورتانجی قطب و محوری کیمی یم. کی

دگیرمان منیم دوره مه فیرلانیر. بئری وارکی من ئوزیئریمده قلام. اگر آیریلسام، ایشلر بیریرینه دهیب داغیلار. بو حالدا منیم سیزلر ایله گلمک فیکریم، یالیش بیر فیکردیر. آند اولسون اللهه؛ اگر دشمانلا اؤز به اؤز اولماقدا، شهادت اومودی منده اولماسانیدی، آتیما مینیب سیزلردن ئوزاقلاناردیم و او زامانا دک کی یوخاری و اشاقادان یئل اسیر، سیزلرین یاردیمیزی ایسته مزدیم. چون کی سیزلر سؤنگو ووران، عیب آختاران، حاقدان قاچان و حیلهلندن سیز. سایدا چوخ، اؤرکده آزاولماغیزین فایداسی یوخدور. سیزلری آیدین یولا، کی یولی ایتیرهندن سوای آیریمی هلاک اولماز، چاغیردیم. دایانان بهشته گئدر و سؤیروشن جهنم اودونا یانار.

خطبه ۱۱۹ - دان او حضرتین کلامی

پیغمبرین (ﷺ) اهل بیت

آند اولسون اللهه، رسالت لری یتیرمکده و وعده لره وفا ائتمگی پیغمبردن ئورگندیم. علم و معرفت قاپولاری بیز اهل بیتین یانیندا دیر. آیلین کی دین یاسالاری بیر جوهره دیر و اونون یوللاری دوزگوندور. هر کیم او یولدان گئده، حاققا چاتار. و هر کیم او یولدا دایانسا، آزیب و پشیمان اولار. بونا گوره او گوندن اوتری کی ذخیره لر دال آتیلار، و سرلربللی اولار، ایش گورون. او گون فیکرلر اؤزه چیخار و هر کیم فیکر و عاغلیندان، فایدا آپارماسا، هامودان عاجزدیر. او اوددان کی ایستیمی چوخ و درین لیگی آرتیق دیر. اونون یاراشیق لاری دمیر و ایچمه لی سی ایرینچیک دیر.

آیلین، او یاخشی آدکی تانری جاماعات آراسیندا اینسانا وئره، او ارشدن یاخشی دیر کی اونا شوکر اولونماز.

خطبه ۱۲۰ - دن

عمر و عاصین حیلهلریندن سونرا...

...بیر کیشی آیاغا قالخیب دئدی: بیزی حکمیتدن مانع اولدون، اما سونرا اجازه وئردین، یزدوشونمه دیک بونلارین هانکی سی مصلحت ایمیش؟ امام (علیه السلام) الین الینه چالیب بئله بویوردی: بو ایش او آدامین سزاسیدیرکی، پیمان لارینی یاددان چیخاردار. آیلین، آند اولسون تانرییه او زامان سیزلره بیر ایش دئدیم کی خوشوزا گلمه دی، اما تانری او ایشده سیزلر اوچون، خیر قرار وئرمیشدی. اگر بو امره دؤزموش اولسایدیز، سیزی یولا گتیرهردیم و اگر یولدان چیخمیش اولسایدیز، دوز یولا چه کردیم و اگر قبول ائتمه سه ایدیز مجبور ائدریم.

او جوړه سی منه ارخاین لیق اولاردی. اما ایندی کیمین یاردیمی و یولداشلیقی ایله ساواش ائدیم؟ بونولا بئله ایستهرم سیزلرین وجودی ایله، دردله درمان ائدیم. اما، سیزلر، منیم دردیم سیز. من او آداما بنزه رم کی تیکان ایله تیکان چیخاردیر بیر حالدا کی ییلیر تیکان تیکاندیر...

الهی بویامان دردین طبیب لری یورقوندولار. ایپله قویلاردان سو چه کن لر یورولوبلار. هانی او آداملارکی ایسلاما ساری چاغیراندا اونی قبول ائتدیلر؟ و قرآنی اوخویوب محکم لندیردیلر؟ جهادا چاغیراندا عشق ایله، دوه بالاسینا محبتی اولان کیمی یولادوشدولر؟ قلبنج لارینی قیندان چیخاردیب میداندا، سیرا سیرا اولدولار؟ بیرپارائولوب بیر پارالاری نجات تاپدیلار. دیری قالانلارین قالماقینا سئوینمیب، ئولن لرین ئولوموندن اوغوندورماق ایسته میر دیلر. آغلارگؤزلرینه، تانری قورخوسوندان آغ گلیب و قارین لاری اوروج توتماقدان ییغیشیب و دوداقلاری دؤعادان قورویوبدور. اؤزلرینین رنگی گئجه لر آییق قالماقدان، سارالیب، تواضع توزی اؤزلرینه قونموشدور. اونلار منیم قارداشلاریم ایدیلرکی، گئتدیلر. بوناگوره یشی وارکی اونلارین گورماغینا علاقه لی اولوب، ئوزاقلیق لاریندان حیف سیله نک. شیطان یوللارین سیزه راحت نشان وئره و ایسترکی سیزلرده کی علاقه لری، داغیدیب بیرلیک یشینه آیریلیق و آیریلیق اثرینه فیرتینا سالسین. اودورکی اونلارین فیرتینالاریندان اؤز چئویرین. او آدامدان کی سیزلره او یود باغیشلار، سؤزون قبول ائدیپ، اوندان مغایات اولون.

خطبه ۱۲۱ - او حضرتین کلامی نهروان ماجراسی شبهه لو و تأویل لو

او زامان کی نهروان شیخ لری، حکمیت، ماجراسیندا دئدیک لری اوسته دورموشدولار، امام (علیه السلام) اونلارین عسگر اوردوسینا گئدیب بئله بویورموشدی:

... آیا سیز صفین ساواشیندا واراایدیز؟

دئیدیلر: بیر پارا حاضر و بیر پارامیز حاضر دگیلدیک.

بویوردوی: پس ایکی دسته اولون. بیر دسته اونلار کی حاضر ایدیلر و بیر دسته اونلار کی حاضر دگیلدیلر تا هر کسه ئوز فیکرینین ئوزه رینده بیر سؤزلردئیم. سونرا جماعتی هایلیب بئله بویوردی: دانشمین و سؤزومه قولا آسین، اؤرکدن منه دقت ائدین... هر کیمی شهادت اوچون ایسته سم بیلدیگی جه جاواب وئرسین. سونرا امام اونلار ایله چوخلو دانشیب کی بیر آزی بوسؤزلردیلر:

...مگر او زامان کی اونلار فیریلداق اوچون قرآنی نیزه لر باشینا تاخدیلار، دئممه دیز کی اونلار بیزیم قارداشلاریمیز دیلار؟ و بیز کیمی مؤسلماندیلار؟ اونلار بیزدن ساواشین قورتولوشون ایستیرلر. و قرآنا اؤز چئویریب وحدت آختاریرلار. صلاح بئله دیر کی سؤزلرینی ائشیدیب اونلاردان ال گوتوره ک. اما من سیزه دئدیم: بو ایشین گؤرونوشی، تانریه ایمان گتیرمک ولی ایچه ریده عداوتدیر. اولده رحمت و سونی پشیمانچیلیق دیر. انله ئوز حالیزدا قالین و گئتدیگیز یولدان چیخمیین. دیشلریزی قیسین و هر ؤز دانشانا اعتنا ائتمین. اگر اونلارین دئدیگینی قبول ائتسه ز، آزقینلیغا دوشرسیز و اگر سؤز وئرمه سز ئوزی ذلیل اولاجاقدیر. حیف کی بو ایش اولوندی و سیزلری گوردوم کی او یولدا چالیشدیز...

آند اولسون تانریه اگر حکم لرین حؤکموندن اؤز چئویرسه ایدیم، من اوچون گناهی اولمازدی و، تانری، اونون گناهین منه یازمازدی. آند اولسون تانریه، اگر او ایشی قبول ائتسه ایدیم ینه حاق منله ایدی، و گره کدیر مندن اطاعت اولونا ایدی چون تانری کتابی منله دیر، و او زاماندان کی اونولا اولموشام هئچ زامان اوندان آیریلما می شام. بیز

پیغمبر (ﷺ) له ایدیک. ئولوم، قان توکمک، آتالار، اوغوللار و قارداشلار آراسیندا وارایدی... چتین لیک و مصیبتیه آرتیرمیردیک مگر دین و تانرییه ایمان گتیرمک و یارالارین آجیشیب و سیزیلتی سینیه دؤزمک. اما بوگون مؤسلمان قارداشلاریله، شبهه لر و ایریملی فیکرلر و تأویل لر قاباغیندا ساواشاردیم اگر بیر وسیله اله گله کی اونولا ییزلرین داغیتتی لاریمیز بیر یثره ییغیشا، هر نه آramیزدا قالمیش اول، او وسیله ایله بیر یثره ییغیشب، اونا علاقه لریک و آیریسینی بوراخاریق.

خطبه ۱۲۲ - او حضرتین کلامی

دین قارداشیندان حیمایت ائت

«صفین ساواشسی اولان زامان صحابه لرینه بویورموشدی».

...هر کیم سیزلردن، دشمان قاباغیندا، اوره کلی دیر، او زامان کی قارداشلارینین بسیرینده قورخی گوردی، یثری وارکی بو قوچاقلیق شوکرانه سینیه، نجه کسی ئوزیندن دفاع ائدیر، اونندان دا دفاع ائتسین. اگر تانری ایسته میش اولسا ایدی، اونودا سن جسارتده یساراداردی. ئولوم سیزی چاغیریر. دورانلار و قاچانلار ئولومی عاجزله ده بیلملر. ئولوملرین یاخشسی سی (تانری یولوندا) ئولمکدیر، آند اولسون اوناک کی ابی طالب اوغلونون جانی اونون الینده دیر، تانری یولوندا منه قلینج ضربه سی او ئولومدن کی تانری اطاعتینده دگیل، راحتدیر.

خطبه ۱۲۳ - او حضرتین کلامی

ساواشدان قاچانلار

...بئله گوروره کی کرتن کره نین دریسی یثره سورتولوب سس چیخان کیمی سسله نیرسیز اما نه حاق و نه ده، ظلم لرین قاباغین آلابیرسیز. سیزلرین یولوز آچیق دیر و قورتولوش، او آدامیندیر کی میدانا گیره. و ئولوم او آدامیندیر کی یوبانیب دایانار.

خطبہ ۱۲۴ - او حضرتین کلامی

جہاد - نظامی اویر تمکملر

«او حضرتین، سوءزلریندن دیر اصحابینی جہاداکونوللی ائتمک حاققیندا»

...اونلارین کی زره گئیم لری وار، قاباغا سالین. و اونلار کی زره لسی گئیم لری یو خودور دالداقرار وئرین. دیشلریزی بیر بیرینه قیسین کی ساواش زامانی بو ایش، شمشیرلری باشلاردان ئوزاقلاندیرار.

نیزه لر قاباغیندا بوروخ وئرین کی بئله لیکده دشمان نیزه سینین اثری آزاوار. گؤزلریزی اشاغا دیرین کی اوره گیزه قوه وئریب، دینجلمک گتیره. سس لریزی آلچاقلاندیرین چون وقار و سس سیز لیک قورخونی ئوزاقلاندیرار. بایداکی یئریندن ترپه تمین و اونون دوره سین، بوشلامین و هر کسین الینه تاپشیرمین مگر اونلارین الینه کی اونی گؤزلوب، سیزلری هر پیس قادادان ساخلارلار. چون اونلار دیلارکی چتین حادثه لرده دایانیب و بایداکی حصار ایچینده ساخلاماقله، ساغ، سول، دال، و قاباقد، اوندان مغایسات اولار لار. اوندان دالداقالمازلار، کی دشمان الینه دوشسون. و قاباغا گتتمزلرکی یالقوز قالسین.

کیشی اودورکی اؤز به اؤز گلن دشمان برابرینده، دفاع ائتسین و ئوز قارداشینا آرخا اولوب دشمانی بوشلاماسین کی احتمالی وار، ایکی دشمان، ال بیر اولوب، بیرلیکده، اونی و قارداشین آرادان آپار سینلار.

آند اولسون اللهه: اگر دنیا شمشیرلریندن قاپساز، ینه آخرت شمشیرلریندن اماندا قالمیہ جاقسیز. سیزلرکی عربین بؤیوک لری و آدلی سانلی لاریندان سیز. ساواشدان قاجماق اللهی خشمه گتیریب و ذلیل اولماق و یازیق لیق و سونسوز اوتانماق نتیجه لر وئره. هابئله قاجماق اونی ئولومدن قورتالماز. حقیقته تانری طرفینه گندن، او سوسوزا بنزه رکی، سویا ال تاپار، بهشت بوردا، نیزه لر کولگه سینده اله گلر. بوگوندورکی، خبرلر، بللی اولار.

آند اولسون اللهه؛ منیم اونلار ایله ووروشماغا، اونلارین ائولرینه علاقه لریندن چوخ،

علاقہ لی. یم. الھی: اگر اونلار حاققی قبول اتمیب و اونولا دوشمان دیلار، یغیناقلارینی داغیت. اورتالارینا آیریلیق سال. اونلاری ئوز گناه لاری ایله ئولدور، چون اونلارین دال با دال نیزه اثرینده دلیک دلیک اولوب جانلاری چیخمایین جا و باشی سینق، قوللاری قلم اولمایین جا، دایانددیق لاریندان ال گوتورمزلر. هنج زامان یئرلریندن تریشمزلر تااو زامان کی آیری بیر دسته قوشون، اونلارایله ساواش ائده رلر و اونلاری بش طرفدن اورتایا سالیب، یوردلارینا گیره لرلر. اوندآتلا دیلر دیرناقلارایله ائولرین ازیب، یاییم لارینی تاپدارلار. مرحوم سیدرضی بویورور: «الدعق تاپدماق آنلامی وئریر. یعنی آتلا دیلرناقلاری ایله اونلارین یئرلرینی تاپدارلار و نواحر الارض او اتوراقلاردیلارکی، بیربیرینین ئوزه رینده ایجاد اولوب، نئجه کی دئیلر» منازل بنی فلان تتناحر» یعنی فلان طایفانین ائولری بیربیرینین قاباغیندا دیلار»

خطبه ۱۲۵ - او حضرتین کلامی

خوارج لره خطاب

او زامان کی خوارج حکمیت ایشی نی داندیلار، ئوز صحابه لرینی دانلیر: بیز، کیشیلری حه کم ائتمه دیک، بلکه قرآنی حه کم قرار وئردیک. اما بو قرآن بیر پارا یازیلیمیش سؤزلردیلرکی، جیلد لر ایچینده قرار تاپیلار. بیر حالداکی، دیل ایله دانیشمیر، بلکه اونی آچیقلا ندیران یئرلیدیر. و کیمسه لر دیلرکی اوندان دانیشا بیلرلر. او زامان کی او طایفا، بیزدن ایسته دیلر، قرآنی اورتامیزدا حه کم قرار وئره ک بیز اونلاردان دگیل دیک کی پاک پروردگار کتایبندان اؤزچئویره ک! بیر حالداکی تانری بویوروب: «... فان تنازعتم فی شئی فردوه الی الله والرسول...» (سوره نساء آیه ۵۹).

«یعنی اگر بیر زاددا اختلافا دوشدوز، تانرییه و پیغمبره رجوع ائدین» بو ارجاع بوندان اوتری دیرکی او بویوران کیمی حؤکم ائده ک. اگر دوزلوگ ایله بو کتابدان حؤکم آلینا، بیز او حؤکمه هامودان آرتیق یاراشاریق. اگر پیغمبرین (ﷺ) سستینه حؤکم اولونا، ینه بیز هامودان قاباق او حؤکمه لیاقتیمیز وار. اما بوکی دئیرسیز نه اوچون ارادا وول ویردین؟ بو

علتہ وول وئرديم تا: دوشونميين لر آراماقيه دوشونسونلر و دوشونلر، دایانسينلار تا تانری بو فاصله ده ملتین ایشین اصلاحه گتیرسین و نفسلرینین قاباغی باغلانماسین و حاق یولون آختارماقدا تلسمه سینلر و اولده کی آزقین لیقا بیرده دوچار اولماسینلار. فضیلت لی اینسانلار تانری یانیندا اونلار دیلارکی، حاققاعمل ائتمگی باطلدن چوخ ایسترلر. حتی اگر؛ حاق یولونا گتتمک اونى منفعت دن قویا و باطل یولی اونا خیر وئر.

نيه حیرته قالموسوز؟ سیزلری هاردان گتیریلر؟ او طایفایله کی حاقدان نوزاقلاشییلار و اونى گۆرمورلر و ظلمی یاییرلار و عدالت ایسته میرلر، ساواش اوچون حاضرله شین. اونلار تانری کتابی یولوندان چیغیب و حاق یولوندان نوزاقدیلار. حیف اولسون کی سیزلره آرخاین اولماق اولماز. ائله بیر یاردیملار دگیل سیز تا سیزدن یولداشلیق ایسته نیلسین... سیزلر ساواش اودلارین آیشدیرماغا چوخ پیس قورسوز. سیزلره اف اولسون. چون سیزلرین الینده گرفتار چیلیغا قالدیم. بیر زامان سیزلر ایله آچیق دا و بیرگون آلچاق سس ایله دانیشیرام اما سیزی چاغیران زامان، ایگیدلر کیمی، دوزگون کیشی دگیل سیز. گیزلین سۆزدیه ن زامان سیزه آرخاین اولماق اولمور.

خطبه ۱۲۶ - او حضرتین کلامی

تانری مالیندا و هر یئرده عدالت گره کدیر

«او زامانکی بیت المالی بؤلنده هامویا بیراندازا وئیردی. بیر پارا آداملارین نظرنده یئرسیز اولوساللیق ائتدیگینه گوره، بو ایشه دیللن دیر، جاوابلاریندا، بئله بویوردی: ... آیا منه حؤکم ائدیر سیزکی حاکیم اولدوغوم آداملارا، ظلم دن یاردیم آلیب، اوستون اولوم؟ یوخ!! من تا او زامانا دک کی گئجه گوندوز اؤلدوزلار گویده دولانماقدا دیلار، بئله بیرایش گورمه رم حتی اگر بیت المال منیم شخصی ملکیم اولموش اولسا ایسدی، ینه اونى مؤسلمانلار آراسیندا بیرلیکده بؤلردیم. بیر حالداکی بومالار تانرین دیر. آییلین! مالی ئوزگه یولدا خرج ائتمک، اسراف و اونى کورلاماقدیر. مالی اسرافدایلاماق، دوغروسی اونى وئرهنین دونیادا باشی اوجالار، اما آخیرته اونى

اشاغا گتیره. آداملار یانیندا عزتلی ولی تانری یانیندا، ذلته دوشر. هنج کیمسه مالینی، یارامازیترده ایشلتیمب و مستحقیندن سوای آیری سینه پایلامیوبدور مگر او آداملارکی تانری اونلاری شکر ائتمک نعمتیندن پایسیزائندی و محبت لرینی آیری سینا سالدی. او دورکی اگر بیرگون ایاغی بودورویه، و اونلارین یاردیمینه احتیاجی اولا، اونلار اونا هامودان یامان و دانلییان یولداش اولارلار.

خطبه ۱۲۷ - او حضرتین کلامی

آشیری دوشمان، آشیری یولداش، سواد اعظم

...اگر فیکر اندیرسیزکی من خاطاگندیب یولدان چیخمیاشام، پس نه اوچون هامیز محمد(ﷺ) امتی نی منیم یولدان چیخماقیم خاطرینه یولدان چیخمیش بیلیم و اونلاری منیم گناهیم خاطر کافر بیلیرسیز؟ اوپله کی شمشیرلریزی، اله آلیب مانلی ومانسیزا چالیرسیز و گناهی اولوب و اولمیاننا تفاوت قویمورسوز؟ بو بیر حالدادیرکی، بیلیرسیز جناب پیغمبر(ﷺ) قادینی اولان زنائدهنی، داش ووردوراردی. اما نولسی سینه ناماز قیلاردی و ارثی نی صاحبهرینه وئرردی. آدام نولدوره نی، نولدوره نندن سونرا، میرائینی ورته سینه ورته ردی. اوغرونون الین چاپدیریب، قادینی اولمیان زنا ائدهنی قامچی ووردوراردی. سونرا اونلارین پایین غنیمت لردن ورته ردی. اونلاردا مؤسلمان قادین لاردان آلاردیلار. اودورکی حضرت رسول(ﷺ) اونلاری گناهلارینا گوره مجازات ائدیپ، تانری حاققین، اونلارین باره سینده جاری ائدردی و ایسلامی حاققلاری اونلاردان کسمزایدی و آدلارین ایسلامیت دفتیرندن کنارا قویمازدی. بئله لیکله، سیز فیرتیناچی آداملارسیز. اونلاردان سیزکی، شیطان دوز یولدان چکیب شاشغیا سالیبدیر.

بوتنزلیکده ایکی دسته منیم حاققیمدا فناءیه قالا جاققلار: بیرسی منی اندازادان چوخ ایستین کی بو چوخلوق، اونی دوزیولدان اونسم سیزلیگه چه کر و بیرسی ده او آشیری دشمان کی قاجلیغین چوخلوقی، اونی یولدان کناراسالار.

بوناهوره یاخشی آداملار منیم حاققیمدا، اونلاردیلارکی، اورتانجی یولدا دیلار.

سيزلرده، اونلارا يولداش اولون و جماعتين چوخ اولان دسته سینه گئدين کی، آللهين الی جاماعاتنان دیر. داغیتی اولماقدان ايراق گزين کی تک اولان اينسان شیطانا توتولار. هامان جورکی تک قالان قويون، قوردا توتولار.

آييلين! هر کيم سيزلری بنله بير اؤزهل چاغريشا آپارا، حتی بورکوم آلتيندا اولسادا، اونسی ئولدورون. اوایکی نفر، حه کم اولدولارکی يالئيز، قرآن دیری ييلن لری، ديريلديب و ئولی ييلن لری يوخ ائتسينلر. و قرآنی دیری ساخلاماق بودورکی، اونولا بيرلشه سن و اونسی ئولدورمک، اوندان آیری دوشمک دیر. اودورکی اگر قرآن سيزلری اونلارا ساری چکه، اطاعت ائدهريک و اگر اونلاری بيزه ساری چاغیرا يئری وارکی. اطاعت ائتسينلر.

پس ای آتاسی اولمییانلار، من شر ايله سيزلری توغلاميشام. هاموليقدا قرار بنله اولدی کی، بو ایکی نفری، سئچدیز. بيزلرده اونلاردان سؤز آلدیق، قرآنین بويوردوقلاريندان قیراغا چيخماسينلار.

اما اونلار آزيقن دوشوب، حاققی اونوددولار بير حالداکی هر ايکسی حاققی دوشونوردولر. اما هوسلريندن اطاعت ائديب، ظلم ائتديلر. قاباق زامانلاردادا، اونلاردان ايلغار آلميشديق کی، عدالته رفتار ائديب، حاققی اونودماسينلار. اما اونلارين قولای حؤکم لری، بيزله اونلارين اورتاسيندا آيريليقي سالدی.

خطبه ۱۲۸ - او حضرتين کلامی

غیبی خبرلر - مونگکول لار

بو کلامدا، بؤيوک و چتين اولاجاقلاردان کی بصره ده اؤزؤئره جاقدير، خبر و ئریر. ...ای احنف، بنله گورورم کی او، بير لشکرايله خروچ ائدر. توز، هارای، نوختاسسلی، قنوزانماز و دوه قوشی کیمی هر يانی آياق آلتینا سالارلار.

مرحوم سیدرضی بویورور:

«بو سؤزلر زنگی لر باشچی سینین گلماغینا ایشاره دیر».

سونرا امام بنله بویورور: وای اولسون سيزلرين گؤزهل گئچيد و بزه کلی ائولريزه، کی

قانادلاری قوزغون قانادی کیمی و شیر آتانلاری قیل خرطومی کیمیدیر. وای اولسون اونلاراکی ئولی لرینه بیر کیمسه آغلاماز ایتگین لرین بیر کیمسه آختارماز. من دونیانی اؤزی قویلی سالیب ئولچو سونه تانیشام و اولوشونا دا باخمیشام.

بو خطبه دن بیر آزی مونگول و تاتارلارین و صفینده دیر. دئمک اولور من بیر طایفا گوروره کی اؤزلی تاپدانمیش قالخان کیمیدیر. ایپک پالتار گیرلر، یاخشی آتلار بدک لرینده وار. هارا گیرسه لر، اورداقن توکولر اوجورکی یارالی لار ئولی لر اوسته یول گندرلر. اونلارین الیندن قورتولان، اسیرلردن آزاوار.

او حضرتین صحابه لریندن بیرى دندی: «ای امیرالمومنین، غیب دن دانشیرسان! دئمک تانری سنه علم غیب وئریدیر؟»

امام گولوب او کیشیه کی بنی کلب دن ایدی، بویوردی: ای کلبی قارداش؛ بو علم غیب دگیل بلکه علم صاحبیندن ئورگنیلیمیش بیر سؤزدور ولی علم غیب، قیامتین واختینی بیلیمکدیر کی تانری (لقمان سوره سینده آیه ۳۴ ده) ساییدیر.

قیامت زامانینی بیلیمک، تانری یانیندا دیر و هابئله هانسی زامان یاغیش یوللار یا رحم لرده اولاندان خبر وئره. هنج کیم بیلمز، صاباح نه اولاجاق و هانسی یئرده ئوله جاق دیر.

بو آیه ده اولو تانری، رحم لرده اولاندان کی اوغلان یا قیز، گؤزه ل یا ایرینلی، سخاوتلی یا پاخیل، آغ گونلو یا قاراگونلودور، خبری وار و بیلرکی کیم جهنم ده یانار یا بهشته گئدیپ پیغمبر لرایله قونشو یا بیر مرتبه ده دیر.

بودئیلن لر، علم غیب دیلر و تانری دان سوای بیر کیمسه اونلاردان خبری یوخدور اما بونلاردان سوای لاری بیر علم دیرکی، تانری ئوز پیغمبرینه (ﷺ) ئورگه دیب و اودا منه ئورگه دیب دیر و دؤعا اندیدیرکی منیم اوره گیم اونلاری ساخلا سین و وجودیمی اونلاردان دولو ائت سین.

خطبه ۱۲۹ - دان

یاخشی آدم لار هانی؟...

...ای اللهین بندهلری، سیز و آرزی لاریز بو دونیادا بللی اولونموش زامانین قوناقلاری دیلار، بورجی اولان ایشلین سیز. قوناقلار اولماغیز آذیر، و بورج لاریز عمل لریزدیلر. بیر پاراچوخ چالیشان وارکی، ایشینی کورلار و چوخ زحمت چکن لر واردیلارکی، زیان ائده لر. سیز بیر زاماندا یا شیر سیزکی، خیر و یاخشلیق اونادال چئویریب و یامانلیقلار اونا ساری اؤز قویوبلار. شیطان آدام لارین ئورلدورمگینده تاماهی وار. ایندی بیر زامان دیرکی، اونون ایشی یولونا دوشوب و حیللری چوخ و شکار ائتمگی، راحت دیر. هر یاناکسی سنویرسن، باخ، آیا بیر یوخسولدان سوای کی الی دارلیق ایله، الله شیر یا بیر نفر وارلی کی تانری نعمتینه کفران ائدیر، یا بیر پاخیل کی مالین آرتیرماقدان اوتیری، تانری مالینا پاخیل دیر و یا بیر تانریه یاغی اولان کسی نصیحت ائشیتیمک اوچون قولاقلاری آغیردیر، آیا بونلاردان سوای بیر کیمسه گورورسن؟ یاخشسی آداملار هانی؟ کرامتلی لر، صالح لریز، سربست لریز، و اونلارکی ایش لرینده، یوللاریندا، دین لرینده، یامانلیقلاردان ایراق گزه ردیلر هاردا دیلار؟ مگر اونلار بو آله قاق و زحمتلی دونیادان داشینمادیلار؟ مگر سیزلر او آداملارین وارثی دگیل سیز؟ کی هامی اونلاری مذمت ائدیر تا اونلارین دوروملاری آله قاق اولسون و همیشه لیک یاددان چیخسین لار؟ «فان الله وانا لیه راجعون».

فیرتینا و چوروک ایشلر اؤزه چیخیدیر. بیر کیمسه یوخدورکی اونی چئویریب و نهی ائتسین. بنله لیکده ایستیر سیزکی اللهین بهشتی و رحمتی آلتیندا اولاسیز؟ نقشه ده فیکریز آزقیندیر؟! اللهی بهشته گئتمک اوچون توغلاماق اولماز. اونون رضاسی بنده لیکدن سوای بیر آیری زادایله اله گلمز. اللهین قارقیشی او آداملار گل سین کی، یاخشسی ایشلره بویروق وئرلر اما ئوزلری اونی اونودارلار. پیس ایشلردن قورخودارلار بیر حالداکی، ئوزلری او پیسی، گوره لر.

خطبه ۱۳۰ - او حضرتین کلامی

ای ایذر...

مرحوم ابی ذره او زامان کی ربذه یه سورگون اولوردی، بو یورموشدی: ...ای ابی ذره، سن

تانری دان اوتری قنوزانیب آجیقلا ندین، بونا گوره اوکیسه دن اوتری کی غضب لنمیسن، اومودون اولسون.

بو طایفا دونیالاری اوچون سندن قورخدولار و سنده، دینیدن اوتری، اونلاردان قورخدون. او زادکی اوندان قورخورلار نوزلرینه تاپشیر و اونلارا قورخدوغون زاددان قاچ.

چون کی سن ماشات اولانا، چوخ محتاج دیلار. سنه احتیاج اولمیاندان مانع اولدولار و بوتنزلیکده اونون فایداسی بللی اولاجاقدیر. بللی اولاجاقدیر کی، کیملر پاخیل لانا جاقلار. اگر گوپلر و یترلر بیرنده نین نوزونه باغلانا، و او بنده، تانری دان قورخا، تانری اونابیر قورتولوش یولی آچار. حاق سندن آیریلماز، باطل سندن نوزاقدیر. اودور کی اگر:

اونلارین دونیالارینی قبول ائتسه ایدین، سنی سئوردیلر و اگر اونلارین پایلارین آیرسه ایدین، سندن ال گوتوره ردیلر.

خطبه ۱۳۱ - او حضرتین کلامی

خلیفه بنله اولمالیدیر

...ای کونول لری بیر اولمیان و ای اوره کلری داغیتی اولان، بدنلریز حاضر ولی عاغل لاریز گیزلیندیلر. من سیزلری حاققاساری چکیرم، اما سیز، هولکن گنچی لر کی می قاجیر سیز. چتین بیر ایشدیر کی، سیزلرین یاردیمیز ایله عدالتین قارائلیق و توتقون اوزون، سیله بیلم یاقاتلاق اولان حاققی دوزه لدم.

بار پروردگارا، سن نوزین بیلیر سن کی، بیز گوره ن ایشلر نه بو خاطره ایدی کی سلطنت صاحبی و یا دنیا مالیندان بیر زاد اله گتیره ک! بلکه بو خاطره ایدی کی.

سنین دینین الدن گنتمیش نشانه لرینی قایتاراق و صلاحی، شهرلرینده نوزه گتیره ک تا سنین مظلوم بنده لرین، اماندا یاشاسینلار و اونودولموش یاسالارا عمل اولونسون.

بار پروردگارا، من اول کیسه می کی سنه ساری قانیدیپ و بویروقون ائشیدیپ و قبول

اۋتمیشم. پیغمبر (ﷺ) دن سوای ھىچ کیم نامازدا مندن قاباغا دوشمییوبدور و سیزلر دوشوندوزکی یئری یوخدور خلیفه جاماعاتین ناموس، قان، غنیمت حؤکملىرىنده، پاخیل اولسون تا مال ییغماقدا طمعی چوخ اول و ھابئله قانماز اولمیه کی اونون جھلی اثرینده جاماعات یولدان چیخا. ظالم اولمیه کی ظلمی اثرینده، جاماعاتی ئوزگون سالا. مالینا قورخاق اولمیه تا بیر پارا جاماعاتی بیر پاراسیندان یوخاری توتا، و حؤکم لرده رشوه آلمیه تا شرعده ترسه حؤکم وئره.

بئله لیکده جاماعاتین حاققین آرادان آپارمیش اول. گره کمز پیغمبر (ﷺ) ین سنتینی تعطیله چکه و امتینی ئولومه وئره.

خطبه ۱۳۲ - دن

تانییه شوکر

...تانییه آلدیغی و باغیشلادیغی نعمت و سیناقلارا گوره شوکر اندیریک. او هر گیزلین و آیدینی آییق و گوره ن دیر. اؤره کلردن و خیانتچی گؤزلردن خبری وار. شهادت وئیرم کی محمد (ﷺ) اونون سئچلمیش پیغمبریدیر، انله بیر شهادت کی گیزلین لر آیدین ایله و اؤره کلر دیلر ایله بیردیر.

بو خطبه دن بیر پاراسی: (دوینا بئله دونیادیر)

...آند اولسون تانییه دئدیگیم سؤز دوزگون بیر حقیقتدیر، اویونچاق، شوخی ویالان دگیل. ئولومدن دئیره م کی هر کیمه ایسته سه سسینی قولاغینا چاتدیرار. هر کیمی ایسته سه تله سیک قوغالار. اودور کی آدمالارین قارالتیسی، سنی شئشه لندیرمه سین. سندن قاباق چوخ وارلی آدمالار و ارایدیلار کی یوخسول دگیلدیلر و ئوزین آرزى لارایله ایشلرینین سونوندان آرخاین ایدیلر و عمرلرینین باشا چاتماقین اینانمیردیلار اما ئولوم، اونلاری قاپسادى و ئولکه لریندن ائشیگه چکیب آرخاین اولدوغی یثردن چیخارتدی. سونرا تابتدا جاماعات اونى اللرى و بارماقلاری اؤسته ساخلیدیلار. آياگورمه دیزهامان ئوزین آرزى لى اولانلار داواملى عمارتلر قاییردیلا ر؟ و چوخلو مال ییغدیلا ر؟ اما ئولرى

قویلاقلاری اولدی؟ ییغدیق لاری داغیلدی. ماللاری وارثلره قالدی؟ قادین لاری اؤزگه لره گئتدی؟ داها اونلار باجار ایلمزلر یاخشیلیق لارینه آرتیریپ یاسیسلریندن توبه انتسینلر اودورکی هر کیمین تقوای اولسا، خیرلری ظاهر اولار وایشلری اونی رستگار ائدهر. تقوانین فایدا لارینی غیمت بیلین وبهشت اوچون چالیشین، چون بودونیا یار انمیو بدورکی همیشه لیک اوردا قالاسی یزبلکه بیر یردیرکی اوردان دوزگون ایشلر قازانجینی گوتوروب، تله سیک کوچماق اوچون مرکب لری حاضر ائده سیز.

خطبه ۱۳۳ - دن

اللهین قدرتی

...دونیوا و آخرت، اختیار لارینی اونون الینه وئریپ و اونون قدرتی آلتیندا دیلار، گویلر و یرلرین آچاری، اونون قدرت الینه دیر. یاشیل آغاچلار هر سحر و آخشام اونا سجده ائدرلر، اونون امری ایله آغاچلارین قول بوداغی آلویلی اود اولور و یا اونون امرینه گوره یتگین یتمیشلر وئرلر.

بو خطبه دن - قرآن حاققیندا: ...تانی کتابی، اورتازدا بیر دانیشان دیرکی، دیلی حاق دنمکدن یورولماز و بیر ائودیرکی، کؤکی سوکولمز. گوجللی بیر کتاب دیرکی اونون یولداشلاری، سینمازلار.

بو خطبه دندیر پیغمبرین وصفینده: تانی حضرت محمدی او زامان یوللادی کی داها پیغمبرلردن قالما میشدی چارپیشماق و دیشمک چوخالمیشدی. اونی هامی پیغمبرلردن سونرا گوندردی و وحی ائتمگی او حضرتده قورتالیدی. او حضرت، تانی یولوندا او آدام لاریله کی، الله دان دونوب و اونا شرک قرار ویریردیلر، جهاد ائدی.

بو خطبه دن - (دونیوا حاققیندا): ...دونیوا دوشونمز آداملارین گؤزلرینده قورتولماقدیر. اونلار اونون دالیندا بیر زاد گؤرمورلر. اما آیققلار گؤزلرین دوزگون آجیب اونی گوره رلر و دوشونرلرکی اونون دالیندا بیر آیری دونیوار. بو علتته گوره اوندان گؤز اورتلر. اما، بصیرتسیز اینسان اونا مایل اولار... بصیرتلی اوندان آخرت توشه سی گوتوره ر و بصیرتسیز

بو دونیاسی اوچون توشه آرتیرار.

بو خطبه دن - (جاماعاتا گؤستریش): ...آییلین، دونیانی سئوہن، دنیا مالیندان دویوب کدرلہنر، مگر یاشایش دان. چون کی ئولومدن راحتلیغا چاتماز. دوغروسى آییق اولماق حیکممت کیمیدیر یعنی ئولمیین اؤره کلرین روحی، گؤرمیین گؤزلره ایشیق و ائشیتمین قولاقلارا ائشیتمک و سوسوزلارا ایچمهلی سودور. بو ایشده هامویا ساغلاملیق و الی دولولوق وار. تانری کتابیدیرکی اونولا گوروب، دئیب و ائشیدیرسیز. اونون بیرپاراسؤزلری بیرپاراسین بللی ائدیر. بیرآزی حاندا بیرینه شاهیددیر بوناگوره تانری بویوران حؤکملر حاققیندا اختلاف یوخدور. او، آلهه مؤمن اولان بندهنی تانری دان آیرماز. سیزلر اورتازدا کینهلی اولماغا بیرلشمیسیز.

حیوانلارین زیییلی اوسته گؤیه رهن بیتگی لر کیمی، اثری سیزه آیدین اولوب یولداشلیق و آرزى لارا علاقہلی اولماق اوچون ال بیر و دنیا مالی آراماقدا بیربیرلریز ایله، دشمان اولموسوز. ناپاک شیطان سیزلری حیرت و شاشقیدا قویوب توغلاماقيله یولدان چیخاردیدیر. ششہلیک سیزلری ئولومه آپاریر... سیزلره تانری دان یاردیم ایستیره م.

خطبه ۱۳۴ - او حضرتین کلامیندن

بیر مشورتین جاوابی

...تانری ضامن اولوبدورکی مؤسلمانلار اولان یان یؤره نی گؤزله سین و گیزلین لرین اؤرتسون. او کیمسه کی، اونلاردان آزاوان زامان و ئوزلرین ییلمیین زامان، مغایات اولدی وسینماقدان ساخلادی، دیری دیرو ئولمیه جکدیر.

...سن اگر بو دشمانا ساری گئدیب، ازيله سن، ئسوزاق شهرلرده کی مؤسلمانلارا پناه یوخدور و سندن سونرا، بیرکیمسه تاپیلماز تا اونا رجوع ائت سینلر. اودورکی بیرنفر آیری سین اوساواشا یوللا، و بیرپارا اینسانلاری کی ساواش گوروب، اویود ائشیده رلر، اونا قوش. اگر تانری سیزلری غالب ائتدی، ایسته دیگیندیر و اگر بیر آیری جور اولدی، اوندا مؤسلمانلارا آرخا اولایلرسن.

خطبه ۱۳۵ - او حضرتین کلامیندن

بیر منافقه جاواب

...ای سونسوز اوغلی ملعون. ای کوءکی اولمیان آغاج، سن منیم قاباغیما چیخارسان؟
آند اولسون تانرییه سن هر کیمه یاردیم اولسان، تانری اونا یاردیم ائتمز، سن هر کیمین
الیندن توتسان، آیاغا قالخیلمز.

بوردان چیخ، تانری خیرلری سندن ایراقلاندیرسین، هر نه باجاریر سان اونی ائت. تانری
سنی ساخلاماسین اگر بیلدیگین ائتمیه سن.

خطبه ۱۳۶ - دان او حضرتین کلامیندن

عدالتی اجرا ائدهرم

...منه بیعت ائتمگیز، فیکر سیزلیکدن دگیلمیش منله سیزلرین ایشی، بیر اولابیلیمز. من
سیزلری، تانری خاطرینه ایستهرم اما سیزلر منی ئوزوز اوچون ایستیرسیز.
ای جماعت! نفس لریزین اصلاحی اوچون منه آرخادورون. آند اولسون تانرییه،
مظلوملار حاققین ظالیملردن آلماق اوچون، عدالتی اجرا ائدهرم و ظالیمین نوقتاسین
چکیب اونی حاق بولاغینا حتی کونولی ایسته مه سه ده، چکیب آپارارام.

خطبه ۱۳۷ - او حضرتین کلامیندن

طلحه و زبیرین قارایاخماق لاری

...آند اولسون الله، با جاردیقی منکراتی منه، یاراشدیردیلار و منله ئوز آرالاریندا،
انصاف ائتمه دیلر. اما ئوزلری منده آختاران حاققی، اونود دولار. ئوزلری توکن قانی مندن
ایستیرلر. اگر من بو قانی توکماقدا اونلارایله اورتاق اولسایدیم، کی اونلاریندا بوقاندا

اللری وار، و اگر من سیز بواشی گورموشدولر، یثری وارکی بو حؤکمی ئوزلری اوچون ائتسینلر. عدالتین اول دورومو اودورکی اول، ئوزلری اونى اجرا ائت سینلر.

من آیقام و هنج بیر زادی بیر نفره شبه لندیرمه میشم و هنج زاد منه مشته اولموبدور. اونلار ظالیم بیر آدامدیلا. اونلاردا قاراپالچیق، عقرب آغیسی و فسادہ چکن قانمازلیق وار. بونولابنله حقیقت لر آیدین لیب و باطل لر کؤکوندن ئوزولوب، دیل شر دنمکدن قالیدیر. آند اولسون تانریه، اونلار اوچون بیر سو یاتاغی دولدوروم کی، یالنیز ئوزوم اونى بوشالدا بیلیم کی اوندان سوسوز قانیدیپ و آیری یئرلرده ده سواچه بیلمه سینلر.

«بو سؤزلردن بیر آیری بوعلومی»... ان سونوندا کؤرپه قوزولار کیمی یانیم گلیب بیعت، بیعت دئیردیلا. من اوندا الیمی یومدوم اما سیز آچدیز، دال آپاردیم، اما سیزلر ئوزوزه ساری چکدیز.

پروردگارا: او ایکی نفر مندن ال گوتوروب، ظلم ایله بیعتیمی سیندریب، جاماعاتی اوستومه قنوزادیلا. الهی اونلار باغلیانی آج. و اونلار ائشهنی، داغیت، آرزى لارینایتیرمه. من، ساواشدان قاباق، اونلارین بیعت لرینه قانیتماغی، ایسته دیم و قانیتماقلارینین انتظاریندا ایدیم اما، اونلار بو نعمتی اونودوب ساغلام لیقی دال آتدیلا.

خطبه ۱۳۸ - دن

گلن گونلرین فیرتینالاری - امام مهدی (عج)

...او زامان کی جاماعات چوروک هوسلرینی دوزیولا گلمکدن، قاباق بیلرلر. او چوروک هوسلری دوز یولاچه کر. او زامانکی جاماعات قرآنی، ئوز ایستکلری کیمی تفسیر ائده رلر، (او) رأی لری قرآنا ساری چئویره.

بو خطبه دندیر: ...ساواش وقان توکولمک سیزلره اؤزقویوب دیشلرین قیسار، دؤشملری سؤدایله دولی، اولده شیرین، اما آخیردا آجی دیر. آیلین: گله جکده بیرایش قاباغا گلرکی، او ایشی تانیمیرسیز، بیر حؤکمدار گلرکی، شاهلاردان باشقادیر (او) اونلاری ایشلری خاطرینه مجازات ائدر. یئر، اؤره گینده کیلری اونون اختیاریندا قویار و آچارلارینی، اونا

تاپشیرار. او زامان(او) پیغمبر قویان عدالتی، گوستریب، کتاب و سنتده اونودولموشلاری دیریلدهر.

ینه بو خطبه دندیر: ...بئله گؤرورم کی اونون سسی شامدان اوجالیر. کوفه کنار لاریندا بایداقلاریله دولانیر، قیزقین دوهلر کیمی اونلارا اؤزگتیریر. یئرئوزین (کسیلمیش) باشلاریله دولدورار.

آغزی آچیق. قدملری آغیر، میدانلی گنیش و قورخولیدیر. آند اولسون تانرییه او، سیزلری ائله هر یانا داغیدارکی، گؤز سؤرمه سی قدهر سیزلردن اثر قالماز. چتین لیک و یازیق لیقلاار ئوزانار تا او زامانا قدهرکی عرب لرین آرمیش عاغیل لاری باشلارینا گلله. او زامان یئری وارکی ایسلامین ابدی سنتلری و آیدین اثر لرینه و یاخین پیمانلارینا کی پیغمبردن قالیب، قانیدا سیز. آیلین شیطان یوللارینی سیزلره، راحت بیلدیریر. بو خاطره کی اونون دالینا دوشوب ایزله ییجی اولاسیز.

خطبه ۱۳۹ - او حضرتین کلامیندهن

ائله شورا بئله نتیجه وئره

...هئچ کیم تانری چاغیران ایشلرده ویاخینلاری یولوخماقدا و احسان ائتمکده، مندن قاباغاگئچمیوبدور اودورکی سؤزومی ائشیدیپ، یاددا ساخلیون. بیر او قدهر زامان چکمزکی بو خلافت ایشینده قلینج لاری چکیلیمیش و ایلغارلاری پوزولموش گؤررسیز. تا اوراجاق کی، سیزلردن بیر پارالاری، یولدان چیخیمیشلارین باشچیسی اولار. بیر پارالاری دا، آنلامازلارین دالیندا دورار.

خطبه ۱۴۰ - او حضرتین کلامیندن

غیبت اولونماسین

...یئری وارکی گناه لاردان کنار گزه ن اینسانلار، گناه ایشلردن چیخانلارا تانری و اونون

رسولی (ﷺ) یولوندان کنار اولانلارا، بو خاطره کی اولوتانری، تقوا نعمتین اونلارا باغیشلییدیر، شاکر، گناه صاحب لرینه رحم لی و غیبت لریندن مانع اولسونلار. نه اوچون و نه علت وار کی بیر اینسان، قارداشیندان عیب آختاریب و اونسی گرفتار اولدوغی فیرتینا خاطرینه دانلیر؟ آیا تانری اونون گناھلارینا چکدیگی پردہ نی یا دا سالمیر؟ یا خود بیلیمیر ئوزی اتدیگی غیبت گناھیندان، بویوگینه تانری پردہ چکییدیر؟ نجور اونسی او گناه، خاطرینه کی ئوزی اونون تاین گورور، دانلیر؟ اگر ئوزی او گناھا ال وورماسادا، اوندان آیری بیر گناھی وار کی قارداشی گناھیندان، بویوکدور. آند اولسون اللهه: اگر بویوک بیر گناھا، اوندان باش وئرمه سه، بو کیچیک گناه، بو خاطره کی قارداشینا جرأت تاپیب، بویوک بیر گناه ساییلار.

ای تانری بنده سی: هنج کیمین گناھی اثرینده عیب آختارماغینا تلسمه کی شاید تانری اونسی باغیشلییدیر. سنده کیچیک گناھیندان آرخابین اولماکی احتمالی وار مجازات اولاسان. بوناگوره هر کیم بیر آیری سیندان، پس عیب بیله، یئری وار ئوزونی ساخلا سین. چون ئوز عیب لرینه آییق دیر و گرهک بو خاطره کی ئوزگه لرده اولان عیب اوندان یوخدور، شاکر اولسون.

خطبه ۱۴۱ - او حضرتین کلامیندن

غیبتہ قولاق آسما

...ای جماعت: هر کیم قارداشین تانیدی و اونون دینده محکم اولدوغون بیلدی، و دوشوندی کی او (قارداش) دوز یولدادیر، گره کمز ئوزگه لر سؤزونه قولاق وئره. آییلین بیر پارازمان اوخ آتاین اوخی، خاطا گئدر. سؤز چوخ دانیشیلار ولی باطل سؤز آرادان گئدر. تانری ائشیدن و شاهید دیر. اما بیلین کسی حاق لا باطلین اورتاسیندا یالنیز دؤرد بارماق بوی آراوار «بو سوء زون آنلامین امام (ﷺ) دان سوروشدولار او بارماقلارین بیرلشدیریپ قولقلاری ایله گؤزلری آراسیندا یئرلشدیریپ بویوردی»: باطل اودورکی: دییه سن ائشیتدیم و حاق اودورکی دییه سن گؤردوم.

خطبه ۱۴۲ - او حضرتین کلامیندن

مالی هاردا باغیشلامالی سان

...هر کیم حاق یولوندان سوای. باشقا یولدا احسان ائده، باغیشلادیغیندان فایدا آپارماز مگر بوکی، آلچاق و شرارتلی آداملار اونوی، اوه لر. بئله بیر آداملار، تا او زامان کی اونلارا احسان یتیشر، دییرلر: نه قهدهر چوخ باغیشلیان و، الی آچیقدير!!...

بئله باغیشلیان، مالینی تانری یولوندا وئرمیب و پاخیل اولوبدور. تانری هر کیمه مال باغیشلادی، یئری وار او مالدان ئوز طایفالارینا دا یتیرسین و یاخشی حالداقوناقلیق وئرسین. او مالدان اسیر آزاد ائدیپ، یوخسول و بوشلی لارادا باغیشلا سین و یئری وار بو مال باغیشلاماقدا اللهین اجری اوچون صبری اولسون چون کی بونلار، انشاالله دونیادا شرافت و بؤیوکلوک و آخیرتده فضیلت سبب لری دیلر.

خطبه ۱۴۳ - دن

تانری دان یاغیش ایسته مک

...آییلین او یئرکی سیزی اؤستونده ساخلیب و او گؤی کی، کولگه سینده سیز، هر ایکی سی، تانریزا اطاعت لری وار. اونلار سیزلرین قورخوسوندان، یا سیزلره یاخین اولماق، یا اورهک یانقی سی خاطرینه، باغیشلامازلار و سیزلردن اومودلاری یوخدور بلکه، اونلار سیزلره احسان مأمورلاری دیلار و تانری امرینی ائشیدیب، مصلحت لریز یولوندا دیلار...

...دوغروسی الله، پیس ایشلردن چیخان بنده لرینی، یتیمیش لرین آزیلیقی، روزیلرین قاباغی آیینماق و خیر قاپولارینین باغلانماقیله یوخلور تا توبه ائدیپ گناهی ئوزلریندن کنار و یولا گل سین لر. اویودائشیدنلرده، گوستریشی قبول ائت سینلر، گناهدان قورخانلار، گناها ساری چکیلمه سینلر.

تانری توبه نی روزی لرین چوخلوق سببی و رحمت وسیله سی قرار وئریدیر «نجه کی

نوح سوره سینده آیه لر ۱۰ تا ۱۲ ده بویوروب» «تانریزدان توبه ایله باغیشلانماق، ایستیهین. دوغروسی او چوخ باغیشلییاندیر. او گۆیدن سیزلر اوچون یاغیش گونده ریر و سیزلری مال و ائولادیلر، یاردیم ائدیر» اودورکی تانری توبه ایله گری اوتورانا و یانلیشلارین عذرینی ایستیه نه و ئولومدن قاباغا دوشه نه رحمت ائت سین.

الاهی، بیز ائو و اورتولریمیزدن کی حیوانلار و اوشاقلارین سسی اوردا او جالمیشدی، سنه ساری ئوزگتیرمیشیک. سندن رحمت و آرتیق نعمت ایستیپ خشم و عذابیندن قورخوروق.

الاهی بیزلره یاغیش یاغدیر و اومودسوز ائتمه. قتلیق و داریشلیق ایللره قایتارما. بیزلری، دوشونمین لریمیز گوره ن ایشلرین گناهینا، مجازات ائتمه. ای سئویملی لرین سئویملیسی. الاهی سنه ئوزچئویریب و سنه گیزلین اولمیان لاردان شکایتیمیزوار. او زامان کی چتین لیک و داریشلیق بیزلری زواللی ائتدی، و قورولوقلار و زحمت لی ایل لر بیزلری توتوب و چتین و دولاشیق هوسلر قدر تیمیزی آلدی و فیرتینالار بیزه ئوز چئویردی، سندن ایستیریکی کی: اومودسوز و غصه لی قایتارمیه سن و بیزی گناهلاریمیزا گوره، مجازات ائتمیه سن و ایشلریمیز ایله، توتوشدورمیه سن.

الاهی! یاغیش، برکت، روزی، رحمت یاغدیر. فایدالی، دیوران، یتیره ن سو یتیر تا الدن گئتمیش اوتلار و ئولن یئرلر دیرلین. بیزه بیر سو وئرکی عطشیمیز قویسون. بوللی یتیمیشلر یتیرسین. او سوکی، دره تپه لر دیوب، چایلار آخسین آغاجلار برکتلی، ده یه رلر اوجوز لانسین چون «هر نه ایسته سن باجارا بیلرسن».

خطبه ۱۴۴ - دن

امام لارین فضیلتی

اولوتانری پیغمبرلرینی سئچیب، اونلارا وحی ائتدی و بنده لری اوچون یول گؤسته ره ن قرار وئردی تا عذرینری قالماسین. بئله لیکسده بنده لری صدق دیل ایله، حاق یولونا چاغیردی.

آییلین، تانری بنده لرین سرلریندن پرده نی کنار ائتدی اما نه بو خاطره کی گیزلتندیکلریندن خبر سیزدیر، بلکه بو خاطره کی اونلاری سیناقا چکسین و بیلسین کی کیمین بیلگیسی یاخشیدیر تا عمل لرین ساواب و مجازاتی، یثرینه دوشسون. هاردادیلار اونلار کی، خیال ائدیر دیلر بیلگیده بیزلردن قاباقدیلار؟ اونلارین بو ادعالاری یالان و بیزلره ظلم دیر.

چون تانری بیزلری اوجالدید و سیزلری آلچاقلانددیردی، بیزه وئردی و سیزلری دال ووردی. بیز ایله هدایت و گؤز آچیق لیق، ایسته نیلر. امام لار و باشچیلار قریش دندیلر، بنی هاشم بطنینده اکیلیب لر و امامت و ولایت اونلاردان آیریسیندا، صلاحیت یوخیدیر. (آزقین اینسانلار).

بو خطبه دندیر: دونیانی توتوب آخیرتی آتدیلار. دوری سویی بوراخیب، قوخوموش سویی، ایچدیلر. ائله بیل کی، بونلارین بیر نفر یولدان چیخیمیش لاریندان گوروره م پیس ایشلردن چیخیر و او ایشلری ئوزونه باب میل بیلیر و بونلار ایله توکلرین آغاردیب و اخلاقی دا اورنگ دیر.

ان سونوندا بیر جوشقون شل کیمی غرق ائدیر یا آلوو کیمی یاندیریر و غرق ائتدیگین و یاندیردیغین حسابا گتیرمیر. هانی او عاغیل لار کی هدایت چیراغینا مایل اولارلار؟ و هانی او گؤزلر کی تقوا مناره لرینه باخسینلار؟ هانی او آورده کلرکی تانرییه باغیشلانیلار و تانری اطاعتیندن اوتری باغلی دیلار؟ اونلار دنیا مالی او چون هجوم چکیرلر و حارام او چون بیریرلری ایله توخونورلار. بهشت و جهنم بایداقلاری، اونلار او چون گؤرونور. اما اونلار بهشتدن قاجیب، ایشلری ایله اودایانا شیرلار. تانری اونلاری چاغیراندا، هولکورلر اما شیطان چاغیراندا، قبول ائدیب، تله سیک اونا ساری گندیرلر.

خطبه ۱۴۵ - دن

دونیانین وفاسی - بدعت لر - پیغمبرین یولی

...ای جماعت، سیزلر بو دنیاسدا ئولوم اوخلارینین، نشانه لری سیز. هر ایچماقدا

بوغازاداشلانماق و هر تیکه ده، دویولمک احتمالی وار. هنج زامان بیر نعمته یتیشه بیلمه سیز مگر بوکی بیر آیری نعمتی الدن وئره سیز.

عمر صاحبقرینه عمر وئریلمز مگر بوکی، بیرگون اونون عمریندن، گوتوروله. هر آرتیق یشگی لذت آرتیرماز اما، مقدور اولونموش اندازا اونون روزی سیندن آزالار. اونون اوچون بیر نشانه اله گلمز مگر بوکی بیر نشانه، اوندان محو اولو و هنج زاد اونا یشی لنمز مگر بوکی بیرزاد اوندان اسکی له شه.

هر زاد اونون اوچون گویه رمز مگر بوکی بیر زاد اوندان بیجیله. حقیقت بئله دیرکی اصل لریمیز گنجیلر و بیزلر اونلارین فرعلری بیک. اصل گئنددن سونرا فرعه بقایو خودور. بو خطبه دندیر: بیر بدعت وجوده گلمز مگر بوکی بیر سنت اونودولار. بونا گوره بدعتدن کنار اولون و آیدین یولدا قدم گوتورون.

چون، گنچمیشده کی اصالتلی ایشلر، یاخشی و سوندان ایجاد اولان بدعتلر پیس دیلر.

خطبه ۱۴۶ - او حضرتین کلامیندن

بیر مشورتین جاوابی

...حقیقتی بو ایشده سینماق یا اوغورلی اولماق جاماعاتین آز و یا چوخلوقوندان دگیل. او، تائری دینی دیرکی اوئی اوستون ائتدی و اونون دؤیوشچولری دیرکی اونلاری حاضرلیب، یاردیم لاندیردی تا معلوم اولونان یثره دک چاتسین و او یئثرده کی ظاهر اولونمالیدیر، ظاهر اولسون.

اولوتانریدان، اوستون اولماق وعده سی بیزلره وئریلیب و اودا وعده سینه وفالی و عسگرینه یاردیم دیر. رهبرین ایشی او ایپه بنزه رکی مؤهره لر اونا دوزولر و او ایپ، اونلاری نظاما چکهر. اگر ایپ قیریلسا، مؤهره لر بیربیرلریندن، آیریلیب، سپیلرلر. اوندان هاموسی نی بیر یثره بیغماق ممکن دگیل.

اگر بوگون عربلرین سای آزدیر، اما بیرلیک اثرینده چوخالیب و یغیشمک اثرینده عزت تاپارلار. سنده اورتادا محور اولوب عربی دولاندیر. ساواش آلوولارینی، دشمنلاردا

آلشدیر. یوخسا اگر بوردان چیخیب گنده سن، او ئولکه نین عربلری سنه اولان بیعتی سیندیرارلار. اوندایرکی بیلرسن، دال سالان ایشلرین، قاباغسا سالان ایشلردن یاخشیی ایملش. صاباح عجم لر سنی گوروب دییرلر بو، اونلارین بؤیوکلری دیراگر اونسی اورتادان قالدیراسیز، راحت اولار سیز، اوندایرکی سنی یوخ ائتمک فیکری اونلارین تاماھلارینی چوخالیدیپ ایستک لرینی آرتیرار. اما بو سؤزکی دئدین: اونلار مؤسلمانلارین ساواشلارینا گلیرلر، اولوتانرینین، سندن آرتیق، اونلاردان کراھتی وار و ایستهمه دیگی زادی، کنار ائتمکده قدرتلیدیر. اما اونلارین چوخ اولدوقون دئدین، آیل کی بیزلر، گنجه جکده، چوخ نفرلی لیک ایله، ساواش ائتمیردیک بلکه، تانری یاردیمی ایله ساواش ائدیردیک.

خطبه ۱۴۷ - دن

پیغمبرین معنی - گلن گونلر

...تانری محمد (ﷺ)ی، حاق اساسیندا، یوللادی تا بنده لرینی بؤت لر ستایشیندن ساخلیب و ئوز عبادتینه ساری چاغیرسین و اونلاری شیطان اطاعتیندن آیریب ئوز اطاعتی طرفینه یول وئرسین. او قرآنیله کی اوندایرک سؤزلر وار محکم لندیردی، تا بیلیمین بنده لر تانریلاری اوچون بیلجی اولسونلار.

اونی دانانلار اونا اقرار اندیب و ارلیقین اثبات ائتسینلر. اودورکی تانری گورونمه دیگی حالدا، کتابیندا کی آیه لرله قدرتی نی گوستردی و اونلارا بؤیوکلوگیندن قورخی وئریب آییق ائتدی کی، نئجه ملت لر یوخ ائتدی و اونلاری عذاب و مکافات اوراقیله بیچیلیمگین دوشوندوردی؟

تئز اولارمندن سونرا بیر زامان گلرکی، حاقدان گیزلین و باطلدن آیدین بیر زاد گورونمز. هابئله تانری و پیغمبره یالان باغلاماق چوخ اولار جاماعات اورتاسیندا قرآندان آلیجی سیز بیر ماته تاپیلماز. اگر اونون حاققی نی یئرینه یترهلر، اوندان ده یهرلی بیر زاد یوخدور. عین حالدا اگر اونی چاشقین یتره اوخویالار، ولایت لرده معروف لاردان اؤزگه و منکرلردن تانیس بیر زاد اولماز. قرآنا تانیس اولانلار اونی قیراغ آتیب وقورویانلار اونی اونسودارلار. قرآن و

اونون یولونی گئندلر، کنار اولوب اورتادا دگیل لر. هر ایکسی بیر یولدا اولان حالدا، بیر کیمسه اونلارا پناه وئرمز.

قرآن و اونون اهلی جاماعات اورتاسیندا اولان حالدا، اونلارایله دگیل لر چون آزقینلیق هدایت له بیرلشه بیلمز. او زامان جاماعات آیری لیق لاردا بیر دیلر و بیرلیکلرده آیری لیقلاری وار. ائله بیل کی بونلار قرآن یولون گوسترن دیلر اما قرآن اونلارایول گوسترن دگیل. اونلارین اورتاسیندا قرآندان بیر آد قالار و اوندان یالنیز یازی لارینی تانییارلار. بو زامان گلمه میشدن، دوزگون آداملاری ایذا لاندیرارلار و اونلارین دئدی کلرینی تانری و اونون پیغمبرینه بهتان بیلرلر. یاخشی ایشلرین امه گینه مجازات قایل اولارلار. او آداملار کی سیزلردن قاباق واریدی لار، ئوزین آرزو لاری اولماق اثرینده و گلله جک ئولوملری، گیزلین اولان حالدا ئولومه قالدیلار. ان سونوندا ئولوم اونلارا ال تاپدی. او ئولوم کی عذر قبول ائمز و توبه اوچون ماجال یوخدور. آغری و چتین لیکلر، اونولا یولدا شدیر.

ای جماعت هر کیم تانری دان او بود ایسته سه، او غورلی اولار. هر کیم اونون دئدی گین ئوزونه یول قرار وئره، دوزگون بیر یولا ال تاپیدیر. چونکی هر کیم اونا پناه گتیره، اماندادیر و اونون دشمانی، هر زامان قورخودادیر. یئری یوخدور کی هر کیم اونون بؤیوکلی گین، تانیدی، ئوزونی بؤیوک بیله. چون الله دان قورخانلارین، بؤیوک مقام لاری: بوندا دیر کی بیلیرلر اونون مقامینا اندازا یوخدور و قاباقیندا تواضع لری وار و قورتالمین قدرتینه آییق و اونا تسلیم دیلر. هنج زامان ساغلام آدام، قوتورلوق توتاندان و خسته دن قاچان کیمی، الله دان قاجمیه جاقدیر.

بونو بیلین کی هنج زامان، دوزگون یولی تاپاییلمه سیز مگر بوکی، اونو اونودانی، تانییه سیز. وفالی اولمیه جاقسیز مگر بوکی ایلغار سیندیرانی تانییه سیز. تانری کتابینا ال آتمیه جاقسیز مگر بوکی اونو کنار و ورانی، تانییه سیز. او دورکی اونو، اهلیندن آراشین. چون اونلار علمی ساخیان و بیلمه مزلیگی ئولدورندیلر. اونلارین حؤکملری علم لریندن، سوسماقلاری دانیشیق لاریندان و گؤرونوش لری ایچه ری لریندن خبر وئیر بونلار، نه دین له قاج دیلار و نه ده اوندا اختلاف لاری وار. دین اونلارا بیر دوزگون شاهید و حؤپ توتان بیر

خطبه ۱۴۸ - دن

او طلحه دیر بودا زیر...

...اونلاردان هره سی چالیشیرکی حکومت، اونون الینه دوشسون اما یولداشینا چاتماسین... اونلار اللّٰهین محکم ایینه ال آتمیوب و اونا یاخین دگیل لر. اونلارین هره سی، یولداشی اوچون کینه لی دیلر. آز زامان چکمزکی، کینه لردن پرده لر کنار اولار. آند اولسون الله، اگر ایستکلرینه یتیشهلر، بیرسی او بیرسی نین جانین آلا و او بیرسی ده بونی آرادان گوتوره...

بیر جوشقون و ظالیم طایفا، آیاغا قالخیب لار، هانی او طایفه کی حقیقت لری، تانری رضاسی اوچون، نوزه گتیر سینلر؟ بیر حالداکی پیغمبرینین سنتی اونلارا دئیلیب و بوگونون خبرلری اورگه نیلیب دیر.

هر آزقینلیقا بیر علت وار و هر ایلغار سیندیرانا بیر بهانه، اما آند اولسون الله، من او آدام دگیلم کی، آغلاماق سه سین و ثولوم خبرین انشیدندن سونرا عبیره گلیمیم.

خطبه ۱۴۹ - دان

ضربت وورولاندان سونرا - بویورمالار - آیریلماق

...ای جماعت، هر اینسان عین حالداکی ثولومدن قاچیر، ینه اونی درک انده جاقدیر.

اجل دیریلیگی قوغالیر، اما اونون قاباقیندان قاچماق، اونا چاتماقدیر...

چوخ زامان، بوگنیشده، دریندن فیکر ائتمیشم. اما تانری اونون گیزلین اولماغین ایستیر و بو بیلگی، گیزلینده قالمیش علم لردندیر. اما منیم سیزلره وصیتم بئله دیر: تانرییه شریک توتمیون، و محمد (صلی الله علیه و آله) و اونون سنتینی فنایه چکمین، بو ایکی دیره کدن یاخشی مفایات اولون و بو ایکی چیراغی ایشیقلی ساخلین، تا او واختا قه ده رکی، بویولدان آزما میسیر، سیزلره دانلاق یثری یو خودور. هر کیمه، باجاریقی قه ده ر بیر وظیفه

وثریلیب اماجاهل لردن، بو وظیفه گوتورولوبدور.

سیزلرین سئویملی تانریزا، دینیز محکم و بیر آییق امامیزوار. دونن سیزلرین امامیز و بوگون سیزلره بیر او بود نمونه سی یم و صاباحدیرکی، سیزلردن آیریلجاغام. تانری من ایله سیزلری، باغیشلا سین.

اگر من بوسوروشگن یئرده، توختوب قالجی اولام، ایسته گیز دیر و اگر آیاق سوروشوب بودونسادان گندهم، آغاجلار کولگه سینده، یئل قاباغیندا، یئر ایله گوی آراسینداکی، کیلنمیش بولوتلار کیمی یوق کی اثرلری داها قالمیر.

من سیزلرایله نئچه گون قونشو ایدیم و تنز اولارکی مندن بیر روحسوزبدن قالار کی اوند، ال آیاق ترپنمه لری و گؤزلر و هیکل ترپنمه سی یو خدور. منیم دینمه مزلیگیم و ساکت اولماغیم گره کدیر، سیزلره، او بود و عیبرت اول. بو حالت لر عیبرت آلانلارا بیر او بود و هر منطق دن اثرلی دیر. من ایله سیزلرین آیریلماقی، او کیشی نین آیریلماقینا بنزه رکی یولداشلاری اونون گوروشونه حاضر له نیلر.

صاباح منیم بوگونلریمی یاد ائده جاقسیز و منیم ایچهری سرلریم، سیزلره بللی اولاجاقدیر. ائله کی منیم یثریم بوشالدى و آیری بیر نفر یثریمده اوتوردی، او زامان منی تانیه جاقسیز.

خطبه ۱۵۰-دن

مندن سونرا فیرتینالار، بیر ایشیقلی چیراغ

...هابنله ساغ، سولدان، آزقین لیغادوشوب، دوزگون یولدان قیراغادوشدولر. هدایت یوللارینی اونوددولار. چوروک ایشلرین باشیزا گلماغینا ته له سمین و صاباح باشیزا گلن لری ده، ایراق بیلمین.

چوخ ایشلره تله سن لر، هر زامان بیرایشه ال تاپدیلا، آرزی ائده رلرکی «ای کاش، او ایشه ال تاپیمیه ایدیلر...» او گله جاق چوخ یاخیندیر.

ای بو زامانین جماعتی، ایندی، وعده وثریلن فیرتینالارین و سیزلره گیزلین اولانلارین

یتیشن چاغیدیر!! آیلین، بیزلردن بیرنفر باشچی او فیرتینالاری درک اندر، ایشیقلی بیر چیراغ ایله آیاق گوتوروب صالح لر یولوندان گئدر تا، فیرتینادوگونلرین آچسین و توتولانلاری نجات وثریب آزقین ییغیناقلاری، داغیتسین و دوزگون داغیلانلاری، ییغسین. بو باشچی جاماعات آراسیندا، تانیلمین بیرشکیلده دیریلیک اندر. ائله بیر شکیلده کی اونو آراشانلار، هر قدهر چالیشالار، ینه اونون نشانه لرین گؤرمز لر.

بیردسته اینسانلاردان بو زامان، دمیرجی قلینجلاری ایتی له دن کیمی، ئوزلرینی اصلاحه چکیب و گؤزلرینی قرآن نوری ایله ایشیقلا ندیرارلار و اونون تفسیری، قولاقلارینا یثرله شر، هر آخشام وسحر حیکمت کاساسیله دو یارلار.

بو خطبه نین بیر آیری بؤلگوسی: ...اونلاریندا دورانلاری، ئوزانار تا گناه ایشلرینی، یتیرسینلر و قورخولی عذابلار چیخارلی اولسونلار. بئله لیکده اونلاریندا دورانلاری باشاچاتار. بیر پارا اینسانلار راحتلیقی آریب، بو فیرتینالارین آردیندا اولدولار و حاق یولوندا نفس لریندن گئچمه دیلر. بیر پارا لاریدا، تانری یولوندا دؤزوم و دایانماقلاریله، تانریه منت قویما دیلار تا او زامان اولدی کی، اللهین بلا مقدراتی یتدی و اونلار بصیرت لرینی شمشیرلری ایله بیلیندیر دیلر. ان سونوندا، الله، پیغمبرینی دنیادان آپاردی. بونلارین بیر پاراسی بویولدا دال قانیدی ب هلاک اولدولار. چون ئوز بیلدی کلرینه، آرخائین اولوب ئوزگه لره تابع اولدولار و امر صاحبین، دوستلوقوندا قاجیب و دینین کوتوگون اصل یثریندن گوتوروب اساس سیز یئرده قویدولار. بونلار گناه و خاطا معدنلری و گناهلار قاریشانلارین، قاپولاری دیلار. اونلار حیرت و شاشیرتیدا دولانیب فرعون ائلی نین یولوندا اولدولار یعنی دنیایه مشغول اولدولار و یا آیدین شکیلده دیندن آیریلدی لار.

خطبه ۱۵۱ - دن

پیغمبرین مدحی - عربلره یول گوسته ریشی - فیرتینالار

...تانریه شوکر ائدی ره کی شیطانی ئوزاقلان دیران ایشلرده منه یاردیم اولدی و اونون توغلاماقلاریندا اوراق قالماق اوچون یاردیم ایستیرم. شهادت وثریره م کی محمد (ﷺ)

اونون بئندە و پیغمبری و فضیلت مقامیندا اونا تایی یوخدور و اونون یثرین، بیر کیمسە دولدوراییلمز.

شەرلر ضاللتدن سونرا اونون نوری ایله ایشیقلاندیلار بیر حالداکی جاماعات حاراملاری، حالال بیلیم دوشونن بیلجی لری آلچاق سانیردیلار، دین سیز یاشاییم یولسوزلوقدا ئولوردولر.

ایندی ای عربلر؛ سیز بو یاخینلیقدا گلن بلااوخلارینین نشانەلری سیز. اودورکی نعمت لرین مستانه لیک غفلتیندن و ایشلرین آغیر مکافات بلا سیندان ایراق اولون.

اولاجاقلار بورولغانیندا کی واقعیتلر بللی اولار و هابئله دولاشیق دوشموش فیرتینالار، کی فیرتیناوشاقی دونیایه گلندە، اونون ذاتی بللی اولار و زمانه دیگرمانینین قطبی ایجاد اولونان زامان، بصیرتلی اولون. او فیرتینالاردان کی گیزلیندن وجوده گلیب رسوای چلیق انده رلر، قاچین.

اونون آرتیریپ و بؤیومگی او گئنجین بؤیومگی کیمی و اونلارین داشلارا اثر سالماغی کیمیدیر. ظالیملر، بیر ایلغاراؤزریندە، اوفیرتینانی، بیربیرلریندن ارث آپارارلار. ائله کی، اونلارین اولنجی سی آخیرنجی کیمسە نین و آخیرنجی کیمسە اولنجی کیمسە نین آپاریجیسی دیر، بونلار آلچاق دونیایه کونول وئرمکده، ایتلرکیمی بیربیرلرینی قاباقلارلار وقوخوموش بیر مردار اوچون تاماهلانیپ بیربیرلرینه دشمان اولارلار. بیر او قەدەر زامان اولماز کی مرید مراددان و مراد مریددن بئزیکەر. بیربیرلریندن کینه ایله آیریلیپ، و گوروش زامانی، بیربیرلرینه قارقیش انده رلر. بیر آز زامان سونرا قورخولی و سیندیران فیرتیناگلر. اوند؛ محکم آورە کلر توتقون اولار و کیشی لر، ساغلاملیقدان سونرا، یولسدان چیخارلار. بو فیرتینالار یارانان زامان، فیکرلر داغینیق و دوزگون ایناملار، شاشقین نظره گلرلر. هر کیم اونلارین قاباقینا چیخسا، سیندیرار و هر کیم اونی سوندورمگه چالیشا، یوخ اندر. بو زامان جاماعات بیر بؤلوم آورەک اولاغ کیمی بیر بیرلرین قاپارلار. دین ایپی، ئوزولر و ایشین کوکی گیزلیندە قالار. او فیرتینا زامانی، علم و بیلجی لیکلر، اسگیک اولار. ظالیم آداملار دیل آچارلار. او فیرتینا، چؤل آداملارینی باسیپ، دؤشوندە ازەر. اوفیرتینادا

یالقیز قالانلار آرادان گندیب و قاباغیندا دایانانلار، ئولومه دوشرلر. او فیرتینا آجیلیق ایله گلیب، تازا قانلاری، ساغار و دین نشانه لرینی کورلوب، حاق اینانچ لارین، سیندیرار. تمه ملی ایش گوره نلر اوندان قاچارلار. پس فیکر صاحب لری، فیکر لری ایله اویولدا قدم گوتوره لرلر. اوفیرتینالار چوخ هارایلی و چوخ آغیر و تله سن دیلر. یاخینلار بو فیرتینادا بیریرلریندن آیریلارلار. ایسلام اوندان ایراقلانار...

او فیرتینادان ایراق گزه ن، خسته دوشر و اوندان کوچوب گئدن دوشگون قالار... بو خطبه دندیر: بیرپارائولوب قانی هدر اولار. بیرپاراسیدا، قورخودان پناه آختارار. آندایچمک وئوزونی دینلی گوسترمکیله اونلاری توغلارلار. بئله زاماندا، چالیشین تا بدعت و فیرتینابیداقی اولمیه سیز. جماعت ایپیندن و بنده لیک کؤکوندن ال گوتورمون. تانری یه مظلوم گئدین تا ظالم. شیطان یولی و ظلم مکانلاریندن ایراق گزین. حارام تیکه لری قارنیزا دولدورمون، چون کی؛ بیر اولوتانرینین نظرینده سیزکی، گناهی حارام بویوروب و بنده لیک بولونی راحت ائدیبدیر.

خطبه ۱۵۲ - دن

توحید - اللهین نئجه لیکلری

...حمد او تانریه یاراشارکی یارانمیشلارین وجوده گلمه سی، اونون اولماغینا دلیل دیر و اونلارین حادث اولماغی، اونون ازلیت دلیلی و یارانمیشلارین بیریرلرینه بنزه ریشی، بونا دلیل دیرکی، اونا تای یوخدور. عاغیل لار اونون ذاتین دوشونه بیلملر. هئج اورتوک اونسی اورتیه بیلمز بونا گوره کی، یارانمیش ایله یارادانین و چئوره لنمیش ایله چئوره لیین، بسله نن ایله بسلین، آیریدیلا.

بیر دیر اما نه او بیرکی سایا گلر. یاراداندیر اما نه او یارادان کی زحمت چه کر. ائشیدندیر اما نه او ائشیدن کی قولاغی وار. گوره اما نه گؤز آچیقلیق و کیریک چالماقیله. اونون حضوری وار اما بیر زادا سورتولن دگیل. آیری دیر اما نه ئوزا قلیق ایله. گورور اما نه گؤزلرایله. گیزلیندیر اما نه لطافت سببیدن. قدرتی اولان زادلاردان غالب

اولماق سببی ایله آیریدیر. هر زاد تواضع و اونا قائیتماق سببی ایله اوندان آیری دیر. هر کیم اونی یارانمیشلار بؤلومی ایله تانیسا، اونی محدود اندیدیر و هر کیم اونا حدود قایل اولسا، اونی سایاگتیریدیر و هر کیم اونی سایاگتیرسه اونون اولدن اولدوغونی باطل بیلیر. و هر کیم دئسه او نجوردور؟ اونی تعریفه چکییدیر و هر کیم دئسه هاردادیر؟ اونی بللی اندیر...

او بیلن و قدرتلی تانریدیر او زاماندان کی، بللی اولونان و بسله نن و آیری اولانلار یوخ ایدی.

بو خطبه دندیر: ... بیر گوش چیخدی و بیر ایشیقاندیران پارلادی و ئوزه چیخمالی ئوزه چیخدی ایکی قات اولان دوزهلدی. تانری بیر طایفانی بیر طایفایا و بیرگونسی آیری گونه چئویردی. بیز بیرنفر قوریلوق چکمیش یاغیش انتظاریندا اولان آدام کیمی، روزگارین دولانیش و دؤنمه گنین یولون گؤزلردیک. اماملار تانری طرفیندن جاماعاتین قیمی و اونسی بنده لره تانیتدیراندیلار. هئج کیم اونلاری تانیمامیش و اونلار جماعتی تانیمامیش بهشته گئتمزلر. یالنیز اونلاری دانانلار جهنمه گئدرلر و اونلاردا دانانلاری ئوزلریندن ییلمزلر...

تانری ایسلامی سیزلر اوچون و سیزلری ده اونون اوچون مخصوص ائتدی. بو ایش بوخاطره دیرکی اونون آدی، ساغلاملیق و بؤیوکلوک و افتخارلیدیر. تانری اونون یولونی به یه نیلمیش قرار وئردی و اونون دلیل لرینی بئله بویوردی کی: ائشیگی ییلمگی و ایچی حکمتدیر و اونون معجزه لری فناسیزدیر. آرادان گئدن دگیل. یاز یاغیشلاری کیمی نعمت لری وار و قارانیقلارین چیراغیدیر. یاخشیلیق لار اونون آچارلاری دیلار. خیر ایشلر او آچارلار ایله آچیلار. قارانیقلار اونون چیراغی وجودیله آرادان گئدر. تانری حاراملارینی، اوندا بللی اندیب و حالالارینی نشان وئردی. بو کتابدا، تانری درمانی شفا آختارانلارا و محتاج سیزلیقی، محتاج سیزلیق آختارانلار قرار وئربیدیر.

او حضرتدندیر: ... او یولدان چیخمیشا، تانری وول وئریب، اما او، او یغودا اولانلارین یولوندا گئدیر و گناهی اولانلاریله، یاشاییر. بیر حالداکی حاق یولوندا دگیل. هابئله بیر یولدا دیرکی امامی یوخدور.

او حضرتدندیر: ...ان سونوندا، تانری ایستیر گناھلارینین سزاسین، اونلارا نشان وئریب و اونلاری غفلت پرده لرینین دالیندان چیخارتسین. اونلاردا دونیایه دال چئویریب تاپدیق لاریندان فایدا سیز، بو دونیادن گندرلر. من ئوزومی و سیزلری بئله بیر اولاجاقدان کنار اولماغی ایستیره م. گرہ کدیر هر کیم ئوز ئوزیندن فایدا آپارسین چون آییق اینسان اودورکی، انشیدیب فیکرانده. باخیب، تانیش اول و عیبرتلردن فایدالانا. او زامان گرہ ک دوزگون یولدا گنده. بوروق، ترسه و یالنیش دوشن یوللاردان ابراق گزه. ئوز زیانینا اللشیب، سؤزی چئویرمیہ یا دوز سؤزدن قورخماقیله، ظالیملری ئوزونه ساری قورشالامیه.

...ای انشیدن کفلی لوق دان و غفلتدن آییلیب هوشه گل. تلسمه او وظیفه لره کی امی پیغمبر (ﷺ) دیلنده سنه چاتیب و اونلاردان قاقماق اولماز، دقت له باخ. هر کیم او یولدا گتتیر و آیری یولا میلی وار، اوندان کنار اول و اونى ایسته دیگینه تاپشیر. تکبرلی اولماق و گووه نمگی ئوزوندن کنار ائت. قویلاقین یادا سال کی، یولون اورا دوشه جاقدیر و سنه ده ایشیوه ن گوره جزا وئره جاقلار. هر نه اکسن، اونى بیچه جاقسان. بوگون قاباقدان هر نه بوللاسان، صاباح گوره جاقسان، بونا گوره صاباحا یئر حاضیرلا و اورا زومار یوللا. ...ای انشیدن؛ کنار اول، کنار اول ای غفلتده اولان؛ چالیش، چالیش، بیل کی سنی آییق آدامدان سواى، بیر آیریسی آییلدا بیلمز.

...اللھین حؤکم لریندن کی قرآندا دئییلیب و اونلارا جزا وئریلر، و تانری اونلار اوچون سندن راضی و سئوینر، یا خشم توتار. بودورکی، اینسان هر اندازا، ئوزین زحمته سالیب و عمل لرین خالص ائده حالینا فایداسی یوخدور مگر، تانرینی بو نئجه لیکلرین توبه سیله ملاقات ائده.

- تانرییه اورتاق سانمیہ و واجب اطاعت لری یئرینه یتیره (س ۱۸ آیه ۱۰)
- یا بیر نوزگه نی ئولدوروب، آجیق لاناغین ساکت لندیره. (س ۴ آیه ۹۳)
- یا بیر آیری کیمسه نین ایشینه عیب توتا. (س ۲۴ - آیه ۱۹)
- یادونیا ایستکلرین تاپماق اوچون دینده بدعت گتیره. (س ۲۸ - آیه ۵۰)

— یا جاماعاتا ایکی نوزلی و ایکی دیللی اولار. (س ۴ — آیه ۱۴۵)

بوردا عاغلین ایشه سال کی بو او ورننگ سؤزلریمه دلیل دیر: «حیوانلارین تامام فیکرلری قارینلاری دیر و سیرتیجی جانسوارلارین فیکری، آیری لارینا زور دئمکدیر. قادین لارین فیکری، دنیا زینت لری و اوندافیر تینا یارا تماقدیر. یوخسا مؤمن لرین آلچاق کونوللوک لری وار، سئویملی دیر و الله دان قورخارلار.

خطبه ۱۵۳ — دن

جاماعاتا او یودلار — امام لارین مدحی (ع)

... عاغللی اولان، بصیرت له ایشی نین سونونی دوشونر و آلچاق اوجالین قانار. حاققا چاغیران، (ع) چاغیردی و گؤزلویه ن (ع) ده مغایات اولدی. (حاققا چاغیرانین سؤزونی ائشیدین و مغایات اولانین دالیندا اولون) بیر پارا جماعت فیرتینا دیزینده نوزورلر، بدعتلری گوتوروب سنتلری آلچاق سانیرلار. و مؤمنلر کناردا قالیب، یولدان چیخان یالانچی لار دیل آچیلار... بیزلر اونون صحابه لری، خزانه سی و قاپولاری یوق. هئچ ائوه گیرمک ممکن دگیل، مگر اونون قاپوسیندان، هر کیم قاپودان سوای آیری یئردن ایچهری گیرسه، او غری آدلانار.

او حضرت دندیر: ... اونلارین حاققیندا قرآن آیه سی گلیب و اونلار باغیشلیان اللهین علم خزینه لری دیر. دانیشاندا، دؤز دانیشارلار اگر دینمه سهرلر، بیر نفر اونلاردان قابق دیللنمز. گره کدیر هر طایفانین باشچی سی توز ارخاداشلارینا دوز و عقل له دانیشا و آخیرت ائولادی اولار، چون کی اوردان گلیب و اورا گنده جکدیر. هر کیمین عاغل و بصیرتی وار، گره کدیر هر ایشدن قابق، دوشونه کی آیا بو ایش اونون خیرینه دیر یا زیبانی؟ اگر خیری اولسا، او ایشی گؤرسون و اگر زیبانی دیر، بوراخسین. چون هر کیم دوشونمه مزلیک ایله بیر ایش گورور. او آداما بنزه رکی آیری یولدان گئدیر. بئله بیر آدام هر اندازا بویولدا گئده، ایراق دوشمگی اونا بیر زاد آرتیرماز مگر بوکی ایسته دیگیندن توزا قلاشار. هر کیم علم له بیر ایش گوره، او یول گنده نه بنزه رکی ایشیق یولدا قدم گوتورور. بونا گوره، دوشونن گره کدیر بیله،

آیا دوزبولدادیر یا بیر یولدا؟

بیل کی هر گؤرونوشون بیر ایچی وار. اگر او ظاهر پاک اولموش اولای ایچهری ده پاکدیر اما اگر ظاهر قولای اولای، ایچهری ده قولایدیر. حقیقته دوز دانیشان پیغمبر (ﷺ)، بئله بویوروبدور: «بیر زامان تانری بنده سین سنوهر اما اونون ایشین سنومز. گاهدان ایشی نی سنوهر اما ایشچینی سنومز. سو هر قهدهر ایچمه لی و تمیز اولسا، آغاج و گویه رنتی تمیز و یشیشلری شیرین دیر و اگر سوی پیس اولموش اولای، اونون آغاجی خبیث و یشیشی آجی اولار.

خطبه ۱۵۴ - دن

تانیین نجه لیک لری - گنجه قوشونون یارانماغی

...حمد او تانییه یاراشارکی تعریفلر اونون ذاتین بیان ائتمکده عاجزدیلر. اونون بؤیوکلیگی، عاغللاری حیران اندیدیر اوجورکی، نهایت ملکوتی عاغللارین درکیندن نوزاقدیر. او، حاق، آیدین، یاراشان تانری دیر. گؤروموندن ده آیدیندیر. عاغیلا چاتماز تا اونی ئولچوب، یا اونا بیر تای یاراشدیرماقیله محدود ائتسینلر. تامام یارانمیشلاری نقشه سیز، مشورتسیز و یاردیمسیز یاراتدی. دنیا یارانمیشلاری اونون اراده سیله کماله چاتیب و اونون حؤکمی آلتینا گلدیلر. او یارانمیش لاردا امرینی قبول ائدیب، نوزچنویرمه دیلر، فرمانیندا اولوب قابارمادیلار.

اونون اینجه یاراتدیقلاریندان و شاشغین حیکمتلریندن بیر، گنجه قوشونی یاراتماقدان بللی دیر. چون ایشیق هرزادین گؤزلرینی آچار، اما اونلارین گؤزلرینی یومار. گنجه نین قارائلیق آسلانجاسی هر دیری نین گؤزونو اورتیر. اما اونون گؤزلرینی آچار. نجور گؤزلری، گون ایشیقی گورمکدن عاجز اولدوغی حالدا، ایستکلرینه چاتیرلار؟ نجور تانری اونلاری ایشیق اولان یئرلرده اوچماقدان مانع دیر؟ و نجور اونلاری گیزلین یئرلرده گیزله دیدیر؟ کیپریکلری، گوندوز، بیریری اوسته دوشوب، اما گنجه قارائلیقی اونلارا چیراغدیرکی روزی دالیسی جا اوچسونلار. گنجه لرین شدتلی قارائلیقی، اونلاری ساخلییابیلمز، اما او

زامان کی گونش، ایشیغی نی هر یانا سپهله دی، و کرتن کره لرین یوواسینادک ساچیلدی، کپیریک لرین یوموب، گنجه بیغدیگی روزی لره، کفایتله نرلر. او، پاک تانریدیر کی گنجه نی اونلار روزی وسیله سی و گوندوزی دینجلمک وسیله سی قرار وئردی. اونلارین قانادلارینی، قولاق لاله سی کیمی ات لریندن یاراتدی کی قانادتوکی یا سوموک اوندایوخدور. اما سن اونلارین ایچه ریسین آیدین بیر شکیلده، گوره بیلرسن. اونلارین قانادلاری اؤیله اینجه دگیل کی بیرتیلین و اؤیله قالین دگیل کی، آغیرلیق ائتسین. اوچارلار بیر حالداکی بالالاری اونلارین بدنلرینه یاپیشیدیر. آنالاری ایله اوتوروب، آنالاری ایله اوچورلار و او زامانادک کی قول، قاناد و آیری عضولری برکیمیوب، و اوچوش اوچون حاضر دگیل لر، و گنجه جک یولی و وجودلارینین صلاحینی، بیلمز لر، آنالاریندان آیریلمازلار. پاکدیر او تانری و اونون تایی سیز یارانمیش لارینی اوندان قابق یاردان یوخدور.

خطبه ۱۵۵ - او حضرتین کلامیندن

بصره اهلینه خطاب - بیر کینه نین اثرلری

...هر کیم باجارا بیله، نوزین تانری اطاعتینده وقف ائده، گره کدیر اوفیرتینا زامانی ائتسین. اگر مندن اطاعت ائت میش اولساز، اگر یوللاری چتین و آجی اولموش اولسا، ینه تانری اراده سیله سیزلری بهشته ساری چکه ره م. اما او قادینی، قادین لارین آلچاق فیکری توتوبدور و سینه سینده کی کینه، اوجاغی کیمی قایناغا گلیدیر. اگر اونی مجبور ائتسه ایدیلر، بئله بیر ایش کی منیم حاققیدا گورور آیری لارین حاققیندا گورسون، هئچ زامان بئله بیر ایش گورمزایدی. بونولا بئله - ایندی ده احترامی یشینده دیر اما تانری یانیندا حساب وئرملی دیر.

ایمان گتیرمک یولی بیر ایشیقلی یولدور کی هر چیراغدان ایشیقلی دیر. ایمان ایله یاخشی ایشلره یول تاپماق اولار. یاخشی ایشلر ایمانا یول گوستره ر. بیلگی لر ایمان ایله آباد اولارلار. علم سبببنددیر کی ئولومون قورخوسی یادا دوشر. ئولمک ایله هر کسین

دونیاسی، باشاچاتار. دنیا سبب اولارکی آخرت اله گل سین. قیامت سبب اولار تا ئوزلرین قورویانلار، بهشته و آزقینلار جهنمه گتسین لر. هنج کیم قیامتدن قاجایلیمز اما اونا ساری گتملی دیر.

او حضرتدندیر: ... توپراق آلتیندان چیخیب، آخیرنجی یوردا ساری گندر لر. هر یوردون بیر اوتورانی وار کی هنج زامان، دییشیلیمز و آیری یتره ده آپاریلماز. یاخشی ایشلره یول نشان و ثرمک و پیس ایشلردن مانع اولماق، ایکی یاخشی و تانری سئوئن نئجه لیکلر دندیلر کی، نه ئولومی یاخینلارلار و نه ده بیر نفرین روزی سین، آزالدارلار. تانری کتایندان مغایات اولون، چون محکم، آیدین بیر ایشیق، فایدالی شفا، و عطش سوندوره ندیر. هر کیم اوندان یاپیشا، ساخلار و هر کیم اونا آسیلا نجات وئره ر.

اءیری لیگی یوخدور تا دوزه لسین سینماغی یوخدور تا، ال گوتور ولسون. چوخلی قاتلیب اوخوماق و چوخلی قولغا ییغماق، اونی اسکی لندیرمز. اوندان دانیشان دؤزدانی شیر و هر کیم اونون آردیندا اولسا، قاپاقدا دیر.

مرحوم سید رضی بویورور: ... بیر کیشی آیاغا قالخیب دئدی: ای امیر المؤمنین، بیزه بیر فیرتیندان خبر وئر و دئی آیا او فیرتینانین نئجه اولدوغونی اللهین رسولیندن (ﷺ) سوروشموسان؟ او حضرت بویوردی: «ائله کی پاک تانری بو سؤزون نازل ائتدی»: الم، احسب الناس ان یتروا ان یقولوا آما و هم لا یفتنون» س ۲۹ - آیه ۲ و ۱ یعنی جاماعات خیال اندیرکی بیز ایمان گتیرمیشیک دئمگیله بوراخیلیب سینا قا چکیلیمه جاقلار؟ بیلیریم تا او زامان کی اللهین رسولی (ﷺ) اورتامیزدادیر، او فیرتینا گلمیه جاقدیر. اونا دئدیم: ای اللهین رسولی (ﷺ) او فیرتینا کی تانری خبرین سنه وئریب ندیر؟ بویوردی: ای علی مندن سونرا، امتیم فیرتینا و فساد چکیلر لر. دئدیم: ای اللهین رسولی (ﷺ): احد ساواشیندا کی مؤسلمانلاردان چوخ شهید وئریلدی و شهادت منه قسمت اولمادی وئولمه مک منه چتین گلدی. منه بویوردون: سنه موشتولوق اولسون کی بوندان سونرا شهید اولارسان. ینه بویوردی: هر نه دئدین دؤز دور. شهید اولان زامان، سنین صبرین نجور اولاجاقدیر؟ من دئدیم: ای اللهین رسولی، بو ایشده، یالتیز دؤزمک، بلکه یاخشی سوراق و شوکر اتمک

یثیری وار. ینه بویوردی:

ای علی، بو یاخینلیقدا، مؤسلمانلار مال سببلریندن، سیناقا دوشرلر و دین لری سببینه تانرییه منت قویوب، رحمت اومودلاری وار. اونون قدرت و خشمیندن ئوزلرینی اماندا بیلرلر. اونون حاراملارینی، یالان شبهه لرایله حالال اندهرلر. چاخیری نبیذ ورشوه نی سوغات، و نزولی آلیش وئرش آدلانديرارلار. دئدیم: ای اللهین رسولی (ﷺ) او زامان اونلارا هانسی منزله یئر وئرم؟ آیا اونلاری دیندن چیخمیش بیلیم؟ بویوردی: فیرتیناو سینماق مقامیندا بیل.

خطبه ۱۵۶- دان

اویودلار

حمد اولسون او تانرییه کی حمدی ئوز یادی اوچون آچار و فضیلت آرتیمینا وسیله و هابئله نعمت لری و بؤیوک لیگینه، باشچی قرار وئردی.

ای آللهین بنده لری، بوزامان دا اوتن زامانلار کیمی گنچه جکدیر، گنچمیشلر بیرده قانیدماز و ایندی کیده قالیحی دگیل. سون ایش هامان اول ایش کیمیدیر. ایشلری بیربیرلرینه بنزیر و نشانه لریده آیدیندیر. بئله دوشونون نئجه کی دوه چی قسیر دوه لری یگیلن قوغالار، سیزلریده اوجور قیامته حاضر اندیرلر. هر کیم اؤیسا، قارائلیق و حیرته قالیب ئولومه دوشر، شیطان لاردا اونی جوشماغا مجبور اندیب، پیس ایشلرینی گؤزی قاباغیندا بزه رلر. عبادته بهشت قاباغا دوشنلرین سونی، و جهنم، قیسا گلن لریندیر.

ای آللهین بنده لری، بیلین کی قورولماق داواملی و قیمتلی بیر حصار دیر اما پیس ایشلر بیر اسگیك حصار دیلار کی، اوندان تورانی ساخلاماز و هر کیمده اونا پناه آپارا، مغایات اولماز.

آیلین تقوائله گناهلارین آغیسی ئوزاقلانار و ایمان ایله اوجامقام اله گلر. ای آللهین بنده لری الله دان قورخون، الله دان قورخون، حتی ئوزوزی یاخین لاریزدان قورویون، چون کی الله، حاق یولونی آیدین لیقجا بیان اندیب، اونون یوللارینی ایشیق لاندیریدیر. بونا گوره

ایشین سونی گرگین لیسک، یابیر یوللوق آغ گونہ چاتماقدیر. ایندی بودونیانین ایتگین گونلریندن، او دونیانین قالیجی گونلرینہ توشه گوتورون. چون سیزلره تانیتدیریلار. کؤچوب گئتمه گه حؤکم اولمونموسوز و گئتماغیزا تله سیر لر. سیزلرده او یولی گئتمه لی سیز. مینیب یول گئتمه گه انتظار چکیر سیز.

آییلین؛ او اینسان کی آخرت اوچون یارانیدیر، بو دنیا ایله نه ایشی وار؟ و او مال کی الیندن آلاجاقلار، اما جاوایی و زیانی، او چکه جکدیر نه ایشی وار؟

ای اللهین بنده لری، تانری وئرن یاخشی لیقلا و سزالار بوراخمالی و نهی اولونان پیس ایشلر، ایستهمه لی دگیل لر. ای اللهین بنده لری، او گونکی حسابلاریزا یتیشرلر و او گونون نگرانچی لیقی چوخدور، اوشاقلار او زامان قوجا اولارلار، فیکرینده اولون.

ای اللهین بنده لری، ئوزوزدن ئوزوزه گؤزه تجی و وجود یزدن گودوکچی، و دوز گون باخجی لار وارکی، ایشلریزی و حتی نفس لریزی سایرلار. گنجهلرین قارانیلیقی، سیزلری اونلارین گؤزوندن گیزله ده بیلمز. دوغروسی صاباح بوگونه یاخیندیر. بوگونون هر نه اولدوغی گئدیپ و صاباح اونا یاپیشا جاقدیر. سیزلردن هر کیم یئر آلتیندا، یالقیز یاتان ائوبنه یاخین لاشیدیر. وای او یالقیز یورددان کی قورخولی و غربت ائویدیر. و بئله گورونورکی قیامت شیوری چالینیپ و سیزلر تانری محکمه سینده، حقه باطلین حؤکمی اوچون ییغیشمیسیز و بویر زامان دیرکی عذریئری یوخ و حقیقت لر ئوزه چیخیدیلار. بونا گوره عیبرت آلین و زمانه نین دولانماقیندان دوشونون و قورخوتمالاردان فیدالانین.

خطبه ۱۵۷ - دن

پیغمبرین (ﷺ) و قرآنین حاققیندا

او حضرتی او زامان کی پیغمبرلر گلیشیندن چوخ زامان گئچمیشدی و ملت لر غفلت یوخوسونا گئدیپ و حقیقت لر پوزولموشدی، یوللادی. اونلار اوچون قرآنی و اوندان قاباق دلیل و ایشیق لارین تصدیقنی یوللادی. دانیشا بیلمه سده ینه او کتابی سؤزه چکین. اما من سیزلره اونون دیلیندن خبر وئیرم: بیلین کی او کتابدا گلہ جاق بیلگی لردن و

گنجمیش لردن خبر وثریلیب و آغری لاریزین درمانی و ایشلریزین نظامی اوندادیر. (بنی امیه دولتی حاققیندا)

او زامان بیر ائو یا آلاچیق قالمازکی اونائوزونتولوک و دوشگونلوک دولدورماسینلار. او زامان گؤیده عذر قبول ائدن و یترده پناه وئرن تاپیلماز. بو آجیغاکی ایشلریزی کفایتسیزلره تاپشیردیز و اونوی یئرینده، ایشلتمه دیز. بیر او قهدهر زامان چکمزکی تانری ظالیم لردن اوءج آلا و ایشلرینین عوضینی آچار. یئمهللی نی یئمهللی ایلله ایچمه لینی ایچمه للی ایلله توتوشدوروب هر لذتلی ایچمه للی برابرینده آجی دادلی و شیرین دادلی لار ئوزه رینده اوره ک بولانديران آجیلیق لاردان فایدا لانا رلار. اونلار ایچه ری وائشیکدن قورخویا دوشرلر. اونلار گناه لارین مینیش وئره نی و یوک آپاران دوه لری دیلر.

آند ایچیره م، ینه آند ایچیره م کی امیه ائولادی مندن سونرا حکومتی سینه اخیتی سی کیمی توپوره جاقدی لار و زامان ئوزان دیق جاینه ده اوندان فایدا لانمیا جاقلار.

خطبه ۱۵۸ - دن

جاماعات ایلله گنجینمک

من سیزلره یاخشی قونشوایدیم کی چالیشماقیملا آرخازدادوردوم، ظلم ایپندن سیزلری آچدیم. بو ایشده منه شوکر یئری وارکی آز یاخشیلیق لاریزی دوشوندوم و پیس لیکلریزدن گؤز اورتدوم.

خطبه ۱۵۹ - دان

اولو تانرینین نئجه لیکلری

اونون فرمانی قضا و حکمت و رضاسی، رحمت و اماندیر. علم ایلله قضاوت و حلم ایلله، باغیشلار. الاهی هر نه آلیرسان، هر نه وئیرسن، توختادیب یاتوتورسان، حمدی سنین اوچوندور. او حمدلر کی سئویرسن و او شوکرکی سنین ایسته گیندیر. ائله بیر حمد کی

هامی یارانمیش لارین دولدورا و ایسته دیکلریوهن یتیشه. سندن گیزلین اولماسین و یانیندا دا قیسسالانماسین. او حمد کی یاراتدیقین عالم لری دولدوروب سایى آزالماسین. هابئله یاردیمچی لیگی کسيلمه سین. بیزلر سنین بؤیوک مقامین دوشونمیریک آنجاق بیلیریک کی، دیری سن و ذاتیندا قایم و آیری لار سنه باغلی دیلار. سنی مورگوله مک یا یوخی، توتماز. هنج فیکر سنه چاتماز و هنج گؤز سنی گوره بیلمز. اما سن گوره بیلرسن. ایش لرین سایین گنڊیرسن (گناهی اولانلارین) توکلریندن و آياقلاریندان توتارسان، هر نه یارانمیشین اولموش اولسا، قدرتیندن شاشغیدایق و اونلاری بؤیوک حکومتیندن سانیب تعریف لیریک. بیر حالدا کی چوخلاری گیزلین و گؤزوموزودن غایب و فیکرلریمیز اونون قاباغیندا قیسسا گلیب غیبی آسلاقلار اورتامیزدا آسلیبیدیر. هر کیم اوره گینی سنه ساری چئویره، و فیکرینی ایشله ده، تا ییله کی قدرت له عرشین نجه قورموسان؟ و نجوره یارانمیش لاری و گویلی یارانمیشان؟ اونلاری آسلی ساخلامیشان و یترده سولاری سره له میسن؟ اوندا تامام عاغیلی و ائشیتمگی و دوشونمگیله شاشغیدا قالار.

بو خطبه دندیر: بیر پارالاری بئله دوشونور، تانرییه اومود باغلیوبلار، اما، او بؤیوک تانرییه آند اولسون کی؛ یالان دئیرلر. نجوراولاییلر؟ بیر حالدا کی ایشلری دئمک لری ابله بیر دگیل. چوخ اومودی اولان ایشیندن بللی اولار. یوخسا بوندان آیری سی قاریشیق دیر. هر قورخی تانریدان آیری سینا، دوزگون تانریدان چوخ کونول وئیر. نندیر بنده لره تانری دان چوخ کونول وئیر؟ نجوراولار کی تانری حاققیندا قیسسا گلیر اما بنده لره بئله دگیل؟ گوره سن تانرییه اومود باغلاماقد، قورخوسان کی یالانچی اولموش اولاسان؟ یا خود اونی اومود باغلاما ق لایق بیلیمیرسن؟ ادهالی دیرکی تانرییه اومودی وار اما، بیری بنده دن قورخاند، قورخودان ائله رفتار ائدیرکی تانرییه او رفتاری ائتمز.

بنده لردن قورخماقی نقدیلب، تانری قورخوسون نسیه وول سانیر.

دونیانین حؤندورلوگی اونون گؤزونده بئله دیرکی، اونی تانریدان اوستون توتور. تانریدان ئوز چئویریب دونیا به قانیدیدیر.

پیغمبرین نجه لیک لری (ﷺ): یتری وار پیغمبرین (ﷺ) یولونی گنده سن. او یول سنه

الگو و کفایت ائندندیر و هابئله دونیا مذمت و عیبارینده و پیس لیک و رسوای چیلیق لاریندا یول نشان وئره ندیر. چون بئله بیر نئجه لیکلر، او حضرتدن آلینب اما آیری لارین اختیاریندا قویولوبدور او، دونیا سودوندن آیریلیب و بزه کلریندن ده ایراقدیر. (موسی (ع)) : اگر ایسته سن ینه بیر آیری سینین دالیندا اولاسان، موسی کلیم الله دان، اطاعت ائت کی بویوراردی: «رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر»: یعنی ای تانری، هر نه من او چون باغیشلاسان، محتاجام. آند اولسون تانرییه اوگون موسی (ع) بیر پارچا چوره کدن سوای، بیر زاد ایسته مه میشدی، چون یئرین اوتلارینسان یئمک اثرینده آریق یقیدان قارنینین ایچره سی بللی ایدی.

داود (ع) : و اگر او چونجی سیندن اطاعت ائتسن، داود (ع) دان کی مزامیر صاحبی و بهشت اهل نین او خوجیسی ایدی. او، ئوز الی ایله خرمالیفیندن زنبیل توخویاردی و یولداشلارینا بویوراردی: سیزلردن هانسی، بونلاری ساتماقدا منه یاردیم اولایلر؟ بئله لیکله او یولدان آریا چوره گی آلیب گئچیردی.

عیسی (ع) : اگر ایسته سن، عیسی ابن مریم دن سنه سئولیم کی، داشلاری ئوزونه یاسدیق ائدیپ کاتی پالتارگئیب و قوری چوره ک پیردی، یاوانلیقی، آجلیغی ایدی اونون چیراغی آی ایشیغی و دالدا لانما یثری قیشدا گونئی و یایدا قوزای ایدی، اونون یتگیسی، یثرده گویه رهن اوتلاردان ایدی. قادینی یوخیدی کی اونو یولدان چکه و ائولادی یوخیدی کی اونو کدرلندیر سین. مالی دا یوخیدی تا اونو غفلته سالسین یا تاماه لاندیریپ ذلیل ائتسین. اونون آتی آیاقلاری و خادمی یکی اللری ایدی.

«بودا ایسلامین بؤیوک پیغمبری (ﷺ) دیر» : پیغمبرین محمد (ﷺ) دن اطاعت ائت، چون او اطاعت ائده نه بیر اولگی دیر و هر کیم اونا باغلی اول، یثرلی دیر. بیرده یاخشسی بنده او دورکی پیغمبریندن اطاعت ائده و او گئدن یولدا اول. او، دونیادان اندازاسی قه ده ر یئمک گوتوروب، اونا توغلانمادی، دونیادا هامودان آریق و آج ایدی. دونیانی اونا وئردیلر، قبول ائتمه دی، تانری ایسته مین لری، ایسته مه دی، اونلاری آلحاق بیلیم، ذلیل سایدی. اگر بیزلرده، تانری و اونون پیغمبری ایسته مین لری و اونلار دشمان بیلن لرین ایسته میش اولسا،

تانییه قابارماق سائیلار.

پیغمبریمیز قوری یترده اوتوروب، ینمک ییه ردی. اونون اوتوروشی قول لارکیمی ایدی او مبارک اللری ایله باشماغین تکیب پالتارلارینا یاماق سالاردی. لوت و قولانسیز اولاغاً منیب و بیر آیری سینی ده دالینا میندیردی. ائوقاپوسوندا بیر ناخیش لی پرده آسيلمیشدی کی قادین لارینین بیرینه بویوردی: «آی آرواد او پرده نی گؤزومون قاباغیندان ایتیر. چونگی گؤزوم اونا ساتاشاندا، دنیا و اونون یاراشیقلاری گؤزومه گلیری».

او، آورده کدن دنیا و اونون یاراشیقلارینی آتدی. کونولی بئله ایستردی کی دنیا یاراشیقلاری گؤزوندن ایتسین. اولمیه کی اوندان بیر پاراگنیم دوزهلدی یا اونی بیر ابدی یئر اولماغی دوشونمیه و قالماق اومودی اونولا اولموش اولاً. بوناگوره دونیانی کونسول و گؤزوندن آتدی. بئله دیرکی هر کیم بیرزادی ایسته مه سه ده ینه اوندا یادا سالماق شوقی اولار. گؤز تیکمه سه ده ایسترکی گؤزوندن ایتیرسین.

حقیقته، او حضرتین یولوندا بیر دوشونمکلر وار کی سنی دنیا عیب لریندن آیلدار. چون او حضرت و یاخین آداملاری، بیر حالداکی ده یه لرلی وارایدی، ینه اوندا آج قالیب، زینت لریندن کنار اولدولار. بودورکی هر دوشونن گره کدیر ئوز عاغیلینا باخیب بیله کی تانری، او مقام صاحیبینی حوء رمتلندیریب یا اونا اهانت ائدیدی؟ اگر دییه کی اونا اهانت اولوب، تانییه یالان سویلیر. اگر دییه کی تانری اونی حوء رمتلندیریب، یئری وار بیله کی او حضرتدن سوای آیری لارینی دنیا نعمت لری وئرمک ایله حوء رمتلندیر میو بدور بلکه ئوزونه یاخین آداملاردان ئوزاقلاندیریدیر.

یئری وارکی پیغمبره آرخا اولوب، اونون دالیندا و یولوندا اولسون یوخسا فنادان چاره سی یوخدور. چون تانری او جنابلاری (ﷺ) قیامت نشانه سی، یئی سوراق وئرن و عذابلاردان قورخودان قرار وئریبدیر.

او جناب آج قارین لا دونیادان کؤچوب، او دونیایه ساغلام گتتدی، داشی داش اوسته قویمادی و بئله لیکله آللهین امرینی قبول ائتدی. بوناگوره اللهین حاققی بوی نوموزدا چوخدور کی او حضرت لری بیزلره بؤیوک و باشچی قرار وئردی. بیزلرده، اونون

یولوندا یوق.

آند اوسون اللهه بو گنیمه او قهدهر یاماق سالدیردیم کی اونی تیکندنه اوتاندیم. بیرسی منه دئدی: دئی گوروم اوندان ال چکمییه جکسن؟ اونا دئدیم: مندن ایرا گزکی «گنجه یول گئدنلردن، سحر چاغی تعریف اولونور»

خطبه ۱۶۰ - دان

پیغمبرین مدحی - او یودلار

تانری او جنابی ایشیقلی نور و آیدین دلیل و هدایت ائدن کتاب ایله یوللادی، اونون سلاله سی ان گوروکملی و یاخشی سلاله لردندیر. او سلاله نین بوداقلاری، دوزگون، یمش لری هامویا چاتاندیر. آنادان اولان یثری مکه و هجرت مکائی مدینه دیر. هامان شهرکی اوردان ظهور اندیب، سسی او جالدی. تانری اونی کفایتلی دلیل لر و شفا وئرن او یود و اصلاحه گتیره چاغیریش لار ایله یوللادی. او جنابین وسیله سی ایله، بللی اولمییان شرعی حؤکملر ظهوره گلیب و دوزگون اولمییان بدعت لر پوزولوب و حؤکملر بیانه گلدیلر.

ایندی هر کیم اسلامدان سوای بیر آیری دین قبول ائتسه، قارا گونه قالب ایپی قریق و ئوزی قویلی اولماغی چتین اولاجاقدیر. بئله لیکده اونون ئوز و نتوسو آرتیق و عذابی چوخدور.

تانرییه توکل و توبه اندیره م، او توبه و توکل کی، هر زاد دان گؤز اورتوبدور. و او یولی ایستیره م کی اونون رضاسی و بهشتی اوندادیر.

ای اللهین بنده لری، سیزلری تقوایه و تانری اطاعتینه چاغیریرام. چون عبادت، قیامت قورتولوشونا سبب دیر. تانری شدتله قورخو وئریب و دنیا فناسین و اوندان آیریلماغی بیلیندیردی. اودورکی هر زاد سیزلری دونیادا، شاشغیا چکیر. اما اوندان کنار گزین و قیسسا اولدوغونا گوره اونا بئل باغلامیون.

دوینا، تانری خشمینه یاخین و رضاسیندان ایراق بیر ائودیر. ای تانری بنده لری؛ دونیانین

ایشلرینه چوخ گیریشمیون. چون کی اونون آیریلیغی و حالینین دولانماغیندان خبریز واردیر. بئله لیکده اوندان قورخوب، حئورمتلی و چالیشقان یولداش کیمی، اوندان آیریلین. اوتن زامان لاردا فنا اولانلارین حالیندان او یود آلین، هامان اونلاردان کی سوموکلری آیریلیب و گؤز و قولاقلاری فنایه گئدیدی، شرافت، حئورمت سئوینجکلر و نعمت لری کسلیلیدی. ائولاد و قادینیندان ایراغا دوشوب، نسل ایجاد ائتمزلر. بیر بیرلرینی گؤرمیوب فخرانده بيلمزلر.

ای اللهین بنده لری، نفس لریندن قورخان آدم لار کیمی، نفسین قاباغین آلین، چون کی آیدین ایش بللی و قورتولوش یولی دوز گوندور.

خطبه ۱۶۱ - او حضرتین کلامیندن

خلافت - خلیفه لر

صحابه لریندن بیر سوروشدی کی: دوره نده کیلر سنی نجه کنار قویدولار؟ بیر حالداکی او مقاما لیاقتیز وارایدی. جاوابیندا بئله بویوردی:

ای بنی اسدلی قارداش سن اوره گی چیرپنان، ته له سن بیر آدم سان، و یئرسیز بیر واخت سؤز سوروشورسان. اما سنین حئورمتین و سوروشماق حاققین طایفام اولدوغونا گوره یئرینده دیر. ایندی کی ایستیرسن بیله سن، بیل کی اوتن خلیفه لرین، بیزیم حاققیمیزدا زور دانیشماغی، بیر حالداکی بیزلر سبب و نسبه اللهین رسولینه (ﷺ) هامودان یاخین ایق بودلیل لره گوره خلافته چیخارلاری یوخ ایدی. اما اونا بییه اولدولار و آیری لاری او مقامی باغیشلیب واز گئچدیلر. ایندی ده داور، الله دیر و هامی قیامت گونی اونا رجوع ائده جکلر. «سند گئچه جکده ن دانیشما. بوگونکی ابوسفیان اوغلونون ماجراسیندان دانیش» زمانه منی آغلاداندان سونرا، گولدوردی...

آند اولسون تائرییه بوردا تعجب یئری یوخدور. عجب بوردا دیرکی بو بؤیوک ایشده شاشماق یئری قالمیوبدور. چوخ خلاف ایشلر یارانیدیر. اونلار چالیشدی لار کی فیریلداق ایله تائری ایشیقین سوندورسونلر و اونون آخارالدوغونی باش بولاقدان قورتسونلار و من

ایله اؤز آرالارین، بولاندیر سینلار. اگر آرامیزداکی چتین لیکلر گوتورولسه، اونلاری حاق یولونا چکه ره. آیری جور اولسا، قورخوسی یوخدورکی تانری قرآندابویوروبدور: «اونلارین آزقین اولدوقلارینا کدرلنمه چون کی تانری اونلارین ایشلرینی بیلن دیر» (سوره ۳۵ آیه ۸)

خطبه ۱۶۲ - دن

اللهین نجه لیکلری - اینسانین یارانماسی

بنده لری یارادان تانریه شوکر اولسون. او تانری کی یتلری یارادیب، سئل، سولاری جای یاتاقلاریندا و گویه رنتی لری داغ و گدیک لرده وجوده گتیریدیر. اونون نه اولی ونه ده آخیری وار. او، بیر اولدیرکی هر زامان وجودی وار. او، بیر قالیجی دیرکی سونی یوخدور... آیین لار اونون سجده سی اوچون توپراغا دایانیب و دوداقلار اونون ذکرینه آچیلیدیر. هر یارانمیشا، بیر سینیر و اندازاقویوبدور تا اونون پاک وجودینه تای اولماسین. هنج فیکر و اندازا، اونی، ئولچه بیلمز. دئلمزکی هاچاندان ایمیش یا نه قهدهر زامان قالا جاقدیر. بللی دیر اما نه دن اولماغی بیلیمز. گیزلیندیر، اما دئمک اولمازکی نه ده گیزله نیبدیر. جسم دگیل کی، سونونا ال چاتسین. اورتولی دگیل تا بیرزادین اونا احاطه سی اولسون. نه اوقهدهر یاخیندیرکی، یاپیشیق اولسون و نه اوقهدهر ایراقدیرکی، آیری دئلسین. گیزلین باخیش لار اوندان گیزلین دگیل و نجه دونومه دئمکلر، تپه لردن یوخاری چیخماق و اونلارا یاخین اولماق، و قارائلیق گنجه لرده یتری مک و آی ایشیقلی گنجه لر و پارلاق گونش باتیب یاچیخماقی، طبیعتین دولانماغی و گنجه گوندوزون گلیب گنتمه سی، اوندان گیزلین دگیل. سای بیتمه میشدن سای بیلر. بؤیوک تانریه ئولچی، یئر حد قرار وئرمک اولماز. چون ئولچی یئر و حدود، یارانمیشلارا یاراشار. او، یارانمیشلاری ازلی و ابدی جوهردن یاراتمادی، بلکه اونلاری یوخدان وجوده گتیریپ و حد قرار وئردی و گؤزل لندیردی. هنج کیم اونون ئوزه رینده دایانا بیلمز. هنج کسین عبادتیندن فایدالانماز. اونون علمی، ئوتن اینسانلارا، علمی اولدوغی کیمیدیر. اونون علمی گؤیلرده کیلر کیمی،

بئرلرده کیلره واردیر.

ای یاراشیقلی یارانمیش و ای او قارانلیق و قات قات رحم لرده یارانان، یارانماغین پالچیق ایله باشلانندی و دینج و محکم بئره قویولدون و اوردا اولان حالدا ترپه نیب، حرکت ائدیردین. نه دانیشیردین و نه ده سس ائشیدیردین اوندان سونرا تانیمادیغین و فایدالارین بیلمه دیگین بئره گلدین. او کیمدیرکی سنی آنادؤشونه هدايت ائتدی؟ کیم سنی ایسته دیگین بئره تانیس ائتدی؟ نه قهدهر ایراق اینساندیرکی، سنی نئجه لیکلر و شکیلر و یارانمیشلار اثریندن تانیمیر. اونو دوشونمک یارانمیشلار نئجه لیکلری ایله، ممکن دگیل.

خطبه ۱۶۳ - او حضرتین کلامی

او حضرت عثمان، نه دئدی

او زامان کی جماعت اونون یانینا گلیب و عثماندان شاکی اولدولار و اوندان ایسته دیلر عثمانیله یینی دن دانیشسین و اوندان ایسته سین کی یانلیش ایشلریندن ال گوتورسون. امام (علیه السلام) اونون یانینا گئدیپ بئله بویوردی:

جماعت منیم آرخامدا دیلار منی سن ایله نوز آرالاریندا ائلچی قرار وئریلر. آند اولسون تانرییه بیلیرم سنه نه دئیم و دییه بیلمه ره م کی سنین هنج زاددان خبرین یوخدور. بیز سنین بیلدیگیندن آرتیق، بیر زاد بیمیلریک و سنی بیلمه دیگین ایش اوچون یوللاموروق. بیز بیلن لری بیلیرسن و بیز ائشیدنلری ده ائشیدیرسن. بیز ایله بیرلیکده پیغمبر (ﷺ) ایله واریدین. ابی قحافه نین و خطابین اوغلی، سندن آرتیق دگیل دیلر. اما سن، قوه مولوقدا، پیغمبره اونلاردان یاخین سان بیرده پیغمبرین کوره کنی اولورسان کی او ایکی سی دگیل دیلر بونا گوره تانری دان قورخ تانریدان قورخ چون کی کور و بیلیمین دگیلسن. یوللار آیدین و نشانه لری بللی دیر... آیل کی یاخشی باشچی، تانری یانیندا عدالتلی امامدیر. یولا گل و یول گوستر واجب سنتی توتوب بدعتلری ئولدور. حقیقته سن تار و بدعتلر آیدین و اونلارین نشانه لری وار. هامودان پیس امام، او کیمسه دیرکی ظالیم و آزقیندیر و آیری لار اونو ایزله مکده یولدان چیخارلار. چون او واجب لری اودوزوب، بدعتلری دیریلدهر.

اللھین رسولیندن (ﷺ) انشیتدیم: «ظالم ابا می، قیامت گونی بیر حالدا کی عذرینی انشیدن یو خدور، جھنم اودونا آتارلار. دگیرمان داشی فیرلانان کیمی فیرلادیب جھنمین دیب دره سینده دوستا قچه کرلر. سنی آند وئریرم اللھه، او امام اولمیه سن کی ئولدوروله سن!» بوندان قاباق پیغمبر (ﷺ) بویوراردی: بو امت ایچینده بیر امام ئولر و قان توکمک قاپوسی قیامته دک آچیلار، بئله کی، اونلار، ایشلری ترسه دوشونوب فیرتینالار یاییلار و حق ایله باطل بللی اولماز. او فیرتینالارین ایچینده حاقدان ال گوتوره لر. شدتله تیره مگه دوشوب نگران اولارلار و سنده عمرین سون چاغیندا و ایلر بویوندان سونرا مروانا چاقیندان اله گلن دوه کیمی اولما کی هر یانا، ایسته سهر، قوغارلار».

عثمان اوحضرتہ دئدی: جامعاتدان ایسته تامنه ماجال وئرسینلرتا اونلارا اولان ظلم لری، آرادان آپاریم. امام بویوردی: مدینده کیلره گوره وول لازم دگیل اما اوردان انشیکده کیلره وول وئرمک، سنین فرمانین یتیشن زاماناقده ردی.

خطبه ۱۶۴ - دن

طاووس قوشونون یارانماسی

الله، تعجلی یارانمیشلاردان بیر پارالارینی جانلی و بیر پاراسین جانسیز یاراتدی. اونلاردان بیر آزی سوسوق و حرکتی اولمیان و بیر آیری لری حرکت صاحبی دیلر. بونلار اونون یاراشیقلی یاراتمالارینا و بؤیوک و قدرتلی اولدوغونا دلیل دیلر. ائله بیر قدرتلی دیرکی عاغلار اونا حیراندیلار و اونا تسلیم اولان حالدا فرمانیندا دیلار.

اونون بیرلیک نشانه لری قولاقلاریمیزدا سس سالیر و عاغلیر لریمیز اونی ایستیر. او هر جور اوچان حیوانلاری، یتیرن دلیک دئشیک لیرینده، گنیش دره لرده و داغلارین اوجالیق لاریندا یارادیب، یئر و ئردی. بیر حالدا کی اونلارین رنگ به رنگ قانادالاری و شکیل لری واردیر، ینه اختیارلاری اوندادیر و اونلار نهایتسیز گؤیلرده اوچورلار. تانری اونلاری بو ماراقلی شکیللرده یوخذان یاراتدی و اونلارین بدنلرینی داواملی سوموکلر و بندلر ایله کی انشیکدن بللی دگیل لر، وجوده گتیردی. اونلارین بیر پاراسی، دوه قوشی و لک لک قوشی کیمی، آغیر اوچان و یئر ئوزونده اوچانلاردان قرار وئردی. او چئشیدلی قوشلاری کی هر

بیری بیر مصلحت اوچون دیلر. بیر پارالاری تئی بیر بویادا بیر آیری دسته لرینی آیری بویادا اما، بویوندا بیر طوقه کی او بویادان آیریدیر، یاراتدی.

بوچئشیدلی یارانمیشلاردان بیری طاووسدور کی تانری اونى گۆزل شکیلده یارادیب و قانادلارین یاخشى حالدا سالییدیر. او زامانکی دیشی طاووسا ساری گئیدیر، قویروغون یوخاری قالدیریب، چتر کیمی باشی اوسته توتار، ائله بیل کی گمی نین یئلکنی ویا دیره گی کیمی دیرکی گمی چی هر طرفه چئویرر. بئله لیک له گۆزل لیگینه گووه نیب نازایله گئدهر: خوروزلار کیمی جفت له شیب و شهوتی طغیانه گلن حیوانلار کیمی ئوزدیشی سین بویلو ائدهر. اگر اینانماسان، اونى گورماغا حواله اندیرم. من اونلاردان دگیلم کی بیلمه میش یئره، بیر سؤز دانیشام.

بو فیکر اولمیه کی دیشی طاووس ارکک طاووسین گۆزوندن توکولن یاخشى ایچیب بویلى اولار و یومورتا قویار... بو خیال قارغانین دیمدیک دیمدیگه دایاماق ناغیلنا اوخشار. بئله بللی دیرکی طاووسون قانادلاری گوموشدن اولان نی کیمیدیر و اونلارین اؤستونده بیتن عجیب دایره لر، خالص قیزیل زبرجده به زه نمیش کیمیدیر. اگر اونلاری بیر زادا بنزه تمیش اولسان، یازدا بیتیش چیچک باغلی لارینا اوخشار و اگر اونى گئیمه لی لره، اوخشاتسان، اونى بویاقلی پارچالارا و یمانی الوان پرده لره بنزه ده بیلرسن کی ئوزوک قاشی دک جواهرلرایله زینت بزه نیلیدیر. او حیوان یول گئندده، عشوہلی نازلی یول گئندر، قویروق و قانادلارینا باخیب اونلارین گۆزل لیگینه خاطر، اوجادان گولر. اما آیاقلارینا باخیب ناله ائدهر. اونلارین چیرکین اولدوغوندان، کدرلنمه سینی، گوسته رر. چون آیاقلاری خوروز آباغی کیمی دیرناقلی و آلابوزدور. اونون بوینى کؤکونده یاشیل توپسوزو وار. بوینى دؤشونه دک بورولو سوقابنا بنزه ر. یاشیل لیقدا، یمانی وسمه تکیندیر. و یا بیر ایپک گیمه یا پارلیان کوزگی دیر. بئله بللی اولونورکی طاووس ئوزونى قارا قبايه چولقاییب، گۆزل لیکده پارلاق یاشیلا بنزیر. قولاغی دیینده قلم اوجونابنزه ر بیر خط چکلیب بابانه ک چیچه یی دک آغدير و او آغ خط قارا بویا ایچینده جلوه لئیر بونولا بئله آزاراق بویا وارکی طاووس اوندان فایدالانماسین، اونون بویالاری پارلاق اولدوغونا گوره،

گۆزهل صورتده بولونور. دئمك اولاركى او قانادلار ياز زامانى بيتن چيچكلر ديلر كى يالنيز ياغيش و گونش اونلارى بسله ميويودور. بيرپارا زامانلار قانادلارين توكوب آيرى سين چيخاردار اويله كى قاباكي رنگلردن آيرى اولماز و بير رنگ آيرى رنگين يئرينه بيتمز. اگر دقتله قانادلارا باخيلسا، بير زامان قرمز، بير زامان زبرجد ياشيلى و بير آيرى زامان سارى قيزيل كيمي گورونه. درين عاغيلي اولانلار بو سرلري نجوردوشونه بيلرلر؟ نئجه كى بو حيوانين كيچيك عضوي، تامام خياللارى اونون دركندن، ديل لري اونون و صفيندن عاجزلنديريدير. او پاك تانريديركى عاغيل لارى ئوز ياراديلميش لاريندان كى گؤز قاباغيندا ديلار و طاووس كيمي عاجر و محدود بير يارانميش كى ديل لر اونى و صفه چكه بيلمز، نئجه اونون يارادانى نى وصفه چكه بيلر؟

قارينجانين وصفى: پاكدير او تانرى كى بالا جا قارينجا و ميلچك لره آياق و ثريب و يا بؤيوك ياراديلميش باليق و فيل كيمي لره روح و ثردى تا حركته گلسين لر و يا ئولومله اونلارا سون قويولسون.

بهشتين وصفى: اگر عاغيل ايله بهشت دن دئيلن لره باخيلسا، سنين نفسين دونيادا هواى نفسلردن ايراق گزه. فيكرين بهشت آرخينين كنارينداكى آعاجلار كى بيريرلرينه توققشورلار و اونلارين كؤكلرى سوكناريندا مشكدن اولان داغ جيق لارين دؤشونده قويلائوب، حيرته قالار. فيكرين او تازا اينجى لره كى آعاجلارين قوللاريندان آسيليپ و يئميشلرى هر رنگدن قابو لاريندا زحمتسيز دريلر. و دره نلرين آرزى سيله برابر اله گلر، واله اولار...

بهشت اهليه سارايلار قاباغيندا، دورى و ايچمه لى بال و سايره شربت لر پايلانار، بهشت اهلى اونلار ديلاركى تانرى باغيشلاماسى و عطاء لارى اونلارا شامل اولار. بير يوللوق منزله نزول انديپ و برزخين گليب گئتمه زحمتيندن راحت اولار. بودوركى اى ائشيدن، اگر اوردا اولان گؤزهل ليكلره فيكرانده سن روحون راحت خيال ايله اونا سارى اوچار و منيم بو قورولتاييمدان ترته سيك قبرستان آلايينين قونشولوغونا گنדרسن. تانرى منى و سيزلرى ئوز لطف و مرحمتى ايله اونلاردان قرار وئرسين كى اوره كدن ياخشيلار يوردونا يتشمكده

خطبه ۱۶۵- دن

اویودلار

یثری وارکی کیچیکلریز بؤیوک لریزدن اطاعت ائتسینلر و بؤیوکلریز کیچیکلره یوموشاق اولسونلار. جاهلیت زامانینین آدمالاری کیمی اولمیون کی نه دین آراردیلار و نه ده تانری حاققیندا فکیرله شر دیلر ایلان یومورتاسی کیمی اولمیون کی دوه قوشی یومورتاقویان یثرده تاپیلار و اونون سیندیرماغی گناه و قالماعی زییانی دیر.

او حضرتدندیر - بنی امیه نین گله جاعی : بیرلیکدن سونرا داغیلیب ئوزکؤکلریندن کنار دوشرلر. بعضی لری بیر قولدان یاشیب هر طرفه کی چکیلسه، گندرلر. تانری اونلاری بو یاخین گله جکده بنی امیه نین پیس گونه قالان زامانی و پاییز بولوتلاری بیر یثره ییغیشان کیمی بیر یثره ییغار. تانری اونلاری بیر بیرلرینه یوموشاق ائدیپ، قات قات، بولوتلار کیمی چوخالدار. سونرا اونلارا بسیر قاپو آچارکی ییغیناجاق یئرلریندن سئل کیمی ائشیگه توکولرلر «ایکی باغلار سئلی» کیمی یئرئوزونده سالم بیراوجالیق قاباقلاریندا قالماز. تانری اونلاری یارادان چای یاتاغیندا آخان سولار کیمی داغیدار. حاققی، اونلارین وسیله لری ایله، بیر آیری لریندن آلا. اونلارین بیر پارالاری، او بیرسی لردن میراث آپارار، آند اولسون تانرییه کی یاغ سو اؤستونده اریین کیمی اونلارین نه کی وارلاری ارییب آرادان گئدر.

آخر الزمان جماعتی : ای جماعت اگر بیر بیریزی حاققا یاردیم ائتمکدن مانع اولماسا ایدیز، و باطل لری خاراب ائتمکده، قیسسا گلمه سه ایدیز، سیزدن اشاغلار سیزلری خاراب ائتمه گه، تاماه ائتمزدی و جرأت تاپیب جسارتی اولمازیدی. اما سیزلر بنی اسرائیل کیمی اولدوز. آند اولسون جانما بو شاشماغیز مندن سونرا نئجه برابر اولار. چون کی حاققی اونودوب پیغمبره یاخین اولانی آتیب ایراقداکینی توتدوز. بیلین کی اگر باشچیزدان سؤزائشیدسه ایدیز، سیزلری پیغمبر یولونا چه کردی و آزقین لیغین آغری سیندان قورتارادیز. چتین لیکلرین آغیری کونی بوینوزدان آتاردیز.

خطبه ۱۶۶ - دان

خلافتی نین اول گونلری - والی لرینه خطاب

تانری یول گوسته ره ن کتابی هدایت اوچون نازل ائتدی. یاخشیلاری و پیس لری اوندا بیلدیردی اودورکی دوزگون یولی قاباغا آلین و پیس یولدان نوزاقلاشین تا یاخشى یولدا اولاسیز.

واجبلری، یثرینه یتیرین و اونلاری تانریدان اوتیری باشاچاتدیرین. او زادلارکی خارابدیلار بیلدیریب و عیبی اولمیان لاری حلال بویوروبدور و مؤسلمانلارا حوءرمت ائتمگی هر زاددان قاباق سائیب، اخلاص و توحیدله اونى مقامه چاتدیربدر. بوناگوره مؤسلمان، بیر آدامدیرکی سایر مؤسلمانلار اونون الیندن و دیلیندن اماندا یاشاسینلار. مؤسلمانا اذیت و ثرمک مگر او یترده کی اللهین امری جاری اول حلال دگیل. ئولومه، کی هامی اوچون بیر عمومی امردیر فیکر ائدین. بیر پاراسیزدن قاباق، گندیبلر و قیامت دالسدان سیزی هارایلیر بوکروانا چاتماغا یونگول اولون کی قاباقداکیلاری ساخلیوبلار و دالداکیلار گؤز یولدا دیلار. تانریدان قورخون کی سیزلر اونون بنده لرینین و شهرلرینین مسئولی سیز. چون سیزلردن حتی ائولر، یئرلر و حیوانلار حاققیندا، سوروشا قادیلار. تانریدان فرمان آپارین و اطاعتینده اولون. هاردا یاخشیلیق گوردوز قبول ائدین و اگر پیس لیک گوردوز کنار گزین.

خطبه ۱۶۷ - دن

بیعت دن سونرا آیریلیق سالانلارا - بیر جاواب

او زامان کی خلافته چاتدی، صحابه لردن دندیلر یاخشى اولاردی کی عثمانی ئولدورنلری، مجازات ائده ایدین، امام بئله جاواب وئردی:

«ای قارداشلار سیزیلن لری منده بیلیرم اما نئجه گوجوم چاتسین؟ چون اونلار هله ده گوجللی دیلر و بیزلره اوستونلوک لری وار. اما بسیزیم اونلارا اوستونلوک یوخوموزدور.

اونلار بیر کیمسه دیلر کی قوللاریز و چۆلدہ اوتورانلاریز، اونلارینان دیلار وایندی سیزین ایچیزده دیلر ایسته سہلر، سیزلری ده سیخارلار...

دئین گورم. ایندی ده ایستہ دیک لریزه گوجوز چاتیر؟ بو ایش بیلگی سیزلیکدیر. چون اونلارین یاردیملاری وار اگر بو ایشده حرکت ئوز وئره، جماعت نئچه بؤلوم اولارلار. بیر بؤلوم سیز گورنلری گوررلر، بیر بؤلوم سیز گورمینلری گوررلر و بیر آیری بؤلوم، هنج بیرین گورمزلر: بونا گوره، دؤزون تا جماعت آرام اولسونلار و اوره کلر، یئرینده قراره گل سین و حاقلار مناسب زامانیندا آلین سین.

ایندی منیم یانیمدا آرام اولون و گورون کی سیزلره نه حؤکم اندیره م. بیر ایش گورم یون کی گوجومیزی آراتسین و بوشالماق گتیر سین. او قه دهر زامان چکمز کی بو ایشی مدارا ایله باشا آپارارام. تا مدارا ممکن دور، یول بله دیر و اگر چاره اولماسا، آخیرینجی درمائی، داغلاماقدیر.

خطبه ۱۶۸ - دن

جمل ساواشین سالانلارا بویورور

او زامانکی «اصحاب جمل» بصریه گن دیر دیلر، بویورموشدی.

تانری پیغمبری (ﷺ) اینسانلارا باشچی سئچدی. او یول نشان وئرن بیر کتاب ایله دینی گتیردی. بیر کتاب کی هنج زامان آرادان گئتمز مگر اونون ایسته مینلری کی آرادان گئندیلر. مشته و حاققابنزر بدعتلر، هلاک اندهن دیلر مگر بوکی تانری بیزی ساخلا سین. تانری حجتیندن، نفاقسیز و کراحتسیز و میل ایله اطاعت ان دین. آند اولسون اللهه، یسئری وارکی اطاعت انده سیز. یوخسا تانری الیزدن آلا ر و آیری لرینه وئرر. بونلار منیم حکومتیمدن کونولسوز اولماق دلیلینه، بیرلشی بلر. امامن دوعزه رهم تا او زامانادک کی سیزین طرفیزدن قورخمی سام. چون کی اگر اونلار بو باطل فیکرلرینه عمل اتسه لر، مؤسلمانلارین ایشلری بیریرینه ده یه ر. اونلار گوره نمه مزلیک دلیلینه کی تانری حکومتی اهلینه باغشلیوبدور، دنیا دالی سی جه گزیرلر و ایستیرلر حؤکملری ترسه سینہ گورسونلر.

حاق بودورکی تانری کتابینا و رسول اللہین یولونا و حاققاقیام ائتمک و اونى یایماق یولوندا اولاسیز.

خطبہ ۱۶۹۔ دان

بیر آیدین اثبات

او حضرتین سؤزلریندن دیر ئوزامانکی بصرہ کنارینا چاندی، او ئولکھنین بؤیوکلری، بیر نفر عربی اونون یانینا یوللادیلار تا اونون ارادہ سینی اصحاب جمل حاققیندا بیلیب، شبہدہ قالماسینلار. امام (علیہ السلام) رفتارینی اونابویوردی و او کیشی دوشوندی کی امام حاقلی دیر... سونرا امام بویوردی: بیعت ائت! او کیشی دئدی: من بیر طایفانین، ائلچی سیم. اؤزباشیما بیر ایش گورمه رم مگر کی اونلارایله گوروشم. امام (علیہ السلام) بئله بویوردی: «اگر اونلار سنی یولا سالا ایدیلرکی سولی و یاغیملی یئر اونلارا تاپاسان و قائیذیب اونلارادیہ سن، اما اونلار سنین سؤزووہن باخمییوب، قوری چؤلدہ اوتراق ائتسہ لر، نہ ائدہر سن؟» او کیشی دئدی: اونلاری اوندای بوراخیب سولی و اوتلی یئرده اوتوراردیم. امام (علیہ السلام) بویوردی: ال وئر و بیعت ائت! او کیشی دئدی: «منہ حجت تامام اولدی و سؤزیریم قالمییوب بیعت ائتدیم». سیدرضی: بوکیشی نین آدی (کلیب جرمی) ایدی.

خطبہ ۱۷۰

ایستہ یش غیرتلی کیشی لرہ

(او زامان کی صفین ساواشینا گنیدردی، بویوردی): الہی، ای بیر یئرہ ییغیلیمیش اوجا گؤیلرین الہی! ای کی اونى دولانان گونش و آی و اولدوزلارین مکائی قرار وئر دین و اونون ساکن لرینی فرشتہ لریندن یاراتدین کی اونلار عبادت ائتمکدن یورولمازلار. ای او تانری کی بو یئر ی آدم، جاناوار، بوجکلر و گورونمیین و سایاگلمزلرین مکائی

قرار وئردین! و ای اوتانری کی اوجاداغلاری مسمارکیمی یاراتدین تا یارانمیش لارا دایاق اولسون: اگر بیزلری دشمانا غالب ائتدین، تجئوزدن کنار ائت و دوزگون یولدا ساخلا. اگر اونلاری بیزه غالب ائتدین، شهادتی روزی وئر و فسادلاردان مغایات اول: هانی دشمان قاباغیندا دایانان او غیرتلی کیشی لر؟ کی یئرلریندن مغایات اولارلار؟ اوتانماقلار دالدا و جنت قاباغیزدادیر.

خطبه ۱۷۱

سعدابن ابی وقاصه جاواب

ستایش او تانریه اولسون کی هنج یئروگوی، اونولا، یئروگیلر آراسیندا مانع اولاییلمز. بیرسی منه دئدی: ای ابی طالبین اوغلی! سنین خلافتیه چوخ طاماهین وار. دئدیم: آند اولسون تانریه او سیزلر سیزکی پیغمبره ده هامودان ئوزاقسیز! اما من سیزدن لیاقتلی و حاقلی یام. من حاققیمی ایستیره؛ اما سیزلر مانع اولورسوز.

ائله کی دلیل له سؤزومی یتیردیم، آییلدی و حیرتده قالیب بیلمه دی کی نه جاواب وئرسین. الهی، من قریش لردن و او آداملارکی اونلاریله دیل بیر دیلر، سندن یاردیمچی لیک ایستیره، چون اونلار قطع رحم ائتدیلر و منیم مقامی می کیچیک لندیردیلر و خلافت حاققیمی دانیب، دشمانلا بیرلشدیلر و دئدیلر: بیرپاراحاق اودورکی آلاسان و بیرپاراحاق اودورکی اوتوره سن.

«او حضرتدندیر جمل ساواشیننی سالانلار حاققیندا»

اونلار خروج ائتدیلر بیر حالداکی، رسول اکرمین آروادینی، کنیزی ساتماغا آپاران کیمی ئوزلری ایله بیرلیکده، دولاندیردیلار. اونولا بئله، بصره طرفینه گئدیردیلر...

ئوز آروادلارین ائوده قویدولار بیر حالداکی پیغمبرین آروادینی، ئوزلری و ئوزگه لرین گؤزلرین قاباغیندا ساخلادیلار. اونلارین دوء یوشچیلری، هاموسی (علی علیه السلام) زورلا یوخ بلکه ئوز کونوللری ایله تابع اولمشدولار.

بو حال ایله بصریه گریب منیم عامل و خزانه داریمه حمله آپاریب اذیت و فیریلداق

ایله، ئولدوردولر.

آند اولسون تانرییه حتی مؤسلمانلارین بیرینه ال تاپیب گناه سیز یثره ئولدورسه ایدیلر، او عسگرین ئولدورمه سی منه حالال ایدی چون، اونلار گوره گوره، منکرین قارشینا چیخما دیلار و اونون ئولومونه دیل یا ال ایلسه مانع اولما دیلار کی هئچ، هره سی بیر مؤسلمانی ئولدورولر.

خطبه ۱۷۲

پیغمبرین (ﷺ) مدحی - امام - دونیادا بقا یو خودور

او اللهین وحینه امین، پیغمبرلرین سونی رحمتینه مژده وئرن و عذابیندن قورخوداندیر. ای جماعت! بو ایشده او هامودان لایق و قدرتلی و تانری امرینه یلیجی بیر آدمدیر. اگر بیر نفر فسادہ چکیلدی، گره کدیر اوندان، حاققاساری گتتمک، ایسته نیلسین. اگر قبول ائتمه سه، ئولدورولسون. آند اولسون جانیم، اگر امامت ایشینده، هامی حاضر اولماسالار، او ایشه یول یو خودور، بئله دگیل. اما بیر پارالاری واردیلارکی بو ایشین اهلی دیلر و حاضر اولمییانلارا حؤکم ائده لرلر. بونا گوره، گره کمز بیعتینی سیندیرا. غایب اولان کیشی ده ئوزگه سینہ بیعت ائتمیه. آیلین من ایکی آدام لا ساواشارام:

بیرسی حاقق سیز یثره ادعاسی اولو و او بیرسی عهده سینہ آلان زاددان ئوز چئویره. ای اللهین بنده لری سیزی تقوایه و الله دان قورخماقا چاغیریرام چون تقوا، هامودان یاخشی بیر زاد دیرکی بنده لر، بیریرلرینی اونا ساری چاغیرارلار و تانری یانیندا اوغوری خیردیر. ایندی ساواش آلولواری، سیزله قبله اهلینین اورتاسیندا آلیشیدیر. بو یایداقی، ییلن، دایانسان، حاققاعارف آدمالار گوتوره بیلرلر. اودورکی فرمان وئریلسه، قبول ائدین و حادیر اولونان لاردان ایراق گزین، هئچ ایشه، تلمسین تادوشونه سیز. چون بنیز، سیزلر سئومیه نی ده یشماغا حاقلی یک.

آیلین، بو آرزی سین چکدیگیر دنیا، گاه سیزلری آجیق لاندیرار و گاهدان سئویندیرر. بورا بیر ائو دگیل کی سیزی اورداقالماغا چاغیریبیلار. آیلین دونیاسیزه قالماز و سیزده

دونیادا قالمیه جک سیز. اگر بو دنیا سیزی توغلامیش اولسا، پیس اولدوغوندان، ئوزاقلانديرير. اودروکی آیتماقلاری سبینه اوندان گؤزأورتون و قورخوتماقی اثرینده اونا تاماه سالمیون. او منزله کی چاغیریلیمسوز، بیریریزدن قاباقلاشین. اونا کونول وئرمیون. سیزلردن هنج بیریز دنیا الیزدن آلان زادا کنیزلرکیمی سیزلامیون. صبر ایله تانری نعمتینین کمالین ایسته یین و او زادکی الله، کتابیندا، سیزین بوینوزا قویوبدور و اوندان مغایات اولماغی امر بویوروبدور. آیلین! دنیا مالینین، قولای اولوب آرادان گندمگی، سیزلره زیانی اولایلمز و بو بیر حالدا دیرکی دنیانین پینوره سی دورارلی اول...

آیلین کی دینی خاراب ائندنن سونرا، دنیادان گوتوره نلر، فایدا سیزدیر. تانری منله سیزلرین کونول لریمیزی، حاققاساری چکسین و دوزوب دایانماق باغیشلا سین.

خطبه ۱۷۳

طلحه و زبیرین بهانه لری

«او زامان کی ائشیتدی طلحه و زبیر اونولا محاربه اوچون خروج ائدیبلر، بویوردی:» من ساواشماغا، تهدید اولونمازدیم و بیرکیمسه منی شمشیر ضربه سیله قورخودا بیلمزدی. اما من تانری وئرن حمایته آرخاینام. اما آند اولسون تانریسه او، عثمانین قانینا خاطر قیام ائتمیوبدور، بلکه قورخوردی عثمانین قانین اوندان ایسته سینلر. چون کی، ئوزی عثمانین ئولومونه متهم دیر و عثمانین ئولدورمگینه، اوندان آرتیق هنج کیم شایق دگیلدی. قوشون چکماقیله ایستیر جماعتی یانلیش لاندیر سین... آند اولسون تانرییه او عثمان باره سینده اوچ ایش گوره بیلردی، اما گورمه دی. چون کی عئانین اوغلی بیلدیگی کیمی، ظالیم اولموش اولسایدی، لازم ایدی اونی ئولدورن لره یاردیم اولیدی و اونا یاردیم اولانلارا دشمان اولیدی، و اگر مظلوم ایدی، ینه یری واریدی اونون ئولمه گنینن قاباقین آلایدی و اونی معذور بیله ایدی. اگر شبهه سی اولسایدی، یری واریدی کی کناردا قالیب، جماعتله اونی بیریرلرینه اختیارلی ائده ایدی. اما او، بو اوچ ایشدن بیرینی گورمه دی و بیرایش باشلادی کی اونون یولونی تانیما دی و عذرلری ده دوزگون دگیلدی.

خطبه ۱۷۴

اویودلار

ای جماعت کی غفلتده سیز، اما سیزدن غافل دگیل لر. ای او کیمسه لر کی تانری بویورانلاری اونودورسوز. اما سیزلری بیرکیمسه اونودمیوبدور. گوروره م کی تانریدان ئوز چئویریپ اوندان ئوزگه سینه مایل اولموسوز؛ سیزلر او حیوانلارا بنزیرسیزکی، چوبان، اونلاری، چرکین و خسته لیک گتیره ن اوتلاقاسورور. بیرقویونا بنزیرسیزکی پیچاق اوچون کوکلدیرلر و او حیوان، یاشایشی هامان یئیب دویماقدا بیلیر.

آند اولسون تانریه اگر ایسته سم، سیزلرین هساردان گلیب هاراگتماغیزی و حال و احوالیزی دییه بیلهره م ولی قورخوم بودورکی بو ایشده آللهین رسولینه کافر اولاسیز. من بو سرلری آرخایین اولدوغوم آداملارا تاپشیرا جاغام. آنداولسون او تانریه کی پیغمبرلری یوللادی و اونی اینسانلار ایچینده، سئچیلیمیش لردن قرار وئردی، بیر سؤز دانیشمارام مگرکی دوزگون اول.

او حضرت بوخبرلری منه وئربیدیر. ئولنین هلاک اولان یئری و نجات تاپانین نجات، یئری و خلافتین آخیر ایشلرینی، منه خبر وئربیدیر. هئچ بیر ایش قالمیوبدورکی اونی منه اویره تمه سین. ای جماعت آند اولسون آلله، من سیزی بیر ایشه مجبور ائتمهره م مگرکی ئوزوم، قاباقدان اونا عمل ائتمیش اولام. و هئچ بیرگناهدان مانع اولمارام مگرکی ئوزوم سیزدن قاباق اوندان کنار گزه م.

خطبه ۱۷۵

اویودلار

اللهین بویوردوقلاریندان فایدالانین. اونون دانیشیق و اویودلارینی قبول ائدین چونکی تانری، دلیل لری ایله، عذریئری قویمیوب و حجتینی یتیرماقیله سؤدیگی و سؤمه دیگی ایش و گوروشلری، بویوروبدور تا سیزلر، او سؤهنلری

سؤیب و سؤمین لری کنار اوقوباسیز. چون کی رسول اکرم (ﷺ) حضرت تلی بویوراردی: «جنت چتین لیکلر آراسیندا و جهنم شهوتلره چولقانیبدر».

آییق اولون هنج اطاعت آغیر گلمکدن کنار دگیل و هنج شهوت، گناه موجبائیدن کنار اولماز. تانری او کیشی نی باغیشلا سین کی هوای نفسدن کنار گزیب و هولکن نفسی کؤکوندن قازار. چون بوچاموش نفسین قاباغین آماق، چتین ایشلردن پیری دیر. بو دلیلہ کی؛ گناها ساری میلی اولار.

ای اللہین بنده لری، مؤمن گنجہ نی سحرہ و سحری آخشاما یتیرمز مگر کی، ئوز نفسینہ ظنین اولار. ئوزیندن عیب توتوب و یاخشی ایشلرین کماله چاتدیرماسین اوندان ایستر. اودور کی گئندلریز کیمی اولون. اونلار بیر یولچویا بنزردیلر کی خیمه نین دیره کلرینی ییغیشدیریب گندرگی لر کیمی، عمرلرین باشا چاتدیراردیلار.

بیلین کی بو قرآن، او یود وئرن دیر، خیانت ائتمز، یول گوستره ندیر، ایتیره ن دگیل، بیر دانیشان دیر کی یالان دئمز... هر کیم قرآنیلہ اوتوروب دورسا، هدايت یولونا دوشوب کوراولماغی آزالار.

آییلین کی هر کیم قرآنیلہ اولسا، چاره سیز قالماز، قرآندان افضل یوخدور کی اونولا، قرآندن احتیاج سیز اولالار. اودور کی دردلریزین درمانین، اوندان ایسته یین. چتین لیگه دوشنده، اوندان یاردیمچی لیک آلین. همده اونون وسیله سیله، الله دان ایسته یین... قرآنی سئومگیله تانریه ئوز چئویرین و اونی بنده لردن ایسته مک وسیله سی قرار وئرمین. چون بنده لر سئوه ن، قرآندان سئوملی اولایلمز.

آییلین قرآن بیر شفاعت ائندندیر کی، شفاعتی قبول اولونار و بیر دانیشان دیر کی سؤزلری دوزگون سانیلار. هر کیمه قرآن شفاعت ائده، قبول اولونار و هر کیمدن شکایت ائده، شهادتی ئوز ضدینه ایشله نر. قیامت گونی، پیری بئله هارایلار: «بیلین، بوگون هر کیم اکدیگی تاخیل نتیجه سینہ توتولان دیر مگر اونلار کی، قرآنا باغلی دیلار». سیزده قرآن دالیندا گئندلردن اولوب و اونی تانری طرفینه گئتمک اوچون رهبر قرار وئرین. «اوندان او یود آلین و اونون ضدینه اولان فیکرلری متهم ائدین، هوسله اولان ایستکلری، خائین

بیلین یاخشی ایش، یاخشی ایش، اونی سوناچاتدرین، سونا چاتدرین، دایانین، دایانین، دۆزون، دۆزون، ساکینین، ساکینین، سیزلره نهایت و قورتولوش واردیر. ئوزوزی اونرایا یتیرین، سیزلره بایداق و علامت گوستریلیب، او علامته ساری گندین تا قورتالیب دینچ اولاسیز. ایسلامین فایدالاری وار، اونا ال تاپین. تانرییه ساری گندین و اونون بویورموش حاقیقنی و حؤکملرینی یثرینه یتیرین. من قیامت گونی سیزه شاهد و سیزلر طرفیندن، دلیل و حجت گتیره ره. آییلین گئچمیش تقدیرلر، یثرینه چاتدی...

آللهین اراده سی، دال با دال، قاباغا گله جکدیر. منده تانری وعده سی و اونون حجتی دیلیندن دانشیرام. تانری بویورور: اونلارکی دئدیله بیزیم تانریمیز الله دیر، سونرا دایاندیلار، فرشته لر اونلارا نازل اولوب، دیرلر: «قورخوب یا غصه لنمیون بلکه وعده وئر یلمیش جنت، سیزلره موشتلوق اولسون» (سوره ۴۱ آیه ۳۰).

چون دئدیله کی بیزیم تانریمیز الله دیر، بونا گوره، اونون کتابینا عمل ائتمکده آیدین بولی و دوزگون فرمانی و عبادتی یولوندا، دایانین. هئچ زامان یولدان چیخمیوب، اوند ابدعت یاراتمیون. آیری اولمیون کی یولدان چیخانلار تانری رحمتیندن ئوزاقدادیلار... اخلاقی ترپه نیشلی: ده ییشمیون. کنارگزی و بیر دیللی اولون. کیشی گره کدیر دیلین ساخلا سین چون کی صاحبنه طغیان ائده ر.

آند اولسون آللهه اینانا بیلیمه بیرسی دیلین ساخلا میه، اما تقو اسی اونا فایدالی اول. حقیقته مؤمن آدامین دیلی، أوره گنین دالیندا، اما ایکی ئوزلی آدامین دیلی و أوره گی، دیلی دالیندا دیر. چون کی مؤمن آدام، دانیشاندا فیکر ائده ر. اگر مصلحت لی و یاخشی اولسا، دیر، یوخسا أوستون أوتر. اما ایکی ئوزلی، دیلینه گله نی دیر و پس یاخشی سین قانماز...

حضرت رسول (ﷺ) بنله بویوردی: (دوزگون بنده نین أوره گی دوز اولماسا، ایمانی دوز دگیل، أوره گی دوزه لمز، مگر دیلی دوزه له). هر کیم باجراکی الی مؤسلمانلارین مالیندان و قانیندان تمیز اول، و تانری اونی سئوه، گره کدیر او جور ائتسین.

ای آللهین بنده لری، آییلین، مؤمن اینسان او آدامدیر کی، بیلدیر حالال ییلنی بو ایلده

حلال بيله و بيلدير حارام بيلهنى بو ايلده حارام بيله. او زادلاركى سيزه حارام ايميش، بدعت ايله سيزه حلال اولاييلمز. بلكه حلال اودوركى تانرى حلال بويوروب و حارام اودوركى تانرى حارام بويوروبدور.

بو ايشلرى تجربه لر اثرينده اويره نميسيز و آتا بابالاريزين ماجرالارى ايله، گؤستريش وئريلميسيز. سيزلرى مثل لر ايله، آيدين بير يولا چاغير بيلار، بو فرمانى، كار و كوردان سئوى هامو ائشيد بيدر. او آدام كى تانرى وئرن تجربه و سيناقلاردان فايدالانماسا، هئچ اويودان فايدالانميه جكدير. اونداديركى بوقيسا فيكي رليك اونون اته گين توتار، پيسلرى ياخشى و ياخشيلارى پيس بيلر. آداملار، ايكي طاي فاديلار: شريعته تابع اولانلار و بدعت قويانلار كى تانرى طرفيندن گلن پيغمبرلر سئوى و يا ايشيقلى و آيدين دليل لر، اونلاردا بوخدور.

تانرى هئچ كيمي قرانداكى كيمي اويود وئرميوبدور. چون قرآن آللهين داواملى سيجيمى دير. اونون يولى خيانت ائتمز. كونولر يازى، بيلگى لر بولاغى قراندا دير، كونول اونولا پارلار. بير حالداكى قرانا عمل ائده نلر گنديلر. و غفلتده اولانلار قاليبلار. ايندى هاردا ياخشى و خير بير ايش گوردوز، اونا يارديم اولون. و هانسى زامان شر و پيسليك گوردوز، اوندان كنار گزين. جناب پيغمبر بئله بويوراردى: «اي آدام ائولادى ياخشىلىق ائت: اما پيسلىگى اوتور. بئله ليكده سن دوز يولدا اولاييلرسن».

بيلين كى ظلم اوج جور دور: بيرى، باغي شلانماز، بيرى جزاسيز قالماز، بيريه اوندان گؤز اورتولر. ظلم، تانرييه شريك قرار وئرمك دير. تانرى قراندا بئله بويوروبدور: «تانرى، او آداملارى كى اونا شريك قرار وئريرلر، باغي شلاماز» (س 4 ايه 48)

اما او ظلم كى باغي شلانار، او ظلم دور كى بنده سى كيچيك گناه لاريله، ئوز ئوزينه ظلم ائده ر. اما او ظلم كى اوندان گنجير يلمز، بير بنده نين او بيريسى بنديه ظلم ائتمگي دير. او دونيادا چوخ چتين دير. اونر ائين قصاصى، پيچاق ياراسى يا قامچى ايله وورماق دگيل، بلكه پيچاق ياراسى و قامچى اونون يانيندا چوخ يونگول دور. اولماسين كى دين زده، ايكي اؤزلى اولاسيز. چون دين يولوندا بيرليك حتى خوشوزا گلمه سه ده، ينه خوشوزا گلن

داغیتی لیکدان یاخشی دیر. اودورکی اولوتانری، گنچه جکده کی آداملارا و یا ایندی یاشیان آداملارا، داغیتی لیق جزاسی وئرمیوبدور.

ای جماعت خوش او آدامین حالیناکی، ئوز عیینه باخماقیله ئوزگه لرین عیینه ممانع اولار. خوش او آداماکی ائوینده اوتوروب ئوز روزی سین ییه و تانرییه اطاعت ائدیب و ئوز گناهینا آغلیا. ایشینده اولماغیله آیری لار اونون الیندن راحت اولالار.

خطبه ۱۷۶

حه کم اولانلار نه لر ائتدیلر؟

بؤیوک باشلاریزین نظری بنله اولدی کی، ایکی نفری سئچدیلر و او ایکی سیندن سوءز آلیندی، تا قرآنا تابع اولوب اوندان کنارا چیخماسینلار. دیلری قرآنیله و کونول لری اونا مطیع اولسون، اما ایکی سیده آزیب، قرآندان کنار اولماغیله، حاققی بیله بیله اونود دولار. اولنارین ایسته دیکلری ظلم ائتمگیدی، فیکیرلرینده ظلم، عادتلری آزقینلیق ایدی. بیریم قراریمیز، دوز حؤکم ائتمک و قرآنه عمل ائتمگیدی. اما ظلم ایلله، اولان حؤکم، عدالتدن قاباغا گنچدی. بو دلیلله گوره، دانشدیغیمز قرارین ترسه سینه عمل ائتدیلر.

خطبه ۱۷۷

اللهین وصفی

تانری نی هئچ ایش او بیر ایشدن، قویماز، زامان اونسی چئویره بیلمز و هئچ یئرده یئرلشمز و هئچ دیل اونسی تعریفه چکه بیلمز. سولارین دامجی لاری. گویون اولدوزلاری، گویده داغیتی اولان توزلار، قارینجانین، برک داشلار اؤسته یئریشی، اولنارین یاتاق یئرلری قارانیق گنجه لرده، اوندان گیزلین دگیل او یاپراقلارین دوشن یترین بیلر. گؤز آلتی و گیزلین باخیشلاردان خبری وار.

شهادت وئیرم کی تانری دان سوای بیر آیری تانری یوخدور. هئچ زاد اونا تای اولار

بیلمز. اونون اولماغیندا شک یوخدور. دین و یاراتماقینی دانماق اولماز. او شهادتی وئریره کی نیتی دوزگون، باطنی تمیز اولان، اینانماقی خالص و صالح ایشلری آرتیق اولانلار شهادتینه بنزهر.

شهادت وئریره کی محمد (ﷺ) اونون قولی و پیغمبریدیر. اونی یارانمیش لار ایچیندن سنجیب و حؤکم لرینی یتیرمکدن اؤتری گؤزه ل اخلاقیله یوللادی اونون وجودی اثرینده، هدایت نشانه لری ظاهر اولوب قارائلیق، کورلوق و آزقینلیق لارایشیقلا نییلار.

ای جماعت: دنیا، آرزی سین چکنلری و اونا آرخائین اولانلاری توغلار، هر کیم اونا کونول وئرسه، پاخیل لانماز. هر کیم اونا مسلط اول، سیندیرا جاقدیر.

آند اولسون آلله: هنج زامان بیر طایفا ناز و نعمتدن آیریلماز مگر کی گناهی اول.

«تائری سوره ۲ آیه ۱۵۵ ده، بنله بویورور: تائری بنده لرینه ظالمیم دگیل».

هر زامان کی بلاگیلر و نعمت لر آلینیر، جماعت دوزگون و محبت لی نیت ایله، تائریه پناه آپار سالار، الدن گئندلری اونلارا قایتارار و هر جور فسادی اصلاحه گتیره ر. من اوندان قورخورام کی سیز بیلمزلیکده قلاسیز. چون گنجه جکده بیر ایشلر گورولدی کی حاقدان ال گوتوردوز و منیم یانیمدا پیس اولدوز اگر یولوزی، چئویره سیز سعاده چاتارسیز. منیم بویولدا، چالیشماقدان سوای وظیفهم یوخدور اگر ایسته سه ایدیم دئیم دییه بیلردیم. تائری گنجه جکلری بیزدن باغیشلا سین.

خطبه ۱۷۸

تائرینین نجه لیک لری

ذعلب یمانی سوروشدی: ای امیر المؤمنین آیا تائرینی، گوره رسن؟ امام (علیه السلام) بنله بویوردی: بیر زاد کی گورمه ره م، نجه ستایش ائدیم؟

دندی: نجه اونی گورورسن؟ بویوردی: گؤزلر اونی آیدینلیقدا گوره بیلمز بونولا بنله، آورده کلر حقیقت ایمانیله اونی دوشونه بیلرلر. هر زادا یاخین دیر اما اونا یا پیشیق دگیل. هر زاددان ایراق حالدا، ینه اونلاردان آیری دگیل. دانیشان دیر اما اونا فیکر ائتمک لازم دگیل.

اراده ائندندیر اما فیکر و تصمیمه نیازی یوخدور. وجوده گتیره اما نه عضو و وسیله لر ایله، لطیف دیر، اما گیزلینجه توصیفه گلمز. بؤیوکدور اما جفاسیله تاینماز. گوره ندیر اما گورمک حس وسیله سی اونا لازم دگیل. مهربان دیر اما، مهربانلیقی اوره گی اینجه لیکدن دگیل. جماعت اونون بؤیوکلیگی ئوزه رینده آلچاقلیق نشان وئریرلر و اوره کلرده، اونون بؤیوکلیگی ئوزه رینده قورخودادیلار.

خطبه ۱۷۹

اویود، دانلاماق

اولوتانری نی وئردیگی واجب امره و منی سیناقا چکمک اوچون مقدر بویوردوغی فرمانا و بیر پارالارینین وئردیگیم فرمانی قبول ائتمه دیکلرینده، توتولدوغوما گوره ستایش ائدیرم. اگر سیزلره ماجال وئرلر فایدا سیز دانیشارسیز و اگر بیر ساواش قاباغاکله، بویون قاقچیردارسیز. باشچیزین کنارینا ییغشانلاری، کنایه ایله دانلارسیز. برکه دوشنده، دال اوتورورسوز. دشمانیز یتیم قالسین، چالیشیب حاققیزی آلماق اوچون نه گؤزلورسوز؟ ئولوم یا ذلت؟ آند اولسون تانرییه اگر منیم اجلیم یتیشه، کی یتیشه جکدیر، منله سیزین اورتازدا آیریلیق دوشه جکدیر. من ئوله رهم بیر حالدا کی سیزلر ایله اولماغیمدا اینجیب و یالقیز قالمیشدیم. تانری امه گیزی وئرسین. دئمک اولار بیردین یوخدورکی سیزلری بیر یئره ییغسین، یا غیرت یوخدورکی سیزلری دشماناساری حاضرلا سین؟ بو عجب دگیل کی معاویه ظلمه و خولیقانلاری چاغیرماق هاما اونلار حاقسیز و امه ک سیز قبول ائدیرلر. من سیزلری چاغیریرام کی «ای ایسلامدا قالانلار، گلین، تا بیرلیکده یاردیم و احسانیم اولسون، اما باشیمدان داغیلیب اختلاف ائدیرسیز. حؤکم لریمه رضا یوخوزدور نه سئوینیرسیز و نه اونلاردان آجیقلا نیر سیز، تا بیر یئره ییغشاسیز. ایندی منه هامودان سئومه لی زاد ئولومدور[تا الیزدن قورتالام] حقیقتده، قرآنی سسیزلره اویره تدیم، دلیل و حجت یولون بیلدیردیم، تانیمادیقلاریزی تانیتدیردیم آغیزی دادلان دیردیم. اما کاش کور، گوره ایدی و یاتان اویانا یدی».

معاویه نین دالیندا اولانلار نه قهدهر قانمازلیغا یاخین و تانریدان ایراقدن دیلار؟ و اولارین
اویره دنی نابغه نین اوغلودور!!

خطبه ۱۸۰

حاقدان آیری دوشن لر

صحابه لریندن بیرینی یوللادی تا بیر پاراکوفه دیوشچولردن کی او حضرتدن قورخوب
و ایستیردیلر خوارجه قوشولسونلار، خبر گتیر سین.

او صحابه قائیداندان سونرا، سوروشدی: دئی گوروم اونلار مندن آرخائین اولوب
قالدیلا یا کوچوب گتتدیلر؟ او کیشی دئدی: یا امیر اونلار قورخوب کوچدولر.

امام (علیه السلام) بئله بویوردی: ثمود طایفاسی تانری رحمتیندن ایراق اولان کیمی. رحمت
اونلاردان ایراق اولسون.

آییل او زامان کی نیزه لر و شمشیرلر اونلارین باشلارینا اهنه، پشیمان اولارلار. بوگون
شیطان بئله ایستیرکی، اونلار آیریلیب داغیل سین لار، اما قیامت گونی، اونلاردان قیراقدن گزه
جکدیر.

اونلارین هدایت یولوندان چیخیب، آرقینلیق و کورلوق عذابیندا قالماقلاری، و حاقدان
آیری دوشماقلاری اونلار اابسدر.

خطبه ۱۸۱

آخرینجی خطبه سیندن

نوف بکالی دن روایت اولوب حضرت علی کوفه ده بیر داش اؤسته کی جعدئ بن هبیره
مخزومی، تیکمیشدی، بیر حالداکی یوندان اولان بیر ئوزین گئیمه گیمیشدی و شمشیرینین
و آیاق قابی لاری نین باغی، خرمالیفیندن ایدی، و آلتی دوه دیزی کیمی پینه باغلامیشدی،
بویوردی:

شکر اولسون او الله کی یارانمیشلارین هاموسی ان سونوندا اونا ساری قائیدا جاقلا. اونون بؤیوک یاخشى لىق لارینا و آیدین دلیل لرینه و وئردیگی باغیشلارین آرتیق اولدوغونا گوره شوکر اندیریک. او شکرلردن کی اونون حاققینی یئرینه یتیرسین. او ستایش کی بیزلری ساواینا آرتیقجا یاخین لاتسین و احسانی آرتسین. اوندان یاردیم ایستریک، او آدام کیمی کی، اللهین فضلینه اومودی وار و احسانی آرزى سیندادیر، زیان یتیرمگینه، آرخائین دیر، اونون قدرتیله اعتراف ائدهر. اونون ایشینه و بویورماغینا باخار. اینانوب و کامل ایمانی اولانلار کیمی اونا ایمانی وار. اونا خالص و پاک ایمان اولماغیله قاباغیندا ئوزین آلحاق بیلپ بیرلیگینه اعتقادی وار. شوقیله چالیشیب اونی تعریف و حوءرمتلندیریر. اونی بیر نفر دوغمیوب تا بؤیوک مقامیندا اونا شریک اولسون. دوغمیوبدور تا آرادان گئندنه اوندان میراث قالسین. زامان اوندان قاباغا گئچه بیلمز آرتیق و اسگیک اولان دگیل. او نشانه لر و تظلم لر و محکم نظام لارکی اوندا واردیر، ئوز بؤیوکلیگین بیزلره بیلندیریبیدیر.

اللهین یاراتماق دلیلی بودورکی دستکی اولمیاراق گؤیلری محکم یارادیب، اطاعتینه چاغیردی. اولنار دایانمیب، قبول ائتدیلر. اگر تانری لیغینا اقرار ائتمه سه ایدیلر، تانری اولناری عرشى اوچون و ملائکه لر یئری لیاقتلی بنده لرین ایشلری و سؤزلری یئری قرار وئرمزایدی. گؤیده اولدوزلارینی، نشانه قرار وئردی تا آزان ویول ایتیره ن یولچولار ئوز یوللارینی تاپسینلار. او اولدوزلار ایشیقینی گئجه قارائلیقی ئورته بیلمز. قارائلیق گئجه لرین قارا آسلاقلاری، گؤیده پارلیان آی ایشیقینی محو ائده بیلمز.

پاکدیر او تانری کی گئجه نین قارائلیقی و یئرین آلحاق اوجالاریندا اولانلار اونا گیزلین دگیل لر. ئوزاقدان گلن، بولوت سسلری، شاخیب محو اولان ایلدیریملاری، او یاپراقلارکی یاغیش اثرینده بوداقلاردان آیریلیر، یاغیش دامجی لارینین دوشن یئرلری، بیر قارینجانین هاردان گلیب هارا گئتمه سی، میلچه کلره هانسی روزی کفایت ائدهر، دیشی یارانمیش لارین قارینندا اولانلارین وجودیدن خبری وار. حمد او اللهین دیرکی اونون تختی یا عرشى، گوی، یئر، جن، انس، یارانماشیدن قاباق واریدی. خیال و دوشونجکله

بللی اولماز. هنج بیر سوروشان اونون باشینی قاتا بیلیمز. احسان و باغیشلاماقی اوندان بیرزاد، اسگیلده بیلیمز. گۆزلریله گورونمز و دئمک اولماز هاردادیر. اوناتای تاپیلماز، یاراتماق اوچون اونا وسیله لازم دگیل. جسمانی حسلر اونی دوشوندوره بیلمز لر و اونی بشریله توتوشدورمق اولماز. او بیر تانری دیر کی موسی (علیه السلام) ایله دیلسیز و آغیر سیز دانیشدی و عظمتلی نشانه لرینی اونا بیلندیردی.

ای او آدم کی تانری تعریفینده ئوزین اوچون زحمت و ئیررسن، اگر دوزدیرسن، تعریف ائت: جبرائیلی، میکائیلی و سایره یاخین فرشته لری کی، اونون پاک درگاهیندا عبادت اندیرلر و اونی تعریف ائتمکده، حیرتدن باشلاری اشاغا و عاگیللاری حیراندیر.

چون، اونی تعریفه گتیرمک اولار کی، شکیل ونه سنه لری وار و عمر لری قورتولوب باشاچاتار... اما الله دان سوای آیرسی یوخدور، اودور کی هر قارائلیقی ئوز ایشیقی ایله، ایشیق لاندیریر و هر ایشیقی، قارائلیق ائتماقیله سوندورور. ای آللهین بنده لری، سیزی تقوایه وصیت اندیره م هامان تانری کی وجودیزه گۆزه ل پالتار گیئندیریب و بؤل روزی وئردی.

اگر قرار اولسایدی، دنیادا قالمق اوچون، یول تاپیلسین، داود اوغلی سلیمان (علیه السلام) تاپایلردی. چون جن و انس، اختیاریندا ایدیلر: شاهلیقی پیغمبر لیک مقامی، حوء رمتی واریدی. اما او زامان کی روزی کاساسی دولدی، فنا کمانلاری، ئولوم اوخلاریله اونی هدف توتدولار. ائو ائشیک لری بوش قالدی و ئوزگه لر اونلاردان میراث آپاردیلار...

بودورگی اوتن زامانلاردان سیزلره عبیرت درسی وار... هانی عمالقه؟ هانی اونلارین ائولادی؟ هانی فرعونلار و ائولادلاری؟ هانی رس شهرینن آداملاری کی پیغمبر لری ئولدوردولر و اونلارین هدایت چیراغلارین سوندوروب یاغی لار یولون توتدولار؟ هانی او آداملار کی دوء یوشچیلریله هر طرفده چال چاپ اندیب مینلر آدامی شکست وئریب قۆشون ییغدیلار؟ شهرلر تیکدیردیلر؟

او، حکمت پالتارین کئپ بوتوولوکده علم لرین یول یولاجاق و درک ائت ماقیله، حاضر لانیب و ایتگین حکمت دالینجا گزیر، و بیر آرزو کی اونی ایستیری. او زامان کی ایسلام دینی، غریب اولوب، یورقون دوه کیمی یئره یایلانار، او گیزلینده یاشار. او تانری

حجت‌لرینین آخیره گلنی و پیغمبرلر خلیفه‌لرینین خلیفه سیدیر.

ای جماعت: گئچن پیغمبرلر امت‌لرینه وئرلن او یودلاردان سیزه دئدیم و سیزلره او وظیفه‌لردن کی، وصی‌لرین، پیغمبرلردن سونرا عهده‌لرینده وار، یتیردیم تعلیم آغاجیله سیزلری او یاتدیم، قورخوتمالی لارایله یولا چکدیم اما یغیشمادیز، تانری اجریزی وئرسین. آیا مندن سوای بیر باشچی آختاریرسیز تا سیزلری یولا گتیرسین؟ و حاق یولونسی نشان وئرسین؟ آییلین، دنیا گتیردیکلرینه دال چئویریب و دال چئویردیکلرینه ئوزگتیریبدير.

اللهین یاخشی بنده‌لری کوچماغا باشلادیلار.

دونیانین آزا ولدوغونی کی قالمالی دگیل، آخیرتین قالیجی و چوخ اولدوغونا ساتدیلار دوغروسی نه‌قه‌دهر زییانی اولدولار او قارداشلاریمیزی صفین ساواشیندا، قانلاری توکولدی ایندی دیری دگیل‌لر تا بوغازداقلان تیکه‌لر و آجی سولاردان ایچسین‌لر.

آند اولسون اللهه، اونلار اللهی درک و آله اونلارین سزاسینه، بو دنیا قورخوسوندان سونرا، بهشته یئر وئردی. هانی منیم قارداشلاریم کی حاق یولوندا، مینیب، دوزگونلوک‌ایله عمر سوردولر؟ هانی عمار؟ هانی ابن تیهان؟ هانی ذوالشهادتین؟ هانی اونلارین تایلاری؟ هانی او قارداشلارکی ئولمک اوچون بیریرلریله پیمان باغلادیلار و باشلاری ظالیم‌لره یوللاندی؟

سونرا، اللرین مبارک ساققالینا چکیب چوخ آغلاماقدان سونرا بویوردی: «حیف او قارداشلاریم کی قرآن اوخویوب واجب‌عمل‌لره دقت ائدیپ، اونلاری قیلاردیلار. سنت‌لری دیری ساخلیب بدعت‌لری آتاردیلار. جهادا چاغیرماق هامان قبول ائدیپ، یول گوسته‌رهنه آرخیاین اولماغیله اونون آردیندا اولدولار.

سونرا اوجا سسله بئله بویوردی: ای آله‌لین بنده‌لری جهاد ائدین، جهاد ائدین من بوگون دوءیوشچی ایله اردوگاها ساری گنده‌جاغام، هر کیم ایستیر تانری طرفینه گنده، بویورسون.

نوف دئدی: اوغلی حسینه اون مین نفر بیر بایداق، سعدبن قیسه اون مین نفر بیر بایداق، ابو ایوب انصارییه اون مین نفر بیر بایداق و آیری‌لرینی بیر چوخ نفرلره امیر ائتدی و صفینه

گەلمەك اوچون اراده لئەندى. جەمە گونى اولمايشدى كى ملعون ابن ملجم اونا بىر ضربە ووردى. داهاقۇشون قانئىتدى و بىزلردە چوبانين ايتىرەن داوار كىمى قالدېق كى قوردلار ھەر طرفدن اونلارا يۈگۈرەر لىر.

خطبە ۱۸۲

اللھین حمدى - قرآن - اويود

شكر او تانرىيە كى گورسەنمە ميشدن، تانينبيدير، زحمت چكەمە ميشدن ياراداندير. او قدرت الى ايله موجودلارى ياراتدى. بۇيوكلىگى ايله، ياغى لارى ئوزونە قول ائتدى. باغيشلاماقيله، بۇيوكلردن يوخارى مقامدا دير. او بىر الله ديركى، يارانمىش لارىنا دونيادايتر وئردى و پيغمبرلرني جن و انس طرفينە يوللادى تا، دونيا پرده لرني گۈزلر قاباغيندان كنار ائتسينلر و پيسليك لردن، اونلارى قورخوتسونلار واونلار اوچون مثل چكىب، دونيا دالينجا قاجماق زيبانلاريني بيان ائتسينلر و غفلتە اولان زامان اونلارا عيبرتلى سۈزلر دئسينلر. ساغليق، خستەليك، آبرى توتقونلوقلار و اونون حالال و حارامين دئسينلر. بھشتى و اونون حوءەرمەتلىرى، ياخشى آدمالارا و جھنمى پيسلرە حاضرلەمگى، اونلار يەنە يادينا سالىن لار.

تانرىيە شكر اندە رەم تا اونا ياخين اولوم. ھامان شكركى ئوزى بئەلر يەنە ايستە ييبيدير. او ھەر بىر زادا اندازا و ئولچى و ھەر ئولچى يە بىرسون قويولماق و ھەر زامانا بىريازى، يازيبيدير. قرآن امراندىن و پيسلر يەنە قاباغين آلان بىر كىتابدير. دوزدوركى دىلى يوخدور، اما اللھين يارانمىش لارىنا دانىشان بىر حجتدير. تانرى بئەلردن پيمان آليب و بئەلرى قرآين دركىندە يىلدى. اونون ايشيقين، ھەر يانا سپديردى و دينين اونولا كامىل لنديردى و پيغمبريني، او زامان بودون يادان آپاردى كى؛ قرآن حۇكم لرني جاماعاتا يتىرمەكن باشى آيدىن اولموشدى. ايندى يئرى وار. اللھى بۇيوك سايماقيله، ياداندە سىز. چون، بۇيوك مقامنى قرآندا بىلدىرىپ و حۇكم لرني گىزلىتىپ بۇدور. ھىچ بىر سۈزكى رضا سى اولايا آچىقلانا، گىزلىن ساخلا مادى مگركى بىر علامەت اونىدان قالمايش اولتا تاپىسلردن

ساخلیوب یا خشیلرہ امر اتسین. دئمک اولارکی اونون رضاسی یا آجیقلا نماسی، گنچمیش زاماندا و گله جکده بیر هاوادی.

بیلین اللہین سیزلرہ او ایشده رضاسی اولمیہ جک کی گنچہ جکده کیلرہ، آجیقلا نمیشدی و آجیقلا نماز او زادا کی گنچہ جکده کیلرہ راضی اولموشدی. سیز هامان یولدا گندیب یا دانشرسیز کی سیزدن ایرہ لیلر، او یولدا ایدیلر. حقیقتہ، اللہ روزی لریزہ ضامندیر. سیزلری شوکر ائتمگہ چاغیریر. بو ایشی رضاسینین اخیر درجہ سی بیلر.

تانیردان قورخون کی هرواخت اونون ئوزہ رینده و اختیاریندا سیز، دوروب اوتوروشوز اونون الینده دیر. گیزلتسزده بیلر، آیدینا چیخارتساز، یازار، سیزلرہ گوزتجی سی وار، اونلار بیر حاققی قلمدن سالمیوب گورولمہ میس بیرایشی ده یازمازلار. بیلین هر کیمین تقواسی اولسا، اولوتانری، هر فیرتیناو قارائلیق یولدان قاجماغی اونا بیلیندیریب آرزی سینی ابدی ائدہر. ئوز یوردوندا حوہرمتلی حالدا اوتراق وئرر. او مأوانین نہایتی عرش، ایشیقی تانری رضاسی، زایرلری ملائکہلر، یولداشلاری پیغمبرلردیلر، اودورکی ئولومدن قاباق، آخرت اوچون چالشین. او قہدہر زامان چکمزکی آرزی لار کسلیب و ئولوم، جاماعاتی قاپسار و توبہ قاپولاری ئوزلرینہ باغلانار. نئجہ کی سیزلردن قاباق ئولنلر، دونیایہ گلماقلارین ایسترلر...

سیزلردہ بئلہ بیر سفرده سیز. سیزی کوچماغا و توشہ گوتورماغا امر ائدیبلر. آیلین یونازک دری، جہنم اودونا دؤزہ بیلمز ئوزوزہ رحم ائدین، کی دونیادا ئوزوزی چتین لیک و مصیبت لر ایلہ سیناماقا چکمیسیز. آیا گورموسوزکی سیزلردن بیرسی ایاغینا تیکان باتاندا نئجہ ہارای چکیر؟ یا بیر بودورہ مک اونی قانا بویور؟ یا بیر سیجاق قوم اونی یاندیریر؟ نہہ حالا قالاجاق او زامان کی ایکی تایاکوز اؤد آراسیندا یاندیران داش و شیطان اونا یولداشدیر؟ آیا بونی بیلرسیز او زامان کی جہنم مالکی او ناحیر صلہنر و اؤد اونون ہاراییندان اؤست اوستہ، دیغیرلانار. او زامان کی اونا ایشکنجہ وئرر، داہا دوزموب اینلیہ اینلیہ جہنم قاپولارینین اورتاسیندا آتیلیب دوشر.

ای سنی گنچمیش قوجا کیشی؛ کی گوجدن دوشوب قوجالیق اتگین دن یاپیشیدیر،

اوندا نئجه اولاجکسن کی اود حلقه‌لری بونون سوموکلرینه یاپیشار، بویونلوق و زنجیرلر بیلک‌لرین اتینی سورتر؟

ای مؤسلمانلار: الله‌دان قورخون، الله‌دان قورخون خسته‌لن مه‌میشدن قاباق چاغ اولان زاماندان، راحت لیقدا داریشلیغا دوشمه‌میشدن، بویونلاریزی قاپولار باغلانما‌میشدن نجات وئرن. گؤزلریزی آییق، قاریزی آریق، آياقلاریزی ایشلک و مالیزی باغیشلین. بدنلریزی روحوزا قربان ائدین. بو ایشده پاخیل اولمیون کی تانری بویورور: «اگر تانرییه یاردیم اولساز، اودا سیزلره یاردیم اولار و آددیم‌لاریزی محکم لندیره. س ۴۷. ی ۷» بیرده بئله بویوروب: کیمدیر تانرییه یاخشى بوج وئره تا تانری نئچه قات چوخون اونا باغیشلییا؟ (سوره ۵۷ آیه ۱۱).

بیلین کی تانری ایسته‌مگی، احتیاجدان دگیل و فقیرلیکدن، بوج ایسته‌میر. سیزدن یاردیمچی لبق ایستیر اما اونون یاردیم‌لاری، یشلر و گویلر دیلر، بیر حالدا کی عزیز و حکیم‌دیر بوج ایستیر، بیر حالدا کی یش و گویلر خزینه‌لری اونوندور، احتیاجی اولمیه راق او ایستیر سیزلری یوخلایب، گورسون هانسیز، یاخشى ایش گوره‌ن سیز؟ اودور کی چالیشین یاخشى ایش گوره‌ن اولون بهشته آلله‌ین قونشوسو و یاخشى آدام‌لارا ائله‌ اول سیزکی، پیغمبرلرین یولداشلاری دیلار. فرشته‌لر اونلارین گوروشلرینه گلرلر.

تانری اونلارین قولاق‌لارین حفظ ائدیپ، تا اولماسون کی آلوو سه‌سی، قولاق‌لارینا چاتسین بئله‌لیکده اونلارین بدنلرینی هر زحمتدن نجات وئردی.

«بو اللهین عنایت و رحمتی‌دیر، اونى هر کیمه ایسته‌سه، وئرر چون، او بؤیوک احسان صاحبی‌دیر. من دئیرم و سیزلرده ائشیدیر سیز. ایندی الله‌دان ئوزومه و سیزلره یاردیمچی لبق ایستیرم. او یزه بسدیر و یاخشى وکیل‌دیر.

خطبه ۱۸۳

بیر اودوملی جاواب

خوارجدن، برج ابن مسهر طاعی‌یه او زامان کی دئیردی: یالنیز حؤکم اللهین کیدیر» و

او حضرت ده ائشیدیردی، بویوردی:

«ای او آدام کی قاباق دیشلرین دوشوب! لال اول. اءوزون قارا اولسون آند اولسون
آللہ کی حاق بللی اولدی اما سن آریق کن، گوجون اولمیه راق سه سین آرادا ایتیمیشدی.
ائله کی باطل سسین بوغازیندان گلدی، گنچی بورنوزی کیمی اورتالیکا آتیلدین».

خطبه ۱۸۴- دن

تقوالی اینسان بئله اولار

مؤمن لر آغاسی علی علیہ السلامین صحابہ لریندن بیر کی اونا «همام» دیردیلر، بیر
عبادت ائدن کیشی ایدی دندی: ای امیرالمومنین، تقوالی آداملاری منه تسائیتدیر، ائله ییل
کی اونلاری گورورهم. امام اونون جاواییندا، بیر آز دایاندی، اوندان سونرا بئله بویوردی:
ای همام، سن ئوزین آللہ دان قورخ و یاخشلیق ائت کی «تانی او آداملارینان دیرکی
تقولاری وار و یاخشی ایش گورن لردن دیلر» س ۱۶ ی ۱۲۱. اما همام، بو سؤزه قانیق
اولمیوب، اما ما آند وئردیردی. داها او حضرت آللہین شوکرینی یثرینه گتیره ندن سونرا
پیغمبره صلوات چئویریب بئله بویوردی:

اولو تانی، اینسانلاری یار اتماقدا، اونلارین اطاعتلرینه نیازی یوخدور و گناہلاریندان
اماندا دیر. نیه کی گناہکارلارین مطیع اولماقلاری، اونازیان یتیره بیلمز و اطاعتلری ده اونا
فایدالی دگیل. تانی روزی تاپماق وسیله لرینی بنده لر اختیاریندا قویدی و هره نی ئوز
مقامیندا ساخلادی. تقوالی اولانلار بو فضیلتین صاحبی دیلرکی دانیشیق لاری دوزگونلوک
گینیم لری اورتانجیل اوتورب دورماقلاری آلچاق کونول اولماقدیر. اونلار حارامدان گؤز
ئورتوبلر و فایدالی علم لره قولاق وئریلر، هر بلا، یا راحتچیلیقدا، اونلارین حالی
دولانماز. اگر آللہین وعده وئرن نولومی اورتادا اولماسایدی، ساواب سئوینجگی و عذاب
قورخوسی بدنلرینده قالمازدی. تانی اونلارین گؤزونده، بؤیوک و اوندان آیری لاری،
کیچیک دیر.

بهشته اینانمالاری، او آدامین اینانماسینا بنزه رکی، ائله ییل اونی گوروبدورکی نئجه

اورداخوشجا یاشایرلار. اینانمالاری جهنمه او اندازادیرکی، ائله بیل اونی گوروبدووراودا اولانلارنئجه عذابدا دیسلار. کونوللری غصه‌لی (هامی) اونلارین ایذالاریندان اماندا، وجودلاری آریق، ایسته مک‌لری آز، روحلاری تمیزدیر. نئجه‌گون بودونیا‌دا دؤزسه‌لر، اوندان سونرا هرواخت راحتچیلیق تاپارلار. بو ایش، بیر فایدالی آلیش وئریش دیرکی تانری اونلارا حاضر لاییدیر.

دوینا اونلارا نوز گتیردی اما، اونلاردونیا‌دان، ئوزچئویردیلسر. اسیر توتدی اما اونلار جانلارین فدا ائتماقیله ئوزلرینی اونون الیندن قورتاردیلار. گنجهلر آیاغا قالخیب، قرآن آیهلرینی اوخوماقیله فیکره گندیب غصه لنرلر و اوره‌ک دردلرینین چاره‌سینی اوندان ایسترلر. هر زامان بیر شوقه گتیره‌ن آیه اوخوسالار، شوقیله اونا میل ائدیپ، سزالارینی اونی اوخوماقیله، گؤزلرینین قاباغیندا بیلرلر و اگر قورخو آیه‌سی اولسا، اوره‌کدن اونا قولاق آسارلار ائله بیلکی، جهنمه‌ده کیلرین آغلاماق و سیزیلتی‌لری قولاق‌لاری دیینده‌دیر. بو احساسیله سجده گندیب ئوز، ال و آیاق‌لارینی توپراغا دایارلار و تانری‌دان قورتولوش یولون ایسترلر. گوندوزلر. صبرلی بیلن و یاخشى تقوالی اولارلار. قورخو اونلارین بدنلرینی اوخ آغاجی کیمی آریق لاندیریپ اویله کی، ئوزاقدان باخانلار اونلاری خسته بیلرلر. اما هئچ بئله دگیل. دییرلر عاغیل سیزیا ده‌لی دیلر، اما یوخ ینه بئله دگیل بلکه، وجودلاریندا بیر بؤیوک دوشونمک وار. آز عمل لریندن سؤینمه‌ییب، آرتیق عمل‌لرینی‌ده چوخ بیلمزلر. ئوزلرینی گناهلی بیلیپ عمل‌لریندن قورخودا دیسلار. اگر اونلارین بیرینی تعریف ائده‌لر، او، دئیش‌دن قورخوب دییر: من ئوزومى یاخشى تانیرام و الله‌دا. منى ئوزومدن یاخشى تانیر. الهی بونلاری منه گناه یازما و منى، بونلارین فیکریندن آرتیق ائست. و بیلمین گناهلاریمی ده باغیشلا.

اونلارین علامت‌لری بئله‌دیر: بیر تقوالی، دین ایشلرینده گوجللی، اخلاق‌دا یوموشاق، گله‌جاغا فیکر اندن، ایمانی یقین ایله دولو، علم اؤیرنماغا علاقه‌لی، علمینده حلم‌لی، وارلی اولدوغو حالدا اسراف‌سیز، عبادتینده آلچاق کونول، فقیر اولدوغو حالدا بزه‌ک‌لی دولانان، چتین ایشلرده دؤزوملی، حلال آختاران، هدایت یولوندا سؤینه جک‌لی، تاماه کارلیق‌دان

ئوزاق، ياخشى ايشلرى گوردوگى حالدا، ينه قورخور. گنجهلرى شوكر ائتماقيله سحر ائدهر بير حالداكى، غفلتيدن قورخور. گوندوزلر تانرى احسانيندان، سؤينر، اگر نفسى وظيفه سيندن آرتيق ايستهسه، اونى ايسته ديگى زاددان ايراقلانديرار. اونون گؤز ايشيقي قاليجى زادلاردىلارو قالمين لره كونول نشان وئرن دگيل. علمى و حلمى بيريرلرينه قاريشيب دىلى و ايشى بيردير.

گورورسن كى قيسا آرزي لاريله، خاطاسى بوخ، كونولى آلچاق، نفسى قناعتلى، يه مگى آز، ايشينى راحت بيلن، دينى يئرینده، شهوتى آرادان گئدميش، اينسانلار اونون خيرينه اومودلارى وار و شريندن راحت ديلار. اگر اويغودا اولانلار آراسيندا اولسا، الله ذكرى دين لردن و اگر الله ذكرى دين لر آراسيندا اولسا غافل لردن ساييلماز.

ئوزونه ظلم ائدهنى باغيشلار، احسانلاريني احسانين كسندن، كسمز. هر كيم اوندان قطع رحم ائتسه، ينه اونا سارى ياخينلاشار. پيس دانيشماز. سؤزلرى يوموشاقدير. پيس ايشلر اوندان گؤرسنمز و ياخشى ايشلرى بللى دير. ياخشى ليقلار اونا سارى گليب پيسليك لر اوندان ايراقديلار. چتين ليكلره دؤزوملى، اينجيكلى ايشلرده داواملى و نعمت زامانى شوكر ائدن دير. دشمانينا ظلم ائتمز، يولداشلارى حاققيندا گناه ائتمز. حاق ايشه شاهد گتيرمه ميشدن اعتراف ائدر، اونا تاپشيرانى كورلاماز. ئويرنديگين ياددان چيخارتماز و هئچ كيمى پيس شهرتيله چاغيرماز. قونشو لارينا ضرر وورماز. جماعتين پيس گونلرينه گولمز. خاطا يولا گئتمز، حاقدان چيخماز اگر دانيشماسا، دينمه مزيگى اونى كدرلنديرمز. گولوش سسى اوجاچيخماز. اونا ظلم اولونسا، دؤزه ر تا تانرى انتقامين آلسين. هواى نفس اونون اليندن زحمتده دير.

جاماعات اونون اليندن دينج ديلر. او دونيا اوچون، ئوزونى زحمته سالار تا اينسانلار دينج اولسونلار اينسانلاردان كنار گزمگى بو دليله ديركى، پاك قالسین و ياخين لار ايله گزمگى مهربانچيلىق داندیر و ئوزاق گزمگى، ئوزين ايسته مك يا يئكه ليك ساتماقدان دگيل و ياخين اولماغى، فيريلداق بابتيندن اولماز.

سؤز بوراچاتاندا، همام دويغودان گئديب، او حالداروحى بدنيندن چيخدى. امام

بویوردی: آند اولسون اللهه، من بوندان قورخوردوم. سونرا بویوردی: «دوزگون اویودلار اهلی اوچون بئله دیر»

حاضر اولانلارین بیرى دئدی: ای امیرالمومنین سن ئوزین نه حالا قالارسان؟
امام بویوردی: وای اولسون سنه، هر اجلین بیر زامانی وارکی، گئچمز و بیر سببی وارکی اوندان داشماز. بئله سؤزلردن کی شیطان دیلیوهن قویدی، بیرده دانیشما.

خطبه ۱۸۵

منافق لر کیم لر دیلر؟

تانرییه شوکر ائدیرهم کی بیزلره اطاعت و فرمان آپارماق توفیقی وئردی و بیزلری گناه ائتمه دن و گری قاییتماقدان ساخلادی. اوندان ایسته ریک کی نعمت لرینی بیزلره کامل ائتسین و الیمیزی محکم ایپه یتیرسین. شهادت وئیرهم کی محمد (ﷺ) اونون بنده سی و پیغمبریدیر. او، تانری رضاسی اوچون هر چتین لیکی ئوزونه قبول ائتدی و اونون یولوندا، هر غم و غصّه یه دؤزدی. اونون یاخین لاری نئچه جور ایدیلر و ئوزاقدکیلار و ئوزگه لر، اونولا ساواش اوچون دوه لرینی یه گین سور دولر و ئوزاق ئولکه لردن او حضرتین اوتراق یتیرنده دشمانلیغا باشلادیلار...

ای آللهین بنده لری سیزلری تقوایه و الله دان قورخماغا و ایکی ئوزلی آداملاردن قاچماغا چاغیریرام. چون اونلار آزقین دیلار و آزدیرارلار. یانلیش گندیب، آدامی یانلیش لیغا چه کرلر، اونلار ئوزلرینی، هر دونا سالیب سیزلری گوده رلر. هر نه ایله اولسا، توغلارلار. اونلارین اوره کلری خسته دیر. ائشیک لری خوش اولسادا، ایچه ری لری پیس دیر. گیزلین توغلاماق ئیت لری وار هابئله گیزلین یول گندیب خوش نیت لی بیلینرلر. اما عمل لری چاره سی اولمیان بیر خسته لیک دیر.

اینسانلارین راحت اولماغینا پاخیل له نرلر، اونلارا بلا ایستیپ اومودلارین کسرلر، هر آددیمدا اونلارین الیندن، بیر نفر یتره یخیلان وار. هر کونوله یول تاپماقی بیلرلر. هر غصه لی امره، آغلارلار... بیریرلرینه تشکر ائتمگی بورج وئرلر. بوایشدن اوتری اجرت

آلماغا گۆز تیکرلر. اگر بیرزاد ایسته سه لر، اصرار انده رلر. اما اگر اونلاری، دانلا سالار و وئرمه سه لر، کاتی سؤزلردن دیرلر. اگر اونلارا بیرزاد تاپشیر سالار، اسراف انده رلر. هر باطل قاباغیندا، بیر حاقلی و هر دوزگون ایشین قاباغیندا بیر دولاشیق ایش، و هر دیرییه بیر ئولدوره ن، و هر قاپویا بیر کلید، و هر گنجه یه بیر چیراغ حاضرلیب لار. اومود سوز اولماق و ئوزونلی وارلی بیللمگی، ئوزلرینه تاماه کارلیق وسیله سی قرار وئرلر تا، بازار قیزیشدیر سینلار و جنس لرینی ساتاییل سین لر. سؤزدانیشارلار اما ئوز باطل سؤزلرینی حاق بیلیندیره لر. بزه کلی سؤزلردن دانیشارلار. اونی یاخشی بیلیندیره لر. ئوزلری گئدن یولی راحت، و اوندان چیخماق یولونی، چتین له درلر. اونلار شیطانین دالیندا اولانلاردان دیلار. اونلار، شیطان امتی و جهنم آلولاری دیلار. تانری بئله بویوروب (اونلار شیطان طایفا سیدیلار و شیطان طایفاسی زییانلی چیخار).

خطبه ۱۸۶ دان

اللهین شوکری - پیغمبرین وصفی - تقوا

شوکر او آلههین دیرکی قدرت الی ایله بؤیوک و قدرتلی مقامین نشان وئردی، او یله کی گؤزلر اونون قدرتیندن حیرته قالیب و درین فیکرلر اونی تانیماقدان عاجز دیر ایمانیله شهادت وئیرم کی اوندان سوای بیر تانری یوخدور و شهادت وئیرم کی محمد (ﷺ) آلههین بنده سی و اونون رسولی دیر. او جنابی بیر زامان گونده ردی کی هدایت علامت لری اسکی لن میشدی و دینین یوللاری آرادان گئتمیشدی. او حاق یولونی بیلیندیردی و اینسانلارا او یود وئردی و دؤزگونلوک ایله یول گوستریب، اورتا باب اولماغا امر ائتدی. اللهین سلام و صلواتی اونا و اونون سؤلاله سینا اولسون.

ای آلههین بنده لری: آییلین کی، آله سیزلری بوش بوشونا یاراتمادی و ئوز باشینادا اوتورمه دی احسان و نعمت لرین اندازه سینی بیلر و احسانین سایی وار. اودروکی دشمانا غالب اولماغی و احتیاجلاریزی، اوندان ایسته یین. هر نه ایسته سز و هر خاطا و باغیشلاماغی، یالنیز اوندان، ایسته یین. چون اونولاسیزلرین اورتاسیندا، بیر حایل، یا بیر

باغلی قاپو یوخدور. او هر یثرده و هر زامان و هر انس و جن له واردیر. اونون باغیشلاماسیله، نعمت لری آزالیب یا ناقص اولماز. ایسته مگیله نعمتی قورتالماز. نعمتینه چاتانلار، خزانه سینین نهایتینه، ال آپارایلمازلر. بیرینه مشغول اولاندا، آیری لاریندان غفلتده قالماز. بیر سس او بیر سسه مانع اولماز. بیرینه وئرمگی او بیرسینین قاباغین آلماز. غضب ائتمگی و رحمتینین قاباغیندا دورماز. و رحمتی، اونى عذابدان غافل ائتمز. گیزلین اولدوغی بللی اولدوغونا ماشات دگیل. یاخین اولدوغو حالدا ئوزاقدادیر. هم یوخاریدا و هم اشاغادا، گیزلین و هم بللی دیروبللی یثرده گیزلیندیر.

او هامودان حساب چه کر اما بیر کیمسه اوندان حساب چکه بیلمز. یارانمیش لاری (بشری) فیکرایله یاراتمادی و هئچ ایشده بیرکیمسه دن یاردیم آلمادی.

ای آللهین بنده لری، سیزلری تقوایه و تانری اطاعتینه چاغیریرام، چون ایشلرین کوکی تقوا و تقوا بیر بیخو یا دیرک یثرینده ساییلار. سیزلرده تقوانین داواملی ایپیندن یایشین تا دینج، گئیش و حوءرمتلی منزل لره یتیرسین.

اوگون کی گؤزلر حیرتدن آچیق قالب و هر یثر قارائلیق، دوه سورولری صاحب سیز اولار، صور چالینار روحلار بدنن چیخار، دیل لر لال اولار. اوجا داواملی داغلار توکولر. یئرلر دوزه نگاه اولوب سارابا بنزهر. بئله بیرگونده شفاعت ائدن تاپیلماز. بیر تانیش یوخدور تا اونا آرخادورسون و اءوزونتولری قایتارسین و فایدا وئرن عذره یثر یوخدور.

خطبه ۱۸۷

تقوا - دونیانین سونی

او زامان پیغمبری، پیغمبرلیگه، سئجدی کی (دیندن) بیر ایز قالمامیشدی. دین ایشیقی و دوزگون یول، یوخیدی. ای آللهین بنده لری: سیزی تقوایه و الله قوللوغونا چاغیریرام و دونیادان چکینماغی ایستیرهم. چون کی دنیا، کوچملی و چتین لیکلر و خوش گورولمیین بیر یثردیر. اوندان اولان گئتملی و اوندان قالان، آیریلما لیدیر. اؤز اهلینی سیلکه لیب، بورولغانا سالار. اویله بیل کی، بیرگمی، یئل گوجونه تیتره مه ده دیر و اوندان کی لاری اوره ک

چیر پینماسینا دوچار ائدهر. بیر پارالاری سویا دوشوب ئولرلر و بیر پارالاری، بوراخیلارلار. بیر پارالاری دا دالقالار اؤسته، ال آیاق وورماقدا، یئل اونلاری اویان بویانا آپاریب قورخویا سالار. ئولنلر تاپیلماز و قالانلاردا ئولوم آیاغینا گئدرلر. ای اللهین بندهلری: ایندی دن آییق اولون، ایندی کی، دیل لر آچیق، بدنلر ساغلام و اعضالر فرمانا حاضر دیلار، تا فرصت وار ئولوم یتیشه نه دک، ایشله یین و اونون گلمگین، یقین و حاقلی بیلین و انتظاریندا اولون.

خطبه ۱۸۸

کیم خلافته حاقلی دیر

پیغمبر صحابه لریندن بؤیوکلری، اونون ستی و قرآنیندن مغایات اولانلار بیلرلرکی من، حتی بیر آز زامان، اونون اطاعت و فرمانیندن گری قالمامیشام. حتی اونون یولوندا. جانیمدان گئچدیم.

او زامانکی ایگیتلر گری اؤتوروب آددیملار یشری میردی، او حضرت له دایانندیم و بو ایگیتلیک سببینه، تانری منی حوءرمتلندیردی. بیر حالداکی، اللهین رسولی دؤشوم و الیم اوسته ایدی، روحی بدنیندن آیریلدی. اللریمی اؤزینه چکیب او حضرتین غسل وئرمگینه مسؤول اولدوم. ملائکه لر یاردیم ائتدیلر. ائوین قاپو و دیوارلاری، ناله ائدیر دیلر. ملائکه لردن بیر پارالاری، یشره نازل اولوب، بیر پارالاری گویلره گئدیر دیلر. قولقلاریم اونلارین ناماز اوخوماق سسلریندن دولی ایدی. تا او زامان کی اونى، مزارینا قویدوم کیمدیرکی او جنابه دیری و ئولندن سونرا، مندن یاخین اولسون؟

آییق اولماغیله چالیشین، دوزگون نیت ایله جهادا گئدین. آند اولسون اوتانریسه کی اوندان سوای بیر تانری یوخدور من حق یولوندا یام اما اونلار باطل بولدادیلار. من دئیره م ائشیدین: تانریدان ئوزومه و سیزلره باغیشلانماق ایستیره م.

خطبه ۱۸۹ - دان

اللهین علمی - تقوا، ایسلام، قرآن

تانری چۆلده کی سسله نن یابانلارین و قوشلارین سسی نی و بنده لرین گیزلین گناهلارینی و بؤیوک دنیزلرده بالیق لارین گلیب گنتمه سینی و یئل اثرینده دوغرو لان دالقالارا آییق دیر. شهادت وئیرهم کی محمد (ﷺ) اللهین سئچیلیمش وحی گتیره نی دیر.

تانریه ستایش و محمد (ﷺ) مدحیندن سونرا، سیزلری او تقوایه چاغیریرام کی یاراتماقین اساسی اونون الینده دیر. سیزلرده، اونا ساری قائیداجاقسیز.

آرزی لارین یثرینه چاتماغی، اومود سوزلارین اومودی، و دوزگون یوللار اونا ختم اولور. قورخو زامانی پناه یثری اودور. چون کی تقوا و الله دان قورخماق آغریلار توخداق، اوره کلهر گوستریش و بدنلر آلیزینن توخداقی. روحی یارالارین مرهمی و شفا وئره نی، گۆزلری ایشیقلا ندیران، اوره کلهر آرخائین اولماق سببی و قارانلیق لارا ایشیق دیر.

او دورکی الله دان اطاعت ائتمگی، ترکوینگی کیمی بیلین حتی اونی، دری آلتیندا یثرلشدیرین. ایشلرده اونی حاکیم و هابئله قیامتده سواچن یثر، آرزی لارا وارماق اوچون شفاعت ائدن، بلاگونى قالخان، قبر ائوینده چیراغ، قورخی زامانی یاردیم و غملره دوشنده آچار بیلین. بونا گوره کی تانری اطاعتی، اولدوره ن مهلکه لردن و قورخولی حادثه لردن، یانار اودلارین ایستی سیندن ساخلییان بیر وسیله دیر. هر کیم تقوایه ساری گئده، چوخلو چتین لیک و دارلیق لار، اوندان گوتورولر و آجیلیق لار شیرینه دونر. اؤزگون سالان دالقالار یوموشانیب و هر چتین لیک، ایذا سیندن سونرا، اونا راحت گلر. السدن چیخان تانری کرامت لری ایری یاغیش دامجی لاری کیمی، اونا ساری توکولر.

او تانری دان کی سیزلری نعمته میندیردی و پیغمبرلری ایله سیزلره اویود وئریب و نعمت لری ایله منت قویدی، قورخون. ئوزوزی اونا قوللوق اوچون آلچاقلا ندیرین و حاققینی یثرینه گتیرین. بو ایسلام دینی دیرکی تانری ئوزی اوچون سئچیدیر و ئوز عنایت لری ایله، حاضر لبیدیر بو دینی یتیرمک اوچون هامودان یاخشى بنده سینی انتخاب ائدیب دیر. او (حضرت) دین دستکلرینی محبت پایه لری اوسته تکیب، عزت و حوء رمتی

خاطرینہ او بیرى دینلری، ذلیل ائتدی و اونون بؤیوک مقسامی خاطرینہ او بیرى ملت لری
آلچاقلان دیردی. اونون اوستونلوک اثرینده دشمانلار کیچیلدی. اونا یاردیم اولماغیله قاج
لاری سیندیریب اونون بیناسین تیکماغیله، آزقین دین بینالارینی ییخدی و سوسوزلاری،
باش بولاقدان سووثریب دو یوردی.

الله، ایسلامی بویله قرار وئردی کی، اوندان ایریلماق و داغیلماق امکائی
اولماسین. (ایسلام) آغاجی قوروماز نهایت سیزدیر. حؤکملری کوهنه لیب بوداقلاری
قریلماز.

یوللاریندا داریشلیق یوخ، هئچ زامان راحتلاری چتین، آغلاری قارا، دوزلری سوروق،
اودونى دوگون، دؤز یولی قومسال، چیراغلاری سؤنموش، شیرینی آجی اولماز.
ایسلامین دستکلرینی، اولو تانری، حاق اوستونده تیکیب و اونلارین کؤکونى محکم
لندیریب دیر. ایسلام بیر بولاق دیر کی سویی بؤل دور و بیر چیراغ دیر کی ایشیقی کسيلمز بیر
نشانه دیر کی، یولچولار یوللارینی اونولا تاپارلار. بیر علامت لری وار کی، یولی بللی ائدهر. بیر
سوقا یناغی دیر کی هامی اوندان ایچیب دویار.

تانری، رضا و سونجه گى گؤزهل حؤکملرینی و یاخشى عبادت لرینی، ایسلامدان اطاعت
ائتمکده بیلیر. اودور کی بودینین کوکی، تانری یانیندا داواملى و بناسی اوجا، یولی آیدین،
ایشیقی پارلاق، حکومتی حوء رمتلی و نشانه سی اوجا دیر. اونی آرادان آپارماق اولماز.
گلین، بودینه حوء رمت قویوب اونا آرخا اولون. حاققینی وئریب یئرینه سالین.

تانری حضرت محمدی حاقلى یئرده، او زامانکی دنیا، سون قویولماغا، یاخینلاشیردی،
یوللادی. او زامان آخیره دوشونمک باشلانیب، دونیانین خوش یاشایشی پارلاماقدان
سونرا قارائلیق اولدی. بو دنیا اهلینی دینجلمه میش آیاق اوسته ساخلیب، یوردی. دوزگون
اولمیه راق، اختیارینی ئولدوره نه تاپشیر میشدی. بو ایش او زامان دیر کی آخیرت نشانه لری
ئوزلرینی بیلیندیر دیلر. اونون اهلی آرادان گئدیب حالقا سنیب، ایپ قریلیب، نشانه لر
کهنه له شیب، عیب لر بللی و زامان قیسالانمیشدی.

تانری او جنابین پیغمبر لیگینده، امته باش اوجالیق، زمانه اهلینه یاز بؤلومی، و

یاردیملارینا افتخار قرار وئردی، قرآنی اونولا یوللادی... او قرآن کی پارلیر و قندیل لری سؤنمز بیر چیراغا بنزه رکی سؤنماغی یوخدور... بیر دنیز دیرکی درین لیگی بللی دگیل. بیر یولدورکی اینگیلن لیک اوندایوخدور. بیر پارلاق ایشیق دیرکی، ایشیقی آزالماز. بیر (حاققی باطلدن) آییراندیرکی دلیل لری بیتمز و بیر عمارته بنزه رکی اونون اساسی ییخیلماز. بیر توخداداندیرکی او اولان یئرده خسته لیکلردن قورخی یوخدور. بیر حوءرمتلی کتاب دیرکی اونون یاردیم لاری، سنیب یا زییان گورمز لر. اودورکی قرآن، ایمان قاینایدیر. بیلگی بولاقلاری اونون دنیزلری و عدالت بوستانلاری اونون حوصلاری، ایمان ریشه لری و اساسلاری، حاققین دوری سولاریدلار. اونون آرخایین یئرلری او دنیزلره بنزه رکی سوسوزلار ایچسه ده ینه قورتولماز. او بیر منزل لردن دیرکی یولچولاری اوندایوخلار. بیر یولدورکی گؤزلردن اینگیلن دگیل بیر اوجالیدیرکی گؤزدن بری قالماز.

الله، بو قرآنی عالم لرین عطش سوندوره نی، فقیه لر کونلونون یاشایش یازی یاخشی آداملارین نظرگاهی و بیر توخداقدیرکی اوندان سونرا آغری قالماز. بیر ایشیق دیرکی، قارائلیقی یوخدور. بیر ایپه بنزه رکی ال توتاقی داواملی دیر. بیر قلاچیه اوخشارکی حورگولری اوجادیر. هر کیم اونولا اولسا، حوءرمت تاپار اونولا اولان باریشیقدا یاشار اونون دالینجا گزه لر هدایت تاپارلار اگر بیر کیمسه اونا منتسب اولای عذری قبولدور. هر کیم اونولا دانیشا، یول نشان وئره ر. دشمنلار ایله مجادله اوچون یول گوستره ن و هر کیم اوندان دلیل گتیره، غالب اولار. اونا عمل ائدن لری، گؤزلر. و عمل ائده نلره بیر چاپار آت کیمیدیر. آختارانا نشانه، گوتوره نه قالخان، سؤزائشیده نه بیلجی، دانیشانا خبر کانیدیر. حاکیم لره ده حؤکم یئرینده دیر.

خطبه ۱۹۰

ناماز - زکات - امانت

ناماز قیلین و اونی قۇروون. چوخلو ناماز قیلین و اونولا تانرییه یاخینلاشین. چون ناماز بیر واجب عمل دیرکی مؤمنلره گنجه و گوندوز واجب اولوبدور. عالم معناده جهنم اهلیندن

سوروشارلار: نہ اوچون جہنمہ دوشدوز؟ دیرلرکی بیزناماز قیلانلاردان دگیلدیک.

ناماز گناہلاری یا پرافلارکیمی توکر و گناہ زنجیرلرینی بویونلاردان آچار. پیغمبر (ﷺ) نامازی بیر ایستی سویا بنزہ دیر کی مؤمن آدامین ائوینده دیر و گونده بئش یول اوندان تمیزلہ نر. شہہ سیز دیر، بئله بیر آدامدا چرک قالمیہ جکدیر. ناماز حقوقینی او آدام تانیارکی زینت و مال و اولاد، اونو نامازدان غافل ائتمز، تانری بئله بویورور «اولہ کیشی لر واردیلارکی، آلیش وئیش لر اونلاری تانری یادیندان و نامازدان غافل ائتمز.

اللہین رسولی، بہشت وعدہ سیندن سونرا، ئوزینی ناماز اوچون چوخ زحمتہ سالاردی. چون تانری اونا بویورموشدی: دودمانین نامازا چاغیر و ئوزونده نامازدا دؤزوملی اؤل. بو دلیلہ گورہ، ہر زامان اہل ایولادین نامازا امر ائدیپ ئوزودہ نامازلاریندا صبر ائدہر دی.

ناماز ایلہ زکات تانریہ تانیس اولماق سببی اولدی. ہر کیم اونو خوشلوق ایلہ ادا ائدہ، گناہلارینا کفارہ ساییلیب، اونو اوددان ساخلار. گرہ کمز گؤزوز اونون دالیندا قالسین و گرہ کمز اونو ادا ائتمگیلہ اینسان زحمتہ دوشہ. یا غصہ لہ چون کی ہر کیم اونسی رضاسیز ادا ائدہ و چوخلو ساوابہ گؤزتیکہ، بئله بیر اینسان، پیغمبرین قورقی لارینا تانیس دگیل. ساواب آپارماقدا زیانلی و عمل لریندہ آزقین و پشیمانچیلیق لاری چوخدور.

بیردہ امانتی گؤزلہ مکدیر. ہر کیم امانت اہلی اولماسا، مرامینا چاتماز حقیقتدہ امانت، نہایتسیز گویلرہ، سریلیمیش یئرلرہ و اوجاداغلارلا عرضہ اولوندی اما، چکیندیلر. ہئچ زاد اونلاردان بؤیوک، گنیش و اوجادگیل. اگر بنا بو اولسایدی کی بؤیوکلوک، گنیش لیک و اوجالیق اوندان قاجماق دلیللی اولسونلار، یئر و گوی و داغلار امتناع ائدہر دیلر اما، بیلدیلرکی بو ایشہ عاجزدیلر.

اما اونلاردان عاجز بیر اینسان کی ظالم و جاہل ایدی، بو ایشہ ال ووردی ہر عمل کی اللہین بندہ لری گنجہ و گوندوز، گورورلر، آللہ دان گیزلین دگیل. تانری اونلارین کیچیک ایشلریندن دہ خبری وار. عضولر اونون شاہدلری، وجودلار اونون دوء یوشچیلری و فیکرلر اونون گؤزہ تجیسی دیلر. ہر نہ گیزلین ایشیز اولسا، اونا بللی دیر.

خطبه ۱۹۱

هر فیریلداق گناهدیر

آند اولسون تانرییه، معاویه مندن چنویک دگیل. اما او فیریلداق اندیر و گناه ایشلردن چیخیر... اگر فیریلداق ائتمک گناه اولماسایدی، من هامودان چنویک ایدیم. اما هر فیریلداق گناهدیر و کفر ساییلار. قیامت گونی هر فیریلداق ائدن بیر بایدا ایله، تانیسار. آند اولسون اللهه، من توغلانمارام کی منه فیریلداق اندهلر و مشکله دوشنده عاجزله مهرهم.

خطبه ۱۹۲

تانری یولوندا اولسان، قورخما

ای جماعت: هدایت یولوندا یاردیملارین، آزاولماغیندان قورخمیون. چون بو جماعت بیر سفرهنین باشینا بیغیشیب لارکی، توخلوغی آز و آجیلغی چوخدور. ای جماعت، بیر ایشده رضا و یا رضاسیز اولماق، اینسانلاردا سزا و یا عذابلار و حدتینه سبب اولار (نئجه کی) ثمودین دوه سینی بیرنفر دالدان چاپدی اما، تانری، اونلارین هاموسینی عذابا سالدی، چون او دوه نین ئولماغینا راضی اولموشدولار. تانری بئله بویورور: «ئولدوردولر اما صاباحی پشیمان اولدولار» اونلارین عذابلری بئله ایدی کی؛ یئر سسلندی و اونلار قیزارمیش پولادکیمی یئره باتدیلار ای جماعت، هر کیم دؤز یولدان گئده، شار بیر ئولکجه چاتار و هر کیم ترسه یولدا گئده سوسوز بیر چؤله چیخار.

خطبه ۱۹۳

زهرانین (س) وفاتیندا

ای اللهین رسولی، مندن و قیزندن سنه سلام اولسون کی تتزلیکجه کنارینداقویلا نیب سنه ملحق اولدی. ای اللهین رسولی؛ منیم صبریم سنین پاک قیزین آیری لیقیندا، آزالدی

ودایانیشیم اونون وفاتیلہ الدن گئتدی. اما سندن سونراکی مصیبت لردن آر تیق دگیل. سنی اللریم اؤسته مزاره تاپشیردیم، سینهم اؤسته جان وئردین... «انا لله وانا الیه راجعون» منه تاپشیردیغین امانتی، ئوزیوهن قایتاردیم. اما بوندان سونرا کونلوم آچیلماز گئجه لر یوخی گؤزلریمه گلمیه جکدیر تا سنه ملحق اولام. تنز اولارکی قیزین سنه خبر وئردی: نئجه امتین اونا ظلمله قابیرقاسین ازیب جوجوغون سالدیردیلا! هر نه اولسا اوندان سوروش، بیزیم حاققمیزدا ائدن ظلم لرینی، سوروش. بو بیزیم حالیمز دیر. بو بیر حالدا دیرکی وفاتیندان بیر آز زامان گئچمییوبدور و یادلاردان هله چیخمامیسان. منیم تئیی سلامیم هر ایکیزه اولسون، او سلام کی آغری یا قیزقین لبقدان دگیل. اگر حضوریندن گئدیره، اینجیکدن دگیل. اگر قالسام کاتی فیکیردن دگیل کی تانری صبر ائده نلره یاخشی وعده لر وئربدیر.

خطبه ۱۹۴

آخر ته فیکر ائدین

ای جماعت، دنیا قوناق لار ائویدیر اما آخرت قالمالی یئردیر. او دورکی بو گئتملی یولاقدان آخر ته زومار گوتورون. گیز لریزی بیلن لر یانیندا آچمیون. دنیادان گئتمه میشدن قاباق، کونلوزی دنیادان چیخاردین. بو دنیادا سیناق اولورسوز، سیز لر او دنیا اوچون یارانیب سیز. بیر یئولندن سونرا، جماعت سوروشارلار، بودنیادا نه اثری قویوب گئتدی؟ فرشته لر، دییرلرکی قاباقدان نه لر یوللادی؟ الله آتالاریزی باغیشلا سین. مکتئیزدن بیر آزینی ئولمه میشدن قاباق اوتایا یوللایین:

چون کی خیریز اوندادیر. هاموسین ساخلامیون کی زیانلی اولارسیز.

خطبه ۱۹۵

آییق اولون - توشه گوتورون

تانری سیزه رحمت ائتسین آخرت سفری نین سورساتینی حاضر ائدین. کوچماق

چاغریشی سیزلره سویله نیبدر. دنیادا قالمای آزیلین. اللریزه چاتان یاخشی زومارلاریله. تانرییه ساری قایدین.

چون کی قاباغیزدا دوزگون اولمیان و قورخولی بیرگدیک وار و بوگدیکی آشماقدان چاره یوخوزدور. یشری وار اوردای بیر آزدوشوب قالاسیز اما آییق اولون کی ئولوم گوز کناریندان سیزلره باخیر. بئله بللی دیرکی دیرناقلارینی بدنیزه باسیپ اسیر ائده جکدیر. باتیق و چتین ایشلر ئولومی سیزلردن، گیزلدیبدر بوناگوره دنیادان کنار گزین و زهد سورساتیله ئوزیزی قدرته میندیرین.

«نجی خطبه ده بو سؤزلرین بیر آزی دئیلیمیشدی، اما بونلارایله بیر آز آیری دیلار»

خطبه ۱۹۶

طلحه و زبیرین جاواپیندا

طلحه و زبیر، او حضرت خلافته یتیشندن سونرا، دئدیله: کی، نیه اونلاردان مشورت ائتمگی کنار قویوب و اونلاردان یاردیم آلمور؟ بئله بویوردی: بیر اؤنم سیز ایشده سوءزلی اولدوز آنجاق ان اؤنم لیه اعتنائتمه دیز. نه اوچون دئمیرسیز هانسی حاققیزی الیزدن آلدیم؟ یا هانسی پایدیرکی ئوزوم گوتوردوم اما سیزلره وئرمه دیم؟ یا هانسی ادعا دیرکی مؤسلمانلاردان منه رجوع ائدنده، او امره یتشمکده عاجزله دیم؟ یا بیلمه دیم و حؤکمونده کیریخدیم؟

آند اولسون الله، من خلافته کونلوم یوخودی و سیزلره ولایت ائتمگه علاقه دار دگیلیم. بو سیزلر ایدیزکی منی چاغیریب بو ایشه مجبور ائتدیز.

او زامان کی خلافت منه چاندی، آللهین کتابینا و اونون بویوردوقلاری و پیغمبرین یولونا عمل ائتدیم. بو باره ده سیزلره و سیزلردن آیری لارینا احتیاج گورمه دیم و یا بیر حؤکم قاباغیما گلمه دی کی بیلمه میش اولام و او ایشده سیزلردن و یا سایر مؤسلمان قارداشلاردان مشورت ائدیم. اگر بئله بیر ایش اولسایدی، سیزلردن ئوز چئویرمزدیم...

اما دئدیگیز کیمی کی نیه برابر رفتاریم اولدی؟ بیلین کی بو ایشده ئوزباشیماو هوسله

حؤکم ائتمہ دیم. چون من و سیزلر اللہین رسولی نین حؤکم لری الیمیزده واردیر و تانری بویوران حؤکم لره و بؤلوش لرده سیزلره احتیاجیم یوخ ایدی. آند اولسون تانرییه سیزلره و سیزلردن آیری لرین، منیم یانیمدا شکایتہ یئریز یوخدور تانری بیزیم اوره کلریمیزی حاققاساری آپارسین و بیزه و سیزلره دوعزوم باغیشلاسین. سونرا بویوردی: تانری حاققی گؤره نی و اونا یاردیم اولانی، باغیشلاسین. یا بیر ظلمی گورنده اونون قاباغین آلانی و ظالیم لر قارشى سیندا دایانیب مظلوما یاردیم اولانی باغیشلاسین.

خطبه ۱۹۷

توخونان سؤز یاخشی دگیل

سئومیره کی یامان دییه سیز. اما اگر اونلارین ایشلرینی و دوروم لارینی دئسه ایدیز، هم دانیشیق دایاخشی و همده عذر یئرینده گؤزهل اولاردی. یاخشیسی بو ایمیش کی اونلارا دییه ایدیز: پروردگارا بیزیم و اونلارین قانلارینی توکولمکدن ساخلا، بیز ایله اونلارین اورتادا اولان کدرلرینی اصلاحه چک و اونلاری آزقینلیقدان نجات وئر تا بیلیمین لر حاققا تانیش اولسونلار و بیله بیله عناد ائندلر عناد لاریندان ال گوتورسونلر.

خطبه ۱۹۸

بو جواندان مغایات اولون

منیم عوضیمه بویکی جواندان مغایات اولون کی بونلارین ئولومی منی داغیدار من بونلارین ئولومینه پاخیل له نیرهم؛ چون کی بوئولمگ ایله، پیغمبرین نسلی قیریلار... سیدرضی بویورور: «أَمْلِكُوا عَنِّي هَذَا الْعَلَامَ» یعنی منیم عوضیمه بو جواندان مغایات اولون بیر فصاحتلی کلامدیر.

کلام ۱۹۹

خوارجه بویورور

ای جماعت ایندییه دک ایشلر من دین ایدی اما ایندی ووروشمالار سیزی آیاقدان سالدی. آند اولسون تانریه کی ساواش سیزین طرفدن باشلاندی... و بو بیر حالدا ایدی کی دشمانلاری زاوللی ائتدی.

دونن سیزلره امیرایدیم اما بوگون مأمور اولموشام. دونن سیزی نهی ائدیردیم اما بوگون ایشیمین قاباغین آلیب سیز... سیزلر دنیا بقاسین سئویرسیز، منده سیزلری سئومه دیگیز ایشلره مجبور ائتمیرم.

خطبه ۲۰۰

افراط و تفريط، یوخ

بصره اولان زامان، صحابه لریندن «علاء ابن زیاد حارثی نین» یولوخونا گئندنه، ائوینین گنیش لیگین گؤروب بئله بویوردی: بو ائوین گنیش اولدوغو یئرده، دنیادا نه ایش گوردون؟ بیر حالدا کی آخرتده گنیش ائوه احتیاجین وار. اگر سئویرسن کی بو ائوین گنیش لیگی کیمی آخرتده ده یوردون گنیش اولسون، اوندا قوناقلیق وئر و قوهوملارایله صله رحم ائت و لازم حاقلاری یئرینه یتیر.

اوندا دیرکی آخرتین گنیش ائوینه نایل اولایلرسن «علاء دئدی: «یا امیرالمؤمنین قارداشیم عاصم ابن زیاددن سنه شکایتیم وار».

بویوردی: نه شکایت؟

دئدی: بیر خرقه گئیپ و دنیادان ئوزچئویربیدیر.

جاواییندا بئله بویوردی: «اونی منیم یانیمما گتیرین. گلندن سونرا اونا خطاب بئله بویوردی: ای ئوز جاننین دشمانی، شیطان ایستیر، سن دیده رگین قالاسان، نه اوچون قادین اوشاغبوهن رحم ائتمیرسن؟ آیا بئله دوشونورسن کی تانری حلال ائتدیگی زادلاری سندن

اسیرگه بیر؟ و ایسته میر اونلاردان فایدالانسان؟ سن تانری یانیندا او قهدهر آلچاقسان کی بئله فیکرلری سنین حاققیندا لایق بیلیمیر.

عاصم دندی: «یا امیرالمؤمنین منده سن کیمی قالین پالتارگئیب قارت یئمک لردن فایدالانیرام...

حضرت بئله بویوردی: وای اولسون سنه من سن کیمی دگیلم. تانری حاقدان اولان باشچی لارا واجب ائدیب ئوزلری یوخسوللار کیمی گئچین سینلر تا یوخسول لوق، یوخسوللاری نگران و داغاناق ائتمه سین.

خطبه ۲۰۱

جاماعاتین اورتاسیندا یاییلان حدیثلر

بیر نفر جماعت اورتاسیندا یاییلان، ایدورولموش خبرلرین حاققیندا سوروشان زامان، بئله بویورموشدی:

بیل کی جماعت اورتاسیندا یاییلان خبرلر، حاقلی، اؤنم سیز، دوزگون، یالانچی، قالدیران، قالدیریلان، عمومی خصوصی، محکم بنزه ریشلی، قؤرونموش و خیالی خبرلردن عبارت دیلر. حقیقت بودورکی جناب پیغمبره، دیری لیک زامانی، چوخلو یالانلار باغلادیلار. بئله اولدوکی، آياغا قالخیب بویوردی: هر کیم بیله بیله منیم دیلمدن، یالانچی سؤزلر یاراشدیرا، اوتوران یئرینی اوتدا بیلمه لیدیر. جناب پیغمبرین حدیثلرینی بودوردن فردن ائشیدرسن کی بشینجی سی یوخدور: بیرى او کیمسه دیرکی، ایکی ئوزلی لیک ایله ئوزونى مؤسلمان بیلدیریب اما گناه ائتمه دن چکینمیر بئله لیکده اللّٰهین رسولینه یالان باغلیر. اگر جماعت اونى ایکی ئوزلی و یالانچی بیلسه ایدیلر، او روایت ائدن حدیثلری قبول ائتمییوب دانیشتیق لارینی اینانمازدیلار. اما سؤز بودادیرکی دئیرلر، او آدام، پیغمبرین صحابه لریندندیر. چون اونى گوروب و حدیثلری اوندان ائشیدیدیر. بو دلیل سؤزلرینی قبول ائدیردیلر. اما حقیقتده تانری، منافقلری سنه تانیتدیریدیر و اونلاردان خبر وئریب، سنی آیلیدیدیر.

بو ایکی ئوزلی لر، پیغمبردن سونرا، دیری قالب بنله لیکده آزقین باشچی لاراکی یالان و بهتان ایله اونلاری جهنمه ساری چکیردیلر، یاخینلاشدیلار. حدیثلری جعل ائتمگیله اونلاری اینسانلارین مال و جانینا حاکیم ائتدیلر و اونلارین الی ایله دونیانی یندیلر... جماعتده عملده آزقین باشچیلار ایله بیرلیکده دیلر مگراونلارکی، تانری اونلاری یانلیشدان ساخلار.

ایکینچی سی او آدامدیرکی جناب پیغمبردن بیر حدیث ائشیدیب اما اوئی یادیندا یاخشی ساخلامیوبدور. کیریخیب، یانلیش گئدیر. او بیله بیله یالان دئمز بیلدیگین دئیر و اونا عمل ائدیر و دئیرمن بونلاری آللهین رسولوندان، ائشیدمیشم.

اگر مؤسلمانلار بیلسه ایدیلرکی او یانلیش دوشونوبدور، اوندان قبول ائتمزدیلر و اگر ئوزیده دوشونسه ایدی کی یا هالیر، او حدیثلری آتیب داها دئمزدی...

او چونجوسی: او آدام دیرکی، رسول اکرمدن (ﷺ) بیر حدیث ائشیدیدیر کی بیر ایشه امر ائیمیشدیر اما سونرا او امره اجازه وئرلمه میشدی و بو آدامین خبری یوخدور. یعنی نهی اولونماغینی بیلیمیر اما اونون امریندن خبرلی دیر بونا گوره اگر بیلسه ایدی او حدیث باطل اولوبدور، اوئی دئمزدی. اگر مؤسلمانلاردا بیلسه ایدیلر کی باطل اولوبدور عمل ائتمزدیلر.

دوردونجی، او آدامدیرکی تانرییه و اونون پیغمبرینه یالان گمانی وئرمز و اونلارین حوءرمتینه یالان ساتماغی دشمن بیلر هئچ زامان کیریخماز بلکه ائشیددیگین یاددا ساخلیوب، هاما جور دیر. یعنی اونا بیر زادی آرتریب یا اسگیتمز. ناسخلری بیلر و منسوخلاردان کنار گزره یا عمومی و خصوصی لری قانیب هره سین ئوزیئرینده ساخلار. محکم و متشابه لره آیتدیر».

بیر پارا زامانلار حضرت پیغمبردن بیر سؤز دئیلنده، گاهدان ایکی آنلام اله گلردی. بیر آنلامی مخصوص زامانا و بیر آنلامی بوتوولوکده زامانلارا شامل اولاردی.

بو دلیل گوره بیر ای اگر بیلمه سه ایدی کی، تانری و اونون پیغمبری دیه ن کلامدان نه منظورلاری وار؟ او سؤزی ائشیدرکن، بیلمه مزلیکدن ترسه سینه آنلاشدیراردی و قرارئله دگیلدی کی هامی صحابه لر جناب پیغمبردن ائشیدن سؤزلردن، بیرده آچیقلا نفاق ایسته

سینلر. بلکه ایستردیلرکی، بیر چؤلده اوتوران گلیب بیر سؤز سوروشسون، اوندان سؤزلردن ائشیدسینلر. اما من هر نه اولسا ایدی، او جنابدان سوروشوب یادیمدا ساخلاردیم. بو علت لریدی کی روایت لر قاریشماغینا، سبب اولوردی.

خطبه ۲۰۲

اللهین قدرتی و اثرلری

اللهین، قدرت، حشمت و گؤزل یاراتماقلاریندان بودورکی شپه لی و درین دنیز و بیریری اؤسته قاتلانان سولاردان قوری بیر موجود یاراشیغا چکدی...

سونرا اونون بوغیله گویلی قات باقات یاراتدی. اونلار بیرله شندن سونرا، ینه آییریپ ینددی گویلی وجوده گتیردی. تانری امرینه گوره او گویلر قراره گلیب ئوز یئرلرینده قالدیلار. یئر هر گنیش دنیز ایچینده تانری فرمانینی سایین توتدی. اونلار ئوز یئرلرینده قالدیلار و قورخوسوندان یئرمکدن دوشدولر...

سونراداغ، داش و دیکلری یارادیپ یئرلرینده سیخیشدیردی. او داغلارین باشینی اوجالیق لاردا و کوکلرینی سودا قرار وئردی. او داغلاری کنار یئرلردن اوجالاندیریپ، کؤکلرینی یئر آلتیندا قازیق کیمی چالدی. داها یئر، اوستونده اولان یارانمیش لاری، تیره تمه دی. یوکی ایل، سویا باتمادی، یئریندن قیراغا چکیلمه دی.

بو پاک تانری دیرکی یئرلری بیر بئله شپه لردن سونرا ساکن اندیپ زیغلارینی قوروتدی و یارانمیش لارینا اوتورماق یئر قرار وئردی. او یئرلری، ساکن، درین دنیزلر ایچینده، گنیش لندیردی.

یئل اسن زامان، او دنیزی آلت اوست اندیر، بویان او یانا چیرپیر، یاغیش لی بولوتلار، اودنیزی تیره دیر. بو اثرلرده تانریدان قورخانلار، عبیرت آماق یئر واری.

خطبه ۲۰۳

حال سیز صحابه لرینه خطاب

ای الله، سنین هر بندهن، بیزیم عدالتلی، دوزگون سؤزلریمزی کی دونیانین فسق و فجوریندن اصلاحه گوره دئیریک، ائشیده و قبول ائتمیه و سنله یوللاشمیه، بودینده تنبل لیکدن سوای بیر سببی یوخدور.

ای یئرلرده و گویلرده یئرله شنلرین بؤیوک شاهی!! اونون خلافلا رینا، سنی و هامونی شاهد توتورام. یوخساسن، اونلاریسن یاردیمینا نیازین یوخدور، بلکه اونی گناهلاری خاطرینه یاخالیه جکسن.

خطبه ۲۰۴

پیغمبرین (ﷺ) وصفینده

او الله شکر اولسون کی قوللارینا بنزه ریشدن یوخاری و اونلارین سؤزلرینه غالب و اونلاردان آرتیق دیر. حیرتلی یاراشدیرماسی آییق وجدانلارا بللی و خیال صاحبلا رینه گیزلیندیر. او، بیلن دیر اما بیلمه گی بیر کیمسه دن اویره نمیوب و فکر ائتمه دن قابق هر زادی یارادیب دیر. او بیر الله دیر کی قارائلیق اونا پرده اولابیلمز. او، گورمک اوچون ایشیغانیازی یوخدور گئجه یا گوندوزون اونا غلبه سی اولماز. علم لری اویره نمه دن دگیل.

پیغمبرین ذکرینده (ﷺ): تانری پیغمبرینی نوریه گوندردی و اونی هامودان قابقجا و سئچیلیمیش لردن قرار وئردی بوتوولوکده داغیتتی لاری اونولا بیر یئره ییغدی. زورلولاری اونولا سیندیردی. اونون الی ایله چتین لر راحت اولوب، ساغ، سول آزقین لیق لاری یوخ ائندی.

خطبه ۲۰۵

اللهین حمدی - او بودلار

شهادت و ثریهم کی تانری عدالتلی دیر و عدل له رفتار ائدر. او بیر حاکیم دیر کی حاققی باطلدن آیرار. شهادت و ثریهم کی محمد (ﷺ) اونون بنده سی، پیغمبری و قوللار آغاسیدیر. او زامان کی تانری، یارانمیشلاری یاراتدی. اونلاری ایکی بولگی ده آیردی. پیغمبری خیر طرفینده یاراتدی. او حضرتین سؤلاله سینده فساد ائدنلره یثربو خدور و سوچلولار، او سؤلاله ده شریک دگیل لر.

آیلین؛ تانری خیرلی ایشلره و خیر صاحب لرینه و حاققا، دستک و اونون اطاعتینده اولوب فرمان آپارانلار، قوروقچو یوللا بییدیر.

آیلین هر اطاعت اوچون پاک تانری طرفیندن، یاردیم لار وارکی دیل لری دانیشان و کونول لری آرخاین دیلار. و حاجت ایستین لرین حاجتینی و ساغلیق ایستین لره ساغلیق باغیشلار. بیلین اللهین علم لرینی ساخلیان بنده لر، ساخلا مالی علم لردن مغایات اولوب بولاقلارینی آخدی رارلار. بیر بیر لرینه یاردیم و ایسته مک اوچون قووشارلار، محبت له گوروشوب، علم کاساسینی دویونجا ایچدی ره لر. شک اونلار یول تاپایلمز. غیبت اونلارین یانیندا یثر سالایلمز...

بوگؤزه ل نئجه لیکلر ایله تانری اونلاری یارادییدیر، تانری یولوندا بیر بیر لری ایله دوروب یا اوتورارلار. اونلار یاخشی توم لارا بنزه رلرکی اکین اوچون قاتقی سیزلاری سئچیلییدیلر و قالانلاری آتیلیب دیلار بو، اونلارین تئیی اولماقیندان دیر.

گره کدیر کیشی بو او بودی قبول ائده و حساب گونی چاتمیشدان اوندان حساب آپارا... گره کدیر هر کیم یاشایشین قیسسال یغینا و عمل لرینین آزیغینا باخیب، اونلاری آخرت اوچون یاخشی لاندیرا. خوش او کمال صاحب نه کی، حاق یولونا چاغیراندان، اطاعت ائدر و اونو فساده چکن لردن، ایراق دولانار. خوش او کمال صاحب نه کی، اونون گؤزلری آچیق و دوزگون یول ایله ساغ سلامت ساحله چاتیر. قاپولار باغلانمیش و علت لر الدن گئتمه میشدن قاباق، توبه قاپوسون چالیب، قایتماغیله، گناهلاری نوزوندن،

ایراقلاندرار. بئله لیکله حاق یولی، اونا بللی اولوب، اویولدا گندر.

خطبه ۲۰۶

اللهم نعمت لینه شوکر

شوکر او تانریه کی گنجه لریمی ئولمه میشدن سحره چیخار تدم و وجودیمده خسته لیک و آغری یوخدور. پیس خسته لیکلره یا پیس ایشلریمین جزاسینا توتولمامیشام، سونسوز قالمامیشام. دیندن قیراغا چکیللمه میشم. تانرینی دانمامیشام. ایمانیمدن نگران دگیلم، دهلی اولمامیشام گنچن زامانین امت لری نین عذابینا دوچار دگیلم، گنجه لریمی سحر ائده ره م بیر حالداکی اللهم اختیار سیز قول و ئوز نفسیمین ستمکاره سی یم.

ای منیم اللهم، سنین حجت لرین منه تامام دیر، دیللنمک یثری یوخومدور اگر سندن باغیش اولماسا، باجاریق ائده بیللمه ره م.

ای تانری سنه پناه گتیریره م بوندان کی یوخسول لوغا و دارماداغین اولماغادوشم یا دوزگون یولونندان ایتگین اولام یا سن اولان حکومته مظلوم و ذلیل اولام. هر حالدا اختیاریم سنین الینده دیر. ای تانری!! منیم جانیمی دهیه رلی و سئومه لی عضولریمدن قاباق آل و جانیمی او امانت لردن قرار وثرکی هامودان قاباقجا ایسترسن.

ای تانری!! سنه پناه گتیریره م، بوندان کی سن بویوراندان انشیگه چیخام و یا دینیندن آزقین اولوب آزغین لیقا دوشم یا هوسلریم هدایتیندن قاباقجا منه غالب اول.

خطبه ۲۰۷

دین و دنیا اوچون اویودلار

تانری منی سیزلره امیر قرار وثرمگیله، منیم اوچون بیر حاق یارادیدیر. نئجه کی منیم سیزلرین بویونوندا حاق قیم وار، سیزلرینده منیم بویونوندا حاق قیز واردیر. بئله دئملی دیرکی، حاق میدانی، دانیشان زامان، هامودان گنیش، اما ایش زامانی هامودان دار و سیخیتی

اولاندير. ھىچ ھاق، بىر طرفلى اولايىلمز اگر اولموش اولسا، او ھاق يالئىز اللھين ديركى ياراتدېقلارينىن بىلھ بىر ھاقلارىندان يوخلاريدير. چونكى اللھين اليندھ عدالت و قدرت واردير. ھر زاد داکى اونون ھۆكىمى جارى اولاي، عدالتدندير. اما باغشلييان و احتياجى اولميان تانرى، ئوز ھاقىنى بىلھلرينھ بىلھ قرار وئربيديركى اونا ستايش اتتسين لر و او ستايش برابريندھ نئجھ برابر آرتيقلاشا اجرت آلسينلار.

تانرى او لازم ھۆكىملردن بعضىلرينى بىرپاراسينين قارشى سىندا قرار وئربيدير. اما ھر حالداو ھاقلا، برابرليكدھ ديلر. او ھاقلارين بعضىسى بعضىلرين قارشيندا، واجبدير. بىرپاراھاقلا آردىنجا ھاق وجودھ گتيرھ. بۆيوك و واجب ھاقلاردان بىرى كى تانرى، اونى واجب بىليدير، ولى امرين ھاققى جاماعاتا و جاماعاتين ھاققى ولى امر اوچوندور. بو بىر ھۆكىم دوركى تانرى اونلارين ھرھ سينھ واجب قرار وئربيدير. بو ھاق اونلارين بىريرلرينھ محبتلى اولماق و دينلرينھ ھوءرمت قازانماق وسيلھ سىدير.

اودوركى جاماعات، ولى امرلرين خوش رفتاريلھ ياخشى اولار. و بىريدھ ولى امرلرين ھالى خوش اولايىلمز مگركى، جاماعات اونلارين آردىندا دايانالار... اگر بونلار اونلارين و اونلار بونلارين ھوققىندن ھىمايت ائدھلر، اونداي، ھاق اورتاليقداحاكيما اولار. دين قورقولارى محكم لشيپ، عدالت يوللارى دوزگون و ھضرت پيغمبرين ھۆكىملرى، يئرئندھ قرار تاپار... بىلھ ليكدھ زمانھ اصلاھه گلر. ھكومت داوامينا اومود يولى آچيلار و دشمانلارين تاماھ لارى آزالار. اگر جاماعات ھكومت والى سينھ غالب اولالار و يا ھاكيم جاماعاتين ھقوقينھ ال ئوزالدا، ھۆكىمدارليق نظامى بىريرينھ دھير. ديندھ ظلم و چورومك نشانھلرى بللى اولوب و دينين سنتلرى اونودولار. اوندا ھر كيم كونلى سئودىگى كيمى عمل ائديپ، شرعين ھۆكىملرى دھ تعطيلھ چكىلر. اينسانلارين دردى آرتار، بۆيوك ھاقلارين ادا اولونماسيندان بىر كيمسھ كدر لنمز. ياخشى اينسانلار ذلثھ دوشوب يامان آداملار، عزتھ چاتارلار. اللھين مكافات وئرمھلرى، چوخالار.

اودوركى سىزلرھ واجبدير بىريريزى، بو ھاققين اداسيندا اويود وئره سىز... چون ھر قھدھر چاليشلسا، ينھ ھىچ كيم اللھين لياقتلى قوللار مقامينا چاتايىلمز. اما اللھين ئوز

بندہ لرینہ واجب حاقلاردان بیرى بودورکى، چنته لرینده اولان قهدهر. بیربیرلرینى یاردیملا سینلار و حاققى ئوز اورتالیقلا ریندا اجرا ائتسینلر. حتى اوجا مقام صاحب لریندن هئچ کیم یو خدورکى، بونوندا اولان حاققى اجرا ائتمکده ئوزگه لرین یاردیمینا نیازى اولماسین. اینسانلار هر قهدهر آلچاق مقاملى اولموش اولسالار یندهده حاق یولوندا اونلارا نیاز واردیر.

بو سؤزده بیر نفر صحابه لریندن بیرئوزین دانیشتیق ایله اونى مدح اندیب اطاعتینى بیلیندیردى. امام اونا بئله بویوردی: اللہین بؤیوک مقامى هر کیمین نظرینده بؤیوک بیلینیب و یترسالسا، یترى وارکى الله دان سواى هر نه اولورسا، اونون یانیندا کیچیک اولسون، بئله لیاقتلى اینسان، او اینسان دیرکى اللہین نعمت و احسانلارى اونا چوخ شاملدیر. چون هر کیمه تانرى نعمتى آرتیق اول، هاماں اندازا، حاققى آرتیریب دیر.

حاکیملرین چوخ آلچاق دورومو یاخشى اینسانلار یانیندا بودورکى. اوه نیب و کبرلى اولماق خیالى اونلارین حاققیندا وئر یلسین و یا گوره ن ایشلری اوه نیمییه بنزه ریشى اول. منیم بوندان آجیغیم گلرکى، سیزلر طرفیندن مدح اولونام. تانرییه شوکر اولسون من بئله دگیلم. اگر سیزلر طرفیندن مدحى خوشلا سائیدیم، او مدحى تانرى خاطرینه، کى هامودان آرتیق ستایشه حاقلى دیر، ترک اندیب ئوزومدن ئوزاقلان دیر ارایدیم.

چوخلاری وارکى بیر چالیشمادان سونرا مدح اولونماغى شیرین بیلرلر، اما سیزلر منى تانرى اطاعتینه گوره و هابئله سیزلرایله خوشلوقلا رفتاریمه گوره مدح ائتمیون. چون بونوندا اولان حاقلاردان قورتار مامیشام و واجب ایشلریم کى اجراسینا مجبورام، هله قالیر. اودورکى منى ظالم حاکیملر کیمى مدح ائتمیون و خشملى حاکیملردن گیزله دهنى مندن گیزلتمیون. ظالملر یانیندا دانیشان کیمى منله دانیشمیون و بو فیکر خاطریزه گلمه سین کى اگر بیر حاقلى سؤز دئیلسه، منه چتین گله یا ئوزیمى بؤیوک سانماق فیکرینده ایم. چون هر کیم حاق سؤزلری چتین قبول ائده، عدالتله عمل ائتمگى ده چتین ییلر. سیزلرده حاق دانیشماقدان و عدالتله مشورت و رفتار ائتمه دن ئوز چنوممیون. منده ئوزوم یانلیش لاردان کونلوم راحت دگیل. آنجاق تانرى منى قورویان و آرتیق، ساخلیان دیر.

منله سیزلر، اللهین قولی یو و اوندان سوای اجرت وئرهن یوخدور. هامونون آغاسی و باشینین صاحبی دیر. بیزلرده اختیار یوخدور. اودورکی بیزلری قانمامازلیقدان نجات وئره و مصلحت اولان ییگیلره ساری یول گوستره. آزقین اولماغیمیزی هدایت و دوزگونلوک طرفینه آپارار. بیر پارا دار دوشونجه لیکدن سونرا بیزلره، گورمک و آنلایش وئره.

خطبه ۲۰۸

قریش دن شکایت

ای آله! من، قریش واونلارا یاردیم اولانلارین قارشیندا، سندن یاردیم ایستیره، چون اونلار منله پیغمبرین اورتاسیندا اولان رابطه‌نی قیردیلار و حاق کاسه‌می یثره توکدولر و حقوقیمی چارپیشماق ایله الیمدن آلماق اوچون، بیر لشدیلر و بئله دئدیله: آیل! حاقلاردان بیرری اودورکی آلایله سن و بیرری ده اودورکی سندن آلین لار.

ایندی یا غصه لیب صبر ائت یا حسرتلی اول! «او زامان کی گوردوم یاخین آداملاریم دان سوای آرخاچی یوخمودور. داهایسته مه‌دیم ائولادیمی ده نولومه وئریم... بوناگوره توز چولقامیش گؤزلریمی یومدوم و بوغازیندا سوموک قالان کیمسه لر دک اوتقوندوم، قیزقین لیغیمی اونودماق اوچون حنظل دن آجی وایتی قمه لر یاراسیندان، آغریملی دردله، دؤزدوم.

سیدرضی بئله بویورور: بو سؤز قاباقداکی خطبه‌لرین اورتاسیندا (خطبه ۱۷۱) گلمیشدی اما بو ایکی روایتین تفاوتلی اولدوغوناگوره ینه بوردا گتیردیم».

— (ینه بوسؤزلری او آداملارین حاققینداکی اونولا محاربه اوچون بصریه گلمیشدیله، بویورموشدی) منیم طرفیمدن تیکیلن والی لره و خزانه دارلارا و منه بیعت ائدن شهرین اهالی سینه هجوم چکدیله، اونلارین بیرلیک لرینی دیده رگین سالماغیله داغیتدیله. منیم شیعه‌لریمه ال آجیب بیر آزین فیریلداق ایله ئولدوردولر. اما اونلارین بیر آزی شمشیر چکیب دایانندیله تا صداقتله، تانری زیارتینه نایل اولدولار.

خطبه ۲۰۹ - دان

جمل ساواشیندا، طلحه نین جنازه سین گوره نده

جمل محاربه سی گونی او زامان کی «طلحه و عبدالرحمن بن عتا بین» جنازه لری کناریندان گنجیردی، بووردی: ابو محمد (طلحه) بو یئرده غریب دوشوبدور. آند اولسون تانرییه من راضی دگیلدیم کی قریش طایفاسی بوردا نولسونلر. من عبد مناف طایفا سیندان انتقام آلدیم اما بنی جمح باشچی لاری الیمدن قاچدیلار. اونلار او ایشه کی لیاقت لری یوخ ایدی، بویون ئوزاتدیلار... اما نایل اولمامیشدان بویونلاری سیندی.

خطبه ۲۱۰

دوزگون ایمان گتیره ن

عاغیلینی ایشله دیب نفسینی ئولدوره ر تا جسمی آریق لیب اوره گی یوموشان سین. وجودی نوریه پارلا سین و بو پارلاق هدایت یولونی اونا ایشیق لاندیری ب، حاق یولوندا گنده بیل سین. تانری یولی اونی ساغلیقلا منزله یتیر سین تا او اوتراقدا امان تاپیب راحت خیال ایله اوتورسون. چون او عاغیلینی و اوره گینی تانری یولوندا ایشله دیدیر.

خطبه ۲۱۱

تانری یولوندا اولان ساواشدا چالیشین

تانری سیزلردن تشکر اومور چون سیزلری ئوز ایشلرینه خلیفه قرار وئریدیر. بو بویوک ایشین ساحه سینده سیزلره ماجال وئریب تا بیر بیر یزدن قاباغادوشه سیز. اودور کی چالیشین و بئلیزی باغلیوب اته گیزی چیرمالیون نه کی ایش ایله راحت چیلیق، بیر یئرده اولای یلمز و اویقولار اراده لری سیندیرار. قارانیق لار دا ایشیق لاری محو اندر.

خطبہ ۲۱۲

عیبرت آلین ای اینسانلار، عیبرت...

بو سۆزلری الھیکم التکاثر حتی 'زرتم المقابر آیہ لرینی اوخویاندان سونرا بویورموشدی: ای عجب! نئجه ئوزاق ھدفدیر؟ و نه قەدەر غفلتدە قالان زیارتچی لردیلر و نئجه بؤیوک رسوای چیلیق دیرکی ھر یانی گئندلردن بوش گورورلر؟ خاطرلہ مەلی یئر بورادیر. اما نئجه خاطرلہ مک؟...

اونلار ئولن لرینی ئوزق یئرلردن ھارای لیردیلار. گورەسن بونلار توپراق آلتیندا قالان بابالارینا آووەنیرلر؟ یا ئولن لرینین سایننا ائن لنینرلر؟ جانسیز، تریشمین چوروموش ئولی لردن بیر دە قایتماق ایستیرلر. اما او ئولنلر، عیبرت آلماق اوچون لایقیدیلر. چونکی داھا شیش مگہ لیاقتلری یوخدور. اونلار باخماقیلہ آلچاق کونول اولسون کی آنلایشا یاخیندیر... اونلارباشی اوجالیق سببی اولایلمزلر. حقیقت بودورکی، اونلار گۆزلرین آچمادیلار و بویولدا جھالته دوشدولر اگر، گئیش و بوش قالان یورد و یووالاردان سوروشموش اولسalar جاواب آلالارکی، توپراقدا ایتیپ و داغیلیدیلار. اما سیزلر اونلارین آردیندا غفلت ایلہ باش بدنلرینی آیاقلیرسیز و اونلارائشیگہ آتانی چئینیرسیزو اونلاردان قالمیش خارابالاردا یاشایرسیز. گئجه و گوندوزلر بواورتالیقدا حالیزا اوخشوب آغلیور. اونلارکی سیزلردن قاباق، ئولوب و یوردلارینا چائییلار، بؤیوک مقامی اولانلار، شانلی آدلیم سلطانلار، ایشچیلر برزخین قوینوندا یئرلشدیلر. توپراق اونلارا ال تاپدی، آت لرینی یئیب قانلارینی ایچدی، یترین دلیکلریندە دونوب حالسزلار قوشولدولار. اونلار انلہ گیزلین وایتگین اولارلارکی داھا تاپیلمازلار. قورخولی زادلار اونلاری قورخودایلمز. پوزقونلو ھاواسی اونلاری کدرلندیرمز. یترین تیرتمەسی اونلاری نگران ائتمز. اوجا اوجاسسلرہ قولاق آسمازلار، اونلار گیزلیندە دیلر. بیر حالداکی، ئوزہ چیخایلمزلر، بیر کیمسە اونلارین قایتماغینا گۆز تیکمیوبدور. گۆرونوش دە حاضر دیلر اما مجلسلرہ گلہ ییلمزلر. ییغیشانلار داغیلپ بیرلہ شنلر آیریلیلار. بو علت ئوزین سفرلردن دگیل کی بیر ییرلریندن خبر سیزدیلر یا شەرلری سس سیزدیر، بلکہ اونلار بئر جامدان ایچیب لرکی،

دیل لری لال، قولاقلاری کار، حرکت و قیمیلداشمالاری، سکوته چئوریلیدیر. اونلارین دوروملاری او نوزی قولولارلا بنزه رکی توپراق اؤسته یاتیلار. اونلار بیر قونشودولارکی بیریرلرینه، مونس اولمازلار. بیر یولداشیدیلارکی بیریرلرینین گوروشونه گئتمزله. تانیش لیلار اؤرتالاریندا هه لشیب و قارداشلیق لار قیریلیدیر. بیر یئرده اولدوغو حالدا، تکجه قالیلار. یولداش اولسایدیلر، ایندی آیری دیلار. گئجه لری گوندوز و گوندوزلری گئجه اولماز گئجه یا گوندوز چاغی کی ئولوبلر، داهایا زامان اونلار اوچون داواملی قالیدیر. او دونیانین عذابلارینی، بیلدیکلریندن ده آرتیق گوره لر و سزالارینی، ایناندیقلا ریندان بؤیوک گوره لر. بو ایکی اثر، اونلار اوچون حساب گونونه دک قالمالی دیلار. او زاماندا، اونلار قورخو و اومود آراسیندا دولانارلار. اگر ئولندن سونرا دیله گلسه ایدیلرینه گوردوکلرینی، دیلده بیان انده بیلمزیدیلر. اگر اونلارین ایزی ایتیپ و اونلاردان خبر گلمیر، ینه عیبرت آلان گؤزلری باخیر. عاغل قولاقلاری ائشیدیر. کونول دیلی ایله دانیشارلار و دیرلرکی نئجه او گولر ئوزلر، توتقونلاشدی؟ او یوموشاق بدنلر نئجه داغیلدیلار؟ گئیم لری میز چوروموش، یاتاقلاریمیز داردیر. قورخونی بیریریمیزدن ارث آپاریریق سس سیزاولان ائولریمیز داغیلدی، گؤزه للیک لری میز پوزولدی نوزوموز ایگره نچی اولدی قورخولی ائوده قالمایمیز ئوزاندی. غصه دن نجات تاپایلمه ییب، داریشیلیق لاردان دا قورتالمادیق.

اگر عاغلویه ن رجوع اندیب حال لارینی گوره سن یا جهالت پرده سی گؤزوندن کنارا گنده، اوندا بیلرسن کی اونلارین قولاقلارینی بوجکلر و قورداقلار یئیب، کار اولوبلار. گؤزلرینه توپراقلاردان سورمه چکیب، درینه دوشوبلر. دیللی ایله کسگین لیکلردن سونرا پارچا پارچا اولوب اوره کلری دوشلرینده بیر چالیشمادان سونرا سونوب و عضولرینده بیر تازا چورومک، اونلاری اپریده ر. خاراب اولماق یولو، جسدلرینه راحتلاشیبدیر. بو بیر حالدا دیرکی، جسدلری چورومک قارشیندا داوام گتیره بیلیمیر. داهال لری یوخدور کی دفاع ائتسینلر، اوره کلری یوخدورکی ناله ائتسین. کونول کدرلی تولی، گؤزلرینده یازیق لیق و توتقونلو واردیر کی دونرگی دگیل لر و چتین لیکلر باشا چاتمازلار.

چوخلو حوءرمتلی و گؤزهل سیمالی لارکی یاخشی نعمت لر و خوش گونلرایله
 یاشامیشدیلار، کامینا چکیب و او کیمسه لرکی ایستیردی لر لذت لر ایله غصه لری آرادان
 آپارسینلار و مصیبت چاغیندا نوزلرینی اویونچاقلارایله مشغول اندیردی لر. او زامان کی
 اونلار دونیایه و دنیا اونلارا گولوردی، خوشجا گونلر سایه سینده غفلتده یاشیردیلار. بیردن
 بیر، زمانه اونلاری ازیب، بئل لرینی بوکدی. تولوم، یاخیندان اونلارا باخیردی. اونلار بیر
 غصه یه چولقاندیلارکی اوندان گورمه میشدی لر... گیزلین غصه لرکی عاغیل لرینه گلمز ایدی
 باشلارینا گلدی... بونلار بیر حالدا ایدیلرکی ئوز ساغلیق لارینا آرخائین ایدیلر. خسته لیکلر
 وجودلارینا هجوم چکدی و... بئله بیر زامانداکی ئوز توختامقلارینا انس توتوموشدولار،
 قورخولی حالداطیب لر اونا بیلدیره ن زادلارا نجه کی ایستی لیگی سرینلیک ایله و
 سرینلیگی ایستی لیک ایله علاج انده ر دی، هجوم چکدی. اما سرین لیکلر ایستی لیگی علاج
 ائتمه ییب بیر آزدا اونا آرتیردی و ایستی لیکلر سرین لیکلری قایتارمیوب خسته لیگی، داهادا
 آرتیردی. مزاجلارینی هئچ داوا ایله اعتداله گتیره بیلمه دیلر. بلکه اونلاری بیر آیری خسته
 لیگه سالدی. بئله بیر حالدا، اونا آوره ک یاندیرانلار اومودسوز اولوب ال لری
 نوزولر. قوللوقچوسو، اونی اونودار، آروادو اوشاقلاری اونون خسته لیگیندن یورولوب،
 سوروشانلارین جاواییندا دینمزلر، یانیندا، او غصه لی خبردن کی دییه بیلمز ایدیلر،
 دانیشارلار...

بیری دییر: حالی بئله دیرکی گورورسن. او بیرسی دییر، انشاءالله ساغلیقا ال تاپار.
 آیری لری اونی دؤزماغا چاغیرار و گئچه جکده کیلری خاطرلیه...

او ائنده کی ایستر دنیادان و یولداشلاریندان، آیریلین، بیردن بیره اونا توتقونلو ق ئوز
 وئره. هوشی باشیندان چیخار آغزی قورویار، بیلدیکلرینی دییه بیلمز...

چوخلو آوره ک یاندیران سؤزلر ائشیتسه ده، ئوزینی ائشیتمه مزلیگه وورار...

بو سؤزلر بیر بؤیوک باشندان کی اونا حوءرمت انده ردی و یا بیر کیچیک باش کیمسه دن
 کی اونا رحم انده ردی، ائشیدیلر.

حقیقتده ئولماغین بیر پاراقورخولی چتین لیکلری وار کی دنیادا یاشیانلار اونلاری

چوخ چتین دوشونرلر.

خطبه ۲۱۳

تانری سئوهن اینسانلار

«ایگیرمی دوردونجی سوره نین آیه اوتوزیددی سینی او خویاندا بئله بویورموشدی»: تانری اوره کلرین ایشیقلی اولماغینی، ئوزونه ذکر ائتمکده قرار وئربیدیر اودورکی آغیر اولموش قولقلار ائشیدرلر. گوره نمیین گؤزلر گوره لر. و عناد ائده ندن سونرا یولا گلرلر. تانری اوچون کی نعمت لری یئی دیر. ایتگین اولان شرع لر چاغی، بیر پارا بنده لری وار کی اونلارین خیال لارینا الهام ائده ر، عاغل و فیکر لری عالمینده اونلارایله دانیشار. اونلارین گؤز، قولاق و کونول لری نی، آیدینلیق چیراغیله ایشیقلا ندیرار. اونلار اللهین گونلرینی اینسانلارین یادینا سالارلار و اللهین بؤیوک مقامینا ساری اونلاری قورخودارلار...

اونلار چؤل لرده اولان یول گوستره ن لرکیمی دیرلر. هر کیم اورتا بولدان گئتسه، یولونسی سنورلر. اما ساغ یا سولا چیخانلاری دانلیب یانلیش گئدمکلرینین قاباغین آلارلار.

بو پاک بنده لر بئله بیر یوللارین چیراغلاری و شبهه ده اولانلارین یول گوستره ن لربیدیر... اللهی یادلان دیرماغا بیر پارا شایسته لر واردیلار کی اونون اوچون دونیانی آتیبیلار، هئچ زامان اونلارین باشلارینی، آیش وئرش قاتابیلمز، عمرلرینی تانری یادیله سوره لرلر. اؤز چاغیرماقلاریله تانری طرفیندن نهی اولونانلاری اونودوجولارین قولاغینا چاتدیرارلار. عدالته ساری چاغیریب، اؤزلری ده اونا عمل ائده رلر. پیس یوللاردان مانع اولوب، اویوللارا گئتمز لر...

دئمک اولورکی بونلار دونیانی آتیب، آخیره تدن یاپیشیلار ائله بیل بو دونیانین آردیندا اولان لاری گؤزلری ایله گوروبلر. برزخ عالمینده آییق دیلار، قیامت عالمی، آیدینلیق جا اونلارا بللی دیر. وعده لرینی اونلار اوچون آشکار ائدیدیر. اونلار قیامت احوالینین پرده لرینی، گؤزلری قاباغیندان کنارا چکیبلر اویله کی. اونلار گوره نلری بیر کیمسه گوره بیلمز و ائشیده نلری، بیر آیری سی ائشیتیمیر.

اگر اونلاری عاغل ئوزه رینده توتوشدوروب و اوتوروب دورماقلارینا باخسان، گوره سن کی حساب لارینا یتیشماغا حاضردیلر. کیچیک یا بؤیوک ایشلره کی مأمور اولموشدولار و یا گؤز اورتولوب یا نهی اولونوبلار. یتکه گناهلاری بئل لرینه آغیرلیق سالیب گوتسور ماغیندان عاجزدیلر. آغلاماقلاری بوغازلارین توتوب، دوشگونلی و آغلارسیله دانیشیلار. پشیمان اولاراق سیزلاییب تانری قاباغیندا گناهلارینی دیله گتیره رلر. بئله لیک له دوشونور سوزکی بو هدایت چیراغلارینین دوره سینده فرشته لر دایانیب راحتچیلیق و برکت قاپولاری گؤی سمتیندن ئوزلرینه آچیلیبدر آللهین ایسته دیگی کیمی حوء رمتلی مقاملاردا اوتورارلار. چون تانری اونلارین چالیشمالاریندان و دوزگون یوللاریندان رضایتی وار. مناجات اندرکن رحمت قوخوسونی آلیرلار. اونلار اللهین فضیلت و کرامتلی رهننده اولاراق اونون عظمتلی مقامی قارشیندا، آلچاق کونوللولوک اندیرلر. غصه لرین چوخلوغی اوره ک لرین کدرلندیریب و آغیر آغلاماقلار گؤزلرینی یارالیدیر. اونلار تانریه یاخین اولماق اوچون هر قاپونی چالیرلار و او کیمسه دن یاردیم ایستیرلرکی الی بوش دگیل وهنچ کیمی الی بوش قایتارماز. ایسته ییجیلار و نسدان اومود سوز دگیلر. ایندی سن ئوز حسابلاریوان قال کی ئوزگه لرین حسابی آیریدیر.

خطبه ۲۱۴

ای اینسان نه لر سنی گناه ائتمگه جرأت وئردی؟

«یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم» آیه سینی اوخویاندا بویورموشدی: توغلانمیش لارین گناهکارلیق عذری، بوش بیر ادعادیر. او بیر توغلانان دیرکی عذری قبول اولونان دگیل. نه؟ چون ئوزقانما مازیغینا اصرار اندیدیر. ای اینسان، نه لر سنی گناه ائتمگه جرأت وئردی؟ هانسی زادلار سنی تانری قاباغیندا ششه لیگه سالدی؟ هانسی زادلار سنی فنا اولماغا هوسلندیریر؟

گوره سن آغری لارین توختامیه جکدیر؟ یا یوخودان او یانمیه جکسن؟ ندیر ئوزگه لره

رحم اندیرسن اما نوزین اوچون رحم ائتمیرسن؟ چوخلارینا کولگه سالیرسان و هر زامان گورنده کی آغری لار، بسیرینی سیخیب اینجیدیر، اوره کدن و محبت له اونا آغلیرسان اماندندیرکی نوز آغری لریوهن دؤزورسن؟ و گناهلاریوهن اصرار اندیرسن؟ او نذیرکی سنی نوزیوهن آغلاماقدان تسلی وئیر؟ بیر حالداکی هئچ زاد سنه جانیندان آرتیق اولایلیمز، ینه اللهین باسقین قورخوسی سنی اویاتمیر؟ بیر حالداکی اونون یولوندان چیخیب قولای یسولا دوشموسن.

گناه ایچینده اولان کونولی، اراده و چالیشماغیله علاج ائت. غفلت یوخوسوندان آییل. الله فرمائیندا اول. اوناذکرائت. نیه کی؟ سن اوندان نوز چئویریرسن اما اوسنه محبت اندیر. اونون بؤیوکلیگی و احسانی آلتینداسان، بؤیوکلیگین ینه سندن کسمیر و گناه لارین نوزه گتیرمیر. حتی بیر گؤزیوموم سات عنایتیندن کنار دگیلسن. داها خیالین نذیر؟ اگر اونون اطاعتینده اولسایدین نه اولاردی؟

آند اولسون تانرییه اگر بو نئجه لیک ایکی نفرده اولسایدی و هر ایکی سی مال و قدرته، بیر اولسایدیلار، اول آدام کی بو پیس نئجه لیکلری محکوم اندهردی، نوزین اولاردین. حاق بئله دیرکی دئیرم.

دوینا، سنی توغلامیبوب بلکه سن اونا توغلانمیسان. دوینا اویودلارین بیلندیریب و سنی عدالت وانصافا ساری چاغیریر. اونون سؤزلری، قرار قویدوغی کیمی آغری، پشیمانچلیق یا عاجزله مک حاققیندادوغرودور. یالان سئوله میر، سنی توغلامور بلکه اویود وئیرر اما سن، چوخ اویود وئره نلری متهم اندیرسن و چوخلو دوزگون خبرلری یالان سانیرسان.

اگر دونیانین شهرلرینده ییخیلمیش بوش ائولرینه باخسان، اونى یاخشی اویود وئره ن گوره رسن. یاخشی یولداش کیمی سنه پیسلیک یتیشمکده ن مانع دیر. اگر دونیایه کونول وئرمه سن یاخشی دونیادیر. گؤزه ل یئردیراگر، اونى وطن سانمیه سن. گله چکده کی خوشبخت اودورکی بوگون دونیادان کنار گزیر.

او زامانکی یئر تیتره ر و قورخولی علامت لر ایله قیامت اولماق بللی اولار، هر

عبادتخانه نین عبادتچی لری هر بنده ئوز تانری سینه و هر قول ئوز آغاسینا قاووشار. او زاماندا، گویلره باخماق یئرده قدم گوتورمک عدالتله تانری قاباغیندا دوزگون شکیلده جزا وئریلر. او زاماندا، چوخلو دلیل لر باطل اولور و چوخلو عذرلر قبول اولماز. بیر ایش گورولمزکی عذریشری قالسین و اونا حجت انده بیلده سیز. اودورکی سیزه قالمین دن، سیزه قالانلاری گوتورون. سفر اوچون حاضرلاشین و نجات وئرن ایشیغا گؤز تیکین. یوکوزی مینیک بنلینه یاخشی باغلیون.

خطبه ۲۱۵

علی (علیه السلام) نین ظلم ائتمک ایله ایشی یوحدور

آند اولسون تانرییه اگر گنجهلر چالی تیکانی اوسته یاتسام و یا منی زنجیره چکه لر، بوندان یاخشی دیرکی قیامت گونی تانری و پیغمبرایله گوروش اندهم بیر حالدا کی بیرپارابنده لرینه ظلم اندیپ یا دنیا مالیندان بیر زادی زورلامیش اولام. نجور اولابیلرکی ظلم اندهم؟ نیه کی؟ وجودیم ترنله سیک چورومگه ساری گئدیر و چوخلو زامان توپراق آلتیندا قالاچکدیر.

آند اولسون تانرییه عقیلی گوردوم کی نهایت یوخسول لامیشدی. بیر باتمان بوغدالاریزدان مندن ایسته دی. اوشاقلارینی گوردوم کی ئولوشگه میش، توکلری توزلو، ائله بیل کی ماوی بویاقیله ئوزلرینی بویامیشدیلا. او چوخ دیره ندی. منده سؤزلرینه قولاق آسدم. او خیال اندیردی من دینی می اونا ساتارام و اونون ایسته دیگی ایله گئده رم. اما بیر دمیر پارچاسینی اوددا قیزاردیب اونا ساری توتدوم تا عبیرت آلسین. او آغری سیندان بیر خسته کیمی قیشقیردی آزقالمیشدی کی قاپاراولا. اونا دئدیم: ای عقیل! بالاسی ئولن آنالارکیمی، ماتمینده آغلا سینلار بیر دمیردن کی اینسان الی ایله قیزاریب، قیشقیریرسان اما منی تانری یاندیران اودا ساری چکیرسن؟ سن بو آز اوددان ناله اندیرسن اما من جهنم اودوندان ناله ائتمیم؟

بوندان حیرت اندیجی ماجرا، بیر کیمسه نین ماجرا سیدیرکی بیر ئورتولی قابدا بیردادلی

حلوا ايله قابوموزا گلدی. اما من بوحلوان کی معجونا بنزه ریشی واریدی نفر تسم گلدی، خیال ائتدیم اونی ایلان آغزینین سویوندان یا قوسوتوسوندان حاضر لامیشدی. اونداندیم: بو بیر هدیه دیر یا زکات یا صدقه؟ کی زکات و صدقه بیزلره حارامدیر. دئدی نه زکات و نه صدقه دیر بلکه هدیه دیر... دئدیم: آنان ماتمینده آغلا سین! گلمیسن دین یولی ایلـه منی توغلی یاسان؟ هله قانما میسان. دلی سن یا سرسم دانی شیرسان! آند اولسون تانریسه اگر یددی یترده کیلری و گوگ آلتیندا اولانلاری منه وئرسه لر، تا بیرقارینجانین آغزیندان آرپاقاییغین آلماغیله تانرییه عاصی اولام، بو ایشی ائتمهرم. دنیا منه چگیرجه ییسن یا پراقدان دا اسگیک دیر. علی نین دنیا و اونون لذت لری ایلـه ایشی بو خدور... غفلت یو خوسوندان و سویروشمه دن تانرییه پناه گتیر برهم و اوندان یاردیم ایستیره م.

خطبه ۲۱۶

ایسته یش

ای الله، منیم آبیرمی زینگین لیک ایلـه ساخلا. یو خسول لوق ایلـه شرافتیمی آرادان گوتورمه تا سنین بنده لریندن رزق تمناسی ائده م و سنین چوروک اولان یارانمیش لاریندن مهربانچیلیق آراشام یا منه بیر زادی باغیشلاماق اوچون بنده لرین تعریفینه مجبور اولمیسام و بیر زاد وئرمیه نین پیسینی دئمیم. ان سونوندا اختیار صاحبی سن، وئریب یا وئرمیه سن. کی هر زادین اختیار و قدرتی سنین الینده دیر.

خطبه ۲۱۷

ئولن لر

بو آدلیم آلدان و فیریلداق ائده ن دنیا، بیر حالدا قالان دگیل. اوندا یاشیان لار ساغلام قورتالا بیلمز لر. ده یشیلن دیر و هئچ زامان بیر حالدا قالماز. بو دنیا دا آرخاین لیق و خوشلوق ایلـه یاشاماق دانلانیب دیر. اوندا امان تاپماق و راحت لیق ممکن دگیل. اوندا

باشیان لار دونیا الی ایله آتیلان بلا اوخلارینا مبتلا و بنله لیک له ئولندیلر.

ای تانری بنده لری کی دونیا دالینجا گزیرسیز!! اوتن زامانلاردا، بابالاریزین یاشی سیزلردن آرتیق و شهرلری سیزین کی لردن آبادایمیش...

اما اونلار داها دانیشمیرلار، گوجلری قورتالیب حرکت ائتمیرلر، دوروملاری چوروک، شهرلری بوش، اونلاردان داها اثر یوخدور. اوجا سالدیرمانلار، داواملی ائولر، یوموشاق یانسیقلار ایندی داواملی قویلاق داشی و لحدلره دونوبدور. هامان قویلاقلارکی خاراب اولماقدادیلار، هامان قویلاقلارکی توپراقدان دوزه لیب و بیریرلرینه یاخین دیلار... اما اونلارداکیلار بیریرلرینه غریب دیلر.

بیر دؤشرکه ده ساکن دیلرکی، هر زامان قورخودادیلار. آچیق حالداراحات گورونسه لر، ایچه ریده مبتلادیلار. اولدوغی یوردلارا، انس توتمازلار... قونشولارکیمی بیریرلرینه گلیب گئتمزلر... نئجه بیریرلرینین گوروشونه گئده بیلرلر؟... چون کی چورومک اونلارین باغیرین ازیب، داش توپراقلاردا اونلاری یئیدیر.

بو فیکری ائدین کی سیزلرده اونلارکیمی قویلاقلارین رهیننده اولاجاق سیز و او قویلاق سیزلری باغیرینا باساجاقدیر. ایشیزین سونی بوردان سونرا هارا چاتار؟ او زامان هر کیم هر نه قاباقدان یوللوبدور حساب اولونار و تانرییه ساری کی حاقلی و دوغرو مالکدیر، قایتاریلار. داها اونلارا باغلیان افترالار ایشه گلمز.

خطبه ۲۱۸ - دن او حضرتین ایسته یشی

ای منیم تانریم هر کیم سنی سنوسه، اوناهامودان یاخشی و یوموشاق یولداشسان. هر کیم سنه توکل ائده، اونون دولاشیق ایشلرینی یاخشی اصلاحا چه کرسن، اونلارین گیزلین فیکرلرینی بلیب و دوشونرسن. نظر و عاغل لری سنه بللی دیر. سرلرینه بلیجی سن. دوستلارین کونول لری سنه ساری دیر. اگر یالقوز قالماقدان قورخویا دوشسه لر، سنی یادا سالماق اونلارا یاخشی یولداشدیر. اگر هر غصه اونلارا ئوزگتیرسه، سنه پناه گتیره لر. نیه کی؟ بیلرلر ایشلرین اختیاری و تقدیری سنین الینده دیر.

ای الله! اگر ایسته دیگیمی بیلمه سم، منی صلاحیمه ساری یول گوستر و کونلومی خیر و صلاحیمه هدایت ائت. چون کی سندن سوای آیری لارین قدرتینده دگیسل و حاجت لری روا ائتمک، سنین اوچون تازا بیرایش دگیل... ای الله! منه نه تکجه انصاف و عدالت بلکه پای وئرمک نظریله باخ.

خطبه ۲۱۹

عمیرین حاققیندا

الله، فلان کسه خیر و برکت وئرسین چون کی اءیری لری دوزگون خسته لیکلری علاج و سنت لری ساخلادی. فیرتینالاری گری آندی، اته گی تمیز، عیب سیز بو دونیادان گئتدی. یاخشیلیقلاری توتوب شرلریندن کنار گه زدی اللهین اطاعتینی یثرینه یتیردی و حاققینی وئردی. دونیادان گئتدی بیر حالداکی جماعتی نئچه یولون اورتاسیندا قوییدی. او یله کی ایتن یولون تاپاییلمز و آختاران لار تاپدیق لارینا اینانمازلار.

خطبه ۲۲۰

بیعت

«جاماعاتین اونولا بیعتی: اوتن خطبه لرده بونا بنزه ر سوءزلرایله دئیلیمشدیر»
بیعت اوچون الیمی آچدیز امامن یومدوم اته گیمی چکدیر، اما من ییغیشدیردیم...
سوسوز دوه لرکیمی کی سوباشینا ییغیشارلار، منی دوره له دیز او یله کی باشماغیمین باغی قیریلدی، عبا چیگنیمدن یثره دوشدی. عاجزلر آیاقلان دیلار...
جاماعات بیعت ائندن سونرا، سئویندیلر قوجالار زحمتلی حال ایله و باکره سازاقیزلار یاشماقسیز، بو ییغیناغی گؤرمگه گل دیلر.

خطبه ۲۲۱

بو دونیا به توغلانمیون

نفسی قورویوب، تانری دان قورخماق، دوغری یولون آچاری و قیامت گونونون ذخیره سیدیر. همده قول اولماق و هر جور خارا بلیغین قورتولوش یولودور...

تقوا ایله ایسته ییجی لرین نیازی اله گلر و عذابدان نجات تاپارلار. تقوا، چوخلو باغیشلانماق سببی دیر... (آخیره) ایشله یین چون کی ایش الله قاپوسونا گنדר و توبه ایستک لری، اثرلی اولار. او زامان ایستک لر انشیدیلر... دینجلمک زامانی چاتییدیر، قلم لر ایشلیر... اودورکی قاباغیزا خسته لیک چیخما میشدان و ئولوم سیزلره ال تاپما میشدان و عمریز قورتالما میشدان قاباق، اطاعته چالیشین... چون ئولوم، لذت و خوشلوقلاری و نفسین ایستک لرینی الدن آلار. فیکرلری باشدان گوتوره. اونسی هئچ کیم سئومز. او، بیر حریف دیرکی سینماز. بیر انتقامچی دیرکی، سوروشولماز. ایندی اونون دولاشان ایپی و غم و غصه لری سیزلری محاصره به سالییدیر، اوخلاری نشانه گندير، اونون اوستون اولماسی بؤیوک دور. دالبادال یوگوره، هئچ زامان اونون وورماغی خاطا گنتمز. اجلین کولگه سی یاخینلیب و ئولومون آغری لاری و هوشون گنتمگی قارائلیق، جان وئرماغین آجسی عذابی آزالیرسنی چولقاسین. ائله بیلکی، بیردن بیره یانیوهن گلیب، محرم لرین و مشورتچی لرین، سسدن سالار. حتی سنی آلقاقدان دانیشماغا مانع اولار. شهرلریزی صاحب سیز قویار. ورثه لر و سنه مخصوص یاخین آداملاردان فایدا گلمز... سنه غصه له نن لر ئولومون قاباغین آلابیلمز لر سئوینن لریده مجبور ائدهر میراثی بولسونلر. اودورکی چالیشین و بو یولا، تدارک گؤرون. اما تدارک گوره ن یئر، سیزلری توغلانما سین نیه کی؟ سیزلردن قاباکی لاری توغلادی... هامانلارکی اونون دؤشوندن سود امه ردیلر، اونا توغلاندیلار. گونلرین سایین ایتریب، تازا لارینی کهنه لندیردیلر...

ائولری مزاره دونوب، وارلاری نوزگه لرین میراثی اولدی. هر کیم اونلارین قویلاقی اوسته گلسه، داها تانیمازلار. هر کیم اونلارا آغلاسا، اعتنا ائتمزلر و چاغیراندا جاواب وئرمزلر...

اودورکی دونیادان ئوز چئویر... چون کی چوخلو فیریلداق ائدهن، توغلیسان و اویناداندیر. باغیشلاسادا، سونرادان آلا. گئیندیرسه ده، ینه سویوندورار... دینجلمک اوند ابدی دگیل، زحمتی باشاچاتماز، ئوزونتولری قورتالماز... زاهیدلرین وصفینده: زاهیدلر بیر طایفا دیلارکی دونیادا یاشایان حالدادونیاچی دگیل لر. اونا باغلی اولمازلار. اونلارین ایشلری هاماندیرکی دوشونورلر، قورخولی عذابلاردان قاجماغا تله سیرلر. آخرت آداملاريله اوتوروب دورارلار و دونیانی توتانلاری، گوره لرکی ئولولرینی بؤیوک سانیلار. اما دونیاچیلار نفسانی ایستک و آرزی لارا، کونوللری وار.

خطبه ۲۲۲

مؤسلمانلارین بیر لشمه سی

«بو خطبه نی او زامان کی بصریه گئیدردی»، ذی قار «دا بویورموشدی و واقدی جمل کتاییندا یازیدیر» حضرت پیغمبر (ﷺ) مأمور اولدوغی امر و تانری تاپشیریقین جماعته یتیردی. او، داغینتی لاری ییغیشدیردی و نظمه سالدی أوره کلرده آلیشان کینه اودلارینی سوندوروب، یاخین آداملاريله ایراقداکی لار اورتاسیندا، باریشیق و بیرلیک قراره چکدی.

خطبه ۲۲۳

بو مال زحمت چکن لرین دیو

عبدالله، زمعه نین اوغلی کی اونون شیعه لریندن ایدی خلیفه اولان چاغی، اونون یانینا گئدیب بیر قه ده ر مال ایسته دی. او حضرت بئله بویوردی: «بو مال نه منیمدیر و نه سنیندیر بلکه هامی مؤسلمانلاریندیرکی شمشیر گوجيله غنیمت آلینیدیر. اگر «سن» اونلار ايله ساواشدا وارایدین، او مالدا حاققین وار. اگر یوخ ایدین» اونا گوره اونلارین ال امه گینده آیری لار او چون حاق یوخدور»

خطبه ۲۲۴

دیل نه سنه دیر - بو زامانین آداملاری

بیلین کی دیل، اینسانلار وجودوندا، بیردوروشوقدور. اگر اینسان اوندان عاجز اولا، دانیشابیلمز. اگر بیرسی دانیشماقدا گوجی اولا، سؤزلر دیله وول وئرمز. واما بیزلر سؤز یسه سی یوق اونون کوکی وجودیمیزده دیر. بوداق لاری دا بیزه کولگه سالیبدیر.

تانری سیزه رحم ائتسین بونی بیلین، بیر زاماندا یاشیر سیزکی، حاق دانیشان، آز، دؤز دانیشان ساکت، و حاق آراشان ذلیل دیر. جاماعات گناها حاضر لاشیب لار جوانلاری پیس اخلاقلی، قوجالاری گناهکار، بیلجی لری ایکی ئوزلی، دانیشانلاری یالتاقلانان و کیچک لیر بؤیوک لره حوءرمت قویمورلار. وارلی لار یوخسول لارین الیندن یاپیشمیرلار.

خطبه ۲۲۵

جاماعاتین اوخشا مازلیق لاری

ذعلب یمانی، احمد، قتیبه اوغلوندان اودا عبدالله، یزید اوغلوندان اودا مالک دحیه اوغلوندان بئله سویلورکی: او حضرتین حضوروندا ایدیک، جاماعاتین بیریری ایله تفاوتی اولماق سؤزی اورتایا گلدی. او حضرت بئله بویوردی: اونلارین بیریریندن تفاوتلی اولماقلاری، اونلارین ذاتیندان دیر. دلیل بودورکی اونلار بیر شؤر، شیرین، توپراقلی، چانقیرلی یثرین پارچا سیندان ایدیلر... گویه رهن یثرلری بیریرینه یاخین اولمادان، بونلاردا بیریرلرینه یاخین دیلار و او یثرلرین اختلافی دلیلینه، بونلاردا اختلافلی دیلار.

اودورکی گاهدان خوش گورونوشلی لر عاغیلدان آز، او جا بویولار آزچالیشان، خوش عمل لی لر گؤزه ل بیلینمین، آلحاق بویولار درین فیکر ائده ن یا یئی لیکلری اولانلار، ایشلری دوزگون و عاغیلی قاریشیق اولانلارین ایشلریده قات قاریشیق، گؤزه ل دانیشانلار آییق و جسارتلی دیلر.

خطبه ۲۲۶

پیغمبری (ﷺ) غسل و کفن اندهن زامان بویورموشدی

او زامانکی حضرت پیغمبری، غسل اندیب دفن اوچون حاضر اندیردی، بویورموشدی: آتا آنام سنه قربان اولا، ای اللهین پیغمبری، او ایلگی لر کی سایر پیغمبرلر ایله امت آراسیندا واریدی و قیریلما میشدی، سنین و فاتین اثرینده الاهی حؤکملر، وحی لر کی سنه مخصوص ایدی ایندی کسیلدی. بوأونماق بیزه بسدیر کی آیری اؤزونتولرین داها اهمیتی یوخدور بو ماتم هامی اوچوندور.

اگر دؤزمگه و ناله ائتمه مگه امر ائتمه سه ایدین، آغلاماقلاریله گؤزلریمیزین یاشلی بولاقلارینی قوروداردیق. غم لر و آغری لار بیر یوللوق بیز ایله قالاردی. گؤزلریمیزین یاشی آخماق اثرینده و سنین فراقیندا قوروسا، ینه آز دیر. اما نه ائتمک اولور؟ ئولومی قایتارماق اولماز.

آتا آنام سنه فدا اولسون بیزی اللهین قاپوسوندا یاد ائت و هنج زامان اونودما.

خطبه ۲۲۷ - دن

اللهین نجه لیک و حکمتلی ایشلری

شوکر او تانرییه یاراشارکی عاغل و آنلایشا سیخیشماز و هنج یئرده یئرلشمز. گؤزلراونی گوره بیلمز لر و اورتوک لر اونی اورتماغا قادر دگیل لر. یارانمیش لاری یاراتماغیله ازلی اولدوغونی بللی اندیب، وجودینی گوستریر. یارانمیش لارین بیریرینه بنزه ریشی بونی نشان و ثریر کی هنج کیم اونا تایی اولایلمز. او وعده لرینده دوزگوندور و بنده لرینه ظلم ائتمکدن پاک دیر. او، بنده لرینین حاققیندا عدالت له گئچینر و وئردیگی حؤکملری، عدالت له اجرا ائده ر. هر زادین ایجاد اولونماسی اونون ازلی اولماق دلیلی و یارانمیش لارین عاجز اولدوغی اونون قدرتیندن و چاره سیز حالدا فنا اولونماقلاری، اونون بقاسیندان بیر علامتدیر.

اونون تک بیر جه اولدوغی سایماق ئوزوندن دگیل. ابدی دیر اما زامان اونا شامل اولماز. آرخاصیز دایانیبیدیر. آنلاماقلار اونی دوشونرلر اما حس لرین اوندا دخالتی بوخسدور. گؤز لر اونی گوره لرلر اما بوگوروش حضور بابتیندن دگیل. فیکر لر اونا چاتمازلار. بلکه فیکر ائتمک بولی ایله، فیکر لره گلر. عاغیل بئله بللی اندیرکی اونون ذاتی ادراکه گلمز. آییق و درین دوشونه جک لی لر، اونون فیکری قاباغیندا محاکمه اولونورلار. اونون بؤیوک لیگی بئله دگیل کی ئولچویه کلسین یا جسمانی اولسون، بلکه اونون منزلت و سلطه سی بؤیوک دور...

و شهادت و ثریره کی محمد (ﷺ) اونون دوزگون، سنجیلمیش پیغمبری و بنده سیدیر. ای الله! اونا و اونون سؤلاله سینه سلام گوندهر.

او حضرتی آیدین دلیل لر ایله، کافر لره غالب اولماسی اوچون و ایشیق لی یول گوسترماقیله یوللادی. او حضرتده، تانری کلامین یتیردی. حقه باطلی آیردی و اینسانلاری، باشچی اولدوغی کیمی دوز یولا چکدی و هدایت بایدا قین دوز یوللاردا آیدین نشانه لر ایله اوجالاندیردی. ایسلام قورقولارینی و دین و ایناملارین ال توتاقلارینی محکم لندیردی.

اگر اینسانلار اللهین بؤیوک لوق و قدرت و نعمت لری حاققیندا فیکر ائتسه ایدیلر، دوز یولا گلر دیلر و قیامتین چتین عذابی و یانار اودوندان قورخار دیلار.

اما نه ائتمک اولور؟ کی کونول لر خسته، گؤز لر مانلی دیلار. نیه او کیچیک حیوانلارا دقت ائتمیر سیز کی نئجه اونلاری یاراتدی؟ نئجه اونلار شکیل و یاراشیق وئردی؟ اونلار قولا ق، گؤز لر، سوموک، دری، هره سینی ئوزونه گوره یاراشدیردی؟

قارینجایا باخین، کیچیک اولدوغو حالدا، نئجه خوش شکیلده یارانیب کی گؤزه گلمه سی و یتیشی بیلینمیر. او رزق اوچون چالیشیر، نوم لاری یوواسینا داشیر و آنبار لاریندا حاضر لاییر. یایدا قیش اوچون یا ائشیگه چیخمیان گونلرینه، روزی ییغیر. تانری اونون روزی سینه ضامن دیر و اونا گوره روزی وئریدیر. مهربان، نعمت وئره ن تانری، اوندان خبر سیز دگیل. حتی قوری و یتکه داشلار آلتیندا اولسالار، محروم بیراقماز. اگر یتمک

یوللارینا، سیندیرما جهازینا، باشیندا گؤز و قولغا دقت ائتسن، اونون یارانماغیندان تعجب اندیب وصفیندن عاجز قالارسان. بو بؤیوک تانری دیرکی قارینجانلی آفاق اوسته قنوزیسب، وجودینی آیاقلاری اوسته یاراشیغا گتیریبدیر...

بو دلیلله اونون یارانماغیندا، بیر کیمسه تانرییه شریک اولمیوب و قادر دگیل. اگر کوکدن نهایتهدک دقت اولونا، بو دلیل لر بللی اندر کی هره سین بیر فرقلی شکیلده، ایشینه گوره، دقتله یارادیبدیر هر حالدا بؤیوک، کیچیک، آغیر، یونگول، باجاران، عاجز قالان، هاموسی اونون قدرتی آلتیندا و بیر گؤزده دیلر. حتی گؤی، هاوا، سو، یئر و... یارانماقدا بیر قدرتدن فیض آپاریرلار. گونش، آی، بیتگی لر، آغاج، سو، داش، یثرین فیزلانماسی و گنجه گوندوزون گلیب گنتمه سی بودنیزلر، بوداغلار اوجا اوجا زیروه لری ایله و آیری آیری دیل و دانیشیق لارا باخین.

وای اولسون او آداماکی یونلارین نظاما چکهنی نی دانا و قبول ائتمیه. بشرین فیکرینه بئله گلیرکی، چولده کی بیتگی لر کیمی، یونلاردا ئوز ئوزلرینه وجوده گلیب لر. اما بو سؤزلره دلیل لری یوخدور. ایناندىقلاری یولدا فیکر ائتمیولر. نجه اولایلرکی بیر عمارت سالدیر مانچی سیز و یا بیر جنایت، جنایت کارسیز اولای؟

اگر ایستیرسن، چکیرتگه دن دانیش کی تانری اونى ایکی قیرمیز بویالی گؤزلر ایله یاراتدی کی او گؤزلر آی کیمی، پارلیرلار. قولاق گیزلین، آغیز ئوزونه یاراشیقلى، گوجللی دوشونجه سی، بیر جوت دیش کی یئدیگینی قیرتیب آیرار و ایکی اوراق کیمی زاد کی بیچر. اکینچی لر، اکین لری اوچون اوندان قورخارلار و اونا چاره انده ییلمز لر. اگر بیر یئر ییغیشیب اوچوش لاریندا بیر اکینه یوگورسه لر، ایسته دیکلرینی ییه لر. بو بیر حالدا دیرکی بوتوولوکده هیکل لری بیر چیلیک بارماق قهده ر دگیل. اودورکی هر کیم یئرده و گویده وار، او پاک تانرییه سجده اندیب و اونون برابرینده ئوزونی توپراغا قویار، اطاعت انده ر، اختیاری اولمییه راق تابع اولار. قوشلاردا قورخودان اونون اطاعتینده دیلر. اودورکی حتی قانادلارینین و نفس چکماقلارینین ساینی ییلیر. اونلاری قورولو قدا و سودا قرار وئردی، روزی لرینین ساینی دا ییلیر.

بوقارغا، بوداقارتال دیر. او گویه رچین و بو دوه قوشو دور. هر قوشی آدیله تانیتدیریب و روزی لرین یوللور. یاغیشلی بولوتلار یارادیب نارین یاغیشلار یاغدیردی... هر دامجی نین یثرینی بللی ائتدی. بو ایش ایله قوراقلیقدان سونرا، سووئریب گویه رنتی لری بیتیردی.

خطبه ۲۲۸ - دن

اللهین نجه لیکلری

هر کیم اونا نجه لیک قایل اولا، اونی (واحد) بیلیمیر. اگر بیرسی اونا تای بیلسه، اونون ذاتینی دوشونمیوبدور. اگر بیرزادی اونا بنزتسه، اونون نیتینده دگیل. هر کیم اونا اشاره اندیب خیالینا گتیره، اونی چاغیران دگیل، اگر بیر زاد نوز ذاتی ایله تانینسا یارانمیش و اویدورولموشلارداندیر. اگر بیر زادین قالماغی آیری لارا باغلی اولا، علت لیدیر و یارادانی وار. اما او، وسیله سیز ایش گوره. فکر ائتمه میشدن، بیلندیره. آیری لاردان فایدالانماغا احتیاجی یوخدور. زامان اونا گلمیوبدور. هنج وسیله اونا یاردیم دگیل. موجود اولماغی زامانلاردان قاباق، اولماغی یوخلوقدان قاباق و زاماندان ایره لیدیر. دوشونجه لری یاراتماق بونا دلیل دیرکی بللی اولان حس لره احتیاجی یوخدور. قاج زادلارین یاراتماقی بونا دلیل دیرکی نوزی اوچون ضدّ تاپیلماز. قرینه لری یاراتماق اونون تای سیز لیگیندن حکایت ائدیر.

ایشیقلا قارانیقلا رایله، آیدین لار گیزلین لر ایله، قوری یاش ایله، ایستی سویوقیله، بیر بیرلرینه ضد اولدولار. هر عنصری نوز ضدی ایله قاتیشدیردی آیری اولانلاری، بیر یئرده قوووشدوردی. ایراقلاری، یاخین و یاخین لاری آیریدی. او، محدود دگیل، سایا گلمز.

سببلر محدود اولماق علت لریندن دیر و هر وسیله، نوزونه تای ایله اشاره اولونار. و اگر فلان زامان دئیلسه، دها قدیم اولا بیلمز و اگر قطعاً دئیلسه ازلی اولا بیلمز. اگر دئیلسه کی بنله اولسون، اوند، اونی کامل اولماقدان مانع اولموشوق. او، وسیله لر ایله یارادانی عقل لر اوچون بللی ائتدی. بو دلیل ظاهری گؤزلره گؤرسنمیر.

ترپشمک اونا گلمیوبدور نجور اولا بیلرکی نوزی یارادان حرکت، یا حرکت سیزلیک،

ئوزینه شامل اولای؟ یا ئوزی یارادان ئوزونده وجوده گله؟ اگر بئله اولسایدی، اونون ذاتی، ده ییشیلردی و اساس وجودی، خیردالاشاری و ازلی اولماقداندا چکینردی...

اونا ئون و آرخا یوخدور. چون، اونا آزیلقدیسر و آز قورتالاندیر. نیه کی یارانمیشلار علامتی اوندا تاپیلار. یارانمیشا، یارادان لازمیدیر. بو علتیه هر زاد اللهین اولماغینا دلیلیدیر. بئله لیکله هئچ زاد اونا اثر قویماز و اوندان ایراقدیر. او بیر تائری دیرکی، هر زامان بیر حالدا قالار. هئچ زامان، آرادان گئتمز. غایب اولوب گیزلنمک اونا، یاراشماز. دوغمیوب، دوغولماز. دوغولمیوب تا حدودی اولسون، اتولادی اولماقدان و قادین لاری لمس اتمکدهن پاکدیر. اوجا اوجا فیکرلر، اونون درگاهینا چاتماز تا اونا حدود قرار وئرسین. حسلر اونی درک ائده بیلمز لر تا اونی بیر موجود بیلسین لر. ال لرده اونی لمس ائده بیلمز تا توتاییلسینلر. اونون دورومی، ده ییشیلمز و ده ییشیلن لر شکیلینه دوشمز. گنجیه گوندوزلرین گلیب گئتمه سی اونی قوجالانماز. ایشیق و قارانلیق اونی چئویرمز. هئچ زاد، هئچ عضوه، ائن یا بویا گلمز. اوندان بیر آیریمی داها یوخدور، بیرینه بنزه مز، اونا اول و آخیر قایل اولماق اولماز. قیریلماز. سونی تاپیلماز. زادلارین اونا احاطه لری یوخدور تا اونی قئویب یا یثره وورسونلار. بیر زاد یوخدور تا اونی گوتوروب بیر طرفدن او بیریمی طرفه آپارسین یا بیر یثره ساخلا سین. بیر زاد اونی دولاندیرماز و هئچ زاددان کنار دگیل. خبر وئره اما دیل و دیلچک ایشلتمز. قولاقسینر ائشیدر. وسیله سیز دانیشار. هر زادی خاطره گتیره ر لاکن حافظه اوندا دخالتی یوخدور. اراده سینه فیکر لازم اولماز.

ایسته ییب سئومه گی یوموشاق لیمق و مهربانچیلیق دان دگیل. او، دشمان سانار، خشمه گلر. اما دشمانچیلیق و اینجیکدن دگیل. هر نه یه اراده ائدیب دئسه اؤل، اولار. بونودا دیل ایله یا ائشیدیلن سس ایله بیان اتمز. یالیز بو تائری کلامی، هامان ایشی دیر. اونا تای یوخ ایمیش و اوندان ایره لی بیر تائری یوخدور. اگر اولسایدی، کی ایکنیجی سی ده، اولاردی. یثرلی دوشمزکی دئیلسین بیر زامان یوخ ایمیش، سوندان ایجاد اولوب. بلکه او قدیم و ازلی دیر. یوخسا، اونا بیرینتی نئجه لیکلر تاپیلار و بو حالدا اونولا تازا تاپیلیمیش لارین فرقی اولماز. یا خود یارادان و یارانمیشلار بیر مقامدا اولارلار.

هر زادی نمونه سیز ایجاد اتندی و بو یاراتماقداد، بئر کیمسه دن یاردیم ایسته مه دی... سونراثری یارادیب، اونی قدرتله ساخلادی. سیلکه له نن مکاندا اونی اوپله ساخلادی کی دایاق لازم اولمادی. آیری دوشمکدن و جیر یلمکدن ساخلادی. اونی قازیقلا رایله ساخلیب حایل اولدی. بولاقلارینی آخدیردی، دره لری یاردی، ایشلرینده باجاری سیزلیق نشان وئرمه ییب، قدرت وئرن زادلاری قدرتن دوشمیوبدور. او حؤکمدار اولدوغوندا یثره غالبدر واونون نجوره سی اولدوغونی بیلر...

عزت و جلالی ایله، هامی یارانمیشلاردان، آرتیقدر، هنج بیری اونون ایسته گیندن قیراغا چیخماییب، تا فرمانیندا اولارلار. هنج قاچان قدرتی آلتیندان قاجیب یا اونی قاباقلیه بیلمز. وارلی لارا احتیاجی یوخدور تا اونلاردان فیدالانسین. هر زاد اونون قاباغیندا آلچاقلیق اندیب و بؤیوک لیگی ئوزه رینده ذلیل دیلر. باجارا بیلملر اونون قدرتی آلتیندان قاجسین لار یا اونون فایدا یا باتقی لاریندان کنار اولسونلار. تایی تاپیلماز تا اونارقیب اولسون. اودورکی هر زادی وجوده گتیره ندن سونرا، اوپله فنایه چکه بیلرکی دئمک اولور یوخیمیش لار. دونیانین فنا سی، اونی یاراتماقدان حیرتلی دیر. نئجه حیرتلی اولماسین کی اگر بوتوولوکده دنیادا جانی اولانلار، قوش لار، دؤرد آیاقلی لار هر نه کی گئجه یاتاقینا قائیدار، چولده یثم ییین لر، اونلارین هر جوره سی، کیچیک، هوشلی، عاغل سیزلاری بئر یثره ییغیشلار، ینه بئر میلچه گی یاراتماغا قادردگیل لر و اونون یارانماق یولون بیلملر. عاغل لاری حیرته قالیب گوجدن دوشرلر. ان سونوندا سینیپ قائیدارلار. اوندادورکی عاجز اولدوقلارینا حتی «محو ائتمکده» اعتراف ائده رلر..

او پاک بئر تانری دیرکی دونیانین فنا سیندان سونرادا، قالاندیر. اونولا بئر زاد قالمیه جاقدر اوپله کی اولدن بئر زاد یوخ ایمیش. او فسادن سونرا، زامان و مکان معنا وئرمز. دونیانین فنا سیله زامانلار، ایل، آی هاموسی معنالارین الدن وئره رلر. داهایا تانریدان سوای هنج زاد قالماز چون او اوستون گلن تانری دیر. هر کیم اونا ساری قائیداجاقدیر. نئجه کی ازل گونلرده یارانمیشلارین اختیاری یوخیدی، فنا اولماقدادا اختیار سیز اولاجکلر. اگر باجارسا ایدیلا، قالاردیلار یارانمیشلاری یاراتماق، اونون اوچون چتین دگیل و اونی

یورماز.

وجوده گتیره نلری حکومتی بقاسیندان اوتری یا فنا اولماق قورخوسوندان یا ،تایینا غالب اولماق اوچون یا هجوم چکن دشمانی ئوزاقلانديرماق اوچون یا حکومتی آرتیرماق اوچون و یا ایشدایشینا اوستون اولوب ئوزینی اوی مک اوچون و نه قورخوسونون قاباغین آلماقدان اوتری یاراتمیویدور.

اودورکی هر زادی یاراداندان سونرا یوخ ائدهر. اما یثرین داریشلیغی و اونلاری اداره ائتمک چتین لیگیندن قورتالماق و اونلارین زحمت و آغیرلیغی و عمرلرینین ئوزانماغی اونى جانا گتیرمزکی زورادوشوب، تنزلیکله اونلاری یوخ ائتسین... او پاک بیر تانری؛ هر زادین یولوندا اولماغینی محبت باخیشی ایله ترتیب وثریدیر و امری ایله اونلاری ساخلیویدور. قدرتی ایله محکم لشدیریپ یا فنا ائدهندن سونرا احتیاجی اولمامیشدان ینه دیریلدهر. هئچ کیمسه دن یاردیم ایسته مز تا اونا آرخالانسین لار یا قورخوسینی آرادان گوتورمک دن اوتری اونلارایله انس توتسونلار. یا تجربه سی آرتیرسین یا یوخسول لو قورخی سیندن وارلی لار طرفینه گئتمک و زاواللی لیکدان حوءرمت باجاریق یولی تاپماق دا اوندا یوخدور.

خطبه ۲۲۹

گله جک گونلر

آیلین، آتا آنام او جماعته قربان اولسون کی آدلاری گویلرده آدلیم ویثرلرده تانینمین دیر. بیلین، گؤز یولانیکی، بوندان سونرا ایشلریز قلیقدان چیخیب و علاقه لریز، کسینه جکدیر و کیچیک لر بؤیوک لره حکومت ائده جکدیر. بئله بیر زاماندا، بیر مؤمنین شمشیر آلتیندا ئولومی، بیر درهم حالال پول اله گتیرمه دن راحت اولار. بو ایش لر او زامان اولارکی اجرت آلان اجرت وثره ندن چوخ دور. بیر زامان اولارکی چاخیر ایچمه میش نعمت لرین بؤل اولدوغوندا کئفلی اولارسیز. چاره سیز اولمییه راق، آندایچیرسیز. زحمته دوشمه میشدن یالان سویلورسوز.

بیر زامان اولار بلا سیزلری چولقوب و پالان دوه‌نین بئلین سورتن کیمی سانجار. بو زحمت، چوخ ئوزونا چه کر و قورتولوش اومودی، ئوزاقدان قالار. ای جماعت: بو آغیر یوکللی نوقتانی کی آغیرلیق سالیق، الیزدن یثره قویون و باشچیزدان کنار دوشمون چون کی، ئوز ئوزیزی دانلییه جک سیز. بیله بیله یاندردیغیز اودون ایچینه گیرمیون. قیراغا چکیلین تا فیرتینا اورتادان قالدیریلسین. آند اولسون جانیم! بو فیرتینالارین اودوندا، مؤمن اولان یانار اما مؤمن اولمیان ساغ قالار. من اورتادا بیر ایشیقا بنزهرم کی هر کیم قارائلیقدا اونون کنارینا گلسه، آیدین لیغا چیخار. ای جماعت! ائشیدین و یادیزدا ساخلیون عاغیل قولاغیزی آچین، دندیکلریمی دوشونون

خطبه ۲۳۰

تقوا - دونیانین ایشلری

ای جماعت! من سیزلری، تقوا و تانریدان قورخماغسا، وئردیگی نعمت لریندن شوکر ائتمگه و سیزلره تدارک گوردوگی نعمت و احسانلار حاققیندا، ینه چوخ تشکره چاغیریرام.

گناهلاریزی ئوزه چکدیز اما او، ئورتدی. بیر ایشلردن چیخدیز کی اینجیمک حاققیزبدی اما، او سیزلره وول وئردی. وصیت اندیره کی ئولمگی یادا سالیب، اوندان غفلت ائتمیه سیز. او، سیزلردن غافل اولمین یثرده، سیزلر نئجه اوندان غافل سیز؟ او شئی ده تاماه اندیر سیز کی وول وئرمیه جکدیر. بو او بود سسیزه بسدیرکی، گوردوز ئولولریزی، چین لر اوسته قویلافا ساری آپاردیز. بیر حالداکی چیینه مینمک یا قویلافا دوشمک اختیارلاریندا دگیل. دئمک اولورکی بو دونیانین اهلی دگیلدیلر و بوردا یاشامیشدی لار یا یئرلری او دونیا ایمیش. اولار بو دونیادان ال چکیب ابدی دونیانی ئوزلرینه گوتوردولر. قورخدوغسی مزارلاردا یاتیب، بولاشدیغی دونیادان ال لرینی ئوزدولر. ان سونوندا او دونیالارینی خاراب ائتدیلر. ایندی پیس ایشلریندن قائیده بیلملر. نئجه کی یاخشی ایشلری گوره بیلملر.

دونیایه انس توتدولار اما دنیا اونلاری توغلادی. اونا آرخابین اولدولار اما دنیا اونلاری یثره ییخدی... تانری سیزی باغیشلا سین، او ائولره کی اونلارین ابادلیغینا مأمور اولموسوز، سیزلری چاغیریر، تله سیک قاجین. تانری اطاعتینه، صبر و گناه لاردان کنار اولماغیله، اونون نعمت لرینی ئوز حاققیزدا کامل ائدین چون کی گله جک گون، بوگونه یاخیندیر. سات لار گونلردن تئز قورتالیرلار. گونلرده آیلاردان یثگین گنجیرلر. آیلار ایللر ایچینده و ایللر عمرلر ایچینده تله سیک قورتالیرلار.

خطبه ۲۳۱

ایمان ندر

بیر جور ایمان واردیرکی، کونول لرده قالیجی دیر. بیر جوره سی واردیرکی اوره ک و سینهلر ایچینده ائیره تی اولور و بو احتمالی وارکی ارادان گتسین. اگر سیزلردن بیرینه ایستک سیزلیک ئوز وئرسه، اونون حؤکمی حاققیندادؤزون تا ئولومی چاتسین. ئولومدن سونرا دیرکی او کیمسه دن چکینین.

اما کوچماق، اولدن واجبدیر. اللهین نیازی یوحدورکی یئرئوزونده اولانلار، ایمانلارین گیزله دیب یا ئوزه چکسینلر. بیر کیمسه یه کؤچن دئمزلر مگر کی یئرئوزونده، اللهین حجتینی، تانیسین. اگر تانیه و اونا اقرار ائده، کوچگن ساییلار.

هر کیمه حجت یتیشه، قولاغی ائشیده، اوره گینده یئرسالا، مستضعف کلمه سی اونا صدق ائتمز.

بیزلره، مأمور اولان وظیفه نی تانیماق چوخ چتیندیر. یالنیز مؤمن بنده کی تانری اونون اوره گینی ایمانیله سیناقا چکیبدیر، اونی تانییر. بیزیم سؤزلریمیزی و حدیثلریمیزی امانت ساخلیان سینهلر و سلامت عاغیلی اولانلاردان سوای، بیر آیرسی ساخلیا بیلمز.

ای جماعت! منی الدن وئرمه میشدن قاباق هر نه سوروشورسوز، سوروشون چون کی من گؤیلرین یوللارینی یئر یوللاری کیمی تانییرام. فیرتینالار یئرئوزین توتوب و عاغیللاری باشندان چیخارتما میشدن قاباق، سوروشون.

خطبه ۲۳۲

تقوا - دونیانین وفاسی - صبر

اللهی باغیشلادیغی نعمت لره گوره ستایش اندیره م اوندان ایستیره م کی حاققینی ادا ائتمک اوچون منه یاردیم اولسون. او تانری کی عسگری گوجللی، قدرتی بؤیوک و آرتیق دیر.

شهادت و ثریره م کی محمد (ﷺ) اونون بنده سی و پیغمبری دیر. او بیزلری اللهین اطاعت و فرمانیندا اولماغا چاغیردی. جهاد ائتمگیله، دین دشمانلارینا غالب اولدی... دشمانلاری، او حضرتسی یالانچی بیلدیرمکدن اؤتری و اونون ایشیقینی سوندورمکدن خاطره، چالیشیردیلا. اما بو ایشلر اونون جهاد ائتمگینه مانع اولمادی.

اودورکی تقوا ائدیب، الله دان قورخون. چون تقوا نهایتده داواملی، قالیجی و ال توتساغی دیر. ئوزیزی، ئولومه و اونون چتین لیگینه گلمه میشدن، حاضرلایین حاضر اولون چون، ئولوم ایشلرین سونی دیر کی قیامت اوناسون و ثره جکدیر.

بو، عاغیلی اولانلارا بیر اویود، عاغیلی اولمییانلارادا بسیر عیبرتدیر. یاشایش باشا چاتمامیشسان قویلاق داریشلیغی، غصه لرین آرتیمی، قیامت قورخوسی، قورخولارین دال بادال گلمه سی، قابیرغالارین اوغولوب داغیلما سی، قولاقلارین ائشیتمه مه سی، قویلاقین قارانیغی، تانری عذابینین قورخوسی کی خبر و ثریبدیر، قویلاقین اوستونی توپراقلا باسدیرماق و بئکه داش اوستونه قویماغی، بیربه بیر یادیزا سالیب حاضرلاشین.

ای اللهین بنده لری، قورخون، قورخون، دنیا، سیزی نوزی بیلن یولدان آپاراجکدیر. سیزلرده بیر ایپ ایله قیامته باغلانیب سیز. بئله فیکر اندین کی قیامت یاخین لاشیب و بایداقلارینی سیزلره بیلیندیریر. سیزلری ده یولوندا ساخلیوبدور. تیره مه لری باشلانیب دؤشونی یثره دایبیدیر. دنیا، ایسته مین لریندن ال گوتوروب دوشونمیه راق، اونلاری باغرینا باسمیر. دنیا یاشایشی بیر گئدن گون یا باشاچاتان بیر آیا بنزه ر. گناهی اولانلارا دونیانین تازالاری اسکی لئر و کوکلری آریقلار. دار یئرده، چتین و قاریشیق ایشلر، اینجیده ن کؤز اودلارین الولاری کی گویسه قئوزانیب سس سالیر، یاندیریب قاباراندیر،

قورتالماغی یوخدور، اودونی آلوی، قورخوتماسی قورخولی، دیبی نهایت سیز، قارانلیق یئرلی، قاینار قازقان لاری چوخ سیجاق و عذابلاری رسوای انده ندر.

«اما تانریدان قورخانلار دسته دسته بهشته گندرلر» (زمر - آیه ۷۰)

بیر حالداکی عذابدان راحتلاشیب، دانلانماقدان قورتالیب و اودلاردان ئوزاقلانیب دیر. بهشت اونلارین گیریشیندن، قراره گلیب و اونلاردا یئرلرینده قرار تاپماقدان سئوینرلر. بونلار بیر کیمسه لر دیلرکی دونیادا ایشلری پاک گؤزلری آغلار و گئجه لری گوندوز. گوندوزلری قورخماق اثرینده گئجه کیمیدیر. اودورکی تانری، بهشتی اونلارین ابدی راحتلیق یئری قرار وئردی. نیه کی اونلار بهشت اهلی و اونا یاراشارلار. هر زامان بو ابدی ملکده فناسیز و نعمت لر ایچینده قالاچکلر.

ای تانری بنده لری، او شی دن مغایات اولون کی سون چاغی بهشت نصیب اولار و اگر فسادا چکیله، زیانی واردیر. یاخشی ایشلریله ئوزوزی گئتمه گه حاضر ائدین. چون کی قاباقدان یوللادیغیز ایشلرین، رهننده سیز و ایشلریزه گوره اجر آلاچاق سیز... فیکرائدین، ئولوم سیزلری یاخالیب دیر. داهادؤنمک یوخدورکی، ینده جبران ائدیپ گناهلاردان نجات تاپاسیز. تانری بیزلره و سیزلره ئوز یولونی و پیغمبر بویوردوغی یوللاری گئتماقدا، یاردیم اولسون و رحمتینی بیزلره نصیب ائتسین. یئریزه اوتورون، بلالاردا دؤزون. الیزی و گوجوزی دلیزدن قورتولان نفسانی هوسلر یولوندا ایشلتمیون. تانری تکلیف ائتمین ایشلرداليجا قاچمیون. نیه کی؟ هر کیم الله، پیغمبر و اونون سؤاله سی حاققین تانیسه، و ائوینده ئوله، شهید کیمی ئولوبدور و اونون اجرتی تانری یانیندا دیر و فیکرینده اولان یاخشی ایشین اجرینی آلاچکدیر. بئله فیکر، اونا جهاد ساواپی وئره. چون هر زادین عمری و زامانی واردیر.

خطبه ۲۳۳

تقوا ائدین، او یود آیین

شوکر او تانریه کی اونا شوکر ائتمک سبب لری یارانمیش لار اورتاسیندا یاییلیب دیر.

اونون دوء بوشچیلری، اوستون گلن و اوجامقاملی دیلار. اونون دال بادل نعمت لرینه گوره شکر اندیره م. شکر اندیره م او اللهه کی صبری آرتیق و باغیشلیاندير. وئردیگی حؤ کملرده عدالت و انصافی الدن قویماز. ایندییه و گنچه جگه بیلجی دیر. بیلگی سیله، یارانمیش لاری وجوده گتیردی. امری ایله وجوده گتیرماقد، بیر کیمسه نی ایزله مدی. بیر کیمسه دن علم اویره نیب یا نمونه گوتورمه دی، کیریخمادی، یارادان زامان، ییغیتی یه نیازی اولمادی.

شهادت وئیره م کی حضرت محمد (ﷺ) اونون بنده و پیغمبری دیر. او زامان کی اینسانلار دین یولونی آزمیش دیلار و حیرت و اضطرابدا ایدیلر، فساد و قاراگونلر بولوک زنجیرلری اونلاری هر یانا چکیردی و آزقینلیق قفلی کونول لرینه وورولموشدی، او شرفلی پیغمبری یوللادی. ای اللهین بنده لری، سیزی تقوا و تانری دان قورخماغا چاغیریرام. چون تقوا تانری حاقیدیر، سیزلری تانری یانیندا حاقلی ائدر. سیزدن ایستیره م کی تقوا اوچون تانریدان یاردیم آلاسیز و تقوادن تانرییه یاخین اولماغا، یولداشلیق آلاسیز. چون کی تقوا بوگون پناه یثری و گله جک گونده بهشت یولدودور. اونون یولی آیدین، اوندا گئدن فایدالانان و اوندان مغایات اولان دیر. تقوا، هر زامان ئوزونی اوتن زامانین آداملارینا و ایندی کیلره نشان وئره چون کی قیامت گونی اونا احتیاج واردیر نه کی؟ تانری گنده نلری قایتارار و باغیشلا دیغین آلا، وئردیگیندن، سوروشار. بئله بیر آداملار کی تقوانی ساخلیوبلار و اونی دوزگون حالدا یولونا سالیملار و سایدان آز دیلار، اللهین مدحینه لیاقت لری وار.

اما «بنده لردن آزی منه شاکیردیلر» (سبا، آیه ۱۳)

ایندی تقوانین وصفین انشیتیمگه چالیشین و بو چالیشماقدان مغایات اولون. تقوانی، الدن وئره نلر یثینه و اوبوشماز ایشلر یثینه قبول ائدین. تقوا سببی ایله آیلین. گونلریزی اونولا باشا آپارین و کونلوزی اونولا بیرلشدیرین و گناهلاریزی اونولا یویون، خسته لیکلری اونولا علاج ائدین، اونولا ئولومین قاباغینا چیخین. تقوانی الدن وئره نلردن عبرت آلین. تقواسیزلردن اولمیون کی عبرته قالاسیز.

آیلین، تقوادن مغایات اولون، ئوزیزی اونولا ساخلاشدیرین. دونیادان کنسارگزین،

آخر ته مایل اولون. تقوالی لری اسگیک بیلمه یین. دونیائی توتسانلاری بؤیوک تانیمیون و دنیا پارلیانلارینا گۆز تیکمیون. دئسه ائشیتیمیون، چاغیر ساگتیمیون، اوندان ایشیق آختاریمیون. اونون جیفه لری سیزی آلداتماسین نیه کی؟ پارلاماسی توغلیان و سؤزلری یالاندیر. دونیانین مالی تالان، یاخشیلاری تالان اولوبدور.

آییلین دنیا بیر زنااندن قادینا بنزهرکی ئوزینی نشان وئرهندن سونرا، ئوزچئویره. دنیا بیر هولکه یین آتا بنزهرکی، یول گئدرکن دوروب داها فرمان آپارماز. او یالانچی خیانتچی، ساواشان، شوکر ائتمیین، ظالم، کنارگزن، یولدان چیخاردان، دال چئویره بیر حالدا قالمیان، بیر یئرده دورمیان، عزیزلیگی ذلت گتیره چالیشماقلاری شوخلوق، اوجالاندیرماسی آچاقلاندیرماغا سببیدیر. دنیا چاپقین لیق، فساد و ئولوم یئریدیر. اونون اهلی هر زامان قرارسیز، قاجان و بابالارینا قووشاندیلار. اونلار آیری دوشه جکلر. یولسلاری حیران ائدر قاقاق یولی تاپیلماز. منزل لرین ان سونی اونلارا اومودبولی اولا بیلمز. حتی ائولریندن ائشیگه سالینارلار. نیه کی دنیا سئونلری تسلیم ائدیپ ساخلاماز. چئویک اولماقلار اونلاری یورار. اونلاردان بیر آزی یارالی نجات تاپار. بیر آزی آیریلیمیش ات کیمی، بیر پاراسی باشسینر بدنلر کیمی، بعضی لری قانی توکولموشلر کیمی، بعضی لری ده غصه دن اللرینی دیشلین، بعضی لری ال بیر بیرینه ووران، بیر آیری لاری زاواللی لیققدان اللری ایله باشلارینی قوجاقلیب فیکرله شن و ئوزئوزلرینی دانلییان، بیر آزی دوشونوب قانیدارلار. اما بو ایشلر داها فایدا وئرمز. اولان اولدی گئچن گئچدی.

غفلتدن گلن بلا، ئوزینی نشان وئره، داها بیر یانا قاقماغایول یوخدور.

«اونلاردان قاقاق چوخلارینی یوخ ائتدیک. یاردیم ایسته دیلرکی قاجسینلار اما قاقاق

یولی یوخدور»

بیرده بویورور: «گوی و یئر اهلی، دنیا سئونلر حالینا آغلامادیلار. اها اونلارا وول

وئريلمه دی»

خطبه ۲۳۴

شیطانی، ایش لری اوچون دانلیر

بو خطبه نین آدی قاصعه دیر. بو خطبه ده کی قارقیشاتوتولموش شیطان بؤیوکلوک ساتدی و آدمه سجده ائتمه دی، دانلانیب دیر. او اول کیمسه دیر کی دایانیب حاققاباش ائیمه دی. بو دلیل، شیطان یولون گئدنلری، قورخودور.

شوکر او الله اولسون کی حوء رمت و بؤیوکلوک پالتارین گیدی و بو ایکی نجه لیک یالنیز ئوزونه اختصاص وئریب یارانمیش لارینا حارام ائتدی. عزت و جلالی ئوز بؤیوک مقامی اوچون لایق بیلدی. هر کیم بو ایکی نجه لیکده، اونولا بیرلیک ایسته سه اونا لعنت ائده ر.

تانری بو ایکی نجه لیک ایله، فرشته لرینی سیناقا چکدی. نیه کی؟ تکبر ائده نلری، آلچاق کونوللوک ائده نلردن، آیرسین. دوز دورکی، گیزلین فیکرلره احاطه سی وار، ینه اونلارا بئله بویوردی:

«من آدمی بالحق دان یاراداجام. اونی یارادیب، روح وئره ندن سونرا، ئوزی قویلی اولوب اونا سجده ائتمه لی سیز. هامی ملک لر سجده ائتدیلر اما ابلیس سجده ائتمه دی» (سوره ۳۸ آیه ۳ - ۷۱)

چون کبر اونی چولقامجیشدی و اوددان یارانماغی خاطرینه، آدمه فخر ائتدی، ئوز اصلینی آدمدن آرتیق بیلیم، تانری بویوردوغون، دوشونمه دی.

اودورکی اللهم دشمنی و تعصب ائده نلرین بؤیوگی و بوینی یوغونلوق ائده نلرین باشچیسى اولوب تعصب گوسترمگین بناسینی قویدی. تانری ایله کی اوجا و بؤیوک مقامی وار، ساواشجیل اولوب دیره ندی. او بؤیوک مقاملی لارین پالتارین گنیب، آلچاقلیق پالتارین سویوندی. مگر گورموسوزکی تانری اونی کبر ائتمک خاطرینه نه قه ده ر کیچیک لن دیردی؟ و نه اندازا یتره سورتدی؟ بونا گوره بو دنیا دا قووالانیب، سورگون اولونموشلاردان و او دنیا دا جهنم اودوندا یانانلاردان اولدی. اگر تانری ایسته سه ایدی آدمی بیر پارلاق ایشیق دان یاراتسین کی گؤزلری قاماشدیریب عقل لری حیران ائدن، بیرخوش قوخولی

شئی دن کی قوخوسی هر یانا یاییلار، یاراداییلردی. اگر بئله اولسایدی کی هامی اونا آلچاقلیق ائتمزدی و ملائکه لره، بو امتحان راحت اولاردی. اما الله، بنده لرینی، علتی بیلنمین شئی لر ایله امتحان ائدهر تا مقام وئریب، کبر ائتمکلی اونا لردان گوتورسون. اودورکی اللهین ایشلریندن عبیرت آلین. چون اونون چوخلو عبادت لرینی کبر ائتماق، آرادان آپاردی. بو بیر حالدا ایدی کی شیطان، آلتی مین ایل، تانریه عبادت ائتمیشدی، آنجاق بیلنمیر دنیا یا آخرت ایل لریندن ایدیر. اما بیر سآت کبر ائتمک اونسی فنا ائتدی. ایندی نئجه اولا بیلر شیطان دان سونرا بیرسی اونون کیمی گناه ائده اما عذاب اولونمیه؟ یوخ بئله دگیل. اولا بیلمزکی تانری بیرینی بهشته آپارا بیر حالدا کی شیطان کیمی فرشته نین دالیجا گئدیدی. اونون حؤکم لری یئر اهلینه و گؤی اهلینه بیر شکیده دیر. آدم ایله آیری یارانمیش لارین، تانری برابرینده فرقلری یوخدور تا ئوزینه مخصوص اولانلاری بیرینه حلال و بیرینه حرام ایتسین.

ای اللهین بنده لری، بو تانری دشمانیندن کنار گزین کی، سیزی ده مبتلا ائدی ب ئوزینه ساری چکماغیله عسگرینی باشیزا بیغار. آند اولسون جانیمه، شیطان، شرّ اوخونی کمانه قویوب، هر نه گوجی وار سیزه ساری یاخیندان هدف توتوبدور. شیطان دئدی:

«ای تانری منی یولومدان آزدیردین، اما منده، دنیا گناه لارینی اونا لارا گؤزل لندیره جکم، تا اونا لردا توغلانیب یولدان چیخیسینلار» (سوره ۱۵ آیه ۳۹)

اما، قارانیقدا، بیلنمین ئوزاقلارا، اوخ آتدی، اونون خیالی، دوزگون چیخمادی. یالنیز کبری اولان تعصب صاحب لری و آت اوینا دانلار، اونا ساری گئتدی لر. عاصی لر اونا تابع اولدولار. اونون تاماهی سیزلرین حاققیندا یئرینه دوشدی. گیزلین لر آیدین اولوب سیزه اوستون گلدی. او قوشونونی یاخینلا دیب سیزلری آلچاقلیق مغاره لرینه سوخدی. ئولوم یاللاغانیا ایتلیب، یارالی، ازگین آساقلادی. اونا لار گؤزلره نیزه سوخوب بوغازلاری بیچیرلر. بورونلاری یثره سورتوب آرتیق خشم له ئولدورن یئرلره سالماقدان اؤتری، بیر حالدا کی اؤدلاری حاضر ائدی بلر قوغالارلار. بو دلیل، ابلیس دینه بؤیوک دشمان و دنیا یه زیان وئره ندیر. ابلیس دشمانلارین لاب قورخولوسی دیر. سیزده خشم اودیل اونی

ئوزاقلانديرماغا چاليشين. آند اولسون تانرييه كى اصل كؤكوزه بؤيوكلوك ساتيب، اونى پيسلهدى و آلچاق بيلدى. آتلى لارين ييغيب يولوزى كسر. هر هاردا توتسا، تورا سالار و بارماقلاريزى چاپار...

هنچ فيريلداق ايله اليندن قورتالاييلمه سيز. بئله بير زاماندا آلچاقلىق دايره سينده بلايه دوچار اولارسيز. ايندى اوره گيزده اولان جاهليت زامانى نين اؤد و كينه لرینی سوندورون چون بوتكبر و خراب ائتمكلر شيطان فيكرى دير. آلچاق كونول اولون و كبرى آياق آلتينا سالين. كبرى كنارا قويون و آلچاق كونول اولماغى، سلاح كيمى شيطانين و اونون يارديم لارى قاباغيندا ايشله دين. نيه كى؟ اونون پياده، آتلى، هر بيچيم يارديمى وار. سيز او آدام كيمى اولميين كى بير آنادان اولدوغى حالدا، كبر ائتدى و آرتيق ليغى اولميين يئرده غصب، و كبر اونا ئوزوئرهنن سونرا، شيطاندا اونى توغلادى... اما سوندان پشيمان اولدى و قيامته دك، اينسان ئولدوره نلرين گناهى اونون بوينونا دوشدى. آييلين سيزلر ظلم ائتمكده چوخ چاليشدين، يئرئوزونده تانرى دشمانى اولدوز، فساد ياراديب مؤمن لر ايله ساواشديز. اماندير، اماندير، سيزى تانرييه آند وئريره كى جاهليت زامانى كيمى جسارت اندهن و ئوزىنى سئوهن و كبرلى اولماقدان، ايراق گزين كى شيطانين ايشى، دشمانچيلىق ياراتماق دير... او، اؤتن زامانين آدام لارینی، توغلوبدور و اونلاردا، بيلمه مزليك و آرقينلىق جله لرینه دوشدولر اونون قاباغيندا راحتچيلىقلا هر يانا سوروندولر. او طرفه سوروندولر كى اوره كلر اوردا، بيرلشميش ديلر و اوتن يوزايل لر اونون آرديندا گنتميشديلر. كبرائتمك و ئوزونه گوءوه نمه ك اوره كلرى، دارىخديردى.

آييلين، قورخون، قورخون، او بؤيوك باشلاردان قورخون كى مقام و جلال لارينا گوره كبر ائديب، ئوزلرینی شأن لریندن آرتيق بيلرلر. و دوزگون اولميين ايشلری تانرييه تاپشيرار لار. تانرى وئرن احسانلارى دانيب قضا و قهدهر ايله ساواش اوچون حاضر لاشيرلار. بو آداملار كؤكى اولميين تعصب لر و جاهل ليك فيرتينالارينين قلينچ لارى ديلار.

الله دان قورخون اونون نعمت لرى ايله ئوز ئوزيزه دشمان اولميين واونون ياخشىلىق لارينا گوره اونا پاخيل لانميين. پيس آداملارى ياخشى بيليب اونلارين آردينجا

گنتمین نیه کی؟ اونلار سیزین پاک اوره گیزدن نوز فاسد ایشلرینی قاباغا آپارماق اوچون فایدا لانیرلار. نوز چوروک خسته لیکلرینی سیزلرین ساغلام اولماغیزا قاریشدیریرلار. ایچ لرینده اولان قولای فیکرلرینی پاک اوره گیزه یؤل وئرمین. اونلار کوکدن تانری یولونسان چیخان، گناهیلہ یولداس و (پیغمبره) دشماندیلار. شیطان اونلاری یوک آپاران آزقین دوه کیمی ایشه توتویدور تا اونلارین گوجیلہ، آداملارا اوستون اولسون. اونلاری نوز یئرینده سؤز سؤبیلین تیککیدیر سا عقل لریزی باشیزدان چیخارتسین. گؤزلریزه گریب قولاغیزا اوخوسون. نیت لرینی اجرا اتمک اوچون سیزی سئچیدیر. ایندی ده گنچمیش زامانلارین طاغوت لارینا یتیشن عذابلاردان عیبرت آلسن، نوزلری توپراغا بلشمیش طاغوت لار و اونلارین یاتاقلاردا بؤیری اوسته قالماقلاریندان گؤستهریش دوشونون. نئجه کی زمانه نین چتین لیک لریندن اونا پناه آپاریرسیز، شئشه سی اولانلاردان داتانریه پناه آپارین. اگرا لله، شئشه لیگه بوراخیش وئرسه ایدی، قاباقجا پیغمبرلرینه وئره ردی. اما اونلاری بو ایشدن مانع اولوب اونلاردان آلچاق کونول اولماق ایسته دی. اونلاردا نوز توپراغا قویوب قول قانادلارینی مؤمن لر اوچون آچدیلار. پیغمبرلر و اللهی ایستین لر «عاوام گؤزونده» گوجسوز سانیلاردیلار. اونلار گوجسوز لوکده سیناقا چکیلیب خالص اولدولار. دئمک اولورکی، اولوب اولماق، ائولاد، آزا چوخلوق، آللهین رضاسی یا آجیقی بئله اؤرنه ک دیرکی، تانری اونلاری یوخلور. بیر حالدا کی نیازی یوخدور. او بیزلریک کی سیناماق سببین بیلمیریک. (مؤمن سوره سینده آیه ۵۶ - ۵۵)

تانری بویورور: «بئله فیکر اندیرلرکی مال و ائولاد وئرمگیله، اونلارا یاخشیلیق ائتمگی یئگین له دیریکی؟ یوخ بئله دگیل. اونلار دوشونمورلر» تانری کبر و غروری اولان بنده لرینی، اونلارین گؤزونده گوجسوز گورونن بنده لر ایله یوخلور.

موسی ابن عمران قارداشیلہ بیرلیکده فرعونون یانینا گلدیلر. اونلارین گیمه لری، یوندن توخونان پارچادان و ال لرینده اودوندان دگنک واریدی. اونولا بئله دیل لشدیلرکی او مؤسلمان اولسون و حکومت، عزت، حوء رمتی یئرینده قالسین. فرعون دئدی: باخین! بو ایکی نفردن شاشغین اولمورسوز کی چولومبور گیمه لر ایله گلیب منله حکومتیمین قالیب

قالما ماسینا شرط اندیرلر!! ندندیرکی بیلک لرینده قیزیل بیله زیک لری یوخدور؟ بو سؤزلرایله، قیزیل و اونو ایشله دنلری بؤیوک بیلیب یون گیمه سی و اونو ایشله دنلری آلچاق ساندی. اما اگر تانری ایسته سه ایدی پیغمبر لرینن ئوزونه قیزیل معدن لری، صفالی باغلار قاپوسین آچسین، آچاردی. اما بئله ائتمه دی. اگر ایسته سه ایدی گو یلرین و یئرین قوشلارینی، اونا یاردیم وئرسین، وئره دی... اما اونداسینماق سؤزو، آرادان گئدردی و اجر و ثرمک اثر سیز اولاردی. هابئله گلن خبرلر و وئرلن وعده لر فایداسیز اولاردیلار و بئله چاغریملاری قبول ائده نین اجری واجب اولمازدی. مؤمن لر و یاخشی ایش گوره نلرین ساوا با چاتماق لیاقتلری اولمازدی. دئیلن کلمه لر آنلاملاریله بیرلشمزدیلر.

اما الله، پیغمبر لری، اراده و گیریشمه لرینده باچاران و قدرتلی اما گورونوش اعتباریله گوج سوزا ئتدی. اونلارین قناعتدن، ایسته مک لری، اوره ک و گؤزلری دولی اولدوقدا «یوخسول یا شایب و ائشیدیب گوره نلری کدرلندیریردی.

اگر پیغمبر لرده، قدرت اولسایدی، دها قارشی لارینا چیخان اولمازدی. ئوزلریده هامویا غالب اولاردیلار و هئچ زامان ظلم چکمزدیلر. او یله بیر شاهلیق ائده ردیلرکی هامو اونلارا باش اوسته دیردی. و دوه چی لر، ئوزاق یوللاردان اونلارا ساری سیراچه کردیلر. اما اعتبارلاری، گوج سوزلر یانیندا، آز، لاکن وارلی لار یانیندا شوکت لری اولاردی. هامی قورخودان یا دنیا مالی اوچون اونا مؤمن اولاردیلار. آنجاق نیت لری خالص اولمازدی. یاخشی ایشلر الله دان سوای لارا بؤلونردی. ایندی تانری بئله ایستیرکی پیغمبر لردن اطاعت و اونلارا اقرار ائتمک لر و اونا آلچاق کونول اولماقلار و اونون بویوردوقلارینا اطاعت ائتمه لر و قوللوقچی اولماقلار اونا مخصوص اولوب آیری زادلارا قاریشماسین. چون هر قه ده ر سینماق بؤیوک اولسا، ساوا بی چوخ اولار.

مگر گورموسوز، الله، حضرت آدم زامانندان تا دنیانین سون نفرینه دک هامونی دیل سیز، فایداسیز یا ضررسیز داشلاریله کی گوروب یا ائشیدمزلر، سینماقا چکی ر؟ یعنی او داشلاریله، ئوزینه بیر حوء رمتلی ائو قرار وئریر و اینسانلار اوچون ییغیناچاق یئری بللی ائده ندن سونرا، داش چاقیرلی، آرتوپراقلی، داریشلیق دره لرین ایچینده و دوزگون اولمیین

یثرده، داغلارین اورتاسیندا، شووه قومساللار ایچینده سوسوز بولاقسیز، بیریرلریندن ئوزاق کندلر کی اونلاردا دوه، آت، اؤکوز، قویون، راحت یاشایایلمزلر، اوتراق یئری ایجاد اندیر.

حضرت آدمه و اونون ائولادینا امر ائتدی اورا گئدسین لر. اورانی خیر سفرلی، کاروان دوشوب دینجه لن و یغیناق یئری قرار وئردی. کونول یئمشلری، سوسوز، بیتگی سیز چؤل لردن، ئوزاق ئولکه لردن، اوجاو آلچاق یئرلردن، دنیزلردکی آدالاردان، اورایه گلیب چین لرین حرکت وئره لر. او ائوین کناریندا (لاله الا الله) دیب دینگیلدنه دینگیلدنه گئدرلر. تانری رضاسی اوچون توکلرینی ئولوشکتیمیش، توزلی، گیمه لرینی ده ییشمه مگیله یا توکلرینی قیخدیرمه مگیله ظاهری گؤزه لیکلری چرکین اندیبلر. بو، بیر بؤیوک سیناقدیر. بیر گوسته ریش کی، تانری اونی بهشته چاتماق سببی قرار وئریدیر. اگر تانری ایسته سه ایدی بو حوءرمتلی ائوی، و بؤیوک بؤیوک عبادت یئرلرینی، باغلار ایچینده، سوقیراغیندا، بوموشاق توپراقلی یئرلرده، چوخلو یئمش آغاجلاری کناریندا، بیریری نین یانیندا اولان تیکیتی لر، یاخین کندلر، بوغدا اکین لرین اورتاسیندا، یاشیل اوتلوقلار ایچینده فرح وئرن یاشیل گوللوک لر، تازا گویه رمیش اکین لر، آباد یوللار کناریندا و... وجوده گتیره ردی. اما هر سینماق تئیی اولسا، هامان قهدهر جزاسی یونگول اولار.

اگر بو ایجاد اولونان ائوین (مکه) کوکی یاشیل زمر، قیرمیزی یاقوت یا نور و ایشیقدان اولسایدی، اوره کلرده شک ایجاد ائده ردی. شیطانین چالیشماغی اثر سیز اولاردی و اوره کلر تیرتمیه دوشمز دیلر. اما تانری بنده لرینی سیناماقیه یوخلار. چوخلو چالیشماقلاریله اوندان قوللوق ایسته ر. اونلاری سنومه دیگی شئی لرایله امتحان ائده ر تا کبر و غروری اوره کلریندن آتیب آلچاق کونول اولماغی اونون یئرینه قویسونلار تا آغالیق و احسان قاپولارین ئوزلرینه آچیب اونلاری باغیشلا سین.

اماندر، الله دان قورخون، دونیادا پیس ایشلردن چیخماقلارین و ظلم لرین، بوتئزلیکده جزاسیندن قورخون. ششه لیک گوسترمک و ینکه لیک لرین سونوندان چکینین چون زیان یتیرمک ظلم و یاغی اولماق شیطانین بؤیوک و ئولدوره ن حیله لریندن بیریدیر. او یله

توغلاماق و حیلہ کی آورہ کلری ئولدورہر. اونون آغیسی هر یانی بورویہر. اودورکی شیطان یورولوب عاجزلہمز و هر کسین ئولدورمک یئرینی تاپار...

ھنج کیم حتی، بیلجی لری بیلیمک خاطرینہ، یوخسول لاری چولومبور پالتارینا گورہ، اونون حیلہ لریندن اماندا دگیل لر. تانری، قوللارینی قولای ایشلردن ظلمدن شیطان یولوندان ساخلار. نامازقیلان، زکات وئرہن، واجب اوروج یولوندا چالیشانلاری مغایات اولار تا ال آیاقلاری و باشقا عضولری، ھابئله گۆزی اشاغی اولماق و آلچاقلیق گوسترمگیلہ کبردن کنار قالسین لار. نیہ کی؟ نامازدا گۆزل ئوزلرین توپراغا سورتولمگی، ال آیاقلارین یئرہ دایانماسی، بندہ لر ئوزلرینی کیچیک بیلیمکدن اؤتری دیر. اوروج آدمالارین قارنی کورہ گینہ یاپیشماق، آلچاق کونول اولماق نشانہ سی، زکات ایله یئردن عملہ گلن یئمیشلری یا آیری زادلاری، یوخسول لارا وئرمک، ھاموسی عبادتدن دیلر. بو عبادتلرین فایدالاری ششہ لیگی سیندیرماق و آیدینلیق جا، کبرلرین فنا سببلری دیلر.

من، دنیا جماعتینین ایشلرینہ دقت ائدیردیم، بیرینی گورمہ دیم کی علت سیز تعصبی اولسون. بو حادیر اولماقلار بیلیمین لرین یا ھالمالاریندان ایجاد اولور یا بیر فیکر دیرکی بیلیمین لرین عاغیل لرینہ گنچبیدیر، اما سیزلرین بیر ایشدن اؤتری تعصب لریز، عاغیلی آز اولانلارا بللی اولونمور

ابلیس آدمہ گۆوہندی و یارانماقدا اونی دانلیب بئله دئدی: من اؤددان یارانمیشام، اما سن توپراقدان یارانمیشان. آنجاق امتین کئف چکن وارلی لاری، وارین چوخلوقوندان، اطاعت سیزلیک ائتدی لر و دئدی لر: ییزیم وار دولتیمیز و ائولادیمیزین چوخ اولدوغوندا، عذابا دوشمیه جه ییک. اگر تعصب ائدیرسیز یاخشی اخلاق، یاخشی ایشلرین حاققیندا اولون. او ایشلردن کی عربلرین بؤیوک باشلاری، ئوزلرین اووہ ردیلر؛ یعنی یاخشی اخلاق، بؤیوک عاغیلار، مدح اولونموش نئجه لیکلر اوچون تعصب ائدین...

قونشولارین حاققین ساخلاماقد، ایلغار باغلامالاریندا وفا ائتمک، یاخشی آدمالاردان فرمان آپارماقد، پیس آدمالاردان ئوزچنوبرماقد، یاخشیلیق ائدیب پیس لیکدن ال گوتورمہ دن، آدام ئولدورمہ دن قورخماق، عدالتہ چالیشماق، قیزقین اولماق فیرتینادان

کنارگزمکلرده تعصب اندین.

اوتن ملت لره پیس ایشلر اثرینده یتیشن عذابلاردان قورخون. اونلارین باشینا گلن پیس یا یاخشی ایشلری دوشونون و اونلاردان اولمیون چون، اونلارین پیس یا یاخشی اولدوقلارینا فیکر انتدیز، او ایشین دالینجا گئدین کی اونلارا ساین لیق آرتیرییدیر و دشمانلاری اونلاردان ئوزاقلاندیریپ، ساغلام قالدیلار. اونلارین نعمت و راحتلیق لاری بؤل اولدی. ساین لیق لار اونلاری بیریرینه یاخینلاشدیردی، داغیتی اولماقدان کنار گزیب یوموشاق اولدولار و بیریرلرینی بو یولدا اولماغا ماراقلاندیردیلار.

اوتن امتلرین بنلین بوکن لردن و او ایشلرکی ضعیف اندر کنار اولون بیریریزه پاخیل اولمیون. کوسمیون. یاردیم لاشین. اوتن زامانین مؤمن لرینه دقت اندین! سیناماق زامانی نه حالدا ایشلر؟ هامودان چوخ چتین لیکلری یوخیدی؟ هامودان چوخ زحمت ده دگیل دیلر؟ دونیادا داریشلیغا دوشمه میشدیلر؟ فرعونلار اونلاری قول ائتمه میشدیلر؟ اونلارا، ایشکنجه وئریپ اینجیدیردیلر، آجی لیق لاری اونلارا دادیز دیریر دیلار. هر زامان بو حالدا ایدیلر، قورتولوش اوچون چاره تاپاییلمیردیلر. تا او زامان کی، تانری اونلارین چالیشماقلارین و دؤزوم لرین قبول ائدیپ بلالاردان چیخماغا، بیرقورتولوش یولی آچدی. ذلیل اولماق یتیرنه راحتلیق، قورخو یتیرنه امان، وئردی. او یله کی فرمان وئرن شاهلارا باشچی اولدولار. تانری اونلاری، آرزی لاریندان آرتیق لاشا حوءرمتلندیردی.

اونلار، او زامان بیرلشمیشدیلر، سؤزلری بیر، اوره کلری بیر، فیکرلری بیر، اللری بیر، قلینجلار بیریرلرینه یاردیم ایدیلر. باخیش لاردریندن، نیتلری بیر ایدی. گوره سن، اونلار دونیایه سلطان اولمادیلار؟

اما ان سونوندا توتولدولار. نیه کی؟ چون داغیلدیلار، قات قاریشیق اولدولار یوموشاقلیق قورتولدی، دیل لری ایله اوره کلری بیر اولمادی، بیریرینین جانینا دوشدولر داغیلیپ چیرپیشدیلار. بئله لیکده، تانری اونلارین حوءرمت و عزت پالتارینی سویوندوردی. نعمت لرین بول لوغونی اونلاردان کسدی. عیبرت اوچون، اونلاردان بیر قوری آد قالدی.

اسماعیل، اسحاق، یعقوب (علیهم السلام) اولادیندن عیبرت آلین چون بونلارین باشینا گلن لر عیبرت آلمالی و بیر بیرینه بنزه ریشی وار. اونلارین سرگذشتینده اولان آیری لیقلارا باخین. او زامانلار کی کسرالار، قیصرلر، اونلار صاحبیدیلر، اکین یئرلریندن، عراق دنیزیندن، آباد و گویه رنتی اولان یئرلردن سوپورگه اوتی گویه رهن، آغیر یئل اسن اولکه لره قوغالادیلار، کئچنمه لری چتین اولدی... اونلاری یوخسول، زاواللی دوه اوتاران ائتدیلر. یئر یوردلاری یوخیدی، هامودان ذلیل و قارابخت ملت لردن اولموشدولار. بیر بؤیوک باش یوخلاری ایدی تا اونون دوره سینه ییغیشیب، محبت و حمایه سی آلتیندا یاشاسینلار. اونلار قاتما قاریشیق، اختلافلی، دارماداغین، باشی بلالی، دوشونمین جاهل لرایدیلر کی قیزلارین دیری دیری قویلوب، بوت لره ستایش و بیرلیکدن کنار گزیردیلر. هر یولدان اولموش اولسایدی چاپقین چلیق ائدیردیلر.

ایندی تانری اونلارا بؤیوک نعمت وئردی یعنی حضرت محمدی (ﷺ) اونلارا ساری یوللادی. و اونلار مؤسلمان اولدولار. بیر یئره یغیشیب مهربانلاشدیلار. نعمت و راحتچیلیق باشلاریندان یاغدی، محبت و خوش گونلولوک چایی اونلارا ساری آخدی. ایسلام اونلاری برکتلی نعمت لرینده شریک ائتدی. نعمت لر ایچینده غرق اولوب سئویندیلر. اونلارین دیری لیکلری ایسلام سایه سینده قراره گلدی، حال لاری یاخشیلاشیب، بؤیوکلو ایله، ایشلری راحت و دونیایه حاکیم اولدولار. اونلارا حاکیم اولدورلار کی قارشی چیخان یوخودور.

اما بونی دوشونون کی ایندی اطاعت ائتمه دن ال گوتوردوز، گئچمیش جاهل لیک زمانه سینین یوللاریله، تانری حؤکملرینه قارشی چیخدیز.

تانری بو امته منت قویدی کی اورتالاریندا بیر لیک ایجاد ائتدی تا اونون کولگه سینده یاشاسینلار. بو، نعمت دیر کی اونا قیمت قویولماز. چون انس توتماغین و یوموشاق اولماغین قیمتی هر ده یهردن یوخاری و هر بؤیوکدن بؤیوکدور. بیلین کی پیغمبرین کوچوشوندن سونرا، ینه چولده یاشایان عرب لر کی می اولدوز. بیرلشمه دن سونرا، آیریلدیز. ایسلام ایله ئوزگه کیمی علاقه سیز اولوب، یالنیز آدینی قبول ائتدیز. دیندن یالنیز اونون

نشانه سینی بیلیر سیز. دئیر سیز: یاناریق اما اونم سیز لیگی قبول ائتمه ریک. بئله گورونور کی، ایستیر سیز ایسلام یولونسی ترسه چئویره سیز. اگر پرده سینی یرتیب آرادا اولان عهدی پوزاسیز، هامان عهدکی اونولا یئرده پناه و یارانمیشلار ایچینده راحاتلقدار یزیدیر، آیری یولدا گنده سیز، کافرلر سیزایله ساواشا جاقلا. جبرائیل، میکائیل، مهاجر یا انصار داهای یوخدولار کی یاردیم اولسونلار. داهای، قلینج ایله ساواشدان سوای چاره یوخوزدور تا الله، اورتا زدا حؤکم ائتسین.

اللهم عذاب و اجر و ثمره مثل لری و اوتن زامانین آداملارینین حکایه لری بیلر سیز. اودور کی اونون عذابلارینی، یوبانان بیلمین. فیکر ائتمین کی بیلیمه جکدیر، یایوموشالیق ائدیب، عذاب و ثمریه جکدیر.

تانری، ثولوب گندن آداملاری ئوز رحمتیندن قیراغاسالمیوبدور. یالیز یاخشای ایشلره امرائتمک و پیس ایشلردن چکیندیر مکلری هر کیم اونودسا ایضاحا چه کر. جاهل لری گناهلاری اوچون و عاغیلی اولانلاری جاماعاتی پیس ایشدن چکیندیرمه مک اوچون قارقیش ائده ر.

آییلین، سیز ایسلامین قول قانادین سیندیردیز، اونون ایسته دیک لری بوراخدیز، حؤکم لری آرادان آپاردیز. بونی بیلین، تانری منی یئرئوزونده ظالیم لری و عهدلرینه وفا ائتمین لری و فیرتینا یارادانلاری آرادان گوتورمک اوچون امر ائدیدیر. منده ایلغارلارینی پوزانلاریله چیرپیشدیم جیزیغیندان چیخانلاریله ساواشدیم. دین یولوندان چیخان لاریله ووروشدوم هاموسون ذلیل ائتدیم. اما، رده شیطانین بیر قورخولی اوجا سسدن کی اوره کی دؤیونتیه دوشوب و باغری چاتلامیش گوره ندن سونرا، داهای محاربه نی گره کلی گورمه دیم. اونلارین بیر آزی قالدی کی اگر تانری ایسته سه، ینه اونلارا ساری گندیب ایشلرینی قورتولاجه گم و حق حکومتین ینه یئرینه قایتاراجه گم مگر کی اونلاردا داغیلیب آرادان چیخالار.

من جوان ایکن عربلرین آرخاسینی یئر گتیردیم، ربیعه و مضر سولاله سین بوداقدان سیندیردیم. منیم حضرت پیغمبره یاخین اولماغیمی و اونون یانیندا حوءرتمیمی بیلر سیز. او

منی اوشاقلیق دان بویودوب باغرینا باساردی اونون خوش عطرینی آلاردیم. ئوزی یین یمک لردن آغزیما قویاردی، او مندن یالان ائشیمه دی ایشلریمده یاھالماق تاپمادی.

او زاماندان کی حضرت پیغمبر سوددن آچیلدی، بؤیوک فرشته لریندن بیرینی اونندان مغایات اولماق اوچون اختیار ائتدی تا گنجہ، گوندوز یاخشی یوللاردا اونی دولاندرسین. من او حضرتین دالیندا، دوه بالاسی، آناسنین دالیندا قاچان کیمی گئدیردیم.

هر زامان نئجه لیک لریندن منه گوستریب اطاعتہ امر بویوراردی... هر ایل «حراده دایاناردی. مندن سوای هئچ کیم اونولا گوروش ائتمزدی. او زامان ایسلام دینی پیغمبر و خدیجه ائویندن سوای بیر آیری ائوه گلمه میشدی. من اوچونجی ایدیم. من وحی ایشیقین گوروردوم. پیغمبرلیک قوخوسونی ئی لیردیم. تانری کلامی پیغمبرہ گلن زامان، قولاغیما بیر ناله سسی گلدی، دئدیم: ای آللهین پیغمبری بونه سسدیر؟ بویوردی: بو شیطانین سسی دیر کی اومود سیزلیکدن ناله ائدیر. من ائشیدهنی سنده ائشیدیرسن. من گورهن لری سنده گورورسن. اما آیریمی بودور کی پیغمبر دگیلسن بلکه منه وزیر و خیر ایشلر یولونداسان.

من او حضرتین یانیندا ایدیم کی، قریشین بؤیوک باشلاریندان نئجه سی اونون یانینا گلیب دئدیله: یا محمدا سن بیر بؤیوک ادعا ائدیرسن کی، بابالارین یا دودماین او ادعائی ائتمیوبلر. بیز سندن بیر ایش ایستیریک، اگر اونی باجارا بیلدین، بیزه یقین اولسور دوغرو پیغمبرسن. اما باجارا بیلمه سن، یالانچی و جادو ائده نلردن سن. پیغمبر (ﷺ) سوروشدی: او ندیر؟ دئدیله: بو آغاجی چاغیر کوکدن چیخیب یانیوه ن گل سین. پیغمبر (ﷺ) بویوردی: اللهین هر ایشه قدرتی وار اگر بو ایش تانری قدرتی ایله گورولسه مؤسلمان اولارسیز؟ ایمان گتیره رسیز؟ دئدیله: قبولدور.

بویوردی: من ایسته گیزی سیزه گوستره جگم، اما بیلیرم سیزلر حاققاساری گلن دگیل سیز. سیزین ایچیزده بیر وار کی بدر قویوسونا سالینا جاقدیر، بیریده وار کی احزاب ساواشین، ایشه سالاجاقدیر. اونندان سونرا پیغمبر بویوردی: ای آغاج اگر سن تانرییه و قیامت گونونه اینانیسان و بیلرسن کی من اللهین پیغمبری یم، اونون اذنیله کوکدن چیخیب

منیم قاباغیمدا، دایان!

آند اولسون او تانریه کی پیغمبری، حاقدان بیزه یوللادی! آغاج کوکدن چیخیب، قوش قانادلارینین اوچوش سسی کیمی، بیر سس ایله پیغمبرین قاباغینا گلدی و قانادچالان قوش کیمی اوردا دایاندی و اوجادا سرلیمیش بوداقلارین، پیغمبرین اؤستونه، و بیر پاراسیندا منیم چیینیمه آجدی. من اونون ساغ طرفینده دایانمیشدیم. اونلار بو حالی گورمکده، شئشه لیک ایله دئدیله: امر ائت آغاجین یاریسی یثرینده قالیب، یاریسی یانیوه گلین. پیغمبر (ﷺ) ینه آغاجدان بو ایشی ایستردی. آغاجین یاریسی اولدن آرتیق اوجا سس ایله پیغمبره یاخینلاشیب، آزقالدی اونا توخونسون.

ینه کبر ایله دئدیله: امر ائت بو یاریسی ینه قانیدیپ اولکی یاریسینا یاپیشسین. پیغمبرین امریله آغاج یثرینه قاییتدی. من دئدیم: لاله الاالله، ای اللهین پیغمبری! من اول اینسانام کی سنه ایمان گتیرمیشم و شهادت وئیرهم. آغاج تانری امری ایله سنی تصدیق ائتمک اوچون امرینی قبول ائتدی. اونلار هاموسی دئدیله: بو افسون ائلدن و بؤیوک یالانچی و حیران ائدنه پتیکلرده اوستادیر. آیا سنی بوندان سوای (علی) بیر آیرسی قبول ائدیر؟

اما من اونلاردانام کی، تانری یولوندا هئچ زاددان قورخوم یوخدور. اونلاردانام کی، ئوزلری و سؤزلری دوز دانشانلارین ئوزی و سؤزیدیر. اونلارین گنجهلری (عبادتدن) آباد و گوندوزلری ده یول گوستره ندیر. قرآندان آسیلی. پیغمبرین یولونی گئدنه، تانری قورقولارین دیریلدهن دیله، کبر ائتمییوب یشکلیک ساتمازلار. خیانت و ائیری لیک و فیرتینایوخلاریدیر. اوره کلری بهشت ده، جسم لری دونیادا، تانری قوللوغوندا دیلار.

خطبه ۲۳۵

عثمانین دیله گی

او زامانکی عثمان، مؤسلمانلار طرفیندن محاصره اولونموشدی، عثمان اونا یتیردی کی مدینه دن چیخسین و ینبه ده اولان باغچاسینا گئتسین تا اونا خلافت شعار ی وئریلمه سین. بو ایکینجی قات ایدی کی بئله بیر سؤز اونا دئییلدی. بوردا امام (ﷺ) ابن عباسه بئله

بویوردی: ای ابن عباس! عثمان سئویر منی سوچه کن دوه کیمی اویان بویانا یوللا سین. بیر یول دندی: مدینه دن چیخ! چیخدیم. دئدی: قایت! قایتدیم. ایندی ینه دئیر: مدینه دن چیخ! آند اولسون تانرییه من اوندان او قهدهر دفاع ائتدیم کی ایندی قورخورام داها گناھلی لاردان اولام».

خطبه ۲۳۶

پیغمبر (ﷺ) گئدن یولدان کنارا چیخمیردیم

بو کلامی پیغمبرین کؤچوشوندن و اونا قوشاندان سونرا بویورموشدی: ان سونوندا او گئدن یولدا، اونی ایزلیب آختاریردیم تا عرجده حضورینه چاتدیم. «بو ئوزین سؤزلریندن بیر کلمه دیر».

او حضرت کی بویوروب «أما ذکره» نهایت دوزگون و یاتقین بیر کلمه دیر یعنی من مکهدن چیخاندان عرجه دک او حضرتین یولوندا گئدیردیم». کنایه لی و تعجب لی بیر سؤز دور.

خطبه ۲۳۷

عبادت ائدین - نفسیزه غالب اولون

دونیادا ساغ ایکن، یاخشی ایشلردن گورون. تا عمل مکتوبی بوکولمیوب دور، توبه و قایتماق قبولدور. اما ئوز چئویره ندن حساب چکه چکلر. یعنی ایش چیراغی سونوب فرصت الدن گئتمه میشدن و ملائکه لر یازماقدان ال چکیب گویلره گئتمه میشدن قابق، توبه ائدین. کیشی اودورکی، ئوزی، ئوزیندن و دیریلیگینده ئولومینه، فنادان بقایه گنچن لردن، گله جگه عبیرت گوتوره.

او کیمسه کی تانریدان قورخار و ئولهنه دک فرصت و زامانی واردير، او کیشی دیرکی، ئوز نفسینی مهار ائدیب و اونون اختیاری الینده دیر و او مهار ایلسه ئوزینی تانری طرفینه چکیر.

خطبه ۲۳۸

ایکی نفر حکم لرین حاققیندا و شام اهلی نین دانلاماگی

شام اهلی داش اورهک، قلدر، دهیه ر سیز قول دولار. هر یاندان و هر قاریشیق دان بیر بیغیتی دیلار. او بولوم آداملاردان دیلارکی گرهک ئویره دیلسین لر. تربیت گوتورسونلر. بیس، یاخشینی گره کدیر اؤیره نه لر تا ایشلرینده پیشکین اولسونلار، گره کدیر اونلارا باشچی اولوب و اللریندن توتولسون. اونلار مهاجر و انصارلاردان دگیل لر. مدینه لی ده دگیل لر کی ایمانلاریندا دایانمیش دیلار. بونی بیلین، شام اهلی، ئوزلرینه یاخین آداملاری، ایستک لری اوچون سئچدی لر. اما سیز، ئوزوزدن اوتری، یاخین آدمیزی، ایسته مه دیک لریزدن خاطره سئچدیز...

دوئن قیسس اوغلی عبدالله ایله (ابوموسی) ئوز ئوزه اولموشدوز، او دئیردی کی: بوساواش، فیرتینا و خرابچیلیق دیر. داها اوخلاری گیزله دیب قلینج لاری قینینا قویون... اگر او دوز دئیردی، ایندی مجبور اولمامیشدان بورا گلمه سی معنا وئر میر. اما اگر یالان دانیشیر، داها تهمت وورولمالیدیر.

ایندی عمرو عاصین خیالیندا اولانلاری عباس اوغلی عبدالله، الی ایله آرادان گوتورون. بو بیر فرصتدیر کی چالیشین الیزدن گئتمه سین. تا ایسلامین ئوزاقلاردا اولان ئولکه لرینی ساخلیا بیله سیز.

آیا شهرلریزه باخمورسوزکی اونلاردا ساواش ائدیرلر؟ بؤیوک داش وقایالاریزا باخمورسوزکی اونلارا اوخ آتیرلار؟

خطبه ۲۳۹

بو خطبه ده حضرت محمد (ﷺ) انولادینین، آغالیقیندان دانیشیر: حضرت محمدین سؤلاله سی، علم و بیلیجی لیکلری دیربلده ن و جاهل لیگی آرادان قالدیراندیلار. دؤزمک و بیلیجی لیکلری، سیزی آیلدار. ایشیک لری ایچری لریندن خبر وئریر. آزدانیشماقلاری

سؤزلرینین دوزگون اولماغینداندیر. حاق اولان یئرده، یوللاشماس دگیل لر و اختلافلاری یوخدور. اونلار، ایسلامین دیرک و سیخیناقلاری دیلار. اونلارین الی ایله، حاق، یئرینه قائیدار. حاقسیرلیگی یئریندن قالدیرارلار. نیه کی؟ حاق اولان یئرده باطلین دیلی قیسسادیر. اونلار، دینی دوشونمک ایله تانیدیلار. اونى ائشیدیب دئمک یولی ایله تانیمیوبلار. چون کی دیندن روایت اندهن لر چوخ، اما اونا عمل اندهن لر آز دیلار.

والسلام علی من اتبع الهدی

مولام علی نین نور ساچان

خطبه و کلام لاری بوردا باشاچاتدی.

ایکینجی بوعلوم

نامه‌لر

بو بؤلومده مولا علی نین یازدیغی نامه‌لردن بیر پاراسی کی دشمانلارینا یا والی‌لرینه یازمیشدیر. بو یازی لار ایچینده اونون عهد و پیمان لاری والی‌لرینه، تانیش و ائولادینا گوره تاپشیرمالاری دا، بللی اولور.

نامه ۱ - دن

کوفه‌لی لره

اونون یازی لاریندان بیریدیر کی طلحه و زبیر و اونلارین قولچماقلاری علیهنه، مدینه شهریندن بصریه گئندنه کوفه‌لی لره یازمیشدیر

ائله کی ماء‌العذیب کنارینا چاندی، بو نامه‌نی کوفه اهلینه یازیب و اونلاری عثمانین ئولوم سببیدن دوشوندوردی. اوغلی حسن (رضی الله عنه) و عمار جنابلاری وسیله سیله اونلارا گوندردی. تانری بنده سی علی امیر المؤمنین دن کوفه‌لی لره کی بؤیوک یاردیمچی و عرب باشچی لاریدیلار.

تانریه حمد و پیغمبره سلام ائندن سونرا... من سیزلری عثمانین ئولوم سببیدن دوشوندورورهم. ائله کی انشیتمگیز گورمگیز کیمی اولسون.

جاماعات عثمانی پیس ایشلری سببیدن یامانلادیلار. من کی هجرت ائدن لردن ایدیم سئویردیم کی جماعت اوندان خوش کونول لی اولسونلار. بو علت اونی دانلامازدیم بلکه او یود وئره‌دیم. اما طلحه و زبیرین راحت ایشلری بو ایدی کی اونون حاققیندا قیزقین اولوب اونی دانلاردیلار. بیردن بیره سی عایشه فیکر ائتمه میشدن اونا قیشقیردی آی جماعت بوقوجا عاغل سیزی ئولدورون... بیر پارالاری دا اونی ئولدورماغا حاضر لاشیب ئولدوردولر. جماعتدن چوخی ئوز ایستک لریندن و میل و اراده ایله منه بیعت ائتدیلر. داهیلین مدینه اهلی اوندان بوشالیب و ئوزاقلانیلار. اوردا قانلار قازقان کیمی قایناغا

گلیب فیرتینالارا ئوز چئویریلر. ایندی سیزلر اونی یاردیم لایین همده دشمانلاریله فارشی لاشین.

نامه ۲ - دن

کوفه لی لره

او حضرتین نامه لریندن دیر کی بصره نی آلاندان سونرا یازمیشدیر. تانری سیز کوفه لی لره پیغمبر و اونون ائولادی طرفیندن ئوز بنده لرینه سئودیکگی اجرلردن وئرسین. چون کی سؤزه باخیب اطاعت ائتدیز، چاغیراندادا گئتدیز.

نامه ۳ - دن

شریح قاضی یه یازدیغی نامه دن

شریح بن حارث کی او حضرتین طرفیندن قاضی ایمیش، بئله روایت اولوب: بیرائو سکسان دینارا آلدی. چون بو خبر اماما (علیه السلام) چاتدی اونسی چاغیریپ بئله بویوردی: ائشیتیمش سکسان دینارا بیرائو آلمیسان و اونا بونجاق یازدیریپ ئنجه نفری ده شاهد توتموسان؟ شریح دئدی: بلی سن دین کی می دیر. بئله روایت ائدیلمرکی او حضرت غضب لی حالیه شریحه باخوب بویوردی: ای شریح بونی بیل کی بو تئزلیکده بیرسی یانیوا گله جکدیرکی نه بونجاغا باخار نه ده شاهدن سوروشار. آنجاق سنی باخاباخا اوردان قالدیریپ هامودان آیراندان سونرا قویلاقا سوخا جاق دیر.

ای شریح دقتین اولسون کی بو ائوی ئوزگه مالدان آلمیه سن یا اونون پولونی حارامدان وئرمیه سن نه کی دنیا و آخیرتین زییانی بویونوا چکیرسن. بونودا دوشون اگر او زامان منیم یانیما گلسه ایدین، سنه بیر بونجاق یازاردیم کی بیر دیناردان آرتیق اونا وئرمزدین. او بونجاق بئله دیر:

بو بیر ائودیرکی بیر آلحاق و ئولوب ایتن بیر قول، ائویندن قالدیریلیمیش توغلیان دونیادا

آلیدیر. بو ائوین دوردد حد و نشانه سی وار:

- بیر طرفی گؤزه گلمیین آفت و بلالارا ختم اولار.

- ایکنیجی طرفی مصیبت لر یولونا آچیلار.

- اوچونجی حدی ائویخان تمنا و آرزی لارا قورتولار.

- دوردونجی طرفی شیطان کیمی آزدیران دیر. ائوین قاپوسیدابوردان آچیلار.

بو کیشی هوای نفسینه توغلانوب بئله بیر ائوی ئولوب ایتن و ئولومه چیخان کیشی دن آلدی. اونون قیمتی، عزت، قناعت و آلچاقلیق گتیره ن دیرکی سائیجی دان آنا یتیشر. بو دلیلله شاهلاری ئولومه چکن، قولدورلارین جانینی آلان، فرعون، کسری، قیصر، تبع لر، حمیرلر و اونلارکی وارلارین بیری بیری اوسته آرتیراردیلار، اونلارکی سارایلاری اوجالدید بزه ردیلر، ییغاردیلار، یا ائو، باغ و آیری زادلار ئوز خیال لاریندا، ائولادلاری اوچون ساخلاردیلار، هاموسین بیرلیکده حساب آلینان یثره گتیره لر. اورداسونونجی حؤکم صادر اولونار. نئجه کی قرآندا بویوروب: «تائرنین (جل جلاله) حاق فرمانی گلر و باطل لر زییانا دوشرلر». بو بونجاغین شاهی او عاغل دیرکی ئوزونی گرفتار نفس ائتمز و دنیا مالیندا گؤزی بوخدور.

نامه ۴ - دن

او حضرتین نامه لریندیر کی بیر پارا اردو باشچی لارینا یازمیشدی

...اگر اونلار اطاعت ائدیب فرمان آپاردیلار، هاماندرکی بیزده اونی ایستیریک، اما اگر یولا گلمه سهر، ئوز یاردیمچی لرله بیرلیکده قاباغا چیخ و یاردیم ائتمین لردن قورخما. چون هر کیم بیر ایشه مایل اولماسا. اولما ماغی اولماغیندان، اورتوماغی دورماغیندان یاخشیدیر.

نامه ۵ - دن

آذربایجان والی سی اشعث ابن قیسه یازیلان نامه دندیر

حکومت ائتمک سنه روزی دگیل. بو بیر امانتدیر بویونندا، کی ایستیوبلر ئوزوندن یوخاری لارداندا مغایات اولاسان. سنه وظیفه دگیل کی ئوز باشینا رعیت ایشینه قاریشاسان. هنج بیر بؤیوک ایش گورمه مگر سنه فرمان وئریلسین. اللهین مالی سنین الینده دیر و سنده اوماللارا خزانهدار سان تا منیم الیمه چاتدیراسان. اومود بودورکی من سنه پیس و شریر باشچی اولمیام. سلام اولسون سلاما لایق اولانلارا.

نامه ۶ - دان

او حضرتین معاویه یه یازان نامه لریندندیر

او آدم لارکی ابوبکر و عمر و عثمانیله بیعت ائتدیلر، منله ده بیعت ائدیپ پیمان باغلادیلار. بونا گوره حاضر اولان یترده غایبه اختیار قالماز. بوشورا مهاجر و انصارلارین حاققی دیر. او زامانکی اونلار ییغیشیب بیرینی خلیفه قرار وئردیلر نجه کی تانری رضاسی ده بوندادیر. اگر عیب آختارماق و بدعت لر اثرینده فرماندان کنار اولدی، اونی اطاعته مجبور ائده رلر. اگر قبول ائتمه سه اونولا ساواشارلار. چون کی مؤمنلر یولوندا، گئتمیر. الله اونی گئتدیگی یولدا ئوزباشینا اؤتوره ر.

آندا اولسون جانیمای معاویه، اگر عاغلیوه ن باخیب، هوای نفس دن گؤز اؤرته سن، اوندا بللی اولارکی من بو ایشده کناردا ایدیم و بیلر سن کی عثمانین قانی توکولماقدا هامودان آرتیق نفرтім واریدی. مگر بوکی بهتان ووروب اونون ئولومونی منیم بویونما سالاسان و ئوزین بیلن لریده گیزلده سن. سلام اولسون سلاما لایق اولانلارا.

نامه ۷ - دن

او حضرتین نامه لریندندير معاويه

حمد اولسون تائرييه و سلام اولسون رسول اکرمه...

سندن منه بير نصيحت اولونوبدور. اوندا جور به جور سؤزلری بیریرینه توخوب آزقینلیق اثرینده پیس فیکر و خیاللار ایله منه یوللامیسان.

بو نامه بیر کیمسه دندیرکی بصیرتی یوخدور تا گوره بیلسین. باشچی سی ده یوخدور تا اونی یولا گتیرسین. هوای نفس اونی مجبور ائدیپ اودا نفسین دالیندا گندير یا سرسام دانیشماغيله یولدان چیخب دیر.

بو بیر بیعت دیرکی اوندا ایکی جور فیکر یا آیری اختیارلار اولایلمز. هر کیم ایلغاریندان دونه، و اوندان ال گوتورسه، طعنه ووراندیر. هر کیم فیکرده قالسا منافقدير.

نامه ۸ - دن

(او حضرتین نامه لریندندير جریرابن عبدالله بجلی یه کی اونی معاویه نین یانینا گوندرمیشدی) تائرییه ستایش و پیغمبره سلامدان سونرا...

ائله کی منیم نامه سنه چاندی، معاویه نی مجبور ائت ایشی بیتیرسین و بیر طرفلیک ائتسین. اوندان سونرا اونا اختیار وئر او محاربه یه کی، اینسانلاری یوردلاریندان داغیدار یا بیر باریشیق کی ذلت گتیره. اگر ساواش اختیار ائتسه، امان نامه نی اوستونه آت. اما اگر باریشیق یولوندا اولسا، اوندان بیعت آل. سلام اولسون سلاما لایق اولانلارا.

نامه ۹ - دان

او حضرتین نامه لریندندير معاويه

او زامان بیزیم ائل، ایسته دیلر پیغمبری تولدورسونلر. بئله ایش ایله ریشه زی قازسینلار. بیزلره، چوخلو چتین لیک و غصه لر یاراتدیلار. بیزلرین حاققیندا پیس لیک ائتدیله و راحت

باشايشدا قويماديلار. قورخوتدولار سوسوز سوسوز داغلار دؤشونه كوچدوروب، ساواشا چكديلر... اما تانرى اراده سيله دشمانين پيس ليگين، پيغمبرين باشيندان و حوءرمتى حريميندن ئوزاقلانديرديق. ايمان گتيره ن لريميز پيغمبردن حمايه اجرينى تانرى رضاسيندا بيليرديلر. ايمان گتيرمين لريمز ائل و عشيره اولدوقلارى دليله، بيزلردن حيمائت ائديرديلر. بنى هاشمدن سواى قريشين آبرى مؤسلمانلارى كافرلرايله پيمانلارى اولان دليله يا قوميت علتلىرى خاطرينه بيزلركيمى قورخمورولار، ئولومدن و ئولدورولمكدن اساندا ايديلر.

او زامان كى ايش بركه دوشردى و مؤسلمانلار داينارديلار، پيغمبر ئوز اولاد وقوھوملارنى قاباغا چكيب بو وسيله ايله يولداشلارنى و دوء يوشچيلرىنى شمشيرلردن قۇروياردى. عبيده ابن حارث كى بدر محاربہ سينده، حمزه احد محاربہ سينده، جعفر موته محاربہ سينده ئولدولر، هابئله بيريدەكى ايسته سيديم آدينى ديرديم، اونلار كيمى شهادت آرزي سيندا ايدى اما اونلارين عمرى باشاچاتدى لاکن آدينى سؤلەميين يوباندى.

زامانەدن بو عجبديركى من بير زاماندا قرار تاپميشام كى منيله دين يولوندا چاليشميان كيمسەلر برابر اولور. او آدام كى نئجه اسلامده سابقەسى يوخدور، اما ادعالار ائدير. او ادعالاردان كى اونلاردا گورمه ميشم و خيال ائتميره م و گمانيم گلدير اللهدا او ادعالارى قبول ائتسين... هر حالدا حمد و شكر تانرييه مخصوصدور.

اما او كى ايستيرسن عثمانى ئولدوره نلى سنه سارى يوللويام، بو ايشده فيكرلشديم و بونى دوشونده م كى اونلارى سنه سارى يوللاماق منيم عهدەمدن كناردير.

آند اولسون جانما اگر يولا گلبيه سن و دشمانچيليقدان ال گوتورميه سن او قەدەر زامان چكمزكى اونلارى تانيرسان بير حالداكى سنيدە آختاريرلار. بو آختارماقلارى چؤلده دنيزده، داغدا اولسادا گليب سنى زحمتە دوچار ائده جكلر. سنده اونلارى گورماقدا سئوينميه جكسن. سلام اولسون اونلاراكى سلاما لياقتلى وار.

نامہ ۱۰ - دان

او حضرتین معاویہ یہ گوندردیگی نامہ لردندیلر

او زامانکی پردہ لر گؤزون قاباغیندان گوتورولہ جکدیر، نہ ائدہ بیلرسن؟ دونیا پردہ سی کی اوند اظاہری خوشلوق سنی توغلیوب و ئوزونہ ساری چکیبدر. سندہ اونی قبول اندیب آردینجا گندیسن. او حؤکم ائتدی سندہ تسلیم اولدون، او قہدہر چکمزکی یاخالیب قاباغین آلا.

بیرکیمسہدہ نجات وئره بیلمز یوخسابوایشدن ال گوتور. ئوزین حساب گونونہ حاضیرلا. تانری امرینہ گؤزتیک. یولدان چیخانلارین سؤزونہ باخما. یوخسا بئلہ ائدہ سن، بوگون سنی غفلت دن آیلدیرام. سن بیر ناز و نعمتہ چولقانیسمان کی شیطان توغلاماسیدیر. ئوز آرزى لاریونہ چاتمیسان و آرزى لاریندا، قان کیمی جسم و جانیندا آخیر. سن ای معاویہ نہ زاماندان مؤسلمانلارین حؤکمدارلیگینہ لیاقت وارینیدی؟ سابقہ سی اولمامیشدان بؤیوکلوک ادعاسینا دوشدو؟ تانریہ پناہ آپاریرام پیس سابقہ لردن و سنی قورخودورام بوندان کی هرواخت آرزى لارین سنی توغلوب ایچہرین و اثشیگین ایکی جوردور.

منی محاربہ یہ چاغیریرسان؟ دئی آداملار کنار ا گتتسین لر، سن ئوزین تکلیکدہ منہ ساری گل. داها دوء یوشچیلری محاربہ یہ چکمہ تا بیلینسین هانکی میزین اوره گینہ گناہ یول تاپیدیر؟ غفلت پردہ سی گؤز قاباغیندا آسیلیدیر؟ من سنین جدین ئولدورہن ابوالحسن ام سنین دایین، قارداشین بدر محاربہ سیندہ هلاک ائتدیم ایندی دہ او شمشیر یانیمدا دیر.

هامان جسارت لہ دشمان ایلہ قارشیلانا بیلہ رهم. آیری دین توتمامیشام و آیری پیغمبریم یوخدور. من هامان یولدا یام کی سیزلر ئوزکونولوز ایلہ اوندان چیخدیز. نیہ کی گوج ایلہ اونو قبول ائتمیشدیز.

ئوز خیالیندا عثمانین دیہ سین ایستیرسن اما بیلرسن کی عثمان هاردا ئولوبدور. اگر دیہ ایستیرسن گئت اوردا ئولدورہن لردن ایستہ. اما گورورہم آغیر یوک آلتیندا قالان دوء کیمی یالنیزهای سالیرسان، بوندان قورخورسان کی محاربہ سنہ ساری ئوز چئویرہ. بئلہ گورہم کی دوء یوشچیلرین آغیر حادثہ لر ضربتی اثریندہ بیخیلیرلار... او زامان چارہ سیزلیکدن منی

آللہین کتابی حؤکمونه چاغیرلار لاکن حاققاکافر و اونى دانسان لارداندىلار. یا کى بیعتدن سونرا اوندان ال چکمیوبلر.

نامه ۱۱ - دن

او حضرتین وصیت نامه سیندن

بیردؤیوشچونی دشمانا ساری یوللویاندا اونلارا بئله تاپشیریر: اگر دشمان سیزه قارشى چىخدى یا اونى گوردوز، ینرى وار دؤیوشچونی بیر اوجا ینرده یا داغ دؤشوندە یا چای کناریندا دایاندىرین تا سیزه یارديم اولسون. همده اونلارین قاباغین آلسین. ینرى وار دؤیوش، بیرطرفدن یا ایکی طرفدن اولسون. ئوزوز اوچون داغلار باشیندا یا صاف تپه لرده، او ینرلرده کى قورخوسى وار دشمان گلە هابئله آرخائین اولدوغوز ینرده قۇروقچی قویون تا دشمان سیزه ساری گلمه سین. بونی بیلین کى دشمان دوءیوشچیلرینین طلایه لری اونلارا گؤزتجى دیلر همده سؤزیغاندىلار. بیریریزدن آیری دوشمکدن حذر اندین. هر زامان بیر ینرده دوشدوز هاموز دوشون. کؤچنده هاموز کؤچون. گئجه زامانى نیزه لری کنارلاردا قرار وئرن. یوخونون دادینی توتمايین بلکه آییق یاتین. ائله بیل کى آغیزدا سودولاندىریب ائشیکه توكورسوز.

نامه ۱۲ - دن

(او حضرتین وصیت لریندن دیر معقل ابن قیس ریاحی یه او زامان کى اونى اوچمین نفر ایله شاما گوندردى تا او حضرتین جلودارى اولسون): قورخ او الله دان کى اونى گورمکدن چاره سیزسن و سنه اوندان سوای بیر پناه یوخدور. هر کیمسه ایله ساواشما مگر کى سنله ساواشچیخا. سحر زامانى یا آخشام چاغى هاوا سرین اولاندا یول گئت. گون اورتاسیندا، دینجل... آداملارین دینجلت... یاواش سور. گئجه نین اولینده یول گئتمه. نیه کى تانری او زامانى دینجلمک اوچون یارادیبدر. گئجه نین اولینده جانین و آتین دینجه قوی

انلہ کی سحر اولدی یا هاوا ایشیقلاندی، تانری طرفیندن گلن برکت و آیدین لیق ایله بیرلیکده یولادوش.

او زامان کی دشمانلا قارشیلشدین، دؤیوشچولرین اورتاسیندا دایان. دشمانا یاخین اولما ایکی ساواشان کیمی. ئوزاق اولما ایکی ساواشدان قورخان کیمی... بو حالدا قال تا منیم حؤکوم سنه چاتسین. ینری وار اونلاری حاق یولونا چاغیرماقدان قاباق، ساواشا باشلامیاسیز.

نامه ۱۳ - دن

او حضرتین ایکی نفر سردارلارینا یازدیغی نامه دن

مالک اشتری سیزلره و آرخاداشلاریزا امیرتیکدیم. اونون امرینه اطاعت اندیب سؤزلرینه قولاق آسین. اونی ئوزوز اوچون زره و سپریلین. چون او بیر آدام دگیل کی دال چکیلیمک قورخوسی یا آیاغی بودوره مک یا ایشده یاسسارلانماق قورخوسی اولایا قورومالی ایشلرده تله سه.

نامه ۱۴ - دن

او حضرتین لشکرینه اتدیکی وصیت دندیرکی صفین ساواشی باشلانمیشدان قاباق بویوروب: اونلاردان قاباق سیز محاربه یه باشلامیون. قویون اونلار محاربه نی باشلا سینلار - چون کی «حمد اولسون الله» سیزلرده حجت و دلیل واردیر. اگر تانری دیین اولسا، اونلار سینیب قاچسالار، قاچانلاری ئولدورمیون، قاچابیلیمین لری یارالامیون، یارالیلاری دا ئولدورمیون. بیرده قادین لاری اونلارین اذیتینه قورشلامیون. حتی سیزلرین شرافت و آغالیغیزاداتو خونسلار، ایشیز اولماسین. چون کی اونلارین گوجی، روحی و عاغیلی سست اولوبدور. اگر مشرک اولسالاردا ینه مأمور اولموشوق اونلاردان ال گوتوره ک. حتی جاهلیت زامانیندا، اگر بیر نفر قادینی بیرکیشی داش یا چماق ایله اینجیتسه ایسی، اونسی و

اٲولادینی بو ایشینه خاطر دانلاردیلار.

نامه ۱۵ - دن

او زامانکی محاربه آختاران دشمانی گوره ردی، بئله بویوراردی:

الهی! سنه ساری اوره گیمیز میل اندیب. بونوموز سنه طرفدیر. گؤزلریمیز سنه تیکلیسب،
ایاقلاریمیز سنین یولوندادیر، بدنیمیز آریقلیدیر. الهی گیزلین دشمانچیلیقلار، ئوزین نشان
وئریر. کینه قازقانلاری قایناغا گلیبدیر. الهی پیغمبریمیزین اولما ماغیندان، دشمانین چوخ
اولدوغوندان نفسانی هوس لر بیزلری چولقماقدان سنه شکایت گتیرمیشیک.
الهی بیزایله دشمانلاریمیز آراسیندا حاقلا حؤکم ائت. چونکی هامودان یاخشی حؤکم
اندنلردن سن.

نامه ۱۶ - دان

او حضرت ساواش زامانی یاردیملارینا بئله بویوراردی

او دال قاجماقدان کی سونرا قایتماق وار و او سینیق دان کی سونراسی دشمانا
یوگورمک دیر، سیزه آجی گلمه سین. شمشیرلرین حاققین وئرین. کورکلری یئره گتیرین،
نیزه آتین، شمشیر وورون، چالیشین، سسلری یاتیردین کی بو ایش قورخونی کناراندر.
آندا ولسون او تانرییه کی چرده گی یئرده گویه ردیر و اینسانی یارادیر! اونلار مؤسلمان
اولمادیلار اما سؤزائشیتدیلر و کافر اولدوقلارین گیزلتدیلر تا ئوزامانا قهدهرکی ئوزلرینه
بیر یاردیم تاپدیلار. اوندان سونرا کفرلرین اوستونی آچدیلار.

نامه ۱۷ - دن

(او حضرتین نامه لریندن دیر معاویه یه کی اونون نامه سنین جاوابیندا یازمیشدی): ...اما او
کی شام ولایتین مندن ایسته میشدین بیل من او دگیلم کی دونن یوخ دئیمشیدیم بوگون

اونی سنه باغیشلییام.

اما او سؤزکی دندین محاربه عربلری اودوبدور، بیر آزاریم چیق قالیر، بیل، آییق اول هر کیم حاق یولوندا شهید اولسا بهشته گنדר. هر کیم باطل طرفده دیر جهنم یولوندا دوشوبدور. اما هر ایکی میز بو دؤیوشده بیر قدرتمده اولساقدا سنین شک یولدا چالیشماغین منیم یقین یولدا آختاریشیمدان چوخ اولا بیلمز. نیه کی شام اهالیسی دونیایه و عراق اهالیسی آخیره، چوخ مایل دیلر، اما بوسؤزکی دندین: بیز هر ایکی میز عبدمناف ائولادی یوق بلی بیزیم حاقیمیزدا دوزدور اما امیه هاشم کیمی و حرب عبدالمطلب کیمی و ابوسفیان ابوطالب کیمی و مهاجرلر آزاد اولونانلار کیمی پاک نسلی اولانلار یاپیشدیرمالار کیمی دؤز دانیشانلار یالانچی لار کیمی مؤمن لر منافق لر کیمی اولا بیلمز لر. او ائولاد پیس ائولاد دیر کی جهنمه دوشموش بابالاریندان اطاعت ائدر. بونولا بئله فضیلت، بؤیوکلوک و پیغمبرلیک بیزیم سؤلاله میزده دیر.

بونولا بئله عزیزلری ذلیل و ذلیل لری عزته چاتدیردیق.

تائری عربلری دسته دسته ئوز دینینه گتیردی. بونلاردان بیر بولومی، ئوز میل و رضالری ایله و بیر بولومی ده چاره سیزلیک یا قورخودان تسلیم اولدولار. اما سیزلر او بولومدن ایدیزکی آرخاداشلیق خاطرینه یا دنیا اوچون بو دینه گلدیز. او زامان کی قاباقدا گئدنلر توفیقه ال تاپدیدلار و اولده کی مهاجرلر فضیلتلری اثرینده گئت میشدیلر. اینسدی سن، شیطانا پای و ئوزیوهن بیر تازا یول آچما. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۱۸ - دن

اونامه دندیر کی بصره والیسی عبدالله بن عباسه یازمیشدیر

بونو دوشون کی بصره شیطان قونان یئر و پیسلیک لر مکائیدیر. اودورکی اورانین ساکن لرینی حوءرمت له سئویندیر. قورخونی أوره کلریندن قالدیر. سنین بنی تیممه سؤیوجو اولماق خبرین منه چاتدی. هاما طایفاکی بیر اولدوزی باتمامیشدان بیر آیری اولدوزی پارلار. جاهلیت و ایسلام زامانی بیر کیمسه اونلارا ال ئوزاتماقدا قاباغا

دوشمه‌دی. اونلار، بیز ایله طایفا و یاخین لیسق وارلاریدیر. بیزلره او یاخین اولماقدا و بیرلیکده ساواب، و آیریلیقدا گناه واردیر.

ای ابوالعباس، هر پیس یا یاخشی اگر سنین الیندن باش وئیر، تانری اونون جزاسین وئرسین. اونلار ایله گئچین. سنله‌بیز، ایشده و دانشماقدا آرخاداشیق. اوجور اؤل کی منیم سنه خیرلی گمانیم اولسون و فیکریم سنین حاققیندا، سست اولماسین... سلام او کیمسه لره کی سلامالایق‌دیلر.

نامه ۱۹ – دان

(او حضرتین نامه‌لریندن بیر پاراوالی‌لرینه کی اونون طرفیندن حاکیم ایدیلر). تانرییه حمد و ستایش و حضرت پیغمبره سلامدان سونرا... سن حاکیم اولان شهرین آدمالاری، سنین ایش لریندن شکایت اندیلر.

بونوی دوشوندوم کی اونلارا یئری دگیل کی سنه یاخینلاشسین‌لار. چون اونلار مشرک دیلر... ئوزاقلاندرماق و ظلم‌ده یاخشی دگیل. نیه کی بیزایله ایلغارباغلیوبلار.

یولی بودور، حوء‌مرت‌له شدتی اونلارا یئرلی بیله سن... یوموشاقلیق ایله داش ئوزلی لیگی ئوزونده شعار قیل. همده یوموشاق اؤل. اونلارا یاخین اولماغیله ایراق گزمه‌گین، اورتا یولونی گئت. انشاء‌الله.

نامه ۲۰ – دن

زیاد بن ابیهه کی عبدالله بن عباسین یاردیم انده نی ایدی و عبدالله‌دا او زامان حضرت طرفیندن بصره، اهواز و کرمانا حاکیم ایدی، بویورموشدی.

تانرییه دوزگون آند ایچیره‌م اگر منه خبر یتیشه کی مؤسلمانلارین بیت‌المالیندان آز یا چوخ خیانت ائتمیسن و منیم حؤکوم ترسه سینده و بیر آیری یئرده صرف ائتمیسن، سسنی سیخیتی‌یه سالاجاغام تا ده‌یه‌ر دن دوشوب ذلیل اولاسان. سلام اونلاراکسی سلامالیاقتلری وار.

نامه ۲۱ - دن

او حضرتین نامه لریندن زیاد ابن ابی هه

بیت المالی ایشلمکده آرتیق لا شاگتتمه بلکه اورتانج یولی توت. بوگون صاباحین فیکرینده اول. لازم اولدوغو قهدهر آرتیر، بیر آزین قاباقدان آخیرت اوچون یوللا. انتظارین واردیرکی تانری سنه آلچاق کونولولورین جزاسینی وئرسین؟ بیر حالداکی عصیان ائدن لردن سن... آیا تاماه سنی مجبور ائدیر صدقه وئره نلرین اجرینی، کسی سنه واجب و یئرلیدیر، اونوداسان؟ بیر حالداکی ئوزین نعمت لرایچینده سن. اما عاجز، زاواللی، دول قادین و یوخسول لارا فایدا یتیرمیرسن؟ اینسانین قاباقجا گوردوگی ایش لرینین جزاسینی وئره لر و قاباقدان یوللادیغینا صاحبدیر. سلام اولسون اوناکى سلامالایقدیر.

نامه ۲۲ - دن

(او حضرتین عبدالله بن عباسه یازدیغی نامه لرندیر. او، بئله نقل ائدیر: حضرت محمدین (ﷺ) سؤزلریندن سونرا بیر بئله فایدالی سؤز ائشیدیب فایدالانمامیشام). تانرییه حمد و ستایش و پیغمبر اکرمه سلامدان سونرا گاهدان اینسانی ئوزاد سئویندیره رکى، قرار دگیلمیش اونى الدن وئرسین. هابئله کدرلندیره بیرزادی تاپاییلمه مک کى قرار دگیلمیش اونى تاپسین. گره کدیر سئوینمگین آخیرت اوچون اولسون. تاپاییلمه ییب کدرلندیگینده، آخیرت فایداسینی الدن وئرمک خاطرینه اولسون. دونیادان تاپدیغین زادلارا چوخ سئوینمه و دونیادا الدن وئردیکلریوه، دؤزوملى اولوب داها کدرلنمه. گره کدیر چالیشماغین آخیرت اوچون اولسون.

نامه ۲۳ - دن

(او حضرتین سؤزلریندنیر، او زامانداکی قارغیشا گلیمیش ابن ملجمین شمشیری اثرینده یاخیندیر دونیادان گئتسین، بئله تاپشیریر).

سون سوزوم بودورکی هنج زادی تانرییه شریک قرار وئرمییون و حضرت محمدین (ﷺ) یولونی کورلامیین. بو ایکی دستکی سینماز ساخلییون. اگر بئله اولسا، داهادانلاماغایثری یوخدور.

دونن سیزلرایله وارایدیم، بوگون سیزلره عیبرت و نصیحت کیمی یم. صاباحدا سیزلردن آیریلاجام. اگر قالسام ئوزقانیما صاحبم. اگر ئولوم منی قاپسادی، بو بیر وعدهدیر. اگر اونوی باغیشلاسام، من اوچون بیر اطاعت اما سیزلر اوچون بیر یاخشیلیق ساییلار. اما اونوی باغیشلییون «مگر سئومیرسیزکی تانری سیزلری باغیشلا سین؟»

آند اولسون تانرییه من، ئولومدن سونراکی گله جکدهن قورخمورام گیزلین بیر زاد یوخدورکی اونوی تانیمیم. من او سوسوزابزه ره کی سو دالیندا گزه رو ایسته دیگنی تاپار... تانری ایستین لر، هامی یاخشی اینسانلارا گۆزه لدیر.

نامه ۲۴ - دن

(او حضرتین وصیت لریندندیر: صفین ساواشیندان قائیداندان سونرا بویوروبدورکی مالینی نئجه صرف ائتسینلر). بودور تانری بنده سی علی بن ابی طالب، مؤمن لرین باشچی سی تانری رضاسینه حؤکم اندیب تا تانری او حؤکم اثرینده اوندان راضی اولوب جنته آپارماغیله راحت اولسون. او وصیتین آردیندا بئله گلیر.

مندن سونرا، اوغلوم حسن، ایشلریمی یثرینه یتیرسین. وار یوخومی شأنیم قهدهر خرج ائتسین. مستحق لره یوخسول لارا باغیشلا سین. اگر حسنین باشینا بیرایش گلیدی، حسین ساغ دیر...

او، حسندن سونرا منه وصی دیر. تاپشیردیغیمی اونون کیمی بیتیره. فاطمه نین هر ایکی اوغلونا هامان باغیشلاماق وارکی علی نین آیری اوغلانلارینا واردیر. بو ایشده ایشلریمی فاطمه نین اوغلانلارینا تاپشیردیم تا اللهین رضاسینی اله گتیره م و اونون پیغمبرینی سئویندیرمگیله قوه مولوق حوءرمتینی نظرده توتوم.

شرطیم بودور، هامان جورکی مالین اختیارینی حسنه وئیرهم، گره کدیر او مالین کوکونی، ساخلا سین اما فایداسیندان مأمور اولدوغی یولدا

باغیشلا سین...

شرط بودورکی بوخرماباغینین آغاجلاریندان بیرینی ده ساتماسین تا ینی آغاجلار گویهرمگ ایله اول کیندن ده آباد گورونسون. کنیزلریمین هر بیرسی نین اولادی اولسا، او کنیزی اوشاغینا حواله ائت. اگر او کنیزین اوشاقلاری نولسه و نوزی دیری قالسا، آزاددیر کنیزلیک حؤکمی اونون بوینوندان گوتورولسون...

او حضرتین فرمایشی بو وصیتده اودورکی حتی او کندین کیچیک آغاجلارین، ساتماسین بلکه اورا گلن لر، او یری اول کیندن ده آباد گورسونلر و تانییا بیلمه سینلر.

نامه ۲۵ - دن

(او حضرتین وصیت لریندندیر زکات ییغماقین یولونی و زکات وئره نلره حوءرمت ائتمک و زکات وئرلن دوه لری اینجیتمه مک یولونی تاپشیریر).

بونلاری یازماغیله زکات آلان مأمورلارا بئله لیکده دوشوندوره ردی بیز بوردا بیر پاراسؤزلری او وصیت دن بیان ائدیریک تا بیلین سین کی امام (علیه السلام) هر زمان حاققی گؤزلردی. عدالت یولونی حتی کیچیک، بؤیوک گیزلین و آشکاری دا بللی ائدر دی.

گئت تانری دان قورخماقیله کی اونا تای تاپیلماز، مؤسلمانلاری قورخوتما. نوزی راضی اولماسا اونون یریندن گئچمه. تانری بو یورانندان چوخ، اوندان مالیات آلمما. اگر بیر طایفانین یانینا یتیشدین، سولاریندان ایچسنده، اولرینه گیرمه. اونلارین یانینا یاواش داخل اول، اورتالیقدا دایانیب سلام ائت، سلامی اونلاردان اسیرگه مه. اوندان سونرا دئی: ای اللهین بنده لری اللهین دوستی و خلیفه سی، منی سیزلره ساری یوللادی تا سوروشام کی اللهین حاققیندان سیزلرده واردیر تا اونی اللهین ولی سینه وئره سیز؟ اگر بیرری دئسه بیزده

یوخدور، داهما اونا مراجعه ائتمه، اگر بیرری دئسه واردیر، اونولا بیرلیکده گئت اما اونی قورخوتما. اونا چوخ زحمت و ثریب اینجیتمه یا چتین لیگه سالما. هر نه قیزیل گوموشدن وئرسه آل. اگر قویون یا اؤکوزی اولسا اونون اجازه سی اولماسی سوروبونون ایچینه گیرمه چون او حیوانلارین چوخی اونوندور. اگر او حیوانلارین ایچینه گیردین صاحب لری کیمی اونلار باخما. زور دین اولما. هئج بیر سینی سورگونله مه. صاحب لری مال آماقدا اینجیتمه. او مالی ایکی بولومده آیر مال صاحبینی اختیارلی قوی تا هانسی طرفی گوتورور گوتورسون هانسی طرفی گوتورسه ایشین اولماسین. ینه او مالی ایکی بولوم ائت. ینه اونا اختیار وئر هانسی طرفی گوتورسه گوتورسون ینه ایشین اولماسین بواشی داواملاشدیر تا اوقدهر قالسین کی اللهین حاققی دیر. بنه لیکله اللهین حاققین اونلاردان آل. اگر بو بؤلومی سئومه سه یا فسخ ائتمه سن قبول ائت. ینه بیریرینه قاتاندان سونرا ینی دن اولکی کیمی بولوشدور تا تانری حقو قینی آلاسان...

قوجا، ایشدن دوشن و عیبلی دوه لردن آما. بیر کیمسه نی آرخاین اولما میشدان، اونلارا امین ائتمه مگر کی دیننه آرخاین اولاسان و بیله سن کی مؤسلمانلارین مالیندا و او مالی والی یه یتیرمکده، ایشی دوزگوندور و اورتالاریندا پایلیه جکدیر.

اونلارا بیر گودوکچی قوی کی دوزگون، یوموشاق اولدوغی حالدا، اونلاری غضب لنوب اینجیتمه سین. هر نه ییغمیش اولسان، تنز بورا گوندهر تا تانری بویوران یولدا ایشله دک. او زامانکی اونلاری بیر آرخاین آداما تاپشیردین، بونی دا تاپشیر. دوه ایله سود امه ر بالاسنین اورتاسیندا، آیریلیق سالماسین. چوخ ساغماسینلار کی بالاسینا ضرر توخونار...

مینیشده اونی چوخ یورماسین. ساغماقدا اونولا آیری لارین اورتاسیندا بیرلیکده رفتار ائتسین. یتری وار یورولانلاری دینجه قویوب، یورقونلاری یاواش سورسون...

اونلاری دینجلدیب. آز سو و اوت اولان یترده او حیوانلارا فرصت وئر تا اللهین امری ایله کوکله یب ییزیم یانیمیزا یتیشن زامان، آریق و یورقون اولماسینلار تا ییزده تانری اذنسی و پیغمبر قوران قورقی یولیه اونلاری حاق صاحب لرینه یتیره ک. بو ایشلر تانری یانیندا سینین اجر تین آرتیرار رستگار لیغا چاتارسان. انشاء الله

نامه ۲۶ - دان

(او حضرتین عهدنامه لریندندير عامل لرینین بیرینه: او زامان کی اونی زکات ییغماغا یوللامیشدی، بویوروب): اونا حؤکم اندیره م کی گیزلیسن ایشلرینده ده الله دان قورخسون چون اودورکی ایشلری یولونا سالیر. اونا دییه ره م کی نوزده تاتری فرمانینا اطاعت اندیب گیزلینده ترسه سینه اولماسین. هر کیم گیزلینده یا آچیقدا دیلی ایله گوردوگی ایشی بیر اولسا، امانتی یتیرنه یتیره ن و عبادتی خالص اولانداندير.

اونا امر انده رم الی آلتیندا اولان اینسانلاری اینیجیتمه یوب اونلاری یالانچی بیلمه سین امیر لیک هاواسیله اونلاردان نوز چئویرمه سین. چون اونلار دین قارداشلاری و حاق آلینماق اوچون بیزله یاردیم دیلار.

سنه بو زکاتلاردان، ثابت بیر حاق واردیر. همده یولداشلارین و پای داشلارین کی یوخسوللار و عاجزلردیلر. بیزسین هامی حاققین وئریریک. سنده اونلارین حاققینی وئر. اگر بو ایشی گورمه سن، قیامت گونی هامودان چوخ دشمانین اولاجاقدیر.

وای او آدامین حالیناکی قیامت گونی دشمانلاری، یوخسوللار، الی بوشل، قاپودان قوغولموش لار، بورجلولار، گناهسیز یتره بورجادوشن لر و یولدا قالمیش لاردیلار. هر کیم تاتری امانتینی ذلیل سایا یا خیانت انده، یتمه گین پاک ائتمیه، دونیادا رسوای اولوب آخیرتده اوندان آرتیق، ذلیل و رسوای اولاجاقدیر.

هامودان بؤیوک خیانت و رسوای چیلیق امته خیانت ائتمک و هامودان پیس فضیحت اماما کلک گلمه دیر.

سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۲۷ - دن

(او حضرتین نامه لریندندير محمد بن ابی بکره کی میصیرین حکومتین اونا وئرنده بویورموشدی): قانادین اونلارین قاباغیندا یاتیرت. یوموشاق و گولر نوز اول. اونلاری

باخیشدا بیر گؤزده گور تا آیری بؤیوک باشلار سنین ظلمون اثرینده ئوزخیرلری ارچون اونلارا تاماه ائتمه سینلر. همدۀ عاجز و آوارالار سنین دوزگونلوك و عدالتیندن اومودسوز اولماسینلار.

چون تانری سیزلرین بؤیوک و کیچیک، گیزلین و آشکار گناهلاریزدان سوروشا قادیر. اگر مجازات ائده ظالمیلردن ایمیش سیز. اگر باغیشلا سادا لطف و احسان ائدیدير.

ای اللهین بنده لری؛ بیلین پرهیزکارلار بو دونیانین و گله جکده آخرت دونیاسینین فایدالاریندان پای آپاریرلار. اونلار دنیا اهلی نین دنیا منفعت لرینده شریک اولورلار. اما دنیا اهلی بونلارین آخیر ساواپیندا شریک اولایلمزلر.

دنیادا یاخشی منزل لرده اوتوردولار. یشمه لی لرین یاخشی سیندن یندی لر، دنیادان مترفلر کیمی لذت آپاردیلار، ظالمیلر کیمی کام آلدیلار، دنیادان گتدی لر بیر حالدا کی ئوزلری ایله بیرلیکده توشه آپاردیلار زهدایله بیر آلیش وئریش ائتدی لرکی اونلارا فایدالی ایدی. دونیانین خوشلوق لارینا دنیادا نایل اولدولار. اومود واریدی کی صاباح اللهین رحمتی قارشى سیندا دیلار و ایستکلری یتیشر، خوشلوق لاردان فایدالانارلار.

ای اللهین بنده لری، ئولومدن و اونون یاخین اولدوغوندان قورخون و اونون یوکی نی حاضر ائدین چون کی ئولومون آر دیندا بؤیوک و خطرلی ایشی وار دیر. خیر وئره کی اوندا پیس لیک یوخدور شر، ائله گلر کی اوندا خیر تاپیلماز...

نه قه دهر بهشت یاخشیلارا و جهنم پیسلره یاخین دیر!! سیزلری ئولوم قوغالیر اگر دور ساز، توتا جاق دیر، قاچ ساز تا پا جاق دیر. ئولوم، کولگه لریزدن سیزلره یاخین دیر... ئولوم، آیین لاریزین توکلرینه باغلی دیر. دونیانی آردیزدا ییغیش دیریرلار... قورخون او اوددان کی درین لیگی اندازه دان آرتیق و عذابى تازا دیر...

اورا بیر یئردیر کی رحمت یوخدور. ایستکلر قبول ائدیلمز. غصه توکنمز. اگر الیزدن گلیر و تانری دن قورخوسوز و اونون رحمتینه گمانیز وار، قورخوایله اومودی یادیزا سالین. چون بنده لرین تانری رحمتینه اومود اولماغی، قورخوسی اندازه سی جه دیر. هامودان یاخشی آدمالار هامودان چوخ، تانری دن قورخارلار.

ای محمد بن ابی بکر! بونی بیل سنی عسکرلریمین بؤیوگی و میصیرین امیری ائتدیم اودورکی اگر لیاقتین وار هوای نفس ایلہ محاربہ ائت. دینین قؤرولا حتی بیلہ سن کی عمروندن نئچہ سآت قالیر اونون یارانمیش لارینی سئویندیرمگیلہ، اللہی غضبہ گتیرمہ. چون کی بندہ لردہ اولاندان یاخشییسی و عوضی تانری یانیندا دیر. اما تانریدا اولان، بندہ لردہ یوخدور.

نامازی زامانیندا قیل - ایش سیز اولساندا، ئونہ چیخیب قارشی لاما، ایشین چوخ اولسادا یوبانما... بونی بیل کی عمل لرین قبول اولونماسی نامازیندان سونرا دیر. بو عهدنامه دندیر

سربست لرین مولاسی ایلہ، قولایلارین مولاسی، پیغمبرین دوستی ایلہ دشمانی بیرمقامدا دگیل لر. حضرت پیغمبر منہ بئله بویوردی: من، امتیمہ، مؤمن یا مشرکدن قورخمورام. چون کی اللہ، مؤمنلری ایمانلاری اولدوغونا گورہ ساخلاشدیرار. شرکی اولانلاری دا شرک لری اوچون ذلیل ائدەر. اما من ایکی ئوزلی لردن کی دیلده بیرجور آورہ کده بیر آیری جوردولر قورخورام. چون سیز سئوہ لردن دانیشیر اما قولای ایشلردن چیخیر.

نامه ۲۸ - دن

(او حضرتین گؤزہل نامه لریندن بیریدیرکی معاویہ نین قولای سوزلرینین جاوابیندا یازمیشدیر). تانریبہ حمد و پیغمبرہ سلامدان سونرا... او نامه ده کی منہ چاتدی یادیمیزا بئله سالیرسان: اللہ، حضرت محمدی (ﷺ) ئوز دینی ایسلام اوچون اختیار ائتدی و اونی بیر پارا یاردیمچی لری ایلہ گوجلندیردی. بئله بللی اولور زمانہ سنین طرفیندن اولان بو عجب ایشی بیزلرہ گیزلتمیشدی کی ایندی باشلامیسان اللہین بیزلر حاققینداخیر و یاخشی لیقلاری و نعمت و باغیشلاری و هابئله پیغمبرین برکتلی وجودی یانیمیزدا اولدوغونی بیزلرہ دوشوندورورسن؟ بو ایشده سن او آداما بنزہ رسن کی دوروب اوستادینی اوخ آتماق یاریشینه چاغیریر. یا ہجرہ خرما آپاریر.

سن خیال ائتدین ایسلامدافلان کس ایله بهمان کس لر هامودان افضل دیلر؟ بیرزادی یادا سالدین کی اگر دوزگون اولا، سنه فایدا وثرمز. دوزاولماسادا سنه زیسانی و اوتانماغی یوخدور. سنین بؤیوک، کیچیک لرایله نه ایشین اولا بیلر؟ آزاد اولونموشلاری و اونلارین ائولادینی، مکهدن مدینه یه کؤچنلری و اونلارین مقام لارینی بیزلره تانیتدیرماقدا نه خیالین واردیر؟ سندن بو سؤزلر چوخ ایراقدیر!! او اوخدان سس گلیرکی قمار اوخلاریندان دگیل. او آدام خلافت و حکومت حاققیندا حؤکم ائدیرکی لیاقتی یوخدور. بو ایشلر خلافتله لایق اولانلارین ایشیدیر. ای اینسان نیه آخساق اولدوغون بیلیمیرسن؟ البن قیسسالیغین نیه قانمیرسان؟ نیه گری اوتورموسان بیر حالداکی قضا و قهدهر گری اوتورماغین ایستیر؟ دها زییان گوره نلرین زیسانی یا خیر گوره نلرین خیری سنه بیر عهده گتیرمیر. سن آزیقن لیق چؤلونده گندیرسن. دوزگون یولدان چیخمیرسان. بو سؤزلری یالنیز سنین اوچون یوخ، بلکه تانری نعمت لریندن اوتری سویلیرهم. یوخسا بیلیمیرسن بیر پارامهاجرلردن تانری یولوندا ئولوبلر و هاموسونون او یولدا سعادت و شرافت لری واردیر؟ بیزیم شهیدیمیز ئولنده، اونا سیدالشهدا لقبی وئریلدی. یعنی تانری یولوندا ئولن لرین مولاسی و حضرت رسول (ﷺ) اونون جنازه سینین نامازیندا یتیمیش تکبیر بویوردولار؟ یوخسا گورمه دین کی بیر پاراسنین قوللاری تانری یولوندا قیریلدی؟ بورداهاموسنین فضیلتی واردیر. او بیزلردن بیر ایدی کی طیار فی الجنه یا ذوالجنالحین آدلانندی. یعنی اودور ایکی قانادیلله بهشته اوچان. اگر تانری آداملاری ئوزین او مکدن مانع اولماسایدی، بودائیشان ئوز فضیلت لریندن چوخونی مؤمن لره تانیتدیراردی اوجورکی قولاقلارا خوش گل سین یا آورده کلر اونا تانیس اولسونلار. ایندی او شکارکی سنی یولدان چکییدیر الدن بوراخ. بیزلر تانری امری ایله تربیت گورموشوق. آیری لری ده بیزدن تربیت گوروبلر.

اوتن زامانین شرافت لری و بؤیوک لوق لاری هنج مانع اولمادی کی سیزلره قاریشاق یا سیزلردن ائوله نک یا ائولندیرک. نئجه کی یاخینلاریمیز بئله ائده رلر. بو بیر حالدا ایدی کی سیزلر او مقامدا دگیل دیز. هاردا او مقاملارا ال تاپمیشدیز؟ چون:

بیغمبر بیزلردن،

اونی دانان سیزلردن.

اسدالله بیزلردن،

اسد الا حلاف سیزلردن.

بهشتین ایکی جوان آغاسی بیزلردن،

اودلاردا یانانلارین ائولادی سیزلردن.

بیزدندیر دونیالارین یاخشی قادین لاری

سیزلردندیر اودون گتیره ن قادین.

داها چوخ یاخشیلیقلار بیزلرده وارکی خیریمیزه تمام اولار.

اما سیزلرده پیس لیکلر وارکی زیانیزا قورتولار.

بو بیزیم ایسلامیمیز دیرکی ائشیتدین. جاهلیت دانیلماز. تانری کتابی بیزیم داغیلانلاریمیزی بیر بیره بیغدی. بو کتابدا دئیلیبدیرکی بیرپارا آداملار بیرپارا آداملاردان یاخشی دیلار... بو اللهین بویوردوغی دیرکی ابراهیمه یاراشان اینسانلار اونلاردیلار کی اونون یولونی گئدیرلر. همده بو پیغمبره ایمان گتیریلر.

تانری مؤمنلره یاردیمچی دیر. بیرطرفدن اونا قرابت جهتیندن و بیریده اونسدان اطاعت ائتمک بابتیندن. بو ایشلره بیز سندن اوستونوک.

او زامانکی مهاجرلر سقیفه گونونده انصارلارا حضرت پیغمبرین قرابتینی دلیل گتیردیلر، بو دلیلله گوره غالب اولدولار. اگر غالب اولماق قرابتده اولسا ینه حق بیزیمکی دیر نه سیزینکی. اما اگر اوستون گلیمک قرابت یولی ایله اولماسا، ینه انصارلار ئوز ادعالرینده واردیلار...

سن بئله خیال ائتدین کی من خلیفه لره پاخیل لاندیم، و اونلارین حاققیندا ظلم ائتدیم؟... اگر بئله بیرایش اولسادا سنه یاپیشاجاغی یوخدور تا یانیندا عذر ایسته نیلسین. بو بیر گناهدیرکی اوتانماغی سنه قالمییودور.

بیرده دئدین منی دوه کیمی بورنومدان مهار ائدیبدولاندیریردیلار تا بیعت ائدیم. آند اولسون تانرییه ایستیردین منی دانلیه سن اما تعریف ائتدین ایستیردین رسوای ائده سن

ئوزین رسوای اولدون. او مؤسلمائین کی دینی و ایمانیندا یقینی اولا، اگر مظلومدا اولسا عیب دگیل. منیم بو دلیل لری گتیرمکدن قصدیم سندن آیری لاری دیلار کی لازم اولدوغوقه دهر سئوله دیم. اما من ایله عثمانین آراسیندا اولان ماجرائی یا دیما گتیردین لازم ایدی سن کی اونولا قرابتین وارایدی، بو سوزه جاواب وئره ایدین. سن یا من هانسی میز اونا عداوت اندیب ئولدورولماغینا یول آچدیق؟ یا او کیمسه نی کی ایستیردی اونا یاردیم اولسون، مانع اولان کیمیدیر؟ تا ئولوم قضا وقه دهری اونی قاپسادی؟

آند اولا تانرییه بئله دگیل. تانری او آدم لاری کی سیزلری ساواشدان مانع اولدولار وقارداشلارینا دئدیله: بیزه ساری گلین، حال لارینی یاخشی تانیر. نیه کی اونلار ئوزلریده بیر آز زامانندان سوای ساواشا حاضر اولمازلار. بونلار عذر اوچون دلیل اولا بیلمز. چون عثمانین بیر پارابدعت لرینه گوره گاهدان عیب لرینی توتاردیم. اگر منیم اونا یول گوسترمگیم، گناه ایمنیش، بو قراردان چوخلو دانلاناتان لار واردیلار کی گناه سیز دیلار. گناه چوخ دانلییان آدم لار تهمته دوچار اولارلار. ایندی گوجومدن آرتیق ایسته میره و توفیقاتیمدا تانری یاردیمی ایله ممکن دور. اونا توکل و اعتمادیم وار و اوناساری قانیدا جاغام.

بیرده دئدین، منه و منیم صحابه لریمه شمشیردن سوای بیرزاد یوخ دور. منی بوسوزیله، آغلیانندان سونرا گولدوردون. سن هاردا گوروبسن کی عبدالمطلب ائولادی شمشیرلردن قورخسون؟ بیر آز دؤز تا حمل ئوزینی یتیرسین. او زامان سن آختاردیغین آدم سنی تنز تاپار. او آدمی کی ئوزاقدا بیلردین سنه یاخینلاشار.

من چوخلو مهاجر و انصار و دوء یوشچیلریله سنه ساری گلیرهم هامانلار کی آرخامی ساخلارلار، سایلاری چوخ دور، توزلاری هر یانی بورویوب، ئولوم کونینگین گئیلر. نهایت آرزی لاری اللهین گوروشونه نایل اولماقدیر. اونلار هامان بنی هاشم ائولادی دیلار کی بدر ساواشیندا ایدلر و بنی هاشم لرین شمشیرلری یانلاریندا دیر. سکنده او شمشیرلرین ایتمی اولدوغونی یاخشی تانیرسان کی قارداشین، دائیین، جدین و قوهوملارین اورتادان قالدیر دیلار. اونلارین ووروشما عذابی ظالیم لردن ایراق قالمیه جکدیر.

نامه ۲۹ - دان

او حضرتین نامه لریندن دیر بصره اهلینه

پیمنی سیندیرماق، دشمانچیلیق و نفاق و مخالفت ائتدیز. بونلارین هاموسینی بیلردیز اما گناهلاریزدان گنچدیم. قاچانلاریزا شمشیر چکمه دیم. قانیدان لاریزی قبول ائتدیم. بوندان سونرا اگر خراب فیکرلرایله حاق یولونون خلافیندا گندیب منله دشمانچیلیق ائده سیز، بونی بیلین کی آتلازیمی سیزه ساری چکیب یول گئدن دوه لره پالان قویارام. اگر منی نوزوزه ساری گلماغا مجبور ائده سیز، سیزایله او ساواشی ائده ره م کی جمل ساواشی اونون یانیندا یالاماق دیر. بونولایله سیزدن اطاعت ائدن لرین فضیلت لرینی و او یود و ثرن لرین حاققینی، دوشونوره م. گناه سیزلاردان، تهمت وورانلارا و پیمن سیندیرانلاردان وفالی لارا حدود قایل اولارام.

نامه ۳۰ - دان

او حضرتین نامه لریندن دیر معاویه یه

تانری سنه وئردیگی نعمت لره گوره اوندان قورخ. دقت ایله او حاققاکی سنین بوینوندادیر اونا ساری، قانیت. چون عذرگتیره بیلمه سن. نیه کی اوندان اطاعت ائتمک او چون نشانه لر و بللی یوللار آچیق دیر. هامونون آرزی سی وار، اورا وارد اولسون. آلحاق آداملار بوردا اطاعت ائتمزلر، هر کیم او یولدان بودوره سه، حاق یولونندان چیخیب، غفلت چؤلونه آیاق قویوبدور. الله دا نوز نعمت لرینی اونندان آلیب عذاب جزاسینی اونا وئربیدیر. ایندی ده نفسیندن قورخ کی تانری سعادت یولون سندن اوتری آچیق ساخلیوبدور. باجاردیغین قهدهر ضرر، ظلم و کفره ساری، آت چاپدیر میسان... او نفسین دیر کی سنی شرارته و گناه ساری مجبور ائدیب و آزقین یولا سالیب دیر.

نامه ۳۱ - دن

(او زامان کی صفین ساواشیندان قانیدیردی، «حاضرین ده...» اوغلی حسنه (رضی الله عنه) بئله یازمیشدی): بو بیر وصیت دیر بیر آتادان کی ئولوم و فنایه یاخینلاشیب، روزگارین برک بوشون بیلر. داها دیریلیگه ئوز چئویریپ روزگارا تسلیم، دونیانی سئومیین ئولی لر ائوینده ساکن اولان و صاباحی اوندان کوچن، ائولاده آرزی ائدهن و تاپاییلمیین ایتن لرین یولون گئندن، خسته لیکلره نشانه اولان، دونیادا مصیبت و غصه لره هدف اولان، دونیایه قول اولوب آلیش و تریش ائدهن آلدادان، یوخ ائدن، ئولومه چکن، غصه لره یولداش، آفت لره نشانه، آرزی لاری توپراقلاردا قالان و ئولولرین یئرینده اوتوراندیر.

بوگون بئله دوشوندوم کی دونیاین منه دال چئویرمه سی و طغیانی و آخرتین منه ساری گلمگی بیرزاد دیلارکی، منی آییری لاردان و گله جک فیکرلردن قویار دوشوندوم کی گره کدیرئوز فیکریمده ده اولام.

اودورکی فیکریم هوای نفسین قاباغین آلدی و ایشیمن چرده گین منه بیلندیردی و مجبور ائتدی او یولدا چالیشام کی، او یونچاق دگیل و اوتدا یالان اولماز. سنی ئوزومدن بیلدیم بئله کی اگر بیرزاد سنه ئوز وئرسه، ایله بیل کی منه ئوز وئریدیر. اگر سن ئولسن منده ئولموشم. سنین ایشلرین منیم فیکریمی قاتیب و ئوز ایشلریم کیمی غصه لندیردی. بو نامه نی سن اوچون و بو خاطره یازدیم کی آرخابین اولوم.

سنی تقوالی اولماغا و الله دان قورخماغا و اونون امریندن اطاعت ائتمگه تاپشیریرام. کونلون اونون یادی ایله آباد ائت. اونی یادا سالماق باعث اولارکی سنله اللهین اورتاسیندا اولان رابطه داواملی اولسون. کونلون موعظه و اویدولا دیری ساخلا. اونسی زاهدلیک ایله، ئولدور. ایمان ایله گوجلندیر. حیکمت له ایشیق لاندیر. ئولومی یادا سالماغیله نفسین ذلیل ائت. اونی مجبور ائت فنا اولدوغونا اقرار ائتسین.

نفسین دونیاین پیس لری و یاخشیلاری ایله تانیش لاندیر. اونا سؤز وئرکی زامان پیس دیر. اوندان قورخوت کی گنجه گوندوزلرین آلچاق اوجاسی وار. اونا دونیادان گئندن لرین خبرلریندن دانیش. یادینا سال کی اوندان قاباقجا آییری لاریدا واریمیشلار. اونلارین

اؤلرینده اثرلرینه فیکر ائت و گورکی نه لر ائتدیلر؟ نه اولدولار؟ هاردان گلیب هارا کوچدولر؟ اونداییلر سن کی یولداشلاریندان آیریلیب واحد بیر یترده قالیلار...

سندده او قهدهر زامان چکمز اونلاردان اولارسان بوناگوره او منزل و مزاری ایندی دهن آباد ائت. او دونیانی بو دونیایه ساتما. بیلمه سن دانیشما، گره گینده اولماسا، دینمه. او یولدان کی آز دیرار قورخ. نه کی او یولدان گئتمک آزیب یا قورخماقدان یاخشی دیر. خیر ایشلره امر ائت تا او ایشلرین اهلی اولاسان. ال و دیلی ایله پیش ایشلره قارشی چیخ و چالیش قویما پیس ایشلر گورولسون. تانری یولوندا تانرییه لایق جهاد ائت. اونون یولوندا دانلییانلارین دانلاغیندان قورخما. حاق اوچون برکه بوشادوش، دیننده علم ئویره، ئوزین صبر ائتمگه عادت وئر، چون تانری یولوندا صبر ائتمک ان یاخشی ایشلردن بیریدیر.

ایشلرده نفسین، تانری اختیارینا تاپشیر، چون بیرینه تاپشیرمیسان کی گؤزهل سیغیناقلی و قورویاندیر. هر نه ایسته سن الله دان ایسته کی باغیشلیان یا اومودسوز ائندده اودور. چوخلو خیر ایش و یاخشیلیق ائت، منیم وصیتده دقتین اولسون، اوندان ئوز چئویرمه چون یاخشی سؤز اودورکی فایدالی اولسون. بونودادوشون بیلجی لیکده یاخشیلیق اولماسا، دهیه رسیز دیر. او علمدن کی اویره نمه سی چیخارلی دگیل، فایدا یوخدور.

ای اوغول، من قوجالیدیقجا دوشونورم کی بوش و گوجسوز اولورام. اودورکی سنه ایوود وئرمکده، سؤزلریمده او فضیلت لردن دئیرم کی قورخورام ئولوم منی قاپسییا، اما سنه دئمه میش اولام یا فیکریمه یتیشمیه. نئجه کی جسمیم گوجسوز لئیدیر یا بیر پارا ایستک لیریم، یا دنیا فرتینالاری ئولمکدن قاباق، سنین حاققیندا اجرایه گله. اونداییلر قیزقین دوه کیمی بویروقدان چیخاسان. جوان آدامین کونولی بیر بوش یتره بنزه رکی، هر نه اوندایکسن، یتیره... بو سبب دن سنی ادب ائتمگه باشلادیم و قویمادیم اوره کین برکیسین یا عاغلین اسیر اولسون یا ئوز باشینا بیر ایش گوره سن کی لازم دگیلمیش و سندن قاباقکی لاردا اونی سیناقلامیشدی لار. داها سیناماقا، احتیاج یوخدور. سنه ادبدن هر نه یتیشسه، بیزه زحمت له یتیشدی. ایندی سنه آیدین اولان، اونداییلر بیزه گیزلین ایدی.

عزیز او غلوم من اوتسن آداملارجا یاشامادیم. اما ایشلرینده، یوللاریندا، اثرلرینده فیکیرلشدیم. دئمک اولورکی اونلارین بیری کیمی اولموشام. اونلارین ایشلری منی پیشیردی. سانکی، اولدن آخیره دک اونلاریله یاشاردیم.

اونلارین یاخشی یامانلارینی دوشوندوم. خیر و شرلرینی بیلدیم. هر زاددان یاخشیسینی و سئومه لیسین سئچدیم. باشی بللی اولمیانلاری قیراغا قویدوم و بئله صلاح گوردوم هر نه مهربان آتا دوزگون تربیتدن اوتری ائولادینا لازم بیلر، سنی ده ادب له تربیت ائدیم. چون کی یاشایشین، اولینده نیتین تمیز و نفسین پاکدیر. سنه تانری کتابین و اونون تأویلی نی ئویره تدیم، ایسلامین حلال و حاراملارینی تانیتدیردیم.

بیرده قورخوم اودورکی مؤسلمانلارین بیر آزی فیکیرلرینده بیرپارایانلیشلارادوشسونلر. بونولا بئله کی بیلیرم سنه دئمک لازم دگیل، بونی دوشونورم کی ممکن دور یالینش فیکر ائده سن. بئله صلاح گوردوم هر زادی بیله سن و ئوز باشینا قالمیه سن کی هلاک اولماق واردیر. اومود تانرییه واریمدیر توفیق تاپاسان تا بو وصیته عمل ائتمگیله رستگار اولاسان.

عزیز او غلوم، بونی بیل هر نه منیم وصیتیمدن ئویره سن، اولی الله دان قورخما و چکینمکدیر. بیرده او یولدا گئتمک دیرکی آتا بابالارین او یولدا ایدیلر. چون اونلار بیلیمک و دوشونمک فیکرینی اونودمادیلار. سنده اونلار کیمی فیکرائت. یئری وار او فیکرلرین اثرینده، تانینمالیلاری ئورگنیمک و منع اولونانلاری قۇروياسان.

اگر نفسین دؤزه بیلیمک و بابالارین تجربه لریندن جان قاجیردیر و ایسته میر دوشونسون، نئجه کی اونلارا آیدین ایدی، واجبدیر ئویره نیب دوشونه سن نه کی شککه دوشوب قاجلیق ائده سن... بیر زادا ئوزگتیرمکدن قاباق، الله دان یاردیم چیلیک ایسته تا اونا ساری گئتمک اثرینده توفیق تاپاسان. ائله کی دوشوندون و اوره گین ایشیقلا ندی، آلقاق کونول اولوب فرماندا قالدین، بیل کی فیکرین رشدی کماله چاتیب دیر و داغینیق دگیل. اوندا دئدیک لریمه دقت ائت. اگر گوردون کونلون اونلاری قبول ائتمیر، اوندا بیل قاباغین گورمیه ن دوه کیمی یانالمیسان. همده فیکرین قاریشقی دیر و قارانیق یولدا ییخیلاجاسان.

یالینش گنده نین دینی کامل دگیل. یولدان آزار. حاق ایله باطلی تانیسه بیلیمز اوندا

گره کدیر یاواشلا نیب تلمسییه سن.

او غلوم، وصیتی می درک ائت: بونی بیل کی، ئولوم و دیریلیکده اونون اینده دیر. اودور کی هم یارادار همده ئولدوره. فنایه چه کر یا دیریلده. متبلی ائدن و نجات وئرن دیر. دونیا یئرینده اولایلمز مگر کی؛ اللهین ایسته دیگی، باغیشلانماسی یا احسانیدیر. حتی او احسانلار کی خبریمیز یو خدور.

اگر قاباغیوهن بیر موشگول گلسه، اونى ئوز بیلمه مز لیگلمیزدن خیال ائت. نیه کی دونیا یه گلنده بیلمز ایدین، سونرا بیر زادلار دوشوندون. ایندی ده حؤکم دندیر کی بیر زاد فیکریوه گلیمیر. یا بصیرتین یو خدور و سونرالار بيله جکسن.

ایندی تانری ایینه ال آت کی او، روزی وئرن و سنی گؤزهل شکیلده یارادان دیر. عبادت و قوللوقچو لوغون اوندان اوتری اولسون. اونا ئوز چویر و اوندان قورخ.

عزیز او غلوم، بونی بیل بیر کیمسه پیغمبر خبر وئرن کیمی، اللهی بیزلره تانیتدیرمیو بدور. ایندی اونى ئوزیوهن باشچی و نجات وئرن تانی.

من سنه اویود وئرمکدن اسیرگه مه دیم. هئچ زامان هر قهده رده چالیشسان، منجه ئوز فیکرینده اولایلمز سن. دوشون ای اوغول: هر زامانکی تانرییه شریک قرار وئریلیدی، او زامانین پیغمبری گلیب اونون سلطنت و حکومت اثرلرینی بللی ائدیب کردار و نئجه لیکلرینی دوشوندوره دی اما، تانری بیردیر نئجه کی ئوزیده بویوروب «انما الیهکم الّه واحد» هئچ کیم شاهلیقدا اونا قارشی چیخا بیلمز. هئچ زامان آرادان گئتمز. هر زامان واردیر، هامی زادلاردان ازله و تامام زادلاردان آخیرده دیر. نه اولی وار نه آخیری. او بویوکدور. اونون بویوک اولدوغی، گؤز یا کونول ایله ثابت اولماز...

ائله کی اونون نئجه لیکلرینه ال تاپدین، یثری وار سن کیمی بیر آدام. تامام کیچیک اولدوغی حالدا، گوجی آز، مقام سیز، عاجز، باجارا بیلمین، چوخلو محتاج، اللهین رحمتینی آختاران، عذابدان قورخان، خشم و غضببندن تیریه ن اولوب اونون قوللوغونی یثرینه گتیره، کی بویوروب: یاخشی اول و پس ایش لردن کنار گز.

ای اوغول: من سنی دونیانین آرادان گئتمه سینه و اونون حالاتینی هابئله آخیرتدن و

اونون اهلینہ حاضر اولان ماجرالردن خبر وئرديم. سنہ دونیا و آخرت حاققیندا مثل چکدیم
تااونلاردان عبیرت آلاسان. دونیانی یؤخلاییش ایله تانیان او یولچویا بنزهرکی بیر باهالیق
اولان یثردن، بوللوق اولان یثری اراده ائده. و اوراچاتماق اوچون یولون زحمت لرینہ،
غربت و چتین لیگه و قولای یشمکلره دؤزه تا بوللو یثره چاتا. ائله بیر ادام، یولون
ایذا سیندان و چتین لیک لریندن قورخوسی یوخدور. آرتیریپ او یولدا ایشلمگی زییان
بیلمز. هئچ زاد اونلارا یامان اولماز.

اوغولوم نفسین ئوزی ایله ئوزگه نین اورتاسیندا ترازى قرار وئر. هر نئی کی ئوزین
اوچون سئویرسن، ئوزگه لره ده سئومه. ئوزگه لره ظلم ائتمه. نئجه کی ایسته میرسن سنہ ظلم
اولسون. یاخشیلیق ائت اگر سئویرسن سنہ یاخشیلیق ائده لر. هر زادی کی ئوزگه لردن پیس
بیلرسن ئوزیو ده، پیس بیل. سن آدم لاردان اونا راضی اول کی سئویرسن، آدم لاردا سنہ
او ایشدن راضی اولسونلار.

ایسته میرسن بیر سؤز ائشیده سن، او سوزی دئمه. بیله سن یا، آزیله سن، اوردادانیشما.
اگر ایسته میرسن کاتی سؤز ائشیده سن، کاتی دانیشما. بونی دوشون کی کاتی سؤز، حاق
ئوزه رینده دگیل بلکه عقل لره کورلایییجی دیر.

روزی تاپماق اوچون چالیش ئوزگییه خزانه دارلیک ائتمه. اگر دوزیولا دوشدون آلچاق
کونول اول و تانری فرمانیندا قال. بونودادوشون قاباغیندا بیر ئوزین و قورخمالی یول وار.
چون اوردان گنتمگه مجبورسان، لازم اولدوغو قهدهر یونگول وار سورسات گوتور. نه او
قهدهرکی آغیرلیقی سنی دوشگونله دیب اینجیده...

اگر گوردون بیر نفر یولدا قالان وار، و سنین سورسات و احسانین سنی قیامت منزلینه
چاتدیرار، او سورساتی، هاما بیرنفره وئر. اونا یاردیم اول. نه کی واریندیر و شاید بیرگون
لازیمین اولسا، احسان ائده سن، بئله فرصتی اله سالا بیلیمه سن.

هر کیم سن محتاج اولمیان زامان سندن بورج ایسته سه، کی سن محتاج اولان زامان
وئرسین، او فرصتی غنیمت بیل. بونودادوشون کی قاباغیندا بیر چتین گدیک وار. هر کیمین
یوکی یونگول اولسا یوکی آغیر اولاندان راحت کئچر. یاسسارلانان، قیزقین اولاندان،

ئۆزى قارادير. چارە يوخدوركى سن بهشت يا جهنمده قالماليسان. اودوركى او منزله چاتمالميشدان قاباق بير ئونچى يوللا يا خودگتمه ميشدن منزلى حاضرلا. چون اينسانلارا ئولندن سونرا، سئويندirmek سببى يوخدور. بير كيمسه ده ينى دن دونيايه گلمز.

دوشون او تانرى كى يئرلرين و گۇيلرين خزانه سى اونون اينده دير، دۇعا ائتمگى و ايسته مگى اجازە وئريدير و اونلارين قبول ائتماغين ضامندير. سەنە بويوروب: ايسته تا باغيشلايم رحمت و يوموشاقللق ايسته سن اودا يوموشاقللق اندهر.

تانرى ئوزيله سن آراسيندا حاييل قرار وئرميويبدور تا گيزلينده اول. سنى مجبور ائتميويدوركى اونون يانينا شفاعتچى گتيره سن. سنى توبه ائتمكدن مانع اولميويدور. اگر پيسليك ائتميش اولسايدىن ينده ده مجازات ائتمگە تلمسيويبدور. بلكه، توبه قاپوسين آچيب كى هر زامان اونى چاغيرسان، جاواب وئره. اگر مناجات انده سن، آورەگينده اولان سرلرى بيلر... سنده آورەك سرلرىنى اونا دئى. سؤزون اونا يتير. غصه لر يندن اونا شكايت انديب اوندان چارە ايسته. اونى ياردىم چيليغا چاغير. اونون رحمت خزانە سندن هر نه ايسته سن، وئره. ياشاماغين آرتىمى، بدنين ساغلام اولماسىنى، روزى لر ين بۇل اولماغى كى آيرىلرى باغيشلايىلمز، لر، اوباغيشلار. سنین اللرينده خزانە لر ين كىلدلرىنى بئله تاپشيريپ كى ايسته سن آچىلسين. اونون رحمتلرىنى چاغيراسان، يوبانسادا اومودسوز اولمياسان. چون، باغيشلاماق اونون اراده سى ايله اولور. گاهدان، قبول اولماق لار يوبانار دليل بودوركى ايستين لر ين جزاسى بۇيوك و باغيشلانماغا اومودى آرتيق اولسون.

چوخ زامان بيرزادى ايسته سن، سەنە وئرىملز اما، اوندان ياخشى سینه ال تاپارسان. بيرزادى ايسترسن كى سەنە سئومەلى گلير، اما شايد دينين خاراب اولدوغونا باعث اولار... بيرده يئرى وار بيرزاد ايستيه سن كى ياخشى اولدوغى سەنە يتيشە و ايداسى اولميا. مال سەنە قالماز سەنە مال اوچون قالميه جاقسان.

بونودا بيل كى سن آخيرت اوچون يارانييسان نه دونيا اوچون. بقايوخدور فنا وار ئولمك وار، ديرليكده، هميشە ليك دگيل. بوردان آخيرتە كوچمەلى سن. ئولوم سنى قوغاير قاچان، توتولا جاقدير. آختارسادا ال گوتورمز، داها چارە ئولومدور. ايندى ده ئولومدن قورخ و

گناہ ائتمہدن ال گوتور. او زامان کی نوز آراندا دئیردین توبہ ائدہرہم، قورخ کی نولوم یتیشہ، سنلہ فیکرین آراسیندا آیریلیق ساللا. اوندلا قولای اولارسان.

ای اوغول نولومی و اونون دالیندا گلنلری یاد ائت. چالیش او گونلرہ حاضر اول. بئلین باغلا کی بیردن بیرہ نولوم گلیب سنی چولقار.

دونیا اہلینہ توغلانماقدان قورخ. اونلارین تاماہ و دشمان چیلیقلاریندان کی تانری خبر وئریب، کنار گز. دونیا نوزینی سنہ نشان وئریب پیسلیک لرینی دہ بللی لندیریدیر. دونیانی سنوہنلر، هورن، بیرتینجی، شکارآختاران کوپک لر کیمیدیلر. بیریری بیرینہ آجیقلا نیب قیشقیرارلار گوجلری لر عاجزلری ییہرلر. بویوکلری کیچیکلرہ زور دییہرلر. بعضی سی باغلانمیش یوک داشیان حیوان کیمی دیلر. بعضی لریدہ بوراخیلیمیش، عاگیل لاری آزقین، سونی اولمیان یولدا آزیب زییان وئرنلر دندیلر. بیر حیوانلاردیلارکی شورچولده اوتلاماغا بوراخیلیلار. چوبانلاری یوخدور تا اوتارسین یا گؤزلہ سین. دنیا، اونلاری گؤزی باغلی اوجسوز بوجاق سیز یولدا آپاریر. آزقین اولدوغو حالدا دونیانین خوشلوقلارینا چولقانیب اونی نوزلرینہ تانری بیلرلر. دونیادا اونلارایلہ و اونلاردا دنیا ایلہ اوینورلار... دالدا گلنلریدہ اونودوبلار.

بیر آز گئچین. وول وئر تا قارانیقلار قورتالسینلار... دئمک اولورکی کجاوہلر یتیشیر، آزالیر اونلاردا قاباقجا گئندنلرہ چاتسینلار.

آییل اوغلو؛ ہر کیمین دوه سی گنجہ گوندوز یول گئندہ، اونودا آپاریر. نوزی یول گئتمہ ییب دینجسہدہ ینہ یول گئدیر. بونی یقین اینان کی ہئچ زامان آرزی یہ چاتمییہ جاقسان. نولوموندہ الیندن قورتالاییلمیہ جاقسان. سن او یولدا سان کی سندن قاباقکی لار او یولدادیلار. بوناگورہ چالیشمادا مدارا ائدیب ایشلری راحت توت. ہر نہ کسب اتسن یاخشی یولدان اولسون. چون کی چوخلو چالیشمالار وارکی مالی اورتادان گوتورہر. ہر چالیشاندا، تاپابیلمز ہر اورتا یوللو اومودسوز اولماز. نفسین ہر جور آلچاقلیق دان ساخلا اگر نعمت لرہدہ چاتسان اونولا بئلہ ہر نہ نفسیندن مایا قویسان، عوضینی تاپابیلمیہ جاقسان. نوزگہنین قوللوغوندا اولما نیہ کی تانری سنی آزاد یارادییدیر.

اویاخشى كى اوندان پيس ليك گلر نه گؤزه لىگى وار؟ اوگشايش كى چتين اله گلر نه فايداسى وار؟

او تاماه دوه لر يندن كى سنى فسادا سارى چه كرلر كنار گز. اگر كونلون سئوسه كى سنله تانرى آراسيندا آبرى بير باغيشلييان اولماسين، او دوزگون فيكردير. نيه كى ئوز پايين آپاراجاقسان. الله دان آزدا پاي وئريلسه ينه بنده لر ين چوخ پاييندان اوستوندور.

اگر ساكت اولدوغوندا، بير زاد سنه يتيشمه سه، اونى اله گتيرمك بوندان راحتديركى بير زادى دانيشماغيله السدن وئره سن. قاييندا اولان زادين باغلاماسى دوروملى اولسا، ساخلاماغى راحتدير. سنين الينده اولان زادى ساخلاماق، منيم خياليمدا او زادلارى ئوزگه لر ين اليندن ايستم راحتدير.

اومود سوز اولماغين آجى ليغى بوندان ياخشى ديركى، آداملارين قاباغيندا ال آچاسان. پاك ايش گورمك زاهيدليك ايله گناه كار وارلى اولماقدان ياخشى دير. كيشى سرينى ياخشى ساخلار. چوخلو چاليشمالار واركى اينسانين زيبائينا ديلا. چوخ دانیشان اويومسوز و يارماز دانيشار. هر كيم فيكر انده، گؤزى آچيق اولار. ياخشى آداملار ايله اوتور، تا اونلاردان اولاسان. پيس آداملاردان آيريل تا اونلاردان اولمياسان. حارام يئمك چوخ پيسدير. عاجزلره ظلم ائتمك چوخ يامان ظلم دور. او يئرده كى گئچينمك، يوموشاقليق، قيزقين ليق سائيلار او قيزقين ليق هامان يوموشاقليق دير. نئجه كى چوخ درمانلار آغرى و چوخ آغريلار درماندير. چوخ آدام واركى گره كمز گؤستريش وئرسين چون اويود وئره اما خيانت نظرى وار.

آرزى لارا آرختين اولوب گوه نمه. نيه كى آرزى، عاغيلسيز آداملارين ثروتى دير. اما عاغيل تجربه لرى نظرده توتماقدير. هامودان ياخشى سيناماق اودوركى، سناه اويود وئرسين. تا فرصت وار، چاليش قويما الدن گئتسين. هر آختاران، تاپاييلمز. هر يولدان چيخان بيرده گرى دونه بيلمز. خراب ايشلردن بيرى بودوركى اينسان توشه سين الدن وئره و آخيرتين كورليا. هر ايشين، سونى واردير. هر نه سنين قسمتينده اولسا، يتيشه جكدير. بير تاجر مال اوچون جانين خطره سالىر اما چوخ مال وارديركى بركى آزدير. آز مالدا وار ديركى

برکتی چو خودور...

پیس واسگیک آدامین یاردیمچی ییقیندا فایدا یو خودور. بیرده تهمت آلتیندا اولان یولداشدا فایدا گلمز. تا او زمانه دک کی زمانه نین، قاجماز دوه سی اختیاریندا دیر، اونسی راحت توت و آرتیق ایسته مکدن اوتری ئوزین خطره سالما. قویما میندیگین دوه هایخرب سونجو قلا سین...

قارداش یولداشیله بیرلشیب حتی ئوز چئویره لرده، یوموشاق و باغیشلیان اول. اونلار ئوز اقلاشدیقجا سن ایره لی یئری. او بر کیسه، سن یوموشاقلیق ائت اونون گناهی اولدوقچاسن عذر ایسته. بنله خیاله گل سین کی سن قول سان اوداسنین، آغاندیر. مغازات اول کی دندیک لریمی، یئریندن سوای بیر آیری یئرده ایشلمیه سن یا یارماز یئرده ایشله ده سن.

یولداشین دشمانلاریله، یولداشلیق ائتمه. چون ئوز یولداشیله دشمانچیلیق اندیرسن. او بود لاریندا قارداش یولداشلاریله یاخشی یا پیس اولسالار، حتی سنه آجیقلا نسالار یا خوش اولسالار، خالص اول. خشم ائتمه. چون کی من خشمی اوتماق نتیجه سیندن شیرین و دادلی بیرزاد بیلمه ره. سنه خشم ائده نین، قباغیندا یوموشاقلیق ائت. چون، او قه ده ر چکمزکی قانیدی ب سنه مهربان و یوموشاق اولاجاقدیر. دشمان لا یاخشی اول کی ایکی استونلوگه صاحب اولارسان. اگر ایسته دین قارداش یولداشدا فیراسان، بیر آز یولداشلیقدان ساخلا کی اگر لازم اولسا، بیرده قانیتماغا یئرقال سین. هر کیم سنین حاققیندا خیرلی و خوش خیال ائده. اونون خیالین اینان. بیرده قارداشین حاققین کورلاما. بو آرخائین اولماغیله کی سنله اونون اورتاسیندا محبت وار، خراب ائتمه. اگر اونون حاققین خراب ائتسن. داها قارداشلیق دئمک اولماز.

یئری وار سنین ائولادین و قوهوملاری سنه گوره قاراگونلی اولماسینلار. هر کیم سندن ایراق گزماغی آریر تانیشلیق وئرمه. گر کدیر قارداشلارین ایلگی قیریلما سی، سنله ائله اولاکسی سنین اونولا ایلگی و یاخشیلیق لارین ئوزه رینده پیسلیگی سندن اوستون اولمیه. ظالیم لرین ظلمی سنه یتکه گلمه سین. چون او، ئوز زیانینا و سنین فایدالانماغیوان

چالشیر. هر کیم سنی سئویندیرسه جزاسی او دگیل کی اونی کدرلندیره سن.

او غلوم بونی بیل کی روزی ایکی جور دور. بیرینی سن آختاریرسان، بیریده او روزی دیرکی سنی آختاریر. اگر اونا ساری گنتمه سنده ینه گله جکدیر. نه پیس اولور آلچاق کونوللولوک او زامان کی احتیاجین وار. و نه پیس دیر زور دنمک و برک اولماق او زامان کی واریندیر!! بوگون دونیادان گوتوره ن فایدا، او اولایلرکی نوزون او فایدالارایله اصلاح ائده سن. اگر الدن وئردیگین زادلارا ناله ائدیرسن، یئری وار الیهون چاتمیان لارا ناله ائده سن. وار اولمیان زامانلاری واراوان زامان یادا سال. نه کی دونیا ایشلری، بیریرینه بنزهرلر. او آداملاردان اولماکی گؤستریش وئرمک اونلارا فایدا وئرمز مگر زور اولار. او عاغیلی اولان آدامدیرکی ادب اثرینده اویود قبول ائدر. اما حیوانلارکتک اولماسا یولا گلمزلر.

قاباغینداکی غصه لری دوزمک و یاخشیلیق فیکری ایله اورتادان قالدیر. هر کیم اورتا و دوز یولدان چیخسا، حاقدان ایراق اولدوغوندا نوزونه ظلم ائدیدیئر. یولداش، قوهوملار کیمیدیر. یولداش اودورکی گیزلینده ده سنله دوزگون اولسون. هوس کور شریک دیر، چوخ نوزاقلار یاخین و چوخ یاخین لار نوزاق آدلانار. غریب و یوردی اولمیان آدام او آدامدیرکی یولداشی یوخدور او آدام کی دوز یولی توتیمیه گتیدیگی یول داردیر. هر کیم نوزقدیرینی بیلسه اونا قالیجی دیر. چوخ زامان بیر زادین اله گلمه مه سی، بیر جور تاپماقدیر. نه کی؟ اونا تاماه ائتمک فسادا دوشمکدیر. هر بیرتیک بللی اولماز. و هر فرصت بیرده اله گلمز. هر گؤزی آچیق و عاغیل لی آدام ممکن دور دوز یولدا خاطا ائده. اما، گؤزی گورمیه ن غافل دور یولدا اولار.

چالیش پیس ایشلردن چیخماغی دالا سال. نه کی هر زامان کونلون اولسا اونی گوره بیلرسن. قانمازلاردان آیریلماغین فایداسی، عاغیلی اولانلارا یاپیشماقدیر...

هر کیم گون گئچریندن آرخائین اولار، گون گئچری اونا خیانت ائدهر. هر کیم اونی بؤیوک و اعتبارلی سانا، اونی ذلیل ائده جکدیر. هر اوخ آتان، نشانیه وورایلمز. هر زامان بیر سلطان ده ییشیلنده، زمانه ده ییشیلر. یولدان قاباق، یولداشیندن سوروش. ائودن قاباق

قونشونی آختار.

گولملی سۆز دنمکدن کنار گز، حتی اونی ئوزگهلردن ائشیتمه. قادین لاردان مشورت ائتمگی قیراغا قوی. چون اونلارین، فیکری، آلچاق و اراده لری بؤش دور... دوواق ایله اونلارین گۆزلرین، گوروشدن ساخلا. چون، دوواقی رعایت ائتمک، اونلارا یاخشیی دیر. بونلارین دوواق ایله ائشیگه چیخماقی اوندان پیس دگیل کی آیری بیر نفره اعتماد اندیب ائوه گئیره سن. اگر باجارسان بیر ایش گورکی، سندن آیریسینی تانیماسینلار. قادینا اویماز زادلارا، قادینی مسلط ائتمه. چون، قادین بیر عطیرلی کولا بنزهر، اما ایگید اولایلمز. اونی حوهرمتیندن آرتیق بؤیوتمه. اونی تاماها سالماکی بیرینه شفاعت ائتسین. او یئرده کی غیرت لازم دگیل غیرته گلمه. چون بو ایش عفتی اولانی فیکره سالار. اهل ائولادین هره سینه بیرایش تاپشیر و او ایشبه گوره اونلاردان تکلیف ایسته.

بو ایش باعث اولار تا اونلار ایشلرینی بیربیرینین بویوننا سالماسینلار. قوهوملارین حوهرمتینی ساخلا. نیه کی اونلار سنین قول قانادین و اصل کوکوندولر و سنده اونلارا قانیدیرسن.

اونلار ایله هجوم چکیرسن. دین و دونیان، تانرییه تاپشیریرام اونون یاخشیی تقدیرینی ایندی و گله جکده دنیا و آخیرتده، سندن اوتری، تانریدن ایستیره م. سلام اولسون اونلار کی سلامالایق دیلر.

نامه ۳۲ - دن

او حضرتین معاویه به یازدیغی نامه لردندیر

آدام لارین چوخونی فساده چکدین. اونلاری فیریلداق ایله توغلادین و ئسوز فیرتینادیزینده، دالغالارا تاپشیردین تا اوشونوشلر اورتاسیندا اوینا سینلار. اونلار دوزیولدان چیخیب گری قانیتدیلار.

آتا بابالارینا اووه ندیلر اما گۆزی آچیق لار سنی تانییب آیریلدیلار و آلهه ساری گئتدیلر. او زامان کی اونلاری دیره دین، و دۆز یولدان چکدین، تانری اونلارا یاردیم

اولوب سندن ال گوتوردولر...

ای معاویه الله‌دان قورخ نوختان شیطان الینه وئرمه. نیه کی دنیا سندن آیریلجاقدیر
آخرت ده سنه یاخیندیر.
سلام اونلارا کی سلامالایقدیلر.

نامه ۳۳ - دن

(بونامه‌نی قثم‌بن عباسه کی مکّه‌ده اونون طرفیندن والی ایدی، یازمیشدی): منیم
سوراغچی لازیم، شامدان بئله یازیلار: شام اهلیندن بیر پاراسی حجه گلیرلر اما اوره کلری
قارانیق، گؤزلری کور، قولقلاری کاردیلار. اونلار حاققی باطل ایلّه آختاریرلار. بیر
یارانمیشین گناهیندان اوتری، تانری بویروقوندان کنار اولاراق، اونون یارانمیشیندان حؤکم
آپاریرلار. دینی بهانه ائدیپ، دونیانی ساغیرلار. بو دونیانی بهشت یئرینه آلماق ایستیرلر.
بوردا یالئیز یاخشی آدام خیر گوره اما پیس آدام مکافات چه کر. هر نه النده واردیر، اونسی
احتیاط ائند و عاغیللی آداملار کیمی ساخلا. چون، عاغیلی باشیندا اولان آدام، ئوز
امامیندان فرمان آپارار...

اولماسین بیرگون کی دالدا عذر ایستیه سن... خوش اولان زامان، چوخ سنوینمه. گرگین
لیگه دوشن زاماندا، اوره گین سیلکه‌لیب ئوزین ایتیرمه... سلام اولسون سلامالایق
اونلارا.

نامه ۳۴ - دن

(او زامانکی محمدابن ابی بکر میصر حکومتیندن دوشنده غصه‌لندی. مالک اشترکی میصر
والیسی اولموشدی، اما میصره چاتمیشدان اودا دونیادان گئتمیشدی. بویروبدور).
ائشیتدیم، مالک اشتری میصره یوللاماقدان کدرلنمیسن؟ منیم بو ایشیم، سنین آز
چالیشماغیندان اوتری دگلیدی. ایندی کی بو ایشی سنین الیندن چیخاردیرام، سنی بیر ایشه

والی ائده جه گم کی زحمتی آز اما امارتی خوشدور. میصیره والی ائتدیگیم کیشی، خیریمیزی دوشونن و دشمانیمیزا غالب گلندیر. تانری اونا رحمت ائتسین کی عمرین سعادته باشا وئریب تولدی. بیز اوندان راضی ییک تانری ئوز رحمتینی اونا وئرسین. جزاسین دؤنه دؤنه آرتیرسین.

ایندی آییق اولماغیله دشماناساری گئت: ساواشا گلنن ساواشینا تئزباشلا. اونی تانری یولونا چاغیر. الله دان یاردیمچی لیق ایسته تا سنی ئوزوتولردن ساخلیوب قادالاردا یاردیم اولسون.

نامه ۳۵ - دن

محمد بن ابی بکر تولدن سونرا، عبدالله بن عباسه یازمیشدی.

تانرییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا. میصری آلدیلار محمد بن ابی بکر شهید اولدی. تانریدان اونا خیر جزا ایستیریک. نیه کی بیزلره خیر سئولیین، حوءرمتلی، زحمت چکن ایدی. او بیر کسگین قلینج و آرخالی بیر دایاق ایدی. من کیشی لری اونا ساری کونول لندیردیم تا ئولمه میشدن قاباق اونا یاردیم اولسونلار.

بیر یول یوخ بلکه نئجه قات سوزومی ینی دن دئیردیم اونلارین بعضی لری نگران و کونولسوز گلیردی لر بعضی لری بهانه گلیب یا اوتوروب اعتنا ائتمیردی لر. الله دان ایستهره منی تئزلیقجا اونلارین الیندن قورتالسین. آند اول تانرییه اگر شهادت آرزى سیندا اولمییه ایدیم، دشمانی گورنده ئولومه ساری گئتمزدیم ایسته میردیم بیرگون اونلاریله یاشاییب یا ئوز به ئوز اولام.

نامه ۳۶ - دان

(او حضرتین نامه لریندن دیر عقیلین نامه سینین جساواپیندا، او زامانکی اونی بیر پارا دوء یوشچیلر ایله دشماناساری یوللامیشدی، بویوروب): چوخلو دوء یوشچیلر، اونون

یاردیمچیلیغینا یوللادیم اما او تله سیب قاچاندان سونرا قایتیدی. منیم یوللادیغیم دؤیوشچولر، گون باتان زامان، یولدا دشماناچاتیب بیر آزاراق چیریشدیلار. اما او بیر آز دایانمادی بلکه غصه دن بوغازی سیخیلانلارکیمی، بیر حالداکی یاریم چیق جانی قالمیشدی چنین لیگ ایله جانینی قورتالدی.

قریشین آزقین لیقدا چاپدیرماقلاری، دشمانچیلیقدا گزینمه لرینی و ساواشجیل لیق و سوزه باخماماقلارینی اوتور. چون، مندن سونرا اونلاری یشرلرینده اوتوردا جاقلار. چون منله پیغمبرین قرابتینی دوشونمه دیلر و خلافتی ده مندن قاچیتدیردیلار...

اما منیم فیکریمی ساواش حاققیندا سوروشدون: لازم گوروره ایلغار سیندیرانلارینان کی منله ساواش اوچون حاضر لاشدیلار، محاربه اندهم. منیم دوره مده آداملارین چوخ اولماقلاری، عزتیمی آرتیرماز. دوره مدن داغیلماقلاری دا هنج قورخوگتیرمز.

بونو فیکر ائتمه اگر آتان اوغلونی آداملار تک قویالار آلچاقلانونب یا آغلیه جکدیر یا زور آلتیناگیریب عاجرلیه جکدیر، یا خود اختیارینی بیرینه وئریب یا بیرینه اسیر اولما جکدیر!!

نتجه کی بنی سلیم ده اولان قارداش دئییدیر: اگر حالیمی سوروشسان بونی بیل زمانه نین سیخینتی سی قاباغیندا، گوجلوی و زورلی یم. چتیندیر منده غم تاپیلا تا یولداشیم آغلییه یا دشمانیم

نامه ۳۷ - دن

معاویه نین جاواییندا یازیلان نامه لر دندیر

تانییه ذکر دئیب اونوی هر عیب دن پاک بیلیرهم. نفسین آزقین اولدوغوی و حیرته قالماغی و حاققی اورتادان قالدیریب ایلغارلارین قیراغا قویولماغی چوخ تعجب لیدیر. اما عثمانین حاققیندا چوخ ال آیاق چالیب دانیشماغین جاوابی: سن عثمانا او زامان یاردیم اولدون کی انتظارین واریدی غالب اولاسان اما، سنین یاردیمچیلیغین اونون خیرینه تامام اولماق ایکن، اوندان ال گوتوردون. سلاملیاقتلری اولانا سلام اولسون.

نامه ۳۸ - دن

مالک اشتری میصیره والی ائنده اونر انین اهلینه خطاب بویورموشدی

«بو نامه نی تانری بنده سی علی امیر المؤمنین یوللور او آداملارا ساری کی تانری رضاسی اوچون خشمه گلیلر. اونون توپراغیندا گناه ایشلردن چیخیب فرمانیندا اولمییانلارا و اونون حاققینی آیاقلییانلارین قارشیندا قیام ائتدیلر...

چون: ظلم، یاخشینی، پیسی یول گئده نی، اوتورانی، قاپسادی. یاخشی ایشلر تاپیلیمیر کی آدام اونو باخماقوله سئونیسین. هابئله آزقین پوزقون ایشلردن مانع اولان یوخدور. ایندی تانری بنده لریندن بیرینی، سیزه ساری یوللادیم کی قورخولی گونده، دشماندان قورخماز او، فاسد آداملارا اوددا یاندرماقدان یاماندر. او مالک ابن حارث قارداش مذهج طایفه سیندندیر. اونون سؤزون ائشیدین، فرمانیندا اولون چون او، تانری قلینج لاریندان بیریدیر. او بیر قلینج دیرکی هنج زامان کوت اولماز، وورسا، اثرسیز دگیل. اگر او سیزلره حؤکم ائده کی دشماناساری گئدین، گئدین. دئسه قالین، قالین. نیه کی او قاباقدان گلن لیک ائتمز، ئوز چئویرمز. من دئمه سم قاباغا گئتمز.

اونون بوردا لازم اولدوغی حالدا، ینه سیزلره ساری گوندردیم. چون او سیزین خیریزی ایستیر و دشمانلاریزین آغزینی باغلار.

نامه ۳۹ - دان

عمروبن عاصه گوندردیگی نامه دندير

سن دینین او آدامین دونیاسینا باغلادین کی، آزقین لیقی بللی و حیا پرده سیده بیرتیلیمیشدی. او، قورولتای لاریندا یاخشی آداملارا عیب قونداریب عاغیلی اولانلاریدا ئوزینه تای ائدیر.

سند بئله بیر آدامین دالیندا اونون آرتیغینی ایسته مگیله، بیرکوپک کیمی کی اصلانین دالیندا گزه ر و اونون دیرناقلارینا باخیب، انتظار چکن کیمی، اونون آرتیق قالانینا گؤز

تیکمیسن.

بونى بیل دونیا و آخیرتین، الدن وئرمیسن. اگر حاققاساری ئوز چئویره ایدین، دونیسادان هر نه ایسته سه ایدین، تاپاردین. اما اگر تانری منى سنه و ابى سفیانین اوغلونا غالب ائتسه، سنى مکافاتہ چکه جاغام.

اگر منى یوردوز، مندن سونرا قاباغسا گلن بلالار چوخ آغیردیر. سلام اونلاراکى سلامالا یقديلر.

نامه ۴۰ - دن

او حضرتدندیر والى لرین بیرینه

منه خبر یتیشیدیر بیر ایشدن چیخیسان کی اگر دوز اولا، اللهی خشمه گتیریب امامین سؤزوندن چیخیب امانته خیانت ائتمیسن، منه خبر یتیشیدیر کی تاخیلی گوتوروب هر نه الله واردیر ییغیشدیر میسان الینده کیلری ده یا یتیب یا ئوزی سوه ساخلا میسان. ایندی منه حساب وئر. بونودا بیل کی قیامت گونی حساب وئرمک بوندان آغیر دیر... سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۴۱ - دن

او حضرتدندیر عامل لرینین بیرینه

من سنى بو امانتده ئوزومه ایش داش ائتدیم. کونینگیمین آستاری کیمی بیلدیم. منیم قوهوملاریمین هنج بیرى بو امانتى یتیرمکده سندن امین دگیلدیلر. اما او زامان کی گوردون زمانه عمو اوغللوا زور گلیر و دشمن اونا خشملى اولوبدور و آداملارین امانتى فساده چکیلیب، امت ده ئوزه دوروب و داغیلیلار، سنده عمو اوغللوا دال چئویریب او بیرسی لر ایله برلیکده اونا یاردیمچی اولمیوب، امانتى یئرینه یتیرمه دین. دئمک اولور کی سن چالیشماغیندا اللهی نظرده توموردون.

دئمک دن تانریہ دوغرو دگیلدین، یا تانریہ کلک ووروردون، یا ایستیردین جاماعاتی وارلارینا گوره توغلویاسان؟ ائله کی خیانت اثرینده کوجلندین یوگوروب آداملارین مال لارینی کی دول قادین لارا، آتا آناسیز اوشاقلارا ییغلمیشدی، قیوراق قورد ازوای چییشی قارمالیان کیمی، ال لریندن چیخاردیب، جاناسینرلیک ایله حجازا داشیردین. او ایشین گناھیندان نیه قورخمادین؟ سن کی آتا بابالیسان! ائله بیل کی دده مالینی ائویزه یوللورسان.

بو ایشلردن تانریہ پناه آپاریرام... دئمکدن قیامته و اورایا قائیتماغا ایمانین یوخدور؟ یا دقت لی حساب چکمکدن قورخمورسان؟ ای او آدام کی سنی عاغیل صاحبی ییلردیک، نجور اونلاری یئیب ایچمک جانیوه سنیر؟ ییلرسن کی حارام یئیب حارام ایچیرسن؟ کنیز آلیرسان؟ ائوله نیرسن؟ یتیم لرین، یوخسول لارین، جهادا گئدن مومن لرین مالینی ییرسن؟ او مال لار کی شهرلری ساخلاماقدان اوتری ایدیلر؟... تانری دان قورخ، او مال لاری ئوزلرینه قایتار.

اگر بو ایشی گورمیه سن، تانری منی سنه قدر تلندیره وقلینج ایله ئولدورمکده، تانری یابیندا عذروم اولماز.

تانریہ آند اولسون اگر حسن (رضی اللہ عنہ) یا حسین (رضی اللہ عنہ) بو ایشلردن چیخسا ایدیلر، کی سن چیخیرسان اونلاریله باریشمازدیم. بو حاققی اونلاردان قایتا دیراردیم و اونلار ائدن ظلمی باطل ائده ردیم.

آند اولسون دونیانین اللهیہ، آپاردیغین مال اگر حلال یولی ایله منه چاتا، منی سئویدیرمز تا ئوزومدن سونرا کی لارا دا ارث قویام. اودور کی دئیرم چشته زامانی، دوهنی یاواش اوتار، فیکر ائت کی غمرین باشا گلیب توپراق آلتیندا قویلانمیسان و عمل لرینده قباغیندا حاضر دیلر. او یترده سن کی ظالیم لر غصه لریندن هزارای چه کرلر. فساد ائدنلر دونیایه گری قائیتماغی آرزی لارلار.

بو، بیر حال دادر کی داما قائیتماق اولماز.

نامه ۴۲ - دن

(او حضرتین نامه لریندندیر عمر ابن ابی سلمه مخزومیه کی اونی ایشدن گوتوره نندن سونرا و نعمان ابن عجلان زرقی نی اونون یثرینه قویاندان سونرا، بئله یازمیشدی).

تانریه ستایش و پیغمبره سلامدان سونرا... من، نعمان بن عجلان زرقی نی بحرینه حاکیم و والی اتتدیم و سنیده او ایشدن گوتوردوم. سنده دانلاق یثری یوخدور چون امارتی گؤزهل وجه ایله یثرینه یتیردین بیت المالین امانتی نی یاخشی ساخلادین. ایندی، یانیمما گل کی حاققیندا پیس گمانیم یوخدور. سنی ده دانلیوب یا تهمت وورمیه جگم. سنی بورا ایسته مکدن نظریم بودورکی تانری ایسته سه شام ظالیم لرینین ساواشینا گتتمک اوچون من ایله بیر لیکده اولاسان چون بیر آدامسان کی دشمانلا ساواش ائتمکده و دینین تاوان سویکه سینی برکیتمکده منه آرخا اولایلرسن.

نامه ۴۳ - دن

(او حضرتین مصقله ابن هبیره شیبانی به کی اردشیر خوره ده والی ایدی، یازدیغی نامه دندیر): منه بیر خبر چاتیب کی اگر دوز اولسا، اللهی غضبه گتیریب و امامی آجیقلا ندیرمیسان. چون مؤسلمانلارین مال لارینی کی ساواشدا آتلار و نیزه لر گوجی و هابئله مؤسلمانلار قانیله اله گلیبدیر، ئوز تائیش عرب قوهوملاری اورتالاریندا بولوشدورورسن!

ند اولسون تانریه کی چرده گی یثره بیتیره و اینسانی یارادار. اگر بوسوز دوز اولسا، الیمدن قورتالا بیلمه ییب اعتباریندان دا آزالا جاقدیر. اودورکی دئیره م: اللهین حاققی نی اسگیک توتما و ئوز دونیان آباد اولماغی اوچون دینین کورلما کی آخرتده زییان گوره نلردن اولارسان. بونی دوشون کی، سنله منیم یانیمیزدا اولان مؤسلمانلار حاققی بولوشوکده بیردیر. اونلار او حاقدان اوتری یانیمما گلیب گئدیرلر.

نامە ۴۴ - دن

(زیاد ابن ابیهه یازان نامەدندیر: خبر واردیرکی معاویه اونا بیر نامە یازیب ایستیر اونسی قارداشلیق آدیله ئوزونه ساری چکسین): خبر گلدی کی معاویه سنه نامە یازیب ایستیر یولدان چکە. ایستیر سنین عاغیلین آزدیرسین. منده سندن ایستیرەم اوندان کنار گزەسن چون او بیر شیطاندیرکی قاباقدان، دالدان ساغدان سولدان گلیر تا بیردن بیرە غفلت اندەنلری قاپسیا و عاغیل لارینی اوغورلیا. عمرابن خطابین زامانیندا، ابوسفیان دان بیر شیطانسی و توغلیان سۆز قولاغیما چاتدی. بو سۆزی دئمک اصل و نسبی اثبات ائتمیر هئچ کیمده ارث آپارا بیلمز. هر کیم بئله بیر قولای سۆزه میلی اول، او آداما بنزەرکی ئوزونسی چاخیر ایچن لرین اورتاسینا سالار، اونلاردا هر زامان اونسی ئوزلریندن کنار قویارلار. او، بیر اودوندان اولان چاناغا بنزەرکی ال وورمامیشدان دینگیلده...

«ائله کی زیاد او حضرتین نامەسین اوخودی، بئله دئدی: آند اولسون کعبەنین اللهینە، ابوسفیان بو سۆزه شاهد چیخیبیدیر. بو سوز اونون یا دیندا ایدی تا معاویه ده اونون قارداشی اولدوغونا اقرار ائتدی».

او حضرتین بویوردوغونا گوره: واغل او آداما دییرلرکی ئوزونسی چاخیر ایچن لرین اورتاسینا سوخار، یعنی اونلاریلە ایچەر اما اونلارین جرگه سیندن اولمین حالدا هر زامان اونسی قوغالارلار و ئوزلریندن بیلمز. «النسوط المذبذب». چاناق کیمی بیر زاد دیرکی مینیگین یانیندان آسیلار، او حیوان دینگیلدی بیری دیکجه، او دا ترپه شر.

نامە ۴۵ - دن

(عثمان ابن حنیفه کی او حضرت طرفیندن بصره والیسیدی. او زامان کی ائشیتدی بصره لی لردن بیر پاراسی اونسی قوناق چاغیریلار و اودا قوناقلیغا گئیدییر، یازمیشدی).
تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... ای حنیفین اوغلی، منه خبر چاتیدیرکی بصره نین جوانلاریندان بیرسی سنی قوناقلیغا چاغیریب، سنده تله سیک گئتمیسن. هر جور

یئملی، بؤیوک قاب قاجاقدا سنه وئرلیبیدیر. فیکر ائتمیردیم کی او قوناقلیغا گئده سن. چون اونلار آجلارینی قوغلارلار اما توخلارینی چاغیرارلار چئینه دیکلریوهن باخ گور او یئمک قاپیندان نه لر یئیرسن؟ شبهه لی اولسا یا بللی بیرزاد اولما سا، یئره آت. بللی اولانسی یئی. بونی دوشون کی هر مریدین بیر باشچی سی وار. هر کیم اونون بوخو ووندا اولسا، اونون علمیندن آیدین لیغا چیخار. بونودا بیل کی سنین امامین دونیادان ایکی پارچا کهنه پالتار و یئمک لردن ایکی چوره گه قناعت ائدیدی. بونا گوره سیزلر بئله بیر دیریلیگه داوام گتیره بیلمه سیز... اما منی قوروماقدا، پاک لیقدا، چالیشماقدا و دوزگونلوکده یاردیم اولون. آند اولسون آلله، دونیادا قیزیل ییغمامیشام، مال آرتیرمامیشام بو چورک و پالتاریم اولان یئرده، آیری کهنه پالتار آلمامیشام. دونیادا بیر فدک الیمیزده ابدی کی اونادا بیر پارالاری پاخیل اولدولار. بیر پارالاریدا اونی باغیشلیوب، گری اوتوردولار... تانری ئوزی بوردا باخشی قاضی اولا بیلر. فدک یا اوندان آیرسی، نه ایشیمه گلر؟ چون گله جکده آدامین یئری قارائلیق قویلاقدیر و اثرلری و خبرلریده ایته جکدیر. اورا بیر یاللاغاندیرکی، هر اندازا قویلاق قازان اونی گن گوتورسه، ینه داش کسک اورانی دارالدا جاقدیر و دلیک دئشیک لرینی ده توپراقلار توتا جاقدیر.

من بو فیکرده ایم کی، نفسیمی قوروماغیله عادت وئره تا قیامت گونی ایاغیم بودوره مه سین. اگر ایسته سم با جاریغیم وار سوزولموش دوری بال یا بوغدا چوره گی بییم یا گئیدیگیم ایپک پارچالاردان اولسون اما، منه هوس ال تاپابیلمز تا تاماهین چوخ اولدوغی مجبور انده دادلی هر جور یئمه لی ییم. اما حجاز یایما مه ده بیرینین چوره گی اولمیه یا توخ اولماق اونون یادینا گلمیه!...

منه یاراشماز توخ قارین ایله یاتام اما کناریمدا آج قارینلار، سوسوز اوتکه لر، اولسونلار یا او جور اولام کی بیر سؤز صاحبی بئله دئییدیر:

(بو آغری سنه بسدیرکی گنجهنی دولی قارین ایله یاتاسان اما کناریندا بیر پارالاری شیندیر درینین آرزی سیندا قالالار).

آیا نفسیمی بونا قانع ائدیم کی دئسین لر بو امیرالمومنین دیر؟ اما دونیانین برک بوشوندا

اونلاريله بير اولمويام؟ منى ياراتميو بلاركى يئمه لى يئمك لرايله باشيمى قاتيم يا بيخولى حيوانلار كيمي كى فيكرى يالنيز يئمكدير يا بوراخيلميش حيوانلار كيمي كى حتى زييل لرى دئشه لر، تا بيرزاد تاييب يا قارنينا هر نه گلدى، دولدورسون اما دوشونمه سين كى اونسى نه اوچون بسله بيرلر؟ منى بوندان اوترى ياراتميو بلار، ايشسيز ايشسيز وئل دولانيم يا آرزقنيلق ايپين دن توتوب شاشقين هر يانا گئده م؟ شايد سيزلردن بيريسى بئله سويله سين: اگر ابوطالب اوغلونون يئمكى بونلار اولسا، گوجى اولميه جكدير رقيب لر يا ايگيت لرايله قارشى لاشسين.

اما بونى بيلين چؤلده اولان سوسوز آغاجين اودونى هامودان داواملى اولار بير حالداكى سولى يئرين آغاجلارينين قاينى نازيك دير. چولده اولان بيتگى لر ين آلووى يانارلى ولى سونمه گى هامودان گئج اولار.

منيله اللهين رسولى ايكى بوداق كيمي يا ايكى قولا بنزه ريک كى بير بدنن ديلر... آند اولا الله، اگر عربلر منله ساواش اوچون بيرله شه لر، اونلارين قاباغيندان قاچمارام. اگر فرصت اليمه دوشسه ده، اونلارا قارشى گئده رهم. بير او قه ده ر زامان چكمزكى بو قولاي كيشى نين وجودينى يئر ئوزيندن سيله رهم تا بوغدادان كسگ پارچاسيني ائشيگه آتان كيمي، اونى ائشيگه آتام.

اى دونيا! مندن ال گوتور چون كى نوختان كوهانين اوستونه آتميشام. اليندن، ايپيندن، گنديشيندن، سويروشماغيندان ئوزيمى قاچيرتميشام. هانى او آداملار كى مزاح ايله اونلارى اويونچاق ائديب توغلادين؟ هانى او آداملار كى بزه كلرين اونلارى آلداديپ آزديردى؟ ايندى ده اونلار قويلاق داشلارى آلتيندا گيرو ساخلانييلار.

آند اولا الله. اى دونيا، اگر بير آدام كيمي گوروكن و بيلينن اولاندين، آلههين حدودينى سنين حاققيندا جارى ائده ردیم. آرزى لارا خاطر توغلاديغين آداملارين انتقامينى، سندن آلارديم. قاراگونلو انتديگين شاهلارى كى ياماجلاردان ديغير لانديريپ اونلارى يوخاچيخاردارين، بير بلا ياللاغانينا سالارديم كى داها قاييتماق اولماز.

من سنه توغلانمارام نيه كى هر كيم سن اولان چوخورا ياخيلاشا سوروشر. سنين

بورولغانیوهن دوشوب، بوغولار، هر کیمسه سنین تله ایپسندن قاچا، نجات تاپار. هرکیم سنین الیندن سالم قاچسا، یری دار اولموش اولسادا قورخوسی یوخدور. دنیا اونون باخیشیندا باتیب گئدن گونش کیمی گلر.

ای دنیا، مندن ئوزاق اول، سنه هئچ زامان اسیر اولمارام کی منی اسگیک انده سن، سنه یوموشانمارام کی فرمان وئره سن. آند اولسون تائریه کی یالنیز اونون اراده و ایسته گینی قبول انده رهم. ئوزومه ائله عادت وئره رهم کی بیر پارچا چوره ک و بیر آز دوزا قناعت انده. گؤزلریمی ائله ئورگه ده رهم کی یاشلاری کاسادا قورويا.

او حیواندیرکی اولتیوب قارنین دولدورار سونرا دایانیب دوشر یا قویون سوروسی کیمی اولتیانندان سونرا یاتان یئرینه گئدرا!...

آیا علی اونلار کیمیدیر؟ کی یسین، یاتسین؟ گؤزوموز آیدین اگر ایللر بویونندان سونرا سوروده اولتیانلاردان تقلید انده!! خوش او اینسانین حالینا کی اللهین واجب لرینی یئرینه گتیره، برکه دوشنده دوزومی اول، تا او زامانا دک کی یوخی اونی سیخا، یاتماقدان کنارا گزه، یاتاندا، قوری یترده الینی یاسدیق کیمی باشینن آلتینا قویا و قیامت قورخوسونندان آییق قالانلار کیمی دوداقلاری تانری ذکرینده و اوندان باغیشلانماق ایستییه. بئله بیر کیمسه لر، تانری حزبیندن دیلر و او حزبه اولانلار قورتولانلاردیلار.

ای حنیفین اوغلی، الله دان قورخ کی بیرتیکه چوره ک، تانری دان نجات تاپماق اوچون بسیندیر.

نامه ۴۶ - دان

او حضرتین نامه لریندیر، والی لرینه

تائریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... سن او آداملاردان سان کی دینی ساخلاماقدان اوتسری من اونلارین یاردیمچی لیگینه باغلیام. گناهی اولان عاصی لری، یئرلرینده اوتوردارام، دشمنین قورخولی یولونی باغلارام.

او ایش کی سنی غصه لندیره ر الله دان یاردیم ایسته. دین یولوندا، شدتله یوموشاق لیغی

بیرلشدیر. مدارا ائت او زامانکی، گورورسن مدارا یاخشیدیر. شدتلی اول او زامانکی گورورسن شدت سیز ایش قاباغا گنتمیر. اینسانلاری، قانادین آلتینا ییغ. گولر ئوز و یوموشاق اول. هر جور باخیشدا یوموشاق یا غضبلی هامونی بیر گؤزده گور تا ظالimler و بؤیوک باشلار، سنین شدتیندن تاماها دوشمه سینلر و امرین آلتیندا اولانلاردا اومودلارین سندن ئوزمه سینلر... سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۴۷ - دن

(او حضرتین وصیت لریندندير حسن و حسین علیه السلام او زامان کی ملعون ابن ملجم اونا ضربت ووردی).

سیزلری تقوالی و الله دان قورخماغا چاغیریرام. دنیا حتی سیزلری آختارا ینه اونون دالینجا دولانمیون. اگر بیر زادی الیزدن آلسادا، اونا کدرلنمیون. دوز دانیشین. ایشی ساوایندان اوتری گورون. ظالیمه دشمان اولون، مظلومدان حیمایت ائدین. سیزلری و ائویمده تامام اوشلاقلاریمی و او آداملارکی منیم نامه م اونا یتیشسر، تقوایه و الله دان قورخماغا و ایشلریزی یولونا سالماغا و محاربه لر علت لرینی آرادان قالدیرماغا چاغیریرام.

نجه کی جدیز پیغمبردن ائشیتدیم، بنله بویوراردی: ایکی نفرین آراسین باریشدیرماق تامام اوروج نامازلاردان یاخشیدیر. الله دان قورخون، الله دان قورخون یتیم لرین حاققیندا. اونلاری آج ساخلامیون و قویمیون فساد دوشسونلر.

الله دان قورخون، الله دان قورخون، قونشولاریزین حاققینداکی اونلار پیغمبر تاپشیرماسیدیلار. بوتاپشیرماقدانله خیال ائتدیک کی اونلارادا ارث قرار وئره جکدیر. الله دان قورخون الله دان قورخون قرآنین حاققینداکی ئوزگه لر اونا عمل ائتمکده سیزلردن قاباغا گنچمه سینلر.

الله دان قورخون، الله دان قورخون ناماز حاققینداکی او دینین دایاغیدیر.

الله دان قورخون، الله دان قورخون کعبه حاققیندا، اورانی بوش قویمیون. اگر بوشونا

بوراخیلسا، تانری عذاب وئرمکده سیزه مجال وئرمیه جکدیر.

الله دان قورخون، الله دان قورخون، تانری یولوندا جهاد ائدین. مالیزدان، جانیزدان، دینیزدن و بیربیریزه یولداش اولون. بیر بیریزه باغیشلایین. بیربیریزه دال چئویرمکدن و آیریلماقدان، کنار گزین. بیربیریزی یاخشی یولسارا چکماغی و پیس ایشلرین قاباغین آلینماسینی، ایسته یین. یوخسا قولای آداملار، سیزلره اوستون گلرلر. اوندایالوارماغا مجبور اولارسیز، داها فایدا وئرمز.

ای عبدالمطلبین ائولادی، ایسته میرهم الیزی مؤسلمانلارین قانینا بولاشدیراسیز و دیه سیز امیرالمومنین ئولدورولدی. بونی بیلین قاتلیمدن سوای هئچ کیم منیم قصاصیمه ئولدورولمه سین.

باخین، اگر اونون ضربه سیندن ئولدوم، سیزده اونسا بیر ضربت وورون. اما گره کدیر پارچاتیکه اولماسین، من اللهین رسولیندن ائشیتدیم کی بو یوراردی: ئولن لری پارچاتیکه ائتمکدن حتی سیزلری، کوپک لرله اینجیتیمیش اولسalar، مانع اولون.

نامه ۴۸ - دن

او حضرتین نامه لریندیر معاویه یه

ظلم، یالانچی اولماق، اینسانین دین و دونیاسین خارابلار. اینسانین ناقص اولدوغونی ئوزه چیخاردار. سن بونی یاخشی بیلرسن کی تقدیرله الیندن چیخانلاری بیره تاپابیلیمه جکسن. بیر پارا آداملار، بیرپارایشلری ترسه سینه گورورلر. اللهین آیدین فرمانلارینی ئوزلری سئوهن کیمی یورورلار. تانری اونلاری یالانچی تانیر. ایندی قورخ او گوندن کی ایشین سونی یاخشی اولان سئوینه جا اما او آدام کی اختیارینی شیطان الینه تاپشیریبدر، پشیمان اولاجاق.

اما سن قرآن اهلی اولمیه اولمیه، منی قرآنین حؤکموئه چاغیردین. منده جاوابین وئرمه دیم بلکه، قرآنین حؤکمونی قبول ائتدیم. سلام اولسون او آداما کی سلاملا یقدیر.

نامه ۴۹ - دان

او حضرتین نامه لریندن دیر معاویه

تانییه حمد و ستایش و پیغمبره سلامدان سونرا... بو دنیا اینسان اوچون باش قاتماق یثری و اودونیانین ایشلریندن غافل ائده ندیر. دنیانی سئوه، دنیا سبب لریندن فایدالانماز یالنیز تاماهی چوخالیب اونا بئل باغلار. دنیانی سئوه، دنیا وارلیقلارینا هر زامان محتاج اولدوغی حالدا، آخرت نعمت لرینه ینه محتاج دیر. بونلار بیر حالدادیرکی اله گلندن سونرا آیریلماق وار و یثرینه محکم اولموش حالدا ینه سینیب داغیلاندیر. اگر گئچمیش لردن عبرت آلسان، و گله جکده نوزوندن مغایات اولسان، فایدالاناجکسن، سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۵۰ - دن

او حضرتین نامه لریندن دیر سینیرلرده کی عسکرلره

تانی بنده سی علی امیرالمومنین دندیر، سینیر قورو قچولارینا: تانییه حمد و ستایش و پیغمبره سلامدان سونرا... یثری وار دیر والی نین مقامی آرتیردیقجا، جاماعاتا گوره حالی دیشیلیمه سین بلکه، تانی و ثرنه نعمت لر اونی مؤمن قارداشلارینا یوموشاق انتسین. آییلین منیم سیزلره حاققیم بودورکی هئج سری محاربه دن سوای سیزلردن گیز لتمییم و هئج بیر ایشی ده شرعی حؤکمدن سوای مشورت سیز گورمییم، حاققیزی الیزه چاتدیرام. تسا اونی کماله یتیرمه سم، ال گوتور مییم، بیرده حقوقدا، هامونی بیرگؤزده گورهم. اگر منیم گئچینمه م سیزایله بئله اولسا، آله خدا نعمت لرینی بیزلره تامام ائده ر. منیم حاققیم سیزلره اودورکی فرماندا اولوب، مندن ئوز چئویرمییه سیز. چتین ایشلرده، حاق یولوندا چالیشاسیز.

اگر بئله اولمییا، عناد ائندنن آلچاق آدام، منیم یانیمدا یوخدور. بئله آدامین منیم یانیمدا قاچیش یولی یوخدور. گره کلی دیر اونی سزاسینا چاتدیرام. سیزلر بوقراری

باشچی لاریزدان اورگه نین. همدە ئوزوزدن او زادلاری باغیشلیون کی تانری اونلارین سببینه ایشلریزی یولونا سالار. سلام اولسون اوناکی سلامالایقیدیر.

نامه ۵۱ - دن

(او حضرتدندیر خراج آلان والی لره خطاب: تانریه حمد و ستایش و پیغمبره سلامدان سونرا بو بیرنامه دیر تانری بنده سی علی امیرالمؤمنین دن تحصیلدارلارینا). هر کیمین قاباغینا بیر ایش گلسه، ئوز ایشلرینین اثرینده دیرکی گرهک نتیجه سیندن ده قاچماسین. چون: ئوزوندن اوتری بیرزادکی اونى عذابدان نجات وئرسین، یوللامیوبدور. بونى ییلین، هر نه کی اونون قیلینماقینا مأمور اولموسوز آزدیر، اما ساوایی چوخدور. اگر تانری ظلمی نهی ائتسه ایدی، آداملار آرتیق لاشا گئندنه، عذابدان قورخمازدیلار. اما ظلمدن ایراق گزماغین بیر ساوایی وار کی اوندان، ال چکمگه عذر یثیری قویمور. ایندی ده جاماعات ایله انصافلی اولون. اونلارین ایستکلرینه دؤزون. چون کی اونلارا امین و وکیل اولموسوز. جاماعاتین ایسته گینی یثرینه یتیرین. ایستکلریندن مانع اولمیوب خشمه گتیرمیون. وئرگی آلاندا، یای، قیش، البسه لرینی، حیوانلارینی و خدمتچی لرینی ساتماغا، مجبور ائتمیون. بیر کیمسه نی درهم و دیناردان اوتری وورمیون. مؤسلمانلارین و جزیه وئره لرین ماللارینا ال آتیمیون. آنجاق آت یا آیری نه سنه لرلرکی اونلاریله مؤسلمانلارا ظلم اولونار آلین سین. نیه کی یاراشماز او نه سنه لر ایسلامین دشمانلاری الینده قالیب اونلاری قدرته گتیره. ئوز ئوزوزه او بودو وئرین. عسکرلریزه یاخشیلیق ائدیپ جاماعاتا یاردیم اولون. اللهین دینی نی گوجلندیرین. تانری یولوندا هر نه یثیری وار، اونى واجب ییلین. چون تانری بیزلردن ایستیر اونون احسانى قارشیندا، چالیشاق و شکر ائدک. الیمیزدن گلنه قه دهر اونا یاردیم اولاق، کی هئچ قدرت تانری دان سوای آیری لارین الینده دگیل.

نامه ۵۲ - دن

شهرلرین والی لرینه، نامازلارین زامانی نی بویورور

تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا: جاماعات ایله گون اورتا نامازین قیل، تا او زامانا دک کی کولگه بیر آز گنجی کومه سی بویی، یا ییلسین. بو، فضیلتلی زاماندير. اونلار ایله ایکیندی نامازینی، گونش آغاریتیسی ئولوشگه مه میشدن، یا ایکیندینین اورتا بؤلومونده ایکی آغاج یول زامانی قالانادک ناماز قیلین. گون باتان نامازین دا اونلار ایله او زامان قیل کی اوروجون افطار زامانی دیر یا حاجی لار منایه ساری گئتمگه باشلیرلار. عشا نامازین او زامان قیل کی گونشین آل رنگی داها بللی اولمور تا، گنجه نین اوچده پیری سووشسون. اونلار ایله سحر نامازی قیل او زامان کی بیر کیشی بیرینین ئوزینی گورور. اونلاریله عاجزلرکیمی و مختصر ناماز قیلین تا یورولماقدان فیرتینا یارانماسین.

نامه ۵۳ - عهدنامه لردن

باغیشلیان و مهربان اللهین آدیله. بو بیر حؤکم دور اللهین بنده سی علی امیرالمؤمنین مالک بن حارث اشتره، یازیدیر. چون اونو میصیره والی ائتمیشدی تا اورانین خراجینی بیغسین، دشمانلا ساواشسین جاماعاتین حالینی یولونا سالسین، اورانین شهرلرینی آباداتسین، بئله هدایت ائدیر:

حؤکم ائدیر الله دان قورخسون، نفسین قؤرولاسین، اونون کتایبندان یول اویره نسین نیه کی هر واجب و مستحب ایشلر اگر اونون حؤکمی اولماسا آغ گونه چیخا بیلمز. قاراگونلی او آدمادیرکی اونون یولوندان چیخیب ایشلرینی کورلیا. بیرده تانییه اوره کدن ال و دیل ایله یاردیم اولسون چون کی تانری هامونین یاردیم چیلیگینی قبول ائدهر و حوءرمت ائدهنی حوءرمتلی ساخلار. امر ائدیر نفسانی شهوت لر غلبه ائندنده، نفسین قؤرولاسین و اختیارینی الدن وئرمه سین، چون اگر آلههین رحمتی اولماسا، ایستکلر، نفسی، پیس یولا چه کرلر. بونی بیل ای مالک، من سنی او ولایت لره گونده ریرم کی

سندن قاباق، او یئرلرده عدالتلی یا ظالیم والی لر، حؤکمرانلیق ائتمشدیلر.

نئجه کی سن اوتن والی لرین ایشلرینه باخیرسان، جاماعاتدا سنین ایشلریونه نظر سالیملار. سنهده او سوزلری دییه جکلرکی، سن اوتن والی لرین حاققیندا تائیرسن. یاخشی آداملاری دا اونلارین دیلندن تانیماق اولار. گره کدیر گله جکده ن اوتری یاخشی آرتیرمان و یاخشی عملین اولسون.

نفسین قاباغین آل. هر شئی کی اونا حلال دگیل گره گینده بیلمه. هر کیم نفسین قاباغین آلا، سئوه یا سئومیه، عدالتدندیر. جاماعات ایله یوموشاق اولماق و اونلاریله خوشلوق و یاخشیلیق لاری اؤرگینده یئرلشدیر.

اونلارا بیر آوچی یا بیریر تیجی حیوان کیمی اولما تا یثماقلارینی غنیمت بیله سن. نیه کی اونلار، ایکی بولومده دیلر: بیر پارالاری سنین دین قارداشلارین دیلار، بیر پارالاری دا، یارانماقدا سنله بیر دیلر. اگر اونلاردان بیر گناه باش وئره علتی واردیر کی ایستر ایسته مز اللریندن قاجیر. بوردا اونلارین خاطالارین باغیشلا. نئجه کی سئویرسن تانری سنین خاطالارین باغیشلا سین. هاماں جورکی سن اونلاردان اوستون سن، تانری دا سندن اوستوندور و سئویرکی اونلارین ایشلرینی گوره سن. چون اونلاری سنه یوخلاییش سببی قرار وئریدیر.

اولمیه کی ئوزین تانری ساواشینا حاضر انده سن و سونرادا عذابینا دؤزه بیلیمیه سن. یقین بیل باغیشلانماغا چوخ احتیاجین واردیر. سنده هئچ زامان باغیشلاماقدان پشیمان اولما. یا عذاب وئرمگه سئوینمه و غضب نئمگه ده تلسمه. دئمه کی من امر اندیرم و هر نه دئسم قبول اندین. بئله بیر فیکر، دینی فسادا چکیب اوره کلری خاراب ائدر و نعمت لری الدن آلا.

اگر حکومت سنی ششه لندیره و ئوزین بؤیوک باش ساناسان، اوندا اللهین بؤیوک لیگین و حکومتین نظرده توت کی، سندن اوستوندور و سنه ائله قدرتی وارکی سنین ئوزیوه او قدرت یوخوندور.

بو باخیش و اعتقاد سنین قابارماغین و داشغین اولماغین قاباغینی کسر. آرتیقلاشا

گنتمانغین قاباغین آلا ر و الدن چیخان عاغلین سنه قایتارار...

تانرییه بؤیوکلوک ساتماقدان کنار گز. ئوزین اونون کیمی بیلمه، چون، تانری هر بوینی یوغونی و ششه لینی اونم دن سالار.

تانری ایله انصافلی اول. ئوزین، قوهوملاری، الین آلتیندا ایش گوره نلرین طرفیندن، جاماعات ایله اینصافا گل. اگر عدالتلی اولمیه سن، ظالمیر جرگه سیندن سن. هر ظالم اللهین دشمانی دیر. هر کیم تانرییه دشمان اولسا، عذرینی قبول ائتمز چون او تانری ایله محاربه ائدیر. مگر کی قئیدیب توبه ائده.

هنج زاد اونون نعمت لرینی الدن و ثرمک اوچون، اونون بنده لرینه ظلم ائدیپ و اللهی خشمه گتیرمکدن پس دگیل. چون تانری مظلوم لارین ایسته یشین تئز ائشیده ر و ظالم لرین پوسقوسوندادیر. هر ایشین اورتانجی یولونی توت تا، عدالت اولان حالدا، جاماعاتا خوش اولسون. چون هامونی خشمه گتیرمک اثری، نئچه نفری راضی سالماق اثرینی، آرادان آپارار. اما، نئچه نفرین خشمی هامونون قاباغیندا اثری یوخدور. الین آچیق اولان زامان، قوهوملارین یوکی، والی لره هامودان آغیردیر. اما ال باغلانان زامان، هامودان آز یاردیم ائده لر و هنج زاماندا بیرلیگی سئومزلر. ایستکلری آرتیق دیر اما باغیشلاماقلاری و شکر ائتمکلری آز دیر. باغیشلاماقلار گنج اولسا عذرلری قبول ائتمزلر روزگارین حادثه لرینده صبرلری آز دیر و سن ایله دگیل لر.

اما اونلار کی دینه آرخادیلار همده مؤسلمانلارین چوخ اولدوغی سبیدن دشمانلا ساواشماغا حاضر اولانلار، هاموسی جاماعاتدان دیلار. گره کدیر اونلاردان اولاسان. جاماعاتین ایچینده او آدامدان ئوزاقلاشیب دشمان اول کی عیب آختاران دیر. اما هامودا عیب اولار. ینری وار والی، او عیب لرین اوستونی ئورتسون. هر نه جاماعاتدا عیب اولسا، ائشیب دئشمه. بلکه بیلسنده، اونلاری ئورتمه لیسن. چون گیزلین لرین قضاوتی، تانری یانیندادیر. باجاردیقجا جاماعاتین عینی ئورت. کی تانریدا سنین عیب لرین ئورتر. جاماعات ایله آجیق ساخلاما، انتقام آلماق فیکرینی باشیندان آت. بیلمه دیگین زادلاردا ئوزین کنار اچک. سؤزدولان دیرانلارین سؤزلرینی تئزایانما. چون سؤزدولان دیران آدام اگر اویود

وثره ن لر کیمی اولسادا، ینه خائن و آدام توغلیاندر. مشورت لرینده پاخیل آداما یؤل وثرمه کی سنی یاخشیلیقدان قویار و یوخسول لوقدان قورخودار. قورخان آدامی یانیوهن قویما، چون سنی ایشلرینده تنبل ائدهر. تاماهجیل آدامدان دا، کنار گز. چون کی سنده تاماهین چوخلوغوندان، ظلمه ساری گنده رسن. دئمک اولورکی پاخیل اولماغ، قورخو، آج گؤزلولوک، بیر طبیعتلردیلرکی اینسانی، تانرییه نسبت شبهه لندیره لر.

هامودان پیس وزیرلر اونلاردیلرکی سندن قاباقجا پیس آداملارین وزیر ی ایدیلر و اونلارین گناهلاریندا شریک ایدیلر. اودورکی بئله بیر آداملاری یانیوهن قویما. چون اونلار گناهکارلارین یاردیمچی سی و ظالیملره قارداشدیلار.

سن اونلاردان یاخشی بیر کیمسه لری تاپایلرسن کی مشورت لرینده اونلار کیمی دیر اما، اونلار کیمی گناهی یوخدور، خرجی ده سنه آز اولار. همده یاخشی یاردیم اولای بیلرلر. سنه چوخ یوموشاق و سندن آیری لارینا، یولداش دگیل لر.

بونلاری ئوز مجلس لرینده هامودان یاخشی آدام تانی. او آدامی قبول ائت کی آجی اولسادا، حاق سؤزی آرتیق لاشا سؤلییه بیلسین. سنی ایشده و دئیشده حتی تانری سؤمیین یئرده آجیقلا نماغیهن باخمیه راق هامودان آز تعریفله سین. دوزگون و زاهید آداملار ایله اولسون. اونلارا ائله عادت وئرکی، آز تعریف اندن اولسونلار. کیچیک و قولای ایشلرده سنی سئویندیرمه سینلر. چون کی تعریف ائتمک لر، اینسانا شیشه لیک گتیریب اونی داشیردار.

اما اولمیه کی یاخشی ایله پیس آداملار، گؤزونده بیر ئولچوده اولسونلار... چون، یاخشی آدامی ایشینده کونولسوز و پیسی ده جسارتلندیره ر. اونلاری، ایسته دیکلری و سئچدیکلری کیمی اجرت وئر. یاخشیلیق ائتمک لر، اونلارین یوکونی یونگول له ده ر. خصوصاً او ایشلرده کی گره کمز ایدی گورسونلر... یئری وار سنین گنجینمن ائله اولسون کی جاماعات سنین حاققیندا خوش خیال ائتسین لر، بو ایشین اثرینده. چوخلو زحمت لر سندن زایل اولار.

بیرینه خوش خیال اولماغین او زامان یاراشارکی سندن اونلارا یاخشیلیق یتیشیدیر اما سنه پیس لیک ائده ن لردن شبهه لی اول.

یاخشی عادت و مراسم لری، بیری بیرینه وورما چون، جاماعاتین بؤیوک باشلاری او گئدیشده اولوبلار. بو سببدن اورتالاریندا بیرلیک تاپیلیدیر. گرہ کمز بیر یول یا بیر عادت اونلارین ایچینده قویاسان کی اونلارین گنجیمیش اصول لارینا زیان وورا. بونا گوره ساوایی او آدمیندیر کی بو عادت لری قویودور اما او سنت لری سیندیر ماغین گناهی سنه یتیشر. شهر لری ساخلا ماقدان اوتری و جاماعاتین ایشی نظاما دوشوب و سندن قابا نظاملار حاققیندا، بیلجی کیشی لریله دانیش، هابنله دوزدانیشان و یاخشی ایش بیلن لر ایله صحبت ائت.

بونودا بیل کی جاماعات نچه بؤلوم دیلر:

— اونلاردان بعضی لرینین ایشی بعضی لرایله گورولر.

— اونلاردان بیر بؤلومی اللهین عسکرلریدیلر.

— بیر بؤلگوسی ده یازیچی لردیلر کی گیزلین یا آچیق حالدا یازارلار.

— بیر بؤلگوسی، قاضی لردیلر کی عدالتله ایشلری وار.

— بیر بؤلگوسی ده، ایش دولان دیرانلاردیلار کی انصافی اونودمازلار.

— بیر آیری بؤلوک، ذمه اهلی یا جزیه وئرن لردیلر کی مؤسلمانلارا جزیه وئرلر.

— بیر بولوگی ده آلیش وئریش ائنده ن لر و ایش باجارانلار دیلار.

— بیریده اشاغا گروپدا محتاج لار و یوخسول لاردیلار.

تانری ئوز کتابیندا یا حضرت پیغمبرین سنتینده، بونلارین واجب اولونموش حصه لرینی بللی ائدیدییر و یا بیزیم یانیمیزدا ساخلانییدیر.

عسکرلرده تانری امریله، جاماعاتین داواملی قالالاری دیلار. والی لرین زینت و یاراشیق لاری، دینین عزتی، حکومتین راحتلیغی دیلار. جاماعات اونلارسیز قالایلمز. دوء یوشچیلرده خراجسیز یا شایاییلمز لر. چون، بو خراجلار وسیله سیله تانری اونلاری دشمانلار قاباغیندا گوجلندیره ر تا ایشلرینده دایاقلاری اولوب احتیاج زامانی آرخیین اولسونلار. بو ایکی دسته راحت اولاییلمز لر مگر او چونجوسی کی، قاضی لردیلر و مالیات عامل لری و دیوان یازیچی لری کی ایشلری ده بولونا سالارلار و مؤسلمانلارین

عمومی و خصوصی ایشلرینده امین دیلر. بونلارین ایشلری ده آلیش و ئیریشچی و صنعت صاحبیلره یولادوشر. چون، تانریدان گلن فایدالار ايله، بازار ایشلرینی دولانديرارلار و او ایشلری گوره لرکی آیری لارینین الیندن گلمز.

بونلاردان سونرا، آلقاق بوئلوم، یوخسول و زاواللی لاردیلارکی باغیشلاماق و حمایه اونلارا واجب و یترلیدیر... بو دسته لرین تانری یانیندا یاشایش و راحتلچیلیق حاققلاری واردیر. هابئله والی لرین یانیندا حاققلاری وار تا ایشلرینی یولونا سالسین والی ده بیرایش گوره بیلمز مگر کی، چالیشا و الله دان یاردیمچی لیک ایستیه و ئوزینی حاق یولوندا ایشلره حاضرانندیب، راحت یا چتین ایشلرده ده صبری اولار.

عسکرلریندن او آدمی ایش اوسته گتیر کی، الله، پیغمبر و امامین یولوندا، خیر آختاران صبرلی، پاک آورەک، عذر قبول ائدن، یازیق لارا رحمی گلن، اونلاريله زور دانشانلارا خشم لی اولان و خشم ائدن زامان، عصیانە چکیلیمیه. بیرده چوخ یوموشاق اولمیه کی هامی اونی عاجزله ده. هابئله او آداملاردان سئچ کی، باخشی آدلی سانلی دیر. بیرده بؤیوک باش، کیشی نئجه لیک، ساواش ائدن و باغیشلیان اولار.

اونلارین ایشینده بیر آتاکیمی فیکر ائت، اما او یاخشی لیق لار سنین گؤزونده بؤیوک جلوه لئمه سین. یاخشیلیق هر اندازا آز اولسادا نظره کیچیک گلمه سین چون حتی آز یاخشیلیق اونلاری سنه یوموشاق اندر. بو اوموداکی بؤیوک و کیچیک ایشلرده یاردیم چیلیگی اونودمیه سن. چون، سنین احسانین آز اولسادا، بیر یئر وار کی اوندان فایدا آپارارلار و بیر زامان وارکی بؤیوک احسانا هامی محتاج دیر.

عسکرلرین بؤیوگی گره کدیر او آدم اولاک، اونلاريله یولداش کیمی بیرلیکده یاشاسین و الیندن گلن قهده ر، اونلارا احسان ائتسین تا ائولادلری زحمته دوشمه سینلر. بیرده دشمنین محاربه سینده سنله ال بیر اولوب، آورە کلری سنه ساری یوموشاق اولسون.

او زادی کی والی لری سئویندیره ر، شهرلرده عدالت و جاماعاتی سئومکدیر، اونلارین یولداشلیقی او زامان بللی اولارکی دوزگون یاشاسینلار. بیر نفر دوزگون قالایلمز مگر کی والی لری ساخلیه بیلر. یانلارنیدا اولوب ایشلرینی آغیر بیلیمه لر و حکومت لرینین

سونونى گۈزلە مەلەر. سەندە اونلارنىن آرزى لارىنى يثرىنە يتىر. اونلارى آلفىشلايىپ، زەمت لرىنىن قەدرىنى بىل. چەن اونلارنىن ياخشى ايشلرىن تانىتىدىرماق، اونلارى جەسارەتە گىتىرەر و قورخاق اولانلارى دا چالاشماغا مەجبور اندەر.

هەرەنن زەمتلرىنىن قەدرىنى بىلمەك ايله، بىرىنن زەمتىنى او بىرى سىنىن حەسابىنا يازما. اونى والى دن اومودسوز ائتمە. اجرتىنى، زەمتى قەدەر هر نە تئز وئر. بىرى بۇيوك اولسادا، اونون كىچىك ايشىنى بۇيوتمە. بىرى اشاغا بۇلگودن اولسادا، اونون بۇيوك ايشىنى كىچىك سانما. او چتىن ايشلردە كى حىران قالىرسەن، اللەھىن كىتابىنا و حەزرت پىغمبەرىن سىتىنە باخ. چەن، اللە، سئودىگى آداملارى ھەدايت اندەر. «اى ايمان گىتەرەن لىر: اللە دان، اونون پىغمبەرىندىن والى لرىندىن اطاعت اندىن. اگر بىر حۇكەمدە داغانا قلىقادوشدوز، تانىرىيە و اونون پىغمبەرىنە رجوع اندىن» مەھكەم حۇكمى قرآندەن، سەنت لرى حەزرت پىغمبەردن آلەن كى ھامى بويولى سئوەر. بىغار و قويماز داغىلىسەن. قضاوت ايشلرىندە، جاماعاتىن ياخشىسەن اختيار ائت. او آدمى كى بو ايشلر اونا چتىن اولماسەن. ساواشانلاردا، چوخ دىرەنماغىلە سۇزلرىنى و اىستەك لرىنى اونون بويونغا قويماستىنلار. يانلىش ايشلردە دايانماسەن. حاققاسارى گىتەماقدا، عاجز قالماسەن، اونون نەفسى، تاماھامىل ائتمەسەن. آز فەكر و دوشونماقەلە، تئز ايشە باشلاماسەن. شەبەلردە دوزومى ھامودەن چوخ اولسون. دىل لرى ھامودەن كىسگەن، شكەيت لرى ائشەتەماقدا دزوملى، دوگونلرى آچماقدا صەبرلى، حۇكم وئەرەن زامەن حۇكمى كىسگەن اولار. بىر اىنسان اولاكى چوخ تەرىفەلە مەك اونا شەشە لىك گىتەرمىوب اونى توغلاماقەلە بىر طرفە مايىل ائتمە. بئلە بىر نەجە لىكە حاكىم، آزتاپىلار.

اونلارنىن قضاوتلرىندىن خەبرىن اولسون، اونلار يەتەش. او قەدەر اونلار باغىشلاكى، راحەت گىچىنە بىلسەن لىر. و آدمالارنى باغىشلاماغىنا مەحتاج اولماسىنلار. يانىندا اونون مقامىنى آرتىر تا آيرى لرى اونا گۇزەتەكە سەينلر. تا اونى آرادەن آپارماغىلە، راحەت اولسونلار. او دوركى قاضى لرى سەچماقدا، بو دندىگە سوزلرى، يادىندا ساخلا. نەھەكى بودىن، پەس آدمالارنىن الەنە دوشەر اوندە ئوز اىستە دىكلرى كىمى اونولا يول گەندەرلەر. دىسەن آدەنە دونىانى قارمالارلار.

سندھ والی لرین ایشلرینده دقت ائت. امتحان ائده ندن سونرا، اونلارا ایش تاپشیر. اما مشورتسیز و اؤزباشینا بو ایشی گورمه کی خیانت و ظلم سائیلار. بئله والی لری تجربه لی، حیالی، ایسلامدا اول و زاهید عشیره لرین ایچیدن سنچ. چون اونلارین اخلاق و نئجه لیکلری دوزگون، حوء رمتلی، تاماھلاری آز و ایشلرینده گله جاغی گوره ندیلر.

اونلارین یاشایش موجب لرینی آرتیق وئر تا اصلاھا گلیب گوجلنسین لر و اللرینه یتیشنی یتمه سینلر. بونلار بیر دلیل دیلر کی فرمانیندا اولوب، امانتده خیانت ائتمزلر.

اونلارین ایشلرینه یتیش. دوزگون مفتش لری، ایش اوسته چاغیر. چون اونلارا آختاریجی قویسالار، اونلاردا مجبور اولارلار ایشلرینی دؤزگور سونلر. و جاماعات ایله مدارا ائدیپ یوموشاق اولسونلار.

ئوزون خائن یولداشلاردان کنار ساخلا؛ کی اگر اونلاردان بیرسی الی خیانته چولقانسا و مفتش لر اونی سنه یتیره لر، هامان خبر کفایتدیر. بوناگوره اونی مجازات اوچون جزالاندیر. ذلیل ائت و خیانت ائده ن لردن تانی.

خراج الماقدادقت ائت کی خراج وئرهن لرین صلاحی اوندادیر. خراج وئرهن لرین ایشی دوزلمه سه. آیری لارین ایشی دوزلمز. نیه کی هامی خراج یوليله گنچنیر.

گره کدیر یتره، خراج الماقدان چوخ باخاسان. چون هر کیم خراج آلا اما یتری آباد ائتمیه، شهرلری خاراب ائده ر، جامعاتی ئولومه چه کر، ایشی راست گلمز. اگر خراجین آغیرلیغیندان عارض اولسالار، یا اکین لره بیر بلا گله یا اکین لری سوسوزوندان یانسا یا یاغیش یاغمیا یا یترلرینی سوباسا، اونلارین یوکونی یونگول ائت تا ایشلری دوزله سین. هر قه ده ر اونلارین ایشلرینی راحت ائتسن، داھا آغیر گلمز. چون آزالتماق و یونگول توتماق بیر اندیرمه دیرکی شهرلری آباد ائتماغیله سنه قایتارارلار. بیرده اونلاری اویماق و ستایش ائتمک و اونلاری ئوزیوه ن ساری چکماق، اونلارین گوجینه دایاق اولماق، اونون نتیجه سیدیر.

جاماعاتین فیکرین راحت ائتماق و اونلارا آرخائین لیق وئرکم و عدالت گوسترماقلار، سنه بیر دایاقدیر. بویاخشیلیق لاردان سونرا اگر بیر حادثه ئوزوئر، اوندا خوش کونول ایله

دایانارلار. چون کی آباد ئولکه دن هر نه ایسته سن آلا بیلر سن. اما هر ئولکه نین صاحبی یوخسول اولسا، ویران اولار. شهرلرین ساکن لری او زامان یوخسول اولارلارکی، عامل لر، مال بیغماغا باشلیوب، ایشلری اوسته دایانمازلار. چون گله جکلرینه آرخیین دگیل لر. قالماقلارینا دا اومودلاری یوخدور، زمانه نین حادثه لریندن عبیرت آلمازلار.

یازیچی لریوهن دقت ائت. اونلارین یاخشی سینی ایش اوستونه گتیر و سر ساخلییان، صالح لرینی کی سنه قابارمازلار یا طغیان اندهن دگیل لر، ئوزیوهن مخصوص ائت. اونلارکی سنه قاج دگیل لر غفلت لری باعث اولمیه عامل لرین یازی لرینی سنه یتیرمکده و او یازی لرین جاواین یازماقدا غفلت ائتسین لر، سندن آلانی، سنه وئره نی، اونودمازلار. ایلقلارلارینی سست اندیب یا اونوی سیندیرمازلار. او ایلقلار کی سنین زییانیوهن دیر اونوی سیندیرمکده باجاریغی اولار. ایشلرینده یئرلرینی تانیهر لر. چون هر کیم ئوز قدرینی بیلمه سه، ئوزگه نین قدرینی نئجه بیلر؟

بو کاتب لری سئچمکده یالنیز عاغل و آرخیین لیکلری سئوهن لره دایاقین اولماسین، چون اونلارین بعضی لری، والی لرین نظرینی ئوزلرینه ساری چکماقدا گؤرونوش لرینی بزه لرلر. اما گیزلینده، امانتدن و مصلحت دن اثر یوخدور.

سن اونلاری سیناقا چک. هامان خدمته کی سندن قاباقکی والی لره ایشلردیلر، ایشلت. یعنی آرخیین اول کی اونلارین ایچینده هامیدان یاخشی و امین هانسی دیر؟ بو، تانری دینی نین و اونون ولی سینین صلاحیندا اولماغین علامت لریندن بسیریدیر. ایشلریوهن بیر وکیل تیک. اما ائله اولماسین کی ایشین یؤیوکلیگی اونوی قدرتسیز یا قاریشیق ائتسین. کاتب لرینده هر نه عیب اولسا و سنده اونلاردان غافل اولاسان، مسئول سان.

داها آلیش وئریش چی لر حاققیندا تاپشیرماقلاری قبول ائت. سنده عامل لره تاپشیرکی اونلارا یاخشیلیق انده لر.

اونلارین بیر یترده اولانلاری و گلیب گئندهن لری وار. ال ایشیچی لری کی فایدا یتیره لرلر، ئوزاق و چتین یوللاری، چؤل، دنیز، داغ داش گزه نلر، آدام اولمیین یئرلر و قورخولی ئولکه لرده قورخمیبوب گئندلری وار کی بیرکیمسه ابله ایشلری یوخدور.

اونلارین ایشلرینه دالدا بوجاقدا یا گۆز قاباغیندا یتیش. اما اونلارین ایچینده، تا ماهجیل پیس آلیش وئریشچی، پاخیل، ییغیب ساتمین، باهاجیل لری ده واردیرکی بو ایشلری، جاماعاتین ضررینه و والی لری پیس آدلیم اولماقلارینا ساییلار. گره کدیر مالی ییغیب ساخلییانلاردان مانع اولاسان. چون آللهین رسولی او ایشین قاباغین آلاردی... آلیش وئریش گره کدیر راحت و عدالتلی اولسون، دوزترازی چه کن اولسوب ترازی لرینده بیرینه آرتیق بیرینه اسگیک وئرمه سین.

هر کیم سن دیندن آرتیق، مال ییغیب ساخلییا اونی جزاسینه یتیر تا آیری لرینده عیبرت اولسون اما، اندازادان آرتیقلاشا گتتمه.

الله دان قورخ، الله دان قورخ. قالمیش، چاره سیز، یوخسول، محتاج، خسته دوشن و قدرتسیزلرین حاققینی یئرینه یتیر. چون اونلارین ایچینده ده یوخسول واردیرکی، دیله گتیره بیلمز. تانری رضاسی اوچون اونلارین حاققینی وئرمه لی سن. مؤسلمانلارین انباریندان غله لر و یئردن اله گلن فایدالاردان، ئوزاقدا، یاخیندا هاموسینا بیر هاوا وئرملی سن و اونلارین حاققینی گۆزله مک، سندن ایسته نیلیدیر. اولمیه کی نعمت لر ایچینده قویلائیب یوخسول لارا وئرمیه سن؟

هنچ زامان کیچیک ایشی بؤیوک ایشدن اوتری کنارا قویماغا معذور دگیلسن. اودورکی یوخسول لارین ایشلرینه یتیش. اونلارا قاش قاباق ساللاما. هر کیمین الی سنه یتشمه سه ده بیه اونون ایشینه یتیش. آلچاق طبقه لرینده، کی بیر کیمسه اونلاری حسابا گتیرمز، اؤره گین اله گتیر. آرخاین اولدوغون آدمی اونلارا ساری یوللا تا اونلاری دیله توتسون. الله دان قورخوب اونلارا آلچاق کونوللی اولسون همده اونلارین ایستک و سؤزلرینی سنه یتیر سین. اونلارین حاققیندا اوجور گنچین کی تانری یانیندا، عذرین قبول اولسون، چون کی او طبقه، عدالته، هامودان آرتیق محتاج دیلار. اونلارین حاققینی یئرینه یتیرمکه ده، عذر و دلیلین اولسون یتیم لره و اختیاردان دوشن لره عهده دار اؤل، نیه کی چاره لری کسلیلیدیر...

بئله دوشونولورکی دئدیک لریمیز والی لره آغیردیر چون، حاق سؤز هر زامان آغیردیر. اما، تانری او آغیرلیغی، صبر انده ن لره و یاخشی امک ایستیین لره، یونگول لندیره ر. دوغروسى

بئله دیرکی اللهین وعدهلرینه آرخایین دیلر.

زامانیندان بیر آزینی محتاج لارا، مخصوص ائت و اونلارین ایشینه یتیش مکدن اوتیری، عمومی بیر مجلسده اوتور. تانریه تواضع ائت. عسکرلره و قاپوچی لره اجازه وئرمه اونلارا زحمت وئرسین لر بلکه، اجازه وئر قورخوسوز و دیل لری توتمیین حالدا سؤزلرینی دنسین لر. من اللهین رسولیندن نئجه یول ائشیدمیشم کی بویوراردی «هنچ امت پاک اولایلمز مگر کی سؤزونو و حاققینی آیدینلیق جا و قورخوسوز بیان ائده».

سنده اونلارین ایتی یا کتره دانیشماقلاریندان دارقینیب، اینجیمه، حتی ئوزه چکمه. قیزقین اولماق و شتته لیگی، ئوزوندن کنار ائت تا، تانری رحمت قاپولارین ئوزیوهن آچسین و اونون فرمانیندا اولماغین ساوایینی سنه نازل ائتسین. هر زاد باغیشلاسان، ائله باغیشلاکی خوشلوق اولسون. باغیشلاماساندا، حوءرمتلی حالدا عذر گتیر.

ایشلرین ایچینده بیر پارا ایشلر واردیرکی گره کدیر ئوزین گوره سن:

— بیرری، والی لره جاواب وئرمکدیر او زامان کی یازیچی لر جاواب وئره بیلمز لر.

— بیریده جاماعاتا جاواب وئرمکدیر او زامانکی، عامل لر جاواب وئرمکده کدرلی

اولارلار.

هر گونون ایشلرینی هامان گون بیتیر. نیه کی هر گونون بئیر ایشی واردیر. زامانلارین یاخشیسینی و پاکینی کی سن ایله تانری آراسیندا دیر، ئوزین گوتور. بو نولابئله هامی زامان، اللهین دیر و اگر نیت لر دوز اولسا، هامویا راحتچیلیق دیر. گره کدیر اللهین واجبلرینی اونون یاخشی زامانیندا بیتیره سن بونا گوره گنجه یا گوندوزدن، تانری اوچون کنارا قوی. اینجیسن ده چالیش، تا اوردا خالص اولاسان. اگر نامازین جماعتله قیلیرسان، اونلاری اینجیدیب نامازی دا ده یه ردن سالما. چون کی جاماعاتین ایچینده خسته و ایشی اولان اولار. اللهین رسولیندن (ﷺ) او زامانکی منی یمنه بوللوردی، سوروشدوم اونلار ایله نئجه ناماز قیلیم؟ بئله بویوردی:

اونلار ایله عاجزلر و گوجسوزلری کیمی ناماز قیل. مؤمن لره یوموشاق اول بیرده ئوزین جاماعاتدان قیراغا چکیب گیزلنمه. نیه کی والی نین دالدا قالیب گورونمه ماغی اونون شدتین

و بيلمه مزلېگين بيلينديره. همده ايشلردن خبری اولماز. بئله ليکده بؤيوک اينش كيچيک و كيچيک ايش بؤيوک، پيس ياخشی، ياخشی پيس، دوزگون أیری، أیری لرده دوزگون لرایله قاریشار. والی ده بیر اینساندیر هر نئی اوندان گیزلتسه لر، بيلمیه جکدیر. حاققیندایر نشانه سی یوخدور تا اونولا تانیسین. سنده بو ایکی نفردن بیر، اولای بیلرسن:

– یا باغیشلیان، سخاوتلی و ال آچیق سان، اوندانیه ئوزین گیزله دیرسن؟ و بیر حالداکی واجب حاققی، یثری وار یثرینه یتیره سن، ندن اونودورسان؟

– یا باغیشلامیان، پاخیل و دارگوژسن. ینه نیه ئوزین گیزله دیرسن؟

او قهدهر چکمز کی هر ایکی حالدا جاماعات، سندن ال گوتوره لر، اومودلارین کسرلر، بیر حالداکی گوجین چاتیرا و نلارین ایستکلرینی یثرینه یتیره سن. بو ایشلرین سنه زحمتی یوخدور. چون ظلمدن شکایت اندیرلر و عدالت آختاریرلار.

والی لرینده اقربالری وارکی عادت اندیلر بیر پای أیری لاردان آرتیق اولسونلار. سن اونلاری کنار سالماغیله ظلمی کوکوندن، کس. هئج بیرینه امک سیز باغیشلاما. گره کمز اونلاردا، پاخیل اولوب بیر اکین یثری آلماغیله یاسو ایچه جک یثریندن اوتیری، قونشو یثرلی لره زیان و ورالار یا بیر آغیر ایشین گورولماغینی، اونلاردان ایستیه لر. بئله زاد لارین قایداسی اونلارا یتیشر اما زیانی و عیبی دنیا و آخیرته سنه گلر. حاق هر کیمین اولسا، اونی یاخین صاحبینه یتیر. بوباره ده، دوزوملی اولماغین ساوا بینی الله دان ایسته. حتی بو حاققین اجراسین ئوزگه یا قوهوملارین بیرینه شامل اولسا، ینه سونونی نظرده توت کی یاخشی اولاجاقدیر.

اگر جاماعات سنی ظالیم بیلسه لر، دلیل ایله عذرین اونلارا آشکار ائت و پيس خیال لارینی باشلاریندان چیخارت کی صبر، عدالت، یوموشاقلیق و رفتارین، اونلاری یولا گتیره و ایسته دیک لریوه ده چاتارسان. دشمن ایستیین باریشیدقا اگر تانری رضاسی اولسا قبول ائت. چون دوء یوشچیلرین دینجه اوتورارلار و غصه لر باشلاریندان چیخار. شهرلرین راحت اولارلار...

اما امان امان باریشانندان سونرا ینه دشمنانان کنار گزمه لی سن چون ممکن دور دشمنان

بوبارىشماغىلە ايستىرسنى غفلتدە ساخلاسين. اودوركى احتياطلى اول ھىچ زامان خوش خيال اولما. اگر دشمانلا بير قرار قويوب يا اونا امان وئرمىسن، سۇزون اوستە دور و بوينىوان آلديغىن دا، يئرئىنە يتير. ايلغارىندان دا دفاع ائت چۇن جاماعات قاتماقارشىق و ھەر جور عقىدەدە اولسالار، ينە سۇز اۇستە دورماغى بۇيوك واجبلىردن بىرلەر. بوندان اوترىكى سۇزلىرىندىن دۇنماغىن پىس نىجەسىن دادىبالار. دندىگىم كىمى اگر امان وئردىن داھا اونى آياقلاما. دشمانى دا توغلاما و بو ايشىلە تانرىيە جىسارت ائتمە كى زاوللى و عاغىلى اولمىين آدمالارين ايشلىرىندىن. چون تانرى پىمانىندا امان وئرىدەر و اونا بىر حرىم قويوبدور تا اونون دالداسىندا ياشاسىنلار. اودوركى قولايلىق و توغلاماق اجازەسى وئرىلمىيودور.

سندە بير قرار قويوب يا ايلغار باغلاما كى اوندا قاچاق يولى آختاراسان يا تاويل اندىب بھانە گتىرەسن. ايلغار وئره ندىن سونرا، ايكى آنلاملى سۇز ايشلتمە و ايلغارىن چتىن اولدوغى سنى مجبور ائتمە سىن كى ايلغارى، سىندىراسان. بو چتىن يولدا صبرىن فايدالارى و ياخشى حالدا قورتولوشى، او حىلەدىن كى اونون عذابىندان قورخوسان و يا، تانرى طرفىندىن سوروشولاجاقسان و قاچاق يولودا يوخدور تا عذر اىستىەسن، اوستوندور. حاقسىز يئره قان توكمەكن قورخ. چون ھىچ زادىن عذابى، حاقسىز يئره قان توكمەكن چوخ دگىل.

گناھ آرتىراند، نعمتلىرى آرادان گوتورەر و عمرى قىسسالدار. تانرى قىامت چاغىندا اول باشدا ناحاق يئره توكلن قاندىن سوروشار. بوناگورە، قان توكمەغىلە حكومتىن حاراما چكەم. چون حارام يولداقان توكمەق، اينسانى قىلدىن سالار و آرادان آپارىب يا آيرى لرىنە چئوپەرەر. بىلە بىلە ئولدورماغا منىم يانىمدا عذر يئرى يوخدور. گرەكدىر حتما قىصاص اولما. اما اگر خاا ائدىب يانلىشماغىلە بىرىنى ئولدورە يا شمشىر الىندىن قاچدى يا يومروق توخوندى يا اوندان آيرى زادىلە بىرى ئولدى، گرەكدىر حكومت باشىندا اولماغىن، سنى شئشە لندىرمەسىن. اولمىە كى شئشە لىك سنى مجبور ائندە ئوزىن ھامودان يوخارى توتاسان و توكلن قانلارىن قىصاصىنى آلايلىمەسن.

شۈشە لىكەن كىنار گز شۈشە لىگە آرخائىن اولماق، ئوز تعريفىنى ائشيدىب اونى سىئومك شىطان ايشيدىر. يوگورور تا ياخشى آداملارى اورتادان قالدىرسىن.

ياخشى اولماغىلە، جاماعاتا منت قويما، گوردوگون ايشى بۇيوك سانما، وعدە وئرسىن. ترسە سىندە اولما. منت قويماكى منت قويماق، ياخشى ليغىن قيمىنى آزالدار. ايشى بۇيوك بىلىندىرمك، حاق چىراغىن سوندورەر. خلاف وعدە وئرمك، آللهين خشمىنى آرتىرار نىجەكى بويوروبدور «آللەين يانيندا يىكە دشمان اودروكى دىيە اما عمل ائتمىيە».

زامانى چاتماسا، ايشلردە تلىسمە، چاتسادا يوباتما. هابىلە غضبىلن او يئردەكى، دوز يول ايتىر. يوموشانما او زامان كى. البىن اونا چاتىبدىر. هرزاد يئرىندە و هر ايشى زامانىندا گورملى سن. هامى شريك اولان زادى، ئوزيوەن چىخىب يىيەلنمە...

بىللى اولانلارى دا بىلەبىلە اونودما كى هامويايىرلىدىر. او قەدەر زامان چكىمز اونلارىن حسابىن سندن چە كرلر. او زامانكى سرلرىن ئورتوگى كىنارا چكىلر، مظلوملارىن حاققى ظالimlerدن آلتىنار پىردە غضبلى و قىزقىن اولان زامان، البىن، دىلىن، قۇرولا. خشم ائندن زامان بىر آز يوبان تا آرام اولوب اختيار البىندن چىخماسىن. هىچ زامان آرام اولما بىلمەسن مگركى يادا سالاسان، آخىردە تانرىيە سارى قائىدە جكسن.

سەنە واجبدىر قاباقكى والى لرىن عدالتىنى و اونلارىن ياخشى سنتلرىنى دوشونەسن سا پىغمبردن قالان اثر يا تانرى كىتابىندا اولانلارى، ياد ائدەسن. بىزلر اقتدا ائدەنە سەندە اقتدا ائت. چالىش بو عهدنامەدە اولانلارى باشا آپاراسان. مەن، بو عهدنامەدە دئدىگىمى سەنە دئدىم. اگر نفسىن يولدان چىخسادا بىھانە يئرى قالماسىن.

الله دان سوای هىچ كىم پىسەن ساخلىيان و ياخشىلىغا چاغىران دگىل. حضرت رسول (ﷺ)، وصىت لرىندە مەنە تاپشىرمىشىدى ناماز اوخوماقدا و زكات وئرمكەدە چالىشام. مەندە او حضرتىن وصىتىنى سۇزلىرىمىن سونوندا سەنە يتىردىم كى هر نە اولسا، اللەين اىستە دىگىندىن دىر.

الله دان اىستىرەم بۇيوك قدرت و رحمتىندن، بىزە توفىق وئره تا رضاسىنى الە گتىرەك و اونون يانيندا آيدىنجا عذر موز اولما. شەرلردە ياخشى آد، ياخشى اثرلر، نعمت و كرامت و

سعدت لر ایله عمری باشا یتیره ک. شهادت بیزه نصیب اولاکسی بیزلر اونسی سئوهریک. پیغمبرین ئوزینه و پاک سؤلاله سینه سلام و صلوات اولسون.

نامه ۵۴ - دن

(طلحه و زبیره یازان نامه دندیرکی عمران بن حصین و سیله سیله یوللامیشدی. بو نامه نی، ابوجعفر اسکافی، مقامات کتابیندا، علی (علیه السلام) نین تعریفینده یازیدیر).
تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... اما سیزلر نتیجه گی بیلردیز اما گیزلین ساخلادیز. من جاماعاتین دالینجا دوشمه دیم. اونلار منه ساری گلدیلر تا ئوزلری بیعتیه راضی اولمادیلار، من اونلارین بیعتینی قبول ائتمه دیم. سیز ایکی نفرده اونلاردان ایدیزکی منله بیعت ائتدیز. جاماعاتدا منله بیعت لری، اوناگوره دگیل دی کی الیم آچیق و مالیم واریدی. سیزلرده منله کونول رضاسی ایله بیعت ائتدیز بوناگوره تا زامان گئچمییوبدور، قسائیدین و توبه ائدین. اگر آشکاردا، کونولسوز بیعت ائتدیز، اما گیزلینده او بیعتی کنار ائتدیز، بو علتیه آراماق یولونی منه آچیق قویدوز. آند اولسون جانیم سیز تقیه ده او بیرری مهاجرلردن آرتیق دگیلدیز. چون منیم بیعتیمی سیندیرماق، سیزلره بو بیعتدن قاباقجا ممکن ایدی. خیال ائتدیز من، عثمانی ئولدورموشم؟ سیزلر ایله منیم آرامیزدا قضاوتیه، مدینه لی لردن واردیلارکی حتی منه بیعت ائتمییوبلر، سیزلرده سوءبکه ک دگیل لر. او زامان الی بو ایشده اولان بللی اولار.
ای قوجا کیشی لر، فیکریزدن دال اوتورون. چون بوگون، دنیادا اوتانماق و آخیرتده ده، اللهم اودی واردير.

نامه ۵۵ - دن

او حضرتین نامه سیدیر معاویه یه

تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... اولو تانری، دنیانی آخیرت اوچون وجوده

گتیردی تا دونیاداکیلاری سیناقا چکیب، یاخشیلاری تانیسین.

بیزی دنیا اوچون یاراتمیوبلار و اوندان اوتری ده چالیشماغا مأمور اتمیوبلر بلکه، بیزی دنیا به گتیرمکدن نیت یوخلاماقدیر تا سنی منله و منی سنله یوخلاسین و بیریمیزی او بیریسینه دلیل گتیرسین. اما سن قرآنی دونیادان اوتری تفسیر ائتدین بیر قارایاخدین کی الیم و دیلیم اوندان خبرسیز ایدیلر. سن شام اهلی ایله بیرلیکده او افترا نی منیم بونوما ییخدین. بیلن لر بیلیمین لری و دورانلار، اوتورانلاری قورشالادیلار.

تانریدان قورخ و یاخان شیطان الینه وئرمه. آخیرته ساری ئوز چئویرکی سنیله منیم یولوموز دور. اللهین بلاسیندان چکین کی کؤکون قازار. من سندن اوتری تانری به آند ایچیره م کی دیلمده یالان یوخدور. اگر زمانه سنیله منی ئوز ئوزه چیخاردا، دایانارام تا تانری آرامیزدا حؤکم ائتسین چون او یاخشی حؤکم ائدندیر.

نامه ۵۶ - دان

(او حضرتین وصیتیندن دیر شریح بن هانی به، او زامان کی اونی شاما یوللیان عسکرلره امیر اتمیشدیر). هر سحر آخشام الله دان قورخ. دونیانین توغلاماغیندان چکین. هئچ زامان دنیا به سوءیکه لنمه. اگر نفسین قاباغین آلماسان، هوسلرین چوخلوقی، سنی اویان بویانا چکیب زییانی توخونا جکدیر. نفسین قاباغین آل. خشمی ده ازیب آرادان آپار.

نامه ۵۷ - دن

(او حضرتین نامه لریندن دیر کوفه لی لره، مدینه دن بصریه گلن زامان بویورموشدی). تانری به حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... من عشیره مین ایچیندن ائشیکه چیخدیم. ظالیم یا مظلوم اولسامدا، فرماندا اولسام یا اولماسامدا، نامه م هر کیمه چاتسا، اللهی اونون یادینا سالیرام تا یانیمه گلسین. اگر یاخشی آدام اولسام، منه یاردیم اولسون پیس اولسامدا دنسین تا حاق یولونا گئدیم.

نامه ۵۸ - دن

(او حضرتین نامه لریندندیر شهرلرده اولانلارا یازیدیر و صفینده اولان ماجرا لرینی سویلور). اولده بیز ایله شام اهلی گوروشدوک. بو بیر حالدا ایدی کی، تانریمیز، پیغمبریمیز، دین میز بیر ایدی. تانریه ایمان گتیرمکده، پیغمبری تصدیق ائتمکده، یولوموز بیر ایدی بیز اولارلدان و اولاردا ییزدن ایسته ییردیلر اعتقادیمیزی آرتیراق. آنجاق بیر اختلافیمیز واریدی و اودا عثمانین قانی حاققیندا ایدی کی بیزیم الیمیز اوقانا بولاشما میشدی. اما دندیک گلین بوگون فیرتینالار اودلارینی سوندورماغیله، جاماعاتی سوسوق ساخلییاق. بیر ایش گوره ک کی آتیشما اولماسین. چون چیرپیشاندان سونرا، داهایا چاره سی یوخدور تا ایشلر دوزه له و ییزده حاققی یولوناسالاق. اما دندیلر بو ایشی بیز زورایله بیتیره ریک. بئله اولدی تا ووروشماق اودی آلیشدی و ایشلر چه تین اولدی. چون ساواش و چیرپینماق بیز ایله اوللاری قاپسادی و دیرناقلارینی بیزلره باسادی. اوندا ایدی کی من دین لری قبول ائتدیلر...

بیزده اولارین چاغریشینی ائشیده رکن اولارلا یاردیم اوچون حاضر لاندیق تا حجت اولارلا تامام اولسون و عذر ینری قالماسین. هر کیم بوسوزون اوستونده دورسا تانری اونى نولومدن و چوروکلردن قورتالار. اما هر کیم برکیه، آزقینلیقدا قالیب اللهدا اونون اوره گینی، قارانیقلا ر ایله چولقار. پیس بلالاردا، اونون باشی اوسته فیرلانارلار.

نامه ۵۹ - دان

حلوان دوعیوشچیلرینین باشچیسی اسودبن قطبه یه یازمیشدیر

تانریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... اما والی نین سؤزلری هردن بیر جور اولسا، اونى عدالتدن ئوزاقلاندیرار. اودورکی گرگ حاققی ینرینه یتیرمکده، هامی اونون گؤزوننده بیر مقامدا اولسونلار چون کی ظلم ایله عدلی، بیرلیکده توتمازالار. او ایشدن چیخماکی اونون تاینی، ئوزگه لرده سنومیرسن. نفسین او یولدا آپارکی واجبدیر، خیر جزاسی وار و

عذابدان قورخودار.

بونى دوشون، دونيا بلا يئرى دير. اونى سئون اينسان، هئچ زامان اوندا راحت ياشاماز. ياشاسادا، قيامت گونى اونا غصه گتيره. هئچ بيرزاد سنى حاققامحتاج اولماقدان مانع اولا بيلمز. حاققلاردان بيريده، نفسين قاباغين آلماق و باجسارديغين قهدير جاماعاتين راحت ليغيندا اللهماقدير هر نه بويولدا قازانسان، باغيشلاديغيندان اوستوندور. سلام اولسون سلامالايق اولانلارا.

نامه ۶۰ - دان

(اللهم بنده سى اميرالمومنين على (عليه السلام) دن شهرلرين عامل لرينه كى عسكرلرى اونلارين بؤلگى لرinden گئچير). تانرييه حمد و پيغمبره سلامدان سونرا... عسكرلريمدن بير پاراسيني خراج آلماغايوللاديم، كى تانرى ايسته سه، سيزين ولايتدن ده گئچه جكلر... نئجه كى تانرى بويوروب، منده تاپشيرميشام اذيت ائتمه سينلر، ضرر وورماسينلار. بو ايلغارا گوره، سيزلره و ذمه اهلينه يتيشن اذيتلردن منيم نفرتيم وار مگر كى آجليق، بير عسگري مجبور ائده ياقارنى دويماغايچاره سى اولميه. هر كيم زور دئسه يا ظلم ائده، مجازات ائدين. عاغيلسيزلرى، اونلارا اذيت وئرمكدن مانع اولون. من داليزدا گليرهم اول الله، اگر بير كيمسه اونى رفع ائده بيلمه سه، منه رجوع ائدين. تانرى يارديمي ايله، اونى سيزلردن ئوزاقلانديرارام.

نامه ۶۱ - دن

(بو نامه نى كميل بن زياد نخعى به كى «هيت» ده اونون واليسى ايدى، يازير و بئله عيب توتوركى نه اوچون دشمان عسكرلرى اونون يئرinden گئچيب و مؤسلمانلارى سويماغا گنديلر اما، مانع اولميويدور؟)

تانرييه حمد و پيغمبره سلامدان سونرا... هر كيم تاپشيريلميش شنى دن مغايات اولميووب

الدين وئره يا بير ايشده كي اونا تاپشيرميويلار زحمته دوشسه، عاجز اولدوغونى و خاراب فيكرينى بللى ائدير. سن نيه ئولكه ن بوراخيب قرقيسيا شهرينى تالان ائتمه گه گئتميسن؟ بو بير حالدا ديركى سينرلرينده، كى سنى اورا والى گوندر ميشيك، بير كيمسه يوخدور تا گوزله سين و دشماندان قورولاسين؟ بو خاراب فيكر دير. نئجه بير كورپو اولموسان تا دشمانلار اوردان گئچيب يولداشلاريميزين سويقونلوغونا گئتسين لر؟ نيه سنده قدرت يوخدور؟ نيه دشمان سندن قورخموردى؟ نيه يول باجانى باغليا بيلمه دين؟ نيه دشمانين جلالينى پوزمادين؟ نيه بير كيمسه قويمايشدين تا اوراينين جاماعاتينى قوروسون؟ اميرالمؤمنين ده راضى سالا بيلمه دين...؟ سلام اولسون سلامالايق اولانلارا.

نامه ۶۲- دن

ميصير واليسى مالك اشتر ايله يوللاديغى نامه دندير

تانرييه حمد و پيغمبره سلامدان سونرا... تانرى حضرت محمدى (ﷺ) مأمورائتدى تا دونيا اهلىنى، تانرى عذابىندان قورخوتسون. نيه كى او پيغمبرلر يولونون شاهدى دير. چون او حضرت دونيادان گئتدى، اوندان سونرا مؤسلمانلار اونون يئرینده اوتورماغا بيرى بيرى نين جانينا دوشدولر.

آند اولاللاه، هئچ زامان خاطريمدن كئچمير دى كى او جنابدان سونرا، عربلر خلافتى اونون سؤلاله سيندن سواى، بير آبرى سينا تاپشير سينلار، يا منى خلافتدن مانع اولوب زحمته سالسينلار و فلائكسين اتگيندن تودوب بيعت ائتسينلر.

بئله ليكه ده ال ساخلاديم چون گوردوم كى بير پارا جاماعات اسلامدان دؤنوب ايستيرلر حضرت محمددين (ﷺ) دينى نى آرادان آپارسينلار. بوردا قورخدوم كى اگر مؤسلمانلارين و اسلامين يارديمينه گئتمه سم، بير گرگينليك قاباغاكه كى مصيبت و غصه سى، منه حكومت و ولايت پاي سيزليقيندان آرتيق اولال. بئله بير حاكم اولماق كى اونون داوامى نئجه گوندن آرتيق دگيل، نئجه سى ساراب كيمى تثر آرادان گئدر. يا بير داغيلان بولوت كيمى اولار. اودوركى او قاتما قارشيق لارين قاباغيندا، آياغا قالخديم تا فيرتيناو چوروک ايشلرين

قاباغی آلیندی و ایسلام دینی ئوزقارینا گلدی.

آند اولسون اللهه، اگر من ئوزتکیمه اونلاریله قارشى لاشسام، اونلاردا دونیا ئوزونى توتسالار، ینه اونلاردان قورخمارام. من اونلارین آزقین لیقدا قالمالاری و ئوزومون هدایت یولوندا اولدوغومی یاخشى بیلیرم و اونا اینانمیشام. اونون لقاسینی آراییب، یاخشى جزا سینا گؤز تیکمیشم. اما منیم غصه‌م اوندان دیرکی، بو جاماعاتا، عاغیلسیز و پیس آداملار حاکیم اولارلار و اللهین مالینی آرالاریندا ال اله دولاندیریب، تانری بنده‌لرینی ئوزلرینه قول تیکماغیله یاخشى آداملاری دشمان بیلیب پیس آداملاری ئوزلرینه یولداس ائده‌رلر.

اونلاردان بیرى، سیزین یانیزدادیرکی چاخیر ایچدی و اونا حد ووردولار... یا اونلاردان بیرى وار کی ایسلام دینینه گلمکدن اوترى بیر زاد باغیشلادیلار تا مؤسلمان اولسون. من بونلارین سیزلره حاکیم اولماغیندان قورخورام. اگر اونلار اولماسایدیلار، سیزلری جهادا چاغیرمازدیم، دانلامازدیم، بیر یرته ییغماغا چالیشمازدیم. هر زامان کی سست اولوب جهادا گتتیردیز، ئوز حالیزا بوراخاردیم.

مگر گورموسوزکی سینیرلریزه ال آتیبیلار و یرلریزی الیزدن چیخاردیرلار؟ یا ئولکه‌لریزه محاربه واردیر؟ تانری سیزی باغیشلا سین. دشمانیله محاربه‌یه گئدین. ائولریزه اوتورمیون کی ذلیل اولارسیز. محاربه ائدهن آیقیدیر. هر کیم یوخلاسا دشمانی یوخلامیوبدور. سلام اولسون یاخشى آداملارا.

نامه ۶۳ - دن

(ابوموسی اشعری کی امام (علیه السلام) طرفیندن کوفه‌ده والی اولموشدی، چون خبر گلدی جمل محاربه‌سینده اجازه و ثرمیر کوفه جاماعاتی او حضرتین یاردیمنه گل سین لر، و اونلاری قورشالیر تا یوللاشمازا اولسونلار، اونا بنله یازمیشدیر):

تانری بنده‌سی علی امیرالمؤمنین دن عبدالله بن قیسه: تانریسه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... سندن منه بیر سؤزون خبرینی یتیردیلرکی هم فایدالی و همده ضررلی دیر. منیم ائلچیم سنین یانیوهن گله‌جکدیر. ال اباغین ییغیشدیر، بئلین باغلا، یوواندان ائشیگه چیخ.

یانینداکیلاری دا چاغیر.

اگر گوردون، حاق منیم دیر، قبول ائت. اما اگر قورخوب یا شبههده قالدین، اوند ایشیندن کنار اگئت. آند اولسون تانرییه هاردا اولسان، سنی ئوز حالیهون قویمازلار بلکه چکیب گتیره لر. ایشلرین ائله قاریشارکی، ساغ سولون ایتیره رسن و قاجماغا چاره یولی قالماز. یثریندن قالدیرارلار، قباقدان قورخان کیمی، دالدان گلندن ده قورخارسان.

فیکر ائتمه بو فیرتینا بئله راحتدیرا بلکه، بؤیوک بیر بلادیر کی یثری وار دوه سینه مینیب جتین لیکلری راحت ائده سن. عاغلین باشیهون ییغ، ایشیندن مغایات اول، پایین گوتور. سئومه سنده، گئت بیر دالدا بوجا قدا اوتور. آیری لری سنین ایشین باشا آپارا بیلرلر... اگر سن اویقودا اولسان، بیر کیمسه ده سوروشمازکی هاردا سان؟

آند اولا اللهه، بو محاربه حاق دیر و او آدامین امری ایله اولورکی، حاق اونوندور. بیزده، دینسیزلر گوره ایشلردن، قورخوموز یوخدور. سلام اولسون، سلامالایق اولانلارا.

نامه ۶۴ - دن

معاویه نین مکتوبی جاوا بینه

تانرییه حمد و پیغمبره سلامدان سوئرا... نئجه کی دئدین، سنله بیز اوتن زامانلاردا یولداش و تانیشیدیق. اما دونن اورتامیزدا آیریلیق دوشدی. بیز ایمان گتیردیک اما سیزلر یولسوز اولدوز. ایندی بیزلر دوز یولدا ییق اما سیزلر فیرتینا و چوروک ایشلره، بولاشمیسیز. سیزین مؤسلمان اولانلاریزدا او زامان مؤسلمان اولدولارکی، آیری بؤیوک باشلار مؤسلمان اولدولار.

دئدین کی: طلحه و زبیری، من ئولدورموشم، عایشه نی ئوزاقلاشدیردیم، کوفه ایله بصره آراسیندا قالدیم. بو، بیر ایشدیرکی سن اوردا دگیلدین، سنه ده زییانی یوخدور. نه اوچون عذر ایسته ییم؟ بیرده دئدین: مهاجر و انصارلار ایله قارشیان چیخا جاغام. او زامانکی قارداشین توتولوب اسیر اولدی، هجرت ده باشا چاتدی. اگر چوخ تله سیرسن، دایان کی گلدیم. دییه سن الله، منی سنله قارشیشماق اوچون مأمور ائدییدیر. اگر بورا گلله

بیلسن، گل. بنی اسدلی شاعر قارداش دیین کیمی: «ئوزلری یایدا اسن و داش قوم سوغوران یئله ساری، داغ داش آراسیندا قالیلار».

او شمشیرکی بؤیوک بابان، دایین، قارداشین بیر ینرده ئولدوردی، هله یانیمدادیر. آند اولسون تانرییه هله کونلون باشا دوشموب، عاغیلین ده خارابدیر. سن بیر نردیوانا چیخیب بیر گورونتو گورورسن کی خیری یوخ اما شری چوخدور. چون بیر زادی آختاریسان کی سنین ایتگنین دگیل. بیر داوار اوتاریرسانکی سنین دگیل. بیر مقام آختاریسان کی اونالایق و او معدن دن دگیلسن. نندیر گوردوگون ایشلر دندیگین کیمی دگیل لر؟ چوخ یاخشی دایی و عمی لریوهن بنزیرسن کی قارابخت اولماق و پیس آرزی لار اونلاری مجبور ائتدی تا محمدین (ﷺ) پیغمبر اولدوغونی دانسینلار. اما نتیجه کی بیلیرسن، ئولوم اونلاری توتدی و ئوزلریندن ده دفاع انده بیلمه دیلر، یاردیم اولونمادیلار، شمشیرلرینده قاباغی، آلینمادی. عثمانی ئولدورهن لردن چوخ دانیشدین. اما ایندی گل جاماعات قبول اندهنی قبول ائت. اونلارین قضاوتینی منیم عهده مه قوی تا سنی و همده اونلاری، تانری کتابیله حؤکم ائدیم. اما بو فیکرکی ایستیرسن منی توغلییاسان، من سود اوشاغی دگیلم تا توغلاماقیله سوددن آچاسان. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۶۵ - دن

ینه او حضرتین نامه لریندن دیر معاوییه

تانرییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... داها زامان چاتیبدیر تا بوللی ماجرادن فایدالانسان. اما سن بابالارین یولوندا گئدیرسن. یالان و پوچ ادعالرایله، جاماعاتی توغلوب اونلاری شبهه یه سالیرسان و بیر مقامی ایستیرسن کی اونون شأنینده دگیلسن. حاقدان قاجیب یالان ادعالرایله سنه تاپشیرانلاری منیمسه ائدیپ قارمالادین. اما اوکی سنه دریدن و قاندان واجب و یترلیدیر، بیله بیله و ائشیده ائشیده هاموسین داندین. نه اولدی کی حاقدان دونوب بو آیدین لیقدا باطله دوشدون؟ بو شبهه لردن و حاققی باطله قاتماقدان قورخ کی چوخداندیر ثورت باسیرلارین، قارائلیق فیرتینالاری، گیزلینده ساخلیر.

بیر نامه‌ن الیمه چاتیبیدیر کی چوخ قاتماقاریشیقیدیر. باریشیقدان سؤیله‌میسن اما سؤزلرین پوچ، گوجون آز و آلداداندیر. چون بیر آدام اولموسان کی بوش توپراغا باتا‌باتا قارانلیقدا یول گئدیر. بیر بئری ییه‌لن میسن کی اونا چاتماغین محال‌دیر. علامت‌لری اوزاقدا گورونمور. حتی قرقی، او اوجالیغا چیخایلمز بلکه عیوق اولدوزی کیمیدیر.

تانییه پناه آپاریرام کی مدن سونرا مؤسلمانلارین ولی‌سی اولماغیله اونلارین خیر و شرلرینی قبول ائده‌سن. یا سنه آلیش وئریش یا شرعی مسأله‌لر جهتیندن، بئر مقام وئرهم. ایندی ئوزین حاضر لا و فکیر ائت. چون اگر قیسسا گله‌سن، تانری بنده‌لری سنه ساری هجوم چه کرلر اوندا قاپولار ئوزیوه باغلانار. بوگون سندن قبول اولان ایش، گله‌جکده قبول اولماز. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۶۶ - دان

عبداللہ بن عباسه یازان نامه دندیر بیر آیری روایتده

تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... آدام گاهدان بیرزادین یتیشمگیندن کی تقدیرایمیش اونا یتیشه، سئوینر و بیرزادان کی تقدیر دگیلمیش اونا چاتا، غصه‌له‌نر.

اودورکی دونیادان یتیشن‌لر خوشلوق و یا خشم اولسادا، اینجیک‌لیک یولوندا اولماسین. بلکه، اوره‌گین باطل‌لرینی، اورتادان قالدیرماق و گؤزه‌ل لیک‌لری دیریلتمک یولوندا اولسون.

گره‌کدیر قاباقدان یوللادیغین زادلارا سئوینه‌سن و یئرده قالانلارا حیفین گل‌سین. بیرده، ئولومدن سونرا یا فیکر ائت.

نامه ۶۷ - دن

قثم ابن عباسه کی مکه والیسی ایدی. یازمیشدیر

تانییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... حجتی یئرینه گتیر و تساری گونلرینی، دیسری

ساخلا. هر سحر و آخشام چاغی، اونلاریله اوتور. فتوا سوروشانلارا حؤکم وئر. بيلمین لره ثویرهت. بیلن لرایله دانیش.

گره کدیر دیلین جاماعاتا سؤزیتیره ن اولسون. جاماعات ایله ئوز آراندا، قاپوچی قویما. محتاجلاری گوروشوندن محروم ائتمه. چون او ایش کی اولده سنین الیندن گله بیلر، آخیره گوره بیلسن ده ائله خوش دوشمز.

تانری مالیندان اگر یانیندا اولسا، حسابینا یتیش. اوندان، یانیندا کی عایله سی چوخ اولانلارا، آجلارا، یوخسول و محتاجلارا یتیر. آرتیقی نی دا بیزیم یانیمیزا یولسلا تا، یانیمیزدا کیلارین آراسیندا بؤلوشدوره ک.

مکه اهلینه فرمان وئر تا اورالی اولمیین لردن کیرا آلماسینلار. نئجه کی تانری قرآندا بویوروب: عاکف و بادی بو ایشده بیردیلر. عاکفدن مراد مکه لی لردیلر و بادی دن مراد او آدامدیر کی حجه گئیدی دیر و اورالی دگیل.

تانری بیزی و سیزی ایسته دیگی یولدا توفیق وئرسین. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۶۸ - دن

خلیفه اولمامیشدان قاباق، سلمان فارسی یه بویورموشدی

دوینا بیر ایلانا بنزه رکی الله یوموشاق اما زهیری، ئولدورندیر. هر نه سنی دونیادا سئویندیرسه، اوندان ئوز چئویر. چون هر نه کی سنی دونیاده سئویندیره، بیر آزجاسی یانیندا قالمالیدیر. اونون غصه لرینی باشیندان چیخارت. نیه کی اونون آیریلماغینی و حالینین دولانماغینی بیلرسن. دونیانی سئون هر اندازا اونون خوشلوق لارینا آرخائین اول، او اندازادا گره ک اوندان چکین سین. چون سیخیتی یه سالاجاقدیر. اگر اورداقالماغینا خوش اولسا، ینه اونی قورخوداجاقدیر. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامہ ۶۹ - دان

بو نامہ نی حارث ہمدانی یہ یازمیشدیر

قرآنین بو یوردوغونا باخ و او یودون اثیت. حالالینی، حالال و حارامینی حارام بیل. بوندان قاباقکی حاقلارا احترام قوی. دونیانین گئچمیشیدن گلہ جک او چون عیبرت آل. چون دنیا ایشلرینین بیر پاراسی، بیر پاراسینا بنزیر. آخری، اولینہ یاپیشیق لیدیر. هاموسیدا آرادان گئدندیر.

اللہین آدینی بؤیوک بیل: حاق یولوندان سوی، آیری یتردہ اونا آند ایچمہ. ٹولومی و ٹولومدن سونرائی یاد یوہن سال. او ایشدن کی بیری ٹوزینہ یاخشی بیلر اما آیری مؤسلمانلارا سٹومیر، کنار گز. ہر ایشدن کی گیزلیندہ گورولسہ اما آشکاردا اوندان خجالت چکماق وار، کنار گز. بیر ایش گورمہ کی سوروشسالار نہ ائدیرسن؟ اوتاناسان. کنار گز بیر ایشدن کی اگر اونی گورہندن سوروشسالار نہ ائدیرسن؟ اونی باشیندان آتا یا کی عذر ایستہ. ٹوز ناموس و شرافتین، دانلاقلار آلتیندا قویما. ہر نہ اثیتسن، آیری لارینا یتیرمہ شاید یالان سؤیلہ مہ گین، علامت لریندندیر.

سنہ جاماعات ہر نہ دئسہ لر، دئمہ خاطادیر، یالاندا سایما چون بیلمہ مزلیگین علامتی دیر. خشم لی اولما. گوجل ی اولان و باجاران زامان عفو ائت. قیزقین اولساندا، صبرین اولسون. گوجون چاتسادا. ال آچما. تانری سنہ یاخشی و خیر لی جزا وئرسین. تانری وئرنہ نعمت لرین شکرینی یتیرنہ گتیر و اونون نعمت لرینی خراب ائتمہ. یتری وار تانری وئرنہ نعمت لرین نشانہ لرینی سندہ گورسونلر.

بونودا بیل کی مؤمن لرین یاخشی سی اودور کی، مال، جان و قوہومیلہ تانری یولوندا اولسون. چون ہر یاخشی عمل کی او دونیا یا یوللور سان، اوردا سن او چون بیر یتیرہ توپلانیر. اما بوردا ہر نہ ئین قالسا، خیرینی، آیری لاری آپارا جاقدیدلار.

چالیش او کیمسہ ایلہ یولداش اولما کی فیکری و عاغیلی آلچاقدیدر. چون اینسانی یولداشیلہ تانیماق اولور. بؤیوک شہر لردہ اوتور چون مؤسلمانلارین ییغینتی سی اورالاردا چوخدور. او یتر لردہ اوتورما کی اللہ دان غافل دیلر یا بیری بیر لیرنہ ظلم ائدیرلر یا تانری

اطاعتینه از آدم تا پیلار. سنده یالنیز او فیکره اللش کی ایشیوهن گلر. بازاردا یا سوقاقلاردا اوتورماکی اورالار، شیطان اوتوران یئرلردیلر. او آداما دقت ائت کی، اوندان اوستون سن. چوخلو فیکر ائت، چون اونون حاققیندافیکر ائتمک، نعمت لرین شوکربنی یئرینه گتیرمکدیر.

جمعه گونی سفره گئتمه تا جمعه نامازین قیلاسان. مگر بیر سفر اولاکي تانری یولوندا دیر یا عذرین اولار. هر ایشده الله دان اطاعت ائت. چون کی اونون اطاعتی هر زاددان یاخشیدیر. عبادت ائدن زامان، نفسین توغلوب تانریه ساری آپار. اونولا مدارا ائت قویما اینجیسن. بیرده باغیش و سئوینه جک اولان زامانیندا اونون الیندن یاپیش. مگر او زامان کی سنه اطاعت و عبادت واجبدیر و اوندان چاره یوخدور. او زامان ئولومدن قورخ کی زامانی چاتا اما سن دونیادان اوتری، تانری عبادتیندن غافل اولموسان. پیس آدم لاریله یولداش اولماکی سنی پیسه چه کر. اللهی بؤیوک ییلیب، اونا اطاعت ائت اونون دوستلارینی دوست توت. بیرده آجیقلا نما کی چیمخیر ماق شیطانین بؤیوک یاردیمچی سیدیر سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۷۰ - دن

(او حضرتین نامه لریندن دیر سهل بن حنیف انصاریه کی اونون طرفیندن، مدینه ده والی ایدی و چون مدینه اهلیندن بیر پارالاری، معاویه به بیعت ائتمیشدیلر، او جنابا یازمیشدی).
تانریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... منه خبر گلدی. بیر پارا مؤسلمانلاردان، گیزلینده معاویه طرفینه گئدیلر. اونلارین گئتمگی و سنین آدمالاریندان آزالماغا کدرلنمه. اونلار آزقین دیلار و سنده اونلارین زحمت لریندن شفاتا پاماق کفایت ائدهر.
اونلارین قاچماغی سعادت یولوندان آزماق و ایتگین لیک یولونا دوشمکدیر. اونلار، دنیا سنون لردیلر. چون تله سیک اونا ساری، گئدیلر. اما عدالتی تانیوب دوشونوبلر و بیلرلر کی بیزیم یانیمیزدا اولان کیشی لر حاق ئوزهرینده بیرگه دیلر.
اونلار قاچدیلار تا آرتیق آلماغیله آیری لارین حاققینی آرادان آپارسینلار. تانری

اونلاری ئوز رحمتیندن کنارا سالسین. آند اولا اللهه، اونلار ظلمدن قاجیب عدالته دوشمه دیلر.

اومود بودور تانری بو ایشین چتین لیکلرینی بیزلره راحت ائتسین. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۷۱ - دن

(او حضرتین نامه لریندن دیر مندر بن جارود عبدی یه کی بیر پارائولکه لرده والی اولدوغوندا خیانت ائتدی).

تانریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... آتان یاخشیلیغی منی توغلادی فیکر ائتدیم اونون کیمی سن و اونون یولوندا گن دیر سن. اما منه خبر یتیشدی کی خیانت ائدیر سن. نفسیندن ال گوتوروب، آخرتیوه نده بیرزاد ذخیره ائتمیر سن. ئوز دونیان آباد ائتمک اوچون، آخرتین داغیدیر سان.

دینی اونودور سان تا ائلینده اولان قوهوملاریوان یا پیشاسان. اگر منه یتیشن خبر دؤز اولسا، میندیگین دوه و باشماقین باغی سندن شرافتلی دیلر. اگر بیر سنین کیمی اولسا، لایق دگیل کی سینیرلری ساخلا سین یا بیر ایش گورسون، یا مقامی آرتیر سین یا اونو امانتلرده شریک ائتسین لر. منیم بو نامه سنه یتیشمک هامان، بورا گل.

سیدرضی بویورور: «منذر هامان آدامدیر کی امام (علیه السلام) اونون حاقیندا بویورموشدی. او هر زامان ایکی طرفینه باخیر. گنیمه سینه اووه نیب، آباق قابی لارینی سیلیر.

نامه ۷۲ - دن

او حضرتین نامه لریندن دیر، عبدالله بن عباسه

تانریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... سن اجلدن قاباغا گئچه بیلمه سن. هر زاد کی سنه روزی دگیل، سنه وئر یلمیه جکدیر. بونودا بیل کی زمانه ایکی گونلوک دور: بیرگون

سنین خیرینده، بیرگونه سنین زیانیندا دیر. دنیا بیر ائو دیرکی ال اله دولانار. سنین قسمتینده اولان، هر قدر عاجز اولساندا یتیشه جکدیر. هر نه سنین زیانیوهن دیر، گوجيله قایتارا بیلمه سن.

نامه ۷۳ - دن

او حضرتین نامه سیدیر معاویه یه

تائریه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا...

من سنه دال با دال جاواب و نرملک ایله فیکریمی سست اندیب، چئویک اولدوغومی خاطالاریمین حسابینا قویورام. سن، نامه لرینده مندن بیر اولمیان زاد ایسته دیگین، او آداما بنزه رکی آغیریوخودا، قاتما قاریشیق یوخی گورور. یا بیر آداما بنزیرکی باشی گئدیر و ایاغی اوسته دورابیلیر. هر نه باشینا گلسه ده خیر یا شر اولدوغونی قانمیر.

سن اونون کیمی دگیلسن بلکه، او، سنین کیمیدیر. آند اولا اللهه، اگر قالمایوی ایسته مه سه ایدیم، باشیوهن بیر اویون گتیره ردیم کی سوموگون او فاقلاندریب اتین اریه ردی. بونودا بیل کی شیطان قویمور یاخشی ایشلردن چیخاسان و یاخشی فایدالی گؤستریشلری ائشیده سن. سلام اولسون سلامالایق اولانلارا.

نامه ۷۴ - دن

(بیر پیماندر او حضرتدن کی ربیعه عشره سینه و یمن شهرینین اهلینه یازمیشدیر. بو نامه، هشام بن کلبن خطی ایله نقل اولونوبدور): بو بیر قرارلاشمادیر یمن لی لر و اونون کناریندا اولان ئولکه لر و ربیعه ائلینه کی ییغیشیب و قبول اندیلر تا جاماعاتی، تائری کتابینا چاغیر سینلار و اونون فرمانی کیمی حؤکم اتسین لر و هر کیم ده اونا ساری چاغیر سا، قبول اتسینلر. او خدمت ئوزه رینده پول آلماسینلار و هئچ زاديله ده عوض ائتمه سینلر. همده نفاقین قاباغین آماق اوچون، بیرله شیب، یولداش اولسونلار. چاغیرماقلاری

بیر اولسون. بیر کیمسه نین دانلاغیله یا خشمی ایله بو قرارلاشمانی سیندیرماسینلار بو قرار، حاضر اولان، حاضر اولمیان، عاغل لی، عاغل سیز دوشونن و صبر ائدهن و دوشونمین شاهد دیلر. بیرده بو قرارلاشمیه هامی عهده له نیر و تانری بویورانلار دا سورشولا جاقدیر. یازان علی بن ابی طالب دیر.

نامه ۷۵ - دن

(او حضرته بیعت اولونان زامانین اولینده، معاویه یه یازمیشدیر: بونلاری واقدی جمل کتاییندا یازیدیر): تانری بنده سی علی امیر المؤمنین، معاویه بن ابی سفیان یازیر: تانرییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا یاخشی بیلیرسن کی من، سنین حاققیندا عذروم واردیر و هر نه کی اولدی، منیم او ایشلرده الیم یوخیدی. او ایشلرین ده قاباغین آماق اولمازیدی. حکایه سی ئوزین و سؤز چوخدور. آنجاق گئچن لر گئچدی، گلن لر گلدی. هر کیم سنین یانیندا اولسا، اوندان منه بیعت آل ئوزونده یولداشلاریله بیرلیکده یانیمما گل.

نامه ۷۶ - دان

(او حضرتین وصیت لریندن دیر عبدالله بن عباسه، او زامانکی اونى بصره ده حاکیم ائیدی). جاماعات ایله پیغینجاقلاریندا، اوتوروب دورماقدا، دوزگون و گولر ئوز اول. خشم دن کنار گز. چون خشم فیکرین آلچاقلیغی دیر و شیطان اونا حاکیم دیر. بونی بیل هر ایش کی سنی تانرییه یاخین ائتسه ده سنی اوتدان ئوزاقلاندیرار. اما هر ایش کی سنی الله دان ئوزاقلاندیرار، اوتا یاخینلادار.

نامه ۷۷ - دن

عبدالله بن عباسه کی خوارج لرایله دانیشماغا گوندرمیشدی، بئله بویورور: اونلارا

قرآندان تانیق گتیرمه. چون قرآنین چوخلو تفسیر و تأویلی واردیر. بیرین سن دییه رسن بیرین اونلار دییه. اوند ایش ئوزونا چه کر... اما اونلارا ستدن دلیل گتیر. چون اونلارا قاجاق یولی یوخدور.

نامه ۷۸ - دن

(او حضرتین نامه لریندن دیر: ابوموسی اشعری نین جاوابیندا یازیر. بو سؤزلری سعیدابن یحیی 'مغازی کتابیندا گتیریدیر). جاماعاتین چوخی ده ییشیل دیلر و اونلارا ئوزگتیره ن سعادتن، فیدالانایلمه دیلر. دونیایه ئوز چئویردیلر و کونولری سئون کیمی دانیشدیلار. من بو ایشده عجب مات قالمیشام. اورایغیشانلارین بیر پاراسی یالنیز ئوزلرین گوروردولر. ایندی من بیر قوخوموش یارانین توخداقینی آختاریرام کی ممکن دور چیانا دونوب ساغلام لاشمیا. بونودا بیل محمد (ﷺ) امتین بیر یرده ییغیب و اونلارین ایشلرینی یولونا سالماقدا، مندن چالیشان کیمسه اولایلمز. منده بو ایشده الله دان اجر ایستیره م و چون قبول ائتمیشم وعده مه وفا ائده جه گم آیریلاندان سونرا حالین ده ییشیلسه ده، سوزومده وارام. زاوللی آدام اودورکی، آغیلندان فایدا آپارایلمیه. منده، تارتان آدامین سؤزلرینی قبول ائده بیلمه ره م و تانری سئوه ن، دوزگون ایشی کورلامارام. اودورکی بیلمه دیکلریندن ال گوتور چون، پیس آداملار، بئله قولای سؤزلر اثرینده، سنه مایل اولارلار. سلام اولسون سلامالایق اولانلار.

نامه ۷۹ - دان

(او حضرتین نامه لریندیرکی، خلافته چاتان زامان، اردوباشچی لارینا بویورموشدی). تانرییه حمد و پیغمبره سلامدان سونرا... سیزدن قاباقکی لارین فناسی بو علتدن ایدی کی جاماعاتی، دوزیولدا گئتمکدن ساخلادیلار. جاماعاتدا قبول ائتمگیله اونلارین باطل یولوندا گئتدیلر...

اوچونجی بۆلۈم

قیسا سۆزلەر (حیکمت لار)

بو بولومده او حضرتین حیکمتلی و قیسا سۆزو و گۆستریشلری و بیر یارا سور و شمالارین جاوابی گلیبدر.

۱ - فیرتینالار اولان زامان، او دوه بالاسی کیمی اؤل کی نه مینه بیلسین لر ونه ده ساغسینلار.

۲ - هر کیم تاماهجیل اولسا ئوزینی اسگیلدیر و هر کیم دردینی هر گلنه دئسه، ئوزینی قیمتدن سالار.

۳ - پاخیل اولماق اوتانمالیدیر، قورخی اسگیک لیکدیر، یوخسوللوق دیلی قیساسالدار ئوز یوردوندا، ئوزگه لر کیمیدیر.

۴ - عاجز اولماق مصیبتدیر، صبر شجاعت، قناعت دولت، و نفسی قۇروماق، گۆزتیچی دیر. راضی دوشمکده. گۆزهل یولداشدیر.

۵ - علم بیر میراثدیر کی شرافت گتیره. یاخشى نئجه لیکلر یئنی بزکلردیلر، فیکرائتمک آیدین و پارسى اولمییان بیر کوزگی دیر.

۶ - عاغلی اولانین کونولی، اونون گیزلین سۆزلر قاساسیدیر. گولر ئوزلی اولماق یولداش ییغاندیر. چتین ایشلرده دؤزوملی اولماق، عیبلر مزاریدیر. باریشماق، عیبلری ئورتر. ئوزیندن راضی اولانین سوءزلوسى چوخ اولار.

۷ - صدقه بیرتوخداق دیر کی درمان ائدر. بندهلرین عمللری هر نسه اولسا، او دونیادا گۆزلری قاباغیندا، اولاجاک دیر.

۸ - بو مازاقلی اینسان، حیرت ائتمه لیدیر. چون: یاغ ایله گورور، ات ایله دانیشیر، سوموگ ایله ائشیدیر، باجادان نفس چکیر.

۹ - دنیا هر کیمه ئوز گتیره، اؤزگه لرین یاخشیلیق لارینی اونا امانت تاپشیرار. اما دال چئویرسه، اونون یاخشیلیق لارینی، الیندن آلا.

- ۱۰ - آداملاریله ائله یاشیون کی ئولنده سیزه آغلا سینلار، قالسازدا یوموشاق اولسونلار.
- ۱۱ - اگر دشمنانیوهن ال تاپدین، شوکرانه سینه اونی باغیشلا.
- ۱۲ - زواللی آدام اودورکی یولداش تاپاییلمز اونداندا زواللی اودورکی دوست تاپسادا، باشا وئره بیلمز.
- ۱۳ - ائله کی نعمت لر سیزلره یتیشماغا باشلادیلار، آز شوکور ائتماغیله دالیسی نی، قیرمیون.
- ۱۴ - هر کیم یاخینداکی قوهوملارینی بوراخسا، نوزاقدکیلار اونا یاردیم اولارلار.
- ۱۵ - هر توغلانمیشی دانلامازلار.
- ۱۶ - دونیا ایشلری تقدیره باغلی دیلار، اونلارا تدبیر ائتمک ممکن دور خارابچیلیق سببی اولار.
- ۱۷ - او حضرتدن سوروشدولارکی پیغمبر (ﷺ) بویورموشدی: (قوجالیغی خینا ایله گیزله دین و ئوزیزی یهودی لره اوخشاتمین) ایستیرمیش نه دئسین؟ بویوردی: او زامان مؤسلمانلار سایدا آزیدیلار اما ایندی کی ایسلام گنیش لنبیدیر، هر کیم ئوزی بیلن کیمی ائتسین.
- ۱۸ - محاربه اولان زامان، یانیندا گئدنلره بویوردی: حاققی ذلیل ائتدیلر، اما باطله یاردیم اولمادیلار.
- ۱۹ - هر کیم دیلک لر دالیسی جه قاچا، ئولوم اونی قاپسار.
- ۲۰ - جومردین جایماغینی باغیشلایین. نیه کی اللهین اونا عنایتی واردیر.
- ۲۱ - قورخی اومودسوزلوق گتیره. حیا بوردا فایدا سیز یولداشدیر. فرصت لر بولوت کیمی، گئچیرلر. بونا گوره فرصت لری غنیمت بیلین.
- ۲۲ - بیزیم بیر حاققیمیز واردیرکی اگر وئرسه لر، گوتوره رم یوخسا وئرمه سه لر، بیر دوه قالچا سینا مینیب گئجه گوندوز یول سوره ره م.
- بو سؤزلر، سئچگین سؤزلردندیر و آنلامی بودورکی اگر بیری حاققیمیزی آلسا، ال گوتورمه ریک اگر دوه اوسته اوتورسادا بیز او دوه نین قالچاسیندا اوتوروب هارا گئسه او

دوه ايله گنده ريک و حاققيميزی آلا ريق، اگر ئوزونا چکسه ده چکيدير.

۲۳ - هر کيمين ايشی اونی بير يثره يتيرمه سه، اوتراقی اونی بير يثره يتيره بيلمز.

۲۴ - بؤيوک گناه لارين كفاره سينه، مظلوم لارين سه سينه يتيشمک و ئوزونتولو لری سئويندیر مکدير.

۲۵ - ای آدام آتائين (ع) اوغلی، او زامان کی گورورسن، الله، بوللی نعمت لری سینه يتيرير، نيه اونون امريندن چيخيرسان؟ الله دان قورخ!

۲۶ - هنج کيم بير سؤزی گيزلينده ساخليه بيلمز مگرکی، رنگی قاچا و اوره گينين سرلری بللی اولا.

۲۷ - نئجه کی آغری لار سنين قاباغيندا دايانير، سنده اونلارين قاباغيندا دايان.

۲۸ - ده بهرلی زهد اودورکی، بير کيمه بيليندیر ميه سن.

۲۹ - اگر دونيايه دال چئويريسن و ئولومده سنی قارشى لير، بير بيريزه تئز چاتاجاق سيز.

۳۰ - الله دان قورخون، الله دان قورخون. چون اللهين پرده سی ائله ئورتولی ديرکی نظره گلير باغيشليويبدور.

۳۱ - او حضرتدن سوروشدولار: ايمان ندير؟ بويوردی: ايمان دورد کؤکون اوستونده دايانيدير: صبر، يقين، عدل، جهاد.

- صبرين ده دورد آيريمي واردير: آرزی، قورخی، زهد، انتظار.

بهشتی سئون کيمسه، هوسلرينی باشدان آتار. جهنم دن قورخان، حارام قاتماز.

دونيانی يونگول توتان، مصيبتی آزدير. ئولومه اينانان، خير ايشه گندر.

- يقين دن ده دورد قول آيريلار: چئويک ليکده بصيرت اولا. حقيقتده دوشونجک اولا.

دونيادان عيبرت گوتوره. اوتن بابالاردان سنت گوتوره.

هر کيم بصيرت له باخسا حيكمه ال تاپار. حيكمه ال تاپان عيبرته ال تاپار. عيبرت آلان دا اوتن آتا بابالارکيمي ياشار.

- عدالت دنده دؤرد قول آيريلار: دوشونمگه درين باخيشلار، حقيقتيه بيلگی ايله ال

آپارماق، یاخشی قضاوت ائتمک، صبرده دایانماق.

دوشونن کیمسه، ییلگین دیینه چاتار، اونون دیینه چاتان، شریعت بولاغیندان فایدالانار. هر کیمین دؤزومی اولار، ایشینی دوزگون گوروب آداملار ایچینده خوش آدلیم اولار.

— جهاد ائتمکده دؤرد بولوم دور: یاخشی ایشلره بویروق وئرمک، پیس ایشلرین قاباغین آلماق، گناهکارا دشمن اولماق و جهاد دا دایانماغی دوغرو اولار.

هر کیم یاخشی ایشلره امر ائتسه، مومنلرین آرخاسینی محکم ائدهر، هر کیم پیس ایشلرین قاباغین آلسا، منافقلرین بورتون اوغوبدور، هر کیم جهاد ائتمکده دوغرو چولوق ائده عهده سینده اولان تانری حاققینی ادا اندیدیر. هر کیم گناهکارلاریله دشمن اولار و تانریدان اوتری غضبه گله، قیامت گونی تانری اونی سئویندیره.

— کفرین دؤرد دایاقی واردیر: جامعاتین ایشلرینه باش ئوزاتماق، تانرییه دشمنانچیلیق ائتمک، حاق یولوندان چیخماق حاققادشمن اولماق.

هر کیم آداملارین سیرینی آراشتیرا، حاققاساری دگیل، هر کیم قاننامازلیقدان خصومت ائده، حاققی گورهن گؤزی یوخدور. هر کیم حاق یولوندان کنار اولار، یاخشینی پیس و پیسی یاخشی گوروب آزقینلیق سرخوشی دیر.

— هر کیم تانرییه دشمن اولسا بولی کتره و ایشی چتین اولوب، اوندان قاجماغا یول تاپاییلمز.

— شککین دورد قولى واردیر، دانیشیق لاردا چارپیشماق، قورخماق، شکده قالماق و فیرتینالارا تسلیم اولماق دیر.

هر کیم چارپیشماغی ئوزونه عادت وئرسه، ظلمتده یاشیر. هر کیم قاباغا گلندن قورخسا، دالی قالار. هر کیم هر زادا شک ائده شیطان اونی آیاقلار. هر کیم دونیا و آخرت فیرتیناسینا تسلیم اولسا، هر ایکی دونیائی اوتوزوبدور.

مرحوم سیدرضی بئله بویورور: بو سؤزدن سوای بیر آیری دانیشیق واردیر اما سؤز ئوزونا چکیلمک قورخوسوندان و بو کتابین یولوندان چیخماماقدان اوتری قیسسا گلدیک.

۳۲ - خیر ایش گوره، یاخشی ایشدن یاخشیدیر. شر ایش گورهن پیس ایشیدن پیسیدیر.
 ۳۳ - باغیشلیان اول اما اسراف ائتمه. اورتانجی یولدان گئت اما ئوزیوهن چتین لیک وئرمه.

۳۴ - آرزی لاردان ال گوتورماق، شرافتلی محتاجسیزلیق لاردان بیریدیر.
 ۳۵ - هر کیم بیردن بیر، جاماعاتا او سوژی دیسه کی سئومیهر، اونون حاققیندا بیللمه مزلیکدن سویلرلر.

۳۶ - هر کیم آرزی لارین ئوزاتدی، ایشلرینی پیس طرفه چکدی.
 ۳۷ - (امام شاما ساری گئندنده انبار ئولکه سینین اکینجی لری اونی گورمک هامان احترام اوچون پیاده اولوب قاباغیندا قاچماغا باشلادیلار... اونلارا بئله بویوردی:) بونه ایشدیر گورورسوز؟ دئدیله: عادت ائتمیشیک بئله لیکله باشچی لاریمیزا حئورمت ائده ریک! بویوردی: آند اول تائریه کی بؤیوک باشلاریز بو ایشدن فایدالانا بیللمه دیلر سیزده بو دونیادا ئوزیزه زحمت وئریسیر و آخیرت ده ده قارابخت اولاجاق سیز. خیری یوخدور او زحمتین کی سونوندا عذاب واردیر. اما او راحتچیلیق یاخشی دیرکی، دالیندا جهنم اودی یوخدور.

۳۸ - او حضرت اوغلی حسنه (عليه السلام) بئله بویوردی:
 او غلوم دؤردزادی مندن ائشیت و یادیندا ساخلا. اگر اونلاری ایشله ده سن، زیان گورمیه جکسن:

- باهالی محتاجسیزلیق عاغلیدیر.

- بؤیوک یوخسول لوق بیلگی سیزلیکیدیر.

- قورخولی تک اولماق ئوزینی سئوماقدیر.

- حوء رمتلی و بؤیوک اصالت، یاخشی خصلت دیر.

او غلوم!

قانماز آدمیله دوست اولما نیه کی ایسته سه سنه یاخشیلیق ائده، زیان وورار.

پاخیل آدمیان کنار گز نیه کی هر نه لازمین اولسا قبول ائتمز.

چوروک و گناهکار آدامدان کنار گز نه کی سنی آزپولا، ساتار.
یالانچی ایله یولداش اولما چون او سارابا بنزه رکی، یاخینی ئوزاق و ئوزاقی یاخین
بیلیندیره.

۳۹ - عاغلی اولانین دلی اوره گنین دالیندا دیر. اما قانماز آدامین اوره گی دلینین
دالیندادیر.

سیدرضی بویورور: (بو حیرت ائتمه لی آنلاملاردان بیریدیر و امامین سؤزی بودورکی،
عاغیلی اولان آدام، اوره گینه صاحبدیر تا اونولا مشورت ائتسین. اما آنلاماز آدام هر نه
دیلینه گلسه، آغزین آچیب مشورتدن قابق دیلله نر. اودورکی عاغیلی اولانین دلی
اوره گیندن فرمان آپارار. اما عاغیلی اولمییانین اوره گی دیلینه باغلی دیر.) بو معنای آیری
جورده بویوروبدور:

۴۰ - قانماز آدامین اوره گی آغزیندادیر. اما عاغیلی اولانین دلی. اوره گینده دیر هر
ایکی سی بیر سؤزدور.

۴۱ - اگر مستحب ایشلر سنی واجب ایشلردن قویسا، تانریه یاخین اولماغا زیانی وار.
۴۲ - صحابه لرینین بیر، خسته دوشمکدن شکایت ائده نده، اونا بویورموشدی: تانری
شکایت ائتدیگین علتی، سنه گناهلارین باغیشلانماق سببی قرار وئرسین نه کی خسته
اولماغا جزا وئریلمز اما گناهلاری آغاج یا پراقلاری کیمی آزالدیب توکر. یاخشی جزا
اودورکی دیلده دئیلین اما ایشده ال آیاقله گورولسون، تانری دوزگون نیت و پاک
اوره ک خاطرینه، هر هانسی بنده سینی ایسته سه بهشته آپارار.

سیدرضی بویورور: امام (علیه السلام) سؤزون دوغروسونی بویورموشدی کی: خسته لیگه جزا
یوخدور چون خسته لیک ئوزادلار داندیرکی عوضی وار اما جزاسی یوخدور. چون عوض،
بلا و مصیبت لرین ئوزه رینده دیرکی تانری طرفیندن بنده لرینه وئریلر اما جزا، بنده لرین
ایشلری ئوزه رینده دیر. بودورکی عوض ایله جزانین اورتاسیندا تفاوت واردیر امام (علیه السلام) دا
بیلگی و تدبیری اقتضا سینا گوره، اونی بویوروبدور.

۴۳ - خباب ابن ارتدن یاد اندیب بویورور تانری خباب ابن ارته رحمت ائتسین

ئوزکونولی ایله مؤسلمان اولدی و اراده سیله هجرت ائتدی. روزی سینه قانع اولدوقدا تانریدان راضی ایدی. بیر جهاد ائدن کیمی دیرلیک ائتدی.

۴۴ - خوش او آدمین حالیناکی قیامت یادینا سالار. حساب گونی اوچون ایشلر. قناعتله گنچینر و تانریدان راضیدیر.

۴۵ - اگر بوخنجریم له بیر ایمانلی کیشی نین بورنوندان وورام کی منه دشمان اولسون اولمییه جکدیر. و اگر دونیانی بیر منافقه وئره م تا منی سنوه، ینه قبول ائتمییه جکدیر. بو، او تقدیردیر کی پیغمبر (ﷺ) ین ده دیلینه گلیبدیر.

کی بویوردی: (ای علی! مؤمن سنی دشمان بیلمز و منافق ده سنه دوست اولماز).
۴۶ - او پس لیک کی سنی غصه لندیره، تانری یانیندا او یاخشیلیدان کی سنه شئشه لیک گتیره، یاخشی دیر.

۴۷ - کیشی نین قیمتی چالیشماغی قهدهردیر. همده کیشی نین دوزگونلوگی جومردلیکدهدیر. هر کیشی نین شجاعتی، غیرتی، چوروک ایشلردن اوتانماغی قهدهر دیر.
۴۸ - غلبه ائتمک، ئوزاق گوره ن لیکدیر. سونرائی دوشونمک، عاغیلی ایشه سالماق و سرلری گیزلتمکدیر.

۴۹ - جومردین آج اولان زامانی، هیبتیندن قورخون. اما نامردین، توخ اولان زامانیندان چکینین.

۵۰ - اینسانلارین کونولری، بیری بیریندن قاچارلار. اما هر کیم اونلاری ئوزونه ساری چاغیرسا، گندرلر.

۵۱ - تا او زامان کی دنیا سنه طرفدیر عیب لرین گیزلیندیر.

۵۲ - باغیشلاماغا هامودان یاخشی او کیمسه دیر کی مکافات ائتمگه هامودان زور دور.

۵۳ - ایسته مه میشدن بیرزادی باغیشلاماق، سخاوتدیر. اما اوکی ایسته مه گيله وئرلر یا اوتانماقداندیر یا قیناماق قورخوسوندان دیر.

۵۴ - هنج محتاج سیزلیق، عاغیل کیمی دگیل و هنج یوخسول لوق، آخماق لیق کیمی اولماز. هنج میراث ادب کیمی دگیل و هنج آرخاداش مشورت کیمی اولماز.

۵۵ - صبر ایکی جور دور: بیر سئومه دیگین زادلاردا دوء زومون اولسون. بیرده سئودیگین زادلاردا دوء زه پيله سن.

۵۶ - وار، دولت، یاد اولکه ده آداما وطن کیمیدیر اما وطنده یوخسول لوق یاد اولکه کیمیدیر.

۵۷ - قناعت بیر مال دیرکی تامام اولماز.

۵۸ - وار، دولت هوسلرین بینوره سیدیر.

۵۹ - هر کیم سنی پیس لردن کنار ائده، ایله بیل کی سنه خوش خبر گتیریدیر.

۶۰ - دیل بیر یر تینجی جانا وار کیمیدیر اگر ئوز باشینا اؤتورسه لر، قاپار.

۶۱ - قادین بیر عقرب دیرکی چالماغی شیریندیر.

۶۲ - سنه سلام وئرسه لر جاواییندا اوندان یاخشی سلام وئر. اگر سنه احسان ائتسه لر،

اوندان یاخشی سیله جاواب وئر اما فضیلت او آدامیندیرکی اولده باغیشلیوب دور.

۶۳ - آرا باریشدیران، ایستیه نین قانادلاریدیر.

۶۴ - دونیانین آداملاری او مینجی یه بنزه لرکی مرکب اوسته یاتیبیلر.

۶۵ - یولداسی الدن وئرک غربته دوشمکدیر.

۶۶ - ایستکلره ال چاتماق، قولای آدامان بیر زاد ایسته مکدن یاخشیدیر.

۶۷ - باغیشلادیغین آز اولسادا، اوتانما. نه کی بیرینی امودسوز ائتمک اوتانمالیدیر.

۶۸ - زاهدلیک یوخسول لوغون بزه گیدیر.

۶۹ - هر زمان ایسته دیگین زادی تاپایلمه دین، غصه لنمه هر حالدا وارسان.

۷۰ - آنلاماز آدمی گورمه دیم مگر کی بیر ایشی آرتیق یا اسگیگ گتیره.

۷۱ - عاغل چوخالدیقجا، دانیشماق آزالار.

۷۲ - زامان بدنلری قوجالدار، آرزو لاری تازالار، ئولومی یاخینا گتیره، اومودلاری

ئوزالدار. هر کیم الی اونا یتیشدی، زحمته دوشدی و هر کیمین الی اوندان ئوزولدی، مصیبه قالدی.

۷۳ - هر کیم ئوزینی جاماعاتا بؤیوک باش ائتسه، یری وار جاماعاتا ئویرتمه دن قاساق

ئۆزىنى ادب ائتسىن. دانىشماغىلە اورگىتمەدن قاباق، گرەكدير عمل ايله ادب ائتسىن، هر كىم ئۆزىنە علم اویره دىب ادب آرتىرا، او آدامدان كى اىنسانلارا علم و ادب ئۆیره دىر حوءرمتلى دىر.

۷۴ - آدام هر نفس چكماغىلە ئولومە ياخىنلاشیر.

۷۵ - هر زادكى سايا گلە، قورتالان دىر و هر گۆزلەمك، باشاچاتاندىر.

۷۶ - اگر ایشلر بىریرلری ايله يانلیش اولسالار، گورولن زامان اونون سونى اولدن بللى دىر.

۷۷ - ضراربن ضميره الضبانى نین خبرینه گوره، او زامانكى معاویه نین يانیناگتدى، و معاویه امیرالمومنین علی (عليه السلام) دن سوروشدى، ضرار جاوابىندا بئله دئدى: (من شاهد من بوناكى گنجە نین بىر زامانى، محراب عبادتده مبارک ساققالیندان توتوب ایلان چالانلار كىمى، قیویریب كدرلى حالدا آغلاركن دئردى).

ای دنیا، ای دنیا! مندن ایراق اول. ئۆزىن نشان وئرمكدن اوتىرى، يولوم اوسته دورموسان؟ یا كى منه وورولموسان؟ منیم اورگىمده هئچ زامان سنه يئر يوخدور. گئت آبرى لارىنى توغلا. منیم سنه احتیاجیم يوخدور. من سنى اوچ دونومه طلاق وئرمیشم. داهه گرى دونمیه جاغام. عمرىن آزدير، اعتبارىن يوخدور. سنى آرزى لاما، اسگىكلىكدیر. آه آه آرتداركدن! آه يول و منزلىن ئۆزىن و ئوزاق اولماسىندان. آه حساب گونونون چتىن اولماغىندان.

۷۸ - او حضرتىن سؤزلىرىندىر، او زامانكى بىرى سوروشدى: آيا بىزىم شاما گىتماغىمىز. اللهم قضا و قهدهرى ایدی؟ جاوابىندا، بىر ئۆزىن سؤزون قىسسالى بودور.

واى اولسون سنه، شايد لازم قضائى و حتمى قهدهرى خيالىندان گىچىر دىرسن: اگر بئله اولموش اولسا، ساواب و عذاب، هابئله وعده وئرماقلار و قورخوتمالار باطل ايمىشلر؟ تانرى نندىر ئۆز بنده لىنه امر ائدىب و اختيار وئرىدىر، يوخ دئىب تا قورولاسىنلار؟ هر نه امرى اولسا، راحتدیر. آز عمل لره، چوخ خیر جزا وئرەر اگر مغلوب اولوب سىنسالاردا اونون فرمانىندان چىخمازالار. بىر كىمسده اونسلارى، الله دان فرمان آپارماغا مجبور

اتمیوبسدور۔ پیغمبرلری ده او یونچاق اوچون یوللامیوبسدور۔ کتابلاردا، سبب سیز یوللانمیوبدولار۔ گؤی لری و یئرلری و اونلارین ایچینده کی لریده علت سیز یاراتمیوبدور۔ او خیال لار، کافرلرین فیکرلریدیلر۔ وای اولسون جهنمی دانان کافرله۔

۷۹ - حیکمئی، هاردا اولسا، اؤیره نیه کی حیکمٔ گاهدان منافق لرین اؤره گینه اولور اما اونلارین اؤره کلری، چیرپینار تا حیکمٔ، دیل لرینه گلندن سونرا اصلی صاحبی یعنی مؤمن لرین اؤرگینه یاتسین۔

۸۰ - حیکمٔ، ایمان گتیره نین ایتیگی دیر۔ منافق لردن ده اولموش اولسا، حیکمئی ئویره ن۔

۸۱ - کیشی نین ده یه ری، بیلدیگی هنره باغلیدیر۔ بو بیر سؤزدورکی اونا قیمت قویماق اولماز۔ بیر حیکمٔ دیرکی تایی تاپیلماز و هنج سؤز اونا یاخین دگیل۔

۸۲ - سیزلره بشش زاد تاپشیریرام۔ اگر اونلاری تاپماقدان اوتری زحمته دوشسزده، یئرلیدیر: الله دان سواى، آیری لارینا اومودون اولماسین۔

گناهیزدان سواى آیری زاددان قورخمییون۔

اگر بیرزاد سوروشسالار، بیلمه سه اوتانماسین، دنسین بیلمیره م۔

هنج کیم بیلمه دیگی زادی ئویره نمکدن، اوتانماسین۔

دوءزون دوءزمک ایماندان دیر چون هر بدنه، باش کیمیدیر و باشسیز بدنسن فایداسی یوخدور۔ هابئله، صبر سیز ایمان ایشه گلمز۔

۸۳ - (بیرسی اونی تعریفله دی، اما اؤره ک سوزینی دئمه دی... اونا بئله بویوردی:)

من دیلیوه ن گتیره ن سؤزدن چوخ اشاغی یام، اما اؤره گیندکی سؤزدن آرتیغام۔

۸۴ - شمشیرلردن قورتولوب قالانلارین عمرلری چوخ و ائولادلاری آرتیملی دیر۔

۸۵ - هر کیم بیلمیره م دییه بیلمه سه، ئولومه قالار۔

۸۶ - بیر قوجانین فیکر ائتمه سی نی، بیر گءنجین زوربالیقیندان آرتیق سنوهرم۔

(بیر آیری روایتده بئله گلییدیر: بیر قوجانین فیکر ائتمه سینی بیر گءنجین (ساواشدا)

حضوروندان چوخ سنوهرم۔

۸۷ - شاشغیدایم او آدمدان کی اومود سوزدور، بیر حالدا کی آللهین باغیشلاماسی

واردیر.

۸۸ - (ابوجعفر محمد بن علی الباقر او امامدان، روایت اندیب بویوردی):

ایکی زاد یثر نوزونده. تانری عذابینن قاباغین آلامیش. بیری الدن چیخدی اما او بیرسی یانیزدا دیر. اوندان ال گوتومیون.

اما اوکی الدن چیخدی، اللهین رسولی (ﷺ) ایدی. اما قالان پناهییمیز، الله دان باغیشلانماق ایسته مکدیر. تانری بئله بویورور: «تانری اونلاری عذاب ائتمز، نه کی سن اونلارین اورتاسیندا، وارسان و تانری اونلاری عذابا چکمز نه کی باغیشلانماق واردیر».

(بو سؤز، آنلاملی سؤزلردندیر کی گؤزله شکیلده حقیقت لری سویلور).

۸۹ - هر کیم نوزی ایله تانری آراسیندا اولانلاری یاخشی ساخلییه، تانریدا اونولا جاماعاتین آراسین یاخشی لاندیرار. هر کیم آخرت ایشلرینی حاضرمیه، تانریدا اونون بودونیاسین یولونا سالار. هر کیم نفسی اوچون، دوشونجه گین ایشه سالا، تانری اونا بیر گؤزه تجی قرار وئره.

۹۰ - کامل دوشونن فقیه او آدامدیرکی اینسانلاری تانری باغیشلاماسیندان اومودسوز ائتمز. اونلاری تانری طرفیندن اولان خوشلوق و راحت لیقدان اومودسوز قویماز. بیرده اللهین عذاب ائتمه مه سیندن، آرخائین لیق وئرمز.

۹۱ - بوکونولر، بدن لرکیمی یورقون دوشرلر اودورکی اوره کلره ینی بیلکی و حکمت آختارین.

۹۲ - بیلگی لردن آلچاقی، دیل اوجوندا، و هامودان یاخشیسی اوره ک لرده دیر.

۹۳ - سیزلردن بیر کیمسه دئمه سین کی: الهی! فیرتینالاردان سنه پناه گتیریرم. چون بیر آدم یوخدورکی چوروک ایشه دوشمه سین. اما پناه آختاران، آزدییران فیرتینالاردان، پناه آختاریر.

تانری بئله بویورور «آییلین کی مال و ائولاد فیرتینادیلار» بو سؤزون آنلامی بودورکی، تانری اینسانلاری مال و ائولادلاری ایله سیناقا چه کر تا اونون روزی لریندن، راضی و ناراضی لری بیلیندیرسین. بودورکی اونلاری الله، هامودان آرتیق تانیر. اما بیر پارا ایشلر

واردیلارکی ساواب یا عذاب اولماقلاری یئرلیدیر. چون بیر پارا آداملار، اوغلانلارینی سئوه لرلر اما قیزلارینی سئومزلر بیر پارالاری دا مال آرتیمینی یاخشی بیلرلر اما اونون آزالماغیندان شاکی اولارلار. مرحوم سیدرضی بویورو: بو شاشغین سؤزدورکی او آیه نین تفسیرینده، او حضرتدن ائشیدیلیب دیر.

۹۴ - او حضرتدن سوروشدولار خیر ندیر؟ بویوردی: خیر او دگیل کی مالین یا اولادین چوخ اولسون، بلکه خیر اودورکی بیلگین آرتیرسین و صبرلی و تانرییه عبادت ائتماغیله، باشی اوجا اولاسان. اگریاخشی ایشلردن گؤره سن، اللهه شوکر ائده سن و اگر گناه ایشلردن چیخسان، اوندان باغیشلانماق ایستیه سن.

دونیانین فایداسی یوخدور مگر ایکی نفره: بیری اودورکی اگر گناه ائتمیش اولسا اونون توبه سینده نایل اولا. بیرده او آدامدیرکی یاخشی ایشلره چالیشا.

۹۵ - هئج ایش تقوا ایله آزدگیل. نجور اولا بیلرکی قبول اولان تقوالی ایش آزیلینه؟

۹۶ - پیغمبرلره یاخین اولان آداملار، اولارین دینی نی چوخ بیلن لر دیلر...

سونرا، بو آیه نی اوخودی: ابراهیمه یاخین اولان آداملار، اولار دیلارکی، اونا تابع اولدولار و بو پیغمبره ایمان گتیردیلر. سونرا بویوردی: محمدین (ﷺ) ایستیه نی او آدامدیرکی، تانرییه اطاعت ائده. حتی نسلی پیغمبره یتیشمیه. محمدین (ﷺ) دشمانی او آدامدیرکی، الله دان دا سؤز قبول ائتمیر. حتی پیغمبرین سؤلاله سیندن ده اولموش اولا.

۹۷ - (چون ائشیتدی خوارجدن بیری، ناماز اوخوماقدان اوتری گنجه نی آییق قالیب، قرآن اوخویور، بویوردی): یقین ایله یاتماق، شک ایله ناماز قیلماقدان یاخشی دیر.

۹۸ - ائله کی بیر روایت ائشیتدیز، اونی دوشونوب عمل ائدین. نه کی ائشیدیب روایت ائدین. چون روایت ائدنلر چوخ دولار اما اونا عمل ائدنلر آز دیلار.

۹۹ - ائشیتدی کی بیرسی دئیر: «الله وانا لیه راجعون» بویوردی:

اوکی دئیر بیز تانریدان ایق، اونا اقرار ائدیر. اما اوکی دئیر بیز اونا ساری قائیدا جاووق، فنایه اقرار ائدیر.

۱۰۰ - بیر پارالاری، اونی تعریف ائدیلر، اولارا بئله بویوردی: ای منیم اللهیم! سن منی

ئوزومدن ياخشى تائيرسان و منده ئوزىمى اونلاردان ياخشى تائيرام. اى الله! سن بيزى اونلار فيكر ائدهندن ده ياخشى لاندير و اونلار بيزدن بيلمىن لرى ده باغيشلا.

۱۰۱ - احتياج لارى آرادان قالديرماق، اوچ زادا باغلى دير: اونلارى كيچيك بيلمك تا تائرى يانيندا بؤيوك گوروشسونلر. اونلارى گيزلتمك، تا تائرى يانيندا ئوزه چيخسينلار. تلمك تا دادلى اولسونلار.

۱۰۲ - بير زامان گلركى. سؤز دولانديرانين ايشى قاباق اولار و پيس آدمادان سواى، آيرى لارين قيمتى اولماز. انصافلى آدمالارى، عاجز بيلرلر. صدقه نى جريمه تانيهرلر. يولداش يا قوهوملار ائوينه گليب گندمگه، منت قويارلار. عبادتى ده بؤيوكلوک ساتماق وسيله سى تائيرلار. بئله زاماندا، حكومت ايشلرينده كنيزلرايله مشورت ائده رلر. حؤكمدارليق گه نىچ و دلى قانلى لار ايله اولار. ايشلرين تدبيرى، خواجه لر اليه گنچر.

۱۰۳ - چون امامين (عليه السلام) اگننده ياماقلى و چوخ ايشلنمىش پالتارگوردولر، علت ندير؟ سوروشاندا، بويوردى: اينسانين اوره گى آلچاق كونول اولار، نفسىنى ذليل ائده ر، مؤمن لر اونا اقتدا ائده رلر.

دونيا و آخيرت بيريرلرينه ايكي يولا گلمىن دشمان ديلار و هر ايكي سىنين يولى، او بيريندن آيرى دير. هر كيم دونياني سئوسه، و اونا ميللى اولسا، آخيرتى دشمان بيليب آتاجاقدير. بو ايكي سى، بيريرلرينه دوغو و باتى كيمي ديلر. هر كيم بونلارين بيرينه ياخين اولسا، او بيريسيندن ئوزاقلاناچاقدير. بونلار بيرى بيرينه قوروقچو كيميديلر.

۱۰۴ - نوف بكالى دن روايت اولوب كى دئدى: بير گنجه اميرالمومنين على نى (عليه السلام) گوردوم ياتاقيندان آياغادوروب اولدوزلارا باخاركن بويوردى: اى نوف! ياتميسان؟ يا آيىق سان؟ دئديم: گؤزليم باخير. بويوردى: اى نوف! خوش او آدمالارين حالينا كى بو دونيادان ال گوتوروب. او دونيا يا گنديلر. اونلار بير اينسانلار ديلار كى يئرى ئوزلرينه ئورتوك و اونون توپراقلارىنى، ياتاق، سويونى پاك، قرآن كونول لرينده، دؤعا ديل لرينده دير و حضرت مسيح (عليه السلام) كيمي دونياني آتيلار.

اى نوف! حضرت داوود گنجه نين بئلنجى بير ساآيندا ائشيگه چيخيب بويوردى بو

سأآتدا هر بنده دؤعا ائده اوندان قبول اولار مگرکی وئرگی آلان یا چوغوللوق ائدن یا دارقا یانچیسی یا طویل و طانبور چالان اولموش اولار.

۱۰۵ - تانری سیزین بوینوزا، واجب بیر وظیفه لر گتیریبدیر و لازم دیر اونلاری، خاراب ائتمیه سیز. هابئله قرارلارین ئولچی سیندن آرتیق لاشا گتیمیون، سیزله حارام ائدیلن لرین حریمینی پوزمیون. اونلاری تاپماقدان اوتری، ئوزیزی زحمته سالمیون.

۱۰۶ - جاماعات، دونیادا بیرزاد قازانماقدان اوتری، دین لریندن بیرزاد الدن وئرمز لر مگر تانری بیر آلفاش سالاکى اونون فایدا سیندن چوخ، زیبانی نی قاباقجادان گتیره.

۱۰۷ - چوخ عالیم و بیلجی لر واردیلارکی اونلارین دوشونمزلیگی، اونلاری آیاقدان سالار. بیلگی اونولا اولسادا اونا فایدا وئرمز.

۱۰۸ - بو اینسانین قارنیندا دامارلاریندان ات لر آسلیدیر. اما اوره ک اونون شاشغین زادلاریندان بیریدیر. نیه کی اونداهیه نیلمیش حکمت لر و اویوشماز نجه لیکلر دن واردیر. اگر اوره کده اومود اولسا، تاماه اونی ذلیل ائده جکدیر. اما اگر چاره سیزلیک اونا هجوم گتیرسه، ینه تاماه اونی چوروده جکدیر اگر اومود سوزلوق اونا ال تاپا، حسرت چکیب، آغری اونی ئولدوره جکدیر. اگر قیزقین اولسا. آجیقلا ر اونا زورگله جکدیر. اگر کونلونى اله گتیرسن، دوزوملى اولماغى، اونودا جاقدیر. اگر قورخویا دوشسه، قیراغاه چکیلیمک اونون باشینی قاتا جاقدیر. اگر راحت چیلیغا چیخسا، غافل اولاجاقدیر. اگر مصیبتة قالسا، یالواریب یاخارماق اونی رسوای ائده جکدیر. اگر مال تاپسا، مال اونی آزعین ائده جکدیر. اگر یوخسول لوق اونی اینجیده، بلا و مصیبت اونی قاپسییه جکدیر. اگر آجلیق اونا هجوم چکه، عاجزلیک اونی آیاقدان سالار. توخ اولسادا، قارنی دولی اولماق اونا، زیباندیر. یعنی هر جور قیسا گلیمک اونا ضرر وئره، و هر زادین آرتیق اولدوغی، اونی فسادا چه کر.

۱۰۹ - بیزلر، اورتالیقدا اولان دینجلمه یاستیغی کیمی بیک. دالدان گلن بیزه چاتار، قاباقدا گندن ده بیزه ساری قانیدار.

۱۱۰ - اللهمن حؤکم و فرمانین یوللانیدیرا بیلمز مگر او آدام کی حاق یولوندا یوموشاق اولمیه آلجاق کونولوک ائتمیه، تاماهلار دالینجا قاچمیه.

۱۱۱ - سہل بن حنیف انصاری، صفین محاربہ سیندن قئیدنسن سونرا، کوفہدہ وفات ائندی. چون امام (علیہ السلام) اونی هامودان چوخ سئوہردی، بویوردی: «اگر بیرداغ منی سئوسہ، تیکہ پارچا اولوب توکولر. مرحوم سیدرضی بویورور: بو سؤزون معناسی بودورکی بو سیناماقدازحمتلری چوخالار، چتین لیک لری آرتار. بو ایشلر گورولمز مگر یاخشی اینسان و نفسین قۇرویانلار حاققیندا. نئجہ کی ئوزی بویوروبدور»:

۱۱۲ - هر کیم بسیزیم پیغمبرین سؤلالہسینی سنوہ، گرہ کدیبر یوخسولوق و دارماداغینلیق اوچون حاضر اولار. حضرتین بو سؤزونى آیری آنلاملاردا دا یورماق اولار کی یوردا سویلہ مگہ یئر یوخدور.

۱۱۳ - او حضرت بویوردی: هنج مال عاغیلدان فایدالی دگیل و هنج یالقیزلیق، ئوزسئورلیکدن قورخولی دگیل. هنج عاغیل فیکر ائتمک کیمی اولماز و هنج جومردلیق، قۇرولماق کیمی و هنج یولداش یاخشی نئجہ لیکلر کیمی اولماز. هنج میراث ادب کیمی دگیل. هنج باشچی ایشہ توفیق تاپماق کیمی و هنج آلیش وئریش یاخشی و صالح ایش کیمی اولماز. هنج فایدا، ساواب کیمی و هنج چکینمہ، شبہلر قاباغیندا، دایانماق کیمی و هنج زاہیدلیک، حارامدن کنار گزمک کیمی و هنج علم، فیکر ائتمک کیمی و هنج عبادت، واجبلری یئرینہ گتیرمک کیمی و هنج ایمان، حیا و صبرکیمی و هنج اصل و کوکی اولما آلچا کونوللی اولماق کیمی و هابئلہ هنج شرافت بیلجی اولماق کیمی و هنج عزت دؤزوملی اولماق کیمی و هنج آرخا مشورت کیمی اولماز.

۱۱۴ - او زامان کی، یاخشیلیق، زامانا و اونون آداملارینا اوستون گلہ، بیرى، بیر آیری سینا پیس گمان ائدہ بیر حالداکی اوندان بیر پیس ایش باش وئرمیوبدور، اونا ظلم ائدیبدیر.

اگر بیر نفر پیس آدام، زامانا و اونون اهلینہ غالب اولار و اینسانلار اونون حاققیندا یاخشی گمان ائدہلر، ئوزلرین توغلیوبلار.

۱۱۵ - اونا دئدیلر یا امیر! ئوزین نجور گورورسن؟ بویوردی: نجور اولار بیلر بیر اینسان کی قالماغی یوخدور، ساغلام اولدوغوندا خستہ اولار. ئولوم اونى، اولدوغی یئردہ قاپسار.

۱۱۶ - چوخ آدام واردیرکی بیر آز نعمتی اولدوقجا تورا دوشر. گناهی اوسته اوءرتو چکیلماغيله توغلانار، حاققیندا بیر یاخشی سؤز دئماقیله، سیناقا چکیلر. الله، هئچ کیمی وول وئرمک کیمی، سیناقا چکمز.

۱۱۷ - ایکی نفر منه خاراب اولسدولار: بیری او یولداش کی دوستلوقدا اندازاسینی ساخلامادی. بیری ده او دشمان کی دشمانلیقدا آرتیق لاشا گتدی.

۱۱۸ - فرصتی الدن وئرمک، بؤیوک آجیلیق لارداندير.

۱۱۹ - دونیانین مثالی اوایلانا بنزه رکی ال وورندا یوموشاقدیر اما ئولدوره ن آغیسی واردیر. توغلانان آدام اونا ساری گئده ر اما عاغیلی باشیندا اولان، اوندان ایراق گزه ر.

۱۲۰ - قریش دن سوروشدولار، بئله بویوردی: اما بنی مخذوم سؤلاله سی، قریشین عطرلی گل لری دیلر، سئوه ریک کی اونلارین کیشی لری ایله دانیشاق و اونلاردان ائوله نک. اما بنی عبدالشمس سؤلاله سی، مشورتده، ایشین سونونی دوشونن و مال و جان ایله حیمایت ائتمکده، گوجلری چوخدور. اما بیزلر، هر نه الیمیزده وار اولسا، اونلاردان سخاوتلی و ئولوم زامانی، جومردلر کیمی ییک، اما اونلار سایدا چوخدولار. آدام توغلیان، فیریلداق ائده ن و ئوزی پیسدیلر. اما بیزلر دیلده سؤزوموز کسگین، هامودان خیر سئوه ن و گولر ئوزلردن ایک.

۱۲۱ - ایکی ایش بیری بیری ایله توتماز: بیری اودورکی لذتی گندر اما گناهی قالار. بیریده اودورکی زحمتی گنده ر اما جزاسی قالار.

۱۲۲ - بیر جنازه نین دالینده گئدرکن، ائشیتدی کی بیرسی گولور. بئله بویوردی: دئمکدن دونیادا ئولومی بیزلردن آیری لارینا یازیبلار؟ حاق بیزلردن آیری لارینا واجبدیر. ائله بیل ئولی لردن بونی دوشونوروک کی اونلار یولچو دولارکی بو تنزلیکده قائیدا جاقلار. اونلاری قویلاقدا گیزله دیریک و اونلارین میراثلارینی، یثیریک ائله بیل کی اونلاردان سونرا ابدی داوام گتیره جاووق داها او یود وئره ن لرین دئدیک لرینی اونودوب، و بلالارین هدفی اولوروک.

۱۲۳ - خوش او آدامین حالینا کی ئوزین آله قاق بیله و تمیز بیر کسبی اول و روحینی

پیسلیک لردن، آبیرو، یاخشی نھجہ لیکلی اولوب، مالینین آرتیق اولانلارینی باغیشلییا و دیلین آرتیق دانیشماقدان ساخلیا و شررینی آداملاردان کسه. سنت اونا کفایت ائدهر. هئج زامان ئوزینی بدعتلره نسبت وئرمیه.

سیدرضی بویورور: بعضی لر بو سؤزلری و اوندان قاباقکی سؤزلری حضرت پیغمبره نسبت وئریلر.

۱۲۴ - قادین لارین کیشی یه پاخیل اولماغی کوفر دور. اما کیشی لرین قادینا پاخیل لیقی ایماندان دیر.

۱۲۵ - اسلامی ائله تانیتدیریم کی مندن قاباق بیرسی اونی تانیتدیرمیوبدور.

۱۲۶ - پاخیل آدامدان چوخ شاشغی دایام چون او یوخسولوق طرفینه قاجیرکی، اونون الیندن قاجمالیدیر و او وارلیقی آختاریرکی، الیندن گئدیر. اودورکی پاخیل هر زامان، یوخسوللار کیمی عمرین باشا سورهر اما او دونیادا وارلی لارکیمی، حساب وئره جکدیر. او کبرلی آدامدان شاشغینام کی دونن نطفه ایدی اما صاباح مردار دیر. او آدامدان شاشغینام کی تانری حاققیندا شک ائدیر. بیر حالداکی اونون یارانمیش لاری، گؤزلری قاباغیندا دیر او آدامدان شاشغینام کی او دونیادا دیرلمه گی قیراغا قویوب اما بوردا نطفه نین اینسان اولماغینی گورور. شاشغینام اوندان کی بو ایتن دونیانی آباد ائدیر، اما قالیجی او دونیانی، اونودوبدور.

۱۲۷ - هر کیم ایش گورمه دن، جان قاجیردا، ئوزونتولره دوچار اولاجاقدیر. هر کیمین مال و جانیندان، تانریه فایدا یتیشمه سه، اللهین دا اونا احتیاجی یوخدور.

۱۲۸ - سرین دوشنده اول لرده ئوزوزدن مغايات اولون: اما آخیرلرینده اونون قاباغینا گئدین. چون سرین بدنلره هامان ایشی گوره رکی آغاجلارا گورور. یعنی اولده قوغورار اما سونلاردا یاپراق گویره در.

۱۲۹ - اللهین بؤیوک لیگینی دوشونسن، یارانمیش لاری بؤیوک بیلمه سن.

۱۳۰ - صفین محاربه سیندن قانیداندا، کوفه نین مزارلیغینا باخیب بویوردی: ای قورخولی ائولرده دینجه لنلر، ای بوش و قاراللیق مزارلاردا اولانلار، ای توپراقلاردا یاتانلار، ای یی یه

لری اولمیانلار و ای تک قالانلارا ای قورخانلارا سیزلر قاباقدان گنتمیسیز، بیزلرده دالسدان گلیب سیزلره یتیشه جاووق. اما ائولر: اونلاردا اوتوردولار، قادین لار، اره گئتدیلر، ماللار، بؤلوندولر. بیزلرده یالنیز بو خبرلر وارا سیزلرده نه خبرواردیر؟ سونرا یولداشلارینا باخیب بویوردی: اگر اونلارا اجازه وئرسه ایدیلر. تا دانیشسینلار، سیزلره دیردیلرکی هامودان یاخشی آرتیرماق نفسی قۇروماقدیر.

۱۳۱ - ائشیتدیی بیرسی دونیانی دانلیر، بویوردی: ای دونیانی دانلییان، ای دونیانی حیلهلرینه توغلانان. ای کی اونون یالان لارینا آلدانیسان!! اماونی دانلیرسان. سن دونیایه یونتالیرسان یا دنیا سنه گناه یونتالیر؟ دنیا هاجان سنی شاشغیا سالدی؟ نجور سنی توغلادی؟ آنان مزاری نین چورومگی؟ آنان مزاری؟ یا توپراقدا یاتماقلاری؟ نئچه نفرلره یاردیم اولدون؟ کیملره خدمت ائتدین؟ نئچه خسته دوشه نه یئرسالدین؟ نئچه سینین ساغالماقینی ایسته دین؟ یا طبیب لردن توخداقلارین سوروشدون؟. اما سحر زامانی او توخداقلار فایدا باغیشلامادی. آغلاماقین اونلارا فایدا سیز اولدی. سینین قورخماقین، اونلارا فایدا وئرمه دی. ایسته دیگین اله گلمه دی، هنج گوجیله خسته لیک. اونلاردان ایراق اولمادی. آنجاق دنیا اونی سنه اوعرنک قرار وئردی. اونون ئولومی، سنه ده ئولوم خبری اولدی. دنیا، اینانان لارا دوز دئیر. توخداق ائوی دیر اگر تانیوب اینانمیش اولاسیز. اوندان باغاج گوتوره سن راحت اولارسان. هر کیم اویود ائشیده گؤستریش ائوی دیر. اللهی سنوهن لرین عبادت یئری، فرشته لرین ناماز اوخویان یئری، اللهین وحیی نازل اولان یئر و هابئله اونی سئون بنده لرین آلیش وئریش یئری دیر. اوندا رحمت و باغیشلانماق اله گلر، وئرگیسی ده جنت دیر. او کیمدیرکی دونیانی دانلیر؟ بیر حالداکی او. بیزدن آیریلماغی و ئوزاقلاشماغی خبر وئریر. قیشقیریرکی آیریلماق دیر. او دئیرکی: بیرکسه قالمیه جاقدیر. دنیا دئیر: فنا اولاجام. حتی اوندا کیلاردان بیرسی ده جان قورتالمیه جاقدیر.

دوینا ئوز زحمت لریندن بیر اؤرنه ک حاضرلادی، اونلاری ستویندیرماغا چکدی. آخشام بئله لیکده سووشدی. اما سحرچاغی مصیبت لر یتیشدی تا اهلینی قورخودوب، قۇرولماق طرفینه چاغیرسین. بیر کیمسه لر پشمانچیلیق سحری، اونی دانلادیلار. بیر پارالاری قیامت

گونى اونى تعريف ائتديلر. چون يادلارينا سالدى، اونلاردا دوشوندولر. اونلاريله دانىشىدى تا سۆزلرينى اينانديلار. گؤستريش وئردى اونلاردا قبول ائتديلر.

۱۳۲ - اللهين بير فرشته سى وارديركى هر گون باغيرير: دوغون، ئولمكدن اوتري ييغين داغيلماقدان اوتري، تيكين خاراب اولماقدان اوتري.

۱۳۳ - دونيا بير يئرديركى اوندان كوچوب گندلر و هنج زامان اوندا قالمازلار. اينسانلار دونيادا ايكي بۇلوم دولر: بير پاراسى نفس لرinden اطاعت انديب هلاك اولارلار. بير پارالارى دا ئوزلرين، عبادت له آليب آزاد ائده رلر.

۱۳۴ - يولداش، يولداش دگيل مگر كى اوچ زاددا، يولداشين گؤزلييه: بلالره دوشنده، حاضر اولمايىندا، ئولندن سونرا.

۱۳۵ - اينسانا دؤردزاد وئريليدير تا دؤرد زاددان قالماسين: دؤعا وئريلر تا قبول اولونمادان اومودسوز اولميه. توبه قرار وئريلر تا قبول اولونسون و اومودسوز اولماسين.

باغيشلانماق قرار وئريلر تا باغيشلانسين و اومودسوز اولماسين. شوكر قرار وئريلر تا نعمت لرین آرتيمينا سبب اولسون و اومودسوز اولماسين. بو سؤزه شاهد، اللهين كىيديركى بير دؤعاده بويوروب: «منى چاغيرين تا قبول ائديم» باغيشلا ماق حاققيندا بويوروب: «هر كيم بير پيس ايش گوره يا نفسينه ظلم ائده اما سونرا باغيشلانماق ايستيه، اونى، باغيشليان و مهربان تاپاجاقدير». شوكر ائتمك حاققيندا بويوروب: «اگر شكر ائده سيز، نعمت لرى آرتيراجاغام» توبه حاققيندا بويوروب: «هر كيم غافل اولوب پيس ايشدن چيخا، اما سونرا توبه انديب تانرى طرفينه قايدا، تانرى اونى باغيشلار. چون او دوزگون توبه نى تانين و حيكمت صاحبي دير»

۱۳۶ - ناماز هر زاهيد آدامين، تانرييه ياخين اولماق سيبى دير. حجه گتمك بير جهادديركى، عاجزلر اوچون قرار وئريليدير. هر زادا زكات واردير و بدنين زكاتى دا اوروج توتماقدير. قادينين جهادى، ارى نين فرمانيندا اولماقدير.

۱۳۷ - روزى نى صدقه وئرمك ايله ئوز طرفيزه دونده رين.

۱۳۸ - هر كيم تانريدان يئرليك آلماغا اينانسا، باغيشلاماقدا سخاوتلى دير.

۱۳۹ - او قەدەر سەنە ياردیم اولوناجاقدیرکی احتیاجین واردیر.

۱۴۰ - هر کیم اورتا یولدا گئدسە، یوخسول اولماز.

۱۴۱ - ائولادین آزلغی، ایکی وارلیقدان بیریدیر.

۱۴۲ - یولداشلیق ائتمک عاغیلین یاریسی دیر.

۱۴۳ - ئوزونتولوک، قوجالیغین یاریسیدیر.

۱۴۴ - دوزوملی اولماق مصیبتین ئولچوسی قەدەر نازل اولار. هر کیم مصیبت زامانی

الین دیزینه چالا، ساوابی آرادان گئدەر.

۱۴۵ - چوخ اوروج توتان واردیرکی، اوروجوندان یالنیز آجلیق و سوسوزلوق اونا

قالار. چوخ گئجه یاتمیان واردیرکی آییق قالماقدان و ناماز قیلماقدان یالنیز زحمتە دوشەر.

نه گۆزەلدیر چئویک آدمالارین یوخوسی، و خوشدور اونلارین اوروج آچماسی!

۱۴۶ - ایمانیزی صدقه ایله ساخلیون، مالیزی زکات ایله، بلالاری دادۇعا ایله قايتارین.

۱۴۷ - او حضرتین سوزلریندندير کیمیل بن زیاد نخعی یه: کیمیل بن زیاد دئدی:

امیرالمومنین علی (علیه السلام) الیمدن یاپیشوب، چۆله آپاردی: چۆله یتیشنده، اۆره کدن ئوزین بیر

آه چکیب بئله بویوردی: ای کیمیل! بو اۆره کلر قاق قاجاق کیمی دیلر اونلارین لاب

یاخشیمی، یاخشى ساخلیانلاردیلار. اودورکی هر نه دئیرەم یادیندا ساخلا:

اینسانلار، اوچ بولومده دیلر: بیرى، او بیلجى کى تانرى تانیان دیر. بیرى او اویره نن کى

تانرى یولوندا قورتولوشا چالیشیر. بیریده آلچاق و چوروک آدمالاردیلارکی میلچک کیمی

ساغ سولا گئدیب هر زادا بولاشارلار و هر سسین دالینا ییغیشالار. هارا یتل اسسه، او طرفه

میل ائدهرلر، اونلار نه بیلیمکدن خبرلری وار و نه بیر ثابت یئرلری وار تا اونا پناه

آپارسینلار.

ای کیمیل! علم اویره ن مک، مالدان یاخشیدیر. علم سندن مغایات اولسور، سنده مالدان

مغایات اولورسان. مال خرج ائتمگیله، آزالار اما علم، سپیلمگیله چوخالار. مال ایله

بجهریلن زاد، مال الدن گئندنه، اودا اورتادان گئندر.

ای کیمیل! علمی تانیماق اودیندیرکی اونون سببی ایله اینسان، جزالانار و دیریلیکده

اطاعت ائتمگی اویره نر و نولومدن سونرا یا یاخشی آد آرتیرار.

علم فرمان وثره، اما مال، فرمان آپارار. ای کمیل! مال بیغانلار، دیری اولدوغو حالدا نولی کیمیدیلر. اما عالم لر، تا دنیا وار، واردیلار، جسم لری اورتادان گتسه ده، ایزلری کونولرده، قالاندیر. بیل کی بوردا (دوء شونه اشاره ائدیر) علم چوخدور... اگر... ئویره نن تاپایله ایدیم. آه... بیلن تاپدیم اما اوندان آرخائین، دگیلم نیه کی امین دگیل. دین ایله دنیا قازانیردی. اللهین نعمت لری ایله، اونون بنده لرینه آغالیق ایستیردی. علمین گوجیله اونون اطاعت ائده ن لرینه بؤیوکلو ق ساتیردی. اما عالم لره اطاعت ائده ن لرین ایچینده، او آییق لیسق تاپیلیمیر. اگر اونون اوره گینه بیر شبهه گلسه، اوره گین بولاندیرار.

بیل کی نه بو یامسیلایان علم اهلی دیر، نه ده او ایتی اوسلو دور.

گورورسن بیرینی تاپیرام کی، لذت ده آرتیق لاشا گئدیب لذت و شهوت لره تسلیم اولور، یا بیرینی گورورسن کی، دنیا مالی ییغماقا و آرتیرماغا میلی چوخدور. بونلارین هئچ بیر دینی قورویا بیلمز لر. بلکه بیر جانناوارا بنزه لرلر. بوجوره علم، علم صاحب لری ایله یوخ اولوب آرادان گئده ر.

بلی، دنیا اللهین حجت لریندن بوش قالماز. او، یا گورونوش ده دیر، یا گیزلینده و یا قورخولی حالدا غایب دیر تا، اللهین حجتی و اونون نشانه لری باطل اولوب آرادان گئتمه سینلر. بونلار نئجه نفر دیلر؟ و هاردا دیلر؟...

آند اول تانریه! بونلار سایدا آز دیلار، اما ده یه ده چوخ دولار. تانری حجت لرینی و نشانه لرینی بونلار ایله ساخلار تا، نوزلرینه تسای بیر آیری لارینا تاپشیریب و اونلارین کونول لرینده ساخلا سینلار. بیلگی، حقیقت ایشیقینی اونلار ساچیر. اونلاردا یقینین روحونی دوشونوبلر و راحت چیلیق ایله ایشله دیرلر. هاما ایش کی نازیله بسله نن لر، چتین بیلرلر، بونلار راحت گلر. او زاددان کی دوشونمیین لر قاچارلار، بونلار انس توتوبلار. جسم لری بو دنیا دا اما اوجا روح لاری ایله واردیلار. اونلار یثرده اللهین خلیفه سی و وکیل لری دیلر. جاماعاتی اونون یولونا چاغیریرلار.

آه، آه، چوخ میلیم وار اونلاری گوره م. سونرا بویوردی: ای کمیل! اگر کونلون ایستیر

قائیت!

۱۴۸ - کیشی، دیلینین آلتیندا گیزلنیدیر.

۱۴۹ - او کیشی کی ئوز قدرینی بیلمه‌سه، خراب اولار.

۱۵۰ - بیر کیشی. اوندان ایسته‌دی کی، اونا اویود وئرسین، بئله بویوردی: اونلاردان اولماکی بیر ایش گورمه‌میشدن، آخیره اومود باغلیار. یا ئوزین ئوزین آرزی ائتماق‌له توبه‌نی گنجیک دیره. دنیا حاققیندا زاهدلرکیمی دانیشار اما دنیا ایشلرینده دنیانی آختاران لاریولونی گئدر. دنیانی اونا وئرسه‌لر، دویماز. قاباغین آلسالار، النده کینه قناعت ائتمز. اونا وئرلن لرین شوکریندن عاجزدير اما حاققیندان آرتیق ایستیر. پیس ایشلرین قاباغین آلماق ایستیر اما ئوزی پیس ایشلردن چیخیر. ئوزی باجارمین ایشی، ئوزگه‌لره فرمان وئیر. یاخشی آدمالاری سئوره اما اونون ایشی، اونلارین ایشیندن دگیل. گناه ائدن‌لری دشمن بیلر اما ئوزی، اونلاردان بیریدیر. ئولمگی سئومز. و چون، گناهلاری چوخ‌دور، اودورکی ئولومدن قورخور. اگر خسته دوشه، پشیمان اولار اما ساغلام اولان زامان، شه نلیک ائده‌ر. حالی خوش اولسا، شئشه لیک یله ئوزین هامودان آرتیق بیلر. قادا لارا توتولاندا، اومودسوز اولوب، سیزیلدار و تانرییه یالوارار. اما اگر بیر یئردن اومودی اولسا، تانرییه عاصی اولار.

امر ائده‌ن نفس، اونی اطاعتینه چکییدیر، قویمور گناهلارینی. باغیشلاندیرسین. اما ئولومه اوستون گلمکدن عاجزدير. جامعاتین آزجا گناهلاریندان قورخور. ئوز ایشلرینین ساواییندان چوخ، جزا آختاریر. اگر الی بیر وارلیغا چاتا، وارلی اولماغیندان سئوینیب فیرتینا و آزقینلیغا دوشر و گوردویو ایشلردن قیرتار. اجرت ایسته‌سه چوخ آرتیق ایستر. نفسی اگر اونا اوستون گلسه، گناه ائتمگی، توبه‌دن قاباغا سالار. اگر بیر بلایه دوشه، دیس یولوندان چیخار. هامویا عبیرت آلماق یولونسی ئویره‌ده‌ر اما ئوزی، عبیرت گوتورمز. اندازادان آرتیق هامویا اویود وئره‌ر اما ئوزی، گؤستریش قبول ائتمز. دنمکده هامودان آرتیق دانیشار اما ایش گؤرمکده هامودان دالداقالار. فنا اولمالی لاری سئوره و اونلاری اله گتیرمکدن اوتری چالیشار اما قالمالی لاردا ایشدن قاچان اولار.

آخریت اوچون اولانلاری جریمه اما جرم لری غنیمت بیلر. ئولومدن قورخار اما فرصت لری الدن وئره. ئوزگه لرین گناهینی بؤیوک بیلر اما ئوز گناه لارینی هر قه ده ر بؤیوک و آرتیق اولسادا، کیچیک خیال ائده ر. هامودان دقت ایستر اما ئوزونه یاسسار دیر. وارلی لار ایله اوتوروشی یوخسول لار اوتوروشوندان چوخ سنوهر. بویولدا اللهی خاطرله مه دن حاقسیر اولسادا، ئوزونه فایدا و آیری لارینا زییان آختارار. آیری لارین فایدا آپارماغی اوچون حاقلی اولسادا ئوز زییانینا حوکم ائتمز. ئوزگه لره یول گوستره ر اما ئوزی اطاعت ائتمز. حاققینی آلا ر اما، آیری لرین حاققینی وئرمز. جاماعاتدان قورخار اما بو قورخی تانری یولوندا دگیل بلکه جاماعاتین ایشینده، الله دان قورخماز.

سیدرضی بویورور: «اگر بو کتابدا بوندان سوای بیر آیری بویورماق اولماسا ایدی، بو فایدالی سؤزلر و حکیمتلی گوشتریشلر، گوره ن گؤزلره و عیبرت آلیب فیکر ائده ن لره کفایت ائده ردی».

۱۵۱ - هر ایشین سونی، شیرین یا آجی دیر.

۱۵۲ - هر آخ گونلنون ایشی، ائله گری قانیدارکی، فیکر ائده رسن. ازلدن یوخیمیش.

۱۵۳ - صبر ائده ن آدامدان حتی زامان اونا زور گلسه ده، اؤستونلو ک آیریلماز.

۱۵۴ - هر کیم بیرنین ایشینه سؤینسه، ائله بیل کی اونلارین ایچینده ایمیش و هر کیم

بوش و یاراماز ایشه باشلاسا، ایکی گناه اونون بویونا گلر: پیری او ایشی گورمک و بیریده اونا راضی اولماقدیر.

۱۵۵ - او آدام ایله قرارلاشین کی اومودوزوار اونا وفالی اولسونلار.

۱۵۶ - اونلاردان اطاعت ائدین کی، اونلاری تانیماماقدان عذر یثری یوخوزدور.

۱۵۷ - سیزلره گؤز وئریبلر اگر گوره جک گؤزوز اولسا. یول گوستریبلر اگر اوندا گئده

سیز قولاق وئریبلر اگر انشیده سیز.

۱۵۸ - دین قارداشین یاخشیلیق ائتماقیله، دانلا و اونون پیس لیکلری ئوزه رینده اونی

باغیشلا تا زیانی اولسا، ئوزونه ساری دونسون.

۱۵۹ - اگر بیرسی ئوزین او یترده قویساک یی خیال ائده لر، اونون حاققیندا پیس

خیال اندهنی دانلاما.

- ۱۶۰ - هر کیم حکومت وارلیغینا ال تاپا، اگر قۇرولاماسا، جیزیغیندان چیخار.
- ۱۶۱ - هر کیم یالنیز ئوز فیکرینی سنوسه، هلاک اولار. و هر کیم جاماعات ایله مشورت ائتسه، ئوزونی اونلارین دوشونجه گینده شریک ائتدی.
- ۱۶۲ - هر کیم سرینی گیزلتدی، اختیارینی الینده ساخلادی.
- ۱۶۳ - یوخسولوق، بؤیوک ثولومدور.
- ۱۶۴ - هر کیم حوءرمت ائتمیه نه حوءرمت انده، ئوزینی اونا قوللوجی ائدییدیر.
- ۱۶۵ - یارانمیش لاردان فرمان آپارماق او یترده کی تانری فرمانیندان کنار دیر، یاراشماز.
- ۱۶۶ - بیر کیشینی اونندان اوتری دانلامازلار کی نیه حاققینی گنج ایسته دی؟ بلکه او زامان دانلارلار کی، بیرزاد ایستر اما حاققی دگیل.
- ۱۶۷ - ئوزینی سنومک آدمی، یوکسلمه دن قویار.
- ۱۶۸ - ثولوم یاخیندیر، قۇنوشماق آزدیر.
- ۱۶۹ - گؤزی آچیق آداما، سحرین ایشیقی بللی دیر.
- ۱۷۰ - گناهدان ال گوتورماق، توبه ائتمکدن راحتدیر.
- ۱۷۱ - چوخ زامان، بیرپارا یتمک لر، آدمی داها یتمک لردن قویار.
- ۱۷۲ - جاماعات، بیلمه دیکلرینه، دشمان دیلار.
- ۱۷۳ - هر کیم عاغیل ایله بیر ایش گورسه، پیس ایله یاخشینی تانیار.
- ۱۷۴ - هر کیم تانری یولوندا خشم انده، باطل لری اورتادان قالدیرار.
- ۱۷۵ - اگر بیر ایشدن قورخسان، او ایشین ایچینه گیر، نیه کی ئوزون قۇرولماق، بیر ایشدن قاچیب و اونندان قورخماقدان چتین دیر.
- ۱۷۶ - أوره ک گنیش لیگی، آغالیق وسیله لریندن دیر.
- ۱۷۷ - پیس آداملار اینجیمکدن اوتری، یاخشیلار، خیر جزا وئر.
- ۱۷۸ - پیس لیک لری أوره گیندن چیخارتماقیله آیری لارین أوره گینی پیس لیک لردن سیل.

۱۷۹ - عنادجیل اولماق فیکر ائتمه نی خارابلار.

۱۸۰ - تاماهجیل اولماق سونسوز قوللو ق ائتمه دیر.

۱۸۱ - بیر ایشده قیسا گلگین نتیجه سی پشمانچیلیق وقورولاماقین نتیجه سی ساغ قالماقدیر.

۱۸۲ - بیلن یئرده دانشماق لازم اولسا، دینمه مک حارامدیر. اما بیلمین یئرده دانشماغین خیری یوخدور.

۱۸۳ - بیر ادعاده ایکی جور چاغیریش اولسا، بیر آزقین لیقدادیر.

۱۸۴ - او زاماندا کی حاق یولونی تانیدیم، داها شکه دوشمه دیم.

۱۸۵ - یالان دانشمادیم، یالان ائشیتمه دیم، آزقینلیغا دوشمه دیم، بیرینی ده آزدیرمادیم.

۱۸۶ - هر کیم اولده ظلمه ال وورا، سون گونده پشیمان اولاجاقدیر.

۱۸۷ - کؤچوب گئتمک گونی، یاخیندیر.

۱۸۸ - هر کیم حاق اوچون چیرپیشا، قانمازلار الینده هلاک اولار. بیر آیری یئرده: هر کیم حاقدان قاچا هلاک اولار.

۱۸۹ - هر کیمین دؤزومی اولماسا، ته لسمه گی اونی ئولدوره ر.

۱۹۰ - چوخ عجب دیرکی خلیفه اولماق، یولداشلیق و آرخاداشلیق ایله اله گلر اما، سؤلاله یه باغلی اولماق، صحبت ایله اله گلمز؟؟

او حضرتدن بو معناده بیر شعر روایت اولوبدور:

«اگر سن شورا ائتماغیله حکومت چاتدین، نجور شورا ایمیش کی رأی وئرهن لری اوردا دگیل دیلر؟»

«اگر قوه مولوق یولیه دشمانلارادلیل گتیردین، کی بیر آیری لری ده سندن قاباق پیغمبره یاخین ایمیشلار؟»

۱۹۱ - اینسان دونیادا هدف و علامتدیرکی ئولوم اوخلاری اونا ساری آتیلیر. بیر چاپا وول اولوناندیرکی بلالار و آغری لار، اونا ساری گلیرلر. هر ایچمکده بوغاز توتولماق و هر تیکه ده غصه لر وار، اللهین بنده سینه بیر نعمت وئرلیسه، بیریده آلینار. بیر گوندن

آیریلاندا، آیری بیر گونه چیخار. اودورکی بیزلر ئولومه یولداشیق. و جانلاریمیز ئولومه هدفدیر. نجور اولا بیلرکی بیز قالماغا کونول وئرمیشیک؟ بیر حالداکی بو گنجه و گوندوز، تیکدیگی عمارت لری قایدیب بیرده ییخماقدادیلار.

۱۹۲ - ای آدام اوغلی! یئیب ایچمکدن آرتیق، ییغماقلاریندا ئوزگه لره ان یاخشی خزانه دارسان.

۱۹۳ - کونولرده گاه ایستکلر، گاهدا ئوز چئویرمک واردیر اودورکی چاگیراندا اونسا ساری گئدین. چون ئوزباشینا و مجبور اولسا، کور اولار.

۱۹۴ - اگر غضبلی اولام، هاچان غضبیمی سوندوره رم او زامانکی انتقام آلا بیلمه دیم تا منه دئسین لر صبر ائتن یاخشی اولار؟ یا باجارا بیلسم کی منه دئسین لر باغیشلاسان اوندان یاخشیدیر.

۱۹۵ - او زامانکی بسیر زیبیل لیکدن گئچیردی بویوردی: بودور پاخیل آداملارین ایشلرینین سونی. بیر آیری روایتده: بو بیرزاد دیرکی دونن اونون اوستونده چالیشیردیز.

۱۹۶ - الیندن گئتمه دی او مال مگر کی سنه بیر او بود وئردی.

۱۹۷ - بو کونول لر بدن لرکیمی یورقون دوشرلر، اودورکی أوره کلره یئنی بیلگی و حیکمتلر آختارین.

۱۹۸ - او زامانکی خوارجدن ائشیتدی (حؤکم یالنیز اللهین حؤکمی دیر) بئله بویوردی: بو بیر حاق سؤزدور اما اوندان باطل اراده اولونور.

۱۹۹ - ده یه رسیز و اسگیک آداملار حاققیندا بویوردی:

اونلار بیر یرته ییغیشاندا اوستون گلر لر و اگر داغیلسالار تانینماز لار.

(دئیرلر امام (علیه السلام) بئله ده بویوروبدور:) اونلار بیر آدامدیلارکی ییغیشاندا، زییان و ورارلار اما داغیلاندا فایدالاری وار. دئدیلر: ییغیشاندا زییانلارینی بیلدیک، داغیلماقلارینین فایداسی ندیر؟ بویوردی: ایش چیلر ایشلری اوسته گئدرلر آداملاردا اونلاردان فایدالانارلار نئجه کی حوءرگو چکن تیکیتتی ایشینده، توخوجی ئوز توخوماقیندا چوره کچی ده چورک پیشیرماقینا مشغول اولارلار.

۲۰۰ - بیر جنایت ائده‌نی اونون یانینا گتیردیلر. بیر پارا دا یترسیز و اسگیگ آداملاردا اونولا وار ایدیلار. بویوردی: گولمه‌سین او نوزلرکی رسوای چلیق و پیس‌لیک زامانی گورونرلر.

۲۰۱ - هر اینسانيله ،ایکی ملک واردیر، اونی گوده‌رلر تا، او زامانا دک کی اللهین تقدیری گلر، اوندا اورتانی بوشالدارلار. دوغروسی هر اینسانا عمر بویی گۆزه‌تجی وار دیر.

۲۰۲ - چون طلحه و زبیر او حضرتہ دئدیلر: بیعت ائده‌ریک بو شرطه کی، حکومت ایشلربنده سن ايله شریک اولاق. بویوردی: یوخ. اما سیزلر منه یاردیم اولماقدا و یولداشلیقدا شریک اولایبیرسیز او زامانکی عاجز اولوب گوجوم آزاولا.

۲۰۳ - ای جماعت او الله‌دان قورخون کی بیر سؤز دانیس‌ساز، بیلر و کونلوزده اولانی دوشونر. ئولمگین قاباغینا چیخین! نه کی اگر قاچسازدا توتاجاقدیر، دایانسازدا توتاجاقدیر. اونود سازدا یادا سالاجاقدیر.

۲۰۴ - او آدام کی سنین یاخشیلیق لاریندان منت‌دار اولماز، داها اوجور اولمییه‌کی سنی یاخشیلیق ائتمگه کونولسوز ائده. شاید بیرسی سندن تشکر ائده اما فایدا آپارایلمیه. اما سن شاکرین تشکریندن فایدا آپارارسان. او فایدا کافر اولانین نعمت نانکورلوغوندان آرتیق‌دیر. «الله‌دا یاخشی آداملاری سئور».

۲۰۵ - هر نه قاب قاجاق دولاندا، داشار، اما بیلگی کاساسی بیلگی ايله دولاندا، گنیش له‌نر.

۲۰۶ - دوعز ماغین ان بیرینجی فایداسی بودورکی جاماعات، قانمازلار ئوزه‌رینده اونا یاردیم اولارلار.

۲۰۷ - اگر دؤزومون اولماسادا ینه ئوزین دؤزوملی گوستر، کی هر کیم ئوزونی بیر طایفا یا بنزه‌ده، اونلاردان اولار.

۲۰۸ - هر کیم نفسینین حسابینی ساخلییا فایدا آپاراجاقدیر. اما هر کیم غافل اولسا، زیان گوره‌جاقدیر. هر کیم الله‌دان قورخا، اماندا قالار. هر کیم دونیادان عبیرت آلسا، گۆزی آچیق اولار و هر کیم گۆزی آچیق اولسا، دوشونوب قانار و هر کیم دوشونسه، بیلجی

دیر.

۲۰۹ - دنیا طغیان ائندن سونرا، بیزیم سؤلالهیه ئوز چئویریب یوموشاق اولار. نجه کی بیر قیزقین دوه ئوز بالاسینی سئوینجه گیندن دیشلر. سونرا بو آیه نی اوخودی: «بیز ایستهریک او ال سیز آیاقسیز آدام لارا منت قویوب اونلاری باشچی و بویوکلرین وارئی قرار وئرك». (سوره ۲۸ آیه ۵)

۲۱۰ - الله دان قورخون! او قورخو کی، بیر زاهید و دونیادان ال گوتوره ن چالیشار تا ئوزین حاضر ائده و بنده لیک یولوندا تله سیب، تانری قورخوسونندان قاباقدان گلن لیک ائده ر تا اورا کی گره کدیر ایشین سونوندا گئده، چاتسین.

۲۱۱ - جومرد اولماق آبتیرنین گؤزتجی سیدیر. صبر ائتمک، عاغیلی آز اولانا، قولدور. گناهلاری باغیشلاماق، اوستون اولمالارین زکاتی دیر. وفاسیز یولداشدان قاجماق اونون جزاسیدیر. مشورت، دوزیولا، یول تاپماقدیر. هر کیم یالنیز ئوز فیکری ایله ایش گوره، چتین لیگه دوشر. دوزوملی اولماق زمانه نین چتین لیک لرینی آرادان آپارار. دؤزومسوزلوک، زمانه زحمت لرینی آرتار. هامودان شرافتلی احتیاجسیزلیق آرزو لاری بوراخماقدیر.

چوخ عاغیلی اولانلار واردیلارکی، نفس ایستک لرینه اسیردیلر و نفس، اولانلار امر ائدیر. مودلولوق لاردان بیریده سینایشلاری ساخلاماقدیر. هر کیم یولداشلیق ائده، یاخین لیک ایلگی لرینی دواملان دیرار. تئز اینجیب کدرله ننده ن خیالین راحت اولماسین.

۲۱۲ - ئوزین سئوه ن اینسان عاغیلنا پاخیل اولانلاردان بیریدیر.

۲۱۳ - زمانه نین بالاجا زحمت لریندن گؤز اورت یوخسا، سئوینمیه جکسن.

۲۱۴ - هر کیمین دوستلوق آغاجی یوموشاق اولسا، قول بوداغی دا چوخدور.

۲۱۵ - او یارسیز یوللاشماق، عاغیلی خارابلار.

۲۱۶ - هر کیم آرتیق زینگین اول، ئوزونی هامودان یوخاریدا بیلر.

۲۱۷ - زمانه نین دولانماسی، کیشی نین جوهرینی بیلندیره ر.

۲۱۸ - یولداشین پاخیل لیقی اونون دوغری اولما ماغیندان دیر.

۲۱۹ - چوخ عاغيللارين گيزلنمه سي، تاماهلارين آرتيق ليغيندانددير.

۲۲۰ - ظن ايله حؤكم سورمك، عدالتدن دگيل.

۲۲۱ - تانري بنده لرينه ظلم ائتمك، آخيره قولاي آرتيم آپارماقدير.

۲۲۲ - جومردلرين ياخشى ايشلريندن بيريده، بيلديگي عيب لردن گؤز اورتماقدير.

۲۲۳ - هر كيم حيا پالتارى گيسه، جاماعات اونون عيب لريني گورمز.

۲۲۴ - آز دانشماق وقار گتيره، عدالت يولداش آرتيرار، ياخشىليق، جيخارى

چوخالدار. آلچاق كونول اولماقدا، نعمتler كماله چاتار. زحمت لره دؤزمك، آغالق گتيره،

ياخشىليق و عدالت ايله دشمانين بئلى سينار. عاغيل سيز و آنلامازلار نوزهرينده دؤزوملى

اولسان، سنه يارديم ائدن چوخالار.

۲۲۵ - چوخ شاشنى ديركى پاخيل آداملار جاماعاتين ساغلام اولماغينا فيكر ائتميرلر.

۲۲۶ - تاماهجيل آدام، ذليل اولماغينا باغلى دير.

۲۲۷ - ايمان دان سوروشدولار، بويوردى: ايمان اوره كدن تانيماق، ديلده اعتراف ائتمك

و آيرى اندام لار ايله فرمان آپارماقدير.

۲۲۸ - هر كيم دونيادان غصه لي دير، اللهين قضا سيندان غضبلى دير، هر كيم قاباغدا

چيخان غصه دن شاكى اولار، الله دان شاكى دير. هر كيم بير زينگين آداما آلچاقليق ائده،

دينى نين اوچده ايكي سيني الدن وئره. هر كيم قرآن اوخويا، اما نولندن سونرا اودايانا، او

آداملار دانديركى، اللهين كتابىنى اسگيك لنديريب دير. و اونى ناغيل سانيرميش. هر كيم

دونيابه باغلى اولار، دونيادا اوچ زاد اوندان آيريلميه جاقدير:

غصه يئتمك اونولا واردير.

تاماه اوندان ال گوتورمز.

آرزى لارينا چاتا بيلمز.

۲۲۹ - هنج وارلىق قناعت كيمي اولماز. ياخشى اولماق تتر ال وئره نعتدير. چون او

حضرتدن سوروشدولار: «ياخشى و صالح بنده لره ياخشى ديرليك وئره ريک» آنلامى ندير؟

بويوردى: او ياخشى ديرليك، اوءز پايينا قانق اولماقدير.

۲۳۰ - روزی سی بول اولانیله شریک اولون چون او وارلی اولماغا لایقیدیر و اقبالین اونا ئوز گتیرمه سیده، یئرلیدیر.

۲۳۱ - اللهین بویوردوغی: (تانی عدالت و احسانا امر اندیر.) حاققیندا، بئله بویوردی: عدالت هامان انصاف و ظلمدن کنار گزمکدیر و احساندا هامان یاخشیلیق و باغیشلاماق آنلامیندا دیر.

۲۳۲ - هر کیم قیسسا ال ایله باغیشلاسا، ئوزین الدن باغیشلانار. سیدرضی بئله بویورور: آنلام بودورکی هر نه، مالدان تانی یولوندا باغیشلانسا، آزاولسادا تانی اونا بؤیوک جزا وئرهر. او ایکی الدن مقصود، ایکی نعمت دیر و امام (علیه السلام) بوردا بنده لرین نعمت لری ایله تانی نعمت لرینین اورتاسیندا تفاوت قویدی. بنده لرین نعمتینی قیسسا ال و اللهین نعمتینی، ئوزین ال آدلاندیردی. چون کی اللهین نعمت لری اصل دیر و هر نعمت ده تانی داندیر و اوندان آیریلیدیر.

۲۳۳ - اوغلی حسنه بویوردی: بیرینی محاربه یه چاغیرما، اما اگر محاربه یه چاغیر دیسلا، قبول ائت. چون کی محاربه یه چاغیران، ظالیمدیر و ظالیمده سینیب ذلیل اولمالیدیر.

۲۳۴ - قادین لارین ان یاخشی نئجه لیکلری، کیشی لرین پیس نئجه لیک لریندندیر: ششه لنمک، قورخی، و پاخیل اولماقدیر.

اگر قادینین ششه لنسه، اجازه وئرمز بیرى اونا ال تاپا.

اگر پاخیل اولسا، ئوزونون و ارى نین مالیندان مغايات اولار.

اگر قورخاق اولسا، هر نه پیس قاباغیندا اولسا کنار گزه.

۲۳۵ - او حضرت دئدیله عاغیلی چوخ اولانی بیزه تانیتدیر، بویوردی: عاغیلی اولان او کیمسه دیرکی هر زادی ئوزیترینه قویار. ینسه دئدیله: عاغیلی اولمییانی بیزه تانیتدیر! بویوردی: دئدیمل! بو سوزون آنلامی اودورکی هر زادی لازم اولان یئرینه قویماز. دئمکدن بیرى نین نئجه لیکنی ترک ائتمک، اونا نئجه لیک دیر. چون، تهره پهنیشی عاغیل یولوندا دگیل.

۲۳۶ - سیزین بو دونیاز منیم گؤزومده بیر تونگؤز سوموگوندن کی بیر نفر خورالی

الینده اولار، اوندان اسگییک دیر.

۲۳۷ - بیر پارا آداملار اللهی باغیشلانماق اوچون، مدح انده رلر. بونلارین اومه سی تاجرلرین ایشی کیمی دیر. بیر پارالاری قورخودان مدح اندرلر. بئله بیر اووش، قول لارین ایشی دیر. بیر پارالاریدا اونی شوکر ائتمک اوچون مدح انده رلر، بئله بیر عبادت آزاد آداملارین ایشیدیر.

۲۳۸ - قادین لارین هر زادی پیس دیر. هامودان پیسی اودورکی هامی اوندان چاره سیزدیلر.

۲۳۹ - هر کیم ایشده سست اولار، حاققی ضایع اولار و هر کیم سؤز دولانديراندان سؤز ائشیده، یولداشین الدن وئرر.

۲۴۰ - غصبی داش هانسی ایؤده اولسا، خاراب اولماغینا سببیدیر. بو سؤز حضرت پیغمبردن (ﷺ) ده، روایت اولوبدور. بو ماراقلی دیرکی سؤزلرین هر ایکسی ده بیر قویسودان دولان دولچایا بنزه رلر.

۲۴۱ - مظلوملارین گونی ظالیملره، ظالیملرین گونی مظلوم لاردان، آغیردیر.

۲۴۲ - تانریدان قورخ، حتی آز اولسا. تانری ایله نوز آراندایا بیر اسلاق قرار وئر حتی اینجه اولار.

۲۴۳ - اگر جاوابلار بیریری بیرینه بنزه ریش لری اولار، دوزگون جاواب، اورتولی و گیزلینده قالار.

۲۴۴ - هر نعمته، اللهین بیر حاققی واردیر. هر کیم او حاققی وئرسه، اللهدا اونون نعمتینی آرتیرار. اما هر کیم قیسسا گلسه، نوزونی فنا اولماغا چه کر.

۲۴۵ - باجاریق آرتاندا، هوس لر و ایستکلر آزالار.

۲۴۶ - نعمت لرین آرادان گنتماغیندان قورخون نیه کی، هر الدن چیخان بیرده اله گلمز.

۲۴۷ - جومرد یولداش، قوهومدان ایستکلی اولار.

۲۴۸ - هر کیم سنین حاققیندا یاخشی خیال انده، اونون خیالینی، صداقت نوزوندن بیل.

۲۴۹ - یاخشی ایشلردن بیریری اودورکی. نفسین مجبور انده سن تا او ایشی گورسون.

۲۵۰ - من، اولو تانرىنى، ايشلرىن دوزەلمگى و دۇيونلرىن آچىلماغىلە تانىديم.

۲۵۱ - دونيانىن آجىلىق لارى، آخيره تىن شىرىن اولماغى و دونيانىن شىرىن لىكلرى، آخيره تىن آجى اولدوغونا سبب اولايلىر.

۲۵۲ - تانرى ايمانى واجب ائتدى تا، شركلرى سيلسین. نامازى واجب ائتدى تا اينسان كبر و عناددان پاك سيلينسين. زكاتى واجب ائتدى تا يوخسول لارىن روزى لرىنه وسيله اولسون. اوروجى واجب ائتدى تا جاماعاتين اخلاصى سىناقچكىلسین. حجى واجب ائتدى تا دين گوجلنسين. جهادى واجب ائتدى تا ايسلامى حوء رمتلنديرسين. ياخشى ايشلره فرمان وئردى تا عاوام، اصلاح اولسون. پيس ايشلرىن قاباغىنى آلدى تا، عاغىلى چاشانلارین قاباغى آلىنسين. قوهوملارى يولوخماق قرار قويدى تا بۇيويوب سايلارى چوخالسين. قصاصى بللى ائتدى تا قانلار داها قۇرولانسین. حد وورماق حۇكم اولدى تا حاراملاردان قاچماغا سايغى وئرىلسین. چاخير ايچمه مك حۇكمى گلدى تا عاغىل لار يئرلرىنده قالسين. اوغورلوق پيسلندى تا جاماعاتين مالينا ال وورولماسین. زنا ائتمه مكده، نسب لر يئرینده قالسين. لواطى ترك ائتدیردى تا اوشاقلارین نسللى چوخالسين. شاهد چيخماغى بويوردى تا دانىلميش حاقلار، ئوزه چيخسين لار. يالان سؤيله مك پيس لندى تا دوز دانىشماقین مقامى آرتيرسين. بيرى بيرينه سلام وئرمگى امر ائتدى تا قورخولى يئرلرده، اماندا قالينسين. امام تىكىلدى تا جاماعاتين ايشى، دوزونه چيخسين و هابئله امامدان اطاعت ائتمك حۇكمى وئرىلدى تا امامين مقامى بۇيوك گورونسون.

۲۵۳ - اگر لازم اولسا، ظالimler بئله آند وئرديرين كى دئسين لر: اللهين احاطه سيندن و گوجوندن نفرتيم وار. اگر بئله بير يالان سؤزه آند ايچه، جزا سيناچا تا جاقدير. و اگر آند ايچه كى اوندان سواى بير تانرى يوخدور، اونى جزالانديرماقدا، تلسمه سينلر. نيه كى او اولو تانرىنين بير اولدوغونا اقرار ائديدير.

۲۵۴ - اى آدمين اوغلى ماليندا ئوز نفسين وصى سى اول ائله بير ايش گۇركى، سنويرسن سندن سونرا كىلار گورسونلر.

۲۵۵ - قيزقين اولماق، دلى لىكدير، چون كى قيزقين آدام پشمان اولار، اگر اولماسا دلى

اولماغی اونولا قالمالیدیر.

۲۵۶ - بدنین ساغلام اولماغی، پاخیل لیقین آزلیقینداندیر.

۲۵۷ - ای کمیل! یاخین آداملارین مجبور ائت تا گوندوزلر یاخشی نجه لیکلری
ئوبره نمه گه گتسین لر گنجه لرده یوخودا اولان یوخسول لارین احتیاجلارینی، آرادان
گوتورسونلر. آند اولا اوناک، ائشیده ر و سسلر اون، احاطه ائدیبلر! ائله بیر کیمسه
یوخدورکی بیر کونولی سئویندیره اما تانری اونون جزاسینی، سئوینماق، یاخشی لیق و
احسان و ثرمیه. هر زامان کی اونا بیر مصیبت یتشه، اویوموشاق لیقار سوکیمی اوناساری
آخار. تا مصیبتی ئوزاقلاندیرسین، هامان جورکی بیر ئوزگه دوهنی ئوزاقلاندیرار.

۲۵۸ - یوخسول لوقا دوشنده، تانری یولوندا صدقه وئرمگيله، تانری ایله معامله چی
اولون.

۲۵۹ - وفاسیزلارا وفا ائتمک، تانرییه وفاسیز اولماقدیر. اما وفاسیزلارا وفا ائتمه مک،
تانرییه وفا ائتمکدیر.

۲۶۰ - (بو کلام بیرده یوز اون آلتینجی بویروقدا بیان اولوبدور).

چوخ آدام واردیرکی، بیر آز نعمتی اولدوقجا تورا دوشهر. گناهی اوسته پرده
چکیلماغيله توغلانار. حاققیندا بیر یاخشی سؤز دئمگيله، سیناقا چکیلر. تانری هئچ کیمی
وول وئرمک تکین سیناقا چکمز.

(بو بولومده او حضرتین کلمه لریندن کی بیر آز دولاشیق گورونور، آچیقلا ندیرماقی
گره کدیر).

الف - او حضرتین حدیثینده بئله واردیر: بئله بیر زاماندا، دینین صاحبی (یعسوب). ئوز
تابع لری ایله سون باهار بولوتلاری کیمی (قزع) بیر یئره ییغیشارلار. یعسوب دینین
باشچی سی و قزع، یاغمییان بولوت معناسیندادیر.

ب - او حضرتین حاققیندادیر: بو خطبه اوخیان کی چوخ باجاریقلی و چئویک دیر
بو یورور: شحشع دن قصد، بودورکی خطبه لرده، باجاریقلی اوسلو، سؤز باجاران و
دانیشان دیر. هر کیم سؤزون آردین توتوب و آراشا، «شحشع» دیر. بیر آیری آنلامدا «شحشع»

پاخیل و دار گۆز آدامدان عبارتدیر.

پ - او حضرتین سۆزلریندندیر: «دشمانچیلقدنا فنالیق و خراب اولماق واردیر.» قحمدن قصد بوردا خراب اولان یثردیر. چون کی چوخ زامان چارپیشماق، آداملاری فنایه چه کر... بونا تای دیر: اوتورمز مگر بیر آریق سوموکللی جاناوار قالار. «قحمة الاعراب» آیری جورده، معنا اولوبدور: یعنی باهالیق و قوراق لیمق، اونلاری آیری آباد شهرلره گتتمگه مجبور ائنده: یعنی چؤلون قوروماغی اونلاری محتاج اندر و اونلاردا آیری شهرلره گندرلر.

ت - او حضرتین بیر آیری حدیثینده واردیرکی: چون قادین لار کماله چاتدیلا، آنا بابالاری اونلارین ایشلرینده، آنا بابالاریندان اوستوندولر «نص» هر ایشین نهایت کمالیدیر. مثلا گنبدیشده و او بیر حیوانین ان آرتیق ینگین گتتماغیدیر. یعنی او زامانکی دئیلیر «نصحت الرجل عن الامر» بو آنلامدا دیرکی: سوروشماقلارین هاموسینی سوروشدوم و هر نه لازمایدی، دوشوندوم. بورداکی نص الحقایقندن قصد، بالغ اولماقدیرکی بیر صغیر، حد تکلیفه چاتیر. بو بیر فصاحتلی کلمه و ماراتلی کنایه لردندیر.

یعنی او زامان کی قیز اوشاقلاری او حده چاتدیلا، آنا طرفینده کی اقربالر اگر محرم اولسالار، آنا طرفینده کی قوهوملاردان اوستوندولر. یعنی قارداشلار و عمی لر اگر ایسته سه لر، آنادان دا قاباق اونی اره وئره بیلرلر.

حقاقدان قصد، آنا ایله آتائین یاخین آداملاری، بیر قیز اوشاغی اوسته چارپیشماقدیر. اوردا ساواش و دشمانچیلیق قاباغاگلر یعنی منیم سندن آرتیق بونالیقتیم وار. بو آنلاییش دا (حافقته حقا، جادلته جدالا) کیمی دیر. و بیرده دئیلر نص الحقا، عاغیلین کمالیدیر و اودا بالغ اولماق کیمیدیر و امامیندا قصدی بو سوءزی دئمکدن، او زامان دیرکی بوتوولوکده حاقلار و حؤکم لر واجب اولورلار و نص الحقایق، روایت ائنده نین فیکرینده حقیقت کلمه سینین چوخلاندیرما و توپلومودور.

بو معنایی (ابوعبیده قاسم ابن سلام) بیان ائدییدیر اما منیم فیکریم بودورکی، بوردا نص الحقاقدان مقصد، بیر قیز اوشاغینین بالغ اولماسیدیرکی ائوله نیب یا حاققیندا تصرف ائنده بیلر. بو سؤزون بنزه ریشی عربجه حقا (دوه) دیر و حقا، حاق و حاقفا کلمه سینین تکی دیر و

او بیر دوه دیرکی اوچ یاشی قورتالیب، دوردونجی یاشا گیریر و بو بیر زامان دیرکی او دوه، مینیش وئره بیلر یا بول گنده بیلر. حقایقده حقنن توپلومودور و بونلارین هر ایکسی ده بیر آنلامدا دیلار. اما بو سؤز عرب بیچیمینده، قاباقکی دئیلن معنایه چوخ بنزه ریشی وار. اونا گوره بوردا آچیق جا، سویلندی.

ث - او حضرتین سؤزلرینده. بئله گلیبدیر: ایمان بیر آغ نقطه کیمی دیرکی، اوره ک لرده تاپیلار. هر اندازا ایمان آرتیق اولار، هامان اندازا آغلیقی آرتیرار. سیدرضی بئله بویورور: لمظه بیر آغ یا اونا بنزه بیر نقطه دیر. و بو آنلامداندیر، فرس المظ: یعنی آتین دوداغیندا آغ واردیر.

ج - بیر حدیثینده بئله گلیبدیر کی اگر بیر، بیر نفردن آلیجی اولار. یعنی ظنون؛ اما بیلیمیه کی. آلابیلر یا یوخ، اگر آلا بیلسه اونا واجبدیرکی، اوتن ایلین زکاتینی ده، وئرسین. و ظنون بیر مال دیرکی بورج آلانین بویوندا دیر. چون، بورج وئره ن بیلیمیرکی او مال، اوندان آلینا جاق یا یوخ؟ اگر شکی اولار کی آلینا جاق یا آلینیمیه جاق دیر، آلسا، گره کدیر گنچمیش گونلرین زکاتینی وئرسین. یعنی «ظنون بورجی» بیر مال دیرکی بورج وئره ن اونی بورج لودان آلا بیله جک یا یوخ؟ بورج وئره ن بوردا، گاه اومودی وار گاه اومودی یوخ دور.

بو بیر فصاحتلی سؤزدور. هابئله اگر سن، هر نئی آختاراسان اما بیلیمیه سن کی تاپا جاقسان یا یوخ؟ بو، هامان ظنون دور. بو آنلا ییشدا اعشی نین بیر سؤزی واردیر: اگر خیال اولونا کی چولده بیر قویدا سو واردیر یا یوخ؟ او قویو حسابا گلمز چون سسلی یاغیشدان کی فرات کیمی جوشغون و داشغین اولور، گمی نی یا ئوزگونچی نی آباقدان سالیر، داها خبر یوخ دور.

جد، اسکی بیر قویودور، چولده و ظنون بیر قویوردورکی، بللی دگیل سوی ی واردیر یا یوخ؟

چ - او حضرتین بیانیندا دیر او زامانکی بیر پارا عسکر لرینی یولا سالیب محاربه یه یوللوردی بئله بویوردی: هر قهده ر با جارساز، ئوزیزی قادین لاردان کنار ائدین. بو آنلامدا دیرکی اونلاری یا دیزا سالمیون اوره گیزی اونلارا مشغول ائتمیون و اونلارا یاخین

دولانمیون کی غیرتی سست ائده و گئتمک فیکرینی باشدان چیخاردار. دشمانی قوغماقدا قوچاق اولایلمه سیز. میداندا دشمانلا نوز نوزه دورایلمه سیز و هر زاد کی سیزلری، قارشیلماقدان ساخلاسا (اعذب عنه یا اعذاب) دئمک اولار. عاذب و عذوب اودورکی، یتیب ایچمه دن منع اولونوبدور.

ح - او حضرتین سؤزلریندندیر: او قمار اویونونا بنزه ریشی وار کی اول اویونوندا آپارماغی گؤزلور. بوردا «یا سرون» او آداملاردیلار کی قمار اوخلارینی، کسین دوه لر اوچون آتارلار. «فالج» بوردا غالب اولان و اوغورلی آنلامیندا دیر: نجه کی دیرلر «فلج» علیهم و فلجهم» یعنی حریقلره غالب اولوب، آپاردی. بیر رجز اوخویان دئمیشدیر: «فالجی» گوردوم کی غالب اولدی.

خ - حضرت او سؤزلرده کی بویورور: محاربه چتین لیگه گنچنده، بیز نوزیمیزی، حضرت پیغمبر ایله ساخلارو. یعنی بیزلردن هئچ کیم اونون کیمی دشمانا یاخین اولماز ایدی...

بو سوزون آچیق آنلامی بودورکی، دشماندان قورخماق فیکری آرتیراندا و هامی زورا دوشنده، مؤسلمانلار پیغمبر اولان طرفه قاچاردیلار و اوندان ایستر دیلر اونلارا یاردیم اولسون. بئله زاماندا، الله، پیغمبرین وجودی برکتیندن، اونلاری غالب ائده ردی.

او حضرتین سؤزی کی بویورور: «إذا احمر البأس» محاربه نین موشگول اولماغینا اشاره دیر و بو آنلامدا نجه سؤز دیبلر و اونلارین یاخشیسی بودورکی، حضرت امام علی (علیه السلام). محاربه نین قیزقین لیگی نی اوتون ایستی سینه بنزه دیر. بو سؤزه حضرت پیغمبرین سؤزی شاهد دیر کی «حنین» محاربه سینده، چون جاماعاتین ساواش ائتمه سینی گوردی و او هامان «هوازن» محاربه سی ایدی، بئله بویوردی:

«الان حمی الوطیس» «وطیس» اود یاندران ینر دیر. اللهین پیغمبری، ساواشین قیزقین الدوغونی، الولانیب یانماغینا بنزه دیدیر.

بئله لیکده بوبولوم باشا چاتدی، ایندی اولده کی بولوموزا قئیده ک.

۲۶۱ - چون معاویه نین یاردیم لری لینده، انبار شهرینین چاپلماغینی ائشیتدی.

ئوزی مینیک سیز یولا دوشوب نخیله یه چاتدی. نخیله لیلر اونولا بیرله شیب دئدی: ای مؤمن لرین آغاسی! بیز سنین عوضیندن اونلارا کفایت ائده ریک. او حضرت بویوردی: سیز ئوز باشیزی ساخلیه بیلیرسیز، نجور آیری ایشده منه یاردیم اولا بیلرسیز؟

اگر مندن قابق جاماعات والی لرین الیندن سیز یلدردی لار، بوگون من جاماعاتین جفا سیندان شکایت ائدیره م. ائله بیل کی من اونلارین تابعی یم و اونلاردا منه باشچی دیسلار یا من محکومام، اونلار حاکیم دیلر!

سیدرضی بویورور: امام (علیه السلام) بو سؤزلری ئوزین بیر دانیشتیقدا بیان ائدیر. منده بوردا او سؤزلرین قیسالمیشینی گتیردیم.

ایکی نفر یولداشلاریندان، اونون یانینا گلدیلر، بیرى دئدی: من ئوزوم و قارداشیمدان سوای بیر کیمسه یوخومدور، اما ای مؤمن لرین آغاسی، بیزه هر امر ائتسن. دالینجا گئده ریک. امام (علیه السلام) بویوردی کی: سیز، هاردا من ایستین ایشی گوره بیلرسیز؟ الیزدن بئیر ایش گلمز!

۲۶۲ - روایت اولوبدور کی «حارث ابن حوط» حضرتین یانینا گلیب دئدی: فیکر ائدیرسن کی من، جمل محاربه سینی سالانلاری آرقین بیلرهم؟ بویوردی: حارث! سن آلچاق نظرله باخدین! یوخارییه دریندن فیکر ائتمه ییب حیران قالمیسان! سن، نه حاققی و اونون اهلینی تانیرسان و نه، باطلی و باطلده اولانلاری تانیرسان، تا بیله سن اونلار کیمدی لر؟ حارث دئدی: من سعیدبن مالک و عبدالله ابن عمرله بئیرلیکده، قیراغدا چکییلریم!

امام (علیه السلام) بویوردی: سعیدبن مالک نه حاققا یاردیم اولدولار و نه باطله ساری گئتدی لر!

۲۶۳ - شاه لاریله اوتوروب دورانلار، اصلاتا مین لر دیلر. او مقامین حسرتینده دیلر اما، او، ئوز مقامینی هامودان یاخشی بیلیر.

۲۶۴ - او بیرى لرین قالانلارینا یاخشیلیق ائدین تا سیزینده قالانلاریزا یاخشیلیق ائتسین لر.

۲۶۵ - اگر بیلجی آدمالارین سؤزلری دؤز اولسا، درماندیر. اگر یالان اولسا آغریدیر.

۲۶۶ - بیر کیشی اوندان ایسته دی تا، ایمانی اونا تانیتدیرسین، بویوردی: صاباح منیم

یانیم گل تا آداملار ایچینده جاوابینی وئریم. کی اگر منیم دندیگیمی اونودسان، بیر آیری سی یادیندا ساخلا سین. نیه کی دانیشماق هولکه یه ن بیر اوودور کی بیرى اله گلسه، او بیرى سی الدن چیخار.

سیدرضی بویورور: بیز، امامین او کیشی یه وئرن جاوابی نی کی بویورموشدی ایمان دورد قسم دیر، قاباقدا دئمیشدیک.

۲۶۷ - ای اینسان! گلمه میش گونون غصه لرینی بوگونه فاتما. نیه کی اگر صاباح سنین عمریندن اولسا، تانری اونون روزی سین، یتیره جکدیر.

۲۶۸ - یولداشین او اندازا سنوکی، اندازادان چیخماسین. شاید صاباح سنه دشمان اولا. هابئله دشمانیله او اندازا کینه لی اولماکی، شاید صاباح سنه یولداش اولا.

۲۶۹ - دونیانین آداملاری، دنیا ایشلرینده، ایکی جور دولر: بیرى اودروکی دنیا اوچون ایشلر، آخیرتدن قالار. همیده قورخار میراثچیلاری یوخسول قالسین لار اما ئوزنین آخیرت یوخسولی اولماغیندان خبری یوخ دور. اونا گوره یاشایشین ئوزگه لر راحتچیلیغی یولوندا فنا ائدهر. بیریده اودورکی دنیا دا اخرتی اوچون ایشلر. دنیا یه باخمیه راق مقدر اولموش روزیلردن فایدالانار. یعنی هر ایکی فایدانی اله گنجیردیب و هر ایکی دونیانی آلییدیر. تانری یانیندا دا ئوزی سولودور، هر نه تانری دان ایسته سه وئره جکدیر.

۲۷۰ - روایت دیرکی «عمر بن خطاب» زامانیندا، کعبه نین زینت لریندن و اونلارین بوللاشماق و چوخلو غوندان دانیشیق اولدی. بیر آزی دئدیله: اگر اونی ساتاسان و اونون پولی ایله مؤسلمانلارین قۇشون لارینی تامین ائده سن، چوخ یاخشی اولار. نیه کی کعبه یه بزه ک لازم دگیل. عمر ایسته دی بو ایشی گورسون حضرت علی دن مصلحت ائتدی. او حضرت بویوردی: قرآن پیغمبره نازل اولدی، او زامان ماللاری دورد بولوم حسابلار دیلار: مؤسلمانلارین مالی کی حساب ئوزی ایله گره کدیر میراثچی لار آراسیندا بؤلونسون. محاربه غنیمتی گره کدیر مستحق لر آراسیندا پایلا نسین.

بئشده بیرى ساخلانیلسین.

بیریده صدقه لر دیلر کی اونلاری بللی اولونموش یئرلرده ایشله در دیلر.

اوگون کعبه نین زینتی واریدی، الله دا اونی هاما حالدا ساخلادی و ئوز حالیندا قویدی. سنده اونی، ئوز یثرینده ساخلا. اونودوب یا ئوز باشینا اوتورمه کی الله دان گیزلین دگیل. عمر دندی: اگر سن اولماسایدین، بیز آدی پیسه چیخمیش لردن اولاردیق داهازینت لره ال وورمادی.

۲۷۱ - روایت اولوبدور، ایکی نفر اوغرونی کی تانری مالیندان اوغورلو ائتمیشدیلر. اونون یانینا گتیردیلر. اونلاردان بیر، «بیت المال» قولى ایدی. بیرسی ده آیری کیمسه نین قولى ایدی بنله بویوردی: اوکی اللهین مالیدیر، تانری مالیندان یئیب دیر اونا حد وورولماز. اما او بیرینه حدووروب الین چاپدیلار.

۲۷۲ - اگر بوردا آیاقلاریم بودوره مه سه، چوخ زادلاری ده یشه ره م.

۲۷۳ - بو دونیانین، تانری بنده لری، حتی چوخ چالیشقان، حیله ائده ن و باجاران اولسالاردا، او بویوران و تقدیر ائده ندن چوخ اله گتیره بیلمز لر. عاجز و گوجسوز بنده لرین، تقدیر اولونموشا ال تاپماق اوچون قاباغین آلمیوبدور هر کیم بونی دوشونسه، او ایستکده ایش گوره ر و هامودان آرتیق فایدا آپارار. اما هر کیم اوندان گؤز اورتیه یا شهبه له نه، هامودان آرتیق زییانا دوشنلردندیر. چوخ نعمت صاحب لری، نعمت لره توغلانیب، عذاب طرفینه یاخین لاشار. چوخ مبتلار وار کی تانری اونلاری سیناقا چکیر تا نعمت وئرسین. بونا گوره فایدا آپاران تانرییه، چوخ شوکرائت، تلمسه حاققیندان آرتیق دا ایسته مه.

۲۷۴ - بیلگی لریزی بیلمه مز لیکده و اینا ندیغیزی شک ائتمکده، باشا سورمیون. ائله کی بیلدیز، او بی-لگی لرین اوستونده ایشلیون. یا ائله کی ایناندیز، قاباغا گئدین.

۲۷۵ - تاماه بیر نئجه لیک دیرکی آدمی سوسوز آپارار، سوسوز گتیره ر. ضامن دیر اما سؤزی اوسته دورماز. چوخ ایچن لر واردیلار کی دویمامیشدان بوغازلاری توتولار. چوخ سئویندیره ن ده به رلی زاد وارکی ایتیرماغینین غصه سی آرتیق دیر. آرزى لاروار، گؤزلرین قاباغینی توتار. گاهدان او آداما ئوز چئویره ر کی اونون دالیسی جاگئتمز.

۲۷۶ - ای منیم اللهیم سنه پناه گتیریره م بوندان کی ائشیگیم جاماعاتین گؤزونده، یاخشی اما ایچه ریم سنین یانیندا پیس اولامام عاتین یانیندا ریا ائدیپ ئوزیمی یاخجی بیلیندیره م بیر

حالد اکی سرلریمی ئوزومدن ده یاخشی بیلرسن.

سنه پناه گتیریرهم بوندان کی ئوزده یاخشی اولدوغومی هامویا گوستره‌م اما پیس عمل لریمی یانیوه‌ن گتیرهم. و ئوزومی بنده‌لره یاخینلادیب، سنین رضایتیندن کناردا قلام.

۲۷۷ - آند اولا او تانریه کی اونون قدرتیندن بیرقارانلیق گنجه‌نی باشا آپاردیق. گنجه‌نین قالانیندان ایشیقلی گوندوزون گلمگی بللی دیر. بنله‌سی یا ائله‌سی یوخدور.

۲۷۸ - بیر ایشین آز اولوب فایدالی اولماغی، چوخ گورولوب فایداسیز و یورقونلوغوندان یاخشی دیر.

۲۷۹ - گرمستحابیش، واجب بیرایشه ضرورورسا، اومستحبی اوتورون.

۲۸۰ - هر کیم ئوزین مسافرتی، یا دینا سالسا ئوزین اونا حاضر ائده‌ر.

۲۸۱ - فیکر ائتمک، گورمک کیمی اولایلمز. نه کی ممکن دور گؤزلر یانلیشادوشه اما عاغل، گؤستریش ایستیه‌نه خیانت ائتمز.

۲۸۲ - سیزایله اویودون اورتاسیندا، غفلتدن بیر پرده آسیلیدیر

۲۸۳ - سیزلردن عاغیلی آزالان ایشی آرتیرار کی گره‌کدیر آرتیرمییه ایدی اما عاغیلی اولانیز ایندی گورمه‌لی ایشی یوبالدار.

۲۸۴ - علم ئویرنمک بهانه آختارانلارین عذرینه قارشی دیر.

۲۸۵ - هامونی تله سیک چاغیرارلار اما هامی وول ایسته‌رلر. هامویا بللی بیر زامان وئریرلر اما اونلار، یوبانیرلار.

۲۸۶ - جاماعات، بیرزادا خوش حالینه اولسون دئمزلر نه کی زمانه اونون اوچون بیرپس گون ساخلیوبدور.

۲۸۷ - او حضرتدن تقدیرین آنلامین سوروشدولار، بویوردی: بیرقارانلیق یولدور. اورا، گنتمین. درین دیزدیر. اولمییه اونا دوشه سیز. او، تانری سرلریندیر، اونی آچماق اوچون، ئوزوزی یورمیون.

۲۸۸ - اگر تانری ایسته سه بیر بنده سینی دوشگون ائده، اونی علم ئویره نمکدن مانع

اولار.

۲۸۹ - اوتن زامانلاردا بیرقارداشیم واریدی کی، تانری یولوندا منله قارداشلیق ائدهردی و اونون (دونیانی کیچک بیلیمک خاطرینه) مقامی یانیمدا بؤیوک ایدی. قارنی اونا حکومت ائتمز ایدی، تاپایلمه سه ایدی، آرزی ائتمزدی. تاپدیغینی ده چوخ ایشلمزایدی. چوخ آز دانیشاردی. او دانیشاندا، آیری دانیشانلار سؤزده قالاردیلار. سوروشانلارین ئویره نمک عطشین، سوندورهردی. آلچاق کونول ایدی، اما گؤزلرده عاجز گورونوردی. ایش گؤرنده اورمانلیق اصلانی یا چؤل ایلانی تکین ایدی. تا قاضی یانینا گئتمه سه ایدی، حجت گتیرمز ایدی. عذری اولانی دانلامازدی تا، عذرینی بیر بهانه ایله ائشیتسین. آغری لاردان سیزلامازدی مگر او زامان کی، توختامیش اولایدی. هر نه دئسه ایدی، بیتیرهردی. ایش گورمه دیگینه ده آغیز آچمازدی. اگر دانیشیدا اونا غالب اولسا ایدیلر، دینمه مزلیک ایله مغلوب اولماز دی. ائشیت مگه دانیشماقدان چوخ کونول وئرهردی. اگر بیر زاماندا ایکی ایش قاباغینا چیخسا ایدی، فیکرینه سالاردی کی هانسی هوسدندیر تا اونی، آتسین.

ایندی سیزلرده، بو نئجه لیکلرده اولون و اونلاری تاپماقدا بیر بیریزه سبقت توتون. باجارماسازدا بونی بیلین کی آرتاپماق هاموسین الدن وئرمکدن یاخشیدیر.

۲۹۰ - تانری نوزی اوچون عاصی اولماغی قدغن ائتمه سه ایدی ینه واجب ایدی کی اونا عاصی اولونماسین.

۲۹۱ - قیسین اوغلی اشعثه کی اوغلی ئولموشدی بئله بویوردی: ای اشعث! اگر اوغلون اوچون کدرلی اولموسان، حاقلی سان چون قوهوملوق سببین دندیر. اما اگر دوزوملی اولسان، تانری یانیندا اجرین واردير. ای اشعث! بو اللهین حؤکمی دیرکی گلیبدير. اگر صبر ائده سن اونون یانیندا اجرین واردير اما اگر ناله ائده سن، چون سنین حاققیندا اللهین تقدیری جاری دیر گناه ائدیرسن.

ای اشعث! اوغلون دونیایه گلنده سنی سئویندیردی اما او، سنه بلا و سیناق ایدی. سنی غصه لندیردی اما یئرینده اجر و باغیشلانماق واردير.

۲۹۲ - پیغمبرین مزاری اوسته، اونی توپراغا تاپشیراندا بویوردی: دوزمک یاخشی دیر، اما سنی الدن وئرمکده، یوخ. اوخشاماق پسدیر مگر سنین وفاتیندا. مصیبتین آغیردیر. اما

سندن قاباق یا سونرا کیلار آغیر دگیل لر.

۲۹۳ - عاگیلسیزلارا یولداش اولما چون او ایشلرینه سندن اوتری بزهک وورار، سئوهرکی سنیده ئوزی کیمی ائتسین.

۲۹۴ - بیرى اوندان دان ایله باتی نین ئولچی سین سوروشدی، بئله بویوردی: گونشین بیرگونلوک یولی قهدهردیر.

۲۹۵ - یولداشلارین اوچ بؤلوم دیلر. دشمان لاریندا اوچ بؤلوم دیلر. اما یولداشلارین: بیرى یولداشین بیریده یولداشین یولداشی او بیرى دشمانین دشمانیدیر. اما دشمان لارین: بیرى دشمانین بیرى ده یولداشین دشمانی او بیریده دشمانین یولداشیدیر.

۲۹۶ - بیر نفری گوردی کی دشمانین زییانینا ایشلیر عین حالدا ئوزینه ده زیان وورور، بئله بویوردی: سن او آداما بنزیرسن کی نینه ئوزینه تاخیر تا دالدا کینی ئولدورسون.

۲۹۷ - اویودلار نه قهدهر چوخدولار، اما اویود ائشیده نلر آزدیلا.

۲۹۸ - هر کیم دشمانچیلیقی آرتیرا، گناه ایش گورور. هر کیم واز گئچیپ دال اوتورا آیاق آلتیندا قالار. هر کیم محاربه یه باشلیا، الله دان قورخماغا فیکری قالماز.

۲۹۹ - او گناه دان ایکی رکعت توبه نامازی قیلماغا زامانیم اولسا منی کدرلندیرمز.

۳۰۰ - اوندان سوروشدولار: تانری نئجه بشرین حسابینا یتیشر، بیر حالداکی سایدا چوخدولار؟ بئله بویوردی: هامان قسم کی اونلارا روزی وئره، سایلاری دا چوخدور. دها سوروشدولار، نئجه حسابلارینا یتیشر؟ بیر حالداکی اونى گؤرمورلر؟ بویوردی: هامان قسم کی روزی وئریر اما اونى گؤرمورلر.

۳۰۱ - سندن خبر گتیره، سنین عاغلین اندازاسینی بیلیندیره. اما یازی لارین آرتیق لاشا و گؤزه للیک جه سؤزون یتیره.

۳۰۲ - او کیمسه کی بویوک بلایه قالیدیر، او قهدهر دؤعا محتاجی دگیل کی بیر نفر بلایه توتولمییان، بلایه انتظار چکیر.

۳۰۳ - بوتوولوکده بشر، دونیانین بالاسی دیلار. بیر اینسانی، آناسین سئومه گینه گوره دانلامازلار.

۳۰۴ - یولچونی، تانری یوللایوبدور. هر کیم اونا مانع اولا، تانرییه مانع اولوبدور و هر کیم اونا بیرزاد باغیشلیه، تانرییه باغیشلیوبدور.

۳۰۵ - جومردین، غیرتی واردیر هنج زامان زنا ائتمز.

۳۰۶ - قورولا ماغا، اجل یاخشی گؤزه تجمی دیر.

۳۰۷ - اوغلی ئولن یاتایلر اما مالی گئدن یاتا بیلمز. بو سؤزون آنلامی بودورکی، اوغول ئولومونه دوزه بیلیر اما مالین گئتمگینه دوزه بیلیر.

۳۰۸ - آتا بابالار ایله ائولادین آراسیندا یولداشلیق بیناسی اولماق، اونلارین آراسیندا، محبت یارادار. قوهوملوق محبته چوخلو احتیاجی وار اما، محبت قوهوملیغا اوقهدهر محتاج دگیل.

۳۰۹ - مومنلرین ظن ائتمه لریندن چکینین چونکی تانری، حاق سؤزی اونلارین دیلینه قویوبدور.

۳۱۰ - بیر بندهنین تانرییه ایمان گتیرمگی، دوز اولا بیلمز مگرکی، تانرییه آرخائین لیقی الینده کیندن چوخ اولا.

۳۱۱ - او حضرت انس بن مالکی بصرهده طلحه و زبیرین یانینا یوللادی تا بیر حدیسی اونلارین یادینا سالسین کی حضرت رسول (ﷺ) دان انشیتیمیشدی. انس، او پیغامی یتیرمه ییب، قانیداندان سونرا دئدی: «یادیمدان چیخدی»

حضرت (رضی الله عنه) بویوردی: اگر یالان دئیرسن، تانری سنی آغ و پارلیان درده سالسین کی، عمامهده اونى اورتیه بیلمه سین.

او زاماندان بری اونون ئوزینده بیر آغ تاپیلدی. داها هنج کیم اونى نقاب سیز گورمه دی.

۳۱۲ - کونوللرین سئوهنی و سئومییهنی واردیر. اگر اوره کلری سئومه لی ایشلر حاققیندا، ایشله دیب یا گری اوتوراسان، هامان واجب ایشلر سیزه کفایتدیر.

۳۱۳ - قرآندا سیزلردن قباق و سیزلردن سونرا کیلرین و هابئله ایندی نجور کئچینمه لی سیز، هاموسینین حؤکمی واردیر.

۳۱۴ - داش هاردان آتیلیب، اورایا قایتارین. نه کی، آزغین ایشه، پوزغون جاواب

گرہ کدیر.

۳۱۵ - ئوز یازیچی سی عبدالله بن رافعه بویورور: بویاق قابنین ایچینه لیه سال. قلمین اوجونی ئوزین ائت. سطرلری بیرى بیریندن آرالی توت. حرفلری بیرى بیرینن یانینا یازا! بئله ایش گؤزهل یازماق اوچون یئرلیدیر.

۳۱۶ - من مؤمن لرین آقاسی یام اما مال، پیس آداملارین آقاسیدیر. آنلامی بودورکی مؤمن لر مندن اطاعت ائده لر اما چوروک آداملار، مال لاریندن اطاعت ائده لر. نئجه کی بال آری لاری، آنا آری دالیندا اولارلار.

۳۱۷ - بیر یهودی اونا دئدی: پیغمبریزی توپراغا تاپشیرمامیشدان، اونون حاققیندا اختلاف ائتدیز. او حضرت بویوردی: بیزیم اختلافیمیز خلافتینده ایدی نه کی اونون یولوندا. اما سیزلرین آیاغیز دئیۇ سویوندان قورومامیشدی کی دئدیز: نئجه کی اونلارین الله لاری واردیر، بیزه ده بیر تساری قاییر! اودا بویوردی: دوغروسی سیزلر چوخ قانماز آدامسیز. (اعراف سوره سی آیه ۱۳۸)

۳۱۸ - اونا دیدیلر: نجور حریفلری ازدین؟ بویوردی: بیر آدام گورمه دیم کی ئوز سینماغیندا منه یاردیم اولماسین. بونا اشاره دیرکی منیم قورخوم، اونلارین آورده گینی تیتره دیردی.

۳۱۹ - اوغلی محمد بن حنفیه یه بویوردی: اوغلوم! من سنین یوخسوللوقوندا قورخورام. اودورکی، تانرییه پناه آپار. چون یوخسول لوغون دینه زیانی واردیر. عاغیلی چاشدیرار دشمانچیلیغی آرتیرار.

۳۲۰ - بیرسی اوندان بیر قاریشیق دولاشیق مسأله لردن سوروشدی. اونا بئله بویوردی: بیلمکدن اوتری سوروش، لاکن اینجیتمه. چون کی بیلیمیپ اویره نن هامان بیلندیر. اما انصافسیز بیلن هامان بیلمین دیر.

۳۲۱ - عبدالله بن عباسه کی او حضرتین عقیده سینین ترسه سینده یول گوسته ویردی بئله بویوردی: بئری واردیر منه یول گوسته ره سن. اگر من قبول ائتمه دیم، اوندا منیم اطاعتیمده اولمالیسان.

۳۲۲ - بئله روایت اولوبدورکی او حضرت صفین محاربه سیندن سونرا کوفیه قانیداندا و(شامی) لارین یانیندان کئچنده قادین لارین اوخشاماق سسلرینی، صفینده ئولن لر حاقیندا، انشیتدی. «حرب ابن شر حیل شامی» آدیندا باشچی لاری او حضرتین یانینا گلدی. امام(علیه السلام) اونا بویوردی: انشیدیرم کی قادین لاریز سیزلره اوستون لوک اندیرلر. نه اوچون اونلاری اوخشاماقدان مانع اولمورسوز؟

حرب، پیاده گلیردی اما او حضرت مرکبه مینمیشدی، اونا بویوردی: بوردان قایت! سن کیمی لرین منیم یانیمدا پیاده گلمگی، حاکیم اوچون بلا سببی و مؤمن لره اسگیکیک گتیره.

۳۲۳ - نهرواندا ئولن خوارجین یانیندان، کئچنده بئله بویوردی: وای اولسون سیزین حالیز! سیزلری توغلیان کیمسه، سیزلره زیان ووردی!

سوروشدولار: ای آقا کیم اونلاری توغلادی؟
بویوردی: آزدیران شیطان و امر ائدهن نفس، اونلاری آرزی لارینا چاندیرماق هوسیه توغلادی. اونلارا یول گوستردی، غالب اولماقی موشتولوق وئردی. بو سببلر ایله اود ایچینه سالدی.

۳۲۴ - گیزلینده تانرییه مان ایش گورمیسون، چون کی گورهن (تانری) ئوزی حؤکم ائدن دیر.

۳۲۵ - ائله کی محمد بن ابی بکرین ئولوم خبرین انشیتدی، بویوردی: بسیزیم غصه میز، اونلارین سئوینماقلاری قهدهر دیر. یالنیز اونلاردان دشمانچیلیق آزالدی اما بیزدن یولداشلیق آزالدی.

۳۲۶ - او حضرت بویوردی: او نچه ایل کی اینسانین، تانری یانیندا عذری اولار، آتمیش ایلدیر.

۳۲۷ - هر زامان گناه بیر نفره اوستون گلسه، غالب اولمیه جکدیر. هر کیمه پیس لیک اوستون گلسه، سینا جاقدیر.

۳۲۸ - تانری یوخسول لارین روزی لرینی، وارلی لارین مالیندا قرار وئریدیر. بیر

یوخسول آج قالماز مگر کی بیر وارلی اونون حاققیندان وارلی اولا. بو ایشه گوره، الله وارلی لاردن حساب چکه جکدیر.

۳۲۹ - عذر ایسته مگه احتیاجی اولماق عذر ایسته مکدن شرافتلی دیر.

۳۳۰ - اللهین، هامودان آز حاققی بوینوموزدا بودورکی، اونون نعمت لری ایله اونا گناه ائتمیه سیز.

۳۳۱ - تانری چئویک و آییق آداملارا، او زامانکی عاجزلر اطاعت ائتمکدن قیساگلیب یا با جارا بیلمه سه لر، اطاعتی غنیمت وفایدا قرار وئریدیر.

۳۳۲ - موسلمان باشچیلار، یئر ئوزونده اللهین گؤزه تجی لریدیلر.

۳۳۳ - مؤمنین سئوینمگی، ئوزونده دیر. غصه سی، أوره گینده. کونلی چوخ گنیش اما نفسی چوخ آچاقدیر. ینکه لیک ساتماقدان آجینی گلر. ریا اندیب ئوزین جاماعاتا گوسترمگی دشمن بیلر. اونون ئوزونتوسو چوخ دور اما چالیشماغی آرتیق دیر. سونسوق اولماغی چوخ دور. چوخ زامان توتقوندور. شکر ائده ر. دؤزوملودور. فیکرده دیر. ایستک لیرینی بیرینه دنمز. وام تر به نیش لی دیر. یاواش یول گنده ر. نفسی داشدان محکم دیر. آلچاق کونول لوکده قولدان اذیت سیزدیر.

۳۳۴ - اگر اینسان اجل و اونون آخیرینی گوره، آرزی یا و اونون توغلانماقینا دشمن اولار.

۳۳۵ - هر کسین مالیندا، ایکی شریک واردیر: بیرى وارث، بیریده حادثه لر دیلر.

۳۳۶ - اگر بیریندن بیرزاد ایسته سه لر، تا وعده وئرمیو بدور، آزاد دیر.

۳۳۷ - او آدام کی جاماعاتی تانرییه ساری چاغیر اما ئوزی ایشله میر، بیر اوخ آتانا بنزه رکی زهی اولمیان کمان ایله اوخ آتیر.

۳۳۸ - یلگی لر ایکی جور دور: بیرى فطرى، بیرى سیده اکتسابیدیر. اکتسابی بیلگی لر فطرت ایله اولماسا، فایدا سیز دیلار.

۳۳۹ - دوزگون فیکر، دولت ایله بیرلیکده اولا بیلر، اونولا گلر، اونولا گنده ر.

۳۴۰ - عفت یوخسول لوغون بزه گیدیر. شوکر ائتمکده وارین بزه گیدیر.

۳۴۱ - ظالمیلرین حساب وئرهن گونی، مظلوملارین ظلم اولونان گونوندن چتین دیر.

۳۴۲ - بؤیوک وارلی اولماق، آداملارین الینده کینی آرزی ائتمه مکدیر.

۳۴۳ - سؤزلر، ساخلیانلارین یانیندا امانت کیمی دیلر و گیزلینلر آچیق. هر کیم گوردوگی ایشه مسؤول دور. آداملارین کمال عاغللاری، ناقص یا خسته دیر مگر کی تانری اونلاری ساخلییه. چون اونلاردان جاواب چه کن، اینجیدن دیر. جاواب وئره نلرده سؤز ایچینده، بند آلییلار. اونلاردان هر کیمین فیکری دوزگون اولسا، تزلیکجه رحمتی یا غضبی اونى قایتارار. اما هر کیمین دوشونجه گى اونلاردان داواملى دیر، بیر گؤز باخیم زاماندا زییان گوره ر یا بیر کلمه اونى، بیر حالدان او بیرى حالا سالار.

۳۴۴ - الله دان قورخون! چوخ آرزی انده نلر آرزی لارینا چاتایلمزلر، چوخ ائوتیکنلر، ائوینده اوتورمیوبدور. چوخ مال ییغانلار ماللارینی اوتوره لرلر. شاید او ماللاری حارام بولدان اله گنجیرتمیش دیلر یا بیر یوخسولا مال وئرمه میشدیلر. اگر حارام بولدان ییغیلا، نتیجه سینده گناهی بوینوندا قالار. حیف سیله نه حیف سیله نه تانری یانینا گندر. بو دنیا و او دنیا دا زییاندادیر.

۳۴۵ - گناه ایشلردن چیخمه مک، بیر جور، گناه دان ال چکماقدیر.

۳۴۶ - حیثیت و شرف، دونموش سوکیمی دیر ایسته مک اونى اریده ر. باخ گؤر ئوزین

سویونی کیمین یانیندا توکورسن؟

۳۴۷ - یاراشیق دان چوخ بیرینی تعریف ائتمک، یالتاقلانماقدیر. اندازدان آز مدح

ائتمکده، یا باجاریق سیزلیقدیر، یا پاخیل لیق داندیر.

۳۴۸ - گناه لارین آغیری او گناه دیرکی آدام اونى یونگول سانا.

۳۴۹ - هر کیم ئوز عیب لرینه باخسا، ئوز گه لرین عیبی نه باخماز. هر کیم تانری وئره ن

پایا راضی دوشسه، الیندن گئده نه کدرلنمز. هر کیم ظلم اوچون قلینچ چکسه، ئوز قانینی

توکر. هر کیم باجاریمیان ایشلرده ئوزینی آرتیق یورا، ئوزینی هلاک ائده ر. هر کیم ئوزینی

بورولغانا سالا، بوغولار. هر کیم پیس یثره گئده، آدی پیسه چیخار. هر کیم چوخ دانیشا،

چوخدا یانلیشاگئده ر. هر کیم چوخ خاطا ائده، اوتانماغی آزالار. هر کیمین اوتانماغی

آزاولا، گناه لاردان چکینمز. هر کیمین تقوایی یو خودور، آورده گی ئولی کیمیدیر. آورده گی ئولنین ده یئری جهنمه دیر. هر کیم جاماعاتین پیسلیکلرینه باخسا، و اونی پیس بیلسه، اما ئوزی او پیس ایشلردن چیخسا، عاغیلی یو خودور. قناعت بیر مال دیرکی، قورتالماز. هر کیم ئولمه گی یادینا سالسا، دونیادا آزلینا راضی دوشر. هر کیم بیله کی، دانیشماغی اونا عمل حساب اولار، ئوزونه باغلی اولان لاردان سوای آیری سؤز دانیشماز.

۳۵۰ - ظالمین اوچ علامتی واردیر: ئوزوندن یوخاری به (تانییه) فرمان آپارماز، کافر اولار. ئوزوندن اشاغیا غالب اولماغیله ظلم اندر. ظالمیره آرخادوروب یاردیمچی لیک اندر.

۳۵۱ - چتین لیکلر باشاچاتاندان سونرا، آچیق لیق لار ال وئره و بلاقلقه لرینین آردیندا راحتچیلیق اولار.

۳۵۲ - یولداشلارینین بیرینه بویوردی: ایشلریندن چوخونی قادین اوشاقلاریوان باغلی اولما کی اگر اللهی سئوسه لر، الله دا اونلاری اونودماز، اگر تانییه دشمان اولسالار، سن اللهین دشمانلاری ایله نه ایشین وار؟

۳۵۳ - بؤیوک عیب اودورکی بیرزادی، بیرینه عیب بیلیرسن. اما ئوزین او عیبه توتولموسان.

۳۵۴ - بیرسی بیرینه، او حضرتین حضورینده کی بیر اوغلان اوشاغی صاحبی اولموشدی، بئله دئدی: گؤزلرین آیدین اولسون کی بئله بیر آت مینن دونیا به گلدی! او حضرت بئله بویوردی: ائله دئمه بلکه بئله دئی: باغیشلییان تانییه شوکر و بو هدیه سنه مبارک اولسون، کماله چاتسین، یاخشی اولدوغودا سنه روزی اولسون.

۳۵۵ - او حضرتین عامل لریندن بیرسی بیر بؤیوک بنا تیکدی. او حضرت بویوردی: گوموشلر ئوزلرینی، بللی اندیرلر. بو بنا، سنین وارلی اولدوغون نشان وئیر.

۳۵۶ - اونا دئدی: اگر بیرینین ئوزونه قاپولاری باغلاسالار، روزی لری هاردان گلر؟ بئله بویوردی: او یئردن گلرکی ئولوم گله بیلر.

۳۵۷ - بیر جماعتی ئولولرینین حاققیندا، اونلارا باش ساغلیغی وئردی و بویوردی:

سيزين بو ايشيز سيز ايله باشلانمییوب، سيز ايله ده قورتالمیه جکدیر. او، یولداشلاریزدان بیریدیر. فیکر ائدین سفره گئدیبدير، اگر سیزه ساری گلسه، گلیبدیر، گلمه سه سیز اونا ساری گئدیرسیز.

۳۵۸ - ای جماعت! نعمت لر بوللی اولان زاماندا، گره کدیر الله دان قورخاسیز هاماں جورکی گناهلارین عذابیندان قورخوسوز. هر کیمین مالی آرتیراندا، او مالی عذابلارا یاخین اولماق یولی بيلمیه، و ئوزونی اماندا فیکر انده وینا هر کیم یوخسول اولسا و او یوخسولوغی اللهین سیناماقی بيلمه سه، ساوابی اورتادان گئدهر.

۳۵۹ - ای نفس الینده اسیر اولانلارا! دایانین کی دنیا یه باغلی اولانسی یالنیز ئوزونتوو آغری لارین دیشلری سسی، قورخودایلر. ای اینسانلارا! ئسوز نفسیزی یاخشی لادین! و اونلاری پیس اویرنج لره یاناشماقدان گوزله بین.

۳۶۰ - بیرینین آغزیندان چیخان سؤزه گره کمز پیس گمان اولا، بیر حالداکی یاخشی گمان اولا بیلر.

۳۶۱ - هر زامانکی الله احتیاجین اولسا، باشلانیشدا اونون پیغمبرینه سلام و صلوات یوللا، سونرا احتیاجین ایسته. چون تانری دا او بؤیوکلوک وارکی، ایکی حاجت اوندان ایسته سن، اداایلر، بیرینی قبول ائدیپ بیرینی یترده قویماز.

۳۶۲ - هر کیم ایسته سه آبئیر و ناموسی یترینده قالا، چارپیشمادان چکینسین.

۳۶۳ - گوجون چاتمیان یترده بیر ایش گورسن یا زامانی چاتاندا بیر ایشه باشلامیه سن، پخمه لیکدندير.

۳۶۴ - هله گلمیین دن سوروشماکی ندير؟ چون ئوز وئرنلر، باشین قاتماغا کفایت ائدهر.

۳۶۵ - فیکر بیر دوری و پارلاق کوزگی دیر. عیبرت آلمالیلار سنی قورخودوب گؤستریش وئره ندیلر. سنه بونلار کفایتدیلر، اونى کی سئومیرسن، نفسی ادب ائتمک اوچون ئوزگه لره ده سئومیه سن.

۳۶۶ - علم ئویره نمک، ایشلنمگینه باغلیدیر. هر کیم بیلسه، اونى ایشله ده ر. نیه کی

بیلیمک، ایشلمگی چاغیرار. اگر قبول اولونا، فایدالانماق واردیر. اما ایشلمهسه، بیلیمک. ایشلمکدن ئوزاقدا قالار.

۳۶۷ - ای جماعت! دنیا مالی بیر کیچیک و قوروموش، و با توتان بیتگی دیر کی گره کدیر او اوتلاقدان کنار گزیلسین. اوندان ال گوتورمک، اونی سئویب یئره سالماقدان یاخشیدیر. دنیادان بیر آزاجیق گوتورمک، چوخلو مال ییغماقدان صلاحلی دیر. چوخ گوتورمگین یوخسول اولماغی دا واردیر. اما هر کیم ئوزونی محتاج بیلمهسه، راحتچیلیقی چوخدور. هر کیمین گؤزلرینه دنیا مالی خوش گلسه، قاماشماغیدا آردیندا واردیر.

هر کیم دنیایه عاشق اولار، دنیا اونون اوره گینی ئوزونتولریله دولدورار و او آغریلار، اورگینده چردهک کیمی اویناقلار. بیر پارا فیکرلر اونون باشینی قاتار، بیر پاراسی غصه لندیره. ان سونوندا بوغاز توتولوب بیر بوجاقدا دوشر. سونرا اونی توپراغا تاپشیرارلار بیر حالداکی، اورهک دامارلاری داها ایشله میر. ئولومی تانری الینده آما توپراغا تاپشیرماغی قارداش یولداشلار الینده چوخ راحت دیر.

مؤمن آدام دنیایه عیبرت له باخار. احتیاجی اولان اندازا اوندان گوتوره. دنیانین سؤزلرینی خشم لی و دشمنانچیلیق فیکریله ائشیده، چون اگر دئیلسه کی فلان آدام وارلی دیر، او قهدهر چکمز کی دییرلر یوخسول اولدی. اگر بیر زامان اونون ئولمگینه سئوینسهر، بیر زاماندا اولارکی، اولمادیغینا غصه له نرلر. بو دنیادا، بو، اینسانین باشینین یازی سیدیر. بیر حالداکی اومودسوز اولان گون هله چاتمیبودور.

۳۶۸ - تانری اونا اطاعت ائتمگه سساواب و اطاعتسزلیگه عذاب قرار وئریبدیر تا بنده لرینی عذابدان قورتالیب، بهشته ساری آپارسین.

۳۶۹ - بو جماعتین بیر زمانی اولارکی قرآندان یالنیز بیر نشان و ایسلامدان یالنیز بیر آد قالار. او زامان، اونلارین مسجدلری کؤکوندن آباد اولار، اما ارشاد ائتمه دن خبر اولماز. اورانی تیکن لر و اوردا اوتورانلار، دنیانین پیس آدمالاریندان اولارلار. هر جور فیرتینا اونلاردان باش وئره. گناه و فساد ائده رلر. هر کیمده او گرکین لیکلردن قاجسا، ینه او طرفه چه کرلر. هر کیم دال اوتورسا، قاباغآ آپارارلار. تانری بویورور: «ئوزیمه آند

ایچیره م اولنلاری بیر گرگین لیگه سالارام کی، عاغیلی باشلاریندا اولانلاری و صبیرلی لریده حیرتده قالسین لار» و بئله ده انده بیلر. بیز تانریدان بو غافل اولمالارین و خاطالارین باغیشلانماغینی ایستیریک.

۳۷۰ - روایت اولوبدور، آز منبر واردیرکی او حضرت، «ای جماعت» کلمه سین خطبه دن قباق، بو یورماسین. او بو یوراردی: ای جماعت! الله دان قورخون کی الله، هنج اینسانی بوش بوشونا یاراتمیوبدور تا او یونچاق اولسون. نوز باشیندا بوراخمیوبدور تا هر نه بیلدی انتسین. بورا اونون دونیاسی دگیل کی نوزونه اوندان اوتیری بزه ک ووروبدور. بورا، او آخرتین یثرینده اولا بیلمز کی پیس باخیشلی لار خیال لاریندا بیلرلر. هنج شنشله لی آدام چالیشماقیله دونیادان آرتیق فایدالانایلمز و بیرلیکده اولا بیلمز او آدامیله کی آخرت، اوچون بیر کیچیک ایش گوروبدور.

۳۷۱ - هنج شرافت، «ایسلام» دینندن فضیلتلی دگیل. هنج عزیزلیک، تقوادن اونم لی دگیل. هنج ایسته مک توبه کیمی نجات وئره بیلمز. هنج خزینه قناعت کیمی اولماز. هنج مال الله دان یتیشن روزی به راضی اولماق کیمی یوخسول لوغین قاباغین آلماز. هر کیم الله دان یتیشه نه راضی اولسا، راحت یاشار. دونیانی ایسته مک و اونا یولداش اولماق، آغیر زحمت لرین آچاری و باش قاتان بیر آتدیر. تاماهجیل اولماق و پاخیل لیک اینسانی گناه لارا بولاشماق اوچون چاغیرارلار. پیس، هامی پیس لیکلری بیر یثره بیغار.

۳۷۲ - جابر ابن عبدالله انصاری به بو یوردی: ای جابر! دنیا دورد زادا باغلیدیر:

- بیلن اینسان کی بیلگی سینی ایشله ده ر.

- قانماز آدام کی ثویره نمکدن قاچماز.

- باغیشلیان آدام کی باغیشلاماغیندا پاخیل اولماز.

- او یوخسول کی او دونیاسین بو دونیایه ساتماز.

اگر بیلجی، علمی نی خاراب انده، قانماز آدام ثویره نه بیلمز یا وارلی باغیشلاماغیندا پاخیل اولماز، اوندی یوخسول، آخرتین دنیا اوچون الدن وئره ر. ای جابر! هر زامان کی اللهم نعمت لری بیر نفرده آرتیرا، جاماعاتین ده ایسته مک لری آرتیرار. هر کیم تانریدان

اوتری او نعمت لری ایشلهده، تانری دا او نعمت لری آرتیرار. اما هر کیم او دین کیمی نعمت لری ایشلتمه سه، الیندن آلیب یو خاچه کر.

۳۷۳ - ابن جریر طبری ئوز تاریخ کتاییندا، عبدالرحمان ابن ابی لیلی فقیه دن کی حجاجین ضدینه محاربه ائتمک او چون ابن اشعث ایله اونون قارشینا چیخمیشدیلا، جاماعاتی محاربه یه قورشالانیب بئله سویلردی کی بیرگون شام اهلی نین گوروشونده، علی (علیه السلام) دن انشیدیم کی بویوردی:

ای ایمان گتیره نلر، هر کیم گوره کی ظلم اندیرلر یا بیر جماعتی پیس یولا چاغیریلار، اما بو، أوره کدن راضی اولمیه، سلامت قورتالیب گناه دا ائتمیوبدور. هر کیم دیلی ایله او پیس لری دانسا، جزاسینا چاتار اما أوره کدن دانانین یوکسه ک لیگی آرتیق دیر هر کیم قلینج ایله او پیس لرین قارشینا چیخا تا تانری بویورانلار او جالانسین، و عناد انده نلرین سؤزلری یترده قالسین، او بیر آدام دیر کی هدایت یولوندا دیر و ایمان ایشیقی اؤره گینده پارلیر.

۳۷۴ - (بئله بیر سوزون تایی نی ده آیری یترده بویورور): اونلاردان بیر، پیس ایشلری أوره ک و دیلده قبول ائتمیر. بئله بیر آدام یاخشی نئجه لیکلری کامل اندیر. اونلاردان بیریده پیس لری اؤره گینده پیس بیلر اما الینده و دیلینده اونلاری دانمیر بئله بیر آدام، ایکی شرافتلی نئجه لیکی خراب اندیر اما بیرینی ساخیر. اما بیریده گورورسن ال، دیل و أوره کده، پیس ایشلرین قارشیندا دورمور. بوجور بیر آدام دیری لرین ایچینده اولسادا لاکن ئولو کیمیدیر. بوتو و لوکده یاخشی ایشلر (تانری یولوندا جهادا گئتمک، یاخشیلار حؤکم ائتمک و پیسی اونله مکدن...) اوستون دگیل لر و اونون قاباغیندا گنیش دنیزه آغیز سوی سی سالمق کیمی دیر. یاخشی یه حؤکم ائتمک و پیسی اونله مک، ئولومی قاباغا گتیرمز، روزی نی ده آزائتمز هامودان اوستون یاخشیه حؤکم ائتمک و پیسی اونله مک، ظالیم حاکیمین یانیندا عدالت سؤزو دانیشماقدیر.

۳۷۵ - ابی جحیفه دندی: او حضرت دن انشیتدیم کی بویوراردی: اول زادکی اوندان سینارسیز، ال ایله جهاد ائتمک دیر اوندان سونرا دیل و اوندان سونرا اؤره ک دیر. هر کیم

ياخشىلارى تانيماسا و پىسلىرى دانماسا ايچ ترپە نيشلىرى ترسەلىپ، يوخارى لارى اشاغى و اشاغى لارى يوخارى اولار.

۳۷۶ - او حضرت بويوردى: حاق سۆز آغير اولار اما دادلى دىر. باطل سۆز يونگول اولار اما خستەلىك گتيره ندىر.

۳۷۷ - بو امتين هامودان ياخشى سينا عذابدان آرختين اولماق اوچون، تانرى بويورويدور: اللهين عذابيندان آرختين دگيل لر مگر زيان گوره نلر. بيرده بو امتين هامودان پيسينه تانرى رحمتيندن اومودسوز اولماق اوچون بويوروبدور: تانرى رحمتيندن يالنيز كافرلر اومودسوز دولار(اعراف ۹۹ و يوسف ۸۷).

۳۷۸ - پاخيل اولماق پىسلىكلرى بير يثره يىغار. او بير نوختاديركى هر پىسلىك اونولا چكىلىر.

۳۷۹ - روزى ايكي جور دور: بيرى اودوركى سن آختاريرسان. بيريدە اودوركى «او» سنى آختارير «دالينجا گتتمه سن ده، او سنى تاپا جاقدير اودوركى بير ايلين غصه لريني بير گونده چكمه كى هر گونون روزى سى سنه كفايت ائدهر. اگر او ايل عمرون سايلا، تانرى اونون گونده ليگى نى، يثيره جاقدير. اگر عمرون ساييلماسا، قسمتينده اولميانسانه غصه ائديرسن؟ هر نه روزى تقديرينده اولسا، بير آيريسى سندن قاباغا گتچميه جاق دىر و هئچ غالب اولان سنه اوستون گله بيلمز. بيرده تقديرينده هر نه اولسا، يوبانميه جاقدير. (بو سۆزلر قاباقتى سۆزلرين ايچينده دئيلميشدير. اما بورادا گنیش و آچيقدير. اودوركى كتايين اولينده اولان قارار گوره بوردا ينى دن گتيرديك).

۳۸۰ - چوخلارى واركى سحرى گوره اما آخشاما چاتماز. چوخ آداملار واركى اول آخشام اونا پاخيل ليك ائدهرلر اما گتجه نين سونوندا اونا آغليوب اوخشارلار و حيف سى له نرلر.

۳۸۱ - سۆزى تا دانيشماميسان، سنه اسيردير، دانيشاندان سونرا، سن اونا اسيرسن، اودوركى ديلين ساخلا نجه كى قيزيل گوموشى ساخلىرسان. چوخ زامان بير سۆز بير نعمتى آپارار يا بير نعمتى گتيره ر.

۳۸۲ - بيلمه دیکلریندن دانیشما بلکه بیلدیکلریندن ده دانیشما. نه کی تانری سنن عضولرین اوچون، بیر وظیفه قرار وئریبیر و او عضولر ایلله قیامتده سنه حجت گتیره جکدیر.

۳۸۳ - بوندان قورخ کی تانری سنی گناه اندهنده گوره یا اونا اطاعت ائتمیه سن، اوندان زیان گوره نلردن اولارسان. گوجللی اولان زامان، تانری اطاعتینده گوجللی اول عاجر اولساندا، اونون حاققیندا گناه ائتمک لردن عاجز اول.

۳۸۴ - دونیایه باغلی اولماقدان کنار گز. بیر حالدا کی اونون اعتباری یوخدور اگر یاخشی ایشلردن چیخماسان، زیان گوره جاقسان. اونی یوخلامامیشدان، آیری لارینا آرخیین اولماق، باجاریسیز آداملارین ایشی دیر.

۳۸۵ - تانری یانیندا دونیانین ذلیل اولدوغونا بو کفایتدیر کی یالنیز بو دونیادا اونون حاققیندا گناه اولونار. الله، خیر جزا وئرمز مگر دونیادان ال گوتورولسون.

۳۸۶ - هرکیم بیرزادی آختارسا. هاموسین تاپماسادا، بیر آزین تاپاجاقدیر.

۳۸۷ - او خیره کی دالیندا جهنم اودی واردیر، خیر دئمک اولماز. او پیسلیک کی دالیندا بهشت واردیر. پیس لیک سایلماز. هر نعمت لر بهشت دن سوای، حسابا گلمز و هر عذاب اوددان سوای، ساغلاملیق دیر.

۳۸۸ - بلالردن بیر، یوخسول لوقدور. اوندان پیس، بدن خسته لیگی و اونداندا پیس، جان خسته لیگی دیر. بیلین کی نعمت لردن بیر، مالین چوخلوقی دیر. و اوندان یاخشی، جان ساغلیقی و انداندا یاخشیی، کونولین گناه سیزلیقی دیر.

۳۸۹ - هر کیمین ایشی اونی دایاندرسا، آتا بابالی اولماق اونی یگین له ده بیلمز. بیر آیری دئگی ده: هر کیمدن ته مه للی لیک قالدیرلسا، قوهوملارین بؤیوک اولدوغی اونا فایده وئرمز.

۳۹۰ - مؤمن آدامین زامانی، اوچ بولومده اولار:

- بیر بولومی اودورکی، تانری اوچون عبادت ائدیر.

- بیر بولومی اودورکی گنجینه جاغین یولونا سالیر.

- بیر بولومیده اودورکی حلال یولدا، دنیا لذتلیندن فایدالانیر.

عاغیلی باشیندا اولانا یاراشمازکی، بو اوچوندن سوایین دالینجا گتسین:

- یا گنچینه جاغین فیکرینده اول.

- یا قیامت گونونه خاطرلانا.

- یا حالالاردان لذت آپارا.

۳۹۱ - دنیانی چوخ سئومه! تا تانری دنیانین پیس لیکلرینی، سنه تانییرسین.

خبرسیزده قالما کی سندن خبرسیز دگیل لر.

۳۹۲ - دانیشین تا، تانیاسیز نه کی اینسان، دیلنین آلتینا باغلی دیر.

۳۹۳ - دنیا سنه هر نه وئرسه، آل! وئرمه سه، ال گوتور، اگر باجاریلمیرسن،

آختارماغی اندازه دن چیخارتما.

۳۹۴ - چوخ سؤز واردیرکی، اثری قلینج دن آرتیق دیر.

۳۹۵ - هر نه یه کفایت ائتمک اولسا، هاما بسدیر.

۳۹۶ - ئولوم، کیشیه، ذلیل یاشاماقدان یاخشیدیر. آزا راضی اولماق، اونون بونون یانینا

گتتمکدن یاخشیدیر. یثره اوتورانا وئرمز لر، چوخ آیاق اوسته قالاندا تاپایلمز.

دنیا ایکی گونلوک دور: بیرگون سنی سئویندیره، بیر گونده اومودسوز ائدهر. سنی

سئویندیره گون، اطاعتسیزلیک ائتمه. اومودسوز ائدهن گونده، صبر ائت.

۳۹۷ - مُشک، گؤزه ل قوخولی بیر عطیردیر. دولاندرماغی راحت، قوخوسی خوشدور.

۳۹۸ - ناز ائتمه، غرورلی اولما، مزارین یاد ائت.

۳۹۹ - ائولادین، آتا اوچون، بیر حاققی واردیر. آتانیندا ائولادا بیر حاققی واردیر. آتانی

حاققی ائولادا اودورکی، هر ایشده اوندان فرمان آپارا اما تانری اطاعتسیز لیگینده یوخ.

ائولادین حاققی آتا اوچون بودورکی اونا یاخشی آد قویسون. یاخشی ادب ائتسین و قرآن

اوخوماق ئویره تسین.

۴۰۰ - گؤز نظر وورماق، سحر و جادو ائتمک، شگون بیلیمک، یاخشی فال حاقدیلار

اما، پیس فال، (بیر پارا) خسته لیکلر، بیریندن بیرینه یتیشمز. خوش قوخولار خسته لیکلری

درمان ائدەر. بال، شفا وئرهن دیر. آتا مینمک یاشیل بیتکی لره باخماق درمان ائدن دیلر. و آجیلیق لاری اورتادان قالدیرارلار. خسته لده توختارلار.

۴۰۱ - جاماعات ایله اوتوروب دورماق و ترپه نیشلری دوشونمک، باعث اولارکی اونلاردان گلن کینه لرین قاباغی آلینسن.

۴۰۲ - بیر نفر او حضرتیله دانیشاندا ئوزوندن ینکه دانیشدی، اونا بئله بویوردی: قاناد چیخارتما میشدان اوچورسان. جوجوقسان اما بویوک آدام کیمی سسلنیرسن! بو کلمه ده (شکیر) قوشلارین توکه بنزهر، اول قانادلاریدیر. «سقب» تازا دوغولموش دوه دیر. دوه بالاسی سس چیخارتماز، مگرکی بویوک اولار.

۴۰۳ - چوخ چاره داليجا قاچان، چاره سیز قالار.

۴۰۴ - او حضرتدن سوروشدولار: «لا حول و لا قوه الا باللہین» نین معناسی ندیر؟ بویوردی: تانری اولان یثرده، بیزده اختیار یوخدور، هر نه وئرسه، او بیزیمکیدیر. اودورکی هر نه ئی بیزه وئریدیر، یثرلی دیر و بوینوموزا بیر تکلیف گتیریدیر. اگر بیزدهن آلسا، تکلیف ده بوینوموزدان گوتورولور.

۴۰۵ - چون ائشیتدی، یاسرین اوغلی عمار، مغیره ابن شعبه نین سؤزلرینه جاواب وئیر، بویوردی: عمار! اوندان ال گوتور! نه کی او دیندن بیر زاد قانمیوبدور. یالنیز اونلاری دوشونورکی اونى دونیایه یاخین ائدەر. بیله بیله ئوزین بیلمه مزلیگه و یاها لماغا وورور تا خاطا ایشلرینه عذری اولسون.

۴۰۶ - نه گؤزه لدیر کی وارلی لار تانری وعده وئرهن جزانی اله گتیرمک اوچون یوخسول لار برابرینده آلحاق کونول اولالار. و اوندان گؤزهل یوخسول لار، وارلی لارا «الله» اولان یثرده اعتنا ائتمیه لر.

۴۰۷ - الله، عاغیلی اینسانلاردا قرار وئریدیر تا بیرگون اونى نجات وئرسین.

۴۰۸ - حاققین قارشیندا چیرپیشان، ئوز قانین آخیدار.

۴۰۹ - کونول، گؤزون کتابیدیر.

۴۱۰ - زهد و قورولماق، نئجه لیکلرین باشیدیر.

۴۱۱ - سنه هر کیم بیر سؤز ئوبره‌سه، اونا جسارت ائتمه و هر کیم سنین دانیشغین یاخشیلاندرسا، اونولا فصاحتدن دانیشما.

۴۱۲ - نفسی آیتماق اوچون بو کفایت ائدره کی ئوزبوهن ایسته مین لری ئوزگه لره ایسته میه سن.

۴۱۳ - هر کیم بیر ایشه صبر ائده، آزاد اینسانلار کیمی دزوملی اولوبدور. اما صبر ائتمه‌سه، یتری واردیر عاغیل سیزلار کیمی اونودولا.

۴۱۴ - بیر خبرده گلیبدر: قیس اوغلی اشعه کی یاسلی اییدی، بویوردی: اگر بؤیوک آداملار کیمی صبر ائتن، یاخشی دیر یوخسا جاناوارلار کیمی اونودولمالی سان.

۴۱۵ - دونیانین نجه لیکنده بویوردی: توغلار، ضرر و ورار، کئچر گئدر. تانری دونیانی دوستلاری اوچون جزا و دشمانلاری اوچون کفر و ثرملگی سئویوبدور. دنیا ساکن لری بیر کروان کیمی دیلر تا ایسته‌سه لر دینجلیسین لر، کروان آپاران سسلر کی: دورون بوکی باغلیون گئدک.

۴۱۶ - اوغلی حسن علیه‌السلام بویوردی: اوغلوم! دنیا دا ئوزوندن سونرایا بیرزاد ساخلاما نیه کی اونلاری، ئوزوندن سونرا بو ایکی نفردن بیرینه ارث قویا جاقسان.

- یا بیر نفر دیر کی او مالی تانری یولوندا ایشله‌دهر، سن قارابخت اولدوغون زاديله او آغ گونه چیخار... یا بیرینه یتیشر کی اللهین رضاسیندا ایشلتمز و سن ییغدیغین مال ایله، قاراگونه دوشر. اوندادیر کی سنده اونون گناهیندا ائل بیر سن و سنه یاراشماز کی بونلارین هئچ بیرینی ئوزوندن قاباغاچکه سن. بو سؤز بیر آیری شکیلده روایت اولوبدور. هر نه کی دونیادان سنین الینده وار، سندن قاباق ییه لری واریمیش و سندن سونرادا بیر آیری سینا یتیشه جاقدیر. سنده بیر آدامسان کی ایکی نفردن بیرینه ییغیر سان. یا او آداماکی تانری اطاعتینده ایشله‌ده جاقدیر. سن قاراگون اولدوغون زاديله او آغ گونه چیخاجاقدیر. یا او آداما یتیشه جاقدیر کی اللهین رضاسیندا ایشلتمز. بوردادیر کی اونا ییغدیغین مال ایله، قاراگونلی اولور سان. بونلارین هئچ بیر یی سنه یاراشماز کی اونلارین یوکون گوتوره سن. اودور کی ثولن لر اوچون اللهین باغیشلاماغینی اوموداول و قالان لارادا الله دان روزی

ایسته.

۴۱۷ - بیرسی اونون یانیندا «استغفرالله» دئدی. اونا بئله بویوردی: آنان سنه آغلا سین بیلیرسن استغفرالله ندیر؟ استغفار، شانلی مؤمن لرین مقامیدیر... اونون آلتی معناسی واردیر:

بیر - کئچمیش لره پشیمان اولماق.

ایکی - داها کئچمیش لره دونمه مک.

اوچ - جاماعاتین حاققینی وئرمک. تا تانری سنی پاک گورسون و ئوزین گناه لاردان سیلکه له نه سن.

دورد - خراب ائتدیگین واجب لری یثرینه گتیره سن.

بئش - حارامدن بیتن ات لرین، غصه دن اری سین ائله اولا کی دری سوموگه دایانیب ینی دن اءت گل سین.

آلتی - اطاعت آغری سینی وجودیوه ن دادیز دیراسان نئجه کی گناه لارین دا دینی آلمیسان. اوندادیر کی «استغفرالله» دییه بیلر سن.

۴۱۸ - دوزوملی اولماق عشیره کیمیدیر.

۴۱۹ - بو یازیق آدم ائولادی! ئولومی گیزلین، خسته لیگی گیزلین، ایشلرین حسابی یازیلار، بیر سینماق اونی اینجیده ر، بیر اودوم سو اونی بوغار، یا بیر آز نرله مک اونی قوخودار.

۴۲۰ - روایت اولوبدور، بیر گون او حضرت یولداش لاریله اوتورموشدی، بیر گۆزه ل قادین اونلارین یانلاریندان گئچدی. اوردا کیلار اونا گۆز تیکدیلر بئله بویوردی: بو ارککلرین گۆزلری هوس له باخیر وباخماقلار جوشقون لوق سببی اولور، سیزلردن هر هانسی بیر گۆزه ل قادینا گۆزی تیکیلسه وخوشی گلسه گره کدیر ئوز قادینی ایله اولسون چون ئوز آروادی دا اوقادین کیمی دیر.

خوارج لردن بیر کیشی دئدی: تانری بو کافری ئولدورسون نه گۆزه ل فقیه دیر! جاماعات دوردولار اونی ئولدورسونلر، بویوردی: ایشیز اولماسین، یامان سویله ینه یامان سویلرلر یا گناهیندان گئچرلر.

۴۲۱ - عاغيل دان سنه بو كفایتدیرکی آزقینلیق و دوزگونلوک یولونی گوستیریر.

۴۲۲ - خیر ایشلردن گورون و اونون آزینی دا کیچیک بیلیمین. گره کمز سیزلردن بیرى بونی سوبلییه کی آیری لاری بو ایشدن اوتری مندن لیاقتملی دبلر. آند اولا تانرییه کی بئله ده اولاندیر. چون خیره و شرّه ییه واردیر، یئرده قویسالار ییه سی اونى گوتوره جاقدير.

۴۲۳ - هرکیم ئوزگیزلین لرینی دوزله ده، الله دا اونون آیدین لارینی دوزه لدر. هرکیم دینه فیکر انده، الله دا اونون دونیاسینی دوزه لدر. هر کیم ئوزی ایله تانری آراسینی یاخشى لادا، الله دا اونولا آیریلارین آراسینی یاخشى لاندیرار.

۴۲۴ - صبر، بیر پرده دیر ئورتن، عاغيل بیر قیلیج دیر کسن، سنده صبر ائتمگیله عیب لرین گیزلت وهوسلی ایسته دیکلرین، عاغيل قیلینجی ایله ئولدور.

۴۲۵ - اللهین بیر بولوم قوللاری وارکی اونلارا مخصوص نعمت لر وئره تا آیری بنده لر اوندان فایدالانسین لار. او نعمت لری اونلارا تاپشیرار تا باغیشلاسینلار اگر باغیشلاماقدا دایانسالار، هامان نعمت لری اونلاردان آلیب آیری لارینا وئره.

۴۲۶ - بنده لره یاراشمازکی بو ایکی نئجه لیکه آرخیین اولسونلار: بیرى ساغلام اولماغی بیریده مالی چوخ اولماقدير. چون بیرینی چاغ بیلرسن اما، ببردن بیره خسته دوشر یا بیرینی وارلی تانیرسان کی اودا ببردن بیرده یوخسول اولار.

۴۲۷ - هر کیم ایسته مگینی بیر مؤمنه دئسه، ائله بیل کی تانرییه دئییدیر. اما بیر کافره دئسه، ایله بیل کی الله دان شاکی دیر.

۴۲۸ - بایراملارین بیرینده بویوردی: بو بایرام او آداملارین بایرامیدیرکی تانری اونون اوروجون قبول و نامازینا اجر وئریدیر. هر گون کی گناه اولونماسا، ائله اوگون بایرامدیر.

۴۲۹ - قیامت گونی بؤیوک حسرت چکک اودورکی، بیرى، مالینى حرام یولدان قازانا بیریده اوندان ارث آپاریب هامان مالدان تانری یولوندا باغیشلیا. او کیشی، باغیشلاماقدان بهشته گندهر، اما حارامدان قازانانین یئری جهنمدیر.

۴۳۰ - آداملار ایله آلیش وئریشده زیان گوره ن و چالیشماقدا اومودسوز اولان، او کیمسه دیرکی، جانینی مال اوچون چوروده ر و تقدیرلر اونولا دوز گلمز. اوندادیرکی حیف

سیلہ نیب، دونیادان گئدہر و او مالین و بالینی آخرتہ آپارار.

۴۳۱ - روزی ایکی جور دور: بیری سنی آختارار. بیریدہ سن آختارارسان. هر کیم دونیانی آختارسا، دالیندا نولوم واردیر. تاوونی دونیادان اثشیگہ سالسین. و هر کیم آخرتی سئوسہ، دنیا اونی آختارار تا روزی لرین چاندیرسین.

۴۳۲ - اللہین دوستلاری اونلاردیلارکی، دونیانین ایچہ ری سینہ و قالیمسیزلیغینا باخارلار. او زامانکی جاماعات، دونیانین اثشیگین گورہ رلر، بونلار اخیرینی دوشونرلر. او زامان کی جاماعات دونیانین ایندیسینہ باشلارین قاتدیلار و قورخدولار دنیا الیندہ ازلیسینلر، دونیانی ازدیلر. اما اونلاردان کی قورخورددولار بو تئزلیقدا اونلاری یالقیز قویسون، ال گوتوردولر. دونیادان آرتیق فایدالانماغی، اسگیکیک بیلدیلر. اونون نعمت لرینہ چاتماغی، اونون سعادتینی الدن وئرمک دوشوندولر. اونولا باریشانلاریلہ دشمان اولدولار. هابئله اونولاکی جاماعات دشمان بیلر، باریشدیلار اللہین کتابی اونلارین وجودی ایلہ، آیدین لاشدی. چون اونلار، تانری کتابینا هامودان بیلجی دیلر. قرآن کتابی اونلارین الیندہ دوروملی اولار. اونلاردا تانری کتابین کولگہ سیندہ، یاشارلار. اومودلاریندان آرتیق اومود بیلملر و اللہدان سوای هنج زاددان قورخمازلار.

۴۳۳ - بونی بیلین کی لذت لر قورتولاندی اما اونداکی گناهلارین اثری قالاندیر.

۴۳۴ - جاماعاتی سیناقا چک، سونرا دشمان اول! سیدرضی بویسورور: بعضی لری بو سؤزی پیغمبر (ﷺ) دن روایت اندیلر، اما اوکی دلیل دیر بو سؤز حضرت علی دندیر، «ثعلب» ین سوزودورکی، ابن اعرابی دن بیان اندیر: مأمون دندی: اگر بو سؤزی علی (ؑ) دئمہ سه ایدی، «سیناقا چک تا دشمان اولاسان» من دیردیم: دشمان اول. سونرا سیناقا چک.

۴۳۵ - بئله دگیل کی تانری شوکر ائتمک قاپوسون بیرینین نوزونہ آچا. اما نعمت لرین آرتیرماق یولونی باغلییا یا ایستہ بیش قاپوسون آچا اما قبول اولونما قاپوسون باغلییا.

۴۳۶ - جومرد لیک او آداملارا یاراشارکی جومردلر اونولا تانیالار.

۴۳۷ - او حضرت دن سوروشدولار: عدالت یا باغیشلاماق هانسی یاخشیدیر؟ بویوردی: عدالت، ایشلری اورا سالارکی یثریدیر و باغیشلاماق اونی یثریندن چیخاردار. عدالت

هامودان مغایات اولار. اما باغیشلاماق، باغیشلانان آداما فایدا وئره. اودورکی عدالت، باغیشلاماقدان شرافتلی دیر.

۴۳۸ - جاماعات ئوزادا دشماندیلا رکی بیلمز لر. (۱۷۲ده، دئیلیمیشدیر).

۴۳۹ - زهدین هاموسی قرآنین ایکی کلمه سینده دیر: تانری بویورور: «الیزدن گنده نه حیف سیله نیمیون، الیزه یتیشه نه ده، سئوینمیون» هر کیم گنچه جاغا غصه ائتمیه و گله جاغا سئوینیه، هر ایکی طرفدن زهده یاخیندیر. (حدید آیه ۲۳)

۴۴۰ - یوخی، گوندوز توتان تصمیم لرین چوخونی، اورتادان قالدیرار.

۴۴۱ - حکومت ائتمک، کیشی لر اورتاسیندا، بیر قوشوشما ساحه سیدیر.

۴۴۲ - بیر شهر او بیری شهردن سنه یاخشی اولایلمز. یاخشی شهر اودورکی اوندا، راحت یا شاییر سان.

۴۴۳ - ائله کی مالک اشترین ئولوم خبرینی ائشیتدی، بویوردی: مالک! مالک نه ایمیش؟ آند اولا تانرییه اگر داغ اولسایدی، او بیری داغلاردان آیری بیر داغیدی. اگر داش اولسایدی، هنج جانلوارین دیرناغی اونون باشینا چاتماز ایدی. هنج اوچان قوش، اونا قانساد سالا بیلمز ایدی. سیدرضی بویورور: داغلاردان آیری دوشن داغ! «فند» دیر لر.

۴۴۴ - داواملی آز، غصه لی چوخدان یاخشیدیر.

۴۴۵ - اگر بیرینده تعجب ائتمه لی بیر نئجه لیک گوردوز، اوناتای لاریدا گؤزله بین.

۴۴۶ - «غالب ابن صعصعه ابی الفرزدق» ایله دانیشاندا بئله بویوردی: او چوخلو دوه لرین، نه ائتدین؟

دندی: جاماعاتین حاققینی وئرمک، اونلاری داغیتدی!

بویوردی: بو داغیلماق، سئچیلیمیش یوللارین بیریدیر.

۴۴۷ - هر کیم دین حؤکملرین بیلمه میشدن آلیش وئریشه باشلاسا، فایز چیلیغا دوشر.

۴۴۸ - هر کیم کیچیک مصیبت لری بؤیوک بيله، تانری اونى بؤیوک مصیبتنه سالار.

۴۴۹ - هر کیمین نفسی کرامتلی اولدی، هوسلری، گؤزونده ذلیل اولار.

۴۵۰ - هنج کیم مزاح ائتمز مگر کی، عاغلیندان بیر آزین وئره.

۴۵۱ - سنی سئون آداما خوش ئوز نشان وثرمه سن، فايدا سيزدير و سنی سئوميه نه راغب اولسان، نفسين ذليل انديسن.

۴۵۲ - وارلی ليق و یوخسول لوق او زامان بللی اولارکی، تانرییه عرضه اولونا.

۴۵۳ - زییر هر زامان بیزلرین ایدی. تا او زامانداک کی اونون شوم اوغلی (عبدالله) اورتالیغا گلدی.

۴۵۴ - بو آدام اوغلی (اینسان)، نه اوچون ناز ائدیر؟ نه کی ازله نطفه ایدی. آخیره ده بیر قوخوموش مردار اولاجاقدیر. نه ئوزی روزی وثره بیلر، نه ده ئولومون قاباغینی آلا بیلر.

۴۵۵ - اوندان سوروشدولار: شاعرلرین یاخشیسی کیمدیر؟ بویوردی: شاعرلر بیر میدانا چیخمیوب لارکی سونا چاتسین یا آخیری بیلینسین. اگر بویولداقضاوت لازم اولسا، بو لقب او آزقین لار شاهینا یاراشار. سیدرضی بویورور: منظوری بوردا (امروء القیس) جاهلیت شاعری دیر.

۴۵۶ - آیا بیر آزاد فیکر ائدهن یوخدورکی بویگنینه آرتیقینی آغزیندان چیخاردیب اهلینه آتا؟ سیزلرین نفسیه بهشت دن سوی آیری قیمت یوخدور. اونی اوجوز ساتمیون.

۴۵۷ - ایکی تاماهجیل هنج زامان دویماز. بیر، علم ئویره نندیر بیریده مال بیغاندیر.

۴۵۸ - ایمان اودورکی دوزدانشاسان حتی سنین زیبانیوهن اولاک ی اگر، یالان دئسه ایدین، خیرین اولاردی. بیریده، دانشماغین بیلیمگندن چوخ اولمیه. بیریده، آیری لارین حاققیندا دانشاندا، الله دان قورخاسان.

۴۵۹ - اللهین تقدیری، اینسانین تدبیریندن، اوستون گلر. حتی سونی دوشونمگی خارابلار. (بو آنلامدا، آیری کلمه ایله قاباقدا، سؤزوئرلیمشدیر.)

۴۶۰ - صبر، دؤزماق، هر ایکسی بیر قاریندان دوغولوبلار. هر ایکسی، اوجا اراده دندیلر.

۴۶۱ - کیشی لرین دالیندا اونلاری پیسله مک عاجز آدامین ایشیدیر.

۴۶۲ - چوخ آداملار، جاماعات اونلارین حاققیندا یاخشی دانشماق اثرینده، آزقینلیغا دوشرلر.

۴۶۳ - دونیانی، دونیادان آیری لارینا یارادیلار، نہ دونیا اوچون. چون کی دونیا بیر کورپودورکی اونولا اخیرتہ گنچمک اولار.

۴۶۴ - بنی امیہ اوچون، بیر وول وثریلیبیدیرکی اونولا قاچیرلار. بودورکی ئوز اورتالاریندا اختلاف سالیلار و کفتارلار اونلارا آغیز آچیب توغلورلار. سیدرضی بویورور: بوردا مروت وول و فرصت وثرمک آنلادیر و بو بیر فصاحتلی و گوروکملی و شاشغی لی سؤزلردندیر. دئمک اولورکی او حضرت اونلارا وثریلن ایندی کی وولی بیر میدانا بنزه دیرکی آخیره دک قاچیرلار. اما آخیرینہ چاتارکن، ایشلرین نظامی اللریندن چیخار.

۴۶۵ - انصارلارین مدحینده: آند اولا تانریہ اونلار ایسلامی، نئجه کی بیر آت قولانین بسلرلر. سخاوتلی ال و کسگین دیل لرله بسله دیلر.

۴۶۶ - آچیق گؤز، مقعدین سیجیم و باغلیانیدیر. سیدرضی بویورور: بو بیر شاشغین استعاره دیر. ائله بیل کی، اوتوران پئر تولوخ و گؤزده اونون باغلی سیدیر ائله کی سیجیمی آچدیلا هر نه اولسا انشیگه توکولر. بو سؤز بیر حسابا پیغمبرین (ﷺ) بویوردوقلارینداندیر. بیر پارا آداملار اونى علی (ﷺ) دن بیلرلر. بومطلب کی «مبرد» «المقتضب کتابینده» بیان ائدیدی و بیزده بو کنایه نین حاققیندا کتاییمیز «مجازات الآثار النبویه» ده دانیشمیش ایق.

۴۶۷ - او حضرتین سؤزلرینده گلیدیر: اونلارا بیر نفر والی تیکیلدی. او، ایشین داواملاندیردی، صبر ائتدی تا دین، یثرینده اوتوردی.

۴۶۸ - بیرگون اولارکی جامعاتین گنچینه جگی چتین اولار. وارلی الینده کیلری محکم ساخلار. اما اونا بئله تاپشیرمیوبلار! تانری بویورور:

«ئوز اورتازدا بیر بیریزه باغیشلاماگی اونودمیون»

او زاماندا پیس آداملار، اوجا مقاما ال تاپارلار، اما یاخشی آداملار ذلیل اولارلار. مجبور حالدا، زواللی آداملارله آلیش وثریش ائده رلر. پیغمبر (ﷺ) بویوروبدور: زورلا چاره سیز اولان لاریله آلیش وثریش اولونماسین.

۴۹۶ - ایکی نفر منیم حاققیمدا ئولدولر: بیرى او یولداشدیرکی اندازادان آرتیق گئدیر،

بیریده او دشمنان کی یالان یتره قارایاخییر. بو سؤز بئله ده گلییدیر: ایکی نفر منیم حاققیدا تولدولر: افراط ائدهن یولداش، بهتان دئیب یالان سؤلین دشمنان.

۴۷۰ - توحید و عدالتدن سوروشدولار، بویوردی توحید اودورکی اونسی یانلیش سانمیه سن. و عدالتده اودورکی اونون شائینده اولمیسانلاری، اونا باغلامیه سن.

۴۷۱ - دانشمالی یتره دینمه سن، یاخشی دگیل. دینمین یتره دانشسان یاخشی دگیل.

۴۷۲ - یاغیش ایستین زامان، دؤعا ائدهنده بویوردی: الهی! منی آرام و سنین فرمانیندا اولان بولوتلاریله دوپور. او بولوتلاردان یوللاکی فرماندا اولارلار.

بو سؤزلرده عجیب فصاحت واردیر. نیه کی اوشاخان و سس سالان بولوتلاری، اویناقلیان و فرمان آپارمییان دوهلره بنزه دیرکی. یوکلرین سالیب مینیش وئرمز لر. اما یاغان بولوتلاری. آرام دوهلره بنزه دیرکی، راحت ساغارلار همده مینرلر.

۴۷۳ - او حضرت دئدی لر: نه اولاردی توکلریسه و بویا وورایدین؟ بویوردی: توکی خضاب ائتمک، بزه نمکیدر اما بیز هله عزا ساخلامیشیک. بوردا حضرت پیغمبرین دونیادان گئتمگینه اشاره ائدیر.

۴۷۴ - تانری یولوندا جهاد ائدهنین جزاسی، او آدامدان کی زاهدیدیر و زاهد قالایلر، آرتیق دگیل. یاخین دیر پاک و گناهاردان قاچان آدام، اللهین فریشته لریندن بیرى حساب اولسون.

۴۷۵ - سئوینمک بیر مال دیرکی توکنمز. بعضی لری بو سؤزلری حضرت پیغمبردن بیلیرلر.

۴۷۶ - چون زیادبن ابیهی، عبدالله ابن عباسین یئرینه، فارس و اونون قیراق شهرلرینه والی گونده ردی، اونى بیر ئوزین سؤزیله، زامانى چاتمیش خراج آلماقدان منع ائدی و بویوردی: ایشلرین عدالتله اولسون. ظلم ائتمه دهن کنار گز. نیه کی ظلم، جامعاتی سورگون سالار همده ظلم ائتمک، قلینجی اورتایا چه کر.

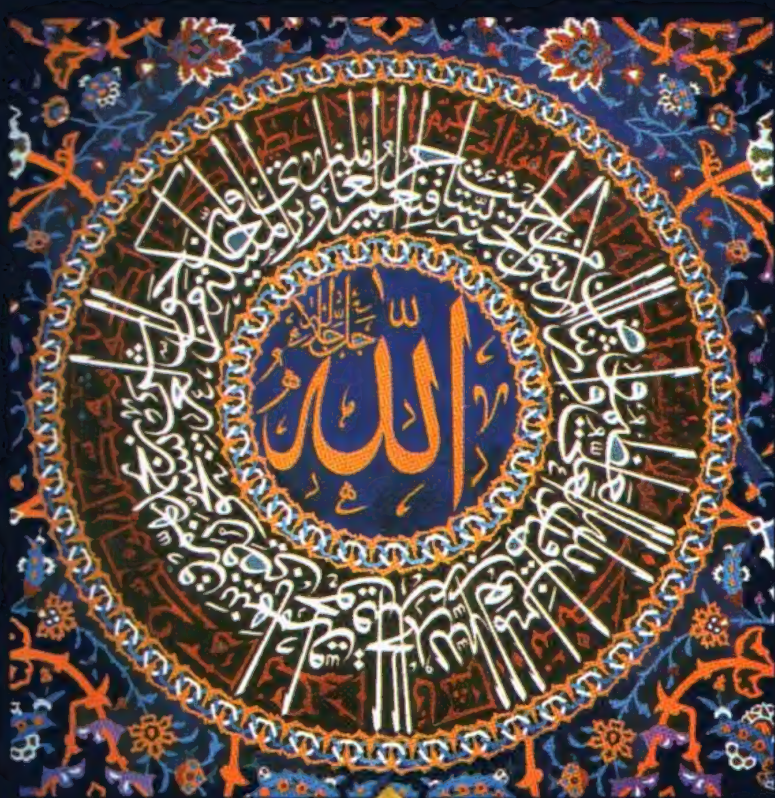
۴۷۷ - هامودان آغیر گناه اودورکی گناه ائدهن اونى یونگول توتا.

۴۷۸ - الله، بیلمین لرین بوینونا تکلیف گتیرمه دی کی ئویرنسن لر، اما بیلن لره تکلیف

اندىب كى بيلمىن لره ئوبره تىسین لر.

۴۷۹ - پىس قارداش او آدامدىركى اوندان اوترى زحمتە دوشە سن. سیدرضى بویورور:
طاقتدن آرتیق تكلیف، زحمتە سبیدیر و بو چتین لیگه، قارداش سبیدیر یعنی او، پیش
قارداشدیر.

۴۸۰ - او زامانكى پیر مؤمن قارداش، ئوز قارداشىنى غضب لندیدردى، ئوزیلە اونون
آراسیندا آیریلیق سالدی. سیدرضى بویورور: «حشمة و احشمة یعنی ائله كى اونى
غضب لندیدردى». اوتانیب و حشمة گلمگى اونون اوچون ایسته دى، داهای آیریلماق زامانیdır.
ایندى زامانى چاتییدیركى او حضرتین سئچیلیمیش سؤزلرینی بوردا بیتیره ك. او كى تانری
بیزه منت قویوب و توفیق وئردى، شوكر اندیریک. هر نه داغیتتى سؤزلر واریدی، بیر یئره
یغدیق، ئوزاقد اکیلاری یاخینا گتیردیک. عهدە میزه آلدیغیمیز کیمی هر بؤلومون آردیندا، نئچه
آغ و اراق قرار وئردیک تا اونودولان سؤزلری، تاپدیقجا اورا یازاق. شاید گیزلین سؤزلر
آیدینلاشا و ئوزاقد اولانلار اله گل سین لر. توفیق یالینیز الله دان دیر. اونا توکل ائده ریک او بیزه
کفایت ائده ر. نیه كى یاخشى وکیل دیر. ایندى رجب آیى و کوچرى تاریخدن دورد
یوزئیل گندیر. سلام اولسون پیغمبریمیز و آغامیز حضرت محمد (ﷺ) كى پیغمبرلرین
آخیرینجى سى و یاخشى یوللارا چاغیرانیdır. و سلام اونون پاک سؤلاله سینه و
یاردیم لارینا كى هدایت اولدوزلاری دیلار.



انتشارات دانش موسوی

تلفن: ۲۲۱۸۶۳۴ - ۵۱۱

همراه: ۹۱۵۱۳۱۳۲۷۷

قیمت: ۴۰۰۰ تومان